شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ، تاریخ جمهوری ۶۲/۱۰/۲۹
۱۳۴۶

بخش اطلاعات و تحقیقات اجتماعی واحد تحقیق و جمع‌آوری

عنوان: رئیس جمهور

کلید واژه ....

رئیس جمهور در جلسه شورایعالی ستاد انقلاب فرهنگی:

مدیریت دانشگاهها باید بااختیار کامل بدست یک مدیرعالم و صالح باشد

ستاد انقلاب فرهنگی در حضور حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهور تشکیل جلسه داد و به بررسی مسائل گوناگون دانشگاهها پرداخت.

در این جلسه که آقایان میرحسین موسوی نخست وزیر- دکتر نجفی وزیر فرهنگ و آموزش عالی- حجت‌الاسلام خاتمی وزیر ارشاد اسلامی- حجت‌الاسلام احمدی و آقایان سروش- شریعتمداری واعظزاده- معین و رحیمی اعضای ستاد انقلاب فرهنگی و همچنین مصطفی میرسلیم مشاور عالی رئیس جمهور حضور داشتند ابتدا آقای موسوی نخست‌وزیر طی گزارشی فعالیتهای ستاد پس از شکل گرفتن ترکیب جدید آن و برنامه‌های آینده ستاد و وضعیت فعلی دانشگاهها را ارائه داد.

بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی- سپس اعضای دیگر این ستاد نیز نظرات خود را در باره مسائل انقلاب فرهنگی ومشکلات کنونی دانشگاهها عنوان کردند. آنگاه آقای خامنه‌ای با تاکید بر کامل و مفید دانستن ترکیب فعلی ستاد انقلاب فرهنگی گفتند: دانستن نظر دانشجویان در مورد مجموعه‌ای که آنان را در بر میگیرد مفید خواهد بود واین ترکیب فعلی توانائی انجام وظایف ستاد را در آن حدی که امام وانقلاب از آن انتظار دارند خواهد داشت والبته اگر بخشهائی از ستاد از نظر کمی ضعیف هستند باید آن ضعف بر طرف شود. رئیس جمهور در ادامه سخنان خود با اشاره به مسئولیت و نقش عظیم ستاد انقلاب فرهنگی در حل مشکلات دانشگاهها تاکید کردند آنچه باید در امر اصلاح دانشگاهها تعقیب شود مصالح انقلاب است و لذا به هیچوجه تسلیم عواطف و احساسات نباید شد باید بیش از پیش توجه داشته باشید که دانشگاه برای انقلاب اهمیت بسیاری دارد واین ستاد در امر اصلاح و پیشرفت دانشگاهها در تمام زمینه‌های علمی و دینی نقش بسزائی داشته است وبالطبع فرهنگ و آینده درخشان مملکت نیز به آن بستگی فراوان دارد.

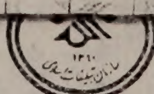
آقای خامنه‌ای در ادامه سخنان خود با تاکید برضرورت مدیریت علمی دانشگاهها افزودند: همانطوریکه حوزه علمیه نیز توسط یک شخص عالم اداره می‌شود مدیریت دانشگاهها نیز باید با اختیار کامل بدست یک مدیر عالم، صالح، عادل باشد و از سوی دیگر حضور انجمنهای اسلامی در دانشگاهها وظیفه‌ای است الهی که تضمین کننده بقای جو انقلاب در دانشگاههاست.

رئیس جمهوردرهمین رابطه افزودند: جهاد دانشگاهی نیز تجسمی خیلی خوب ازانقلاب است البته باید حدود وظایفش طوری باشد که با ستاد انقلاب فرهنگی، مدیریت دانشگاهها و وزارت فرهنگ و آموزش عالی نه تنها تعارض پیدا نکنند بلکه اصطکاکها نیز رفع شود.

رئیس جمهور در قسمتی دیگر از سخنان خود گفتند: موضوع علم گرائی در دانشگاه عیب نیست به علم باید بها داد یک عالم را باید برای علمش خواست و کار تحقیق را به او سپرد. باید موانع‌راز سر راه تحقیقات در دانشگاهها برداشت و بودجه لازم را برای آن تامین کرد و همچنین لازمست که حتی‌المقدور مشکلات رفاهی دانشجویان رفع شود.

رئیس جمهور در پایان سخنان خود ضمن اشاره به اینکه دانشگاهها باید از درون خود قدرت مصون کنندگی را داشته باشند و اهمیت حل مشکل گزینش اشاره کرد و راهنمائی‌هائی در این رابطه ارائه دادند.

عنوان:



شماره مسلسل .... کلید واژه

ماخذ: تاریخ جمهوری ۱۲۱۸ ۶۳/۹/۲

بخش اطلاعات و تحقیقات اجتماعی واحد تحقیق و جمع آوری

نخست وزیر در جلسه ستاد انقلاب فرهنگی:

منزلت اجتماعی استاد و دانشگاه باید تثبیت شود

ستاد انقلاب فرهنگی هفته گذشته بریاست آقای میرحسین موسوی نخست‌وزیر تشکیل جلسه داد. دراین جلسه که روسای دانشگاهها وموسسات آموزشی عالی سراسر کشور حضور داشتند مسائل ومشکلات مدیریتهای دانشگاهها مورد بحث وتبادل نظر قرارگرفت.

بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی دراین جلسه ابتدا روسای دانشگاهها ضمن تشریح مسائل دانشگاههای مربوطه، مسائل کلی مدیریتهارا طرح ومشکلات موجود دراین زمینه را بازگو کردند.

آنگاه اقای موسوی ضمن تشریح طرح هیات رئیسه دانشگاهها اظهار داشت: یکی از راههائی که درآینده خواهیم داشت ارتباط معقول حرکتهای دانشگاهی با مساله مدیریت است و ایندو بصورت یک جریان منسجم ومرتبط باهم باید حرکت کنند. آقای موسوی گفت درآینده دردانشگاهها شاهد یک حرکت عظیم علمی سیاسی واجتماعی خواهیم بود که بسیار موثر خواهدبود بهمین دلیل است که اختیار دانشگاهها باید بدست نیروهای اسلامی باشد ونظارت نظام جمهوری اسلامی بطور همه جانبه بر دانشگاه ادامه یابد. نخست‌وزیر درادامه سخنانش به نقش تشکلهای اسلامی اشاره کرد و اظهارداشت: آن نهادیکه بطور طبیعی وبراساس ضرورتهای انقلاب فرهنگی زاده وپخته شده وازدرون انقلاب جوشیده است به بهترین وجه می‌توانند خط اسلام وانقلاب را دردانشگاهها حفظ کنند. وامروز: آنچه دردانشگاه بازوی انقلاب وسایر مدیریتها است حرکت گسترده دانشجویی است که مثل یک موج بزرگ میتواند تحول ایجاد نماید.

آقای موسوی بااشاره به زیادمرویهائیکه گاهی ازاوقات در دانشگاهها بنام نهادهای انقلابی شده آنرا محکوم کرد وافزود: باید درجامعه منزلت اجتماعی استاد دانشگاه تثبیت شود وهمین مسئله جاذبه‌ای برای جذب نیروهای متخصص ومتعهد بوجود خواهدآورد.

وی اضافه کرد براساس آئین‌نامه‌ای که میتواند بتصویب ستاد انقلاب فرهنگی برسد باهرتخلف وزیادمروی مقابله خواهد شد ومایقین داریم مجموعه اساسنامه مدیریت و اساسنامه جهاد دانشگاهی این نهاد را درطول مدیریت قرارمیدهد وآنرا بصورت بازویی جهت نیروهای اسلامی ومدیریت داخل دانشگاهها درمی‌آورد.

نخست وزیر ضمن برشمردن مشخصات اساسنامه مدیریت وجهاد دانشگاهی گفت: نمی‌توانیم بگوئیم این اساسنامه ها هیچ نقصی ندارند واین نوع گفتگو ها بین ستاد انقلاب فرهنگی روسای عزیز دانشگاهها ونیز تجربه میتواند موارد قوت وضعف این نهاد را آشکار سازد وطبیعی است که ستاد بااین موضوع بصورت منطقی برخورد نماید.

نخست وزیر درخاتمه اظهار امیدواری کرد که جلسه‌ای دیگر برای بحث مفصل تر درمورد مسائل دانشگاهی تشکیل شود.

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ، تاریخ کیهان ۶۲/۹/۱۶
۱۲۰۳۲



عنوان: ویژگیهای گزینش و جذب استاد در دانشگاهها

کلید واژه ....

سرویس فرهنگی کیهان- و تحقیقات اجتماعی واحد تحقیق و جمع آوری

طی دو سال فعالیت دفتر گزینش استاد ستاد انقلاب فرهنگی حدود ۴۳۴۷ درخواست از سوی اساتید به این دفتر رسیده که ۱۴۳۹ پرونده مورد تأیید اخلاقی قرار گرفته و ۵۶۵ تن از آنان به تصویب نهایی اخلاقی وعلمی رسیده‌اند.

حجت‌الاسلام عباس محفوظی دبیر شورای گزینش استاد ستاد انقلاب فرهنگی به همراه مهندس فتح‌اله امی مسئول این دفتر ودکتر محمد فرهادی یکی از اعضای شورای مرکزی گزینش استاد در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت وپیرامون اهداف، مشکلات وفعالیتهای انجام شده این دفتر مطالبی بیان کردند.

ابتدا حجت‌الاسلام محفوظی درباره نحوه تشکیل این دفتر گفت: براساس نامه‌ای که اواخر تابستان ۶۰ از سوی ستاد انقلاب فرهنگی به جامعه مدرسین ارسال وتقاضای تعیین نماینده‌ای جهت گزینش استاد کرده بود اینجانب وآقای دکتر اسرافیلیان جهت انجام این مهم انتخاب شدیم. که البته برادر اسرافیلیان بعداز چندی به جهاتی در جلسات شرکت نکرده ومن به اتفاق سایر اعضاء به کار مشغول شدیم.

کار ما در این دفتر طبق ضوابطی که از سوی ستاد انقلاب فرهنگی تهیه وتصویب شده بود انجام می‌گرفت واز نظر اخلاقی پرونده‌ها را بررسی می‌کردیم وبا تحقیق از منابع موثق وبا نظریه معرفهای متقاضی، راجع به صلاحیت شخصی برای تدریس در دانشگاه تصمیم می‌گرفتیم.

وی افزود: البته افراد متقاضی از دو جنبه علمی و اخلاقی مورد رسیدگی قرار می‌گرفتند. لذا پس از آنکه صلاحیتهای اخلاقی آنها تأیید می‌شد پرونده به کمیسیونهای تخصصی علمی ارجاع می‌شد که دراین دفتر ۵ بخش پزشکی، علوم پایه، علوم انسانی، کشاورزی وفنی ومهندسی تشکیل شده بود ودر هر کدام از این بخشها تعدادی از افراد ذیصلاح در ورد صلاحیت‌های علمی متقاضی نظر می‌دادند.

دبیر شورای گزینش سپس یادآور شد: قبل از آنکه هیاتهای گزینش بفرمان حضرت امام، رهبر انقلاب اسلامی، منحل شوند جلسات ما بطور مرتب روزهای دوشنبه وچهارشنبه، در ستاد و یا جهاد دانشگاه تشکیل می‌شد.

و کارها خیلی پیشرفت کرده بود و بعد از تشکیل مجدد هیاتهای گزینش، باوجود عدم تمایل من به ادامه کار، دوباره از سوی جامعه مدرسین ماموریت یافتم کار را دنبال کنم.

جذب استادان خارج از کشور

دراین مرحله تصمیم گرفته شد علاوه برگزینش از میان اساتید حاضر درکشور، هیاتهایی جهت جذب ایرانیان مقیم خارج، اعزام شوند. دو هیات ۵ و ۶ نفری به اروپا و آمریکا رفت که درهر هیات چند تن از اساتید صاحبنظر به همراه و سرپرستی یک روحانی حضور داشتند.

اینجانب نیز درهیات اعزامی امریکا حضور داشتم که توانستم درطی اقامت خود به نتایج جالبی دست پیدا کنیم.

دراین سفر که ۴۴ روز بطول انجامید توانستیم با ۱۲۰ نفر از ایرانیان مقیم آمریکا قرارداد ببندیم که این اساتید در دانشگاههای اصفهان، شیراز، تهران، گیلان و کرمان مشغول کارند.

وی سپس درمورد اقدامات انجام شده شورای گزینش استاد گفت: از ابتدای کار این شورا تاکنون ۴۳۴۷ تقاضا ارائه شده است از این تعداد ۱۴۳۹ پرونده از نظر اخلاقی تصویب شده که ۵۶۵ نفر قبول اخلاقی و علمی شده‌اند و این عده نیز ۴۵۰ نفرشان حکم استخدام دریافت کرده‌اند ۱۱۵ نفر بقیه نیز بزودی برایشان حکم صادر می‌شود.

هم چنین ۱۳۲ نفر از نظر علمی و ۴۳۳ نفر از نظر اخلاقی رد شده‌اند و ۱۷۱ تن نیز اگر چه از نظر اخلاقی تایید شده‌اند ولی درمصاحبه علمی حضور نیافته‌اند. ۹۱ پرونده هم راکد است چون پایان خدمت نظام وظیفه نداشته ویا مدارک تحصیلی آنها کمتر از فوق‌لیسانس بوده است.

ضمناً ۱۰۰۳ پرونده نیز تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته و ۱۲۴۵ نفر هم یا منصرف شده‌اند و یا درمراحل اولیه اخلاقی و علمی مردود بشمار آمدند.

حجت‌الاسلام محفوظی آنگاه به کیفیت و دلیل طولانی شدن نتایج گزینش‌ها اشاره کرد وگفت: گاهی برای تحقیق مجبوریم از دانشجویانی که در خارج از کشور هستند سئوال کنیم شش ماه طول می‌کشد. همچنین به لحاظ مسئولیت شرعی موضوع باید خیلی دقت کنیم تاخدای نکرده درباره کسی که حکم ورود یامنع رووده به دانشگاه می‌دهیم و سهو وسهلی نکرده باشیم که در پیشگاه خدا مسئول هستیم.

این نکته راهم باید در مورد نتایج حاصل از رسیدگی به پرونده‌ها اضافه کرد تعدادی از افراد هستند که تقاضا فرستاده‌اند و از نظر علمی واخلاقی هم تائید می‌شوند ولی هنگام تعیین محل خدمت مشکل ایجاد می‌شود وگروهی حاضر نیستند غیر ازتهران یا شهرهای بزرگ، خدمت کنند واین از عهده اختیارات این شورا خارج است زیرا ما تنها وظیفه بررسی صلاحیت‌های علمی واخلاقی را داریم که نتیجه را به ستاد انقلاب فرهنگی ارائه می‌دهیم وستاد نیز به وزارت فرهنگ و آموزش عالی ابلاغ می‌کند واین وزارتخانه است که باید محل خدمت را تعیین کند و اساتید رابه تمام دانشگاههای کشور معرفی کند.

گزینش از طریق تربیت مدرس

سپس مهندس فتح‌اله امی مسئول دفتر شورای گزینش، چگونگی مراحل کارگزینش استاد را تشریح کرد وگفت: کار تامین نیروی انسانی هیات علمی دانشگاهها علاوه بر گزینش مستقیم، از طریق مدرسه تربیت مدرس نیز صورت می‌گیرد که در دو دوره تاکنون اینکار انجام شده است.

دوره اول که سال ۶۱ اجرا شد حدود ۸۰۰ نفر برای رشته‌های گروه علوم انسانی شرکت کردند و ۱۳۵ نفر از آنان پذیرفته شدند.

دوره دوم نیز در دو مرحله برگزار شد که ابتدا برای گروههای علوم تجربی، شامل فنی، مهندسی، پزشکی، کشاورزی و علوم پایه در اردیبهشت سال جاری ۳۵۰۰ نفر داوطلب شدند. از این عده مجموعاً اسامی ۵۱۵ نفر (در دوسری ۳۷۲ و ۱۴۳ نفری) اعلام شد.

وی افزود: ۳۷۲ نفر سری اول

*** کار تامین نیروی انسانی هیات علمی دانشگاهها، علاوه بر گزینش مستقیم، ازطریق مدرسه تربیت مدرس نیز صورت می‌گیرد که در دودوره تاکنون اینکار انجام شده است.**

*** از ابتدای کار این دفتر تاکنون از بین تقاضاهای رسیده از سری استادان جهت تدریس در دانشگاهها، صلاحیت اخلاقی و علمی ۵۶۵ تن به تصویب رسیده است**

درحال حاضر کلاسهای مقدماتی راطی می‌کنند که شامل دودرس تخصصی ویک درس عمومی است وپس ازپایان دوره امتحان می‌دهند درصورت موفقیت به عنوان قبولی نهایی شناخته خواهند شد. هم چنین ۱۴۳ نفر سری دوم نیز دربهمن ماه امسال به کلاس خواهند رفت.

ضمنا مرحله دوم این دوره هم درمرداد ۶۲ برگزار شد که طی آن ۴۵۰۰ نفر در ۸۰ رشته شرکت کردندواسامی پذیرفته شدگان دربهمن ماه اعلام خواهد شد

اهداف شورای گزینش

درادامه این مصاحبه حجت الاسلام محفوظی دربیان مهمترین اهداف شورای گزینش که پس از انقلاب و انقلاب فرهنگی عده‌ای ازاساتید دانشگاهها که صلاحیت علمی یااخلاقی نداشتند پاکسازی شدندویا ازایران فرار کردند.و گروهی نیز بازنشسته شدند. درنتیجه دانشگاهها باکمبود استاد مواجه شدند.لذا گزینش استاد تشکیل شد. تااین خلاء راپر کنندودراین راه تلاش زیادی نیز صورت گرفته است.

دکتر محمد فرهادی یکی ازاعضای شورای مرکزی گزینش استاد نیز درقسمتی ازاین مصاحبه پیرامون مشکلات شورای گزینش وراه حلهای کوتاه مدت برای تامین استاد موردنیاز دانشگاهها گفت: یکی از مشکلات ما، وجود آندسته ازمتقاضیان است که صلاحیت علمی واخلاقی ندارند وپرونده آنها دربررسی رد می‌شود. سپس به مقامات مختلف نامه پراکنی می‌کنند که سه سال است درخواست داده‌ایم وهنوز رسیدگی نشده است.

مساله دیگر دررابطه باحقوق وموقعیت فعلی اساتید دانشگاه است دانشگاه برای استاد دربدواستخدام حداکثر ۸ هزار تومان می‌دهد درحالیکه همان استاد چنانچه جذب بخش صنعتی شود گاهی تا ۳۰ هزار تومان درآمد ماهانه خواهد داشت.وطبیعی است درمقایسه این دورقم کمتر کسی جذب دانشگاه خواهد شد.

هم چنین مساله قد است واحترام استاد دردانشگاه نیز باید حفظ وبه اوبر گردانده شود. واین نکته راباید تذکر داد که ممکن است حقوق فعلی اساتید در مقایسه با حقوقهای دیگر کارمندان کم نباشد و ما نیز معتقد به اضافه کردن آن نیستیم ولی از جنبه‌های رفاهی و تأمین امکانات زندگی، مسکن و مایحتاج خانواده آنها می‌توان و باید اقدامی کرد.

مهندس امی مسئول دفتر گزینش اسناد در پایان یادآور شد: یکی از اقدامات مهم این شورا، تعیین نمایندگانی است که در اروپا و آمریکا مسئول جذب ایرانیان خارج از کشور شده‌اند.

در سفری که هیات‌های اعزامی شورای گزینش به آمریکا و اروپا داشتند نمایندگانی را تعیین کردند تا روی دانشجویان ایرانی در دوره‌های فوق‌لیسانس و دکترا تحقیق کند تادرصورتیکه این افراد در ششماه پایانی تحصیلاتشان، داوطلب استخدام در کادر علمی دانشگاههای ایران هستند. پرسشنامه‌ای برای آنها ارسال و از ایشان دعوت شود.

JOB 396
JOB 396
JOB 396
JOB 396
JOB 396



شماره ردیف ________ عنوان: با هر چه مزاحم تحصیل در دانشگاه می‌شود مبارزه کنید

شماره مسلسل ________ موضوع: ملاقات رئیس مجلس در دیدار با وزیر فرهنگ و آموزش عالی و اعضاء هیئت بدوی و تجدید دانشگاهها و مدارس عالی پیرامون اشاره به فرامین اخیر امام و اوضاع دانشگاه در دوران انقلاب و تذکر به دانشجویان برای بهبود اوضاع دانشگاه

مأخذ: تاریخ جمهوری ۲۰/۱۰/۶۱ شماره ۱۰۴۷

(آرشیو)

با هر چه که مزاحم تحصیل در دانشگاه می‌شود مبارزه کنید



آقای محمد علی نجفی وزیر فرهنگ و آموزش عالی به اتفاق اعضای هیئتهای بدوی و تجدید نظر دانشگاهها و مدارس عالی شب گذشته با حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ملاقات کردند

در این ملاقات ابتدا نماینده نخست وزیر در هیئت عالی نظارت بر قانون باز سازی دانشگاهها از نحوهٔ عملکرد هیئتهای بدوی و تجدید نظر دانشگاهها و مدارس عالی گزارش کوتاهی را ارائه داد.

وسپس حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی طی سخنانی به فرامین اخیر امام امت اشاره کردند و گفتند: در آنچه که امام فرمودند نقاطی که ابهام داشته باشد به چشم نمی‌خورد کسی هم نباید در صدد تفسیر فرامین امام در جهت خاصی باشد و نخواهد بود.

اعتقاد همه ما این است که نظرات امام موبمو اجرا شود روح دستورات اخیر امام این است که وضع جامع ما اکنون بحدی از انسجام رسیده که بعضی از جراحیها که نیاز گذشته بود حالا به آن نیازی نداریم. در گذشته دشمنان انقلاب امیدهای کاذبی داشتند و خیال می‌کردند آینده این جمهوری اسلامی نخواهد بود و سعی می‌کردند برای اهدافشان راهی پیدا کنند و یکی از راههاتخریب و سوء استفاده از ارگانهای رسمی کشور بود.

ما شاهد وضع دانشگاهها بوده‌ایم و دیده‌ایم که این همه عناصر فاسد پس از پیروزی انقلاب چه کرده‌اند آنها خیال می‌کردند که وارث انقلاب هستند با حرکتهای ناصحیح خود مجال تفکر به نیروهای مسلمان انقلابی در محیط دانشگاهها نمی‌دادند. اساتید بجای درس دادن جزوات سیاسی را برای اهداف سیاسی خودشان تبلیغ می‌کردند لذا در آن شرایط حرکت خاصی لازم بود که خود دانشگاهها انجام داده‌اند و از طرف امام و مسئولین نیز مورد تأیید واقع گردید اما آنچه که امام امروز ما را هدایت می‌کند این است که مبادا ما با روحیه گذشته با قانون برخورد کنیم که یک وقتی در خیلیها سوء ظن حاکم بود که الزاماً می‌بایست در مورد او عمیقاً تحقیق می‌شد تا مبادا یک مفسدی خطرآفرین باشد و در همین حال امام سخنی نمی‌گفتند اما تفتیش عقاید مردم بمعنی که در خیلی از موارد اجرا شد مخالف حکم اسلام است و نفوذ کردن به عمق زندگی افراد برای کشف صلاح و فساد اشخاص موافق اخلاق اسلامی و حسن ظن نیست. البته وقتی که بر جامعه فساد حاکم شد اصل حسن نظر نمی‌تواند بر جامعه حاکم باشد حسن ظن در محیط سالم باید رایج باشد نه در محیط جامعه آشفته.

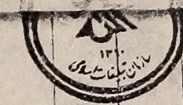
رئیس مجلس شورای اسلامی خطاب به هیئتهای بدوی و تجدید نظر تأکید کردند و افزودند وقتی که به مسئله تحصیل در دانشگاهها برخورد می‌کنیم امام از شما این را می‌خواهد که دانشگاهها محیط تحصیل باشد نه محیط آلوده کردن دانشجویان و شما باید با هرچه که مزاحم تحصیل می‌شود مبارزه کنید و جلوی آن را بگیرید.

ما باید به مراجعین با معیارهای اسلامی برخورد کنیم زیرا حفظ آرامش خاطر جامعه واطمینان و امنیت مردم درمراجعه به این ارگانهای تشخیص دهنده. بسیار مهم است ومردم مقابل معیارها و قوانین اسلامی باید اطمینان خاطر پیدا کنند واین روح خاص امام است.

ودرمورد اشخاص ماحالت انتقام نداریم ونظر جمهوری اسلامی انتقام ازاشخاص نیست وامام هم ازاین مطلب نگران بودند روح گذشت وعفو باید درتصمیم‌گیریهای ما درمورد افراد حاکم باشد البته کسی نمی‌خواهد قانون مخدوش بشود ونیز امکان خوب شدن ودرس خواندن از افراد گرفته بشود وکسی مایل نیست که محیط دانشگاه بخاطر سهل‌انگاری ها دوباره میدان تاختوتاز مفسدین قرارگیرد وافکار غیراسلامی وانقلابی وضدمردمی خودشان را بخواهند دوباره دردانشگاهها رواج دهند واین نمی‌تواند وجودداشته باشد ما باید دربرخورد با افراد روحیه عفو وگذشت داشته باشیم ودرتحقیق نیز جامعه کنونی ما نیاز به تجسسهای گذشته را ندارد و امام اصل اسلامی بودن محیط را خواسته‌اند ازویژگیهای امام وخصوصیات رهبری این است که رهبر صالح درلحظات مناسب تصمیمات مناسب را اتخاذ کند واین مهمترین عنصر رهبری درهدایت است ودرست درمقطعی که درحال بازکردن دانشگاهها وبرگزاری کنکور هستیم وانتخابات نیز با حضور فعال مردم برگزارشده است امام فرامین خودرا صادر کردند ودراین شرایط دشمنان نمی‌توانند برای کم کردن ارزش این فرامین به آن اتهام فرصت طلبی ورنگ سیاسی بزنند زیرااین فرمان یک حرکت انسانی درموقع لازم و درشرایط درست ازسوی رهبری است.

۱۰

شماره مسلسل



موضوع : سخنان هاشمی رئیس مجلس در دیدار با جامعه اسلامی دانشگاهیان

ماخذ ، تاریخ اطلاعات ۶۱/۸/۱۵ ۱۶۸۶۰

«آرشیو»

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در دیدار با جامعه‌اسلامی دانشگاهیان :

برای خودکفاکردن مملکت و تعلیم علم و معارف اسلام باید بسیج شویم

آقای جاسبی دبیر جامعه اسلامی دانشگاهیان عصرروز پنجشنبه همراه با شورای نمایندگان جامعه‌اسلامی‌دانشگاهیان ایران با آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای‌اسلامی دیدار و گفتگو کرد .

ابتدا آقای دکتر جاسبی خلاصه‌ای ازفعالیت‌های جامعه اسلامی دانشگاهیان ایران در طول چهار سال گذشته و قبل از انقلاب اسلامی در رابطه با رژیم گذشته و ضد انقلاب در دانشگاه‌ها ، بعد از پیروزی انقلاب و نقش فعالیت آن در انقلاب فرهنگی و مسئولیتهائی که اعضای دانشگاه در کل جامعه دارد و همچنین شهدائی که این جامعه به انقلاب‌تقدیم کرده و اعلام آمادگی برای کمک به شروع کار دانشگاه‌ها را به اطلاع آقای هاشمی رفسنجانی رساند . آنگاه آقای‌هاشمی رفسنجانی طی سخنانی اظهار داشت : بحمدالله شما با کمک و فداکاری نیروها موفق شدید کم‌کم سررشته‌کار دانشگاه‌ها را از دست کسانی که اگر با همان شیوه اوایل انقلاب عمل میشد تحقیقا مسیر انقلاب را عوض می‌کردند بیرون آورده و آنرا در دست خود بگیرید . آقای رفسنجانی با اشاره به این نکته که امروز کم‌وبیش مطمئن هستیم که در این مقطع حساس سازندگی نیروها دراختیار افراد متعهد و دلسوز انقلاب است گفت دانشگاه روزهای اول انقلاب با عناوین مختلفی که چهره‌های دانشگاهی طاغوتی بدعت کرده بودند و با لفظهای ذهن پرکن می‌رفت تا سبب انحراف در مسیر انقلاب اسلامی گردد و این افراد خودشان را طلبکار از همه‌کس و همه‌جامعه می‌دانستند درصورتی که هرچه بوداز مردم مسلمان و بنام قرآن و اسلام بود . آقای هاشمی رفسنجانی در ادامه سخنان خود افزود به خواست خدا و با حمایت مردم و رهبر کبیر انقلاب و کمک شما برادران متعهد در آستانه افتتاح دانشگاه‌ها هستیم شاید می‌توان‌گفت این افتتاح تولد جدیدی برای دانشگاه‌ها است وی افزود :

حالا به نقطه‌ای رسیده‌ایم که اگر مسلمانهای متعهد خوب کار کنند مدیریت مقطع تحصیلات دانشجوئی و تحقیقات علمی‌را در مملکت داشته باشند و هدایت بکنند چون در حقیقت هدایت بخش عظیمی از کشور و آینده انقلاب می‌باشد . آقای رفسنجانی افزود ضد انقلاب و رسانه‌های خارجی با سروصدا ما را متهم کردند که ضد علم هستیم درصورتی که اسلام بهتر از هریک از مکاتب موجود طرفدار علم و دانش است ما باید از حیثیت اسلام عملا دفاع بکنیم با این همه تبلیغاتی که از طریق هزاران روزنامه و صدها رادیو همه روز مطالبی مبنی بر تعطیل دانشگاه‌ها در ایران و متهم کردن ما به ضد علم میشود نباید فقط به حرف اکتفا کنیم باید از این تهمتی که بما زده میشود که درحقیقت به اسلام می‌زنند عملا دفاع کرده و سعی کنیم تا تبلیغات مغرضانه آنها را خنثی نمائیم ما تعطیلات دانشگاه‌ها را نه‌تنها باید جبران بکنیم بلکه گام‌های موثرتری باید برداریم باید ایران‌رابصورت مراکز علمی دربیاوریم که دانش‌طلبانی که نخواهند آلوده شوند به ایران سفر کنند تا در خطر جذب مطامع استعمار فرهنگی قرار نگیرند . تا آنجائی که دولت ظرفیت و امکانات دارد باید در این جهت استفاده بکنیم و استعدادها رانگذاریم از بین برود . برای خودکفا کردن مملکت و تعلیم علم و معارف اسلام باید بسیج بشویم . آقای هاشمی رفسنجانی درمورد دانشگاه آزاد یادآور شد کـــه در کنار حرکتهای دانشگاهی میتوان مراکزی را بوجود آورد که مرکزتحقیقات و کسب دانش نامحدود باشد .



شماره ردیف:

شماره مسلسل:

سازمان تبلیغات اسلامی

مصاحبه روزنامه نگار آلمانی با
عنوان: دکتر عبدالکریم سروش درباره
انقلاب فرهنگی
مأخذ: کیهان ۱۱۵۰۸

تاریخ: ۲۵ / ۱۱ / ۶۰

موضوع: انقلاب فرهنگی ایران

(آرشیو)

مصاحبه روزنامه‌نگار آلمانی با دکتر عبدالکریم سروش درباره انقلاب فرهنگی ایران

※ انقلاب فرهنگی در چین در حقیقت مساله‌ای‌سیاسی بود برای بیرون راندن یك‌گروه سیاسی و به‌قدرت نشاندن گروه سیاسی دیگر وبعدهم انحراف پیدا کرد واکنون نیزبسیاری از اولیای‌امور چین از انقلاب فرهنگی خودشان پشیمان هستند.

※ اساسا جریان انقلاب فرهنگی در ایران یك‌جریان ضد بوروکراتیك بود.

خانم آنت نی‌مامیر رئیس دفتر خبری روزنامه دی‌نوی چاپ برلن که در امور سیاسی ایران مشغول تحقیقات‌میباشد و تازگی به همراه میهمانان خارجی دهه فجر به ایران آمده است در محل هتل استقلال مصاحبه‌ای با آقای دکتر عبدالکریم سروش عضو شورای ستاد انقلاب فرهنگی به عمل آورده است که کیهان بخش مهمی از این مصاحبه را به نظر خوانندگان محترم میرساند.

آقای دکتر عبدالکریم سروش در مورد نقش‌دانشجویان در انقلاب فرهنگی در این مصاحبه اظهار داشت که: یکی از بازو های اصلی پیشبرد و سازمان دادن به انقلاب فرهنگی دانشجویان هستند. الان، هم در کمیته های برنامه ریزی تخصصی ما که اساتید هستند دانشجویان هم هستند و هم در جهاد دانشگاهی که بازوی ستاد انقلاب فرهنگی‌است‌و در حقیقت مجری اندیشه‌ها و کارهای ستاد در دانشگاههاست. حجم عمده و اصلی جهاد دانشگاهی را دانشجویان تشکیل می‌دهند و درمسائل دیگری مثل ستاد امور اجرائی حتی در خود وزارت علوم در تمام این جاها دانشجویان بطور کامل همکاری دارند.

روزنامه‌نگار آلمانی: شما در طرح این انقلاب فرهنگی در دانشگاهها، از سوابق تاریخی مثل سوابق تاریخی‌انقلاب فرهنگی مائوتسه‌تونگ در چین استفاده کرده‌اید یا نه؟

دکتر سروش: نه اصلا یعنی حقیقت مساله این است‌که نه شرقی و نه غربی واقعا به‌معنای واقعی آن در اینجا جریان دارد. ما نمی‌خواستیم و حتی نمی‌توانستیم این‌کار را بکنیم. و به‌فرض اگر کسانی‌هم پیدا می‌شدندکه میخواستند از آنجاها الهام بگیرند، مقبول واقع نمی‌شد. بعلاوه اینکه ما فکر نمی‌کنیم که اصلا انقلاب فرهنگی چین دست‌آورد زیادی هم داشته باشد که ما بخواهیم از آن‌ها بگیریم. در حقیقت ما اینرا به استادان و دانشجویان خودمان در سخنرانی ها و بحث‌ها تفهیم کرده‌ایم که ما در این انقلاب فرهنگی صددرصد بدون الگو بوده‌ایم وازبیرون هیچ‌الگویی نگرفته‌ایم؛ بلکه یك قایق داشتیم که روی آب میرفت و خودمان آن را تعمیر کرده‌ایم و خورده خورده جلو رفتیم. ما البته اساتیدی داشتیم که رفتند چین را هم مطالعه کردندومسائل‌دانشگاهی‌آنرا گزارش دادند. اینهادرجای‌خودش بوده ولی همانطور که می‌دانیم در چین انقلاب فرهنگی مساله‌ای بود که اولا انحراف یافت و در درجه اول یك مساله سیاسی بود برای بیرون راندن یك گروه سیاسی و به قدرت نشاندن گروه سیاسی دیگر. بعد هم انحراف یافت و اکنون نیز بسیاری از اولیای امور چین از این امر پشیمان هستند به علت سوء رفتاری که داشتند، و به سرعت هم گرایش آمریکا در آنها مشهود است. اینجا ما در حقیقت نه اصلا از الگوهای آنان درس گرفتیم ونه اینکه فکر می‌کردیم که اصلا چیز زیادی‌برای عبرت آموزی درکار آن‌ها باشد که بخواهیم از آن‌ها بگیریم. درحقیقت آنچه که اینجا راهنمای ما بود روش کلی انقلاب‌مملکت‌و جهتی که داشت بود و همه کوشش ما هم‌جهت کردن دانشگاهها بود با این انقلاب توده‌ای مردم. و بیش از این چیز دیگری نیز در کار نبود.

خبرنگار آلمانی: من در این صحبت هایی که شد مطالبی در باره تداوم انقلاب شنیدم. کسانی هستند که برای پیاده کردن اهدافی که ستاد انقلاب فرهنگی برای خودش مشخص کرده دارای خصلت های بوروکراسی هستند یااینکه می‌خواهند جریان بوروکراسی را دوباره در دانشگاهها به وجود آورند آیا برنامه‌ای برای جلوگیری از این امر دارید؟

دکتر سروش: تعریف بوروکراسی خودش خیلی مشکل است. ما از یك مقدار اداره بازی و کاغذ بازی ناگزیریم ولی از کجا بدبعد این تبدیل می‌شود به یك هدف ونه وسیله‌ای که در حقیقت جلوگیری از کوشش‌های انقلابی می‌کند. تعریف این کلمه ساده نیست ولی وقتی بوجود آمد و سنگینی خودش را تحمیل کرد انسان پی‌میبرد که این بوروکراتیك شده است. درواقع بوجود آمدن ستاد انقلاب فرهنگی اساسا یك جریان ضد بوروکراتیك بود، یعنی چیزی بودن در کنار وزارت علوم گذشته و با آن نظام فرسوده گذشته و شیوه‌های بوروکراتیك آن. بنابراین‌جهاد دانشگاهی را در کنار مدیریت دانشگاهی بخاطر این بودکه این جهاد بتواند فعالیتهای ما را بدون احتیاج به آن‌دستگاه های اداری بسرعت صورت بدهد. ما مدیریت دانشگاهها را عوض کرده و بصورت مدیریت جهادی کرده‌ایم. و معنی مدیریت جهادی از بین رفتن بوروکراسی است. وزارت‌علوم اصولا شکل دیگری خواهد یافت و به شکل سابق نخواهد بود. اینهم یك امر برای بیرون آوردن این وزارت از نظام بوروکراتیك گذشته است. نظام مدیریت دانشگاهها در آینده یك نظام شورایی خواهد بود. شورا هایی که از پائین به‌بالا در طول‌هم قرار می‌گیرند و امیدواریم همه این‌ها باعث حذف بوروکراسی قدیم بشود هرچند یك سری‌از نظام اداری که ضرورت دارد باقی می‌ماند.

خبرنگار آلمانی: آیا اکنون برنامه ریزی مسائل دانشگاهی بصورت شورایی انجام میگیرد؟

ج: بله در مورد برنامه ریزی در هر قسمت ما کمیته هائی داریم که کارها را انجام میدهند و خود ما در بالا به‌این‌ها نظارت می‌کنیم ولی کارها تمام شورایی است.

خبرنگار آلمانی: آیا اکنون نظام شورایی پیاده شده است وپایه‌ای است برای شوراهای بعدی؟

ج: بله منتهی ما راجع به اعضای شوراها حدود خاصی داریم ممکن است در داخل شورا نظام کمونیستی تصویب شود یا در شورا نظام اسلامی به تصویب برسد. چیزی که از نظر ما مهم است این است که اعضای شورا باید کسانی باشند که محتوی تصویب هایی که از آنجا بیرون می‌آید از نظر مایك محتوی طاهر و پاك باشد همین.

شماره ردیف: ....



عنوان: تقویت انقلاب فرهنگی ..... (سخن روز)

شماره مسلسل: ....

مأخذ: آزادگان ... شماره ... ۱۷۳ ....

سازمان تبلیغات اسلامی

موضوع: تقویت انقلاب فرهنگی (آرشیو)

تاریخ: ۱۳۶۰/۱۱/۴ ....

بسم الله الرحمن الرحیم

یکی از اولین اقدامات و اساسی‌ترین امور پس از هر انقلابی ، تغییر زیرساخت فرهنگی جامعه جهت استقلال فکری مردم است . به همین دلیل امروزه انقلاب فرهنگی را اولین گام پس از سقوط سیاسی رژیمها قلمداد کرده و بدان پرداخته می شود . انقلابات انبیاء همیشه دارای ابعاد فرهنگی قوی بوده و لذا بدلیل برد فرهنگیشان ، راه برای اقدامات اساسی آنها هموار می شد. بطوریکه درصدر اسلام ، پس از اینکه لشکریان یزدگرد از لشکریان اسلام شکست خوردند ، مردم در کوچه ها و شهرها با نان و خرما بپیشواز نیرو های ظفرمند اسلام آمده و علاقه‌ی خود را به دین جدید ابراز نمودند . دلیل اصلی چنین استقبالی همانا انقلاب فرهنگی و تغییر بافت فرهنگی آن زمان بود که در اثر دستورات الهی اسلام پدید آمده بود . در جهان کنونی نیز همیشه رژیمهای نوپا، انقلاب فرهنگی را در صدر مسایل خود قرار داده و برای جلوگیری از رجعت به‌گذشته ، بدان اهتمام می ورزند .

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جامعه تا حدودی فرهنگ مصرفی و غرب آلود گذشته را طرد کرده و به سوی اسلام گرایش یافته بود . این گرایش به اسلام در روابط اجتماعی به‌خوبی مشهود بود . و نشاندهنده‌ی آمادگی جامعه جهت دست زدن به یک انقلاب فرهنگی بود . ولی سستی و اهمال کاریهای دولت موقت و لیبرالها که خود از بازماندگان فرهنگ غربی می باشند ، باعث گردید تا اولین رشته های فرهنگ اسلامی که به درون دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ره‌یافته بود ، خشک شده و ضدانقلاب از فرصت استفاده کرده و به سمپاشی بر علیه اسلام و ایران اسلامی بپردازد . عاقبت دانشجویان انجمن‌های اسلامی به‌تبعیت از غیرت و شهامت اسلامی خود، دست به انقلاب فرهنگی در سطح دانشکده‌هاو موسسات آموزش عالی زده و علیرغم مخالفتهای تمامی گروهها از راست افراطی تا چپ افراطی و لیبرالها ، زمینه را برای بازسازی فرهنگ کشور مهیا کردند . درهمین زمان امام خمینی سمبل واقعی فرهنگ اسلامی در جامعه امر به تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی نمودند که این ستاد نیز علیرغم کارشکنی ها و تمام مسایل پیرامونش به فعالیت ادامه داد . ستاد برای برنامه‌ریزی در رشته های مختلف دست به تشکیل کمیته های برنامه‌ریزی زد که هر کدام در رشته های مربوطه به فعالیت می‌پرداختند . در جوار کمیته های فوق، کمیته‌ای نیز جهت پی‌گیری بوجود آمد که وظیفه‌ی اطلاع از وضع کمیته های برنامه‌ریزی و چگونگی فعالیت های آنها را برعهده داشت . ستاد در طول فعالیت خود با مشکلاتی از قبیل عدم همکاری عده‌ای از اساتید دانشگاهها و عدم شرکت عده‌ای از اعضای ستاد در جلسات و فعالیتها روبرو بود که از کیفیت آن می‌کاست . زیرا بقول دکتر سروش، تعدادی از اساتیدی که به انقلاب فرهنگی پشت کرده بودند، در جهت خلاف انقلاب فرهنگی‌حرکت کرده و فعالیت می نمودند . ولی مهمترین دلایل کند پیش رفتن فعالیتهای ستاد ، عدم همکاری موثر روحانیون علیرغم تائیدهای امام بود . یکی از اعضای ستاد در این مورد می‌گفت ، ما حتی یکبار از طریق آقای ربانی املشی خواستار شدیم که بعضی از روحانیون قم در زمینه مشخص کردن اهداف دانشگاه اسلامی و نظر اسلام در باره علم و تهذیب ، چیزی به ما بدهند و به منزله یک نوشته‌ای باشدکه ستاد بتواند در برنامه‌ریزی خودش از آن استفاده بکند که در این مورد فقط یک نوشته دریافت شد لذا امروزه ستاد برای رشته‌های علوم انسانی نیاز مبرمی به همکاری صمیمانه‌ی اساتید حوزه های علمیه دارد تابتواند برنامه‌ریزیهای خود را کامل نماید دریغ از کمک به ستاد در رشته‌های مزبور که امروزه مستمسک قرار گرفته است ، می تواند بعنوان سدی در برابر انقلاب فرهنگی درآمده و از رشد فرهنگی کشور بکاهد . زیرا انتقاد کردن صرف، دردی را دوا نمی‌کند و آنچه که امروزه شرط کافی است و در واقع مسلمان بودن ماهم اقتضاء می کند، این است که هر سخنی را پس‌از تعقل و تامل بگوییم.

البته ستاد انقلاب فرهنگی ، علاوه برفعالیتهای خود در زمینه‌های مختلف ، دارای نقط ضعفی نیز بوده است که کمتوجهی به برخی انجمن های اسلامی وجهاد دانشگاهی از آنجمله است ، ولی اگر ستاد در نظر دارد تا طرحی جامع و کامل جهت دانشگاهها ریخته و شکوفائی فرهنگی را بدین موسسات آموزشی بازگردانده و فرهنگ پوشالی گذشته را از جامعه بزداید، نیاز به همکاری باتمامی انجمن ها وارگانهایی دارد که بگونه‌ای با مسایل فرهنگی کشور دست به گریبان بوده و در راه اسلامی شدن فرهنگ اسلامی تلاش می کنند. فعالیتهای مجزای ارگانها، نه‌تنها نمی‌تواند دردی را دوا کرده و نیازهای اساسی فرهنگ جامعه را برطرف نماید بلکه باعث کندی کارها شده و بازگشائی دانشگاهها را به‌تعویق می‌اندازد .

امروزه ستاد انقلاب فرهنگی باید با دو برادر عزیزی که جدیداً بدان پیوسته‌اند فعالتر از پیش و موثرتر از گذشته تمامی ارگانها را بدیاری طلبیده و طی فعالیتی چشمگیر و شبانه روزی ، زمینه را برای رشد فرهنگ اسلامی در جامعه مهیا سازد تا در آینده کشور دارای دانشگاهی باشد که استقلال فرهنگی رابه ایران اسلامی بازگردانده و فرهنگ مصرفی را به زباله‌دان تاریخ بیفکند . الگوی چنین دانشگاهی را امام ترسیم نموده و فرموده‌اند ، دانشگاهی که برای ما استقلال بیاورد و خودش یکی از عوامل شدید وابستگی نباشد دانشگاهی که قبله‌گاه ما را نه مسکو بکند و نه واشینگتن ، بلکه قبله‌گاه ما همان خداوند باشد . حال با توجه به‌نیاز کشور به بازگشائی اصولی و اسلامی دانشگاهها، باید ازمنیت هاکاسته و برادروار درکنار هم به زیر ساخت فرهنگی جامعه پرداخته و با یاری ستاد انقلاب فرهنگی ، ایران اسلامی را به شکوفائی فرهنگی برسانیم . نباید در این کار سستی به‌خرج داد ، بلکه باید انتقاد اصولی و برنامه‌ریزیهای زیربنائی بکنیم تا بار دیگر دانشگاه ها بصورت اتاق جنگ برای گروهکهای ضد انقلاب درنیاید . ایران اسلامی برای حفظ استقلال و انقلاب خود نیازمند استقلال فرهنگی می باشد . امروزه استعمار از راه فرهنگی پیش آمده و کشور ها و مردم را به‌بهره‌کشی وامی دارد . بطوریکه امام می‌فرمایند، اگر ما از نظر فکری مستقل باشیم ، آنها چگونه می‌توانند بما ضربه بزنند. پس چه بهتر تا در این برهه حساس از زمان تمامی ارگانهایی که بنوعی در مسایل فرهنگی کشور دست اندر کار می باشند به‌یاری ستاد انقلاب فرهنگی شتافته و با کنار گذاردن منیت‌ها وکج رویها و کاستن از توقعات خود، سنگ زیربنای فرهنگ اسلامی را در جامعه کارگذارده و راه را برای حاکمیت کامل فرهنگ اسلامی در کشور بگشایند تا بفرموده امام ، انشاء الله ملت شریف ایران در آینده‌ی نزدیک ، شاهد فعالیت‌علمی دانشگاهی در سراسر ایران باشد.

انتصاب جدید دوتن از روحانیون شناخته شده و صاحب نام توسط امام در ستاد انقلاب فرهنگی ، گامی است در جهت تقویت ستاد و هرچه بیشتراسلامی کردن آموزش عالی در جمهوری اسلامی و بایدبدانیم که تحقق این خواست امام برهمگان ثابت خواهد کرد که: فان‌حزب الله هم‌الغالبون.

شماره مسلسل: ....

مأخذ: جمهوری اسلامی ش ۲۹۹

سازمان تبلیغات اسلامی

موضوع: پیام حضرت آیت الله مشکینی بمناسبت تشکیل سمینار بررسی و تشریح طرح پزشکی ستاد انقلاب فرهنگی

(آرشیو)

تاریخ: ۱/ ۱۱/ ۵۹

سرویس خبری- صبح روز گذشته سمینار دوروزه بررسی وطرح پزشکی ستاد انقلاب‌فرهنگی باحضور دکترولایتی وزیر امور خارجه ودکتر حبیبی وچند تن از اعضاء ستاد انقلاب‌فرهنگی باپیام آیت ا... مشکینی درتالار ابن سینای دانشگاه تهران آغاز بکار کرد.

بگزارش خبرنگار ما در این سمینار ابتدا آیاتی از کلام الله مجید قرائت شد سپس پیام آیت‌الله مشکینی بمناسبت تشکیل سمینار بررسی وتشریح طرح پزشکی ستاد انقلاب‌فرهنگی قرائت شد که متن آن به شرح زیر میباشد:

بسم الله الرحمن الرحیم

سلام به روان رسولان حق که پزشکان حقیقی جامعه وشفابخشان روانهای ناسالم اجتماعند، ودرود به روان پاک شهدای تاریخ که با بذل جان گرامی، روح خود را ازهمه امراض پاک کرده‌اند و با افتخار تمام به عالم ابدیت پیوستند. و چه زیبا عالمی و چه نعمت جاودانی.

اینجانب سمینار مقدس پزشکان محترم را که گروهی متعهد و مسئول وانقلابی وباصفا دور هم گرد آمده‌اند، وبه شریفترین آرمان انسانی فکر میکنند وبمنظوری بس عظیم قدم برمیدارند تبریک خالصتر از حقیقت وصافتر از روح وروشنتر از نور تقدیم میدارم ودوستان‌عزیز را پس از عرض مقدمه کوتاه به اموری متوجه میکنم.

اما مقدمه- همه برادران و خواهران مسبوقید که درزمان نامبارک سلطنتی ایران هرچه از جوانهای فهمیده وباشعور و خوش استعداد چه از شهرستانها وچه از روستاها وقتی موفق به مقامی از دکترا ویا مهندسی میرسیدند علی رغم اینکه از میان این تودهٔ محروم برخاستند و به دسترنج مستضعفان این آب و خاک درس خواندند وبجائی رسیدند، پیوسته درخدمت عده‌ای از اشرافها و ثروتمندان وطبقه مرفه جامعه قرار میگرفتند و طبیب فلان مقام ودکتر عالیرتبه، دارای ویزیت چند صدتومانی و ساکن فلان خیابان و آپارتمان میشدند که ابداً دردسترس مستضعفان این امت قرار نمی‌گرفتند و بالاخره با کمال تاسف چه عرض کنم که بهترین دکترما از گیر طبقه پائین بدر بود و بهترین مهندس ما، مهندس صاحبان کاخهای شدادی وفرعونی. نه از دکترها برای فقرا توجهی ونه از مهندسان درباره کوخ‌نشینان کاری، بلی باتاسف تمام، هرکس از جهانی عقب مانده بود، ویا موفق به ابزار لازم طبابت نمی‌شد، روانه شهرستانها و روستاهای دور دست بود. وسائل مجهز از آن مرفهان صدرنشین، و اطبای متخصص درخدمت بی نیاز از همه چیزها بودند و اینست معنی بی‌عدالتی درجامعه، و جداشدن اغنیا از فقرا و امتیازات مبنی با پول وثروت وضد انسانی وضد الهی که دنیای امروز گرفتار آنست حال به امور زیر توجه فرمائید.

۱- از منطق اسلام طبابت و دکتری واجب است برای حفظ نظام، چنانچه خیاطی ونجاری ونانوائی نیز چنین است و معنی حفظ نظام آنکه باید بین دکتر ونیاز جامعه توازنی صحیح بعمل آید و هر مقدار دکتر میسر شد باید به قسمت عادلانه در میان جامعه تقسیم شوند وهر چند صد یا چند هزار نفر یک دکتر داشته باشند واگر توافق‌ملاحظه نشود آن جامعه ظالم وستمگر ودور از اخوت اسلامی است واگر از نظر محل وآب‌وهوا ودوری از مرکز نزاعی باشد باید آنرا با قرعه تعیین کنند که تساوی بین همه مراعات شود که علی(ع) میفرماید: دوخیر را در میان خود مرئی دارید، تقوا وپاکدامنی ، ونظام دادن به اجتماعتان را، من روزی از چهار راه حسن آباد به خیابان فرعی که همماش یادم نیست رو به بالا رفتم در یک خیابانی آنقدر ساختمان ومطب دیدم مبهوت ماندم وهر ساختمانی چند طبقه بود وهر طبقه‌ای تابلوئی منصوب وهر تابلوئی از آن دکتری بود منظره را مقایسه کردم با آنکه در اطراف مشکین شهر ،زنی در حال زائیدن محلی نداشت اهل ده پول جمع کردند وماشینی به اردبیل که ده فرسنگ است بردند ودر راه طفل معصوم سقوط کرد ودر اثر حرکت ماشین مرد. وزن مظلوم مدتها در رختخواب افتاد، پس اگر آقایان واقعا سمینار قربی والهی واسلامی دارند فکری در باره این موضوعها بکنند.

۲- چرا هفتاد در صد پزشکان محترم این کشور در تهران باشند وچرا به داد مظلومان همه جای کشور نرسند آیا از شما کسی نیست که تغییر حال دهد وهمه‌دستگاه خود را بردارد وبه سیستان وبلوچستان برود وروزی چندین نفس در شرف‌مرگ را نجات دهد؟«ومن احیاها فکانما احیا الناس جمیعا»برادران بهشت آنجاست نه در تهران ونه در شمیران ونه در خیابان های دیگر تهران.

۳- من بعنوان طلبه‌ای از قم وبرادر وارادتمند شما، از پزشکان آزاد خواهش دارم که همکاری صمیمانه: آقایانی که به قصد اخلاص در سمینار شرکت کرده، ونظر اصلاحی در قسمت سروسامان دادن به امور دارند، بنمائید . ودر حال این ملت که امروز پی ریزی ونقطه عطف‌تاریخ است فکری ودقتی وتوجهی فرمایند. بدانید که این کشور از آن شما است واین مردم برادران وخواهران شما هستند.

٤- درخواست عاجزانه اینجانب اینست که تا ایران از جنگ تحمیلی نجات نیافته، وهمه کارها در مسیر حقیقی خود قرار نگرفته، آقایان دکترها هم، همچون سائر متصدیان امور، مسئلهٔ حقوق وپول را مسئلهٔ اساسی قرار ندهند، وجز الله واحیای ملت وخدمت به امت چیزی را در نظر نگیرند، نمیگویم اصلاً چیزی نخواهند ولی خود میدانید چه‌کنید وحال خود را باطبقه‌های پائین بسنجید زیرا امام صادق فرمود: در امور دنیوی پیوسته به پائینتر از خود بنگرید ودر امور اخروی به بالاتر از خود، تا هم از دنیایتان خدا راضی شود هم در آخرتتان کوشا باشید.

خداوندا به همه دکترهای ما تعهد ومسئولیت،وبه همه ملت ما همبستگی ووحدت، وبه همه ارتش وسپاه ما یگانگی وشجاعت، وبه همه جوانهای ما علاقه وحرکت، وبه همه روحانیان ما آگاهی ودرایت، وبه همه دشمنان ما شکست وذلت، وبه همه اغنیای ما انصاف‌ومروت، وبه همه فقرای ما نیروی ایمان وعظمت، وبه همه مسلمانان ما اتحاد ووحدت، وبه همه نهادهای ما توجه وعطوفت، وبه امام امت ما عمر طولانی وپربرکت، وبه همه دعا کنندگان ما قبول واستجابت، وبه همه حضار محترم در مجلس تکامل در معارف‌ومعنویت، وبه نویسنده این نامه بخشش ومغفرت‌عنایت فرما.

برادر شما علی‌مشکینی

آنگاه دکتر حبیبی عضو شورای انقلاب فرهنگی پیرامون ستاد انقلاب فرهنگی وطرح پزشکی سخنانی بیان داشت: وی در قسمتی از سخنان خود ضمن اشاره به فرهنگ استعماری ومحتوی دروس گذشته اظهار داشت: در گذشته محتوی دروس آموزشی در خدمت آن جامعه‌ای که باید هدفهای متعالی را دارا باشد نبوده وایها باید تغییر کند وی اضافه نمود همچنین در گذشته امکانات آموزشی در اختیار یک گروه از مردم بوده وبقیه بهره‌مند نبوده وکوشش باید کرد که امکانات آموزشی بکار عادلانه تقسیم شود وکلیه کسانیکه میتوانند از این امکانات استفاده کنند بلحاظ استعدادهای سرشار باید مانعهای مادی از جلوی راه آنها برداشته شود. وی افزود در بررسی طرح جدید پزشکی این مسئله مورد نظر است که دانشجوها را به سمت روستاها گسیل داریم، استادان ودانشجویان بطور تمام وقت باشند، مؤسسات آموزشی توسعه یابند، اساتید متعهد ومسلمان ومؤمن به انقلاب اسلامی بطور تمام وقت بدون اشتغال به طب خصوصی انتخاب شوند.

وی در قسمتی دیگر از سخنان خود در باره طرح پیشنهادی دروس عمومی اظهار داشت: برادران ما در ستاد انقلاب فرهنگی یک دوره درس عمومی را پیشنهاد کرده‌اند واساس این دروس بر این پایه است که دانشجویانیکه در دوره گذشته تربیت شده‌اند وار معارف‌اسلامی آگاهی کامل ندارند، بیشتر مورد توجه قرار گیرند علاوه بر آن ما از زبان فارسی که زبان تعلیم وتعلم است بخوبی آگاهی نداریم واز زبان دیگر که بلحاظ اعتقاد اسلامی به آن محتاج هستیم (زبان عربی) باید استفاده شود وهمچنین زبان خارجی نیز برای دانشجویان مورد توجه است زیرا برای مطالعه وخواندن به آن نیازمندیم.

بگزارش خبرنگار ما دکتر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز ضمن شرکت در این سمینار مطالبی در مورد آموزش پزشکی در ایران بیان داشت وی‌ضمن سخنان خود گفت : از بزرگترین ضرباتی که استعمار به ما وارد کرده است ضربه فرهنگی ودور کردن مردم از اسلام وفرهنگ اسلامی است. از بزرگترین مزایای فرهنگ اسلامی همپائی علوم مادی با علوم معنوی می باشد وبه همین دلیل است که فرزانه بزرگ ابو علی‌سینا ضمن اینکه یک طبیب‌برجسته است یک فیلسوف‌برجسته نیز هست.

دکتر ولایتی سپس بااشاره به اهمیت معنویات وبه رسوخ فرهنگ غرب که باعث از بین رفتن معنویات شده است گفت رسوخ فرهنگ غربی و مصرفزدگی و مادیات اثرات بسیار نامطلوبی دربرداشته است و می‌بینیم که پس از گذشت سه ربع قرن از شروع آموزش پزشکی و تربیت پزشک درایران دارای یک سیستم پویا و خودکفا نیستیم و درحال حاضر حدود ۲۰ هزار پزشک کم داریم. وی درمورد طرح گروه پزشکی گفت این طرح پس از ماهها زحمت تهیه شده است و خود تهیه کنندگان نیز به کامل و رسا بودن آن معتقد نیستند و آماده پذیرش هرگونه نظری برای تکمیل‌تر کردن هستند. برای رسیدن به هدف غائی و تربیت پزشک متعهد و باندازه نیاز مشکلات زیاد و امکانات بسیاری لازم است ولی تا جائیکه من اطلاع دارم درمورد اصل این طرح یعنی تلفیق آموزش و درمان کسی اشکال ندارد ولی شاید اشکالاتی در مکانیزم طرح و چگونگی اجرای آن احساس شود. درمیان مسئولین ونمایندگان کسانی که دراین زمینه آشنائی و علاقه دارند همه بااین طرح موافقند و امیدواریم درچند روز آینده در هیأت دولت به تفصیل این طرح مورد بحث و بررسی قرار داده شود تا نظام بهداشت و درمان و آموزش کشور سر و سامان یابد.

براساس همین گزارش درجلسه افتتاحیه این سمینار همچنین دکتر عزیزی عضو گروه پزشکی ستاد انقلاب فرهنگی، دکتر بیگدلی عضو گروه پزشکی و رئیس دانشکده پزشکی دانشگاه تهران بترتیب در زمینه ضرورت اجرای طرح تشکیل وزارت بهداشت و آموزش پزشکی و چگونگی رسیدن به وحدت درنظام آموزشی، بهداشتی و درمانی کشور مطالبی عنوان کردند.

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ، تاریخ کیهان ۵۹/۲/۲۴
۱۰۹۹۶



۲

عنوان :

کلیدواژه

بخش اطلاعات و تحقیقات اجتماعی واحد تحقیق و جمع آوری

معلم مورد علاقه خود را انتخاب میکرده و در صورت لیاقت و شایستگی، استاد، وی را می‌پذیرفته است و لذا محصل به استاد ارادت‌می‌ورزیدو ازروی‌ایمان و اعتقاد به درس‌های وی گوش میداده و فرا میگرفت به بحث و مباحثه و تجزیه‌و تحلیل می‌پرداخت و محصل چشم بسته همه را قبول نمیکردو امتحان و در نتیجه ترس از امتحان و مدرك وجود نداشت که دانشجو برای چند ساعت کوك و سپس خالی شود این دانشجو بود که خود را نشان میدادو موقعیت خود را تثبیت میکرد و در نتیجه همیشه از بازده مطلوبی برخوردار بود.

هرشاگردی در عین حال که تحصیل میکرد به تدریس هم مشغول بود و در جایی هم استاد بود و هراستادی نیز دانشجو و بطور کلی همیشه در حال پیشرفت و ترقی بود و هرگز یك عمر شخصی مثلا معلم هندسه چهارم نبوده است و بطور کلی افراد با استعداد همیشه واقعا (تاگور دانشجو بوده‌اند) و در عین حال مشاغل کسبی و امرار معاش چند ساعتی در شبانه روز را به نحوی در مدرسه می‌گذرانده‌اند.

از طرف دیگر درس دادن و درس خواندن زمان به خصوصی نداشته که همه افراد در ساعت بخصوصی در مدرسه حضور بهمرسانند، ساعات درس بطور منطقه‌ای در نظر گرفته میشد و مثلا کشاورزان که در صبح باید به کشت بپردازند، شب به کلاس میرفتند و شبها هم همه گونه امکاناتی برای آنها وجود داشت و عده دیگری براساس ضرورت زمانی دیگر روز، در عین حال سنی و شرایطی مطرح نبود و همان درسی را میخواند که بدان احتیاج داشت و بکار می‌بست و مدرسه مغازه‌ای نبود که یك جنس کمیاب را تنها نفروشد و با آن اجناس کم بازار دیگر را هم قالب کند بلکه تنها برنامه‌های درسی براساس ضرورت و علاقه تدوین میشد.

در چنین سیستمی تحصیل رایگان بوده و در عین حال هرکس فراخور حال خود از نظر اغذیه، قماش، پول و یا هرچیز دیگر که میتوانست قلبا و از روی میل کمك میکرد و بودجه مستقل آن بعنوان «سهم امام» از همه افرادی که درآمد آنها از حد نصابی فزونی میگرفت دریافت میشد.

سیستم مدارس و دانشگاههای فعلی ما

ولی در مقابل از روزی که مدارس جدید بشکل اقتباس شده از غرب در ایران تشکیل شده هرگز خود جوشی نداشته است و مرکز تکرار و بلغور همان نشخوار شده غرب بوده و حتی اگر مرکز باصطلاح تحقیق و آموزش وجود داشته تمام آزمایشها وتحقیقات‌ساختگی بوده‌وبصورت«تئوری آزمایشگاه» ترجمه شده! از قبل تعیین شده بودند لذا هرگز شاهد کشف جدید وپیشرفتی نبوده‌ایم اصولادانشگاهها برای همان مناطقی مفید بوده که از آنجا صادر شده بود. مثلا دانشکده پزشکی دانشگاه شیراز محصولات گیاهی و دارویی امریکا را مورد بررسی قرار میداد و حتی ایرانشناسی آمریکایی! را به بحث و سمینار میگذاشت و فارغ‌التحصیل دانشکده علم‌و صنعت نقشه صنایع آلمان را بخوبی میتوانست بکشدو کاتالوگ‌خوبی برای آن محصولات بود.

اصولا هراستادی فارغ‌التحصیل هرکشور بوده تنها نوار پرشده همان کشور بوده و بلندگوی صنعت و علم همان دیار و مبلغ همان سیستم، حتی در بکار بردن واحدها فراموش میکرد که او خود روزی ایرانی بوده و اکنون در ایران‌کار می‌کند لذا چنین فرآورده‌هائی در هرمورد مثلا جامعه شناسی و رویدادهائی که به آن مربوط میشود همانگونه و با همان عینك تجزیه و تحلیل میشود و در همان فرمولها قرار میگیرد لذااگر واقعه جدیدی رخ‌دهد فرمولها جواب نمیدهند و منتظر صدور فرمولها برای تجزیه‌ها و تحلیل‌های مترقی! (البته از دید آقایان! از کشورهای پیشرو! می‌ماند.

و چنین بود انقلاب ایران یك انقلاب اصیل و خود جوش که از هیچ نظر با قالبهای پیش ساخته روشنفکران غرب‌زده تطبیق نمیکرد و در هیچیك از فرمولهای آنها جای نمیگرفت واکنون «هنوز» و«هرروز» باجوشش چشمه‌تازه‌ای از آن روبرو هستیم و تمام محاسبات انقلابی متخصصین انقلابها را بی‌اعتبار کرده و قدرت و مهلت فکر کردن را حتی از آنها گرفته است و چون دریایی مواج و خروشان‌تمام جویبارهای انحرافی را که به منظور از خط خارج کردن انقلاب ایجاد شده باخود می‌برد ولی متاسفانه ازنظر آموزشی هیچگونه تغییرات بنیادی صورت نگرفته است و مسئولین وزارت آموزش و پرورش از آغاز تا کنون بجای انقلاب آموزشی به تغییرات روبنائی و رفورمیستی اکتفا کرده‌اند مثلا تصمیم دارند کتابها را که تغییر داده‌اند تغییرات وسیع‌تری در آنها بوجود آورند ولی در عمل به همان سیستم ارتجاعی وارداتی تسلیم شوند و در همان سیستم هم پیشرفت غیر ممکن است.

چه باید کرد ؟

چه باید کرد؟ این سئوالی که در برابر هرانتقاد قرار می‌گیرد، باید باصالت خود بازگردیم تا ریشه در خاك داشته باشیم آنگاه اصیل هستیم و طبیعی، و رشد و تکامل و ترقی برایمان امکان پذیرا تا هنگامیکه هیلمن را بنام پیکان مونتاژ میکنیم اگر این مابقی را هم خودمان بسازیم ولی‌اصل‌ازجای دیگر باشد در مقابل اشکالات پیش‌آمده خود نمیتوانیم پاسخگو بوده و آنرا تغییر دهم و اصلاح کنیم چون از خودمان نیست. ولی اگر از محصول‌تراوش فکری خودکار باشد اگر چه‌مقدماتی‌تر ولی پیشرفت در آن تصاعدی خواهد بود، چون‌خود میدانیم که‌چه کرده‌ایم واکنون‌چه بایدبکنیم.

در مورد سیستم آموزشی ابتکاری که در مورد ورزش درخور ستایش است و آن اینکه ازپایه گرفته‌اند و در دبستان کشتی‌گیر و فوتبالیست می‌سازند و ورزش را برای ورزش نمی‌آموزند بلکه ورزش‌را برای تکامل انسان. و لذا در مورد تغییر سیستم آموزشی نیز باید از پایه شروع کنیم و تغییر نظام را از دبستانها آغاز کنیم.

ـدر مورد معلمین اخیرا شاهد آن بودیم که هرکس نمره کمتری میگرفت، وارد دانشسرها و دانشگاههای تربیت معلم (اجباری) میشد و اگر هم جائی دیگر هم قبول می‌شد سال دوم یا سوم تغییر رشته میداد که این بیشتر بعلت بی‌توجهی به وضع معلمین است و باز بودن بازار کاذب برای کارهای دیگر، لذاباید همه گونه امکانات برای معلمین فراهم شود تا همه آنها که استعداد و علاقه به این کار را دارند جذب شوند.

ـاز طرف دیگر باید برای هردرس چند معلم و چند کلاس باشد تا شاگرد باعلاقه بیشتری کلاس مورد علاقه خود را انتخاب کند و دانش‌آموز نیز با تائید معلم‌برسر‌کلاس‌آید تا کلاس محیطی از صفا و صمیمیت شود و دانش‌آموز براساس ارادت قلبی به درس‌های معلم توجه کند نه از ترس نمره امتحان و در عین حال معلمینی که استعداد و حوصله این کار را ندارند جذب کار مورد علاقه خود شوند چون در تدریس علاوه برعلم، فن هم ضرورت دارد.

ـدر مورد کتابهای درسی ازقبل کتابهایی تعیین نشود و معلم و شاگرد در آن زندانی، بلکه برای هماهنگی برنامه مشخص شود و چاپ کتاب آزاد، تدریس آزاد اعلام شود که خود دانش‌آموزو معلم براساس میزان آگاهی وسطح معلومات خود یکی از آنها را انتخاب کند تا دیگر سی سال متوالی شاهد تدریس کتابهای ترجمه فرانسه نباشیم و سی سال دیگر ترجمه کتابهای آمریکایی، بلکه ترجمه و تالیف نه تنها آزاد شود بلکه تشویقی برای بهترین کتاب در نظر گرفته شود و تدریس همه کتب هم آزاد اعلام شود و برای سنجش عادلانه امتحان نهائی هرسال را در سراسر کشور یا حداقل در استان یکسان برگزار کنند.

ـمساله دیگر مسئولیت دادن تدریس به همه دانش آموزان است که هردانش‌آموز مسئولیت تدریس چند دانش آموز را در بعضی از دروس سالهای پائین‌تر بعهده بگیرد و نتیجه کار آنها که توسط معلم ارزیابی شود در نتایج دانش‌آموز «مدرس» تاثیر بخشد و دانش آموزان تعطیلات خود را در روستائی به تدریس بگذرانند و نتایج آن تدریس‌ها در وضع آن دانش‌آموز نیز موثر واقع شود و بطور کلی آزاد ساختن تدریس و تعلم و فراهم آوردن همه گونه امکانات بدور از تشریفات بوروکراتیك که آن نیز تحفه دیگری از غرب می‌باشد هرچه زودتر عملی شود.

شماره ردیف ....

شماره مسلسل

ماخذ، تاریخ کیهان ۱۴/۲/[illegible] ۱۰۹۹۶



عنوان : ....

کلیدواژه ....

بخش اطلاعات و تحقیقات اجتماعی واحد تحقیق و جمع آوری

بازگشت به اصالتهای آموزشی اسلامی ایرانی

تحلیلی از زمینه‌های تاریخی انقلاب فرهنگی

محمدحسین فقیه ایمانی

*** مدارس مبتنی براصول غرب از اصالت فرهنگی برخوردار نیستند، لذا ازخودجوشی بی بهره‌خواهند بود.**

*** وزارت آموزش و پرورش بجای انقلاب آموزشی تاکنون به‌اقدامات رفورمیستی وروبنائی اکتفا کرده است.**

*** فرهنگ تحمیلی غرب را با شعار نمیتوان بفرهنگ انقلابی اسلامی تبدیل کرد.**

سیتسم مدارس غربی یعنی سیستمی که در اکثر کشور های باصطلاح مترقی شرق و غرب اجرا میشود بدین صورت است که معلم به محصل تحمیل میشود و محصل بـه معلم و هردو محکومند که‌در کلاس با طرح و نقشه‌های معلوم شرکت کنند و حرف‌های معلوم ردو بدل کنند و با اختیارات معلوم دروسی که از قبل برایشان تعیین کرده‌اند ردو بدل کنند و یکی سرماه حقوق خود را دریافت کند و دیگری سرسال مدرکش را، لذا طبعا در چنین محیطی نباید انتظار ابتکارو خلاقیت داشت.

در رابطه بامسائل روز و بحث‌های اجتماعی باین نتیجه رسیدیم که‌بسیاری ازمشکلات جامعه‌اساسا ریشه فرهنگی‌دارند و اگر از نظر فرهنگی جامعه تکامل یابد اغلب مسائل و مشکلات تا حد زیادی حل میشود مثلا اگر بجای تحریم ورود لوازم آرایشی، فرهنگ جامعه تا آن حد ترقی پیدا میکرد که بکار بردن آن از نظر افکار عمومی ننگ بحساب می‌آمد دیگر اگر هم میخواستیم در جامعه مورد استفاده قرار گیرد امکان نداشت. برای مثال قبل از انقلاب داشتن یک ماشین گرانقیمت یا یك ویلا یك افتخار بود، یك مظهر شخصیت بود و اگر کسی هم نداشت سعی میکرد از یکی وابستگانش را سوار شود که باصطلاح با شخصیت بشود ولی پس از انقلاب، که انقلاب بمقدار بسیار کمی روی فرهنگ جامعه تاثیرگذاشت داشتن ویلا یك ننگ بشمار می‌آمد ولذا کمتر کسی مثلا با کادیلاك در انظار عمومی ظاهر می‌شود چون در فرهنگ فعلی جامعه خصوصیات چنین فردی یك انسان استعمارگر و انگل را بخاطر می‌آورد در روند قبل‌از پیروزی مرحله اول این تاثیر روی فرهنگ با سرعت بسیاری انجام می‌شد، برای مثال در تصادف‌ها بسیار دیده میشد که در هنگام بی‌توجهی پلیس، بخاطر انقلاب ازیکدیگر میگذشتند ولی پس‌از پیروزی شاید بعلت اینکه قوه مجریه کاملا همفکر با رهبری انقلاب نبود نتوانست این فرهنگ اشاعه و پیشرفت کند زیرا این اولین بار بود که در تاریخ معاصر انقلابی مبتنی برتز شهادت (کشتن یا کشته شدن هردو پیروزی است) مطرح میشد وبجز توده مردم بویژه نسل جوان، تحصیلکرده‌ها یا تفکر غربی داشتند یا شرقی، یکی خصوصیات انقلاب رابا انقلاب کبیر فرانسه و یکی با انقلاب اکتبر روسیه مقایسه میکردو برنامه‌میدادو کمتر استقلال فکری رهبریت انقلاب راداشتندو این رهبریت تنهاعامل وحدتی بودکه این دوجناح نمیتوانستند در صحنه جامعه همزمان بدون برخورد فعالیت کنند و مورد استفاده قرار گیرند. مثلا اگر فرهنگ اسلامی تا آن حدپیش میرفت که سرمایه‌داری درفرهنگ عامیانه ننگ بحساب میامد، نه تنها با بسیاری از مشکلات روبرو نمیشدیم، بلکه آنهایی که براحتی از سرفرزندان خود می‌گذشتند وآنها را به‌شهادت می‌سپردند، براحتی بیشتری از سرمایه‌های خود می‌گذشتند. علت اصلی پیروزی انقلاب این بود که رهبری انقلاب با استفاده از ویژگی‌های فرهنگی جامعه (بخصوص با نیروی لایزال مذهبی) توانست انقلاب را پیروز کند و هرگز به اقدامات رفورمیستی و روبنائی که بیشتر حالت مسکن را داشت دلخوش نمی‌کرد.

روند اصلاح‌طلبانه

متاسفانه این تفکر در بسیاری از تحصیلکرده‌ها وجود نداشت، زیرا آنها اگر این طرز تفکر را داشتند می‌توانستند قبلا انقلاب را رهبری کنند! آنها بعلت نداشتن آن وسعت بینش رهبری انقلاب، همیشه غزل منفی سرمیدادند که: مثلا نمیشود، ممکن نیست.... برای مثال آموزش و پرورش که جزیی از فرهنگ جامعه است و بیشتر روی فرهنگ آینده اجتماع نیز تاثیر میگذارد، اگر طرز تفکری چون رهبری انقلاب، برآن حاکمیت و گسترش می‌یافت، هرگز این روند اصلاح طلبانه را که بیشتر حالت مسکن دارد طی نمیکرد. از اول انقلاب تا کنون سیستم آموزشی هیچ تغییر مهمی نکرده است، و تنها در مدار همان نظام گذشته که ملهم از اصول غرب بوده است تغییراتی روبنائی داشته مثلا بجای قطعات ایرج میرزا در همان کتاب فارسی گذشته قطعاتی از دکتر شریعتی آورده شده و قس علی هذا......، حالا عمل کرد رهبری انقلاب چگونه بود که آموزش و پرورش باید آنگونه باشد و اکنون نیست؟ رهبر انقلاب با شناخت کافی به ارزش‌های اصیل موجود در بطن جامعه، توجه و از آنها حداکثر استفاده را کرده بویژه به اصالت‌های فرهنگ توجه خاص مبذول داشته است در صورتیکه تحصیلکرده‌هایی که اغلب در غرب تربیت شده‌اند یا در مدارس مبنی‌بر اصول‌غرب همیشه آماده مونتاژ فرمولها هستند زیرا برای همین هم تربیت شده‌اند و هدف نهایی طراحان و مربیان اصلی تربیت مونتاژ گرانه است که بتواند از عهده مونتاژ محصولات خاص آنها بخوبی برآیند. و لذا بطور کلی میتوان گفت مدارس موجود در این سیستم تحمیلی غرب «اصالت» ندارند و در نتیجه «خود جوشی» هم نخواهد داشت و نباید هم انتظار پیشرفت داشته باشیم زیرا مانند گل مصنوعی است که ریشه‌در خاك ندارد ولی تا حدی بشکل گل طبیعی است و همیشه هم همانطور می‌ماند.

مدارس اصیل ما چگونه بودند؟

هنگامیکه سیستم مدارس اصیل ایرانی نظیر نظامیه‌ها و......، آموزش و پرورش و پیشرفت فرهنگی جامعه را به عهده داشت، شاهد تربیت پزشکان و دانشمندان و نوابغی چون ابن‌سینا، رازی، سعدی و نظایر آنها بودیم و حاصل کار آنها تا قرنها مورد استفاده دانشمندان و محققان غرب و شرق قرار میگرفت و این برای ایرانیان چون گل طبیعی بود و ریشه در طبیعت جامعه داشت و دیگران هم کار آنها را ادامه میدادند.

ولی هنگامیکه پای ملکم به ایران باز شد و ما دست از فرهنگ اصیل خود برداشتیم و به فرهنگ دیگران متمسك شدیم وبقول سارتر بلندگوی بی‌جیره‌و مواجب غرب‌شدیم‌اسیر شدیم و فقیر، راکد ماندیم و چشم براه تحفه‌ها که برایمان بفرستند و صد البته معلوم که آنها هم میدانستند چه بفرستند. منظور از اصالت چیست؟ همانطور که زبان انگلیسی برای یك انگلیسی و یا امریکایی ارزش دارد و مفهوم و معنای یك فرهنگ اصیل را تداعی میکند زبان فارسی برای ما چنین حالتی را خواهد داشت و گویای لطائف فرهنگ و ادبیات ملت ماست و زبان انگلیسی تنها برای خواندن ودرك محصولات آنها بکار میاید ودر حالت خاص و استثنایی وسیله تحمیل استثمار آنها خواهد بود.

در چه خطی حرکت میکنیم

در سیستم آموزشی، تحمیلی فعلی کشور، کتابها اکثرا محدود و ترجمه شده و کتابهای فرنگی است حتی کتاب‌های فارسی براساس همان اصول تدوین شده و قطعات ایرانی در همان قالبها بجای متون فرنگی قرار گرفته است و گاهی نظریاتی از قبیل نظریات طرفداران تغییر حروف فارسی به لاتین آورده شده و در مدارسی که با اصول غرب ساخته شده تدریس میشود و لذا برای ایرانی اصیل نبوده و فاقد هرگونه ارزش بوده و میباشد.

سیستم مدارس غربي یعني سیستمی که در اکثر کشور های باصطلاح مترقی شرق و غرب اجرا میشود بدین صورت است که معلم به محصل تحمیل میشود و محصل به معلم و هردو محکومند که در کلاس با طرح و نقشه معلوم شرکت کنند و حرف‌های معلوم ردو بدل کنند و با اختیارات معلوم دروسی که از قبل برایشان تعیین کرده‌اند ردو بدل کنند و یکی سرماه حقوق خود را دریافت کند و دیگری سرسال مدرکش را، لذا طبعا در چنین محیطی نباید انتظار ابتکار و خلاقیت داشت.

مسیر خود را باید تغییر دهیم

در مدارس‌قدیم‌ایران که‌مفاخر ماهمگی فارغ‌التحصیلان این گونه محیطها بوده‌اند محصل براساس آگاهی و تحقیق

شماره ردیف ....

عنوان : فیضیه، دانشگاه و انقلاب فرهنگی



شماره مسلسل

کلیدواژه ....

ماخذ ، تاریخ اطلاعات ۵۹/۱/۷
۱۶۲۷۳

ص ۲

بخش اطلاعات و تحقیقات اجتماعی واحد تحقیق و جمع آوری

سوم تسلط یافت وبازور سرنیزه مدتها راه سیادترا طی کرد اما بعد که‌پی‌برد ادامه سلطه از این طریق، امکان پذیر نیست تصمیم گرفت که با فرستادن مستشار ها و کارشناسان تعلیم دیده ازطریق فرهنگ به حکومت خود استمرار بخشد ودر این راه چنان به غارت منابع فرهنگی و علمی و قتل عام ارزشهای انسانی و اخلاقی پرداخت که بزودی توانست از آن کشورها ملت های بدون هویت و مسخ‌شده بسازد.

رحیمی در ادامه‌سخنان حود اضافه کرد :

معمولا برای کشورهای تازه به استقلال رسیده برنامه ریزیهای آموزشی یکی‌از جنجال برانگیزترین و امیدوارترین طرحهامی‌باشد. زیرادقیقا پی‌برده‌اند که استقرار سلطه‌گر ازفقر آموزشی و فرهنگی حودشان بوده است. مثلا بولیوی یک سوم بودجه خود را به امر آموزش اختصاص داد ، و کوبا اعلام نمود که تا هشتاد سال دیگردانشگاه نخواهد داشت.

مسئله برنامه‌ریزی‌آموزشی جدای از برنامه ریزیهای دیگر جامعه نمی‌تواندباشد و تمام ارکان‌جامعه‌به‌یکدیگر پیوند می‌خورد . برای نمونه در این‌برنامه ریزیها بایدبه‌برآورد های‌اقتصادی توجه کرد و امکانات آموزشی بنحوی‌فراهم‌گردد تابا نیاز ها وشرایط‌خاص منطقه‌ای هماهنگ باشد.

تعطیل دانشگاهها

● برادر مقاری یکی از اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم‌وحدت انجمن‌های‌اسلامی وسازمان های دانشجویان مسلمان دانشگاه ها و مدارس عالی در مورد بسته شدن دانشگاه ها گفت :

بعد از انقلاب دانشگاهها‌نه تنها درخدمت انقلاب نبودبلکه درست برای ضد انقلاب‌خدمت می‌کرد پس از پیام اول مهر امام در سال ۵۸ که خواستار استقلال فرهنگی دانشگاهها بودندحرکتی‌ازسوی‌دانشجویان مسلمان متعهد و مومن به اهداف انقلاب و خط رهبری شروع شد که متاسفانه با بیماری امام درزمستان سال پیش متوقف شد اما به دنبال پیام نوروزی امام تصمیم بر توقف نظام حاکم بردانشگاهها قوت گرفت و خوشبختانه‌در این امر تا حدودی موفق بودیم .

وی در باره نحوه تشکیل سمینار حوزه ودانشگاه‌گفت:

پس ازتعطیل دانشگاهها‌بهترین طرح جهت ایجاد یک دانشگاه اسلامی پیوند دو قشر طلبه‌و دانشجو با دو نحوه تفکر و تفاهم آنها بود :در این راه شورایی مرکب از ۵ نفر از مدرسین، ۵نفر از طلاب، ۵ نفر ازاساتید دانشگاه و ۵نفر ازدانشجویان‌انجمن‌های‌اسلامی برای برنامه‌ریزی جهت‌تشکیل این مجمع بوجود آمد .

اولین دانشگاه اسلامی

● حجت‌الاسلام خاتمی نماینده حوزه علمیه و دفتر تحکیم وحدت چنین گفت :

می‌خواهم‌ازاولین‌دانشگاهی سخن بگویم که‌معلم آن‌پیامبر گرامی اسلام و نخستین دانشجویان آن بلال ،عمارو ابوذر غفاری بودند .هیچگاه تدریس این دانشگاه با تمام فشارها ومحدودیتهایی که از سوی رژیمهای مزدور اعمال می‌شد متوقف نمی‌گشت و دانشجویی که‌در این مکان تربیت می‌شد با مردم‌و برای مردم بود .

بر عکس فرهنگ طاغوتی که‌انگیزه دانشجو آگاهانه یا ناآگاهانه تحصیل مدرک بود، درفرهنگ اسلامی انگیزه به عمل شکل‌میدهد وگرنه‌شکل‌یک لاشه بی‌روح است . و تمام اعمالی که انسان انجام می‌دهد همان مسئله فی‌سبیل‌الله است ودر اسلام عملی ارزش دارد که انگیزه خدایی داشته باشد .

در محتوای دانشگاه اسلامی چند نکته را باید در نظر گرفت : اول شناخت انسان است که باید آنرا از تمام‌ابعاد به دانشجو بشناساند . دیگر استقلال داشته باشد.مسلمانان باید بر دیگران حجت داشته باشند زیرا در غیر این صورت وابسته خواهند شد .

هدف دانشگاه اسلامی باید انسان ساختن باشد . انسان هایی که از لحاظ فکری وعملی در سطح والایی باشند.

ویژگیهای فرهنگ اسلامی

● درگفتگویی که باآیت... ربانی املشی استاد حوزه‌علمیه قم و یکی از اعضای ستاد انقلاب فرهنگی داشتیم ایشان پیرامون فرهنگ‌اصیل اسلامی گفتند :فرهنگ اصیل اسلامی، فرهنگی است که در آن به‌تمام ابعاد انسانی عنایت کامل می‌شود و در سلطه بیگانه قرار نمی گیرد . در جامعه اسلامی دانشگاه در خدمت مردم‌در راه تکامل انسانیت و انسان‌سازی وشناخت نسبت به جهان قرار می گیرد ودانشجو پس از اتمام تحصیلات و بعد از خویشتن سازی‌به خدمت‌جامعه اسلامی می پردازد .

برای بوجود آمدن انقلاب فرهنگی بیش از همه چیزنیاز به استقلال اقتصادی داریم. زیرا اگر اقتصاد وابسته و فرهنگ مستقل باشد و ازلحاظ اقتصادی و نظامی بر بیگانه غالب نباشیم،کشور استعمارگر نه تنها کالا نمی فرستد بلکه همراه آن فرهنگ استعماری‌را هم صادر می کند .

مردم باید شناخت هاوافکاری که نشان دهنده فرهنگ غرب است عوض کنند و این کار با زور امکان پذیر نیست زیرا آن زمان‌انفجاراست نه‌انقلاب.

مردم بایدباور کنندکه‌فرهنگ غرب استعماریست و جامعه اسلامی آنرا نفی میکند .

شماره ردیف ....



عنوان : ....

شماره مسلسل

کلیدواژه ....

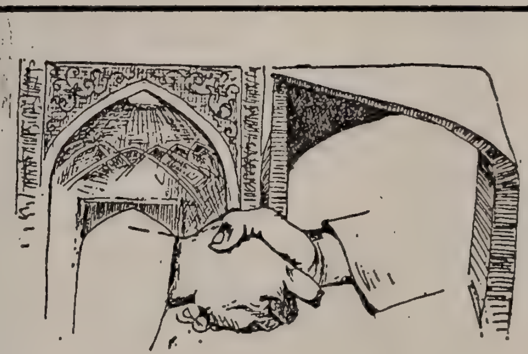
ماخذ ، تاریخ اطلاعات ۷/۱/۵۹
۱۶۲۷۳

بخش اطلاعات و تحقیقات اجتماعی واحد تحقیق و جمع آوری

اهمیت بعد فرهنگی از تمامی ابعاد دیگر انقلاب اسلامی بیشتر است

فیضیه، دانشگاه و انقلاب فرهنگی

نگاهی به دومین مجتمع حوزه و دانشگاه



اگر باور نداشته باشیم می‌توان بدون آمریکا زندگی کرد، و اگر لزوم این کار را احساس نکرده باشیم، چگونه می‌توانیم این اندیشه را جامهٔ عمل بپوشانیم ؟!

اگر روشن شود تنها با درك یك اندیشه و پذیرش آن، قابلیت زمینه چینی برای اجرای آن فراهم می‌شود، میدان عمل انقلاب در فرهنك ،آشکار خواهد گردید. زیرا این انسانها هستند که‌سیستمها را می‌سازند و سپس اسیر دست سیستمها ونظامها می‌شوند. یك رابطهٔ متقابل و کشف این مسئله که کدام زیربنا هستند و کدام‌روبنا، همچنان مورد بحث است. ولی آنچه را که امروز مابعینه در جامعهٔ خویش مشاهده کرده‌ایم آنست‌که تحول در نوع برداشت انسانها از زندگی و محیطوخویشتن انفجار درنظامهای بسته و محدود را بدنبال خواهد داشت . آغاز این تحول به‌گفته بسیاری از اندیشمندان اسلامی درجامعهٔ ما به مدتها قبل بازمی‌گردد و ریشه‌یابی پیدایش تحول در جامعه کنونی ما امری است بسیار دشوار. ولی آنچه مهم است این است‌که تحول مورد لزوم‌از جامعهٔ اسلامی به دانشگاهها انتقال نیافته و موجبات پیدایش تضاد میان فضای دانشگاهها و جامعهٔ‌معتقد به‌رهبری امام امت گردید. به‌نحوی که بالاخره توسط دانشجویان انجمن‌های اسلامی‌وسازمان‌های دانشجویان مسلمان دانشگاهها، نفی کامل نظام پوسیده بازمانده از رژیم سابق که در جهت تامین منافع ابرقدرتها فعالیت می‌کرد، آغاز گردید. و امروز با سازماندهی و برنامه ریزی برای نیروهامی‌رود تا در آینده طبق گفتهٔ امام که فرمود : (باید انقلابی اساسی در تمام دانشگاههای سراسر ایران بوجود آید تا اساتیدیکه در ارتباط با شرق‌ویا غرب‌اند تصفیه گردند ودانشگاه محیط سالمی شود برای تدریس علوم عالی اسلامی)، فضایی در محیطهای دانشگاهی ایجاد شود که رشد و تکامل جامعهٔ اسلامی معتقد به رهبری امام امت ، هدفش باشد. گرچه راه بسیار دشوار است چنانچه دکتر باهنر در مصاحبهٔ اخیر خود با خبرگزاری پارس گفت: « ما درصدد هستیم، کلیه جزوات و کتابهاو محتوای برنامهٔ درسی دانشگاهها را بررسی کنیم تا از آن حالت رکود وضعف محتوی بیرون آیدوبتواند پربار و غنی شود ...». دکتر باهنر همچنین گفت : «مسئله دیگری که سخت درخور بررسی است ، این است که چه کنیم که فارغ‌التحصیل دانشگاه سهم عده‌ای از خدمت خود را به رفع نیازهای روستاها اختصاص دهد ...». بله ماههاست از انقلاب اسلامی‌ما می‌گذرد و فارغ‌التحصیل دانشگاهی ما هنوز درنیافته که (باید) قسمتی از وقت خود را صرف آبادانی‌روستا- های کشورش سازد . در حالیکه این فارغ‌التحصیل‌از دسترنج همین روستایی به‌تحصیلات عالیه پرداخته است .

ولی دانشجویان واساتید اسلامی و امت مسلمان ایران عزمی راسخ دارند. و مسلمانان دنیا نیزمنتظرند تا نمونهٔ یك امت واقعی اسلامی را مشاهده کنند.این عزم راسخ را در سمینار اخیر وحدت حوزه ودانشگاه بخوبی مشاهده کردیم:

فرهنك استعماری

● سید حسن طاهری‌خرم آبادی یکی از اساتید حوزه علمیه قم‌درمورد ریشه‌فرهنك استعماری در سمینار وحدت حوزه‌و دانشگاه سخنانی‌ایراد کرد .

وی ضمن اشاره به مفاهیم فرهنك به ارائه راه‌حل‌هایی برای جایگزین کردن یك فرهنك زنده پرداخت و گفت :

فرهنك دو معنی دارد :۱- فرهنك عام که کیفیت و چگونگی اموریست که بر جامعه حاکم است. ۲-فرهنك به‌معنای خاص که عبارتست از علوم و دانشهایی که یك جامعه در مسیر تکاملی خود باید بیاموزد و بکار بندد . در انقلاب فرهنگی ما معنای اول را باید مورد توجه‌قرار دهیم. فرهنك اسلامی باید زیربنای جامعهٔ مکتبی ماقرار گیرد تا جامعه را بسوی‌الله سوق دهد و تا زمانی که‌به این هدف دست‌نیابیم فرهنك حاکم برجامعه ما فرهنك وابسته و استعماری خواهد بود .

برای جایگزین کردن‌یك فرهنك زنده و پویا دو راه وجود دارد . نخست از طریق تبلیغات دیگر از راه پیاده نمودن قوانین اسلامی و رعایت موازین مکتبی است که بنظر من در این مرحله از انقلاب مهمترین روش است .

نقش فرهنك در انقلاب اسلامی

دکتر جاسبی‌نماینده‌جامعه اسلامی دانشگاهیان اظهار داشت:

تمام انقلاباتی که درطول تاریخ در صحنه زمین‌بوقوع پیوسته است بدو نوع میتوان طبقه‌بندی کرد. ۱- انقلابات غیر مکتبی که دارای اهداف محدود و معینی بوده‌اندمانند آزادی، استقلال‌که درانقلاب هندوستان به رهبری گاندی بخوبی مشهود است .

۲- انقلابات مکتبی که براساس یك مکتب پی‌ریزی شده‌اند و دارای یك بعد نیستند و در تمامی زمینه‌هاو ابعاد جامعه اثر گذار هستند. به همین دلیل محدود نمودن این انقلابات در یك بعد و محصور نمودن آن مساوی با مرگ تدریجی آنها می‌باشد. زیرا جامعه‌ای که استقلال‌و آزادی داشته باشداما جوانان آن در فساد اخلاقی غوطه‌ور باشند این جامعه خلل‌پذیرو فنا پذیر خواهد بود .

وی در ادامه سخنان خود گفت :

به اعتقاد من اهمیت بعد فرهنگی از تمامی ابعاددیگر انقلاب اسلامی بیشتر استو اگر آن باور شود ابعاددیگر بسادگی‌تحول خواهندپذیرفت زیرا اگر آموزش نظامی بدون جبهه فرهنگی پیروز می‌شد، رژیم آمریکائی شاه مسلما بدان نائل می گشت زیرا سربازی که در میدان نبرد می‌رزمد اگر ایمان و آرمان نداشته باشد،سلاحها را بزمین می‌نهد و فرار را بررزم با دشمن ترجیح می‌دهد . پس برای پیروزی در میدان نظامی نیاز به یك تحول در تفکرات واعتقادات خود داریم و همین اهمیت و ویژگی خاص‌فرهنك درتداوم و گسترش انقلاب اسلامی را روشن می‌سازد . (باتوجه به این نکته که کشور ما هم اکنون در محاصره اقتصادی ازسوی‌کشورهای استعمارگر قرار دارد).

محاصره اقتصادی برای چه ؟

بخاطر اینکه می‌اندیشند این محاصره موج نارضایی مردم را موجب خواهد شد و کمبود مواد غذایی ، کاهش تولیدات کارخانجات ، تجمع مردم در صفهای طولانی ، بیکاری‌وتورم حکومت‌اسلامی ایران را بزانو درخواهدآورد و این زمانی بوقوع خواهد پیوست که‌مادرجبهه فرهنگی شکست بخوریم .

قرآن وانقلاب فرهنگی

آیت‌الله مشکینی درمجتمع وحدت دانشجو و طلبه‌طی یکسخنرانی اظهار داشتند:

این کتاب عظیم آسمانی، که بنام قرآن نامیده می شود تا از مبداعلم ازل‌الهی‌تنزل کند ومرحله‌ای بپیماید ودر لوح محفوظ تثبیت شود و سپس از آن مرحله حرکت کند و در قلب فرشتگان بزرگ خاصه جبریل امین مکان گزیند و از آنجا منتقل شود واز زبان جبرئیل وسمع‌مبارک پیامبر بر قلب شریفش‌فرود آید و ازقلبو زبان پیامبر در دلهای امت فرود آید و نازل شود مراحلی می‌پیماید و سفرهایی که‌این سفر قبل از انسان شروع شده است . آن رحمان‌به نیروی رحمانیتش‌ابتدا‌قرآن را یاد داد و پس از آن انسانها را خلق فرمود.

صحبت در اینست که این کتاب عظیم پس‌ازآمدن و وارد شدن در میان جوامع بشری چه انقلاب فرهنگی ایجاد کرد و این تاثیر و دگرگونی در روح آن انسان بزرگ که قرآن براو فرود آمده است و در روح او و خواصو حواریون او ، جانشینان معصوم او و سپس‌پیروان آنها چه انقلابی ایجادکرد و چه انسان سازی کردکه اینان یکپارچه قرآن شدند و این معنای انقلاب‌حقیقی است .

از یکی زوجات پیامبر بزرگ خواستند تا از اوصاف محمد(ص)برایشان بگوید و او گفت : «پیامبر از نظر اندیشه ، اخلاق و عمل متبلور شده قرآن است.»

اگر بخواهید کشوری‌را زنده کنید و حیات را از کشوری به کشورهای‌دیگر دنیا صادر نمائید تا به مستضعفان برسیدو آنان‌را از چنگال‌مستکبران بیرون آورید باید ابتدا انقلاب روحیتان آنچنان شود که علی درجنگ صفین فرمود: بزنید و بریزید این‌قرآنها را (اشاره به حیله‌عمرعاص بابرسرنیزه کردن قرآنها برای فریب مسلمانها) که اینها کاغذ و دفتر و ورق است . قرآن منم و همه احکام قرآن در من متبلور شده است .

انتظار دارم تااز وحدت دانشگاه و فیضیه که زیباترین اتحاد است‌آنچنان انقلاب روحی در آنهاپیدا شود که هر کدام یک کارخانه انسان سازی‌شوند و تمام کشور رااسلامی کند.

نقش دانشگاه در جامعه

● برادر رحیمی عضو شورای مرکزی دفترتحکیم وحدت در مورد تغییرات سیاسی ، اقتصادی‌فرهنگی و آموزشی و نیز بسته شدن دانشگاهها اظهار داشت :

اگر جامعه را مجموعه افرادی که بدلیل خاصی دور هم جمع شده‌اندبدانیم محتوای این‌مجمع‌رافرهنگ تشکیل می‌دهد . دانشگاه تجلی‌گاه و تبلور فرهنگ و تمدن آن جامعه است که همچون مشعل مقدسی نور علم و معرفت را در نهاد خود فروزان نگاه می‌دارد و راه پرفراز و نشیب بشریت را روشن می‌نماید.

غرب از طریق نیروی نظامی بر کشور های‌جهان

شماره ردیف ________

شماره مسلسل ________

مأخذ: تاریخ جمهوری اسلامی ۵۹/۱۱/۲۰



(آرشیو)

عنوان: اهداف و مسئولیتهای ستاد انقلاب فرهنگی

موضوع: ________

آموزش قرار دارد.

۳-در تعلیم و تربیت اسلامی تقسیم کار در علوم و مسائل و پیدایش تخصص به یک بعدی شدن انسان نمی انجامد، بلکه با رشد خصائص مشترک انسانی و اسلامی، جامعه از انسجام کافی برخوردار میشود.

٤-ودر نظام اسلامی تحصیل در رشته های مورد نیاز جامعه واجب کفایی است و افراد براساس مسئولیتهای اجتماعی به کسب مهارت می پردازند.

۵-در نظام اسلامی هر فرد علاوه بر تلاش در امر خدمت و تولید در واحد خود همواره نقش پویایی را در جهت ارتقا آموزش و تحقیق بر عهده میگیرد.

٦-به تقوی، مهارت ودانش افراد بجای مدرک ارزشی داده میشود بطوریکه ضابطه ورود به مشاغل آموزشی و خدماتی علاوه بر تقوی و ایمان، دانش وکارآیی باشد.

۱- شکوفا ساختن استعدادهای بالقوه و به امانت سپرده شده نزد انسان به منظور رشد و تکامل او در جهت‌الله و خلیفه الهی،

۲- تربیت و تعلیم افراد مسلمان و مومن (با بینشی توحیدی) و متخصص جهت رفع نیازهای مشروع جامعه.

۳- حاکمیت اخلاق اسلامی و معنویت در محیطهای آموزش.

٤- قطع وابستگیهای فرهنگی، علمی و اقتصادی.

۵- بهرمندی از منابع خدادادی با رعایت عدالت اجتماعی در جهت رفع نیازهای مشروع جامعه و مستضعفین جهان و کوشش در حفاظت و تداوم بهرمدهی آنها.

٦- گسترش مز های فرهنگ و دانش و تکنولوژی.

با توجه به امکانات و نیازهای فوری دانشگاهها و موقعیت خاص مملکت این واحد دونوع هدف برای خود در نظر گرفته است:

۱- هدفهای عاجل (کوتاه مدت).

۲- هدفهای اجل (درازمدت).

۱- اهداف کوتاه مدت عبارت است از تشکیل گروههای تخصصی در رشتههای مختلف دانشگاهی (۲۹ رشته) مرکب از اساتید مجرب و متعهد. این گروهها انتخاب کتابهای مناسب رشته خودرا بارعایت طرحها و برنامه‌ریزیهای دانشگاههای آتی و نیازهای کشور همچنین با توجه به پیشنهادهای اساتید دانشگاهها بعهده خواهند گرفت. در زمینه انتخاب کتابها، همکاری و ارتباط مستقیم با واحد برنامه‌ریزی آموزشی ستاد انقلاب فرهنگی برقرار است.

۲- اهداف درازمدت عبارت است از برآوردن کلیه نیازهای دانشگاهها در زمینه کتابهای آموزشی. تشکیل این قسمت آغازی است برای تاسیس یک «مرکز انتشارات دانشگاهی» که فعالیتهای کلیه موسسات انتشارات علمی دانشگاههای کشور را هماهنگ کرده، کار چاپ و انتشار کتابها را از مرحله انتخاب تا چاپ و نشر زیر نظر خواهد گرفت.

عنوان: اهداف و مسئولیتهای ستاد انقلاب فرهنگی...

موضوع: اهداف ستاد انقلاب فرهنگی و جهاد دانشگاهی و کمیته‌های مربوط به جهاد دانشگاهی

شماره ردیف ______

شماره مسلسل ______

مأخذ: تاریخ جمهوری اسلامی ۵۹/۱۱/۲۰

(آرشیو)

چندی پیش از مجموعهٔ فرهنگ انقلاب، که حاوی بخشی از گزارش کارستاد انقلاب فرهنگی و جهاددانشگاهی می‌باشد، مصاحبه دکترشریعتمداری و طرح پیشنهادی گروه پزشکی را بچاپ رساندیم واینک در ادامه مطالب نشریه فرهنگ انقلاب، اهداف و مسئولیتهای ستاد انقلاب فرهنگی و جهاددانشگاهی و کمیته‌های مربوط به جهاددانشگاهی را بچاپ می‌رسانیم.

۱- تعیین خط‌مشی فرهنگی جامعه بطور کلی وبویژه خط‌مشی و نظام آموزشی کشور، و تعیین اهداف و جهت آموزش.

۲- تهیه وتدوین نظام آموزشی کشوربرای دوره قبل ازابتدایی تاسطح آموزش عالی درچهارچوب خط‌مشی تعیین شده.

۳- ادغام و انحلال بعضی ازمؤسسات آموزش عالی موجود و تاسیس دانشگاههای جدید.

٤- بررسی و تعیین محتوای کتب و برنامه درسی دانشگاهها درجهت اهداف جمهوری اسلامی

۵- بررسی کادرعلمی و کمبودهاوتکمیل کادرعلمی واداری.

٦- تغییر فرم و محتوای آموزش‌عالی و متوسطه

۷- جذب نیرو درهنگام تعطیل دانشگاهها، اجرای پروژه‌های مختلف و ارائه خدمات به جامعه.

۸- تنظیم رابطه بین پذیرش دانشجو و برنامه‌ها درمناطق روستایی بطوریکه دانشجو عملاً آماده شود تابعدازفراغت ازتحصیل درخدمت رفع نیازهای مبرم و حیاتی قرارگیرد.

شورای عالی جهاد دانشگاهی

- مدیریت داخلی
- روابط عمومی
- واحد هماهنگی طرح و برنامه
  - کمیتهٔ علوم انسانی
  - کمیتهٔ پزشکی
  - کمیتهٔ کشاورزی
  - کمیتهٔ صنایع ومعادن
  - کمیتهٔ علوم
  - کمیتهٔ عمران
- واحد هماهنگی امور دانشگاهها
  - شوراهای دانشگاههای تهران
    - جهاددانشگاهی دانشگاه تهران
    - تربیت معلم
    - پلی تکنیک
    - ملی
    - علم و صنعت
    - صنعتی شریف
    - گروه هنرهای زیبا
    - فنی و مهندسی
    - علوم اداری وبازرگانی
    - ادبیات وعلوم انسانی
    - علوم پزشکی
  - شوراهای دانشگاههای استانها
    - جهاددانشگاهی استان خوزستان
    - مازندران
    - سیستان وبلوچستان
    - آذربایجان غربی
    - آذربایجان شرقی
    - فارس
    - خراسان
    - اصفهان
    - کرمان
    - همدان
    - کرمانشاهان
    - گیلان

نمودار جهاد دانشگاهی

اهداف جهاددانشگاهی

باتوجه به تعطیل شدن دانشگاههای کشور و بدون استفاده ماندن امکانات وسیع آنها اعم از نیروی انسانی و تجهیزات فنی، آزمایشگاهی، درمانی و.... برای تدوین برنامه‌ای جهت بهره‌گیری از این امکانات بخاطر رفع مشکلات والتیام آلام امت محروم مسلمان میهنمان و همینطور انجام کمکهای لازم درمورد چگونگی طرح نظام آموزشی جدید، نحوه استقرارآن و نظارت بحرکت دانشگاههامنطبق برنظام جدید و جلوگیری ازانحرافات آنها، ایجاد نهادی انقلابی که این وظایف را مسئولانه تقبل کرده و دنبال کند ضروری بنظر میرسید. این نهاد پس از تشکیل، موارد فوق را که بمثابه رسالت واقعی دانشگاهها، به عنوان مراکز تعلیم و تربیت نسلهای آینده امت مسلمان ایران بشمارمی‌آید زمینه اهداف خودقرارداد و دراین زمینه موارد زیر را به عنوان «اهداف» پذیرفت:

۱- بردن دانشگاه به میان مردم به خاطرایجاد تماس‌های رویاروی مردم و دانشگاهیان با مشکلات موجود و درنتیجه بوجود آمدن درک عینی و واقعی طرفین ازامکانات یکدیگر برای فراهم آوردن طرحها و برنامه‌هایی درجمیع زمینه‌هایی کلاًمحتاج به کاراین نیروی عظیم است.

۲- آشناساختن کادرمتخصص و محقق دانشگاهی با معیارهای اسلامی و تصویرعینی این واقعیت که خاستگاه فکری این امت، اسلام است و تعالیم انسانسازآن است که ضامن، تحقق آرمانهای متعالی بشریت می‌باشد.

۳- کوشش برای تامین کادر تحقیقاتی و اجرایی جهادسازندگی و سایرنهادهای انقلابی که درجهت حل مسائل محرومترین اقشار جامعه فعالند با استفاده ازامکانات دانشگاهها و مراکزتحقیقاتی و هرسازمان دیگری که دراین راه بتواند موثر باشد.

٤- کوشش درحل مسائل اجتماعی و اقتصادی کشور، بااستفاده ازنیروی فکری دانشگاهها، بصورت طرحهای ضربتی و درازمدت درجهت خود کفایی وبالنتیجه استقلال کشور.

۵- همکاری بامراکز ذیصلاح، ایجاد طرح نظام آموزشی دانشگاهی جدید برای کمک درطرح این نظام و پیگیری دراجرای آن دردانشگاهها وجلوگیری از انحراف آن.

٦- هماهنگی نیروهای دانشگاهی کشور برای تهیه و اجرای مشی واحد درحرکت بسوی اهداف به منظور جلوگیری از اتلاف وقت و انرژی درانجام رسالتهای دانشگاهها.

بخش آموزش عالی

بخش آموزش عالی یکی ازسه بخش مهم ستاد انقلاب فرهنگی، راتشکیل می‌دهد و مسئولیت کلی آن، همانطورکه ازنمودارزیرپیدااست، تجدید نظام آموزشی کشور می‌باشد درصفحات بعدخواهیم دیدکه چگونه واحد برنامه‌ریزی آموزشی ازبخش آموزش عالی به پنج گروه آموزشی تقسیم می‌شود و هرگروه به طرح نظامی پردازد که مبنای بازگشایی داشگاههارقرارخواهد گرفت.

چون اساس آموزش عالی کشورمعیارهای اصیل و پویای اسلامی خواهد بود، ابتدا این معیارهامورد بحث وبررسی قرارگرفته واهداف عام دانشگاههای اسلامی آینده مشخص شده است. اینک بخاطر اهمیت فراوان اهداف عام دانشگاه اسلامی که مبنای همه برنامه‌ریزیها می‌باشد این اهداف راهمراه بانمودارتشکیلاتی هریک ازگروههای آموزشی به نظرتان می‌رسانیم.

ازطرف دیگربخاطر اثرات قاطعی که رهنمودهاامام امت درتنظیم نظام جدید آموزشی کشورداشته است بخشی ازاین رهنمودهاراهمراه بااهداف عام دانشگاه اسلامی خواهیم آورد.

واحد برنامه‌ریزی آموزشی

هدف کلی

تهیه و تدوین برنامه آموزشی در رشته‌های مختلف برای دانشگاههای اسلامی آتی.

روش کار

برای هر مجموعه از رشته‌های تحصیلی مرتبط، یک گروه تخصصی در ستاد انقلاب فرهنگی طبق نمودار بالاتشکیل شده است این گروهها براساس اهداف عمومی دانشگاههای اسلامی اقدام به تدوین اهداف تخصصی رشته خود می‌نمایند که پس از تهیه، همراه با شرح آن بصورت طرحی مدون از طریق رسانه‌های همگانی به نظر خواهی عمومی گذاشته میشود. درضمن یک نسخه از طرح اهداف تخصصی گروه در اختیار هریک از دانشگاههای مربوط به آن رشته قرار می‌گیرد. طرح مذکور پس از جمع‌بندی نقطه نظرات ارسال شده و تبادل نظر باوزارتخانه و نهادهای اجتماعی مرتبط، در مجلس شورای اسلامی جهت تصویب مطرح می‌شود. پس از تصویب طرح، برنامه‌ریزی آموزشی رشته تحصیلی در چهارچوب اهداف تخصصی انجام می‌گیرد.

اضافه می‌نماید که تاکنون گروههای پزشکی، کشاورزی، و «فنی و مهندسی» طرح خود را برای تهیه برنامه آموزشی به نظرخواهی عمومی گذاشته‌اند.

در این شماره و شماره‌های بعدی، طرحها و فعالیتهای گروههای مذکور با توجه به امکانات نشریه به اطلاع خوانندگان خواهد رسید.

گروه فنی و مهندسی

۱- اهمیت علم دراسلام وارزشی که اسلام برای قلم قائل است تا آنجاست که خداوند به قلم سوگند یاد میکند.

۲- اسلام برای کسب علم محدودیت زمانی ومکانی قائل نمیشود وپیوند علم ودین را یک پیوند مقدس و ناگسستنی میداند.

۳-در اسلام علم جهت وهدف مشخصی دارد و وسیله‌ای برای تعالی انسان وسیراو بطرف کمال مطلق است.

٤- دانشگاه باید به عنوان یک مرکز علمی و تعلیم و تربیت بوده ومجموعه پویایی با جوهر وفرهنگ اسلامی باشد.

۵- درجهت بالا بردن شناخت انسان از نفس خویش وشناخت خالق وجهان بوده وارتباط انسان با طبیعت و جامعه وشناساندن ارزشهای اسلامی، ودوری از ارزشهای منحط باشد وبا نقش سازنده خویش مکان همبستگی علم ودین و توجیه کننده منطقی حرکت یگانه پدیده‌ها درجهت الله باشد.

٦- دانشگاه باید درخدمت جامعه اسلامی قرارگرفته وموجب رهایی مردم ازبند جهالت ونادانی وتحجر شود وهدایت کنندگان همگان درجهت کسب علم وتقوی باشد.

گروه علوم پایه

۱- بالا بردن سطح دانش در جامعه به منظور ارتقاء معنوی و رفع نیازهای مشروع جامعه.

۲- شکوفا نمودن استعدادهای نهانی افراد و هدایت آنها در جهت کمال انسانی.

۳- تربیت افراد متعهد و متخصص به منظور خودکفایی جامعه اسلامی یعنی استقلال فرهنگی، سیاسی و اقتصادی.

٤- ارشاد جامعه در جهت حاکم شدن ارزشهای اسلامی بر روابط اجتماعی.

۵- تربیت افرادی با ارزشهای اسلامی که دارای استقلال فکری و خلاقیت و قدرت تحقیق باشند.

٦- بالا بردن سطح بینش بشر در رابطه با فلسفه خلقت، به منظور استفاده صحیح از حیات در چهارچوب جهان‌بینی اسلامی.

۷- معرفی جایگاه حقیقی علم مبنی بر جهان‌بینی اسلامی.

۸- شناسایی فرهنگ و تمدن اصیل اسلامی و نقد و بررسی سایر تمدنهای جهان.

۹- شناساندن فرهنگ و تمدن اصیل اسلامی به امت مسلمان و امتهای دیگر جهان.

۱۰- تقویت اخوت اسلامی بین مسلمانان و ایجاد همبستگی بین مسلمین و ملل مستضعف جهان، در جهت برانداختن استکبار جهانی و برقراری حکومت حق و عدل.

۱۱- ایجاد امکانات لازم برای تحقیق در جهت رفع نیازهای مشروع جامعه و گسترش مرزهای دانش.

۱-در نظام اسلامی تعلیم و تعلم بعنوان عبادت در راه خدا و برای تحصیل رضای اوست.

۲-در نظام آموزش و پرورش اسلامی امر تزکیه مقدم بر

شماره ردیف ....

شماره مسلسل پیام انقلاب ۵۹/۹/۲۹
۲۲



عنوان: تمدن غرب، آیا یکجا تقلید یا یکجا نفی کنیم یا روشی بینابین.

موضوع: تحلیلی بر تمدن غرب، تقلید یا نفی آن از ن-ح-تبریزی.

منسجم بوده و مانند یك نظام زنده و ارگانیك کلیه اجزاء آن ارتباطی زنده و پویا با یکدیگر دارند و دستاوردهای آنرا نمی‌توان همچون کالاهای یك فروشگاه بعضی را برگزید و استفاده کرد و از بعضی دوری جست.

همانطور که یك درخت با وجود شاخه‌ها و میوه‌ها و برگهای متعدد از یك ساقه و ریشه و آب و هوا تغذیه میکند - فلسفه و هنر و تکنولوژی و علم و مذهب و ادبیات و اقتصاد و... همگی مانند شاخه‌ها و میوه‌ها و برگهایی که از یك ریشه و ساقه بنام تمدن رشد و نمو کرده‌اند نشات میگیرند و کلیه آنها در عین اینکه ظاهر متفاوت مانند برگ و شاخه و میوه و... دارند اما همگی هماهنگ باهم در یك فضا و یك آب و هوا و با هدفی و غایتی مشترك زیست میکنند برای روئیدن هردرختی لازمه‌اش زمین و آب و هوای مساعد با ذات و سرشت آن درخت است و همانطور که هردرختی را درهرجائی بدون‌ایجاد شرایط مساعد نمی‌توان رویاند در مورد تمدنها نیز این چنین است حتی در مورد اقتباس و پیوند نیز هردو درخت باید برای پیوند مساعد باشند و هرگیاهی را به‌هرگیاهی نمی‌توان پیوند زد و از آن مهمتر، زنده و پویا و خلاق بودن آن درختی است که پیوند میخورد و این پویائی از شرایط ضرور گرفتن پیوند است و اگرنه، بریك درخت خشکیده و ناشناخته نمی‌توان پیوند زد و از آنجا که یك تمدن نیز یك واحد زنده بوده و کلیه اجزاءاش ارتباط ارگانیك دارند لذا هرنوع تقلید وجابجائی و اقتباس مستلزم ایجاد شرایط مساعد آن بوده و مهمتر از همه هرنوع پیوند و اضافه و کم‌کردن از هرتمدنی ابتدائا مستلزم پویایی و زنده‌بودن خود این تمدن است و اگرنه بریك تمدن ناشناخته

● چه بخواهیم تمدن خود را حفظ کنیم و یا آنرا رها کنیم در هرصورت باید قبلا آنرا بشناسیم زیرا عاقلانه نیست چیزی ناشناخته را حفظ و یا بدور افکنیم

● کلیه اجزاء یك تمدن اجزاء یك نظام زنده ارگانیك است و مانند اجزاء مختلف یك درخت از یك ریشه تغذیه میشوند

● آیا با ورود و رواج یك کالا، فرهنگ سازنده آن کالا رفته رفته نیز وارد نمی‌شود؟

● اگر بخواهیم تمدن غرب را بگیریم و یا آنرا نفی کنیم در هر دوصورت باید ابتدا آنرا بشناسیم چون خرید کالای ناشناخته را نه‌می‌توان پذیرفت و نه‌میتوان رد کرد



گسترش می‌آموزد چه، قوانین‌علمی‌وصنعتی با اینکه در ایران تحقیق شود و یا در اروپا نتایجش تفاوت پیدا نمی‌کند اما آنچه که با تغییر تمدنها و فرهنگها متفاوت‌میشود هدف و نحوه استفاده از آن قوانین دانش و طبیعت میباشد اینکه کسی بفکر ساختن دستگاهی باشد که با فشار دادن فقط یك دکمه کلیه کارهای زندگی‌اش انجام شود در شرایطی که میلیونها انسان از گرسنگی تلف میشوند با کسی که بفکر ساختن دستگاه‌یایافتن روشهائی است که توسط آن بتواند مسائل گرسنگی را حل کند هردو از قوانین علوم طبیعی استفاده میکنند اما محصولاتشان بخاطر تفاوت در اهداف متفاوت خواهد بود. در این مثال بخوبی میتوان اثرات فرهنگ در تکنولوژی و برعکس اثرات تکنولوژی در فرهنگ را یافت، مثلا اگر بخواهیم درجامعه‌ایکه دارای اخلاق و فرهنگی که حامی مستضعفین‌است دستگاهی را که با فشار یك شستی کلیه امور زندگی یکنفر را انجام میدهد، وارد کرده و تبلیغ کنیم تا آنرا بفروش برسان...

آیا با ورود تکنولوژی اینچنین و تبلیغ آن. غیرمستقیم فرهنگ آن تمدن وجامعه وارد نمی‌گردد؟ و آیا انسانهائی از این جامعه‌که در اثر تبلیغات تجارتی و صنعتی،کشانده میشوند برای خرید چنان کالائی ازفرهنگ خود دور نگشته‌اند؟ و آیا آن تبلیغاتی که ظاهرا فقط جنبه تجارتی و صنعتی دارد خود نهایتا بنوعی تبلیغات و القائات‌فرهنگی و ایدئولوژیکی منجر نمی‌گردد؟

ما در این مقاله سعی بر ارائه راه‌حل نداشته‌ایم بلکه هدف عمده‌مان طرح و تجزیه تحلیل دقیق مساله و نشان دادن ارتباط‌ها بوده و اینکه با وجود تمایزهای ظاهری آثار یك تمدن از قبیل علم، هنر، فلسفه، تکنولوژی، مذهب، اقتصاد، اخلاق و... همگی از یك ریشه تغذیه شده و در غایتها مشترك بوده و سازنده پیکری واحد و منسجم و مرتبط با یکدیگر میباشند،

لذا آنچه که بعنوان نتیجه دراینجا دریافت میگردد اینست که برای یافتن‌راه‌حل دقیق و اصولی در نحوه ارتباط و برخورد تمدن اسلامی ما با تمدن مغرب‌زمین ابتدا می‌بایست هردو تمدن را عمیقا شناخت و سپس برنحوه‌مواجهه حکم داد و در راه‌حل‌های بینابینی که روش حفظ اصولی تمدن خود و اقتباس از بعضی دستاوردهای‌تمدن غرب پیشنهاد میگردد نیز باید در نحوه کیفی اقتباس و ارتباط عمیقا دقت شود که مبادا، در نهایت ناخودآگاهانه هم منجر به ازبین‌رفتن اصول و پایه‌های تمدن خودمان گردد و هم پشیزی از دستاوردهای تمدن غرب برایمان باقی نماند!

...لسفه واخلاق ودین و ...اد غرب را وارد کرد

...لوژی غرب با فرهنگ غربی وجود ندارد؟

فراموش شده میرا چگونه میتوان پیوندی زنده اضافه کرد بنابراین مساله تاثیر و تاثر تمدنها و اقتباس آنها از یکدیگر مساله‌ای بسادگی خرید و فروش نبوده و مستلزم شناختی عمیق از ماهیت‌ها و ریشه‌ها و عوامل و فضای مخصوص و غایت‌های موجود در تمدن‌ها میباشد وبدون این شناخت هرنوع حکمی در این موارد دور از انحراف نخواهد بود.

اینکه ما میتوانیم اخلاق و فرهنگ خود را حفظ کنیم و در عین‌حال تکنولوژی غرب را وارد کنیم حکمی نسنجیده است چراکه با وجود تمایز ظاهری تکنولوژی و فرهنگ، ارتباط ظریف و پیچیده این دو را نیز میتوان کشف کرد. تکنولوژی در اهدافی که دنبال میکند متکی بر فرهنگ‌آن تمدن است اهداف و آمال فرهنگی واخلاقی یك جامعه به‌تکنولوژی آن شکل و نحوه

شماره ردیف ....

شماره مسلسل پیام انقلاب ۵۹/۹/۲۹ — ۲۲



عنوان : تمدن غربی را یکجا تقلید یا یکجا نفی کنیم یا روشی بینابین .

موضوع : تحلیلی بر تمدن غربی و تقلید یا نفی آن از ن - ح - نوبری .

تمدن غربی را یکجا تقلید
یا یکجا نفی کنیم
یا روشی بینابین؟!

از : ن ـ ح ـ نوبری

برخورد و نحوه مواجهه تمدنها با یکدیگر یکی از مسائل مهم و پیچیده و در عین حال ظریف تاریخ بشریت بوده است. بیش از یك قرن است بطور جدی جامعه ـ که از مراکز تمدن مشرق زمین و مهد تمدن اسلامی است با سیلی عظیم بنام تمدن جدید غرب روبرو گشته است به‌طوریکه قبل از اینکه شرق فرصت تفکر و تصمیم‌گیری را در این زمینه پیدا کند امواج آن، اثرات سهمگینی بر بافتهای جوامع خاوری نهاده است، بالاخص از آن‌جهت که شعار اصلی این تمدن ساختن بهشت زمینی بوده و توسط ابزاری نوین و سحرآمیز بنام تکنولوژی مدرن موفق به تحقق بعضی امور معجزه‌گونه بشری شده است، ناخودآگاه و بطور ناگهانی اثرات تحقیر شدن و از خود بیگانه گشتن گذاشته که محصولات آن عکس‌العملها و حرکتهای افراطی و ظاهرا متفاوتی بوده که از این نوع جوامع بروز کرد چنانکه در جامعه ما ابتدا گرایشی تند و افراطی بین روشن‌فکران فرنگ دیده پدیدار شد و شاخص این گرایش جمله معروف «تقی‌زاده» بوده است که گفت «تنها راه نجات ما اینست که از ناخن پا تا فرق سر فرنگی شویم» یعنی تمدن و فرهنگ خود را یکجا بدور ریخته و دربست تمدن غرب را با تمام خصوصیاتش پذیرا گردیم، این‌گرایش تند بطور طبیعی مانند هر حرکت افراطی که عکس‌العملی افراطی در جامعه بدنبال خود می‌آفریند قشری از سنت‌گراها را بر‌انگیخت و در برابر آن موضعی برعکس را اتخاذ کردند و آن اینکه «ما باید کلیه دروازه‌ها و مرزهامان را ببندیم و بدور خود حصار بکشیم و کوچکترین ارتباطی‌با تمدن مغرب‌زمین ایجاد نکنیم» در نظریه اخیر تمدن جدید اروپائی کاملا نفی می‌شد و تنها اتکا به تمدن خود و حفظ آن پیشنهاد میگردید در برابر این دو گرایش افراطی که در ابتدا ظهور گشت بعدها کم‌کم گرایشی میانه مطرح گردید که در واقع میشد آنرا بعنوان برآیند تقابل دو جبهه‌گیری افراطی فوق تلقی کرد و آن نظریه، این بود که دستاوردهای هر تمدن را به دو دسته کلی تقسیم کنیم، دسته محسنات و دسته سیئات و بعد پیشنهاد میکرد که در بر خورد دو تمدن خوبی‌های تمدن اول را حفظ کرده و بدیهایش را دور ریخته و در عوض آن خوبیهای تمدن جدید را جذب کرده و بدیها و نقاط ضعف آن را نیز دفع نمود بعبارت دیگر مخلوطی از خوبیهای هر دو تمدن منهای بدیها و سیئات هر دو را پذیرا گردیم و در برخورد تمدن شرق با تمدن نوین غرب بدلیل آنکه بعد معنوی تمدن شرق در برابر غرب دارای مطلوبیت بوده و برعکس بعد مادی تمدن غرب در مقایسه با شرق بسیار پیشرفته و جذابتر می‌باشد لذا پیشنهاد می‌شده است که «با حفظ اخلاق و مذهب و ادبیات خود تکنولوژی و علم و اقتصاد را از غرب بگیریم و انسانهائی با اخلاق شرقی و تکنولوژی غربی بسازیم» بعدها این روش که معقولانه‌ترین راه بین سه روش موجود بنظر میرسید رواج و دوام بیشتری یافت و خصوصاً در ایران به مقبولیت رسید. ما در این صحبت بدلیل اینکه یکی از مظاهر عمده تمدن شرق تمدن اسلامی است و همینطور از مراکز عمده تمدن اسلامی، ایران بوده است لذا برای عینیت



بخشیدن بیشتر این مبحث در رابطه با ایران مواجهه تمدن جدید غرب را با تمدن اسلامی بررسی خواهیم کرد. شاید ابتدا عجیب بنظر آید که بگوییم هر سه راه مشروحه فوق عجولانه بوده و حتی راه‌حل سوم بمراتب انحرافی‌تر و مخربتر نیز واقع شده است.

مساله اساسی که در اینجا بفراموشی سپرده شده است اینستکه اصولا هر چیزی را که بخواهیم بپذیریم و یا آنرا رد کنیم بدون شناخت و اطلاعات کافی از آن، سفاهت است فرض کنید جنسی در دست شماست و شخص جنسی را بعنوان مرغوبتر بشما پیشنهاد میکند شما وقتی میتوانید تصمیم صحیحی اتخاذ کنید که ابتدا هر دو جنس را خوب بشناسید و سپس تصمیم بگیرید که مثلا یکی از این سه راه را عمل کنید. (جنس خود را دور ریخته و بجای آن جنس پیشنهادی را بخرید، یا جنس خود را نگه دارید و جنس پیشنهادی را پس بزنید، یا قسمت مفید جنس پیشنهادی را خریده همراه قسمت مفید جنس خود استفاده کنید) انتخاب هر راهی بدون اطلاع از خصوصیات هر یك از دو جنس بسیار احمقانه است.

آنهائیکه طالب حفظ تمدن خود و نفی تمدن غرب بودند با آنهائیکه نفی‌کننده تمدن خود و طالب تمدن غرب‌بودند با آنهائیکه طالب خصوصیات مثبت هر دو و نفی منفی‌های آندو بودند هر سه دسته در یك صفت مشترك بودند و آن‌اینکه، شناختی از دو تمدن نداشتند و در واقع هرسه‌عملی یکسان مرتکب میشدند چه، کسی که‌چیزی را بیدلیل بپذیرد با کسی که همان را بی‌دلیل نفی کند تفاوتی ندارند.

از طرف دیگر مساله توجه نشده دیگر، ساختمان و بافت یك تمدن است که

آیا میتوان در عین ح
فرهنگ خود تکنول
آیا هیچگونه ارتباط

در این مورد روش سوم یعنی «روش بینابینی» بیشتر بخطا رفته چنانچه یك تمدن را همچون یك فروشگاه تلقی کرده و همانطور که انسان میتواند از یك فروشگاه آنچه را که ضرور و مفید می‌داند تهیه کند و از بقیه صرفنظر کند در مورد تمدن نیز همچون برداشتی شده که این خطائی بمراتب بزرگتر و انحرافی‌تر بوده است. اساسا یك تمدن یك سیستم

شماره ردیف ______ عنوان: انقلاب فرهنگی

شماره مسلسل ______ موضوع: مقاله‌ای پیرامون مارکسیستها در ایران و جهان انقلاب فرهنگی را قبول ندارند

مأخذ: تاریخ جمهوری اسلامی ۱/۲/۶۰



(آرشیو)

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم
نخستین مسئله‌ای که در مدخل مبحث بچشم میخورد، همان انتقاد معروف تراز کفر ابلیس حضرات مارکسیست مبنی بر عدم امکان عینیت انقلابات فرهنگی جدای از عوامل تولیدی میباشد، که بنظر میرسد رفع ابهام فوق پیش از تعریف انقلاب فرهنگی بهتر باشد.

مارکسیسم بالمجموع در ایران و جهان، چیزی را بنام «انقلاب فرهنگی» قبول ندارد، علاوه بر این تجربهٔ انقلاب فرهنگی مائوئیستی درچین، بیش از پیش ذهن قافیه پرداز و قالبی مارکسیستها را براین اندیشه جزم کرده است، که انقلاب فرهنگی در خارج عینیت نخواهد یافت. اما پیش از آنکه تصفیه‌ها و اعدامهای دارودستهٔ چهارنفری زیر عنوان انقلاب فرهنگی در چین، دخیل اصلی بروز این نوع تفکر درمارکسیسم باشد، اصولا جهان بینی و فلسفه تاریخ مارکسیستی بصورتی است که ثمرهٔ طبیعی و معمولی آن همین گونه عقاید و آراء است.

مارکسیسم بنا بر اینکه یک جهان بینی‌الحادیست، و اصالت را به «ماده میدهد، و بدین دلیل که فعل و انفعالات درونی ماده را مبداء و منشاء همه چیز میداند، و به اصطلاح منطقیون، در این نظرگاه «ماده» برهمه چیز تقدیم ذاتی دارد، فلذا درمقام بررسی و ریشه‌یابی و علت بینی و تجزیه و تحلیل اشیاء و پدیده‌ها درقلمرو طبیعت و جامعه بهمان تفاسیر مادی بسنده کرده و اندیشه و تفکر و تعقل راتابعی ازتکامل و پیشرفت مواد میداند، علاوه بر این بنا بر فلسفه تاریخ ماتریالیستی، تمام تحولات و انقلابات تاریخی برپاشنهٔ عوامل تولیدی و مادی میچرخد، بنا بر این در این دیدگاه، امکان عینیت انقلابی بنام انقلاب فرهنگی موجود نیست.

علاوه بر این رخدادهای اجتماعی در هربرهه از تاریخ، دارای بارفرهنگی خاص بوده، و از حدود معینی تجاوز نمیکند، لذا انقلاب در این مفهوم بدون یک تحول اقتصادی و

مادی و بتعبیر دیگر، بدون‌این، تحقق پذیرفته است.

تطور ساخت و استرکتور تولیدی اجتماع، وجود خارجی نخواهد یافت.

بنا بر این «تجربهٔ مائوئیستی انقلاب فرهنگی» برماتریالیسم تاریخی، مزید علت شده و مارکسیستها را از درک چنین مقوله‌ای عاجز ساخته است، اما از آنجا که بقول شیخ اجل سعدی

خانه از پای بست ویرانست
خواجه دربند نقش ایوان است

مارکسیستها هیچگاه بنا برجزمیت فلسفی و دگماتیسم پنهانی که بدان گرفتارند، دربارهٔ درستی و نادرستی همین اصول و مبادی که با آن به حلاجی پنبهٔ تاریخ(!) پرداخته‌اند. به تحقیق و تفکر و لااقل مداقه در«بدیهیات اجتماعی» نمینشینند، اولا درمفهوم «انقلاب فرهنگی» باید اشاره کنیم، که این انقلاب از سالها قبل درذهنیت افراد جامعه صورت گرفته بود و اصولا زوال نظام شاهنشاهی و استقرار رژیم جمهوری اسلامی، تابعی از تحقق همین انقلاب بود، به اعتبار دیگر، تا انقلاب فرهنگی در شیوهٔ تفکر، بوقوع نپیوست، انهدام ونابودی استبداد، عینیت نیافت.

واضح اینست تا آن هنگام که روشنفکران مسلمان به سرچشمه زلال و مواج اسلام بازنگشتند و تا یک تصویر کلی و اجمالی از حکومت اسلامی و اصول و شرایع سیاسی و اجتماعی آن در اندیشهٔ جامعه شکل نگرفت، جهان بینی الهی و فلسفهٔ اسلامی بصورتی رو به کمال تدوین نگردید، «انقلاب اسلامی ایران» جامه واقعیت نپوشید و توده‌های میلیونی به تخریب بنیان ۲۵۰۰ ساله نپرداختند، پس برخلاف دیالکتیک تاریخی مارکسیسم، انقلاب واقعی همان انقلا ب فرهنگیست که مبداء و منشاء تحقق تحولات اجتماعیست، و این انقلاب مادی و اقتصادیست که همواره در طول تاریخ تابعی از تحولات روانی و فرهنگی و معنوی بوده است، اینستکه بهمین دلیل، در دیدگاه ما، انقلاب فرهنگی «بیشتراز

پس مراد از انقلاب فرهنگی چیست؟ پاسخ این سئوال چندان مشکل بنظر نمیرسد چرا که «انقلاب فرهنگی در حقیقت» تثبیت اصول و پایه‌ها و ضابطه‌های یک فرهنگ انقلابی در تمام سطوح است، به عبارت صحیح‌تر، مقصود ما از این اطلاق، وبسط و تعمیم و تعمیق «فرهنگی انقلابیست» که علت‌العلل انقلاب و مادر همه تحولات و رفلکس‌های اجتماعی و تاریخی می‌باشد،

ما در این عقیده اصرار داریم که ماهیت اسلامی جنبش انقلابی ایران، کیفیتا و ذاتا ایجاب می‌کند، تا مبانی و مبادی اسلامی در تمام سطوح، بمرحلهٔ عمل و اجرا گذاشته شوند، اتفاقا بقاء و دوام ومرگ و زندگی این انقلاب‌ها وابسته به چگونگی و کمی و کیفی «استقرار فرهنگی انقلاب» در جامعه است، و اگر پای نقد و تحلیل و انفعال بخشی ارزشگذارانه پیش بیاید، این اجرای مبادی واصول اسلامی در ساخت فرهنگی و تعلیم و تربیت اجتماعی است که در خور اولویت و اهمیت میباشد، و وسواس و دقت در اجرای موبموی این حدود و ثغور در شئون مختلفی از قبیل، «نظام اداری فرهنگی» و «سیستم آموزشی» برتری و فضیلت و رجحانی ذاتی بر اجرای شرعیاتی از قبیل «تادیب گرانفروش» و «عقوبت محتکر» دارد.

البته چنین فضیلت و رجحانی، کم بها دادن به مسائلی از نوع دوم را موجب نمی‌گردد. و شرع مبین در هیچ حالتی تعطیل بردار نیست، بلکه بنابر فلسفه تاریخ الهی «حوالت تاریخی غرب‌زدگی» و حاکمیت استکباری طاغوت مضاعف خود بنیاد و خود محور «نفس اماره بشری» در قالب امپریالیسم

تنها درصورت بازگشت به همان اصالت اسلامی، تبدیل به «حوالت امانت مقدس الهی» درجهت امحاء مظهر حاکمیت نفس اماره بر بشر «امپریالیسم» امکان پذیر خواهد بود. و میدانید که

حصول سلطه برشیطان بزرگ اماره درونی و بیرونی و ملی و جهانی، تنها از طریق سلاح کوبنده و قدرتمند و ظفرنمون «تزکیه» امکان‌پذیرست، که درسیستم تعلیم و تربیت طاغوتی و سیستم‌های الحادی، از قلم افتاده بود، و نیز نداشتن همین یک قلم کالا (!) موجب سودوضررهای بزرگ جامعهٔ بشری وظهور واستمرار «استضعاف» در ابعاد گوناگون بوده است.

در سیستم آموزشی طاغوت و الحاد، نفس علم و علم برای علم، مطلوب بوده دراین میان عدم وجود «ارزش‌های صادر شده از مبانی و مصدر وحی» که منبع ارزش من جمیع جهات است و علم را توام با عشق و عقل را در ارتباط با «دل» دارای قیمت این می‌داند، منشاء همهٔ ناروائیها و ظلمها و ستمها ونابرابری‌ها استقرار میگردید، اما درنظام فکری و فرهنگی اسلام- نظام طلبگی - همهٔ قیمت و بهابه «غایت و هدف تعلیم و تعلم» تعلق میگیرد علاوه براینها دراین دیدگاه که بقول مولانا جلال‌الدین:

از عشق گردون موتلف، بی عشق اختر منخسف
از عشق گشته دل الف، بی عشق الف چون دال‌ها

و نظام کائنات بر محور تسبیح و تقدیس او میچرخد، و غایت کمال آدمی نیز، حصول عشق به او را از طریق «تزکیه و تقوی» است، مدرس و معلم باید زمزمهٔ محبتی را بسوی آن معشوق حقیقی و آن کمال مطلوب و برین سردهد وگرنه.

ایهاالقوم‌الذی فی‌المدرسه
کلما حصلتموه وسوسه
لوح‌دل‌ازفضلهٔ‌شیطان‌بشوی
ای‌مدرس،درس‌عشقی‌هم‌بگوی

شماره ردیف ____________

شماره مسلسل ____________

مأخذ: تاریخ کیهان ۳۰/۱/۶۰



(آرشیو)

عنوان: تصمیمات تازه ستاد انقلاب فرهنگی در مورد همکاری استادان و محققان دانشگاهی

موضوع: مصاحبه دکتر شریعتمداری با کیهان درباره ستاد انقلاب فرهنگی بازگشائی دانشگاهها، جهاد دانشگاهی و ...

دکتر علی شریعتمداری در گفتگوئی با کیهان نقطه نظر های خود را پیرامون مسائل مختلف ستاد انقلاب فرهنگی ، بازگشائی دانشگاهها ، جهاد دانشگاهی و ... تشریح کرد .

در نخستین قسمت این مصاحبه که در شماره قبل بچاپ آمد . درباره بازگشائی رشته های ضروری در مهر ماه ، پذیرش دانشجو ، برنامه های دوره فوق لیسانس خواندید و اینک دومین قسمت این مصاحبه از نظرتان میگذرد.

دکتر شریعتمداری در مورد وجود حدود ۲۰۰ هزار دانشجوی ایرانی در خارج و اینکه آیا تحصیل این گروه نیز منطبق برفرهنگ اسلامی مورد نظر خواهد بود یا نه گفت : باید سعی شود که حداقل سطح لیسانس در مملکت تقویت شود و رشته های مورد نیاز کشور نیز در دانشگاههای خودمان تامین و تقویت گردند البته در شرایط کنونی برنامه آموزشی دانشگاهها با نیاز های مملکت هماهنگ نیست و باید دچار یك دگرگونی اساسی شوند و ضمنا دانشجویانی به خارج فرستاده شوند که با میراث فرهنگی کشور و افکار و نظام ارزشی اسلام آشنا باشند و در خارج رشته های مورد نیاز را آموخته تا بعدا در خدمت این جامعه بیاید .

دکتر علی شریعتمداری در پاسخ به این سئوال که با توجه به تاکیدامام در مورد بهره‌گیری از نیرو های متخصص ، آیا ستاد از استادان و دانشجویانی که با جمهوری اسلامی مخالفتی ندارند بهره خواهد گرفت یا خیر گفت : در فرهنگ اسلامی همیشه برای دانشمندان و محققانی که حتی مسلمان نبوده و با نظام اسلامی هم سرناسازگاری نداشته جاباز است . قهرا در دانشگاهها ما نیز از وجود محققانی که روح علمی داشته باشند و بخواهند خدمت کنند استفاده می‌کنیم و امام نیز در اینباره تاکید فرمودند .

از دکتر شریعتمداری سئوال شد تعدادی از اساتید بد علت پاره‌ای از مشکلات با جهاد دانشگاهی حقوقشان قطع شده است در حالی که براساس قوانین موجودرئیس هیچ‌دانشگاهی اجازه قطع حقوق اساتید را ندارد فقط می‌تواند بعنوان جریمه به کسر حقوق آنهم برای مدت کوتاه و مشخصی اقدام کند در اینباره چه تصمیمی گرفته شده است ؟ وی جواب داد : در این مورد کسانی هستند که یادارای وضع معلق هستند یا با مسئولین دانشگاهی اختلافی دارند که البته قبلا قانون مصوبه شورای انقلاب ملاك كار بود که پس ازانقضای آن ، ستاد طرحی تهیه کرد و از طریق وزرای عضو ستاد در هیئت دولت مطرح و سپس با نظریات دیگر وزارتخانه ها به صورت یك طرح جامع تدوین و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی فرستاده شده است که امیدواریم نمایندگان محترم مجلس با توجه به اهمیت طرح و امنیت شغلی استادان و تاکید امام این لایحه را تصویب کند تا براساس ضوابط قانونی نسبت به پرداخت یا عدم پرداخت حقوق اساتید دانشگاهیان اقدام شود .

ترکیب جدید شورای جهاد دانشگاهی

وی همچنین در پاسخ به این سئوال که عملکرد جهاد دانشگاهی عملا در برخی از دانشگاهها با مخالفت بعضی از اساتید مواجه بوده است آیا ستاد انقلاب فرهنگی در رفع این مشکل اقدامی کرده است یا خیر گفت :

قهرا هر نهاد تازه با مشکلاتی مواجه است که جهاد هم از این قاعده مستثنی نبوده است ولی نمایندگان شورای عالی جهاد دانشگاهی خود راسا متوجه مشکلات شده‌اند و ستاد هم در بررسی کار جهاد و هم‌چنین‌مسایلی که در بعضی‌از دانشگاهها مطرح گردیده‌ترکیب جهاد دانشگاهی و وظایف آنرا مورد ارزیابی قرار داد و جلساتی که با مسئولین جهاد دانشگاهی و اعضای ستاد تشکیل شد نسبت ترکیب و مسئولیت های جهاد تغییرات کلی به عمل آورد و بدین ترتیب شکل تازه شورای جهاد دانشگاهی در هر دانشگاه از ٤ استاد ، دو دانشجو و یکی از کارکنان متخصص در امور مالی تشکیل شده است و مسئولیت های آن در امور برنامه ریزی آموزشی و پژوهشی و امور فرهنگی و دانشجویی تعیین شده است و این جهاد ضمن اجرای تصمیمات ستاد،طرح های لازم را در زمینه های مختلف در هر دانشگاه تهیه و در اختیار ستاد قرار میدهد.

وی افزود : بنابراین پیش‌بینی میشود در این ترکیب تازه با توجه به وظایف تعیین شده بسیاری از مشکلات گذشته حل گردد در ستاد هم هیئتی بنام هیئت پیگیری تشکیل شده که قرار است در برخورد مشکلات این هیئت به دانشگاهها رفته و اختلاف موجود را بررسی کند و گزارش هرمورد را به‌ستاد ارائه تا بتوان در حل آن اقدام کرد .

سرمایه راکد دانشگاهها

دکتر شریعتمداری سپس در پاسخ به این سئوال که در مورد بهره‌گیری از میلیونها تومان سرمایه های راکد موجود در دانشگاهها که عملا در انبار ها بدون استفاده مانده چه اقداماتی انجام شده گفت : جهاد دانشگاهی طرحهای تحقیقاتی فراوان در جریان اجرا دارد و در برخی از دانشگاهها بسیاری از اساتید با کمك دانشجویان در اجرای پروژه های تحقیقاتی همکاری دارند و برای طرحهای پژوهشی نیز از وسایل آزمایشگاهی استفاده می‌کنند برای نمونه می‌توان از دانشگاه علم و صنعت یادکرد که فعالانه مشغول کار است . و در پاره‌ای از دانشگاهها نیز نیاز های سازمان های دولتی را می‌کنند و با استفاده از وسایل آزمایشگاهی به منظور تامین نیاز های ارتش ، سپاه پاسداران ، جهاد سازندگی، کلاسهای باز آموزی‌آموزش وپرورش و دیگر موسسات دولتی استفاده می‌شود و خدمات آموزشی و آزمایشگاهی رایگان نیز برای‌مردم محروم و مستضعف ارائه میشود .

وی در ادامه سخنان خود گفت : البته ممکن است پاره‌ای از آزمایشگاهها تعطیل باشند و این بدلیل آنست که اکثر اساتید و اعضای هیئت علمی به کار تحقیق و تالیف اشتغال دارند که البته از وسایل آزمایشگاهی استفاده می‌شود و بنابر این باید گفت کار دانشگاهها در این زمینه تعطیل نشده و در بسیاری از آزمایشگاهها فعالیت ادامه دارد و استادان با دانشجویان‌مشغول تحقیق وبررسی هستند .

رشته های علوم انسانی

دکتر شریعتمداری پاسخ به این سئوال که درباره رشته‌هایی که از اولویت برخوردار نیستند چه اقدامی می‌شود چنین اظهار داشت: درگذشته دانشگاهها رشته های‌علمی و مربوط به علوم انسانی ، دانشجویان زیادی بطور آزاد می‌پذیرفتند و هر سال تعداد بیشماری در این رشته ها فارغ‌التحصیل می‌شدند که نه کاری متناسب با رشته تحصیلی داشتند و نه اصولا کاری داشتند و بدین سبب در آینده رشته ها با تناسب به نیاز اجتماعی و برای پیشبرد دانش تامین می‌شوند و برای این منظور دانشجویانی انتخاب می‌کنیم که در سطح لیسانس و فوق لیسانس و حتی دکترا اشتغال به تحصیل پیدا کنند اما این مراکز بایدمحدود باشند و متناسب با نیاز علمی و پژوهشی باشند و افرادی که در رشته معین بصورت آزاد تحصیل می‌کنند باز آینده آنها مشخص باشد و بتواند در رشته های آموزشی فعالیت علمی کنند .

شماره ردیف ______

شماره مسلسل ______

مأخذ: تاریخ جمهوری اسلامی ۶۰/۲/۲۵ ش ۵۴۴



عنوان: انقلاب فرهنگی را به مدارس ببریم

موضوع: مقاله‌ای درباره انقلاب فرهنگی را در مدارس شروع کنیم

(آرشیو)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

در آستانهٔ سالگرد انقلاب فرهنگی مسئله‌ای که بیش از هرچیز خودنمائی می‌کند موضوع بازگشائی یا عدم گشایش دانشگاههاست درست است که نقطه آغاز این حرکت اصیل از بستن دانشگاهها و بیرون ریختن گروهکهای توطئه گر چپ و راست آمریکائی شروع شد و باید هشیار بود که اگر زمانی بپذیریم که تنها در چهاردیواری دانشگاهها و در چهارچوب مسائل دانشجوئی انقلاب فرهنگی را بررسی و پایه‌ریزی نمائیم بسیار در اشتباه هستیم. چرا که فرهنگ حاکم بر دانشگاهها چیزی جدای از فرهنگ حاکم بر جامعه و یا حداقل محیط‌های آموزشی در تمامی سطوح نمی‌تواند باشد. و به لحاظ همین اهمیت موضوع است که می‌گوئیم بررسی مسائل دانشجوئی جدای از مسائل دانش آموزی نیست و اگر بخواهیم انقلابی به تمام معنا و در کلیهٔ شئونات اجتماعی پایه‌ریزی نمائیم باید بسراغ محصلین و مدارس برویم و از نزدیک مسائل آموزشی و فرهنگی را بررسی کنیم و یا حداقل اینکه از طریق و رساله‌های گروهی و مطبوعات متعهد و مسئول ارزیابی و سنجشهای مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی از نقطه‌نظرات دانش‌آموزان و فرهنگیان متعهد و مومن و دلسوز انقلاب آگاه شویم. نگاهی کوتاه به مدارس درطول یکساله بسته شدن دانشگاهها بخوبی روشنگر این واقعیت است که گروهکهای رانده شده و وامانده در ذهنیت‌های بظاهر علمی خویش که دست خودرا از همه جا کوتاه می‌بینند اینبار لبه تیز حملات خودرا متوجه دبیرستانها نموده‌اند و درغیاب اکثریت عظیم برادران دانشجوی مسئول که درسنگر جهاد سازندگی، سپاه و جبهه‌های نبرد حق علیه باطل درحال مبارزه با امپریالیزم هستند فارغ‌البال و با آسایش خاطر توطئه‌های خودرا یکی پس از دیگری درمحیط مدارس به آزمایش گذاشته‌اند و متاسفانه کلاهی ازاین نمد عایدشان نشد لکن خوش‌باوری است اگر برباورمان باشد همه‌چیز درست خواهد شد و این باعث غفلت و سستیمان شود. چراکه هنوز مسائل بیشماری هست که تا امروز لاینحل باقی مانده است و احیانا آنها که سخنی ازاین مشکلات به میان آمده ازترس قیل‌وقال فرصت‌طلبان و خودفروختگان به شرق و غرب سعی شده که هرچه زودتر و بدون پی‌گیری قاطعانه و بدون دستیابی به راه‌حل آنها را پشت سرنهند. ازآن جمله می‌توان مسئله یکسره کردن ساعات کار آموزش دبیرستانها را نمونه آورد، که با گذشت دو سال از انقلاب هنوز، جامهٔ عمل نپوشیده است. چگونه می‌شود در عرض ۶ ساعت آنهم از ۸ صبح تا ۲ بعدازظهر یکسری فرمولهای خشک و جزمی جبر و حساب و هندسه را در مغز دانش‌آموزان انباشت و بعدهم از آنها انتظار درک مطلب به بهترین شکل را داشت و این فرمولها و فرضیه‌ها زمانی علمی است که با عمل هم منطبق باشد و بتواند در خدمت متعلم و جامعه باشد نه فقط یکسری مسائل انتزاعی بیروح و جدای از زندگی فردی و اجتماعی افراد. هر چند ممکن است بما ایراد وارد کنند که چگونه می‌توان این کار را صورت داد و جوابمان این خواهد بود سئوال منطقی و جواب هم منطقی تر تنها یک انقلاب فرهنگی و بازگشت به هویت اصلی است که می‌تواند تعهدآور باشد و به فرد بقبولاند که فرضیه‌های علمی در تجربه‌های زندگی نیز باید به عمل آید و بکاربسته شود و زمانی این باور بر ذهن‌ها خواهد نشست که تعهد داشته باشیم نسبت به خود و جامعه‌ایی که در آن زندگی می‌کنیم. معلم و متعلم باید مسئولیت داشتن را بفهمند و بدین امر توجه داشته باشند، در غیراینصورت یک جامعه با چنین سیستم آموزشی و فرهنگی سیر قهقرائی را طی خواهد کرد. برای تائید نظرمان نمونه‌ای می‌آوریم: یکی از دبیران درددلی داشت و میگفت با این وضع ساعات آموزشی در دبیرستانها نه وقت کافی داریم که درس را بخوبی تفهیم کنیم و نه اینکه مسئولیتی که بأنها محول شده بود بخواهیم و مشکلات پیش آمده را پاسخی گوئیم. اما مسئله ئی که بمراتب مهمتر و حیاتی‌تر ازسایر موضوعات است این است که حقیقت انقلاب جوهره‌ای اسلامی دارد و جامعه‌ای انقلابی خواستار فرهنگ انقلابی مبتنی برمکتب انقلاب است و امت ایران که انقلاب کرده‌اند و آنهم انقلاب اسلامی، خواهان قوانین و فرهنگ اسلامیند گسترش و نشر اسلام در تمام ابعاد خواست قلبی آنهاست بااین وجود می بینیم که در مراکز پیش دانشگاهی ما حتی یک ساعت قرآن تدریس نمی شود. در حالی که شش ساعت تدریس زبان خارجی دربرنامه‌ها گنجانده شده آنهم سرنوشت ابراهام لینکلن و معرفی شکسپیر و شرح زندگی یکروز جرج که صبح ازخواب بلند می شود و یک لیوان آب پرتقال می خورد! و دوتا تخم مرغ آب پز و یک سطل شیر! و این درحالی است که عزیزان دانش آموز ما و خانواده‌هاشان درجنوب و بیغوله‌ها و روستاها که چشم اندازی ازتهران بزرگ است در انتظار یک وعده غذای کاملند و کلاسهای دبستان درچادربرپا می شود! و درکتابها ازشیر و تخم مرغ و ابراهام لینکلن سلف ریگان صحبت به میان می آید نه ازدردهای اجتماعی که گریبانگیرامت ماست و حاصل سلطه طاغوت، ولی ازسرگذشت پیامبر و ائمه‌اطهار و سایر چهره‌های درخشان اسلام و ایدئولوژی اسلام حرفی بمیان نمی آید و چیزی در وسعت صفحات کتاب رقم زده نمیشود! و عدم این آگاهی‌هاست که موجب میشود دیگری بیاید و یکسری خزعبلات را بعنوان نظریات مسلم علمی و لایتغیر بخورد دانش آموز و دانشجوی ما و جامعه دهد و بخواهد دردها را با این تراوشات ذهن حل کند و دیگری نیز با همین بیهوده‌بافی ها به تفسیر و تاویل قرآن و نهج‌البلاغه بپردازند و مکتب اسلام را با اصول علمی، مارکسیسم غنای ایدئولوژیک بخشد آیا منظور نمودن قرآن و نهج‌البلاغه آنهم بمدت دو ساعت در هفته احتیاج به طرح و لایحه و همه‌پرسی دارد؟ مضافاً به اینکه این دروس سدی در برابر سیل و بنیانکن فرهنگ و ایدئولوژی‌های وارداتی خواهد بود و توطئه‌هائی که بنام اسلام در شرف وقوع و گسترش است را در نطفه عقیم خواهد ساخت و این نیاز به تربیت و تزکیه و یا تصفیه آن دسته معلمانی دارد که هرچند درصدشان به یک درهزار هم نمیرسد اما خود مشکلی‌هستند که با این مشکلات و بحران جنگ جانی تازه یافته‌اند و عملاً آئینه انعکاس شایعات دست ساخته رادیوهای بیگانه شده‌اند و نقش تخدیر و مسخ افکار فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نوباوگان ما را بعهده گرفته‌اند و مقدسات مذهبی جامعه را مورد هتک و تهمت و بی حرمتی قرار میدهند و باید فکری اساسی بحال اینان کرد و محیطهای علمی را که با هیجانات دروغین آمریکائی متلاطم شده‌اند، آرامشی مجدد بخشیم و این دورنمای رهائی ما را از قیدوبند وابستگیهای فرهنگی و اقتصادی روشن‌تر خواهد کرد. اینک زمان آن فرا رسیده که تمامی امکانات در جمیع ابعاد بمنظور جامعه عمل پوشاندن به یک انقلاب فرهنگی بسیج کردند. زمانی انقلاب فرهنگی بمعنی واقعی و همه‌جانبه تحقق می‌پذیرد که به دانشگاهها محدود نگردد. چرا که ساخت فکری و زمینه رشد و تحولات آتی این جامعه ما در دبستان و مدرسه راهنمائی و دبیرستان شکل می‌گیرد. و اینجاست که اگر قرار شد انقلاب بمعنی دگرگونی زیربنائی و همه‌جانبه آن صورت پذیرد، بایستی انقلاب فرهنگی را به دبستانها و دبیرستانها و در نهایت به کلیت جامعه کشاند، وحشت آمریکا و ایادیش که هر روز توطئه‌ایی نو ساز می‌کنند نیز از زیربنائی شدن انقلاب است و بقول اماممان آنها «از انسان می‌ترسند» آنها از دانشگاهی که انسان بسازد می‌ترسند آنها از ریشه‌دارترشدن انقلاب می‌ترسند چرا که یک انقلاب زمانی مفهوم واقعی خود را خواهد یافت که دیوارهای ناتوانی در اندیشیدن و خلاقیت را بشکند و اذهان را از زنگار ارزش‌های فرهنگ وارداتی غرب پاک گرداند و آنگاه در اعماق قلبها و جانها نشیند. آنروزی انقلاب اسلامی ما پیروز گشته که اسلام درقلب‌های پاک کودکان و نوجوانان دبستانی و دبیرستانی پرتوافکن گردد و این است رسالت انقلابی که از آن بنام انقلاب فرهنگی یاد میکنیم آری امروز بایستی میدان سیرورت انقلاب فرهنگی را گسترش داد، نباید به یک ستاد آنهم در حوزه دانشگاهها دل خوش بود بایستی قلب‌های مادران، کارگران، دهقانان شریف جایگاه این اینچنین انقلابی گردد. اگر ماامروز از عمیق‌ترشدن انقلاب فرهنگی سخن می‌گوئیم بدان معنی نیست که در پی انکار دستاوردهای دوساله اخیر نهضت عظیم اسلامی که تحولات بنیادی را در جامعه ما موجب گردید هستیم. سخن از این نیست که ما در این وهم ساده اندیشانه باشیم که انقلاب فرهنگی صورت نگرفته و منتظر بمانیم تا انقلاب فرهنگی به سراغمان بیاید کافی است در این باره تامل کنیم که چرا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این بازوی مسلح انقلاب در روستاها و در بین زحمتکشان این چنین محبوب است این عزیزان که به ایدئولوژی اسلامی مسلحند و در یک دست قرآن و در دست دیگر سلاح دارند محصول یک بعثت فرهنگیند و رفتار و اخلاق آنان مبعث از یک تربیت ایدئولوژیک و ایمان قوی به خدا و اسلام و انقلاب است نه ضد فرهنگ های غربی لیکن آنچه که ما مصرانه بدان تاکید می ورزیم گسترده تر کردن انقلاب فرهنگی است. آری اگر امروز ما از دبستان و دبیرستان و دانشگاه حرف می زنیم این بدان معنا نیست که خانه و محله و کارخانه و مزرعه را به فراموشی سپرده‌ایم ما معتقدیم که همه اینها مکانی مناسب برای آموزش علوم و باز فرا گرفتن فرهنگ میباشد و بیش از همه علما در تحقق این ارزش ها موثرند بدین جهات و نظایر آن مدارس و دبیرستان ها را مقدم داشته ایم که انقلاب فرهنگی باید محیط ملموث فرهنگی فعلی را به محیطی شفاف زلال از ارزشهای پاک انسانی الهی مبدل سازد باید ریشه های الحاد و کفر و نفاق از دوران کودکی در اذهان خشکانده شود و این را با یک حرکت رفورمیستی گام بگام یا تند و شتابزده که به مذاق فلان گروه و دسته شیرین می آید یا نمی آید نمی توانیم بسنده کنیم و باید کار زیربنائی و اساسی کرد و اصل را بر تغییر و تبدیل فرهنگ جامعه گذشته و نه تک عناصر تشکیل دهنده آن و یک حرکت انقلابی باید باعث شود که شور انقلابی بر قلبهای پاک نوجوانان برگردد. وجهل و فساد باقی مانده ازرژیم گذشته را بنیان کن کرد و ازپایه دگرگون ساخت و دنیای نوئی برپاساخت. امروز وحشت آمریکا و گروهکهای وابسته ازعمق یافتن انقلاب است اگردراین روزهای اخیرضد انقلاب فعالانه درجهت بازگشائی آنچنانی دانشگاه میکوشد ازاین بابت است که آنهاازریشه‌دار شدن انقلاب فرهنگی می‌ترسند آنهاازتأکید پیوسته امام برانقلاب فرهنگی وحشت دارند آنها می‌ترسند مبادا باتوسعه و غنای این انقلاب و گسترش همه جانبه آن گورآمریکا راهمانگونه که دربعد سیاسی کنده است دربعد فرهنگی نیز بکند و باریشه کن شدن ارزش‌های فرهنگ غربی دیگرزمینه‌ای برای پیدایش تفکرالحادی فراهم نشود.

بازگشت مابه فطرتمان مایه دل نگرانی آنهاست و اعمال مذبوحانه چند ورز اخیر نیز بدین سبب است. آری امروز زمان آن است که ستاد انقلاب فرهنگی به توسعه و رشد فراگیرانقلاب فرهنگی بیاندیشد به مراکز آموزش پیش دانشگاهها، کارخانه‌ها ، مزارع و کوی و برزن که امت درآن مجتمعند و راه حلی اصولی جهت رهائی بخشیدن آنهاازچنگال معیارهای فرهنگی غربی بیابد.

دانش‌آموزان، دهقانان، کارگران، اصناف و همه اقشار که به سعادت آتی خود درجامعه فکر میکنند و آنها که به جامعه‌ایی الهی و انسان ساز می‌اندیشند بایستی انقلابی فرهنگی که نیمه تمام است راباپسط و توسعه آن به پایان برند. ماهر روز درانتظارظهورانقلاب فرهنگی درتمامی زوایا و بافت اجتماع و خاصه درمراکز دانش آموزی که از اولویت ویژه‌ای برخورداراست میباشیم.

والسلام

شماره ردیف
شماره مسلسل
مأخذ: تاریخ ۶۱/۴/۲۹ اطلاعات ۱۶۷۷۴

عنوان: سلطه فرهنگی عامل اصلی استعمار
موضوع:

(آرشیو)

برای قیام برضد ظلم و سپس انداختن آن در دامن وابستگی و روش زندگی غربی قرار داده است . در نتیجه ارزش‌ها و معیارهای غربی با همه اختلافاتشان و تناقضاتشان نقش تعیین کننده و محرک در زندگی ما می‌یابند. و این امر درمورد انواع زمینه‌های فکری ، اخلاقی ، تاریخی ،مادی، معیشتی و اجتماعی زندگی ما صدق می‌کند . و به اینطریق سلطه همه‌جانبه گشته و از محدوده نظامی و سیاسی و اقتصادی تجاوز می‌کند . در نتیجه بنظر میرسد که پایان دادن به این وابستگی محال است مگر اینکه یک ضربه‌همه جانبه‌ای بر این سلطه وارد شود و با وابستگی بطور تمام عیار و همه جانبه مخالفت گردد ، و این کار میسر نیست مگر ما ازتمام مکتبهای غربی خارج شویم و به هویت اصیل خویش که براساس مکتب اسلام‌مبتنی است بازگردیم : استقلال تاریخی وفرهنگی را تحقق بخشیم و خود را از آنچه که غرب بنو شیوه زندگی و ارزشها و مفاهیم و نظریات و اخلاق و فلسفه به ما تحمیل کرده ، رها گردانیم .

روشنفکران وابسته به غرب

زمانی غرب با نیروهای نظامی خود سرزمین ما را کوبید و آن را به اجزاء کوچک تقسیم کرد و نیروی سیاسی خود را تحکیم ساخت و تلاش نمود تا تمام ارزشهای اساسی مارا نابود کند و دانشگاهها و مدارس علمی خود را ایجاد کند تا لشکری از روشنفکران وابسته به خود را که خالی از فرهنگ اسلامی و پیرو فرهنگ غرب‌هستنداز آنها فارغ‌التحصیل نماید که‌این کار آنان را از توده جدا می‌نماید و بعضی از آنها را هم ، چه بخواهند و یا نخواهند ، به دامن وابستگی می اندازد. حتی اگر از جهت سیاسی موضع ضد استعماری و ضد امپریالیستی داشته باشند. غرب از اینگونه انسانها میخواهد که دولتی با یک سیستم وابسته بسازند ، از طرز تفکر آنان میخواهد که مخالف حرکت توده مردم حرکت کنند و آنان را عادت به زندگی به شیوه خودش «حزب» داده است و در اندیشه و تحقیق، نظریات و برنامه‌های خود را به خورد آنان داده و معیارها و مفاهیم خود را با همه اختلافهای آن به آنان تحمیل کند، تا افسار همه را در دست خود بگیرد بگونه‌ای که اگر کسی از این مکتب غفلت نمود ناگزیر در آن مکتب قرار بگیرد، اما در مقابل، روشنفکر مسلمان و مکتب اسلام را سرکوب نمود و بگونه‌ای شد که هرکس از این‌مکتب بر خاست (اسلام)، عنصری ناصالح برای کار در موسسات مدرن گردید، زیراارزشها در اینجا بر اساس مکتب های غربی است و هر کس که‌بر اساس‌همان‌ارزشها عمل‌کند آنرا جذب و درسیستم خود حل می کند و در پی آن هم یک جو سرکوبگرانه فکری در جامعه بوجود آورد که تمام کسانی را که به شیوه‌های اصیل خودمان دست یازیده‌اند و آن شیوه های غربی را رد کرده‌اند و ادعامی‌نمایندکه باید پیشرفت و ترقی ما براساس شیوه‌های سرزمین‌خودمان استوار باشد و نه منطبق با روشهای ازغرب وارد شده، آنان را در تنگنا قرار دهند .

تاثیر فرهنگ استعماری برشیوه‌زندگی

هجوم فرهنگی چنین وضعی رابوجود می‌آورد، بطوریکه شیوه های‌زندگی مخصوص بخودش درطریقه خوردن و لباس پوشیدن و مسکن و رفتار را شایع می نماید، در روابط فیمابین مردم ارزشهای خودش را تعمیم میدهد که موجب میشود بخشهائی از محیطمردم بعنوان بخشهای مدرن با گروهبندی مخصوص خودش بوجود آیدو طبقاتی از مردم هم از آن شیوه پیروی نمایند و در واقع اسیر آنها گردند ونتیجه هم‌چنین میشود که موقعیتی می‌یابدکه‌چه بخواهد وچه نخواهد او بعنوان یك جزء متمایل‌به خارج میشود ونه‌به داخل وهمین است که او را خارج‌از انقلاب قرار میدهدکه توانائی دست‌یابی به استقلال‌را از دست میدهد وحتی جریان اواراده استقلال‌طلبی مردم را هم خنثی می کند واین وضع درطول بیست سال گذشته به اوج خود رسیده است‌که شیوه جامعه مصرفی و تبلیغاتی عمومیت یافته و مراکز سلطه جهانی از پایتخت های‌خود تعیین می کنندکه مردم چه بپوشند وچه‌بخورند وچه چیزی بخرند وکجا تفریح کنند و خلاصه این مراکز تعیین می کنندکه مردم چطور رفتار کنند وچگونه زندگی . و اینچنین است که وابستگی تحقق‌می‌یابد وفراتر ازسلطه استعمار در زمینه های نظامی وسیاسی واقتصادی میرود وتا آنجاپیش میرودکه مدارس، دانشگاهها و دولت و تمام موسسات وابسته به آن و حتی رفتار انسان وزندگی وتمام اصول وارزشهارافراگیرد واز اندیشه‌های جدید و متجددانه که‌از فلسفه های غربی سرچشمه می گیرد پلی میسازد برای سلطه همه‌جانبه و یا در صورتی که جنبه های نظامی وسیاسی و اقتصادی سلطه استعمار ضربه‌خورده باشند بدون اینکه به‌جنبه های تاریخی وفرهنگی ضربه‌زده باشیم ، پلی میشودبرای بازگشت آن سلطه ولذا برای قطع خطوط وابستگی و رهائی از سلطه استعمار باید خطوط ایدئولوژیك‌وفرهنگی آن را با غرب قطع‌نمود و درمرحله بعد باید برضد تجزیه‌طلبی مبارزه کردو درکنار همه اینهاباید برضد سلطه نظامی وسیاسی و اقتصادی‌نیزمبارزه کرد .

راه نجات در تغییرات ریشه‌ای است

راه‌نجات ما از این اختاپوس چند دست‌وپاکه خون ملتها را می‌مکد وبه جای آن سم می‌ریزد نیازبه آزاد شدن روح‌ها و مغزها ازتمامی افکار و مفاهیم وارزش‌های آن دارد ونیز تغییر رابطه این دولت بامردم ، نه فقط تغییر شعار های‌سیاسی و یاافزایش سلطه این دولت‌بر مردم و فرهنك واقتصاد آن ویا جایگزین کردن حاکمی بجای حاکم دیگر . ونیزنیاز به‌آن دارد که از تفکر منطقه‌ای ومرزهای جغرافیائی که استعمار ترسیم نموده است‌تابین برادران فاصله بیندازد، فراتر رود ومرزها را بشکند ، ولی اینها میسر نیست مگر ازورای یك‌حرکت برخاسته از توده مردم که همانند درختی نیرومند که ریشه های‌آن درزمین رسوخ کرده وشاخه‌های آن در آسمان باشد . یعنی گریزی از تکیه برفرهنك و تاریخ خودمان نداریم اگربخواهیم که‌براساس، این موضوع در برابر سلطه همه‌جانبه ایستادگی کنیم وواردنبردشویم، ودر آن صورت است که انقلاب و استقلال و آزادی‌نه بعنوان یك کارسلبی‌و منفی دفاعی جزئی در برابر مستکبرین و طغیانگران جهانی بشمار می‌آید بلکه یك حرکت پرقدرت زنده میشودکه رسالت جایگزین خود را درتمام عالم بدوش می کشدولذا باید بایك‌جنك تمام‌عیار بمبارزه با جنك تمام‌عیاری که‌علیه ما برپا شده است، برخاست .

شماره ردیف

شماره مسلسل

مأخذ: تاریخ ۶۱/۴/۲۹ | اطلاعات | ۱۶۷۷۴



عنوان:

موضوع:

(آرشیو)

● بعضی‌ها گمان می‌برند که سلطه استعمار درکشورهای ما تنها به شکل اشغال نظامی و دخالت سیاسی و سلطه اقتصادی است. و هرگز جوانب دیگر این سلطه راکه‌شاید خطرناکتر و فعالتر و پایدارتر باشد نمی‌بینند. و بر همین اساس گمان داشته‌اند که رهائی از سلطه نظامی‌و برانداختن رژیمهای دست نشانده و ملی کردن شرکتها و بانکهای خارجی میتواند موجب استقلال گردد و کشور راازبازگشت قدرتهای سلطه‌گر محافظت نماید.

بی‌گمان میتوان اشغال نظامی را سرآغاز گسترش‌سلطه استعمارگران شمرد، زیرا که غرب توانائی‌نفوذدرکشورهای غربی و اسلامی را نداشت مگر از طریق حرکت خشن‌نظامی و بهمین دلیل رهائی از آن سلطه نظامی یکی از شرایط‌لازم برای دستیابی به استقلال را تشکیل میداده و میدهد.

درعین‌حال استعمار در تحمیل سلطه خود تنها بـــه استخدام نیروی نظامی اکتفا نمی‌کند، اگرچه دخالت نظامی بعنوان اولین ضرورت تحقق سلطه استعمار بشمار می‌رود، و باز این همان چیزی است که باید درمورد تحمیل سلطه سیاسی مستقیم و غیر مستقیم خود از طریق گروههای وابسته که خواستهای وی را برآورده نمایند گفته شود، ولی باز باید گفت که استعمار در تحمیل کامل سلطه خود تنها به سلطه سیاسی اکتفا نمی‌کند زیرا که سلطه سیاسی دومین عامل تحمیل سلطه کامل را تشکیل میدهد و عموما همه درباره این شیوه‌های عمل استعمار اتفاق نظر دارند تا آنجا که سخن به سلطه اقتصادی می‌انجامد. به این معنی که میتوان گفت تحمیل سلطه اقتصادی، همواره هـــدف استعمارگران بوده و هست و حتی بعضی کسان آن را بعنوان خطرناکترین شیوه استعمار و هدف نهائی استعمار میدانند و بر همین اساس آنها می‌گویند که ضربه زدن به شرکتهای خارجی و ملی کردن دارائی آنها و تصفیه نمایندگان اقتصادی شرکتهای چند ملیتی میتواند راسلطه اقتصادی را ببندد.

ناديده گرفتن سلطه فرهنگی

اما این روش ما را در فهم تمام ابعاد سلطه استعمار ناتوان میسازد و آن را در حدود مسائل نظامی و سیاسی و اقتصادی محدود می‌سازد ولذا بعد فرهنگی را که از جهت دیگری موجب ناتوانی همه‌جانبه می‌گردد نادیده گرفته می‌شود. بعبارت دیگر ملاحظه نمیشودکه‌استعمار فقط‌درپی سلطه اقتصادی نیست، بلکه درصدد تحقق بخشیدن‌بەسلطه دائمی همه جانبه است که رهائی از آن امکان‌پذیر نباشد. یعنی استعمار می‌داند که شرط تحقق سلطه اقتصادی از طریق دستیابی به یک سلطه همه‌جانبه است.

تفاوت این دوبینش بسیار زیاد است و از این‌رونتایج مترتبه بر هریک از آنان بطور حاد و گسترده‌ای‌باهم‌اختلاف دارد. چه، اگر استعمار را فقط بعنوان یک سلطه نظامـی و سیاسی و اقتصادی بر هریک از سرزمینهای‌عربی‌و اسلامی بدانیم، در نتیجه مسئله چنین می‌شودکه‌استقلال آن‌سرزمین وقتی تحقق می‌یابد که این سلطه را از بین ببریم و این امر هم با عقب رفتن ارتش‌اشغالگر ونابودی مزدوران مستقیم و مباشر و ضربه خوردن و از بین رفتن فئودالیسم و کمپرادور (نمایندگان اقتصادی شرکتهای چند ملیتی) تحقق می‌یابد و شرکتهای خارجی ملی می‌شوندو دولت هم مالک بخش عمده‌ای از صنعت و بازرگانی و خدمات میگردد. ولی اگر سلطه استعماری گسترده‌تر از این باشد نتیجتا استقلال بدست آمده یک استقلال ناقص می‌شود که همواره مورد تهدید می‌باشد و شاید هم علیرغم همه آن دستاوردها و اقدامات، در معرض نابودی و شکست قرار گیرد. زیرا آن غده چرکینی که مورد توجه واقع نشده و دیده نشده همچنان باقی است و به حیات خود ادامه میدهد و از وضع ایجاد شده تغذیه می‌کند و باز رشدمی‌کند و درنهایت هم تمام دست‌آوردهای استقلال را بباد خواهد داد.

غرب فریب میدهد

استعمار خوب دریافته است که سلطه نظامی لازم‌است ولی کافی نیست و نیز سلطه سیاسی یک ضرورت است ولی باز کافی نیست و هکذا سلطه اقتصادی. زیرا هرکدام از اینها به‌آسانی قابل رویت هستند و ضربه زدن به آن چه از طرف نیروهای محلی و یا نیروهای رقیب‌ساده است، و لذا استعمار سعی داشت که سلطه را با تمام ابعادش اعمال کند. به این معنی که وابستگی به‌خود را کامل کند و این امر بخصوص در کشورهای عربی و اسلامی نیازبه‌این دارد که اولاً یورش خود را در جنبه فرهنگی - تاریخی متمرکز کند و ثانیا اقدام به تجزیه نماید که همواره موجب ضعف می‌باشد و بدینگونه مسئله استقلال کامل حقیقی را غیرممکن گرداند چرا که مبارزین به این دو جنبه توجهی ندارند و مبارزه را فقط در زمینه نظامی، سیاسی و اقتصادی‌محدود می‌نمایند. زیرا که این مبارزین بدینطریق عوامل فساد را در درون خود همچنان دارند و در اطراف خود کانالهای محاصره را باقی گذاشته‌اند. مسئله‌ای که حق می‌دهدگفته شود طرز تفکری که استعمار را فقط در زمینه‌های نظامی و سیاسی و اقتصادی می‌پندارد و دیگر جوانب مربوط به فرهنگ و تمدن و تجزیه کردن را نادیده‌می‌گیرد، خود از صادرات غرب به اذهان و اندیشه‌های ما و به شیوه‌های مطالعاتی ماست که از غرب وارد شده است، زیرا تفکـر غربی با تمام مکاتب خود خواستار اینست‌کەما درچهارچوب اندیشه آنان باقی بمانیم و لذا می‌بینیم سعی می‌کند تمـــام مواردی که ما را از آن مدار و چهارچوب خارج می‌کند بدور و پنهان نگهدارد و برای تسکین و تخدیر ما بخش کوچکی از داروی معالج را تقدیم ما می‌کند که مقدار کمی از درد را دوا می‌نماید و آن اینکه تمام‌توجه‌ما‌به‌زمینه‌های نظامی و سیاسی و اقتصادی سلطه استعماری جلب‌مینماید ولی درعین‌حال درد اصلی جامعه بی‌درمان می‌ماند و حتی آن بخشی که دوای تسکین دهنده را بخود جذب کرده بوده، بزودی از دست میدهد و باز سلطه با شکلی تازه و نامی جدید باز میگردد، یعنی آن بازگشت زمانی اتفاق‌میافتد که مرهمی تسکین دهنده برای بعضی از ابعادسلطه‌های نظامی و سیاسی و اقتصادی گذاشته میشود و اقدامی بـــرای معالجه سلطه تاریخی فرهنگی غرب و پایان دادن به‌وضعیت تجزیه‌خواهی انجام نمی‌گیرد.

تجزیه سلاح دیگر استعمار

از اینجا درمی‌یابیم که چرا استعمار در اجرای عملی طرح تجزیه میان سرزمینهای عربی و اسلامی تاکید کرده، آنهم از طریق یورش فرهنگی و تاریخی که بنیانهای‌فرهنگی و تاریخی را ویران نماید و بنابودی بکشد. و این کار را عملا در سایه جنگها و خشونتها و ترس و وحشت توانست عملی کند که در غیراینصورت نمی‌توانست چنان کاری نماید و دیدیم که استعمار چه خوب سرزمینها را تجزیه می‌کرد تا جائی که به دهها بخش مجزا درآورد. و شاید تجزیه کشورهای عربی (بخصوص) نمونه خوبی‌باشد برای این‌نوع عملکرد. و تجزیه بمعنای یک عجز پایدار است، زیرا که تجزیه موجب ایجاد دسته‌بندیهای متخاصم در داخل مرزها و در درون خود می‌شود. و کشوری که در داخل خود ضعیف باشد، ساخت فکری و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی آن براساس خدمت به کل سیستم حکومتی بوجود می‌آید، و از این طریق تمام فعالیتهای موسسات دولتی از ارتش و دولت گرفته تا دانشگاه و مدرسه و روزنامه‌و مجله غربزده و خارج‌ازمتن توده مردم، برای توجیه روش تجزیه سرزمینها فعالیت میکنند. و بر همین‌اساس تجزیه سرزمینها بصورت‌چهره‌ای از استعمار و یک کار استعماری بشمار می‌آید و هرکس را که در محراب او نماز بخواند و سرپیچی از آن نماید، او را در دامن وابستگی به‌خارج می‌اندازد، هرچند که‌در عمل وی‌حسن‌نیت باشد و هرچند که سخن از «انقلاب و انقلابیگری» گفته شود.

ایجاد و کاشتن بنیان صهیونیستی (اسرائیل) هم در جهت اهداف تجزیه‌ای و سلطه اقتصادی - سیاسی بود، ولی از جهت دیگری آشکارا اعلان جنگ همه‌جانبه‌ای با ابعاد عقیدتی و فرهنگی و تاریخی بشمار می‌آید، زیرا که بوجود آوردن این بنیان، در نهایت بمعنای دشمنی بااسلام بوده و می‌باشد. و از این جهت است که ما نمی‌توانیم به این بنیان صهیونیستی در چهارچوب یک نبرد اقتصادی - سیاسی بنگریم، بلکه اینکار در چهارچوب‌یک جنگ‌همه‌جانبه و تمام‌عیار است که ابعاد اقتصادی، سیاسی و نظامی آن بخشی از این جنگ بشمار می‌آید. همچنین تحمیل کردن تجزیه در جهت سلطه استعماری خطرات بیشتری از جوانب نظامی - سیاسی و اقتصادی دارد.

تجزیه موجب بوجود آمدن عجز پایداری میگردد که همواره باید برای رهائی از آن تلاش نمود و همین عجز عاملی می‌شود برای جستجوی امکانات از خارج، یعنی بازگشت به وابستگی نظامی و سیاسی و اقتصادی، امری که ثابت می‌کند تنها بعد وحدویت (وحـــدت سرزمینها) می‌تواند شرط کسب یک استقلال حقیقی و شرط‌یک‌انقلاب حقیقی باشد و هر راهی بەجز آن تنها میتواند بعنوان‌یک طرحی برای استقلال و انقلاب باشد و نه بیشتر ونمیتواند استقلال حقیقی و انقلاب واقعی باشد، مگـــر اینکه از چهارچوب تجزیه بیرون آید و در دریای وحدت وتوحید شناور گردد.

درعین‌حال جنبه تسخیر فرهنگی - تاریخی خطرناکتر و موثرتر است، زیرا که همین جنبه، مسئله‌تجزیه راتوجیه می‌کند و همچنین از آن تغذیه هم مینماید. و نیز باعث می‌شود غرب به مغزها و خانه‌های ما نفوذ کند و عهده‌دار دور کردن اسلام در ابعاد ایدئولوژیک و فرهنگ و تاریخ و شیوه زندگی و جایگزین کردن افکار غربی و ایدئولوژی آن و تاریخ و شیوه‌زندگی غربی بەجای اسلام میگردد. یعنی این یورش عمل خود را براساس نابودی پایه‌هـــای استقلال است اسلامی و وحدت آن و هویت و توانائی او

شماره ردیف ______  عنوان: ستاد انقلاب فرهنگی باید بماند

شماره مسلسل ______ موضوع: ______

مأخذ: تاریخ ۱/۴/۱۴ اطلاعات ۱۲۷۵۴

(آرشیو)

پس دراینجا امام اجرای مصوبات ستاد را به خود ستاد واگذار مینماید و قبلا هم که اولویت رای را برای ستاد قائل گشتند. درحقیقت این ستاد است که درراس امور اجرایی دانشگاهها قراردارد نه هیچ ارگان یا وزارتخانه دیگری که البته این امر باید با تفاهم و همکاری صورت پذیرد. حتی یکی از اعضای ستاد درجمعی از برادران عنوان نمود که امام با صراحت براین امر تکیه کرده‌اند و حتی روشی جهت سیستم اجرایی و ایجاد هماهنگی با وزارتخانه های ذیربط نیز ارائه نموده‌اند. لیکن باز اولویت و اکثریت ارا متعلق به ستاد خواهد بود.

باید که یکبار دیگر به درگاه خدا به شکرگزاری برخیزیم و از درگاهش طول عمر امام بزرگوارمان را تا انقلاب مهدی (عج) بخواهیم، که تارهنمودهای رهنمودهای پیامبرگونه امام باشد دیگر هیچگونه دیدگاه انحرافی و بینش احیای نظام بوروکراسی و استعماری گذشته (با حسن نیت و با سوءنیت) فکر حاکمیت برارگانهای جمهوری اسلامی و از جمله دانشگاهها را نخواهد یافت.

برخورد افراد با ستاد انقلاب فرهنگی دارای ابعاد گسترده‌ای است. گروهی اصولا به مبانی اعتقادی جمهوری اسلامی معتقد نیستند تا چه رسد به احیای فرهنگ اسلام. گروهی هم بی‌اطلاع و بی‌خط که گاه گاهی نق می زنند و تاکنون بیخودو بیعار درگوشه‌ای نشسته‌اند و بسیار بی‌منطق با انقلاب فرهنگی مخالفت دارند. گروه سوم متاسفانه افراد مسلمانی هستند که ضمن اعتقاد به ولایت فقیه و نظام جمهوری اسلامی هیچ گونه تحلیلی مبتنی براسلام و خط امام از انقلاب فرهنگی نداشته متاسفانه تحت تاثیر بینش های غرب‌زده و لیبرال درجهت به سلطه و چهارچوب کشیدن ستاد انقلاب فرهنگی و حتی گاهی براندازی آن و احیای نظام بی‌محتوا و منحط قبل هستند و بسیاریشان هم دارای حسن‌نیت میباشند. گروه چهارم که نمی توان نام مخالف به آنها داد، بلکه افراد مسلمان و پای‌بند به آرمانهای اصیل انقلاب فرهنگی هستند و همواره روش امر به معروف و نهی از منکر را سرلوحه خویش قرارداده و درجای خود انتقاد سازنده ازعملکرد ستاد بعمل میاورند. و این امر هم آشکار است که عملکرد ستاد خالی از اشکال نبوده و حتی دربسیارجاها بجز مشکلات و سدهای طبیعی اشکالاتی دراثرسهل‌انگاری و بی‌توجهی ببار آورده است و یا براثر تواضع و شکسته نفسی بیش از اندازه و یا براثر عدم شناخت صحیح از جایگاه واقعی خویش مرتکب اشتباهاتی شده است. ولی هیچکدام از اینها ستاد را مستحق نفی و یا مسخ و یا به سلطه و چهارچوب کشاندن آن درسیستمی که میباید از ریشه دگرگون گردد نمیکند و این گروه چهارم همان دلسوزهای واقعی و سربازان راستین انقلاب فرهنگی هستند.

از سویی روی سخن ما با دوگروه اول هم نیست، بلکه دراینجا میخواهیم دردلی با برادران گروه سوم بنمائیم که براستی بینش و روش پیشنهادی شما تا چه میزان با خط امام و رهنمودهای صریح ایشان موافق است؟ شما که موافق ولایت فقیه هستید بهتر نیست که آستینها را بالا بزنید و برای تقویت ستاد بعنوان ارگانی مستقل و مستقیما تحت نظارت ولایت‌فقیه عمل نمائید و بجای ارائه اینگونه طرحهای مسخ کننده انقلاب فرهنگی و رجعت دهنده دانشگاهها بسوی شرایط قبل از انقلاب فرهنگی، فکرهای خودرا درراستای خط امام و درجهت شکوفایی انقلاب فرهنگی و همیاری با ستاد بکار گیرید؟ مسلما میدانید که تحقق انقلاب فرهنگی مبتنی برفرهنگ اسلامی از مهمترین عوامل تثبیت و رشد انقلاب اسلامی میباشد و اینگونه برخوردها با نفس انقلاب اسلامی مغایر و مخالفت دارد.

بهرحال امید است که با تحلیلی صحیح از رهنمودهای امام بتوانید وظیفه شرعی خویش را درقبال دانشگاهها بیابیدو و به سنگر مبارزه ریشه‌ای و مکتبی با فرهنگ استعماری بپیوندید.

اما سخنی هم با برادران عضو ستاد داریم و آن اینکه براستی جایگاه واقعی و نقش ستاد چیست؟ و از شما میپرسیم که آیا وظیفه و نقش ستاد بهمین برنامه‌ریزی آموزشی درکمیته های ستاد ختم میشود و یا حضور فعال شما درتمامی قسمتها باید حس گردد؟

از جمله اینکه وجود نیروهای متعلق به گروههای اول و دوم خود به اندازه کافی وقت و کارایی نیروهای مومن و راستین انقلاب فرهنگی را دربعد اجرایی میگیرد. پس چرا درقبال مسائل مطروحه بین گروههای ۳ و ۴ موضع قاطع و مسئولانه‌ای اتخاذ نمیکنید؟ بخوبی آگاهید که نیروهای زیادی صرف این برخوردها میگردد و از آب گل‌آلود کسانی ماهی میگیرند که حتی صلاحیت یک لحظه ماندن درمحیط مقدس دانشگاه را ندارند.

این شما هستید که باید باسعهٔ صدر و بدور از ملاکهای سنتی قبلی دانشگاهها و با تمسک به رهنمودهای امام دراینجا به قضاوت بنشینید و حضوری فعالانه‌تر داشته باشید.

شما با گردشی مجدد درنیروهای دانشگاهی و درسطح جامعه و با مطالعه قطعنامه و نتایج کمیسیونهای سمینار انجمن های اسلامی دانشجویان میتوانید سربازان راستین و مکتبی انقلاب فرهنگی را گزینش نمائید و بسیاری اساتید و دانشجویان مسلمان را خواهید یافت که هرگز انقلاب فرهنگی را تنها نخواهند گذاشت و همواره موضع امر به معروف و نهی از منکر را خواهند داشت نه موضع براندازی و یا مسخ ستاد.

بهرحال امید است که از اختیارات مناسب و ارج و ارزش فراوانی که امام امت به اعضاء ستاد تفویض نموده است استفاده لازم و کافی را بنمائید و درجمع‌آوری و جمع‌بندی و نتیجه گیری نظرات مختلف و تصمیم‌گیری قاطع همت لازم را با توکل به خداوند انجام دهید که شرایط حساس است و جامعه دارای پذیرش بازگشایی و وقت اندک و نیازهای فراوان و برنامه های پراکنده.

خداوند امام را سلامت بدارد و برطول عمرش بیفزاید و پیروزی درتمامی سنگرها و جبهه ها را نصیب این امت حزب‌الله نماید و به هممان چراغ هدایت را بنمایاند و توفیق خدمتگزاری عنایت فرماید.

شماره ردیف ____________

شماره مسلسل ____________

مأخذ: تاریخ ۱/۴/۶۱ اطلاعات ۱۶۷۵۲



عنوان: ستاد انقلاب فرهنگی باید بماند

موضوع: پیرامون مدیریت در جهت اسلامی کردن دانشگاهها

(آرشیو)

اخیرا شاهد حرکتهای سریع و کارسازی درزمینه آینده دانشگاهها و ستاد انقلاب فرهنگی بوده ایم که مجموعه آنها با توجه به محتوایشان حاکی از شرایط حساس و دشوار تصمیم گیری و نزدیک شدن به مقطع جمع بندی برنامه های زیربنائی انجام شده به جهت تعیین مبانی اولیه و تحقق اهداف مرحله ای انقلاب فرهنگی بوده است.

دراوایل اردیبهشت از سوی دفتر تحکیم بمناسبت سالگرد انقلاب فرهنگی سمیناری با شرکت نمایندگان کلیه انجمن های اسلامی دانشگاهها و سایر مراکز آموزش عالی دردانشگاه صنعتی شریف برگزار گردید.

محورهای عمده مورد بحث دراین سمینار درپنج کمیسیون مطرح و جمع بندی نظرات درقطعنامه ای انتشار یافت.

دراین قطعنامه از سویی نسبت به برنامه ریزیها و طراحی خط مشی آینده دانشگاهها نظراتی عنوان گشته و از جانب دیگر با توجه به نزدیک شدن بازگشایی کامل دانشگاهها نسبت به سیستم وروشهای اجرایی، نقطه نظراتی مطرح شده است. لیکن عمده این نظرات حول مسائل اجرایی میباشد.

ضمن آنکه درماده یک این قطعنامه تاکید شده است که حرکت مجدد دانشگاهها و درگیرشدن با مسائل اجرایی بمناسبت فعالیتها و برنامه ریزیهایی که در جهت تحقق دانشگاه اسلامی است تحت الشعاع قرار دهد. درامور اجرایی دانشگاهها مسائلی از قبیل تقویت و تداوم نهادهای برخاسته از متن انقلاب فرهنگی که ثمره تلاشهای عظیم علمی و فرهنگی اقشار مسلمان و متعهد دانشگاهی است و بویژه جهاد دانشگاهی و هماهنگی و اتحاد مراکز تصمیم گیری و برنامه ریزی واحد برای فرهنگ کشور و همچنین تثبیت و تقویت و تداوم ستاد امور اجرایی انقلاب فرهنگی بعنوان مجری طرحها و برنامه های فرهنگی مورد تاکید قرار گرفته است و همچنین بسیاری مسائل دیگر از قبیل پذیرش دانشجو، نقش انجمنهای اسلامی، نقش دانشجویان در شرایط فعلی و آینده دانشگاهها و تحقق وحدت حوزه و دانشگاهو تقویت و تثبیت شوراهای مدیریت جهاد دانشگاهی و... مطرح گردیده است.

آنچه که دراین قطعنامه جلب توجه مینماید و از حرکتهای دیگر فرهنگی این ماه از قبیل دیدار مشترک اعضای ستاد با ریاست جمهوری، ریاست مجلس، شورای اسلامی ونخست‌وزیر، متعاقب آن دیدار باامام امت هم همین مسئله منتج میگردد. امر سیستم اجرایی و مدیریت دانشگاهها و جایگاه ستاد انقلاب فرهنگی در رابطه با سایر ارگانهای مملکتی و محل قانونی آن است درمواد ۳ و ۵ این قطعنامه با صراحت ستاد امور اجرایی وجهاد دانشگاهی به عنوان ارگانهای ذیصلاح درامور مدیریت و امور اجرایی دانشگاهها مطرح میگردند. و تاکید شده است که بمنظور تحقق انقلاب فرهنگی و رفع نیازمندیهای جامعه اسلامی امر جایگزینی این نهادهای انقلابی و مکتبی بجای ساخت فعلی دانشگاهها انجام پذیرد و تقویت و تداوم یابد و ضمنا دیگر مراکز گذشته دراین سو قرار گیرند. همچنین درماده یازده این قطعنامه آمده است که: «با توجه به حجم عظیم مسئولیتهای دانشگاه درشرایط فعلی درتامین اهداف انقلاب فرهنگی و کمبود نیروهایی که بتوانند تامین این صلاحیتها را درجمیع جهات بنمایند شوراهای مدیریت کنونی دانشگاهها تا رسیدن به وضعیت مطلوب تثبیت و تقویت گردد تا امکان مشارکت فعال تمامی نیروهای متعهد به ولایت فقیه فراهم شود.»

ضمنا گروهی ازاعضای شرکت کننده درسمینار با برادرحجت الاسلام رفسنجانی ملاقاتی داشتندکه ایشان رهنمودهای موثری دربسیاری امور ارائه نمودند و از جمله نسبت به امر مدیریت دانشگاهها فرمودند:

«مدیریت دردانشگاهها باید متناسب با محتوای کار و اهداف آموزشی کشورزمان باشد، ما میخواهیم نظم و انضباط رعایت شود و مقررات تحصیلی و تصمیمات شوراهای مربوطه با قاطعیت اجرا شود و حقوق دانشجو، استاد و کارمند حفظ گردد و هریک به وظایفشان بخوبی عمل کنند.»

دومین حرکت فرهنگی حائز اهمیت دراردیبهشت ماه دیدار مشترک روسای جمهور، دولت، مجلس با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی بود. دراین دیدار طبق اظهارات برادر شریعتمداری چگونگی مدیریت دانشگاهها موردبررسی قرار گرفت و ضمنا پیرامون نقش ستاد و رابطه ان با وزارت فرهنگ و آموزش عالی نیز گفتگوهائی به عمل آمد. بهرحال این دیدار منجر به ملاقات اعضای ستاد با امام امت گردید که این امر درآستانه دومین سالگرد تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی صورت گرفت و امام امت رهنمودهای لازم را ارائه فرمودند.

طبق اخبار منتشره، اعضای ستاد گزارش عملکرد دوساله خویش را تقدیم حضور امام داشتند و درمورد ادامه کار ستاد و نظارت مستقیم آن بردانشگاهها و پیگیری عملی برنامه های طرح شده ازحضرت امام کسب تکلیف نمودند.

امام امت خطاب به اعضای ستاد انقلاب فرهنگی فرمودند: که ستاد انقلاب فرهنگی باید بماند و با حفظ موقعیت و اولویت رای بکارهاو وظایف ادامه دهد و از مخالفتها نهراسد و دانشگاهها را باجدیت و عزم قاطع به اسلامی تر شدن سوق دهد و از همکاری مسئولین مربوطه دراجرای تصمیمات خود با تفاهم کامل بهره مند شوند.

رهنمودهای اخیر امام امت یکبار دیگر شورو شوقی درنیروهای متعهد به آرمانهای انقلاب اسلامی و اهداف انقلاب فرهنگی بوجود اورد و آنان را به ادامه راه با روشنی بیشتری مصمم ساخت و عملا خط بطلان برتمامی بینشهای مخالف انقلاب فرهنگی کشید. هرچند که متن کامل سخنان امام منتشر نگردیده است، اما همین خلاصه ارائه شده خود مبین نکات مهمی است.

از جمله باقیماندن ستاد انقلاب فرهنگی درهمان موضع و جایگاه قبلی و از آنجا که ستاد مستقیما زیرنظر ولایت فقیه عمل میکند، لذا امر حفظ موقعیت بیش از هرچیز دیگر براین معنا اشاره دارد که کمافی السابق ستاد زیرنظر مستقیم امام عمل خواهد نمود و هرگونه حرکت جهت به سلطه کشیدن ستاد عملی مخالف نظر امام خواهد بود.

ثانیا امام فرموده اند: ستاد با اولویت رای به کارها ووظایف خود ادامه دهد که این مسئله هم هرگونه برخورد قدرت طلبانه را نفی نموده و ضدیتها و اعمال روشهای ناصادقانه و غیرمکتبی با ستاد را رد مینماید.

بهرحال امام به اعضای ستاد میفرمایند که از مخالفتها نهراسید و دانشگاهها را با جدیت و عزم قاطع به اسلامی ترشدن هرچه بیشتر سوق دهید و از همکاری مسئولین مربوطه دراجرای تصمیمات خود با تفاهم کامل بهره مند شوید.

عنوان:



مسلسل

موضوع:

مأخذ: تاریخ ۶۱/۲/۲۹

(آرشیو)

برنامه‌های ستادانقلاب فرهنگی در زمینه‌رشته‌های کشاورزی و مهندسی وپزشکی به مرحلهٔ‌نهائی رسیده و در زمینهٔ علوم‌پایه پیشرفتهای نسبتا جالبی‌داشته‌ایم

آنجائی که مفروضات ، تحقیقات انسانی غیر علمی است مشخص شود و کوشش کنیم هم جامعه و هم انسان را بصورت یک فردخالی از هرگونه پیشداوری تحت مطالعه قراردهیم تا بتوانیم مبانی علوم انسانی را بصورت منطقی در بیاوریم .

وی در مورد نحوه بازگشائی دانشگاه ها و رشته هائی که در الویت قراردارند گفت : یک مرحله از بازگشائی دانشگاهها آغاز شد و آنهائی که ۲۵ واحد داشتندالان مشغول هستند و دانشکده های پزشکی و رشته های وابسته به آن همه گشایش یافتند. در مرحله دوم با دانشجویانی سروکار داریم که بیش از ۲۵ واحد درس دارند تا کار خودشان را تمام کنند و شورای هماهنگی انتقال ستاد مشغول بررسی طرحهای مختلف است که این دسته را چگونه به دانشگاهها دعوت کنیم . هدف اینست که برنامه های جدید در حد وسیعی درمورد این‌دسته از دانشجویان تطبیق دادەشود و ارکان اساسی آموزش را برنامه های تازه تشکیل بدهد اما تعداد این افراد نسبتا زیاد است .

درگذشته مدرسه های عالی داشتیم که اینها از خودشان استاد نداشتند وباصطلاح استاد پروازی داشتند و این استادان یک روز در شهری توقف می کردند و چندین ساعت درس می‌دادند و سپس برمی گشتند. ما نمی‌توانیم این مدارس عالی رابصورت گذشته حفظ کنیم ومجبوریم اینها را در موسسات‌بزرگتر ادغام کنیم بنابراین کثرت دانشجویان وکمبود استاد از مسائل مهمی است کەباآن روبرو خواهیم بود. اما در هرحال برای مرحله دوم بازگشائی مشغول طرح نهائی هستیم و امیدواریم باتلفیق رشته ها و استفاده بیشتر از استادان بتوانیم این مرحله را مثل‌مرحله قبلی طی کنیم و مقدمات نوگشائی دانشگاهها را فراهم کنیم.

آقای شریعتمداری در مورد این سئوال که باتوجه بەبرگزاری کنکور در رشته های پزشکی ومهندسی کنکور رشته های دیگر درچه تاریخی برگزار می‌شود جواب‌دادند:

در رشته های علوم انسانی و علوم پایه ما باید کوششهای خودمان را روی تربیت دبیر متمرکز کنیم دراین زمینه‌تماسهائی باوزارت آموزش وپرورش‌برقرار شده و امیدواریم کەنیاز های خود را درزمینه به ستاد بگویند که مابتوانیم برنامه های تربیت دبیر خودمان رابابرنامه های‌دبیرستانی هماهنگ کنیم وبتوانیم قسمتی از امکانات دانشگاهی رابه تربیت دبیر اختصاص دهیم. بنابراین در رشته های علوم انسانی وعلوم پایه‌می‌توانیم براساس نیاز های آموزش‌و پرورش درحد وسیعی دانشجو بگیریم. البته ممکن است عده‌ای هم بعنوان کارشناس و محقق در رشته های علمی وعلوم انسانی انتخاب شوند و آنها هم برتعداد دانشجویان اضافه می گردند.

آنگاه عضو ستادانقلاب فرهنگی درزمینه نحوه برگزاری کنکور افزود:

هدف ما اینست که تنها به معلومات بسنده نکنیم واینطور نباشد که هرکس نمره بیشتری آورد بەدانشگاەرامیداکنـــد. ما در مناطق مختلف نیاز ها رابررسی می‌کنیم و افرادی را از همان مناطق انتخاب می کنیمو اگر سطح معلوماتشان پائین باشد مقدماتی برایشان فراهم می‌گردد تا برای فراگرفتن دروس دانشگاهی آماده شوند.

کوشش براینست که افراد با استعداد به دانشگاه راه پیدا کنند و دانشگاه براساس علایق واستعداد دانشجویان وبراساس نیاز های مملکتی دانشجو بپذیرد واز وجود دانشجویان چه در دوره تحصیلات وچه‌پس از فراغت از تحصیل درمناطقی که مورد نیاز است استفاده شود.

آقای شریعتمداری درجواب این‌سئوال که درزمینه‌شرکت‌رزمندگان جبهه ها درکنکور چه تصمیماتی گرفته شده است ؟ گفت:

همه‌می‌دانند که افرادی که درنهاد های انقلابی یا درجبهه ها بوده‌اند فرصت مطالعه نداشته‌اند وبکار اساسی‌تر که حفظ‌ستاوردهای انقلاب است پرداخته‌اند بنابراین مابرای این عده راهی بازمی کنیم که وارد دانشگاه شوند واینها نیز می‌توانند مانند کسانی که از مناطق عقب مانده می آیند وآموزش کامل ندیده‌اند ازدوره مقدماتی استفاده کنند وبرای رفتن‌بەدانشگاه آماده شوند البته در این زمینه تصمیم قطعی گرفته نشده وشکل کار درآینده مشخص می‌شود.

آقای شریعتمداری در مورد فعالیت گروهها واینکه چه قشری از دانشجویان‌می توانند به دانشگاه رامیابند اظهار داشت :

مادانشگاه را مرکز ارشاد وبحث و بررسی وتحقیق قرار داده‌ایم. آنهائی که بااین نظام سرناسازگاری نداشته باشند می توانند به دانشگاه بیایند و دانشگاه نیز بخاطررسالت ارشادی می‌تواند دانشجویان را به نظام اعتقادی اسلام آشنا سازد. بنابراین آنهائی که باحکومت اسلامی مخالف نباشند می‌توانند به دانشگاه بیایند ولی همانطور که گفته شد در دانشگاه مسائل سیاسی از نظر علمی مورد بررسی قرار می‌گیرد و بطورکلی تا آنجائی که مسئله بحث و تحقیق مطرح باشد فعالیتهای علمی آزاد است ولی آنجائی که مسئله توطئه وتبلغ وتحریف حقایق‌باشد اینگونه اعمال ازسوی مسئولین دانشگاهی مجازشناخته نمی شود و ممنوع تلقی خواهد شد.

وی در زمینه رشته های عمومی کەتمام دانشجویان باید آنها رابگذرانند توضیح داد: برنامه های عمومی شامل سه قسمت است یک قسمت فرهنگ ومعارف اسلامی و یک قسمت زبان وادبیات ایرانی وزبان‌خارجه وپاره‌ای از دروس علمی وعلوم انسانی است . همچنین آشنائی بامنطق و روش‌علمی وروش تحقیق نیز در این برنامه پیش‌بینی شده است . این برنامه برای همه دانشجویان یکسان است که در دوسال اول عرضه می‌شود وبعضی از دروس را نیز ممکن است تاسالهای آخر دربرنامه بگنجانند.

درپایان آقای شریعتمداری افزود:

نویسندگان محترم باید توجه‌به‌پیچیدگی کار دانشگاهها داشته باشند و وقتی درباره ستادانقلاب‌فرهنگی‌بحث‌میکنند اولا امکانات ستاد را درنظر بگیرند ونیرو هائی راکه در اختیار ستاد هستند ارزیابی کنند ومشکلات‌کار ستاد رابدانند واینکه برنامه ریزی کاری پیچیده است بخصوص که درگذشته برنامه ریزی های مانه جنبه علمی داشته و نه‌بانیاز های مملکتی هماهنگ بوده است و برای اولین بار آغاز به برنامه ریزی کاری پیچیده است . بطورکلی انتظار می‌رود که از آنچه درستاد انجام شده آگاه باشند و بعد به ارزیابی بپردازند نه اینکه اظهارنظر های کلی ومبهم و دورازواقع بکنند.

شماره ردیف

شماره مسلسل

مأخذ: تاریخ ۶۱/۷/۱۹



عنوان:

موضوع:

(آرشیو)

در اکثر کشور های جهان علمای تعلیم و تربیت می‌کوشند کیفیت آموزشی را در تمام سطوح تحصیلی تحد امکان افزایش دهند و با برنامه ریزی ای صحیح تلاش می کنند که در حداقل امکانات بالاترین بهرمبری را در این زمینه‌بدست آورند . انقلاب‌اسلامی ایران نیز حق خود را در روح و فرهنگ جامعه بانمود انقلاب فرهنگی ادا کرد وستاد انقلاب فرهنگی با تقبل تحقیق در چگونگی نحوه تغییرنظام آموزشی مسئولیتی بزرگ را پذیرا شد که به یاری حق مشغول آن است. در این زمینه گفتگوئی داشتیم با آقای علی شریعتمداری عضو ستاد انقلاب فرهنگی که متن آن به شرح زیراست .

تغییرات اساسی در رشته‌های علوم انسانی و استفاده‌از روحانیون‌متعهد در نظارت بر دانشگاهها مورد بررسی ستادانقلاب فرهنگی‌قرار گرفت

آقای شریعتمداری در مورد فعالیتها و اقدامات ستادانقلاب فرهنگی‌و در جواب این سئوال که به عقیده شما مهمترین گام ستد انقلاب فرهنگی جهت تغییر نظام منحط و تحول آن بنظام اسلامی‌چه بوده است گفت:

اقدامات ستاد انقلاب فرهنگی در زمینه های مختلف انجام گرفته است که پاره‌ای از این اقدامات بتدریج بنظر مردم رسیده و یا در رسانه های گروهی اعلام شده است و بطور کلی در زمینه برنامه ریزی برای اولین بار در ایران بصورتی که ستاد عمل کرده اقدام شده .

اساس برنامه ریزی های ما هم توجه به مبانی علمی و تحقیق و همتوجه به نیاز های مملکتی است و مقدم برهمه توجه به نظام ارزشی اسلامی که باید حاکم برفعالیت های آموزشی و دانشگاهی باشد . در زمینه رشته های کشاورزی و مهندسی و پزشکی برنامه های ما به مرحله نهائی رسیده و در زمینه علوم پایه پیشرفتهای نسبتا جالبی داشته‌ایم در رشته علوم انسانی طرح سابق علوم انسانی بطور کلی عوض شده و در رشته هائی مثل اقتصاد ، تاریخ ،روانشناسی و جامعه شناسی و حقوق با توافق استادان حوزه و ستاد انقلاب فرهنگی برنامه‌ای‌تنظیم شده که این برنامه ظرف یکسال ونیم در سه دوره اجرا می‌شود دوره اول سه ماهه است و بعد یک دوره نه ماهه بصورت سمینار و سپس یک دوره به منظور تدوین حاصل بحثها در سمینار خواهد بود .

در زمینه مدیریت طرحهای متفاوتتهیه شده و اخیرا ستاد با استفاده از تجربیاتی که از بعداز پیروزی انقلاب داشته است و باتوجه به ماهیت کار دانشگاهها و همچنین پیچیده بودن وضع دانشگاهها و نقش جهاد های دانشگاهی درحال تدوین طرحی است که امیدواریم این طرح بتواند ظرف چندهفته آینده بصورت قطعی درآید و با ارائه آن به مصادر امور بتوانیم دانشگاهها را به شکل خاص اداره کنیم .

کار اساسی که در زمینه اسلامی‌کردن دانشگاهها شده تشکیل کمیته اسلامی کردن



دانشگاهها با شرکت روحانیون متعهد بوده که در این کمیته اعضای ستاد و روحانیون متعهد جنبه های مختلف کار دانشگاهی را مخصوصا در زمینه فرهنگی و فرهنگ‌اسلامی مورد مطالعه قراردادند . همچنین در زمینه فعالیتهای سیاسی در دانشگاه ها ، فعالیت های فرهنگی در زمینه آموزشی و در اجرای شعائر و سنن اسلامی و همچنین نحوه مدیریت و اینکه امور فرهنگی در هردانشگاه تحت نظر یکی از روحانیون متعهد انجام بگیرد مطالعاتی انجام شده و حاصل این مطالعات بصورت جزوه‌ای درآمده و قرار است این جزوه برای مرتبه نهائی مورد مطالعه ستاد قرار بگیرد و پس از تصویب بصورت دستورالعمل در اختیار دانشگاهها گذاشته شود .

در زمینه تدوین کتابهای درسی درحدود ۴۰ کمیته تخصصی پیشنهاد های استادان‌را مورد بررسی قراردادند و کتابها وموضوعاتی که ازنظر علمی برای دانشجویان مفید بوده انتخاب شده و هم‌اکنون استادان مشغول کار هستند و ما امیدواریم ظرف چند سال آینده در حدود دو هزار جلد کتاب درسی خوب در تمام رشته ها داشته باشیم و این یکی از خدمات ارزنده‌ای است که در ستاد انجام شده و ذخیره علمی این مملکت را غنی می‌کند و دانشجویان انشاءالله در آینده اشکالی در زمینه کتابهای درسی خود نخواهند داشت .

آقای شریعتمداری در مورد اینسئوال که در زمینه رشته علوم انسانی و حضور اساتید و طلاب حوزه علمیه در جهت‌تدوین نظام آموزشی چه اقداماتی انجام شدمجواب دادند :

پس از صدور فرمان امام در مورد محتوی رشته علوم انسانی ستاد انقلاب فرهنگی با مسئولین حوزه علمیه درتماس گرفت و عده‌ای از استادان حوزه تعیین شدندکه در زمینه بررسی و ارزیابی علوم انسانی با ستاد همکاری داشته باشند و کمیته‌ای تشکیل و بودجه‌ای در اختیار آقایان گذاشته شد و همانطور که گفتم برنامه‌ای تدوین شده که دارای سه قسمت است . قسمت اول یک برنامه سه ماهه است که در این برنامه فرهنگ و معارف اسلامی معرفی می‌شود و ضمنا موضوعاتی را که در علوم انسانی مطرح هستند و با معارف اسلامی برخوردارند مشخص می‌شود و بعد این موضوعات در یک سمینار نه‌ماهه با اشتراک مساعی استادان رشته علوم انسانی واستادان حوزه تحت بررسی قرار می‌گیرد و سپس مرحله تدوین وتالیف حاصل مذاکرات‌سمینار آغاز می‌گردد و کوشش می‌شود که از یکسو مسائلی را که در زمینه علوم انسانی راسا اسلامی هستند و باید تحقیقات اختصاصی درباره آنها انجام بگیرد استادان حوزه انجام بدهند و قسمتهائی را که مشترک هستند استادان حوزه و استادان علوم انسانی .

و بطورکلی هدف اینست که مابتوانیم مبانی علوم انسانی را کاملا ارزیابی کنیم و آن را طوری برنامه ریزی کنیم که قسمت های علمی کاملابیطرف باشدو تحت‌تاثیر بارعاطفی وارزشی فرهنگ مغرب زمین قرار نگیرد و

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ ، تاریخ ۱۴۸ بیرم ۲۲/۳/۶۲



عنوان :

موضوع :

«آرشیو»

بعث فی‌الامیین رسولاً منهم تیلوا علیهم ایاته ویزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه... در روایتی امده است که طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه.

در روایت دیگری امام صادق از پدران خویش روایت میکند که پیامبر فرمود:

«هرکس به راهی، در طلب علمی رود خدا راهی به بهشت بر او بگشاید. فرشتگان از خرسندی پر خویش زیرپای او بگسترانند و برای او همه حتی ماهیان دریا دعا می‌کنند....»

(سفینه البحار بنقل از کتاب شیخ آقا بزرگ تهرانی نوشته محمدرضا حکیمی).

فراگیری علم مفید است اما اگر در جهت مطامع وهوسها و تفاخر باشد نه مفید که مذموم است علمی که خلوص را همراه داشته باشد نه علمی که برای دنیا باشد.

امام علی می‌فرماید: «کسیکه علم را از اهلش گرفته و بآن عمل کند نجات یابد و کسی که منظورش از طلب علم مال دنیا باشد بهره‌اش همانست ـ من اخذ العلم من اهله و عمل بعلمه سخا و من اراد به الدنیا فهی حظه» اصول کافی ـ کتاب فضل العلم.

بنابراین باید اخلاق و ارزش خلوص و صداقت در فراگیری و تعلیم هماره وجود داشته باشد.

۲ـ احیای علاقه بر تحقیق در رشته‌های دانشگاهی از ضروری‌ترین لوازم انقلاب فرهنگی است.

انقلاب فرهنگی در جمهوری اسلامی سرآغاز تحقیق و خاتمه نسخه‌برداری و تقلید است باید گذشته پدران ونیاکان خود را یافت و بقول امام خمینی مد ظله «باید شرق را پیدا کرد» مگر گنجینه‌های علمی و فرهنگی جز در مکتب اسلام درخشش داشته‌اند: جای بسی تاسف است که با داشتن چنین خزینه‌های علم و دانش، بسراغ غرب برویم و آنجا دنبال علم بگردیم: مگر خوارزمی ریاضی‌دان از اسلام نبود؟ مگر ابن‌هیثم که پدر فیزیك جدید نام گرفت مسلمان نبود؟ مگر جابربن حیان پدر شیمی شاگرد امام صادق نبود؟ مگر میرداماد و ملاصدرا فلسفه را از کجا آموختند تا بدین منزلت علمی رسیدند؟

مگر سیر لانوکچری بنیانگذار هندسه فضایی، از اصول هندسه مسطحهٔ خواجه‌نصیر الهام نگرفته است؟ مگر ابوریحان درعلم شیمی پیش‌کسوت‌تر از ارشمیدس نیست؟

مگر کروی بودن خورشید اولین بار توسط جغرافیادانان اسلام اثبات نشد؟ مگر کتاب طب زکریای رازی تا قرن هفدهم از متون درسی اروپا نبود؟

مگر....

۳ـ ایجاد حوزه بحث: نقل کرده‌اند (الحقیقه بنت‌البحث) حقیقت زائیده بحث است و در حدیث آمده «رایها و اندیشه‌ها را به یکدیگر بزنید تا بهترین آن عایدتان گردد».

از پایه‌های اصیل تعلیم و تربیت صحیح بحث آزاد است.

بنابراین در حوزه دانشگاه باید مباحثه یکی از اصول روشن نظام اموزشی باشد که البته مباحثه وسیله‌ای بمنظور روشنتر شدن عقاید و ظهور حقیقت باشد نه موجب تظاهر و ریا.

۴ـ دوره درس و تحصیل محدود نباشد بلکه همانند حوزه‌های علمیه حدی برای تحصیل و تحقیق نباشد و به هر مرتبه‌ای که رسید مرتبه بالاتر را تحصیل کند.

اطلبوالعلم من المهد الی اللحد...

۵ـ کلیه استادان دانشگاه ابتدا با معارف اسلامی آشنا گردند که خوشبختانه این امر در ۲۳ بهمن‌ماه ۶۰ با حضور مدرسین حوزه علمیه قم و اعضای ستاد انقلاب فرهنگی تصویب شد و امیدواریم گامها هرچه بلندتر در این زمینه برداشته شود.

۶ـ استادان بمثابه میزان علمیشان، صلاحیت اخلاقی کسب نمایند که تدریسش موثرتر خواهد بود رسول خدا (ص) فرمود: «هیچ گفتاری جز با کردار ارزش ندارد، هیچ گفتار و کرداری جز بانیت ارزش ندارد و هیچ گفتار و کردار و نیتی جز با موافقت سنت ارزش ندارد».

و باید انقلاب فرهنگی به منزلی برسد که استادی که صلاحیت اخلاقی و ایمانی ندارد در دانشگاه مکانی نداشته باشد و این هماهنگی گفتار و کردار استاد خود عامل مهمی در تربیت و تعلیم دانشجو خواهد بود: استاد کسی باشد که دانشجو را یاد خدا ببرد:

العالم من یذکرکم الله رویته

۷ـ فارغ‌التحصیل کسی قلمداد شود که از تحقیق فراغت یافته است نه فردی که مدرك را گرفته و بس.

۸ـ جهاد دانشگاهی که رسالت «ایجاد سنخیت بین انقلاب و دانشگاه» رابر عهده دارد. باید در از بین بردن ستون پوسیده فرهنگ ضدارزش دانشگاهی که قدمت چندین ساله دارد هرچه کوشاتر باشدو سرلوحه این کوشش همان شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» باشد در راه خودکفایی گام بردارد که: من یجعل الله للکافرین علی المومنین سبیلا».

۹ـ دانشجو همانند طلبه در انتخاب درس واستاد آزاد باشد.

و خلاصه: اهداف خود را در کسب حقیقت نه قدرت، ایدئولوژی نه تکنولوژی، اخلاق انسانی نه رفتار اجتماعی، کمال نه آسایش، صلاحیت نه تسلط خلاصه بینند در اینجا مناسب است که از طرح حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در مورد تشکیل دانشگاه آزاد که در نماز جمعه عنوان نمودند یاد شود، همانطور که خود ایشان بیان کردند باید علاقمندان و مسؤولین طرحهای موردنظر را در این زمینه بیان کنند و پس از آن با همگامی حوزه و دانشگاه، مراکز دانشگاه آزاد در شهرها و استانهای مختلف تشکیل شود، و بی‌گمان این کار، گام بلندی در راه تلفیق تعهد و تخصص و علم و ایمان خواهد بود و امکان آموزش عالی را برای همهٔ مشتاقان فراهم خواهد نمود. اما بدیهی است که مشکلات بسیاری فراروی این اقدام انقلابی و اسلامی قرار دارد که تنها با بسیج عمومی و همکاری و همیاری امت حزب‌الله و حوزهٔ علمیه و دانشگاه و در پیش گرفتن شیوهٔ انقلابی قابل حل می‌باشد.

و سخن آخر با مسئولین انقلاب فرهنگی: این گفته مرحوم شریعتی را که خود از سردمداران انقلاب فرهنگی است بیاد داشته باشید که «طلبه عمر مسئولیت اجتماعیش با عمر حیاتش یکی است و تا مرگ، مسئول افکار مردم و سرنوشت مردم می‌ماند» و سعی کنید نظام دانشگاهی چون حوزه مطهر گردد و بسراغ مدرسین و روحانیون بروید که میروید زیرا اینها از هر صاحب‌نظری، صاحب‌نظرترند. مخصوصاً، در علوم عقلیه دخالت روحانیت در امور انقلاب فرهنگی یا شاخه‌های خاص آن کارساز و چاره‌ساز است و وجود روحانیون و حوزه علمیه در هر زمینه انقلاب همانند انقلاب فرهنگی ضروری و بدیهی است و اگر اینها نباشند در ساحت مقدس علم فاجعه بزرگی اتفاق خواهد افتاد.

والسلام

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ ، تاریخ ۱۴۸ سروش ۲۲/۳/۶۱

عنوان : انقلاب فرهنگی به خودیابی [illegible]

موضوع : [illegible] انقلاب فرهنگی ٤ [illegible]



«آرشیو»

انقلاب اسلامی ایران نه یك انقلاب سیاسی صرف و نه یك دگرگونی اقتصادی محض که یك رنسانس فرهنگی بود. انقلاب تنها تغییر فیزیکی و سطحی در بافت جامعه انسان نیست، بدینگونه که نهادهای گذشته نابود شود و سازمانهای جدیدی جایگزین آنها شود بدون دگرگونی در دستگاه ارزشی حاکم. هر نوع تحول اگر با دگرگونی در فرهنگ و ارزش هماهنگ نباشد اصالت نخواهد داشت. در انقلاب اسلامی ایران که یك نهضت عقیدتی و فکری است انقلاب فرهنگی نه یکی از ابعاد انقلاب، که عین انست، انقلاب فرهنگی فرم یك انقلاب ایدئولوژی است که بدون آن، انقلاب نه هویتی و نه اصالتی خواهد داشت. اما در انقلابات مارکسیستی یا بعبارت صحیح حرکتهای مارکسیستی (مارکسیسم از ایدئولوژیهای معاصر است) موضوع انقلاب فرهنگی جایی ندارد چون «تفکر و اندیشه تابعی از ماده است و هرگاه ماده متحول شد اندیشه و فرهنگ نیز دگرگون خواهد شد». این اندیشه ذهن قالبی انها را جزم این تفکر نموده است که «انقلاب فرهنگی عینیت ندارد» چرا که هرگاه تحول اقتصادی رخ داد انقلاب فرهنگی نیز محقق شده است. اما در بینش توحیدی انقلاب فرهنگی عین انقلاب است و سلامت انقلاب در حفظ «اسلامیت و فرهنگ اصیل» انست.

کشورهای استعمارگر برای نفوذ در مناطق حساس، طرق گوناگونی را در پیش میگرفته‌اند چنانکه کشورهایی دارای فرهنگ سست و بی‌بنیان بودند و در نتیجه سازمان سیاسی - نظامی مهمی وجود نداشت با چند ستون از سربازان تصرف میشدند اما با کشورهای پیشرفته و دارای فرهنگ به گونه‌های دیگر برخورد مینمود.

۱- اگر فرهنگ ملتی در برابر فرهنگ استعمار حقیر و خوار مینمود با اعزام میسیون‌های مذهبی در لباس تاجر، پزشك و جهانگرد و... فرهنگ نوینی عرضه مینمود، طبیعی است فرهنگ جدید، خواستهای جدیدی را در پی دارد. و این خواستها و نیازهای جدید با فرهنگ گذشته توافق نداشت در این صورت کشور صادرکننده فرهنگ جدید در جوابگویی نیازها و خواستها برمیامد و بعد مشخص است که چه رخ میداد (تسلط استعماری، بوقوع پیوسته است).

۲- اما چنانچه فرهنگ قومی ملتی بر فرهنگ جدید برتری مینمود، دیگر ابزار گذشته کاری نبود بلکه عوامل جدیدتر و دقیق‌تر طلب نمود و آنها فراماسونریها بودند که با تشکیل لژها، فرهنگ نوینی مبنی بر (اومانیسم) و نهایتاً حکومت جدیدی بنام دموکراسی (حکومت نفس اماره) بر انسان تحمیل مینمودند. که ایران در زمره این دسته است:

فراماسونرها، علم را بمنزله وحی الهی - حلال همه مشکلات فکری - عملی بشر میدانستند و با ورود آنها به سرزمین ایرانست که علم اینقدر منزلت میابد (بخاطر آورید بنی‌صدر چگونه حرف میزد، چگونه استدلال میکرد و.....).

استعمار پس از انکه با ابزار گذشته و قدیمی خود مانند عرضه فرهنگ جدید بطور مستقیم که موجب تحریك احساسات مردم میشد ویا فرقه‌سازیهای مذهبی همانند بهائیت، وهابیت در مقابل روحانیت، کاری از پیش نبرد قبل از رسیدن به اهداف سیاسی - نظامی توسط این روشنفکران ضدمذهبی فرهنگ ملت را می‌زدود تا با خاطر آسوده بر اهداف سلطه‌گری شوم دست یابد. بعنوان مثال نگاهی به نحوهٔ تاسیس دانشگاه در ایران می‌اندازیم، قبل از تشکیل دانشگاه تهران، رضاخان با کارهایی مانند اهانت به روحانیت و القای این فکر که مدارس علمیه (مراکز حفظ هویت فرهنگی) و تدریس علوم اسلامی عامل عقب‌ماندگی و این سبك آموزش ضدترقی است زمینه ورود فرهنگ استعماری را فراهم مینماید: و همزمان با آن با توسل به زور حجاب از زنها برمی‌دارند و لباس مخصوصی برای مردان تجویز می‌کنند و با هزاران نیرنگ دیگر افکار ضداسلامی رانشر می‌دهند تا در سیطره فرهنگ ضدالهی، تسلط ضدبشری خود را حفظ کند. اما اندیشه‌های ناب اسلامی (سمبل آن روحانیت) همیشه با فرهنگ غربی به مبارزه پرداخته و با اعتقاد بر پرورش وآموزش انسانی در سایه تعالیم الهی با اینگونه جریانات نبرد کرده است، در بینش الهی پرورش غایت است و از تعلیم و آموزش بعنوان وسیله بدین منظور استفاده میشده، در بینش الهی انسان تزکیه یافته و متقی، مقرب خداوند است اما در «فرهنگ غربی انسان متمدنی که در بند تکنولوژی گرفتار آمده» مقرب حاکم است: در بینش الهی انسان کامل و صالح نمونه است، در فرهنگ غیراسلامی غربی انسان مقتدر و.....

از انجائیکه فرهنگ حاکم بر ایران و نظام تعلیم و تربیت گذشته یك فرهنگ غیر اسلامی و وابسته بود انقلاب فرهنگی صورت گرفت (البته انقلاب فرهنگی نه پس از اردیبهشت ۵۹ با بسته شدن دانشگاه که از همان اوان انقلاب شروع شده بود که اگر چنین نبود مردم تن به شهادت نمیدادند و با دستان خالی به استقبال گلوله نمی‌رفتند) از انجائی که دانشگاه تجلی‌گاه فرهنگ جامعه و همچنین تجلی‌گاه وابستگی به فرهنگ غرب بود، سر فصل نوینی بنام انقلاب فرهنگی در فصول انقلاب اسلامی نگاشته شد. مقصود از انقلاب فرهنگی، انقلاب دراندیشه‌ها، روشها و ارزشهاست، انقلاب فرهنگی تولد انسانی تازه با ارزشهای نوین است. انقلاب فرهنگی رهایی از سلطه فرهنگ استعماری است. رهایی از ارزشهای کاذب، رهایی از خویشتن کاذب و خود فراموشی و رهایی از خدا فراموشی. انقلاب فرهنگی از ویژگی استمرار برخوردار است بنابراین نباید پایان یافته تلقی‌اش نمود.

مگر نبود که ما در رشته‌های صنعتی یك مصرف کننده و در رشته‌های علوم انسانی پیروان نهضت ترجمه بودیم بنابراین اساس انقلاب فرهنگی، حقیقت‌طلبی، بی‌غرضی، رفع تبعیض در فراگیری و پرورش خلوص و خضوع درعلم و رشد روح تحقیق است:

انقلاب فرهنگی، نوید پاکسازی دانشگاه - محل علم و تقوا - از وجود پلیدانی که آنجا را خانه اهداف شوم خود کرده، بود. انقلاب فرهنگی پیام‌آور خلاصی و رهایی کانون مقدس تربیت از اشراری است که آنجا را اتاق جنگ و کانون برنامه‌ریزی آشوبهای گنبد و کردستان کرده بودند. در گذشته، دانشگاهها نه محل آموزش که جایگاه آشوب و بلوا و یکی از کانونهای امیدبخش استکبار بود بناچار بسته شدنش ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. اگر چه نمایندگان نفوذی و ویژه کفر جهانی مانند بنی‌صدر مخالفت می‌کردند و برای نمونه او میگفت «انقلاب فرهنگی بمعنی بسته شدن نیست» دانشگاه که یکی از محلات رویش قارچگونه گروههای پس ازانقلاب بود و از مدرس و محل تعلیم بدر امده بود و کانون زد و خورد و بحثهای از پیش ساخته بود، او (بنی‌صدر) می‌گفت: «از حضور گرایشها نترسید».

مخالفتهای زیاد با انقلاب فرهنگی، رهنمودهای مکرر امام: «باید انقلاب اساسی در دانشگاهها صورت گیرد» «اگر دانشگاه در اختیار چپاولگریهای شرق و غرب باشد کشور در اختیار آنهاست» دلیلی بر اهمیت و اصالت انقلاب فرهنگی که در اولین مرحله خود بصورت انقلاب آموزشی در دانشگاههاست، می‌باشد.

پس از بسته شدن دانشگاهها، ستادی متشکل از آقایان شهید باهنر، ربانی املشی، جلال‌الدین فارسی، دکتر سروش، دکتر شریعتمداری و دکتر حبیبی از جانب حضرت امام تعیین شد که مامور رسیدگی و تحول در وضعیت دانشگاهها شد. انقلاب فرهنگی در عمر دوساله خود اگر چه کم تحرك بوده اما فعالیتهای چشمگیری نیز داشته است و ما در صدد بیان علائم کم‌تحرکی نیستیم که این نشان اشرار است (الاشرار یتبعون مساوی‌الناس ویترکون فی سنهم) بلکه در شرح این مسئله که «انقلاب فرهنگی چگونه مستمر و برپاست و با ارزشهای حاکم بر فرهنگ انقلاب سازگار خواهد بود» انقلاب فرهنگی بمعنی خالی کردن محتوای استعماری نظام اموزشی و بنای فرهنگ نوینی مبتنی بر ارزشهای انسانی - اسلامی است: سیاست کلی گذشته تعلیم و تربیت این بود که:

۱- ناآگاهان وابسته‌ای در تعلیم و تربیت صاحب‌نظر باشند تا ارزشهای طاغوتی توسعه یابد.

۲- از پرورش استعدادهای درخشانی که در اینده مخالفین فرهنگ استعماری خواهند بود جلوگیری شود و برای این امر از وسایل زیر استفاده می‌شد:

الف- هدف مبهم و درسهای دانشگاهی بی‌محتوا باشد.

ب- عدم هماهنگی بین رشته تحصیلی و علاقه محصل.

ج- وجود محیط مسموم سیاسی و اختناق شدید پلیسی.

د- وجود اساتید بی‌صلاحیت.....

۳- نحوه گزینش خاص بدین صورت که طبقه مرفه و روشنفکر به دانشگاه راه یابند.

٤- جدا کردن دانشگاه و دانشجو از جامعه.

۵- رشد ارزشهای مادی بر نظام اموزشی - مثلاً دانشجو رشته‌ای را انتخاب می‌کرد که پس از فارغ‌التحصیل شدن، پولدارتر و مرفه‌تر شود. و یا رشد روحیه مدرك‌گرایی.

٦- عدم هماهنگی برنامه‌های آموزشی با نیازهای جامعه.

۷- عدم روحیه تحقیقات و تئوری بدون آموزش.

۸- تربیت نگهبانان ارزشهای غربی مانند (فراماسونریها).

۹- رشد فحشا و انحرافات اخلاقی که اینها همه موجبات زیر را فراهم می‌کرد.

۱- زنده نگه داشتن غرب‌زدگی آموزشی و در نتیجه منفعت‌طلبی سردمداران.

۲- القای این فکر که «دنبال تحصیل رفتن، برای رفع بیکاری است».

۳- جو سیاسی که مسموم شد، فکر دانشجو تماماً صرف درس نیست که نمی‌تواند باشد.

٤- وجود اساتید بی‌صلاحیت عامل مهمی در سرکوب خلاقیتها و استعداد دانشجویان می‌باشد.

و بااین همه نابسامانی انقلاب فرهنگی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بود.

اما چه باید کرد؟ در جهت انقلاب فرهنگی چگونه عمل کنیم:

۱- علم مفید و تعلیم امری واجب است اما هدف نیست: خداوند منان هدف از بعثت پیامبران را تعلیم میداند هوالذی

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

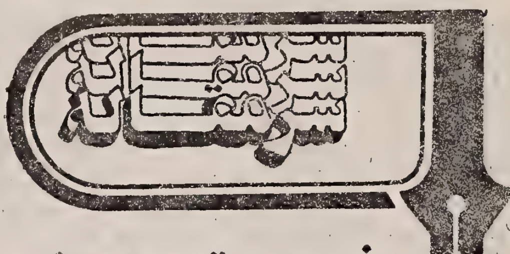
ماخذ ، تاریخ ۶۲/۲/۱ / ۱۱۲۷ جمهوری



عنوان :

موضوع :

«آرشیو»



ضرورت توجه بیشتر به انقلاب فرهنگی

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم

دوم اردیبهشت ماه، سالروز انقلاب فرهنگی، برای ملت ما از روزهای مهم و تاریخی و در تاریخ انقلاب اسلامی یک نقطه عطف است. در روز دوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ دانشجویان متعهد به انقلاب اسلامی و علاقمند به سرنوشت فرهنگ این ملت با یک تصمیم انقلابی اقدام به اعلام انقلاب فرهنگی و ضرورت بسته شدن دانشگاهها تا بوجود آمدن تغییر کامل در شیوه تعلیم و تعلم و اسلامی شدن آن نمودند. این اقدام بسیار بجا و ضروری بلافاصله مورد پشتیبانی مردم و مسئولین قرار گرفت و با همت خود مردم بساط گروهکهای وابسته به شرق و غرب که بیش از یکسال بود با سوءاستفاده از آزادیهای بدست آمده در پرتو انقلاب اسلامی به تعبیر امام عزیز، دانشگاه را به اطاق جنگ تبدیل کرده بودند، از دانشگاهها برچیده شد و بدنبال آن در تاریخ ۲۳ خرداد ۵۹ بفرمان رهبر ارجمند انقلاب اسلامی، ستادی بنام ستاد انقلاب فرهنگی تشکیل شد تا اعضاء آن همانگونه که درفرمان امام آمده است:«... از افراد صاحبنظر متعهد از بین اساتید مسلمان و کارکنان متعهد و دانشجویان متعهد با ایمان و دیگر قشرهای تحصیلکرده متعهد و مومن به جمهوری اسلامی دعوت نمایند تا شورائی تشکیل دهند و برای برنامه ریزی رشته‌های مختلف و خط مشی فرهنگی آینده دانشگاهها براساس فرهنگ اسلامی و انتخاب و آماده سازی اساتید شایسته متعهد و آگاه و دیگر امورمربوط به انقلاب فرهنگی اقدام نمایند».

در ابتدا که انقلاب فرهنگی آغاز شده بود، صاحبنظران و مسئولان در مصاحبه‌ها و مقالات و سخنرانیهایشان همواره تاکید میکردند که انقلاب فرهنگی نباید در انقلاب آموزشی خلاصه شود هرچند که باید از طریق انقلاب آموزشی آغاز شود. فرمان امام خمینی مبنی بر تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی نیز طبعاً براین اساس بود که انقلاب آموزشی زمینه را برای تعمیم انقلاب فرهنگی و جاری شدن آن در کلیه شئون جامعه فراهم نماید.

توطئه های مشترک گروهکها و لیبرالها و بنی صدر خائن که«آنوقت» رئیس جمهور بود موانع و مشکلات زیادی بر سر راه انقلاب فرهنگی بوجود آورد. از سوی دیگر جنگ تحمیلی که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ یعنی اندکی بیش از سه ماه پس از تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی آغاز شد، توجه مردم و مسئولین را به خود جلب و همچنین نیروهای فکری زیادی از میان دانشجویان و سایر اقشار دانشگاهی علاقمند و متعهد به انقلاب اسلامی را به خود جذب کرد. این امور در مجموع سبب شدند از یکسو انقلاب فرهنگی در انقلاب آموزشی محصور شود و از سوی دیگر سرعت و شتاب لازم از ستاد انقلاب فرهنگی گرفته شود. البته در ریشه یابی این مساله باید عدم امکان حضور فعال دو عضو روحانی اولیه ستاد(شهید باهنر رحمة الله علیه و آیت الله ربانی املشی) به دلایل مختلف از جمله اشتغالات فراوان، عدم حضور فعال برخی از اعضاء غیر روحانی در برخی از مقاطع، تعویض و جایگزینی چند باره برخی از اعضاء و همچنین راه یابی عناصری از لیبرالها در مصادر مختلف پائین تر از ستاد را نیز برشمرد.

با اینهمه، خوشبختانه در سال ۶۱ شاهد بازگشائی بسیاری از رشته‌ها در دانشگاههای مختلف بودیم و در سال ۶۲ نیز تاکنون این بازگشائیها ادامه داشته است. بی‌تردید، این امر را باید موفقیتی برای انقلاب فرهنگی بحساب آورد بخصوص که ایران اسلامی در حال حاضر در مرحله سازندگی قرار دارد و هر کشوری در چنین مرحله‌ای به نیروهای متخصص متعهد نیازمند است و بازگشائی دانشگاهها میتواند گام موثری در این جهت باشد.

در عین حال، یادآوری این نکته را نیز ضروری میدانیم که وجود نارسائیهای غیرقابل اغماضی که در مسائل: برنامه ریزی دروس، جذب و تربیت مدرس، گزینش دانشجو و بخصوص مدیریت دانشگاهها مشاهده می‌شود نشانگر ضرورت توجه بیشتر مسئولین به جریان کار ستاد انقلاب فرهنگی و میزان موفقیت این ستاد در انجام وظایف محوله از ناحیه امام امت میباشد. این امر لزوماً بدان معنی نیست که ستاد انقلاب فرهنگی در انجام وظایف خود کوتاهی کرده است، بلکه میتواند بدین معنی باشد که این ستاد به تقویت و نظارت بیشتری نیازمند است. برای مثال، با اینکه مدیریت شورائی برای دانشگاهها در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با تجربه ناموفقی همراه بوده در عین حال، همان شیوه مدیریت یکبار دیگر از سوی ستاد انقلاب فرهنگی باجرا گذاشته شده و عجیب اینست که یکی از اعضاء ستاد در این باره میگوید:

«در طرح پیش بینی شده که طرح حداقل در یکسال به معرض اجرا گذاشته شود تا در صورت برخورد با اشکالات اساسی تغییرات لازم در آن بعمل آید». (مصاحبه با روزنامه اطلاعات ۶۲/۱۰/۲۶) چگونه ممکن است در امر خطیری مانند مدیریت دانشگاهها با توجه به اهمیتی که مساله زمان در انقلاب فرهنگی دارد پس از تجربه یک شیوه ناموفق بار دیگر همان شیوه آنهم با خصوصیاتی که جای هیچگونه تردیدی در بطلان آن باقی نمیگذارد بصورت آزمایشی برای یکسال باجرا گذاشته شود مضافا به اینکه برخی از اقدامات ستاد از قبیل پیشنهاد گزینش مسئول فرهنگ اسلامی دانشگاهها بر خلاف تصمیم مسئولین طراز اول کشور که ستاد انقلاب فرهنگی بحکم امام امت وظیفه رعایت نظرات آنها را دارد میباشد.

از سوی دیگر، وزارت آموزش عالی که بازوی اجرائی ستاد انقلاب فرهنگی است، در عمل نشان داده است که کارآئی چندانی ندارد ضعف این وزارتخانه در مسائل مربوط به کنکورها و ناهماهنگی‌هائی که میان وزارت علوم و آموزش عالی و ستاد انقلاب فرهنگی دیده شده حتی در پاره‌ای موارد به صدور اطلاعیه‌های ضد و نقیض منجر شده و همچنین نارسائی‌هائی که در امر رسیدگی به امور دانشجویان خارج از کشور بخصوص در مسائل ارزی وجود دارد همگی حکایت از ضعفی میکند که وزارت علوم و آموزش عالی به آن مبتلا میباشد ضعفی که شایسته این مرحله از انقلاب اسلامی نیست و هر چه سریعتر باید به آن توجه و رسیدگی شود.

در خاتمه، ضمن گرامیداشت دوم اردیبهشت، سومین سالروز اعلام انقلاب فرهنگی، و قدردانی از کلیه کسانی که در این امر خطیر خدمتی به امت اسلامی نموده‌اند، آرزو می‌کنیم مسئولین جمهوری اسلامی بخصوص نمایندگان مجلس شورای اسلامی و دولت منتخب مجلس توجه لازم را نسبت به امر بسیار حیاتی انقلاب فرهنگی بنمایند و دررفع نارسائیهای موجود تلاش کنند تا علاوه بررفع این نارسائیها زمینه برای تعمیم انقلاب فرهنگی نیز فراهم آید و بدانند که بی توجهی یا کم توجهی به این مساله فرصتی را از دست میگیرد که درآینده بهیچوجه بدست نخواهد آمد.

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ ، تاریخ جمهوری ۶۲/۲/۱۵
۱۱۲۸



«آرشیو»

عنوان : کلیه رشته‌های علوم انسانی تا اواخر اردیبهشت بازگشایی می‌شوند

موضوع : ....

بخش خبر- حجت‌الاسلام دکتر احمدی یکی ازاعضای ستاد انقلاب فرهنگی، روز گذشته دریک مصاحبه اختصاصی باخبرنگارما پیرامون بازگشایی کلیه رشته‌های علوم انسانی توضیحاتی داد.

بگزارش خبرنگارما وی ابتدا درموردبازگشایی ونوگشایی بعضی ازرشته‌های علوم انسانی که ازاوایل امسال بتدریج صورت گرفته گفت: درسوم اردیبهشت ماه رشته‌های جغرافیا، حسابداری، کتابداری وزبانهای خارجی والهیات وفلسفه بازگشایی شدند البته درزبانهای خارجی بعضی ازرشته‌ها مثل اسپانیولی که شاگرد کمی داشته وبعنوان زبان دوم محسوب می‌شد وهمچنین کمبود استاد، مشکلی درتدوین برنامه‌ها وهماهنگ ساختن آن بوجود آورده بود که خوشبختانه این مشکل رفع شدوامیدواریم درآینده بارفع کمبود استاد این زبان توسعه پیداکندبرنامه مترجمی زبان عربی نیز تاخیری درکارما بوجودآورده اما مشکل زبان عربی هم تاچند روز دیگرحل می‌شود وبرنامه‌اش درشرف ارسال به دانشگاهها می‌باشد. زبان ایتالیایی اندکی تاخیرداشت که آن هم ظرف یکی دوروزآینده بازگشایی می‌شود نتیجتاً ازلحاظ زبانها دربازگشایی اشکالی وجودندارد اما ممکن است برای نوگشایی ازلحاظ اینکه بخواهیم دانشجوی جدید بپذیریم مشکلاتمان بیشتر باشد.

حجت‌الاسلام احمدی سپس درموردرشته‌هایی که بازگشایی نشده‌اند گفت: برنامه رشته حقوق توسط آقایان محقق داماد، جعفری لنگرودی، دکتر گرجی وحبیبی باز بینی شده واخیراًبپایان رسیده‌که درشورای هماهنگی انتقال، اندکی اشکال برای اصلاح دروس پیش آمده بود که انشاءالله تا هفته آینده آماده می‌شود. درمورد رشته اقتصاد تقریباً ۱/۳ آن یعنی اقتصاد نظری و اقتصاد کشاورزی به دانشگاهها فرستاده شده، رشته مدیریت دولتی برنامه‌اش آماده است و به وزارت فرهنگ و آموزش عالی و دانشگاهها ارسال شده، برنامه تاریخ به وزارت فرهنگ و آموزش عالی ارسال شده، رشته علوم اجتماعی نیز برنامه‌اش آماده است اما باید راجع به کتابهای این رشته بررسی و تجدیدنظر شود، رشته علوم سیاسی قرار بود بازگشایی شود که در برنامه‌اش اشکالاتی وجود دارد، رشته‌های علوم تربیتی و روانشناسی نیز برنامه‌هایشان به دانشگاهها و وزارت فرهنگ و آموزش عالی ارسال و اعلام شده و نتجیتاً رشته‌های مختلف علوم انسانی که هنوز بازگشایی نشده‌اند برنامه‌هایشان آماده شده است.

وی افزود: آنچه که خط کلی است این است که وزارت فرهنگ و آموزش عالی در اول اردیبهشت ماه به دانشگاهها ابلاغ کرده که تا ۸ اردیبهشت امکاناتشان را بطور دقیق به این وزارتخانه اعلام کنید البته لازم بتذکر است که قبلاً این کار انجام شده بود و تمام مسائل مربوط به دانشگاهها مطرح شده و در ۲۰ فروردین همه دانشگاهها اعلام آمادگی کرده بودند. اما پس از اعلام مجدد وزارت فرهنگوآموزش عالی به دانشگاهها قرارشد که جواب نهایی به وزارت فرهنگ وآموزش عالی ارسال شودوهمچنین این وزارتخانه اعلام کرده که ازاول اردیبهشت تااواخر این ماه کلیه رشته‌های علوم انسانی بازگشایی می‌شوند وازاواخر اردیبهشت یک ترم ۲ماهه ای گذاشته می‌شود که تااواخر تیرماه دانشجویان به سر کلاسها بروند وپس از یک ماه فرصت به دانشجویان در۱۵ شهریور ماه که تقویم بازگشائی دانشگاهها می‌باشد ترم



بعدشروع می‌شود واین کاری است که وزارت فرهنگ وآموزش عالی انجام داده و قولی است که برای بازگشائی این رشته ها داده است وبرای پذیرفتن دانشجوی جدید برای همه رشته‌ها بجز چندرشته اعلام آمادگی کرده وعلت نپذیرفتن دانشجوی جدید درآن رشته ها را مشکلی که ممکن است در بازگشائی بوجود آید ذکر کرده‌اند مااین دلیلی نیست که ما در آن رشته‌ها دانشجو نپذیریم ویا استثنائی وجودداشته باشد منتهی مرحله بازگشائی که مسجل شود بدنبال آن نیز اعلام نوگشایی می‌شود.

دکتراحمدی سپس درزمینه تغییر کتب ومحتوای دروس رشته‌های علوم انسانی اظهارداشت: ازسال گذشته دفتر همکاری حوزه ودانشگاه شروع بکار کرده وجلساتی نیز درقم داشته‌اند وازاوایل مهرسال گذشته تقریباً شروع بکار کرده‌اند وتاکنون کارشان ادامه داشته وتا۲۲ خرداد هم مرحله اول کارشان تمام می‌شود واول تابستان سالجاری یکسری کتاب را تالیف می‌کنند که مبنای کارکتابهای دانشگاهی خواهند بود وآن کتابها که تدوین می‌شوند بتدریج جایگزین کتابهای فعلی خواهندشد وآن کاری که درحوزه درمورد روانشناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، حقوق واقتصاد انجام شده وبتدریج آماده می‌شود جایگزین کارهای فعلی شده ومحتوای آنها درکتابها وکارهای فعلی دانشگاهی گنجانیده می‌شود و بیشتر امیدهمان است که ازدفتر حوزه ودانشگاه درجرگه کارها قرار گیرد. همچنین تعدادی از اساتید نیز قرار شده مامور تالیف کتابها با همکاری حوزه شوند وامیدواریم که درکلیه رشته‌های دانشگاهی اصلاحات کلی وکارهای اساسی صورت گیرد.

۲- دانشگاه و حوزه

شماره ردیف .... عنوان : از فرهنگ استعماری تا انقلاب فرهنگی

شماره مسلسل .... موضوع : ....

ماخذ ، تاریخ جمهوری ۶۲/۲/۱ — ۱۱۲۷ «آرشیو»

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم

هجوم فرهنگ غرب به ایران و سایر کشورهای اسلامی با مهاجرت مستشرقین به سرزمین‌های مسلمین آغاز گردید و با فرهنگی که «از فرنگ برگشتگان» برای مجامع علمی و روشنفکری به ارمغان آوردند، سلطه‌ی غرب بربخشی از حیات ممالک اسلامی تحقق یافت، پیشگامان ومنادیان و مبلغان این سلطه درایران کسانی همچون میرزا ملکم‌خان و تقی‌زاده بودند که نقش آنان دربه انحراف کشیدن نهضت مشروطه آشکاراست. چنین کسانی آنقدر صاحب نفوذ بودند که بسادگی وبا کمک اجانب توانستند حرکتی چون مشروطه را که با رهبری و هدایت روحانیون آغاز شده بود به نهضتی برعلیه رهبران بدل سازند، اما روحانیت نیز به دلیل تجربه‌های ذیقیمتی که از مبارزهای پیگیر بااستعمار داشت و نیز به دلیل فرهنگ خاص اسلامی درایران، یکباره از میدان نرفت و با بهره‌گیری از تجربهٔ عظیم مشروطه و به علمداری بزرگمردانی چون مدرس پای به راه اصلاح امورودفع توطئه و سلطه غرب نهاد، دراین رابطه بود که رضاخان همچون مهرووزنه‌ای برای پیشبرد سیاستهای ضد مردمی استعمار و عقیم ساختن حرکت عظیم اسلامی برعلیه استعمار برسرکارآمد تابعنوان آتاتورک ایران مجری زدودن آثار فرهنگ اسلامی وسیعی در میان مردم باشد. بخشی از این تلاش با کشف حجاب و ممنوع ساختن مجالس مذهبی و تحت فشار قراردادن حوزه‌ها و اقداماتی ازاین دست دنبال شد و قسمت عمده توطئه بابنیان گذاشتن دانشگاهها و تلاش برای غلبه دادن فرهنگ استعماری غرب بر نیروهای اصلی زاینده مملکت مطرح گشت، موفقیت رضاخان در تحمیل چنین مرکز فرهنگی عظیمی بر ملت ایران درواقع بیانگر آن میتوانست باشد که برای سالهای طولانی و حتی برای همیشه- سلطه فرهنگ بیگانه در این کشور عملی شده است و لذا همه امکانات خائنین به مردم در این راه بسیج شد.

در ایران، علیرغم سابقه طولانی حوزه‌ها در کارهای علمی اعم از علوم عقلی و انسانی و تجربی و علیرغم حضور فعال و یگانهٔ روحانیون و فرهنگ مذهبی در آموزش قبل از دانشگاه، دانشگاه با دستهای پنهان و آشکار استعمارگران پی‌ریزی شد و توسط عده‌ای از فرنگ برگشته و گم گشته درظواهر فرهنگ غرب، تربیت جوانان برگزیده این ملت آغاز گردید. نکته‌ای که در مورد این مربیان غرب زده و اسلاف و اخلاف آنان بدقت باید دانست آنکه تماس همه افراد این قشر با غرب فقط در سطح بوده است و هیچ یک از آنان معلومات و دقت و فرصت کافی برای پی بردن به عمق و ریشه تفکر غربی را نداشته‌اند تا لااقل مبلغان یک تفکر عمیق- ولو انحرافی- باشند بلکه اینان فقط شیفته ظواهر زندگی و افکار غربی بوده و این شیفتگی مانع از آن گشت تا از سطح و ظاهر مسائل به عمق آن راه یابند. بدین ترتیب سطحی نگری و کوتاه اندیشی میراث متقدمان غرب‌زدگی برای همه کسانی است که پس از آنان با الهام از مراتب غرب منور الفکرها به بت ناشناخته غرب، در حریم غربزدگی راه یافته‌اند و آنچه همیشه حجاب و سنگری برای این قشری‌گری و سطح اندیشی بوده، تظاهر صاحبان آن به تسلط برافکار دینی و فلسفه مذهبی بوده و هست.

و این چنین دانشگاه در روزگار رواج کهنه بازار روشنفکری و توسط روشنفکرانی که ویژگی اساسی آنان تعهدکور به غرب و غرب‌زدگی بود، و در حضور فرهنگی که سخت داعیه دین براندازی داشت و در غیبت حتی داعیان دیانت، آغاز به کار کرد. تعهد چنین دانشگاه به حذف مذهب و فرهنگ اسلامی از زندگی دانشگاهیان و گوشه فکری غربزدگان در بیان مسائل غرب بحدی بود که در تدریس ظواهر افکار غرب، حتی اندیشه فلسفی مسیحیت هم مستثنی گردید بطوری که درهمه کتب درسی آن زمان جای خالی رقیبان متفکرانی که متعرض افکار مسیحی بوده‌اند، آشکار است.

در چنین شورهزاری تدریس علوم انسانی غرب در ایران آغاز گردید و طراحان دانشگاه استعماری این مرکز را به عنوان سنگری جهت نشر و توسعه افکار ظاهر فریب خود آراستند. دانشجویان و استادان علوم تجربی و ریاضی نیز درمحیطی آکنده از چیرگی فرهنگ غرب، به آموختن و آموزش این علوم مشغول شد. این دانشگاه را درواقع میتوان بنیانی جهت جایگزینی فرهنگ غرب‌زدگی به جای فرهنگ و اندیشه و تفکر اسلامی دانست بطوری که همواره این رسالت به عنوان مهم‌ترین ویژگی با دانشگاه‌ها همراه بود و حتی این مبارزه سازمان‌یافته پیشاپیش مبارزه سیاسی رژیم برعلیه مخالفین مذهبی خود جریان یافت.

خلائی که انتقال ظواهر افکار غرب به اندیشه فعال و جستجوگر جوانان و دانشجویان بوجود می‌آورد، زمینه‌ی رشد و نفوذ دو جریان درجامعه دانشگاهی گشت، اولاً فساد و انحطاط اخلاقی مجال بروز و رشد یافت و ثانیاً مارکسیسم نفوذ خود را به افکار جوانان فریب‌خورده دانشگاهی آغاز نمود و غیبت حوزه‌های علمیه و روحانیون در دانشگاه نیز باعث تشدید چنین انحرافاتی گردید. از سوی دیگر عده‌ای از روحانیون بیداردل که عمق فاجعه‌ی دانشگاهها را احساس کرده بودند، این خلاء را دریافتند ولی از آنجا که راهی به دانشگاه نداشتند، کوشیدند تا بنحوی خود را درتماس با دانشجویان قرار دهند و از این طریق و علیرغم همه تنگناهائی که از سوی رژیم برسر راه این تلاش بوجود می‌آمد، پیک رگه مذهبی به دانشگاه راه یافت. این جریان ضعیف دینی گرچه‌دراکثر موارد متاثر از فرهنگ حاکم بر دانشگاهها، با ناخالصی‌هائی آلوده بود ولی تلاش روحانیون اندیشمندی که پیگیرانه به کار در محیطهای دانشجوئی دلبستگی داشتند، تضمینی بر تداوم حیات فرهنگ اسلامی در دانشگاه گشت، متفکرانی چون شهیدان بزرگوار بهشتی و مطهری و مفتح به بهائی سنگین و با رنجی طاقت فرسا، رسالت زنده ساختن نام اسلام و یاد خدا را در دل بر آشفته و برلبان به فریاد آمده دانشجویان دنبال کردند و در این راه هر تهمت وسیلی را به جان خریدند تنگ نظری ها و بی حرمتی هائی که امثال شهید مطهری دراین راه متحمل شدند و جز با روی گشاده پاسخ نگفتند، برای سالها همچون استخوانی در گلو و خاری در پای این رهروان بود اما علیرغم این همه این بزرگواران صبر کردند و با غنای فکری خویش همچون درختی برومند در طوفان هجوم فرهنگ بیگانه ایستادند و از پای نماندند.

بهر حال، اسلام به مدد عزیزانی که از اکثر آنان امروزه یادگاری جز اندیشه بارور آنان باقی نمانده، به دانشگاه راه یافت اما این جریان مذهبی به واسطه زمینه‌ای که در این مرکز مهم فرهنگی فراهم ساخته بودند، نفوذی شایسته حضور اسلام در جامعه ایران نداشت و همیشه این نقص یعنی کمرنگی حضور اسلام و مردم در دانشگاهها بعنوان یکی از عمده‌ترین اشکالات آن به چشم آمده است. این کمبود و نقص را غیبت حوزه در دانشگاه بدنبال آورده بود و نسبتی هم که پس از گذشت سالها با کوشش بسیار بین دانشگاه و اسلام حوزه بوجود آمد نیز نتوانست آنچنان قوی و سرنوشت ساز باشد که چهره وابسته دانشگاه و ماهیت آن را دگرگون نماید.

پس از انقلاب پیشگامانی که اصلاح دانشگاه را سرلوحه کار خود قرار داده بودند، باقتضای ضرورت های انقلاب، ارتباطشان با دانشگاه قطع شد، همچنین دانشجویانی که انقلاب اسلامی به آنها درس تعهد به اسلام حقیقی آموخته بود اکثراً جذب فعالیتهای انقلاب گشتند و اینچنین دانشگاه در ورطه هیاهوئی برخاسته از خواهش نفوس غرب زدگان و شرق زدگان گم گشت. در میان این ورطه خیانت‌هائی به حریم دانشگاه صورت گرفت و توطئه‌هائی از دانشگاه علیه انقلاب و مردم صورت گرفت که براستی روسفیدی ای برای متقدمان خیانت در دانشگاه بود.

در چنین شرایطی اندیشهٔ انقلاب در دانشگاه‌ها و انقلاب فرهنگی در جامعه به عنوان ضرورتی که تاخیر در آن خیانت به مردم بود، در فکر دانشجویان متعهد به انقلاب و اسلام شکل گرفت. انقلاب فرهنگی با پشتوانه و امیدی که دانشجویان انجمن‌های اسلامی به حوزه‌ها داشتند، آغاز شد و این امید همچون چراغی فراراه دانشجویان به طرح‌های آنان برای ایجاد دانشگاهی اسلامی - مردمی، نوربخشید.

****

دانشگاه در غیبت حوزه‌های علمیه به فساد کشانده شد و با همت دردمندانی ازحوزه راهی ازآن به سوی نوروصلاح گشوده شدواکنون که ملت ودانشجویان این انقلاب برآنند تادانشگاهی شایسته انقلاب خویش داشته باشند، باید که دستهابسوی حوزه‌ها درازشود وازاین مرکز علم و تحقیق که صدها سال حامل تفکراسلامی بوده است، مدد جویند تادانشگاه راازلوث آلودگی‌های سالهای سیاه استعمارفرهنگی پاک نمایندوبااستعانت ازاندیشه زلال اسلام، گرایشات ناصحیح راافشا و طرد نمایند.

۱۳۸

شماره ردیف ....



عنوان : مروری بر ستاد انقلاب فرهنگی

شماره مسلسل

کلیدواژه ستاد انقلاب فرهنگی

۱۱۷۵

ماخذ ، تاریخ جمهوری اسلامی ۶۲/۳/۲۰

بخش اطلاعات و تحقیقات اجتماعی واحد تحقیق و جمع آوری

بسمه تعالی

در سالگرد صدور فرمان امام خمینی (۲۲ خرداد) در زمینه بنا نهادن ستاد انقلاب فرهنگی بر آن شدیم تا بررسی گذرایی از مسائل انقلاب فرهنگی داشته باشیم، باشد تا این نوشتار در جهت شناخت هر چه بیشتر انقلاب فرهنگی برای خوانندگان گرامی موثر افتد.

نخستین نسیم روحبخش انقلاب فرهنگی و آموزشی در دانشگاهها در بهار سال ۱۳۵۹ از لابلای پیام نوروزی حضرت امام مدظله العالی بر پیکر مرده آنزمان دانشگاهها وزید و ترنم عطر این فرمان که «باید انقلابی اساسی در دانشگاههای سراسر ایران بوجود بیاید» جوانههای امید را در دل دانشجویان متعهد و مسلمان شکوفا ساخت و آنان را مصمم به ایجاد حرکتی در زمینه وارد ساختن اسلام به صحنه دانشگاهها نمود.

از آنجا که پس از پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن سال ۵۷ تا آنزمان (بهار ۵۹) تغییر اساسی و محسوسی در سیستم درسی و محتوای دروس داده نشده بود، و همچنین گروهکهای غربی و شرقی پس از رانده شدن از اجتماع، این مکان را پایگاه مفسدههای خود قرار داده بودند، تمام کسانی که برای آینده فرهنگ کشورشان دل میسوزاندند و بویژه دانشجویان مسلمان بر آن شدند تا اقدام به عملی انقلابی برای باز نمودن راه ورود اسلام به محیط مؤسسات آموزش عالی بنمایند.

اولین حرکتهای جدی در این مسیر پس از سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی و همچنین مصاحبه روزنامه جمهوری اسلامی با شهید دانشمند حجت‌الاسلام والمسلمین باهنر در زمینه انقلاب فرهنگی آغاز شد.

شهید بزرگوار حجت‌الاسلام والمسلمین باهنر در این مصاحبه بروشنی ضرورت اقدامی انقلابی در زمینه انقلاب فرهنگی را اینگونه ترسیم نموده بودند:

«بایستی بگوئیم که در زمینه فرهنگی متأسفانه کار فوق العاده‌ای انجام نشده، دانشگاههای ما هنوز نتوانسته‌اند برنامه ریزی متناسب با انقلاب و فرهنگ انقلاب اسلامی را انجام دهند و ضرورت دارد که یک دگرگونی اساسی در کل دانشگاههای ما بوجود آید ولو بقیمت اینکه مدتی این دانشگاهها تعطیل باشد تا اینکه برنامه رهبری جدیدی و سازماندهی جدیدی در کل نظام متناسب با حرکت انقلابی ما و نیازهای آینده ما داشته باشیم»

دو روز پس از این مصاحبه دانشجویان انجمنهای اسلامی بتدریج شروع به تعطیل نمودن دانشگاههای خود نمودند و راهپیمائیهایی در این رابطه برقرار کردند.

بلافاصله این عمل از سوی حزب جمهوری اسلامی مورد تائید قرار گرفت و روزنامه جمهوری اسلامی تیتر اول خود را به این مضمون:

«با تغییر بنیادی نظام آموزش استعماری در مراکز آموزشی و واژگونی سیستم اسلام زدائی در دانشگاهها انقلاب فرهنگی آغاز می‌شود». در حمایت از حرکت دانشجویان اختصاص داد. بدین ترتیب به حمایت بی‌شائبه از نهال جوان انقلاب فرهنگی که هر لحظه زیر فشار گروهکهای خودباخته و مزدور شرق باور و غرب باور قرار داشت اقدام نمود.

در پی این اقدام حزب جمهوری اسلامی با انتشار بیانیه‌ای از مردم در حمایت از دانشجویان مسلمان دعوت بعمل می‌آورد و تیترهای صفحه اول روزنامه جمهوری اسلامی برای چند روز با عناوینی چون «خط ارتباط با غرب و خط ارتباط با شرق با انقلاب فرهنگی به مخالفت برخاستند»[۲] و «حمایت گسترده گروههای اسلامی از آغاز انقلاب فرهنگی»[۳] قرار گرفت. در کنار آن سرمقاله‌های «سوی انقلاب فرهنگی»، «ضرورت انقلاب فرهنگی»، «چه کسانی با انقلاب فرهنگی مخالفند» «خادم کیست؟ خائن کیست؟» «کتابخانه یا اسلحه خانه» «اسلام زدائی روشنفکران و انقلاب فرهنگی» چون همیشه خط صحیح انقلاب را به امت نمایاند و دانشجویان را در ادامه دادن به عملشان امیدوار ساخت. چند روز پس از تعطیل دانشگاهها شهید دانشمند حجت‌الاسلام والمسلمین باهنر یکبار دیگر خط آینده حرکت دانشجویان را در مصاحبه‌ای با روزنامه جمهوری اسلامی روشن نمودند و اینچنین بر عمقی نگریستن به انقلاب فرهنگی تاکید کردند.

«در مورد دانشگاهها آنچه نباید فراموش شود تغییر نظام بطور بنیادی است. مشکل اصلی و دردی که جوانان مسلمان متعهد ما در دانشگاه درک می‌کنند سیستم آموزشی است و محتوای برنامه است که باید تغییر اساسی بکند و بتواند با انقلاب و اهداف و آرمانهای اسلامی متناسب باشد. بنابراین آنچه که تأخیر در تغییرش حتی برای یک روز هم دیر است تغییر نظام آموزش است و مسأله فعالیتهای گروههای سیاسی در دانشگاهها یک مساله فرعی است آنچه که باید خیلی سریع تعقیب شود برنامه ریزی و تغییر سیستم و دادن محتوای انقلاب به آموزش است».

و نیز حجت‌الاسلام والمسلمین خامنه‌ای در حمایت از تعطیل دانشگاهها چنین گفتند:

«نظام کنونی دانشگاهها همان نظام رژیم گذشته است».

اقدامات دانشجویان و اساتید مسلمان همچنان ادامه یافت تا اینکه امام در اول اردیبهشت ماه سال ۵۹ این حرکت را تأیید نمود و نیز حضرت ایشان در تاریخ ۲۲ خرداد ماه ۱۳۵۹ طی حکمی دستور بوجود آمدن ستاد انقلاب فرهنگی را داده و در آن وظایف اصلی ستاد را نیز روشن فرمودند.

فرمان امام را عینا می‌آوریم:

بسم الله الرحمن الرحیم

مدتی است ضرورت انقلاب فرهنگی که امری اسلامی است و خواست یک ملت مسلمان می‌باشد اعلام شده است و تاکنون اقدام موثر اساسی انجام نشده است و ملت اسلامی و خصوص دانشجویان با ایمان متعهد نگران هستند و نیز نگران اخلال توطئه‌گران که هم‌اکنون گاه آثارش نمایان می‌شود و ملت مسلمان و پایبند به اسلام خوف آن دارند که خدای نخواسته فرصت از دست برود و کار مثبتی انجام نگیرد و فرهنگ همان باشد که در طول مدت سلطه رژیم فاسد کارفرمایان بی‌فرهنگ این مرکز مهم اسلامی را در خدمت استعمارگران قرار داده بودند که از دست آوردهای دانشگاهها بخوبی ظاهر می‌شود که جز معدودی متعهد و مومن که علیرغم خواست دانشگاهها در خدمت کشور اسلام بودند دیگر جز ضرر و زیان چیزی برای کشور ما ببار نیاوردند و ادامه این فاجعه که مع‌الاسف خواست بعضی گروههای وابسته به اجانب است ضربه‌ای مهلک به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد و تسامح در این امر حیاتی خیانت عظیم براسلام و کشور اسلامی است براین اساس به حضرات آقایان محترم جواد باهنر، مهدی ربانی املشی، حسن حبیبی، عبدالکریم سروش، شمس آل احمد، جلال‌الدین فارسی، علی شریعتمداری مسئولیت داده می‌شود تا ستادی تشکیل دهند. و از افراد صاحب نظر متعهد از بین اساتید مسلمان و کارکنان متعهد و دانشجویان متعهد و با ایمان و دیگر قشرهای تحصیل کرده متعهد و مومن به جمهوری اسلامی دعوت بنمایند تا شورائی تشکیل دهد و برنامه ریزی رشته‌های مختلف و خط مشی فرهنگی آینده دانشگاهها براساس فرهنگ اسلامی و انتخاب و آماده اساتید شایسته و متعهد و آگاه دیگر امور مربوط به انقلاب آموزش اسلامی اقدام نمایند. بدیهی است براساس مطالب فوق دبیرستانها و دیگر مراکز آموزشی که در رژیم سابق با آموزش و پرورش انحرافی و استعماری اداره می‌شد تحت رسیدگی دقیق قرار گیرد تا فرزندان عزیزم از آسیب و انحراف مصون گردند از خداوند متعال توفیق آقایان را در این امر مهم مسئلت می‌نمایم و عظمت اسلام و کشورهای اسلامی را خواهانم.

السلام علیکم

روح‌الله الموسوی الخمینی

۲۹ رجب ۱۴۰۰ - ۲۲ خرداد ۱۳۵۹

همانگونه که ملاحظه می‌فرمائید جان مایه حکم امام از این قرار است:

۱- تایید اقدام دانشجویان در تعطیل دانشگاهها برای رسیدن به انقلاب آموزشی در این مؤسسات

۲- تعیین شورای ستاد انقلاب فرهنگی

۳- پیاده نمودن انقلاب فرهنگی از طریق برنامه‌ریزی توسط صاحبنظران مسلمان ومتعهدی که از بین استادان، کارکنان و دانشجویان انتخاب میشوند.

٤- بررسی اوضاع مراکز آموزشی دیگر از قبیل دبیرستانها توسط این ستاد.

در بدو تشکیل ستاد و برقرار شدن جلسات آن که با حضور موثر شهید دانشمند حجت‌الاسلام والمسلمین باهنر و آیت‌الله ربانی املشی برقرارمی‌گشت حرکت قابل قبولی بسوی تحقق فرمان امام در جریان بود اما اکنون ناظر صحبتهایی از وزیر علوم بدین مضمون می‌باشیم که خط فرهنگی دانشگاهها هنوز روشن نشده است.

باید در اینجا اشاره نمود که ۳ تن از اعضای اولیه این شورا شمس آل‌احمد، حسن حبیبی و جلال‌الدین فارسی از کار ستاد انقلاب فرهنگی استعفا داده‌اند. و اکنون از اعضاء اولیه ستاد فقط دوتن باقیمانده‌اند و با اینکه اعضاء روحانی ستاد جایگزین شده‌اند ولی کمبود اعضاء ستاد همچنان به حال خود باقی است. در پایان از تمامی دستاندرکاران مسائل دانشگاهها بخصوص انجمن‌های اسلامی خواهانیم تا فعالیتهای خودرا در زمینه گذاشتن گردهمائی‌ها و... برای دخالت دادن هرچه بیشتر روحانیون در انقلاب فرهنگی ادامه دهند و شاخه دانشجوئی حزب جمهوری اسلامی نیز بنوبه خود همانگونه که در گذشته با برپائی گردهمائیها (بخصوص گردهمائی قم) و همچنین تماس با شهید دانشمند دکتر باهنر در این زمینه فعالیت نموده است، این اقدامات را همچنان ادامه دهد.

شماره ردیف ....  عنوان : سخنران قبل از خطبه‌ها حجت الاسلام احمدی

شماره مسلسل .... کلیدواژه ....

ماخذ ، تاریخ جمهوری اسلامی ۱۱۷۲ — ۶۲/۴/۲۸

بخش اطلاعات و تحقیقات اجتماعی واحد تحقیق و جمع آوری

سخنران قبل خطبه‌ها

در مراسم نماز دشمن شکن جمعه تهران که به همراه امت میلیونی، جمعی از مقامات و شخصیتهای کشوری و لشکری- عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و گروهی از جانبازان و خانواده‌های معظم شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی حضور داشتند. حجت‌الاسلام احمدی عضو ستاد انقلاب فرهنگی سخنران قبل از خطبه‌ها بود که به تفصیل پیرامون مسائل فرهنگی در بعداز پیروزی انقلاب اسلامی سخن گفت.

وی ابتدا در تعریف واژه فرهنگ گفت: فرهنگ مجموعه رفتار و گفتار و اندیشه انسان است و بدلیل تفاوتهائی که در اعتقادات ما با اعتقادات مردم اروپا و آمریکا وجود دارد فرهنگ ما نیز با فرهنگ آنها متفاوت است.

دکتر احمدی افزود: در انقلاب اسلامی مردم ما علیرغم اینکه صرفا برای مادیات حرکت نکرده بودند مسائل اقتصادی هم نادیده گرفته نشده است. البته اقتصاد ما هم از فرهنگ اسلامیمان سر چشمه گرفته است و با آرمانهای ما هماهنگی کامل دارد. وقتی مردم فریاد استقلال سر میدادند یک انقلاب فرهنگی- فکری- میخواستند و بحمدالله الان میبینیم که خواسته‌های ملت جامه عمل پوشیده است.

دکتر احمدی در ادامه سخنانش در زمینه وضعیت دانشگاههای کشور در گذشته گفت: دانشگاههای ما در بسیاری از موارد با انقلاب اسلامی بیگانه بودند و بجز عده معدودی از اساتید و دانشجویان متعهد دیگران اصلا نمی‌توانستند تصور کنند که یک ملت اینطور حرکت کند. اما ملت با همه این مسائل یک انقلاب اسلامی که در حقیقت یک انقلاب فرهنگی عظیم بود را به پیروزی رساند.

وی در تشریح توطئه‌های شرق و غرب در به نابودی کشاندن این انقلاب گفت: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در حدود صدهزاردانشجوی ایرانی در خارج از کشورتحصیل میکردند که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب عده‌ای از آنان که عمال ساواک بودند تحت پوشش مارکسیست و عده‌ای بعنوان طرفدار کارگر و در عمل تابع اوامر جنایتکاران شرقی با هدفهای سیاسی وارد ایران شدند و در دانشگاهها شروع به فعالیت نمودند و قصد داشتند جهت انقلاب را تغییر دهند. اغتشاشات دانشگاه- آشوبهای ترکمن صحرا- کردستان و به آشوب کشیدن بعضی از نقاط همه از نتایج فعالیتهای این از خدا بی‌خبران بود.

وی افزود: در آن زمان هنگامیکه یک انسان مسلمان وارد دانشگاه میشد با یک نگرانی و حیرت به در و دیواردانشگاه نگاه میکرد و در این فکرفرومیرفت که سرانجام این انقلاب به کجا میانجامد.

حجت‌الاسلام دکتراحمدی سپس به عملکرد دانشگاهها قبل از انقلاب اشاره کرد و گفت: در نظام گذشته دانشگاههای ما فرهنگ سراسر غربی را دنبال میکردند و تحصیل کرده‌های آن که در دوران تحصیل خود سالانه معادل یک میلیون تومان خرجشان میشد پس از فارغ‌التحصیل شدن به کشورهای غربی میرفتند و معلوماتی که از دسترنج این ملت مستضعف کسب کرده بودند را دراختیار رژیمهای اروپائی و آمریکائی قرارمیدادند.و دانشجویان مسلمان ما وقتی این وضع را دیدند برای تغییر فرهنگ دانشگاهها حرکت کردند و علیرغم مخالفتها- کارشکنیهای بنی‌صدر ملعون بسته شدن دانشگاهها را از تبریز آغازکردند و این حرکت در سراسر کشور گسترش یافت.

دکتراحمدی آنگاه در مورد برنامه‌های آینده ستاد انقلاب فرهنگی گفت: بین امکانات آموزشی تهران و سایر شهرستانها تناسب وجودندارد از جمله کارهائی که انجام شده و درآینده نیز همین خط دنبال خواهد شد این است که امکانات آموزش عالی در سراسر کشور بصورت یکنواخت توزیع میشود.

وی در پایان گفت: ما باید بطرف استقلال فرهنگی که این جامعه انقلابی انتظاردارد حرکت کنیم و کسانیکه این مرکز را به پایگاهی برای نماز جمعه تبدیل کرده‌اند اجازه نخواهند داد که دراین خط ذره‌ای انحراف بوجود بیاید.

به گزارش خبرنگاران روزنامه جمهوری اسلامی آنگاه بمناسبت ۲۷خرداد سالگرد بزرگداشت جهادسازندگی گزارش کوتاهی از عملکرد این نهاد توسط یکی از برادران جهادگر برای نمازگزاران قرائت شد.

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته‌های دسته سوم (کاردانی) گروه آموزش پزشکی به تفکیک محل تحصیل

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته کاردان دامپزشکی

کدرشته	نام دانشگاه یا موءسسه آموزش عالی	ظرفیت پذیرش
۹۷۹	دانشگاه ارومیه	۲۰

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته هوشبری

کدرشته	نام دانشگاه یا موءسسه آموزش عالی	ظرفیت پذیرش
۹۸۱	دانشگاه بوعلی سینا	۱۰
۹۸۲	مرکز آموزش فنی (پیراپزشکی) تهران	۵۰

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته تکنسین اطاق عمل

کدرشته	نام دانشگاه یا موءسسه آموزش عالی	ظرفیت پذیرش
۹۸۳	دانشگاه فردوسی	۴۰
۹۸۴	دانشگاه ملی ایران	۴۰
۹۸۵	مرکز آموزش فنی (پیراپزشکی) تهران	۵۰
۹۸۶	دانشگاه تبریز	۴۰

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته مدارک پزشکی

کدرشته	نام دانشگاه یا موءسسه آموزش عالی	ظرفیت پذیرش
۹۸۷	مجتمع علوم پیراپزشکی	۱۰۰

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته اعضای مصنوعی

کدرشته	نام دانشگاه یا موءسسه آموزش عالی	ظرفیت پذیرش
۹۸۸	دانشکده توانبخشی ورفاه اجتماعی	۳۰

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته تکنسین دندانسازی

کدرشته	نام دانشگاه یا موءسسه آموزش عالی	ظرفیت پذیرش
۹۸۹	دانشگاه تهران	۳۰
۹۹۱	دانشگاه ملی ایران	۳۰

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته بهداشت کار دهان و دندان

کدرشته	نام دانشگاه یا موءسسه آموزش عالی	ظرفیت پذیرش
۹۹۲	دانشگاه ملی ایران	۳۰
۹۹۳	دانشگاه تهران	۳۰

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته بهداشتکار دهان و دندان وزارت بهداری

کدرشته	وزارت بهداری	ظرفیت پذیرش
*	وزارت بهداری	۶۰۰

۲ ج ۲

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته تغذیه

کدرشته	نام دانشگاه یا موسسه آموزش عالی	ظرفیت پذیرش
۹۳۸	دانشگاه جندی شاپور	۴۰
۹۳۹	دانشگاه تبریز	۵۰
۹۴۱	دانشکده علوم تغذیه و شیمی مواد غذائی	۶۰

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته علوم آزمایشگاهی

کدرشته	نام دانشگاه یا موسسه آموزش عالی	ظرفیت پذیرش
۹۴۲	دانشگاه اصفهان	۵۰
۹۴۳	دانشگاه بوعلی سینا	۲۰
۹۴۴	دانشگاه تبریز	۵۰
۹۴۵	دانشگاه شیراز	۳۰
۹۴۶	دانشگاه کرمان	۳۰
۹۴۷	دانشگاه فردوسی	۶۰
۹۴۸	دانشگاه ملی ایران	۱۰۰
۹۴۹	مرکز پزشکی ایران	۸۰
۹۵۱	مجتمع علوم پیراپزشکی	۸۰
۹۵۲	آموزشگاه عالی فنی آزمایشگاهی تهران	۸۰
۹۵۳	آموزشگاه عالی فنی آزمایشگاهی اهواز	۶۰
۹۵۴	آموزشگاه عالی فنی آزمایشگاهی مشهد	۶۰
۹۵۵	آموزشگاه عالی فنی آزمایشگاهی شیراز	۶۰
۹۵۶	آموزشگاه عالی فنی آزمایشگاهی تبریز	۵۰
۹۵۷	آموزشگاه عالی فنی آزمایشگاهی اصفهان	۵۰
۹۵۸	دانشگاه جندی شاپور	۳۰

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته بهداشت عمومی

کدرشته	نام دانشگاه یا موسسه آموزش عالی	ظرفیت پذیرش
۹۵۹	دانشگاه اصفهان	۱۰۰
۹۶۱	دانشگاه تهران	۱۰۰

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته تکنولوژی رادیولوژی

کدرشته	نام دانشگاه یا موسسه آموزش عالی	ظرفیت پذیرش
۹۶۲	دانشگاه ارومیه	۲۰
۹۶۳	دانشگاه اصفهان	۳۰
۹۶۴	دانشگاه شیراز	۲۰
۹۶۵	دانشگاه کرمان	۲۰
۹۶۶	دانشگاه فردوسی	۳۰
۹۶۷	دانشگاه بوعلی سینا	۱۰
۹۶۸	دانشگاه ملی ایران	۴۰
۹۶۹	مرکز پزشکی ایران	۴۰
۹۷۱	مجتمع علوم پیراپزشکی	۴۰
۹۷۲	دانشگاه تبریز	۴۰
۹۷۳	دانشگاه جندی شاپور	۲۰

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته بهداشت محیط

کدرشته	نام دانشگاه یا موسسه آموزش عالی	ظرفیت پذیرش
۹۷۴	دانشگاه بوعلی سینا	۲۰

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته بهداشت حرفه ای

کدرشته	نام دانشگاه یا موسسه آموزش عالی	ظرفیت پذیرش
۹۷۵	دانشگاه تهران	۱۰۰

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته گفتاردرمانی

کدرشته	نام دانشگاه یا موسسه آموزش عالی	ظرفیت پذیرش
۹۷۶	دانشکده توانبخشی ورفاه اجتماعی	۵۰

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته شنوائی سنجی

کدرشته	نام دانشگاه یا موسسه آموزش عالی	ظرفیت پذیرش
۹۷۷	دانشگاه ملی ایران	۳۰
۹۷۸	دانشکده توانبخشی ورفاه اجتماعی	۳۰

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته‌های دسته سوم (کاردانی) گروه آموزش‌پزشکی به تفکیک محل تحصیل

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته پرستاری

کدرشته	نام دانشگاه‌یامؤسسه آموزش‌عالی	ظرفیت‌پذیرش
۸۸۲	دانشگاه ارومیه	۵۰
۸۸۴	دانشگاه اصفهان	۲۰۰
۸۸۵	دانشگاه بوعلی سینا	۲۰
۸۸۶	دانشگاه تبریز	۱۲۰
۸۸۷	دانشگاه تهران	۲۰۰
۸۸۸	دانشگاه جندی‌شاپور	۸۰
۸۸۹	دانشگاه شیراز	۹۰
۸۹۱	دانشگاه فردوسی	۱۲۰
۸۹۲	دانشگاه ملی ایران	۱۰۰
۸۹۳	مرکز پزشکی ایران	۱۰۰
۸۹۴	مدرسه عالی پرستاری نیروی زمینی جمهوری اسلامی ایران	۶۰
۸۹۵	مدرسه‌عالی پرستاری بانک‌ملی	۶۰
۸۹۶	مدرسه عالی پرستاری وابسته به مرکزآموزشی‌وتحقیقاتی قلب‌وعروق	۷۰
۸۹۷	مدرسه‌عالی پرستاری اشرافیان	۸۰
۸۹۸	مرکز پزشکی فیروزگر	۱۰۰
۸۹۹	مجتمع علوم پیراپزشکی	۷۰
۹۰۱	آموزشگاه عالی پرستاری شفا	۶۰
۹۰۲	مدرسهٔ عالی پرستاری زینب	۶۰
۹۰۳	آموزشگاه عالی پرستاری آذرمیدخت	۹۰
۹۰۴	آموزشگاه‌عالی‌پرستاری‌شیراز	۷۰
۹۰۵	آموزشگاه عالی پرستاری‌مشهد	۱۲۰
۹۰۶	آموزشگاه پرستاری تبریز	۸۰
۹۰۷	مدرسهٔ عالی پرستاری‌اصفهان	۱۰۰
۹۰۸	آموزشگاه‌عالی‌پرستاری‌پورکاج‌یزد	۷۰
۹۰۹	آموزشگاه پرستاری رشت	۱۶۰
۹۱۱	آموزشگاه پرستاری ارومیه	۷۰
۹۱۲	آموزشگاه پرستاری گرگان	۸۰
۹۱۳	مدرسهٔ عالی پرستاری‌شماره ۲ تهران	۱۰۰
۹۱۴	مدرسهٔ عالی پرستاری‌طرفه‌تهران	۱۰۰
۹۱۵	مجتمع آموزش‌پزشکی وابسته‌به‌وزارت بهداری	۱۰۰
۹۱۶	مدرسه‌عالی پرستاری ۱۷ شهریور باختران	۸۰
۹۱۷	آموزشگاه‌عالی پرستاری رازی ـ کرمان	۶۰
۹۱۸	مدرسه‌عالی پرستاری سمنان	۶۰
۹۱۹	آموزشگاه عالی پرستاری سمیه	۸۰

ظرفیت‌پذیرش دانشجو در رشته مامائی

کدرشته	نام دانشگاه‌یامؤسسه آموزش‌عالی	ظرفیت‌پذیرش
۹۲۱	دانشگاه تهران	۱۰۰
۹۲۲	دانشگاه تبریز	۶۰
۹۲۳	دانشگاه ملی ایران	۶۰
۹۲۴	دانشگاه فردوسی	۶۰
۹۲۵	مدرسهٔ عالی مامائی اصفهان	۸۰
۹۲۶	آموزشگاه‌مامائی بیستون‌باختران	۶۰
۹۲۷	آموزشگاه عالی‌مامائی‌شهرری	۶۰
۹۲۸	آموزشگاه عالی مامائی طوس	۶۰
۹۲۹	آموزشگاه عالی‌مامائی شیراز	۶۰
۹۳۱	مجتمع آموزشی ساری	۶۰
۹۳۲	آموزشگاه عالی‌مامائی‌بسطام‌شاهرود	۴۰
۹۳۳	مجتمع آموزش‌بهداری‌تبریز	۶۰
۹۳۴	مجتمع آموزش بهداری همدان	۴۰
۹۳۵	مجتمع آموزش‌بهداری رشت	۶۰
۹۳۶	مجتمع آموزش بهداری کرمان	۵۰
۹۳۷	منطقه بهداری شرق تهران	۶۰

ظرفیت‌پذیرش‌دانشجو دررشته های دسته اول (پزشکی ، دندانپزشکی ، دامپزشکی ، داروسازی)گروه‌آموزش‌پزشکی به‌تفکیک‌محل‌تحصیل

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته پزشکی

کدرشته	نام دانشگاه یاموسسه آموزش‌عالی	ظرفیت پذیرش
۸۴۷	دانشگاه تهران	۴۰۰
۸۴۸	دانشگاه ملی ایران	۲۶۰
۸۴۹	دانشگاه شیراز	۱۵۰
۸۵۱	دانشگاه تبریز	۲۰۰
۸۵۲	دانشگاه فردوسی	۱۸۰
۸۵۳	دانشگاه اصفهان	۲۰۰
۸۵۴	دانشگاه کرمان	۱۰۰
۸۵۵	دانشگاه جندی شاپور	۱۰۰
۸۵۶	دانشگاه بوعلی سینا	۵۰
۸۵۷	دانشگاه رازی	۵۰
۸۵۸	دانشگاه ارومیه	۵۰
۸۵۹	مرکز پزشکی ایران	۸۰
۸۶۱	دانشکده پزشکی فسا	۵۰
۸۶۲	مجتمع آموزش پزشکی وابسته بوزارت بهداری	۱۰۰

ظرفیت پذیرش دانشجو دررشته‌دندانپزشکی

کدرشته	نام دانشگاه یاموسسه آموزشی عالی	ظرفیت پذیرش
۸۶۳	دانشگاه تهران	۱۰۰
۸۶۴	دانشگاه ملی ایران	۱۰۰
۸۶۵	دانشگاه شیراز	۴۰
۸۶۶	دانشگاه اصفهان	۵۰
۸۶۷	دانشگاه فردوسی	۶۰

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته دامپزشکی

کدرشته	نام دانشگاه‌یاموسسه آموزش‌عالی	ظرفیت‌پذیرش
۸۶۸	دانشگاه تهران	۶۰
۸۶۹	دانشگاه ارومیه	۳۰ *
۸۷۱	دانشگاه شیراز	۳۰ *

ظرفیت‌پذیرش‌دانشجو دررشته داروسازی

کدرشته	نام دانشگاه‌یاموسسه آموزش‌عالی	ظرفیت‌پذیرش
۸۷۲	دانشگاه تهران	۸۰
۸۷۳	دانشگاه اصفهان	۸۰
۸۷۴	دانشگاه تبریز	۶۰
۸۷۵	دانشگاه فردوسی	۴۰
۸۷۶	دانشگاه‌جندی‌شاپور	۱۰

*ـ ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته دامپزشکی دانشگاه ارومیه و دانشگاه شیراز ممکن است با یکدیگر ادغام و یکی از این دانشگاهها محول گردد .

ظرفیت‌پذیرش‌دانشجو دررشته های دسته دوم (کارشناسی)گروه‌آموزش پزشکی به‌تفکیک محل تحصیل

ظرفیت پذیرش‌دانشجو در رشته فیزیوتراپی

کدرشته	نام دانشگاه‌یاموسسه آموزش‌عالی	ظرفیت پذیرش
۸۷۷	دانشگاه شیراز	۵۰
۸۷۸	دانشگاه تهران	۸۰
۸۷۹	دانشکده توانبخشی و رفاه‌اجتماعی	۵۰

ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته کاردرمانی

کدرشته	نام دانشگاه‌یاموسسه آموزش‌عالی	ظرفیت‌پذیرش
۸۸۱	دانشکده‌توانبخشی‌ورفاه‌اجتماعی	۵۰

ظرفیت‌پذیرش‌دانشجو در رشته‌بینائی‌سنجی

کدرشته	نام دانشگاه‌یاموسسه آموزش‌عالی	ظرفیت‌پذیرش
۸۸۲	دانشگاه ملی ایران	۴۰

ضمیمه شماره ۴ : جدول رشته های تحصیلی و دسته بندی رشته های امتحان گزینش در گروه آموزش پزشکی

ردیف	رشته تحصیلی	انواع دیپلم قابل پذیرش									مقاطع و مدارک تحصیلی	دسته‌بندی رشته‌های تحصیلی
		طبیعی	علوم تجربی	ریاضی	ریاضی فیزیک	ادبی	فرهنگ و ادب	اقتصاد اجتماعی	خدمات بهداشتی نظام جدید	دوره سه ساله بهیاری		
۱	پزشکی	×	×	×	×	—	—	—	×	—	دکتری	دسته اول
۲	دندانپزشکی	×	×	×	×	—	—	—	×	—	دندانپزشک	دسته اول
۳	دامپزشکی	×	×	×	×	—	—	—	×	—	دامپزشک	دسته اول
۴	داروسازی	×	×	×	×	—	—	—	×	—	داروساز	دسته اول
۵	فیزیوتراپی	×	×	×	×	—	—	—	×	—	کارشناسی	دسته دوم
۶	کار درمانی	×	×	×	×	—	—	—	×	—	کارشناسی	دسته دوم
۷	بینائی سنجی	×	×	×	×	—	—	—	×	—	کارشناسی	دسته دوم
۸	پرستاری	×	×	×	×	—	—	—	×	×	کاردانی *	دسته سوم
۹	مامائی	×	×	×	×	—	—	—	×	×	کاردانی *	دسته سوم
۱۰	تغذیه	×	×	×	×	—	—	—	×	—	کاردانی *	دسته سوم
۱۱	علوم آزمایشگاهی	×	×	×	×	—	—	—	×	—	کاردانی *	دسته سوم
۱۲	تکنولوژی‌رادیولوژی	×	×	×	×	—	—	—	×	—	کاردانی *	دسته سوم
۱۳	بهداشت عمومی	×	×	×	×	—	—	—	×	—	کاردانی *	دسته سوم
۱۴	بهداشت محیط	×	×	×	×	—	—	—	×	—	کاردانی *	دسته سوم
۱۵	بهداشت حرفه‌ای	×	×	×	×	—	—	—	×	—	کاردانی *	دسته سوم
۱۶	گفتار درمانی	×	×	×	×	×	×	×	×	—	کاردانی *	دسته سوم
۱۷	شنوائی سنجی	×	×	×	×	—	—	—	×	—	کاردانی *	دسته سوم
۱۸	کاردان دامپزشکی	×	×	×	×	—	—	—	×	—	کاردانی	دسته سوم
۱۹	هوشبری	×	×	×	×	—	—	—	×	—	کاردانی	دسته سوم
۲۰	تکنسین اطاق عمل	×	×	×	×	—	—	—	×	—	کاردانی	دسته سوم
۲۱	مدارک پزشکی	×	×	×	×	×	×	×	×	—	کاردانی	دسته سوم
۱۲	اعضای مصنوعی	×	×	×	×	—	—	—	×	—	کاردانی	دسته سوم
۲۳	تکنسین داندانسازی	×	×	×	×	—	—	—	×	—	کاردانی	دسته سوم
۲۴	بهداشتکاردهان‌ودندان	×	×	×	×	—	—	—	×	—	کاردانی	دسته سوم
*	بهداشتکاردهان‌ودندان وزارت‌بهداری	×	×	×	×	—	—	—	×	—	فوق دیپلم فنی	

د ـ کلیه شرایط و ضوابط انتخاب رشته بهداشتکار دهان و دندان وزارت بهداری (این رشته با ستاره * مشخص شده است) را دارا می‌باشد و علاقمند به خدمت در محل روستای علی‌آباد بهبهان با شماره ۳۴۲ است .

هـ ـ کلیه رشته هائی را که در دسته اول ، دوم و سوم انتخاب کرده است به ترتیب علاقه‌ای که به‌تحصیل در آنجا دارد عبارتند از : دندانپزشکی ، داروسازی ، بینائی‌سنجی ، هوشبری ، تکنولوژی رادیولوژی و تکنسین اطاق عمل .

و ـ علاقمند به ادامه تحصیل در رشته های انتخابی خود بترتیب در دانشگاهها و مؤسسات‌آموزش‌عالی‌استانهای تهران ، فارس و خراسان بشرح زیر می‌باشد :

۱ ـ دندانپزشکی دانشگاه تهران
۲ ـ دندانپزشکی دانشگاه ملی ایران
۳ ـ داندانپزشکی دانشگاه شیراز
۴ ـ داروسازی دانشگاه تهران
۵ ـ داروسازی دانشگاه فردوسی
۶ ـ بینائی‌سنجی دانشگاه ملی ایران
۷ ـ هوشبری مرکز آموزش فنی پیراپزشکی
۸ ـ تکنولوژی رادیولوژی دانشگاه ملی ایران
۹ ـ تکنولوژی رادیولوژی دانشگاه شیراز
۱۰ ـ تکنولوژی رادیولوژی دانشگاه فردوسی
۱۱ ـ تکنیسین اطاق عمل دانشگاه ملی ایران
۱۲ ـ تکنیسین اطاق عمل دانشگاه فردوسی

ـ داوطلب مذکور ابتدا کد رشته های تحصیلی انتخاب‌های خود را (کد رشته در سمت راست‌هریک‌ازرشته های مربوط به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی مندرج است) استخراج و سپس به شرح زیر مبادرت به تکمیل جدول (این جدول به پشت کارت ورودی الصاق شده است) انتخاب رشته می‌نماید :

کد رشته‌های انتخابی به تفکیک محل تحصیل در دانشگاهها و مؤسسات‌آموزش عالی کشور به ترتیب تقدم علاقه داوطلب (کد رشته های انتخابی به‌تفکیک محل تحصیل‌درجداول ظرفیت رشته‌های تحصیلی به‌تفکیک محل تحصیل‌قیدشده‌است) .

ترتیب انتخاب	یکم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم
کد رشته	۸۶۳	۸۶۴	۸۶۵	۸۷۲	۸۷۵	۸۸۲

ترتیب انتخاب	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم
کد رشته	۹۸۲	۹۶۸	۹۶۴	۹۶۶	۹۸۴	۹۸۳

در صورتیکه داوطلب شرکت در رشته بهداشتکار دهان و دندان وزارت بهداری (این رشته با ستاره مشخص شده است) می‌باشید شماره و نام روستای محل خدمت خود را در این جدول بنویسید .

نام روستا	شماره
علی آباد	۳۴۲

یادآوری‌های مهم :

۱ ـ در جدول رشته های تحصیلی و دسته بندی رشته های امتحان گزینش دانشجو در گروه آموزش‌پزشکی جلوی بعضی از رشته های دسته سوم (کاردانی) ،ستاره (*) گذاشته شده است که بمنزلهٔ امکان ادامهٔ تحصیل دانشجویان تا اخذ مدرک کارشناسی در رشته های مذکور می‌باشد .

۲ ـ به دانشجویان رشته بهداشتکار دهان و دندان وزارت بهداری در مدت تحصیل ، هزینه تحصیلی پرداخت خواهد شد . این دانشجویان بایستی پس از قبولی در موقع ثبت نام تعهد رسمی با ضمانت اجرائی مالی جهت خدمت به وزارت بهداری بسپارند . ضمنا " این دانشجویان می‌توانند تا اخذمدرک

د ندانپزشکی به تحصیل ادامه دهند

۲ـ۲ـ هر داوطلب می‌تواند از رشته های دسته دوم (با توجه به جدول رشته‌های تحصیلی و دسته بندی رشته ها) حداکثر یک رشته را انتخاب نماید. [چنانچه داوطلبی از رشته های دسته دوم بجای یک رشته ، دو رشته یا بیشتر انتخاب کند ، کلیه انتخاب های وی حذف خواهد شد.]

۳ـ۲ـ هرداوطلب می‌تواند از رشته های دسته سوم (با توجه به جدول رشته های تحصیلی و دسته‌بندی رشته ها) حداکثر سه رشته را انتخاب نماید. [چنانچه داوطلبی از رشته های دسته سوم بجای سه رشته ، چهار رشته یا بیشتر انتخاب کند ، کلیه انتخاب های وی حذف خواهد شد.]

۴ـ۲ـ داوطلبان رشته بهداشتکار دهان و دندان وزارت بهداری (این رشته با ستاره مشخص شده است) باید توجه داشته باشند که رشتهٔ مذکور با رشته بهداشتکار دهان و دندان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی تفاوت دارد و دانشگاهها و مؤسسات آموزش‌عالی هیچگونه تعهدی‌جهت‌ادامه تحصیل پذیرفته شدگان تا اخذ مدرک دندانپزشکی نخواهند داشت .

۳ـ ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته های گروه آموزش پزشکی به تفکیک زن و مرد :

داوطلبان زن و مرد می‌توانند با توجه به نوع دیپلم و رعایت ضوابط انتخاب رشته و ظرفیت پذیرش دانشجو به تفکیک زن و مرد ، رشته های مورد علاقه خود را به ترتیب اولویت انتخاب نموده و سپس کد رشته مورد علاقهٔ خود را در جدول انتخاب رشته که در پشت کارت ورودی الصاق شده است ، ثبت نمایند .

۱ـ۳ـ رشته های دامپزشکی (از دسته اول) و کاردان دامپزشکی (از دسته سوم) را منحصرا " برادران می‌توانند انتخاب نمایند .

۲ـ۳ـ رشته های بهداشت محیط و بهداشتکار دهان و دندان (وزارت بهداری و دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی) و تکنسین دندانسازی را منحصرا " برادران می‌توانند انتخاب کنند .

۳ـ۳ـ برای رشته های پرستاری و تکنولوژی رادیولوژی انتخاب دانشجو بر اساس سهمیه مساوی بین خواهران و برادران خواهد بود .

۴ـ۳ـ در رشته مامائی منحصرا " خواهران می‌توانند داوطلب شوند .

۴ـ انتخاب رشته های تحصیلی و نحوه‌تکمیل جدول انتخاب رشته (این جدول به‌پشت‌کارت‌ورودی‌داوطلب الصاق شده است .) با توجه به محل تحصیل :

هر داوطلب می‌تواند با توجه به نوع دیپلم خود (بند ۱) و با رعایت ضوابط انتخاب رشته (بند ۲) و ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته های گروه آموزش پزشکی به تفکیک زن و مرد ، (بند ۳) و با مراجعه به جداول ظرفیت پذیرش دانشجو دررشته های دسته اول و دوم و سوم به تفکیک محل‌تحصیل ، رشته های مورد علاقه خودرا (حداکثر ۱۲ انتخاب) انتخاب نموده و منحصرا " کد رشته را بترتیب تقدم علاقه‌از راست‌به چپ و در جدول انتخاب رشته و محل تحصیل که به پشت کارت ورودی الصاق شده است ثبت نماید .

۱ـ۴ـ داوطلبان رشته بهداشتکار دهان و دندان وزارت بهداری (این رشته با ستاره مشخص شده است) باید نام روستای محل خدمت خود و شماره آنرا در محل مخصوص پشت کارت ثبت نمایند (نام روستای محل خدمت و شماره آن در حوزه های توزیع کارت نصب گردیده است) .

جهت تکمیل جدول انتخاب رشته به نمونه انتخاب‌زیر توجه فرمائید :

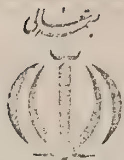
داوطلبی است که دارای دیپلم طبیعی می‌باشد و می‌خواهد جدول انتخاب رشته خود را (که به پشت کارت ورودی الصاق شده) تکمیل نماید .

الف ـ از رشته های دسته اول (پزشکی ، دندانپزشکی ، دامپزشکی ، داروسازی) ۲ رشتهٔ دندانپزشکی‌وداروسازی را انتخاب کرده است .

ب ـ از رشته های دسته دوم (کارشناسی) رشته بینائی‌سنجی را انتخاب نموده .

ج ـ از رشته های دسته سوم (کاردانی) رشته تکنسین اطاق عمل ، تکنولوژی رادیولوژی و هوشبری را انتخاب کرده است .

بسمه تعالی



جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ و آموزش عالی
اداره‌ٔ کل گزینش دانشجو

راهنمای انتخاب رشته های تحصیلی در گروه آموزش پزشکی

از آنجائیکه اکثر داوطلبان بدون توجه به شرایط و ضوابط رشته های تحصیلی در گروه آموزش پزشکی ، اقدام به تکمیل جدول انتخاب رشته و محصل تحصیل در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی نموده‌اند و ازسوی‌دیگرتغییراتی در ظرفیت پذیرش دانشجودر رشته‌های تحصیلی برخی از دانشگاهها و مؤسسات آموزش‌عالی اعمال گردیده است . لذا مقرر گردید که داوطلبان با توجه به مندرجات ذیل و جدول رشته های تحصیلی و دسته بندی رشته ها و جدول ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته های دسته اول و دوم و سوم به تفکیک محل تحصیل (این جداول به پیوست ضمیمه است) رشته های تحصیلی خود را در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور به ترتیب تقدم علاقه در جدول انتخاب رشته و محل تحصیل که به پشت کارت ورودی آنان الصاق گردیده (از راست به چپ) ثبت‌نمایند و در جلسه امتحان به مسئولین مربوط تحویل دهند .

داوطلبان گرامی انتظار دارد که پس از مطالعهٔ دقیق مندرجات این برگ (راهنمای انتخاب رشته‌های‌تحصیلی در گروه آموزش پزشکی) و جدول رشته‌های تحصیلی و دسته بندی رشته و جداول ظرفیت پذیرش‌دانشجودررشته‌های دسته اول ، دوم و سوم به تفکیک محل تحصیل بمنظور تکمیل جدول انتخاب رشته به ترتیب تقدم علاقه (این‌جدول به پشت کارت ورودی شما الصاق شده است) دقیقا " به نکات ذیل توجه فرمائید .

۱ ــ انتخاب رشته های تحصیلی با توجه به نوع دیپلم قابل پذیرش :

هر داوطلب می‌تواند با توجه به نوع دیپلم خود به جدول رشته های تحصیلی و دسته بندی رشتمها مراجعه و سپس رشته های مورد علاقه خود را در چهارچوب ضوابط انتخاب رشته (بند ۲) انتخاب نماید .

۱ ــ ۱ ــ دارندگان دیپلم رشته های طبیعی یاعلوم تجربی ،ریاضی‌یاریاضی‌فیزیک‌وخدمات‌بهداشتی‌نظام‌جدید می‌توانند با توجه به ضوابط انتخاب رشته، در رشته های دسته اول ، دوم و سوم گروه آموزش‌پزشکی داوطلب شوند .

۲ ــ ۱ ــ دارندگان دیپلم رشته های ادبی یا فرهنگ و ادب و اقتصاد اجتماعی‌منحصرا "می‌توانند‌دررشته‌های گفتار درمانی و مدارک پزشکی از رشته های دسته سوم (کاردانی) داوطلب شوند .

۳ ــ ۱ ــ فارغ التحصیلان دورهٔ سه ساله بهیاری منحصرا " می‌توانند در رشته های پرستاری و مامائی از رشته های دسته سوم (کاردانی) داوطلب شوند .

۴ ــ ۱ ــ برادران دارنده دیپلم رشته های طبیعی یا علوم تجربی ، ریاضی‌یاریاضی‌فیزیک‌وخدمات بهداشتی نظام جدید که بیش از ۲۳ سال سن نداشته باشند ، مجازند علاوه بر انتخاب رشته هائی از دستهٔ اول ، دوم وسوم ،رشته‌بهداشتکار دهان و دندان‌مربوط به‌وزارت بهداری (این رشته با (*) ستاره مشخص شده است) را انتخاب نموده و در پشت کارت ورودی در محل مخصوص نام روستای محل‌خدمت‌خودوشمارهٔ آنراثبت نمایند .

۲ ــ ضوابط انتخاب رشته :

هر داوطلب‌می‌تواندبا‌توجه‌به‌نوع‌دیپلم‌خودجهت‌انتخاب‌رشته‌های‌مورد علاقه‌ابتدا‌به‌جدول‌رشته‌های‌تحصیلی‌و دسته بندی رشته‌ها مراجعه نموده و سپس حداکثر ۲ رشته از چهار رشته دستهٔ اول (پزشکی ، دندانپزشکی ، دامپزشکی ، داروسازی) و یک رشته از سه رشته دسته دوم (کارشناسی) و سه رشته از ۱۷ رشته دسته سوم (کاردانی) را به ترتیب علاقه‌ای که به تحصیل در آن دارد انتخاب نماید .

یادآوری مهم :

۱ ــ ۲ ــ هر داوطلب می‌تواند از رشته های دسته اول (با توجه به جدول رشته های تحصیلی و دسته بندی رشته‌ها) حداکثر ۲ رشته از چهار رشته را انتخاب نماید .[چنانچه داوطلبی از رشته‌های‌دستهٔ اول بجای دو رشته ، سه رشته یا بیشتر انتخاب کند ، کلیه انتخاب های وی حذف خواهد شد .]

بسمه تعالی

در این محل چیزی ننویسید

برگ درخواست شرکت در امتحان گزینش دانشجو جهت گروه پزشکی دانشگاهها و مدارس عالی در

سال تحصیلی ۶۲-۱۳۶۱

۱- نام خانوادگی (محل درج حرف به حرف نام خانوادگی از راست به چپ) ۲- نام (محل درج حرف به حرف نام از راست به چپ)

۳- نام پدر ۴- سال تولد (ماه / سال ۱۳) ۵- شماره شناسنامه ۶- جنس: زن ۱ مرد ۲ ۷- نوع دیپلم: (نام نوع دیپلم کد)

۸- محل اخذ دیپلم: شهرستان (نام شهرستان کد) استان (نام استان کد) ۹- محل اقامت فعلی: شهرستان (نام شهرستان کد) استان (نام استان کد)

۱۰- محل تولد: بخش یا روستا (نام بخش کد) شهرستان (نام شهرستان کد) استان (نام استان کد)

۱۱- دین: اسلام ۱ مسیحی ۲ کلیمی ۳ زرتشتی ۴

۱۳- داوطلب استفاده از سهمیه:

آزاد ۱ منطقه‌ای ۲ نهادها بصورت: خانواده شهدا ۳ جانبازان انقلاب ۴ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۵ نیروی بسیج ۶

کمیته‌های انقلاب اسلامی ۷ دادسرای انقلاب اسلامی ۸ جهاد سازندگی ۹ جهاد دانشگاهی ۱۰

۱۴- آیا مهاجر جنگی هستید؟ بلی ۱ خیر ۲

[illegible]- زبان خارجی که امتحان خواهم داد: انگلیسی ۱ آلمانی ۲ فرانسه ۳

۱۸- آدرس دقیق پستی داوطلب:

۱۹- شماره تلفنی که بتوانید در صورت لزوم پیام فوری برای اینجانب بدهید: کد شهرستان ______ شماره تلفن

اینجانب ______ در نهایت صداقت و با توجه کامل به شرایط مندرج در این اطلاعیه فرم درخواست را تکمیل نموده و صحت مطالب و مدارک ارسالی را تضمین مینمایم.

طبیعی است در صورت خلاف مندرجات در هر مرحله‌ای از تحصیل که باشم حقی برای ادامه تحصیل نخواهم داشت

تاریخ تنظیم ◯ امضاء ◯

دنباله جدول ۱ - ۷

کد رشته	عنوان رشته تحصیلی	انواع دیپلم قابل پذیرش			مواد امتحانی (اختصاصی) و ضرائب				مقطع تحصیلی	ملاحظات
		طبیعی یا علوم تجربی	ریاضی فیزیک یا ریاضی	خدمات بهداشت	فیزیک	شیمی	طبیعیات زیست شناسی و جانورشناسی	ریاضی		
۱۲۱	بهداشت صنعتی	×	×	×	۲	۲	۴	۲	کاردانی *	
۱۲۲	تکنیسین دندانسازی (پروتز)	×	×	×	۲	۲	۴	۲	کاردانی	
۱۲۳	بینائی سنجی	×	×	×	۲	۲	۴	۲	کاردانی *	
۱۲۴	هوشبری	×	×	×	۲	۲	۴	۲	کاردانی	
۱۲۵	کاردان دامپزشکی	×	×	×	۲	۲	۴	۲	کاردانی	

۱-۱۰- جدول رشته‌های تحصیلی، انواع دیپلم‌های قابل پذیرش، مواد امتحانی (اختصاصی) و ضرایب [illegible]

کد رشته	رشته تحصیلی	انواع دیپلم قابل پذیرش: علوم تجربی	ریاضی فیزیک یا ریاضی	خدمات بهداشتی	مواد امتحانی (اختصاصی) و ضرایب: فیزیک	شیمی	علوم زیستی (زیست‌شناسی و جانورشناسی)	ریاضی	مقطع تحصیلی	ملاحظات
۱۰۱	پزشکی	×	×	×	۲	۲	۴	۲	پزشکی	
۱۰۲	دندانپزشکی	×	×	×	۳	۲	۴	۲	دندانپزشکی	
۱۰۳	دامپزشکی	×	×	×	۲	۲	۲	۲	دامپزشکی	
۱۰۴	داروسازی	×	×	×	۳	۴	۲	۲	کارشناسی	
۱۰۵	پرستاری	×	×	×	۲	۲	۴	۲	کاردانی	
۱۰۶	مامائی	×	×	×	۲	۲	۴	۲	کاردانی	
۱۰۷	تغذیه	×	×	×	۲	۴	۳	۲	کاردانی	
۱۰۸	علوم آزمایشگاهی	×	×	×	۳	۳	۴	۲	کاردانی	
۱۰۹	تکنولوژی رادیولوژی	×	×	×	۴	۲	۲	۳	کاردانی	
۱۱۰	تکنسین اتاق عمل	×	×	×	۲	۲	۲	۲	کاردانی	
۱۱۱	مدارک پزشکی	×	×	×	۲	۲	۳	۲	کاردانی	در این رشته دیپلم‌های ادبی و اقتصاد اجتماعی نیز پذیرفته می‌شوند (و [illegible] زبان و ادب)
۱۱۲	فیزیوتراپی	×	×	×	۳	۱	۴	۱	کارشناسی	
۱۱۳	گفتار درمانی	×	×	×	۲	۱	۴	۱	کاردانی	در این رشته دیپلم‌های ادبی و اقتصاد اجتماعی نیز پذیرفته می‌شوند (و [illegible] زبان و ادب)
۱۱۴	شنوائی‌شناسی	×	×	×	۳	۱	۴	۱	کاردانی	
۱۱۵	کاردرمانی	×	×	×	۲	۱	۴	۱	کارشناسی	
۱۱۶	اعضای مصنوعی	×	×	×	۳	۲	۳	۱	کاردانی	در این رشته دیپلم هنرستان‌های صنعتی نیز پذیرفته می‌شوند
۱۱۷	نوارهای پزشکی	×	×	×	۲	۲	۴	۲	کاردانی	
۱۱۸	بهداشت دهان و دندان	×	×	×	۲	۲	۴	۲	کاردانی	
۱۱۹	بهداشت محیط	×	×	×	۲	۲	۲	۲	کاردانی	
۱۲۰	بهداشت عمومی	×	×	×	۲	۲	۴	۲	کاردانی	

۲ ـ شرایط اختصاصی :

الف ـ داوطلبان باید دارای دیپلم کامل متوسطه در رشته‌های طبیعی یا علوم تجربی ، ریاضی ـ ریاضی فیزیک و خدمات بهداشتی (نظام جدید) باشند .

تبصره ۱ ـ دارندگان دیپلم‌های ادبی ـ اقتصاد اجتماعی و فرهنگ و ادب میتوانند فقط در رشته گفتار درمانی و مدارک پزشکی شرکت کنند . همچنین فارغ‌التحصیلان دوره سه ساله بهیاری میتوانند در رشته‌های پرستاری و مامائی شرکت کنند .

تبصره ۲ ـ برای کلیهٔ رشته‌های گروه پزشکی ملاک امتحان گزینش ، دانستن اطلاعات لازم در حد دیپلم علوم تجربی بوده و امتحان به نوع دیپلم داوطلبین دیگر بستگی ندارد .

ب ـ کلیهٔ داوطلبان میتوانند حداکثر در دو نوبت امتحان گزینش دانشجو شرکت نمایند . کسانیکه در امتحان ورودی پزشکی شرکت می کنند یکبار در امتحان ورودی شرکت کرده‌اند بنابراین حق دارند یکبار دیگر نیز در امتحان گزینش دانشجو شرکت نمایند .

ج ـ داوطلبان مجازند رشته‌های مورد نظر خود را که در جدول شماره ۱ آمده است بصورت زیر انتخاب نمایند :

ـ هر داوطلب میتواند حداکثر دو رشته از چهار رشتهٔ پزشکی ، دندانپزشکی ، دامپزشکی و داروسازی را انتخاب نماید .

۲ ـ علاوه بر انتخاب دو رشته مطابق قسمت ۱ هر داوطلب میتواند یک رشتهٔ کارشناسی را نیز انتخاب نماید .

۳ ـ علاوه بر دو رشته مطابق قسمت ۱ و یک رشته مطابق قسمت ۲ هر داوطلب میتواند حداکثر سه رشته از رشته‌های کاردانی را نیز انتخاب نماید .

۴ ـ دیپلمه‌های ریاضی و ریاضی فیزیک ـ طبیعی و علوم تجربی و خدمات بهداشتی (نظام جدید) مجازند که رشتهٔ بهداشتکار دهان و دندان در جدول شماره ۱ را علاوه بر انتخابهای مطابق ۱ و ۲ و ۳ ، انتخاب نمایند .

تبصره ۱ ـ تعداد رشته‌های انتخاب شده در بند "ج" در هر دسته میتواند کمتر از تعداد داده شده در این بند باشد .

تبصره ۲ ـ رشته بهداشتکار دهان و دندان وابسته به وزارت بهداری بوده و قبول‌شدگان پس از پایان تحصیل در استخدام وزارت بهداری درآمده و جهت خدمت به روستاها اعزام میگردند .

تبصره ۳ ـ عنوان دکتری عمومی مخصوص رشتهٔ پزشکی با حداقل ۷ سال آموزش است و عنوان فارغ‌التحصیلان دندانپزشکی ـ دامپزشکی و داروسازی به ترتیب دندانپزشک ، دامپزشک و داروساز خواهد بود که درجه علمی آنها مطابق ضوابط عمومی و مشخصات کلی دوره‌های تحصیلی مصوب ستاد انقلاب فرهنگی" فوق لیسانس" است . ضمنا "دوره کارشناسی معادل دوره لیسانس و دوره کاردانی معادل دوره فوق دیپلم است .

د ـ داوطلبان پس از در نظر گرفتن رشته‌های مورد علاقه خود جهت تعیین محل تحصیل باید بصورت زیر عمل نمایند :

۱ ـ حداکثر ۱۲ محل را برای تحصیل در رشته‌های انتخابی خود که مطابق بند " ج " در نظر گرفته‌اند از روی جدول شماره ۲ تعیین نمایند .

۲ ـ نام رشته‌ها و محل تحصیل در هر رشته و شماره مربوط به آن را به ترتیب اولویت خود از راست به چپ در محل های مربوطه در برگ درخواست ذکر نمایند .

۳ ـ محل تحصیل در رشتهٔ بهداشتکار دهان و دندان با توجه به محل اخذ دیپلم و محل تولد داوطلب راسا" بوسیله وزارت بهداری تعیین میگردد .

هـ ـ دانشجویان فعلی ، اخراجی و یا انصرافی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی در امتحان گزینش سال تحصیلی ۶۲ ـ ۱۳۶۱ نمیتوانند شرکت نمایند .

۱ ـ شرایط عمومی داوطلبان :

الف ـ اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی ایران و ارکان آن .

ب ـ متدین به دین مبین اسلام یا یکی از ادیان پذیرفته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران .

ج ـ عدم وابستگی تشکیلاتی و هواداری احزاب و گروهکهای محارب و غیرقانونی .

د ـ نداشتن هرگونه سوء پیشینه به تشخیص مراجع ذیصلاح .

هـ ـ نداشتن نقص عضو موثر در فعالیت مطلوب حرفه ای .

و ـ حداکثر سن برای شرکت کنندگان در نخستین دوره امتحان ورودی در گروه پزشکی پس از انقلاب فرهنگی ۲۸ سال ، تا ۳۱ شهریورماه ۱۳۶۱ است (متولدین اول مهرماه ۱۳۳۳ به بعد) .

تبصره ۱ ـ برای رشته بهداشتکاردهان و دندان در جدول ۱ ، ۲۲ سال (تا اول مهرماه ۱۳۶۱) بعنوان حداکثر سن توسط وزارت بهداری اعلام شده است (متولدین اول مهرماه ۱۳۳۹ به بعد) .

ز ـ داوطلبان مرد باید از لحاظ خدمت وظیفهٔ عمومی یکی از شرایط زیر را دارا باشند :

۱ ـ مشمول خدمت نظام وظیفه نباشند .

۲ ـ دارای کارت معافیت تکفل یا پزشکی اعم از دائم یا موقت باشند .

۳ ـ متولدین ۱۳۳۸ و ۱۳۳۷ درصورتیکه دارای برگ معافیت ما زاد زمان صلح باشند که پس از قبولی برگ معافیت مازاد آنان به معافیت تحصیلی تبدیل خواهد شد .

۴ ـ متولدین ۱۳۳۳ لغایت ۱۳۳۶ درصورتیکه دارای کارت معافیت مازاد باشند .

۵ ـ دفترچه آماده بخدمت بدون مهر غیبت داشته باشند .

۶ ـ کارت پایان خدمت داشته باشند .

۷ ـ کسانیکه درخدمت وظیفه هستند درصورتیکه تا ۱۳۶۱/۱۰/۳۰ خدمت آنان بپایان برسد حق شرکت دارند .

تبصره ۱ ـ منقضی خدمتهای سال ۱۳۵۶ و سه ماهه اول سال ۱۳۵۵ علاوه بر کارت پایان خدمت بایستی دارای کارت انجام خدمت دوره احتیاط نیز باشند و چنانچه افرادی بطور مجاز بخدمت احتیاط اعزام نشده باشند ، لازمست با مراجعه به اداره وظیفه عمومی گواهی لازم را دریافت تا درصورت موفقیت در امتحان ارائه نمایند .

تبصره ۲ ـ فارغ التحصیلان متولد ۱۳۴۳ احتیاجی به اخذ دفترچه آماده بخدمت جهت شرکت در امتحان گزینش سال جاری ندارند .

تبصره ۳ ـ مشمولانی که دفترچه آماده بخدمت داشته و جهت شرکت در این امتحان گزینش ثبت نام و امتحان مربوطه را میدهند ، لازمست در تاریخی که توسط اداره نظام وظیفه اعلام میشود بخدمت زیر پرچم اعزام شوند . بدیهی است درصورت قبولی در امتحان گزینش درهر مرحله ای از خدمت که باشند ، ترخیص خواهند شد و اگر به خدمت اعزام نشوند غایب محسوب شده و قبولی آنها در امتحان گزینش " کان لم یکن " تلقی میشود .

جدول شماره ۱

جدول رشته‌های تحصیلی ومقاطع تحصیلی آنها

نام رشته	مقطع تحصیلی
پزشکی	دکتری
دندانپزشکی	دندانپزشک
دامپزشکی	دامپزشک
داروسازی	داروساز
فیزیوتراپی	کارشناس
کاردرمانی	کارشناس
پرستاری	کاردانی *
مامائی	کاردانی *
تغذیه	کاردانی *
علوم آزمایشگاهی	کاردانی *
تکنولوژی رادیولوژی	کاردانی*
بهداشت عمومی	کاردانی *
بهداشت محیط	کاردانی *
بهداشت حرفه‌ای	کاردانی *
گفتاردرمانی	کاردانی *
شنوائی شناسی	کاردانی *
کاردان دامپزشکی	کاردانی [illegible]
هوشبری	کاردانی
تکنیسین اطاق عمل	کاردانی
مدارک پزشکی	کاردانی
اعضای مصنوعی	کاردانی
بهداشتکار دهان و دندان	فوق دیپلم فنی

۷ ـ مدارک لازم برای ثبت نام :

مدارکی که داوطلب برای ثبت نام و شرکت در امتحان گزینش می‌بایستی ارسال نماید بشرح زیر است :

الف ـ برگ تکمیل شده درخواست ثبت نام .

ب ـ رسید مبلغ یکهزار ریال حق ثبت نام در وجه حساب جاری شماره ۷۴۸ خزانه نزد بانک مرکزی ایران .

ج ـ یک برگ فتوکپی یا رونوشت مصدق تمام صفحات شناسنامه .

د ـ پنج قطعه عکس ۴×۳ داوطلب در سال جاری گرفته شده همانند و تمام رخ، که پشت هریک از آنها به ترتیب نام خانوادگی و نام، شماره شناسنامه و محل تولد داوطلب نوشته شده باشد .

هـ ـ یک برگ فتوکپی دیپلم با گواهی فراغت از تحصیل که در آن رشته تحصیلی، استان و شهر محل امتحان دقیقاً "ذکر شده باشد . برای دانش آموزان سال چهارم نظری که در جبهه نبرد حق علیه باطل بوده و امتحان نداده‌اند گواهی مذکور در بند ط ماده ۲ ضروری است .

و ـ فتوکپی مدرکی که نمایانگر وضعیت نظام وظیفه داوطلب باشد .

۸ ـ طرز ارسال مدارک و مهلت ثبت نام

داوطلبان واجد شرایط بایستی جهت ثبت نام و شرکت در امتحان ، فرم ذیل این اطلاعیه را دقیقاً "تکمیل کرده همراه با مدارک لازم در بند ۷ از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز پنجشنبه ۱۳۶۱/۷/۱۵ با پست سفارشی به نشانی : تهران ـ صندوق پستی شماره ۵۴/۵۴۸ اداره کل گزینش دانشجو قسمت پذیرش دانشجو برای گروه پزشکی ارسال دارند

تذکر مهم :

به مدارکی که بعد از تاریخ تعیین شده و یا بطریقی غیر از پست سفارشی ارسال شود و یا ناقص باشد، ترتیب اثر داده نخواهد شد .

۹ ـ تاریخ برگزاری امتحان

تاریخ و محل توزیع کارت و محل برگزاری امتحان بعداً "از طریق رسانه‌های گروهی باطلاع داوطلبان خواهد رسید .

۱۰ ـ جهت دریافت هرنوع اطلاع و توضیح با شماره تلفن های زیر تماس بگیرید .

۸۹۵۹۴۲
۸۹۴۱۱۷
۸۹۴۱۲۴
۸۹۶۰۸۸

۶ ـ نقص عضو غیر موثر داوطلبان

داوطلبان در ارتباط با نقص عضو موثر با شرایط زیر میتوانند در رشته های مختلف گروه پزشکی ثبت نام و در امتحان گزینش شرکت نمایند .

۱ ـ برای تمام رشته ها نقص عضو صورت (بجز چشم و گوش) و نقص عضو بدن (بجز دست و پا) مانعی برای شرکت در امتحان نمیباشد .

۲ ـ سایر نقصهائی که مانعی برای شرکت داوطلبان در امتحان گزینش نخواهد بود ، بر اساس جدول زیر است :

نام رشته	موارد یکه داوطلب جانباز میتواند شرکت نماید
پزشکی ، مدارک پزشکی	یک چشم یا یک گوش از دست داده باشد ـ از دو پا فلج ولی با صندلی چرخدار قادر به حرکت باشد ـ دو پای سالم ولی یک دست نداشته باشد ـ یک پا از دست داده و با پای مصنوعی بتواند حرکت کند .
دندانپزشکی	یک گوش یا یک چشم از دست داده باشد ـ دو پای خود را از دست داده و با صندلی چرخدار بتواند حرکت کند
دامپزشکی، کاردان دامپزشکی بهداشتکاردها ن ودندان	یک چشم یا یک گوش از دست داده باشد ـ یک پا سالم و با پای مصنوعی دیگر قادر به حرکت باشد .
داروسازی ، تغذیه ، علوم آزمایشگاهی تکنولوژی رادیولوژی	یک چشم یا یک گوش از دست داده باشد ـ یک پا از دست داده باشد و با پای مصنوعی قادر به حرکت باشد ـ در هر دست سه انگشت شست و نشانه و یک انگشت دیگر داشته باشد .
پرستاری	یک چشم از دست داده باشد ـ انگشت کوچک دو دست نداشته باشد ـ از یک پا بلنگد .
مامائی، هوشبری تکنسین اطاق عمل	یک چشم و یک گوش از دست داده باشد .
بهداشت محیط، بهداشت عمومی، بهداشت حرفه ای	فاقد یک چشم یا یک گوش باشد ـ یک دست نداشته باشد ـ یک پا از دست داده و با پای مصنوعی قادر به حرکت باشد .
فیزیوتراپی کاردرمانی شناسی گفتاردرمانی/شنوائی	فاقد یک چشم و یک گوش باشد ـ با پای مصنوعی قادر به حرکت باشد .

۵ ـ مواد امتحانی :

مواد امتحانی گروه آزمایشی پزشکی شامل دروس عمومی و دروس اختصاصی بشرح زیرمیباشد:

الف ـ دروس عمومی شامل :

۱ ـ زبان و ادبیات فارسی	با ضریب ۳
۲ ـ زبان عربی	با ضریب ۱
۳ ـ فرهنگ و معارف اسلامی	با ضریب ۳
۴ ـ تاریخ سیاسی واجتماعی صدساله اخیرایران	با ضریب ۲
۵ ـ هوش واستعداد	با ضریب ۳
۶ ـ زبان خارجی(شامل یکی اززبانهای انگلیسی ، آلمانی ، فرانسه)	با ضریب ۱

قابل توجه ـ برای معتقدین به ادیان غیرازاسلام بجای فرهنگ ومعارف اسلامی، ازمعارف مذهبی آنها سؤال خواهدشد .

ب ـ دروس اختصاصی شامل :

۱ ـ فیزیک	با ضریب ۲
۲ ـ شیمی	با ضریب ۲
۳ ـ زیست شناسی شامل گیاهشناسی وجانورشناسی	با ضریب ۴
۴ ـ ریاضی	با ضریب ۲

توجه ـ این ضرائب جهت قبولی درگروه پزشکی منظورشده وپس ازقبولی درگروه پزشکی جهت تعیین رشته پذیرفته شدگان ضرائب دروس اختصاصی مطابق با جدول دیگری که توسط ستاد انقلاب فرهنگی تهیه شده منظورخواهدشد .

۴ ـ ضوابط وشرایط تحصیل دررشته‌های گروه پزشکی:

الف ـ دانشجویان موظف ومکلف به رعایت کلیهٔ مقررات وضوابط عمومی ورود به آموزش عالی ونیز درصورت پذیرفته شدن ، موظف به رعایت مقررات وضوابط آموزشی وانضباطی دردانشگاهها وموسسات آموزش عالی خواهند بود .
ب ـ کلیه داوطلبان ازلحاظ قوانین ومقررات شرعی وکشوری نباید برای شروع وادامه تحصیل منعی داشته باشند .
ج ـ دانشگاهها وموسسات آموزش عالی کشور تعهدی ازلحاظ تامین مسکن وپرداخت کمک هزینه تحصیلی برای دانشجویان ندارند ، گرچه دراین جهت تلاش خودرا مبذول خواهند داشت .
د ـ هیچ دانشجوئی مجاز به تحصیل همزمان دردورشته مختلف نمیباشد .
هـ ـ دانشجوملزم به رعایت برنامه‌های زمانی ودرسی که برای تشکیل کلاس ، آزمایشگاه ، کارگاه ،عملیات صحرائی ، کارآموزی واین قبیل اموردردانشگاهها ویا موسسات آموزش عالی تدوین میشود ،بوده وگذراندن دوره‌های کارآموزی پیش بینی شده دررشته‌های تحصیلی مختلف ، اجباری است .
و ـ استفاده کنندگان ازسهمیه مناطق علاوه برتعهدات شرعی واخلاقی که بعهده دارند به دلیل امتیازاتی که درپذیرش سهمیه‌ای ازآن برخوردارشده‌اند ، بایدمتعهدشونددرهمان منطقه به مدتی دوبرابردورهٔ تحصیل دانشگاهی خدمت کنند. این مدت درهیچ موردکمترازپنجسال نخواهدبود .
مدارک تحصیلی اینگونه فارغ التحصیلان درمدت تعهدفقط برای آن منطقه اعتبارداردوافرادیکه بطورکامل این تعهدراانجام ندهندحق استفاده ازمدرک موقت محلی رانخواهندداشت . البته کسانیکه با استفاده از سهمیه آزادیا سهمیه بنیادشهیدونهادهای دیگروارددانشگاه میشوند ، نیز متعهدهستنددرصورت اعلام ،برحسب نیازهای کشوردرمناطقی که دولت تعیین میکندخدمت نمایند .
ز ـ تحصیل درآموزش عالی تمام وقت است لذا کارمندان دولت درصورتی میتوانندبه تحصیل بپردازندکه موافقت نامه رسمی وبدون قیدوشرط وزارتخانه یا سازمان متبوع را مبنی برشرکت درهمه کلاسها ،آزمایشگاهها وفعالیتهای دیگردوران تحصیل ازقبیل کارآموزی عرضه کنند .
ح ـ استفاده کنندگان ازسهمیه منطقه‌ای ونیزگروههای دیگردرصورت لزوم وبه تشخیص دانشگاه محل تحصیل برای اینکه با سایردانشجویان هم‌سطح شوندحداکثربه مدت یکسال درکلاسهای تقویتی دانشگاهی که برنامه‌های آنراستاد انقلاب فرهنگی تصویب خواهدکرد ،شرکت ودرپایان هرنیمسال (یا ثلث تحصیلی) امتحان میدهند . کسانیکه ظرف مدت یکسال آمادگی‌های لازم را کسب نکنند ، ازدانشگاه اخراج میشوند .
ط ـ زبان خارجه دوران تحصیل دردانشگاه ، انگلیسی است .
ی ـ دررشته دامپزشکی وکاردانی دامپزشکی فقط برادران میتوانندشرکت نمایند .
ک ـ انتخاب دانشجویان دررشتهٔ پرستاری وتکنولوژی رادیولوژی براساس سهمیه مساوی برای خواهران وبرادران خواهدبود .
ل ـ برای رشتهٔ مامائی فقط خواهران گزینش میشوند .
م ـ دانشجویان رشته‌هائی که کنارعنوان مقطع تحصیلی آنها علامت ستاره (*) است پس ازخاتمه دورهٔ کاردانی به شرط احرازشرائط خاص معدل وانجام تعهدخدمت ونیز موفقیت درامتحان اختصاصی مربوطه خواهندتوانست دردورهٔ کارشناسی همان رشته ادامه تحصیل دهند . دررشتهٔ علوم آزمایشگاهی بجای کارشناسی ، دوره تخصصی علوم آزمایشگاهی (بالاترازکارشناسی) وجودخواهدداشت .
ن ـ بدانشجویان رشتهٔ بهداشت کاردهان ودندان درجدول ۱ درمدت تحصیل هزینهٔ تحصیلی داده خواهدشد .این دانشجویان بایستی تعهدرسمی با ضمانت اجرائی مالی جهت خدمت به وزارت بهداری بسپارند .ضمناً "این دانشجویان پس ازمدت شش سال کاردرروستاهای تعیین شده ازطرف وزارت بهداری و پس ازموفقیت درامتحان مربوطه میتوانندتا اخذ مدرک دندانپزشکی به تحصیل ادامه دهند .

۳ ـ تقسیم‌بندی داوطلبان بمنظور توزیع ظرفیت رشته‌های تحصیلی:

داوطلبان شرکت در امتحانات ورودی گروه پزشکی با توجه به مدارکی که عرضه میکنند به سه گروه زیر تقسیم میشوند:

الف ـ داوطلبان وابسته به نهادهای انقلاب اسلامی شامل کسانیکه حداقل بمدت شش ماه در نهادهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ـ نیروی بسیج ـ کمیته‌های انقلاب اسلامی ـ دادسرای انقلاب اسلامی ـ جهاد سازندگی وجهاد دانشگاهی فعالیت داشته‌اند وهمچنین سهمیه قانونی بنیاد شهید شامل جانبازان انقلاب اسلامی وخانواده شهدا (پسر ، دختر ، برادر وخواهر شهید) .

ب ـ داوطلبان آزاد شامل کسانیکه دیپلم دبیرستانی خودرا از استان تهران ویا شهرهای تبریز ـ ارومیه ـ رشت ـ ساری ـ مشهد ـ کرمان ـ زنجان ـ سمنان ـ یزد ـ اراک ـ اصفهان ـ باختران ـ همدان و شیراز اخذ نموده باشند وهمچنین فارغ‌التحصیلان دیپلمه سایر شهرستانهای سراسر کشور درصورت تمایل .

ج ـ داوطلبان منطقه‌ای شامل کسانیکه دیپلم دبیرستانی خودرا از شهرستانهائیکه در بند " ب " ذکر نشده است اخذ و مایل به استفاده از سهمیه منطقه‌ای میباشند . (این داوطلبان درصورت تمایل میتوانند از سهمیه آزاد استفاده نمایند) .

تبصره ۱ ـ سهمیه هریک از گروههای فوق الذکر حدوداً "معادل یک سوم کل ظرفیت دانشگاهها وموسسات آموزش عالی میباشد .

تبصره ۲ ـ هر داوطلب با توجه به شرایط بالا مجاز به انتخاب فقط یکی از سه گروه فوق جهت استفاده از سهمیه پذیرش است .

تبصره ۳ ـ مهاجرین جنگ تحمیلی بدون توجه به شهرستان محل اخذ مدرک دبیرستان جزو سهمیه منطقه ای محسوب میگردند مگر آنکه شخصاً "داوطلب استفاده از سهمیه داوطلبان آزاد باشند .

تبصره ۴ ـ گزینش دانشجو برای رشته بهداشتکاردهان و دندان از تقسیم‌بندی فوق مستقل وگزینش در وهله اول از متولدین روستاها وبخش ها وسپس از شهرستانها انجام می پذیرد . داوطلبان شرکت در این رشته بایستی نام روستا وشماره محل خدمت موردنظر خودرا از مراکز بهداری استان یا شهرستان دریافت ودربرگ درخواست ثبت نام آنرا ذکرنمایند .

و ـ فارغ‌التحصیلان دانشگاهها وموسسات آموزش عالی داخل وخارج ازکشوردرامتحان گزینش دانشجوی سال ۶۲ـ ۱۳۶۱ حق شرکت ندارند.

ز ـ درامتحان ورودی ، داوطلب میتواندبعنوان زبان خارجه یکی ازسه زبان انگلیسی ـ فرانسه یا آلمانی راامتحان دهد.

ح ـ فارغ‌التحصیلان تجدیدی شهریورماه ۱۳۶۱ با رعایت تمام شرایط وضوابط حق شرکت درامتحان را دارندودرصورتیکه نتیجهٔ امتحان آنها اعلام‌نشده باشد ، بایستی گواهی لازم را درموردشرکت درامتحانات ازمحلی‌که درامتحان نهائی شرکت داشته‌اند دریافت وبا مدارک خودارسال دارند.

ط ـ دانش‌آموزانیکه بدلیل حضوردرجبههٔ نبردحق علیه باطل نتوانسته‌اند امتحان نهائی سال چهارم خود رابه‌پایان برسانند ، بشرطیکه ازاداره آموزش وپرورش شهری که‌درسال چهارم تحصیل کرده‌اند معرفی‌نامه‌ای مبنی براینکه تاپایان آذرماه ۱۳۶۱ امتحانات آنها انجام میگرددبا مدارک ارسالی جهت نامنویسی ارائه‌نمایند میتواننددراین امتحان گزینش شرکت نمایند . طبیعی است که درصورت پذیرفته شدن لازمست گواهی قبولی دوره‌دبیرستان خودراارائه‌نمایند.

ضمن سلام به حضور رهبر عالیقدر انقلاب و امت شهیدپرور ایران و آرزوی پیروزی هرچه زودتر رزمندگان اسلام در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل بدینوسیله به استناد قانون مصوب مجلس شورای اسلامی، ضوابط و شرایط امتحان گزینش دانشجو برای گروه آموزش پزشکی جهت دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی کشور بشرح پیوست اعلام میگردد. امید است این وزارت بتواند با توکل به خداوند بزرگ دوره‌های ادام و اسمت سال اول پزشکی را حداکثر تا اول بهمن ماه بازگشائی نماید. لازم به توضیح است که این طرح توسط ستاد انقلاب فرهنگی تهیه و اشکالات اجرائی آن با همکاری مشترک این وزارت مرتفع شده است.

با ایمان به پیروزی نهائی اسلام

وزارت فرهنگ و آموزش عالی

بسمه تعالی

برگ درخواست شرکت در امتحان گزینش دانشجو جهت گروه پزشکی دانشگاهها و مدارس عالی در سال تحصیلی ۶۲-۱۳۶۱

۱- نام خانوادگی: محل درج حرف به حرف نام خانوادگی از راست به چپ

۲- نام: محل درج حرف به حرف نام از راست به چپ

۳- سال تولد: سال / ماه / روز ۴- شماره شناسنامه ۵- جنس: زن ۱ مرد ۲ ۶- نوع دیپلم: نام نوع دیپلم کد

۷- محل اخذ دیپلم: شهرستان نام شهرستان کد استان نام استان کد ۸- محل اقامت فعلی: شهرستان نام شهرستان کد استان نام استان کد

۹- محل تولد: بخش یا روستا نام بخش کد شهرستان نام شهرستان کد استان نام استان کد

۱۰- دین: اسلام ۱ مسیحی ۲ کلیمی ۳ زرتشتی ۴

۱۱- سهمیه:

آزاد ۱ منطقه‌ای ۲ نهادها بصورت: خانواده شهدا ۳ جانبازان انقلاب ۴ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۵ نیروی بسیج ۶

کمیته‌های انقلاب اسلامی ۷ دادسرای انقلاب اسلامی ۸ جهاد سازندگی ۹ جهاد دانشگاهی ۱۰

۱۲- آیا مهاجر جنگی هستید؟ بلی ۱ خیر ۲

۱۳- در زبان خارجی امتحان خواهم داد: انگلیسی ۱ آلمانی ۲ فرانسه ۳

۱۴- نشانی دقیق پستی داوطلب:

۱۵- شماره تلفنی که بتوانید در صورت لزوم پیام فوری برای اینجانب بدهید: کد شهرستان ______ شماره تلفن

اینجانب ...... درنهایت صداقت و با توجه کامل به شرایط مندرج در این اطلاعیه فرم درخواست را تکمیل نموده و صحت مطالب و مدارک ارسالی را تضمین مینمایم

...... در صورت خلاف، نتایج حاصله در هر مرحله‌ای از تحصیل که باشم حقی برای ادامه تحصیل نخواهم داشت

تاریخ تنظیم

امضاء

اعتبارات [illegible] آموزش و پرورش در برنامه عمرانی [illegible] ([illegible])

(میلیارد ریال)

جمع کل اعتبارات	اعتبارات عمرانی در برنامه پنجم عمرانی			اعتبارات جاری	عنوان برنامه
	جمع	ثابت	جاری	[illegible] مالیات	
۵ = (۴+۱)	۴ = (۲+۳)	(۳)	(۲)	(۱)	
۴۹/--	۳۲/--	۲۱/--	۱۱/--	۱۷/--	آموزش و پرورش کودکستانی
۸۰۴/۲	۴۸۹/۲	۴۷۲/--	۱۷/۲	۳۱۵/--	آموزش ابتدائی
۵۳/۱	۲۵/۱	۱/۶	۲۳/۵	۱۸/--	آموزش [illegible] (دوره [illegible])
۳۱۱/۶	۱۷۸/۶	۱۲۳/--	۵۵/۶	۱۲۴/--	آموزش راهنمائی تحصیلی
۲۵۱/--	۱۵۱/--	۱۰۳/--	۴۸/--	۱۰۰/--	آموزش متوسطه عمومی [illegible]
۲۸۹/۶	۲۲۲/۱	۱۵۰/--	۷۲/۱	۶۷/۵	آموزش فنی و حرفه‌ای [illegible]
۴۱۳/۴	۲۰۸/۴	۱۳۰/--	۷۸/۴	[illegible]	آموزش عالی
۸/۵	--	--	--	۸/۵	[illegible] دانشگاهی (*)
[illegible]	۱۸۱/--	۱۴۰/--	۴۱/--	۶۵/--	تربیت معلم و مربی
۱۶۰/--	۸۰/--	۲۰/--	۶۰/--	۸۰/--	ساختمانهای آموزشی
۴۱/۵	۲۸/--	۲۵/--	۳/--	۳/۵	ورزش در مدارس
۵/۶	۲/۴	--	۲/۴	۳/۲	تحقیق و بررسی
۷۵/--	۱۰/--	--	۱۰/--	۶۵/--	خدمات اداری
۲۷۲۵/--	۱۷۲۲/۲	۱۲۰۵/۶	۵۱۷/۲	۱۰۰۱/۲	جمع

(*) [illegible] دانشجویان [illegible] دانشگاهها در این محاسبات منظور نشده

(**) [illegible]

نیازهای نیروی انسانی

مربی کودکستان	۱۲۷۵۰	فارغ التحصیلان مراکز تربیت مربی کودک (دیپلم متوسطه + یکسال)
آموزگار	۵۶۲۰۰	فارغ التحصیلان دانشسراهای مقدماتی عشایری، روستائی
دبیر مدرسه راهنمائی	۴۳۰۰۰	فارغ التحصیلان دانشسراهای راهنمائی تحصیلی (فوق دیپلم)
دبیر مدارس متوسطه عمومی	۴۶۰۰۰	فارغ التحصیلان دانشگاه تربیت معلم و لیسانسیه های آزاد دانشگاهها
مدیران ومشاوران آموزشی	۱۵۲۸۰	فارغ التحصیلان دانشکده های علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم و غیره
دبیران فنی	۵۶۸۰	فارغ التحصیلان دانشسرای عالی فنی بابل دانشکده علم وصنعت وسایر دانشکده های فنی
معلم فنی	۱۶۶۹۳	فارغ التحصیلان مراکز تربیت معلم فنی و دوره های فوق دیپلم سایر رشته های فنی
مربیان حرفه‌ای	۱۰۰۰	مرکز تربیت مربیان حرفه‌ای
تکنیسین آزمایشگاه	۲۰۰۰	رشته های فنی (فوق دیپلم)
استادان دانشگاه	۱۴۰۰۰	فارغ التحصیلان دانشگاههای داخل وخارج ازکشور
استادکار فنی	۳۹۰۰	افراد فنی واجد صلاحیت یادیپلم های هنرستانهای صنعتی
کارکنان اداری	۲۸۳۷۰	فارغ التحصیلان مدارس متوسطه عمومی در رشته های خدمات مدارس فنی
خدمتگزاران ورانندہ	۳۰۰۵۴	افراد با مدرک تحصیلات ابتدائی و داشتن تصدیق رانندگی

جمـــــــع ۲۷۶/۱۲۷ نفر

برنامه به آموزش رهبران آموزش و دانش‌آموزان و دانشجویان با امور ورزش مطالعات داخلی و خارجی ترتیب داده ... باشد ... برنامه‌های مناسب با شرایط اقلیمی و فرهنگی هر ناحیه از کشور تهیه و ترویج خواهد شد .

در اجرای این برنامه امکانات ورزشی مدارس از نظر زمینهای ورزشی در فضای آزاد و سرپوشیده و تجهیزات و وسایل ورزشی توسعه خواهد یافت تا دانش‌آموزان، دانشجویان و کارمندان آموزش و پرورش از مزایای این برنامه بهره‌مند گردند .

برنامه آمار آموزشی

منظور از ایجاد آمار آموزشی کشور به وجود آوردن امکان دریافت آمار بسیار مفید و کاملی از ... تعیین شده در جریان برنامه عمرانی انجام ارزیابی ارزشیابی کلیه برنامه‌های آموزشی فراهم خواهد شد و با توجه به اینکه بررسی اطلاعات آماری آموزشی در مورد هدف‌ها، امکانات و محتوی برنامه‌های درسی به عمل خواهد آمد، در این زمینه با توجه به نیاز به آمارهای رشته‌های مختلف تحصیلی، متخصصان ... در جریان برنامه عمرانی برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های آماری از روشهای آماری علمی و ماشینهای حسابگر حداکثر استفاده به عمل خواهد آمد تا آمارهای مورد نیاز در اسرع وقت تهیه و در اختیار برنامه‌ریزان و متخصصان آموزشی قرار گیرد .

نیروی انسانی و اعتبارات مورد نیاز

نیروی انسانی و اعتبارات مورد نیاز فصل آموزش و پرورش در برنامه عمرانی پنجم به شرح جداول شماره ... پیوست می‌باشد :

ز) اردوهای تربیتی

بمنظور تربیت روحی و جسمی دانش‌آموزان مدارس کشور هرساله تعدادی از دانش‌آموزان ممتاز در اردوهای تربیتی شرکت مینمایند. در برنامه ششم عمرانی با فراهم آوردن امکانات جدید تعداد بیشتری از دانش‌آموزان سراسر کشور از این برنامه استفاده خواهند کرد و نسبت به تنوع و جامع کردن برنامه‌ها اقدام لازم بعمل خواهد آمد .

و) انتشارات کمک آموزشی و کتابخانه

بمنظور گسترش هرچه بیشتر اندیشه‌های کودکان و نوجوانان و جوانان و دادن آگاهی‌های بیشتر در زمینه همبستگی‌های خانوادگی، خواسته‌های علمی و میهنی، آداب و رسوم و سنت‌ها، خصوصیات ادبی و تاریخی ایران و جهان، پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی، مفاخر ملی ایران در گذشته و حال و علمی و فنی، فعالیت انتشارات کمک آموزشی در دوره برنامه ششم عمرانی توسعه خواهد یافت و کتب و مجلات مناسب برای دوره‌های مختلف چاپ و در اختیار کودکان و دانش‌آموزان قرار خواهد گرفت و کتابخانه‌ها برای مدارس توسعه خواهد یافت.

هـ) رفاه دانش‌آموزان و دانشجویان

برنامه‌های رفاهی دانش‌آموزان دانشجویان پس از ارسال گزارش کمیته‌های رفاهی نوجوانان و جوانان تعیین و هماهنگ خواهد شد .

<u>برنامه تربیت بدنی</u>

هدف این برنامه عبارتست از ارتباط صحیح بین برنامه‌های ورزشی با مراحل تکامل و رشد جسمانی، عاطفی و روانی و اجتماعی دانش‌آموزان و دانشجویان بمنظور [illegible] انضباط و همکاری و فداکاری که لازمه درک هدفهای ملی و میهنی است. در این

اول برنامه الاقل حدود ۵۰۰۰ نفر مربی و در سال آخر برنامه حدود ۸۰۰۰ نفر مربیان مراکز مربیان تعلیمات دینی مربیان آموزشی سنی کار تربیت نماید. علاوه بر این از کلیه افرادی که در رشته‌های مختلف مشغول کار هستند و در حرفه خود مهارت و تخصص لازم را دارا هستند [illegible] آموزش به منظور تربیت افراد جدید استفاده به عمل خواهد آمد.

برنامه‌ها و امکانات آموزشی

الف) تکنولوژی آموزشی

هدف اساسی از کاربرد تکنولوژی در آموزش عبارتست از تسریع و بهبود [illegible] در مدارس و همچنین استفاده از روشهای نو آموزشی که [illegible] آن به بهبود جریان و [illegible] یادگیری کمک نماید.

استفاده از تکنولوژی در آموزش مستلزم همکاری بین گروههای متخصص در طرح ریزی برنامه‌های درسی و ارزشیابی و تهیه مواد [illegible] درسی است. در برنامه ششم عمرانی اقدامات آغاز شده در برنامه پنجم گسترش یافته و استفاده از تکنولوژی آموزشی در کلیه سطوح و انواع آموزشها بکار گرفته خواهد شد.

ب) کتابهای درسی

در دوران برنامه ششم عمرانی محتوی کتابهای درسی در کلیه سطوح آموزشی براساس [illegible] نظام آموزشی و [illegible] کشور با توجه به اشاعه زبان فارسی و فرهنگ ملی و نیازهای اجتماعی کشور مورد تجدید نظر قرار خواهد گرفت و کتب درسی در [illegible] با [illegible] استانداردهای [illegible] در اختیار دانش آموزان قرار داده خواهد [illegible]

۴ـ تربیت دبیر مدارس متوسطه عمومی و جامع و فنی و دانشسراها

بمنظور تربیت و تأمین دبیر برای مدارس متوسطه عمومی، جامع و فنی و دانشسراها در رشته‌های مختلف آموزشی در برنامه ششم عمرانی از فارغ التحصیلان دانشگاه تربیت معلم و سایر مؤسسات آموزش عالی استفاده بعمل خواهد آمد لکن این امر باید مورد توجه قرار گیرد که تأمین معلم واجد صلاحیت در این برنامه [illegible] با مشکل روبرو خواهد بود. در برنامه ششم عمرانی باید تجدید نظر در قانون استخدام بعمل آید تا با جذب فارغ التحصیلان آزاد بتوان کمبود را تا حدی جبران نمود.

۵ـ تربیت معلم فنی و حرفه‌ای

برای تأمین کادر فنی مورد نیاز آموزش فنی و مدارس جامع لازم به [illegible] استفاده از فارغ التحصیلان دانشکده‌ها و مؤسسات آموزش عالی مراکز تربیت معلم فنی توسعه خواهد یافت و ظرفیت این مراکز به ۳ هزار نفر در سال افزایش خواهد یافت و طی دوران برنامه حدود ۷ هزار نفر از مراکز تربیت معلم فنی و حرفه‌ای فارغ التحصیل خواهند شد.

۶ـ کادر آموزشی دانشگاهها و مدارس عالی آموزشی

در دوران برنامه ششم عمرانی با توجه به گسترش تعداد دانشجویان در دوره‌ها و رشته‌های مختلف تحصیلی حدود ۲۴ هزار نفر کادر آموزشی در سطوح و رشته‌های مختلف تحصیلی مورد نیاز است که تأمین این افراد از طریق اعطای بورس و اعزام افراد واجد صلاحیت به دانشگاههای خارجی، استخدام فارغ التحصیلان دانشگاههای داخل و خارج از کشور و بهره گیری هرچه بیشتر از کادر آموزشی با صلاحیت موجود تأمین خواهد شد. در این برنامه تربیت معلم از اولویت خاصی برخوردار خواهد بود.

۷ـ سپاهیان حرفه‌ای

[illegible]

ـ ظرفیت دانشسراهای مقدماتی از ۲۰ هزار نفر به ۲۲ هزار نفر افزایش خواهد یافت و در طی برنامه حدود ۱۰۰ هزار نفر آموزگار از دانشسراهای مقدماتی فارغ‌التحصیل خواهند شد.

ـ همگام با توسعه مدارس عشایری، مرکز تربیت معلم عشایری نیز توسعه یافته و ظرفیت آن از حدود ۲۲۰۰ نفر در سال به حدود ۱۰۰۰ نفر در سال افزایش خواهد یافت.

ـ بمنظور تعمیم آموزش ابتدائی در مناطق روستائی کشور، مراکز تربیت معلم روستائی که فعالیت خود را در سال‌های پایانی برنامه عمرانی پنجم آغاز کرده است ظرفیت آنها از ۵۰۰ نفر به حدود ۵ هزار نفر در سال خواهد رسید و در دوران برنامه ششم عمرانی حدود ۱۱ هزار نفر معلم برای مدارس مناطق روستائی تربیت خواهد شد.

ـ استفاده از خدمات سپاهیان دانش دختر و پسر در برنامه ششم عمرانی دنبال خواهد شد و تعداد سپاهیان دانش از ۵۰۰۰ نفر در سال به ۳۶۰۰۰ نفر در سال افزایش خواهد یافت و در دوران برنامه از خدمات حدود ۱۴۲ هزار سپاهی دانش پسر و دختر استفاده خواهد شد.

ـ مرکز تربیت معلم کودکان استثنائی توسعه خواهد یافت و ظرفیت تربیتی آن از ۱۸۰ نفر به ۳۶۰ نفر در سال خواهد رسید و در دوران برنامه حدود ۱۳۰۰ معلم برای مدارس کودکان استثنائی تربیت خواهد شد.

۳ـ تربیت دبیر مدارس راهنمائی تحصیلی

بمنظور تربیت و تأمین معلم مورد نیاز مدارس راهنمائی تحصیلی ظرفیت مراکز تربیت معلم راهنمائی تحصیلی از حدود ۱۱ هزار نفر در سال پایان برنامه پنجم عمرانی به حدود ۲۸ هزار نفر در سال پایان برنامه ششم عمرانی خواهد رسید و در دوران برنامه حدود ۱۰۲ هزار نفر دبیر برای مدارس راهنمائی تحصیلی تربیت خواهد شد.

بسر به ۲۲۵ هزار نفر بالغ خواهد شد .

برنامه علوم و پژوهش (تحقیقات دانشگاهی)

برنامه‌های علوم و پژوهش (تحقیقات دانشگاهی) پس از بررسیهای لازم در مرحله نهائی تلفیق خواهند شد .

برنامه تربیت معلم و مربی

هدفهای اساسی برنامه تربیت معلم و مربی عبارتست از تأمین کادر آموزشی و مربیان واجد صلاحیت برای کلیه دوره‌ها و رشته‌های آموزشی . بدین منظور در برنامه ششم عمرانی اقدامات لازم بمنظور توسعه مراکز جدید تربیت معلم و مربی با تجدید نظر در سیاست تأمین و بکارگیری و نگهداری کادر آموزشی برای کلیه سطوح و انواع آموزش ، اجرای برنامه‌های کارآموزی ، بازآموزی و آموزش ضمن خدمت استادان ، معلمان و مدیران در داخل و خارج کشور بعمل خواهد آمد .

هدفهای کمی

۱ـ تربیت مربی کودک

در دوران برنامه ششم عمرانی بمنظور بهبود کیفی و ارتقاء سطح کارآئی مربیان کودک ظرفیت مراکز تربیت مربی کودک در حد ۲ هزار نفر در سال ثابت خواهد ماند و در طی برنامه حدود ۱۵ هزار نفر مربی کودک در این مراکز تربیت خواهند شد و کارآئی مربیان دوره‌های قبلی از طریق دوره‌های بازآموزی و کارآموزی افزایش خواهد یافت .

۲ـ تربیت آموزگار

ـ بمنظور تربیت و تأمین معلم مورد نیاز مدارس ابتدائی در مناطق شهری و روستائی از فارغ التحصیلان دانشسراهای مقدماتی ، عشایری ، روستائی و سپاهیان دانش استفاده خواهد شد .

در نتیجه حدود ۲۵ درصد دانش‌آموزان در مدارس متوسطه فنی و ۷۵ درصد در مدارس متوسطه نظری و جامع به تحصیل اشتغال خواهند داشت.

علاوه بر آموزشهای فنی در آموزشگاههای حرفه‌ای مقدماتی (دوره دو ساله بعد از مرحله اول آموزش عمومی) دانش‌آموزان ضمن آموزش عمومی با مهارتهای مقدماتی فنی آشنا میگردند و پیش‌بینی میشود که تعداد دانش‌آموزان این نوع مدارس از ۱۴ هزار نفر به حدود ۳۶ هزار نفر در سال پایان برنامه ششم عمرانی افزایش یابد

برنامه آموزش عالی

هدفهای اساسی برنامه آموزش عالی ضمن راه گشائی جویندگان علم و دانش به دوره‌های بالاتر آموزشی عبارت است از تربیت متخصصان و مدیران و محققان و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور.

در برنامه ششم عمرانی افزایش ظرفیت آموزش عالی از طریق بهبود کیفی برنامه‌های آموزشی و توسعه آن در انطباق با نیازهای کشور مورد توجه بوده و اولویت با رشته‌های پزشکی و تربیت معلم و فنی و مهندسی و علوم تجربی و حقوق و هنرهای زیبا خواهد بود. همچنین توسعه دوره‌های فوق دیپلم فنی جهت تأمین احتیاجات کشور به تکنیسین‌های عالی و دوره‌های آموزشی کوتاه مدت بعد از آموزش متوسطه جهت تربیت افراد مورد نیاز سازمانهای مختلف کشور مورد توجه خاص خواهد بود.

هدفهای کمی

پیش‌بینی میشود که تعداد دانشجویان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در دوره‌های مختلف آموزشی از حدود ۱۹۰ هزار نفر (۵۵ هزار نفر دختر و ۱۳۵ هزار نفر پسر) در سال پایان برنامه پنجم عمرانی با رشد متوسط سالانه‌ای حدود ۱۱/۸ درصد به حدود ۳۳۲ هزار نفر در سال پایان برنامه ششم عمرانی برسد. و در طی این دوره حدود ۱۴۲ هزار نفر به دانشجویان کشور افزوده شود و در صورت تحقق این هدفها تعداد دختران دانشجو به حدود ۹۷ هزار نفر و تعداد دانشجویان

سالهای آینده نیز دانش‌آموزان از یک برنامه آموزش متوسطه عمومی و فنی توأم بهره‌مند گردند .

هدفهای کمی

پیش‌بینی میشود که تعداد دانش‌آموزان آموزش متوسطه عمومی وجامع با رشد متوسط سالانه ۱۳ درصد از ۹۲۶ هزار نفر در سال پایان برنامه پنجم عمرانی به حدود ۱۷۰۰ هزار نفر در سال پایان برنامه ششم عمرانی برسد بدین ترتیب تعداد دانش‌آموزان این نوع مدارس در مناطق روستائی از حدود ۵۵ هزار نفر به ۲۵۵ هزار نفر ودر مناطق شهری از ۸۷۱ هزار نفر ۱۴۴۷ هزار نفر خواهد رسید .

برنامه آموزش متوسطه فنی

در این برنامه هدفهای اساسی آموزش متوسطه همگام با آموزش و پرورش مهارتهای فنی در رشته‌های اصلی بخشهای صنعت کشاورزی و خدمات در ارتباط با برنامه‌های نیروی انسانی و سیاست اشتغال کشور دنبال خواهد شد وتوسعه منطقی این نوع آموزش با توجه به بهبود کیفی آن مورد توجه قرار خواهد گرفت .

هدفهای کمی

بمنظور بهبود کیفی این نوع آموزش رشد متوسط سالانه آموزش فنی در دوران برنامه ششم عمرانی حدود ۱۰/۸ درصد پیش‌بینی شده است و بدین ترتیب تعداد دانش‌آموزان و هنرجویان مدارس متوسطه فنی در رشته‌های صنعتی ، روستائی ، کشاورزی — خدمات اداری فنی و بهداشتی از حدود ۲۴۱ هزار نفر به ۴۰۳ هزار نفر خواهند رسید و بدین ترتیب تعداد هنرجویان و دانش‌آموزان مدارس فنی صنعتی از ۱۱۰ هزار نفر به ۱۵۰ هزار نفر و مدارس خدمات فنی و اداری از ۱۰۸ هزار نفر به ۲۱۰ هزار نفر و مدارس فنی روستائی از ۱۰ هزار نفر به ۲۰ هزار نفر و مراکز آموزش کشاورزی از ۵/۲ هزار نفر به ۸ هزار نفر و تعداد دانش‌آموزان آموزشگاههای بهیاری از ۸ هزار نفر به ۱۵ هزار نفر بالغ خواهند شد .

برنامه آموزش راهنمائی تحصیلی

هدفهای اساسی آموزش راهنمائی تحصیلی (مرحله دوم آموزش عمومی) عبارتست از ادامه هدفهای مرحله اول آموزش عمومی همراه با بررسی و شناخت استعدادها، تمهید راهنمائی تحصیلی دانش‌آموزان جهت سوق دادن آنان به سوی دوره‌های تحصیلی بالاتر یا آموزشهای فنی و حرفه‌ای خارج از مدرسه.

هدفهای کمی

در ... آموزش راهنمائی تحصیلی دوره برنامه ششم عمرانی بشرح زیر خواهد بود که در سال آخر برنامه ششم حدود ۸۰ درصد فارغ‌التحصیلان دوره اول آموزش عمومی را شامل شود و طی برنامه ششم عمرانی کلیه فارغ‌التحصیلان دوره ابتدائی به مرحله دوم تعلیمات عمومی راه یابند و بدینوسیله آموزش هشت ساله رایگان و اجباری تحقق یابد.

بدین ترتیب پیش‌بینی میشود که تعداد دانش‌آموزان دوره راهنمائی تحصیلی با رشد متوسط سالانه ۱۰/۳ درصد از ۱۵۲۸ هزار نفر در سال پایان برنامه پنجم عمرانی به حدود ۲۵۰۳ هزار نفر در سال پایان برنامه ششم عمرانی برسد و بهمین ترتیب تعداد دانش‌آموزان مناطق شهری از ۱۲۲۰ هزار نفر به ۱۶۴۲ هزار نفر و تعداد دانش‌آموزان مناطق روستائی از ۳۰۸ هزار نفر به حدود ۸۶۱ هزار نفر خواهد رسید.

برنامه آموزش متوسطه عمومی و جامع

هدفهای اساسی آموزش متوسطه عمومی و جامع عبارتست از آموزش و مهارتهای علمی و فنی به دانش‌آموزان بنحوی که این سطح از آموزش ضمن آماده کردن دانش‌آموزان برای ورود به تحصیلات عالی به تنهائی قادر به پرورش مهارتهای سطح متوسط نیازهای اقتصادی و اجتماعی کشور باشد این هدفها با آموزشهای ملی، فرهنگی، اجتماعی و پرورش استعدادها و راهنمائی تحصیلی و شغلی همراه خواهد بود باز طریق ایجاد مدارس متوسطه جامع در برنامه ششم عمرانی بمرحله اجرا گذارده خواهد شد. تنها در

ـ آموزش مکاتبه‌ای برای افراد مقیم خارج از کشور و یا بیماران و افرادی که در نوبت شبانه کار می‌کنند با ظرفیت آموزشی سالانه برابر ۱۲ هزار نفر در دوران برنامه ششم عمرانی

ج ـ تربیت حرفه‌ای

هدف این برنامه عبارتست از گسترش فعالیت تربیت حرفه‌ای افراد در سطوح و رشته‌های مختلف مهارت و تخصص بمنظور تأمین نیروی انسانی فنی ماهر و متخصص مورد نیاز بخشهای سه گانه فعالیت اقتصادی کشور این برنامه شامل دوره‌های کوتاه و متوسط مدت بمنظور دادن مهارت، افزایش مهارت و تغییر و تجدید مهارت حرفه‌ای است و افراد تحت تعلیم بزرگسال (بیش از ۱۶ سال سن) و خارج از گروه مدرسه رو میباشند با توجه به هدف فوق در اجرای این برنامه از کلیه امکانات آموزشی وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی و وابسته بدولت ـ کارگاههای بخش خصوصی ـ کارگاههای کوچک سنتی از طریق عقد قرارداد، و اعزام مربیان واجد صلاحیت استفاده خواهد شد و با ایجاد مراکز آموزشی جدید و توسعه ظرفیت مراکز موجود پیش بینی میشود که ظرفیت سالانه تربیت حرفه‌ای افراد ماهر و متخصص در کشور از حدود ۷۵ هزار نفر در سال پایان برنامه پنجم عمرانی به حدود ۱۵۰ هزار نفر در سال پایان برنامه ششم عمرانی افزایش یابد و در دوران برنامه حدود ۶۰۰ هزار نفر در سطوح و رشته‌های مختلف مهارت و تخصص تربیت شوند .

د ـ آموزشهای توجیهی ملی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و . . .

هدف این برنامه با دادن آموزشهای مربوط بآگاهی های فرهنگی، هنری، سیاسی اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و غیره عبارتست از آگاه سازی فرد و بهبود کیفیت زندگی افراد . این نوع آموزش شامل افراد در کلیه گروههای اجتماعی، اقتصادی است و آموزش آنان در سایر برنامه‌ها منظور شده است .

در فراگرفتن حرف و استفاده بهتر از استعداد نیروی خلاقه افراد و تحکیم وتقویت حس ملی و میهنی در آنان .

با توجه به هدفهای فوق اولویت در فعالیتهای سوادآموزی با گروههای سنی پائین‌تر و افرادی است که بکار مولد اشتغال دارند .

<u>هدفهای کمی</u>

با توجه به هدفهای کمی طرح جهاد ملی سوادآموزی و فعالیت کلیه سازمانهـــای آموزشی کشور هدف این برنامه عبارتست از افزایش باسوادی در گروه سنی (۷—۵۰) ساله از ۵۲/۳ درصد در سال پایان برنامه پنجم عمرانی به حدود ۶۸/۲ درصد در سال پایان برنامه ششم عمرانی و بدین ترتیب تعداد افرادی که در طی این دوره باسواد خواهند شد جمعا بالغ بر ۶/۲۷ میلیون نفر پیش بینی میشود که از ایـن تعداد ۴/۰۵ میلیون نفر بزرگسال و ۲/۲۲ میلیون نفر خردسال خواهند بود .

ب ـ آموزش عمومی و تکمیلی

هدفهای اساسی آموزش عمومی و تکمیلی عبارتست از ایجاد امکان ادامه تحصیلات رسمی برای افرادی که بموقع نتوانسته‌اند به آموزش رسمی و مدرسه‌ای بپردازند .

<u>هدفهای کمی</u>

هدفهای کمی این برنامه در هریک از فعالیتها بشرح زیر است:

— سوادآموزی تکمیلی خردسالان که هدف آن ادامه تحصیل خردسالان ۷تا۱۶ساله است که کلاسهای دوره دوم سوادآموزی را بپایان رسانده‌اند (بمدت دو سال و هر سال ۹ ماه) با ظرفیت آموزشی سالانه ۳۰۰ هزار نفر در دوران برنامه ششم عمرانی

— سوادآموزی تکمیلی بزرگسالان با هدف ادامه تحصیل افراد بزرگسال دارنـــده گواهینامه دوره‌های سوادآموزی (در دو دوره یازده ماهه) و با ظرفیت آموزشـــی سالانه ۱۵۰ هزار نفر در دوران برنامه ششم عمرانی

— دوره عمومی آموزش بزرگسالان برای دارندگان مدرک پایان تحصیلات مرحله اول آموزش ابتدائی در دو دوره سالیانه بمدت سه سال و با ظرفیت آموزشی سالانه ۲۳۰ هزار نفر در دوران برنامه ششم عمرانی.

با توجه به هدفهای فوق تأکید خاص در این برنامه به گسترش آموزش ابتدائی در مناطق روستائی ، جذب دختران روستائی ، توسعه مدارس کودکان استثنائی و مدارس ایرانی خارج از کشور خواهد بود .

<u>هدفهای کمی</u>

پیش بینی میشود که تعداد دانش‌آموزان دوره آموزش ابتدائی با رشد متوسط سالانه برابر ۵/۲ درصد از حدود ۵۲۰۰ هزار نفر در سال پایان برنامه پنجم عمرانی به حدود ٦٦٤٦ هزار نفر در سال پایان برنامه ششم عمرانی برسد . بدین ترتیب نسبت اشتغال به تحصیل کودکان (۱۱-٦) ساله در کل کشور از ۷۸ درصد به حدود ۹۲/۳ درصد خواهد رسید و تعداد دانش‌آموزان مناطق شهری از ۲٤۱۰ هزار نفر در سال پایان برنامه عمرانی پنجم به حدود ۳۱۰۵ هزار نفر در سال پایان برنامه ششم عمرانی خواهد رسید و طی این مدت نسبت اشتغال به تحصیل در مناطق شهری از حدود ۹۰ درصد به ۹۹ درصد افزایش خواهد یافت .

طی برنامه ششم عمرانی تعداد دانش‌آموزان مناطق روستائی از ۲۲۹۰ هزار نفر به ۳۵٤۱ هزار نفر افزایش خواهد یافت و نسبت اشتغال به تحصیل در مناطق روستائی از ۷۱/۸ درصد به ۸٦/۹ درصد خواهد رسید .

<u>برنامه آموزش غیررسمی (بزرگسالان)</u>

آموزش غیررسمی یا خارج از مدرسه شامل چهار بخش عمده بشرح زیر است :

الف) سوادآموزی و مبارزه با بیسوادی

ب) آموزش عمومی و تکمیلی در ارتباط با نظام آموزش رسمی

ج) تربیت حرفه‌ای

د) آموزشهای توجیهی ملی ، فرهنگی ، اقتصادی و اجتماعی

الف ـ سوادآموزی و مبارزه با بیسوادی

هدفهای اساسی سوادآموزی عبارتست از آموختن سواد خواندن ، نوشتن ، حساب کردن بزبان فارسی و کاربرد آن بمنظور ایجاد درک مفاهیم زندگی فردی و جمعی و تسهیل

برنامه آموزش و پرورش کودکستانی

هدفهای آموزشی و پرورشی این برنامه عبارتست از کمک به فرآیند رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، ذوقی، شخصیتی، اجتماعی و پرورش توانائی و آماده کردن کودکان برای ورود به دوره اول آموزش عمومی

با در نظر گرفتن هدفهای فوق آموزش و پرورش کودکستانی در دوران برنامه ششم عمرانی در سراسر کشور توسعه خواهد یافت و در این توسعه به بهره مندی مناطق روستائی و نقاطی از کشور که دارای گویش محلی هستند و مناطقی که پدران و مادران از سواد کمتری بهره مند میباشند توجه بیشتری مبذول خواهد شد.

هدفهای کمی

پیش بینی میشود که تعداد نوآموزان کودکستانی با رشد **سالانه‌ای معادل ۱۵٪ از ۲۵۰** هزار نفر در سال پایان برنامه پنجم عمرانی به حدود ۵۰۰ هزار نفر یعنی دو برابر در سال پایان برنامه ششم عمرانی برسد و بدین ترتیب حدود ۲۵۰ هزار نفر به تعداد نوآموزان کودکستانی افزوده خواهند شد و میزان جذب کودکان ۵ ساله در آموزش کودکستانی از ۲۲/۴ درصد به حدود ۴۰/۴ درصد خواهد رسید. فعالیتهای بخش عمومی در این برنامه اختصاص به جذب کودکان پنجساله داشته و بهره‌مندی کودکان کمتر از پنجسال کلاً به عهده بخش خصوصی واگذار میگردد و پیش بینی میشود که سهم بخش خصوصی در پایان برنامه ششم عمرانی به حدود ۱۰۰ هزار نفر بالغ گردد.

برنامه آموزش ابتدائی

هدفهای اساسی دوره پنجساله مرحله اول آموزش عمومی (دوره ابتدائی) عبارتست از آموزش سواد خواندن، نوشتن و حساب کردن، پرورش استعداد و نیروی خلاقیت، آموزش ملی، فرهنگی، رفتارهای اجتماعی و ایجاد انگیزه برای یادگیری و کاربرد آموخته ها و تحکیم تندرستی دانش آموزان.

جدول شماره ۱

پیش بینی هدفهای کمی آموزش و پرورش در دوران برنامه ششم عمرانی

(تعداد هزار نفر)

برنامه	سال پایان برنامه پنجم (۲۵۳۶)	سال پایان برنامه ششم (۲۵۴۱)	افزایش مطلق در دوران برنامه	درصد افزایش طی دوران برنامه	رشد متوسط سالانه طی دوران برنامه ششم
آموزش وپرورش کودکستانی	۲۵۰	۵۰۵	۲۵۵	۱۰۲	۱۵
" ابتدائی	۵۲۰۰	۶۶۴۶	۱۴۴۶	۲۸	۵/۲
" راهنمائی تحصیلی	۱۵۳۸	۲۵۰۴	۹۶۶	۶۳	۱۰/۳
" متوسطه عمومی وجامع	۹۲۶	۱۷۰۲	۷۶۶	۸۴	۱۲
" متوسطه فنی	۲۴۱	۴۰۳	۱۶۲	۶۷	۱۰/۸
" عالی	۱۹۰	۳۳۲	۱۴۲	۷۴/۷	۱۱/۸
تربیت معلم و مربی (تا سطح فوق دیپلم)	۷۱	۱۱۳	۴۲	۵۹	۹/۷
تربیت حرفه ای (نفر سال)	۷۵	۱۵۰	۷۵	۱۰۰	۱۵
تعداد با سوادان (۵۰ — ۷ ساله)	۱۱۷۸۹	۱۸۵۰۵	۶۷۱۶	۵۷	۹/۵

۶ــ توسعه کمّی و بهبود کیفی مراکز تربیت معلم و مربی بطوریکه همگام با گسترش دوره‌های آموزشی معلمین واجد شرایط تربیت و تأمین گردد .

۷ــ توجه خاص به آموزش غیر رسمی (خارج از مدرسه) بمنظور اجرای برنامه‌های سوادآموزی و مبارزه با بیسوادی، وآموزشهای عمومی و تکمیلی

۸ــ توسعه امکانات فیزیکی و افزایش ظرفیت برنامه تربیت حرفه‌ای با استفاده از امکانات آموزشی کلیه سازمانهای بخش عمومی و خصوصی و کاربرد روشهای سنتی بطوریکه در دوران برنامه ششم عمرانی حداکثر نیروی کار مورد لزوم با مهارتهای مورد نیاز وارد بازار کار شوند

۹ــ کاربرد تکنولوژی در آموزش بمنظور تسریع جریان و بهبود کیفیت یادگیری و استفاده از وسایل کمک آموزشی و توجه خاص به برنامه‌های بخش آموزشی

۱۰ــ ارزشیابی مستمر برنامه‌های آموزشی و انجام اصلاحات ضروری در هدف، ساخت و محتوی برنامه‌های آموزشی و استفاده از ماشینهای حسابگر در جمع‌آوری اطلاعات، آمار و بررسیها

۱۱ــ توجه خاص به پرورش جسمی و سلامت فکری کودکان، نوجوانان، جوانان واشاعه امر ورزش در مدارس و در طی دوران آموزش هر فرد .

۱۲ــ تجدید نظر در سازمان، تشکیلات و اداره موسسات آموزشی بنحوی که با مشارکت هرچه بیشتر مردم آموزش در هر منطقه منطبق با نیاز و خواستهای اجتماعی اقتصادی آن منطقه سازگار باشد

هدفهای کمی آموزش و پرورش در دوران برنامه ششم عمرانی بشرح جدول شماره (۱) است

فصل آموزش وپرورش

هدفها ــ سیاست ها وخط مشی های کلی

با توجه به هدفهای نظام آموزش و پرورش کشور که عبارتست از:

ــ برخورداری افراد کشور از آموزش سواد خواندن ، نوشتن و حساب کردن بزبان فارسی

ــ آموزش اجتماعی ، فرهنگی ، علمی ، فنی و هنری

ــ تقویت هوشیاری سیاسی و همبستگی ملی و میهنی افراد

ــ پرورش و شکوفائی استعدادهای جسمی و فکری افراد

ــ تربیت نیروی انسانی لازم برای تأمین هدفهای اقتصادی

هدفها و سیاستهای کلی و مشخص آموزش و پرورش در برنامه ششم عمرانی بشرح زیر تعیین گردیده است:

۱ ــ توسعه آموزش پیش از دبستان با توجه به ارزشیابی مستمر کیفیت این نوع از آموزش و مفید بودن آن همگام با ایجاد فضا و وسائل آموزشی و مربیان مورد نیاز

۲ ــ گسترش آموزش ابتدائی (مرحله اول آموزش عمومی) بنحوی که در آغاز برنامه هفتم عمرانی کلیه کودکان لازم التعلیم از آموزش ابتدائی بهره مند گردند .

۳ ــ توسعه آموزش راهنمائی تحصیلی در سراسر کشور بطوریکه در پایان برنامه هفتم عمرانی کلیه کودکان لازم التعلیم کشور از آموزش عمومی هشت ساله اجباری و رایگان بهره مند گردند .

۴ ــ توسعه توأم و هماهنگ آموزش متوسطه عمومی نظری و فنی بنحویکه کلیه دانش آموزان از آموزش عمومی نظری و فنی بهره مند گردند و پس از طی این دوره تحصیلی قادر به استفاده از مهارتهای علمی و فنی خود باشند .

۵ ــ گسترش آموزش عالی در انطباق با نیازهای اجتماعی ــ اقتصادی کشور به نیروی انسانی و توجه به گسترش در رشته های پزشکی ــ تربیت معلم ــ فنی ــ مهندسی علوم تجربی ــ حقوق و هنرهای زیبا و دوره های دو ساله فوق دیپلم فنی

فهرست مندرجات

غیرقابل انتشار

خلاصه

گزارش مقدماتی

آموزش و پرورش در برنامه ششم عمرانی

(۲۵۳۷-۴۱)

سازمان برنامه وبودجه
معاونت هماهنگی و نظارت
مدیریت آموزش و پرورش

اردیبهشت ماه
۲۵۳۶

تاریخ ۵۸/۲/۶ مخاطب انجمن پزشکی و ... دانشگاهها موضوع دانشگاه
علم و صنعت

ما می‌خواهیم دانشگاههای داشته باشیم ملت کشوری داشته
باشیم که این وابستگی فکری ما را که مقدم بر همهٔ وابستگی هاست
و خطرناکتر از همه وابستگی هاست نجات بدهد.

تاریخ ۵۸/۲/۱۰ مخاطب دانشجویان دانشکده موضوع دانشگاه

چه نقش دانشگاه در هر کشوری ساختن انسان است. ممکن
است از دانشگاه انسانی خارج شود که یک کشور را نجات
بدهد، و ممکن است یک انسان درست بشود که کشور را
به هلاکت بکشاند.

تاریخ ۱۶/۲/۵۸ مخاطب ملت ایران موضوع دانشگاهها

باهم برادر باشند، دانشگاهها با ما (روحانیت) برادر و ما برادر با شما (روحانیت)
همه باهم برادر هستیم

تاریخ ۵۸/۲/۶ مخاطب دانشجویان عضو انجمن اسلامی دانشگاه تربیت معلم موضوع دانشگاه

اگر یک دانشگاه صحیح ما داشته باشیم باید
جنبهٔ روحانی به تمام معنا روحانی داشته باشیم نخواهد
اجازه داد به اجانب که همهٔ حیثیت یک مملکت
را از بین ببرند.

تاریخ ۵۸/۲/۱۴ مخاطب استادان دانشگاه موضوع دانشگاه

فرق بین دانشگاههای غربی و دانشگاههای اسلامی باید
در آن طرحی باشد که اسلام برای دانشگاهها طرح می‌کند.

تاریخ ۵۸/۳/۱۴ مخاطب دانشجویان شیراز موضوع دانشگاه

دانشگاه مبدأ همه تحولات است. از دانشگاه، چه دانشگاه علوم قدیمه
چه دانشگاه علوم جدیده از دانشگاه سعادت یک ملت و در مقابل
سعادت، شقاوت یک ملت سرچشمه می‌گیرد.

تاریخ ۶۲/۲/۱۱ مخاطب ملت موضوع دانشگاه
۱۱۲۷ [illegible]

دانشگاه که مغز متفکر یک ملت است باید از
وابستگی های شرق و غرب کنار برود و تهی شود
کنار برود الا اینکه فرم اسلام را پیدا کند.

تاریخ ۶۰/۳/۴ مخاطب انجمن اسلامی و جهاد دانشگاهها موضوع دانشگاه
علم و صنعت

ما دانشگاهی می‌خواهیم که ما را از وابستگی ها بیرون بیاورد ما را
مستقل کند تمام کشور ما را مستقل کند و از وابستگی ها خارج
کند.

تاریخ ۲۷/۹/۵۹ مخاطب دانشجویان وطن‌پرست موضوع دانشگاه

دانشگاه و حوزه‌های علمیه و روحانیون می‌توانند دو مرکز باشند برای تمام ترقیات و تمام پیشرفتهای کشور و میتوانند دو مرکز باشند برای تمام انحرافات و تمام انحطاطات. دنیا را دانشگاه به فساد کشانده است و دنیا را دانشگاه میتواند به صلاح بکشد

تاریخ ۱/۲/۵۹ مخاطب انجمن‌های اسلامی دانشگاهها موضوع دانشگاه

ما از دانشگاه استعماری می‌ترسیم ما از دانشگاهی می‌ترسیم که جوانهای ما را آنطور تربیت کنند که خدمت به غرب بکنند ما از دانشگاهی میترسیم که آنطور جوانهای ما را تربیت کنند که خدمت به کمونیسم کنند.

تاریخ: ۲/۳/۶۰ مخاطب: انجمن اسلامی و جهاد دانشگاهی موضوع: دانشگاه علم و صنعت

ما یک همچه دانشگاهی می‌خواهیم که هم طراز با حوزه‌های علمیه‌ای که وابستگی هیچ روز نداشتند با خارج و اگر یک نفر معدودی وابستگی داشتند رسوا هستند باشد.

تاریخ: ۴/۳/۶۰ مخاطب: انجمن اسلامی و جهاد دانشگاهی موضوع: دانشگاه علم و صنعت

دانشگاه که مرکز علم است و مغز متفکر جامعه است، این را باید اسلامی باشند.

تاریخ ۲۹/۹/۶۱ مخاطب گروهی از اعضای [illegible] و مسئولان آموزش ۸۲۵ [illegible] موضوع [illegible]

دانشگاه ما در آن وقت در دست یک دسته از اشخاصی بود که در یک وقتی انگلیسی و در اواخر آمریکایی محض بودند، چشمشان طرف آمریکا بود که ببینند چه می‌گوید تا اینها زبان ببرند.

دانشگاه

تاریخ ۲۴/۱/۶۰ مخاطب [illegible] زندان گرگان موضوع دانشگاه

از دانشگاه است که تمام علوم به خارج و به جوانان ما می‌رسد.

تاریخ ۲۴/۱/۶۰ مخاطب [illegible] زندان گرگان موضوع دانشگاه

اگر در دانشگاه [illegible] آرامش نباشد دانشگاه نمی‌تواند عنصرهای متخصص را پذیرا باشد.

تاریخ ۴/۳/۶۰ مخاطب انجمن اسلامی و جهاد دانشگاهی موضوع دانشگاه علم و صنعت

دانشگاه که مغز متفکر یک ملت است باید از وابستگی‌های شرق و غرب کنار برود و نمی‌شود کنار برود الا اینکه فرم اسلامی را پیدا بکند.

تاریخ ۵۸/۴/۲۵ مخاطب اقشار مختلف مردم موضوع دانشگاه......

دانشگاه باید تأثیر اسلامی آزادی کنند

نرود.

تاریخ ۵۸/۴/۲۱ مخاطب دانشجوی دانشگاه پلیس موضوع دانشگاه پلیس

~~موضوع~~ دانشگاه را (رژیم سابق) بصورتی درآورده که اشخاصیکه از آنجا

خارج می‌شدند بدرد جاهای خارجی‌ها بخورند.

تاریخ ۶۰/۲/۲۲ مخاطب کشاورزان گرگان موضوع دانشگاه......

جمهوری اسلامی و اسلام پشتیبان دانشگاه است و

پشتیبان دانشگاهیان است

تاریخ ۵۸/۴/۲۱ مخاطب .... موضوع دانشگاه پلیس

مسئولیت دانشگاه پلیس بیشتر از سایر قسمتها است.

برای اینکه اینها کارشان حساستر است. اگر از دانشگاه

پلیس آدمهای اسلامی بیرون بیاید آدمهائیکه نسبت بمردم

محبت داشته باشند بیرون بیاید مملکت را اصلاح می‌کند

بخلاف اینکه اگر آدمهائی باشند که بخواهند بمردم مطلبی را ←

تاریخ ۶۰/۱/۴۰ مخاطب کشاورزان گرگان موضوع دانشگاه......

محیط دانشگاه محیط تعلیم و تعلم است نه محیط امریکا که به

کشورها ضرر می‌رسانند

تاریخ ۵۸/۴/۲۱ مخاطب دانشجویان دانشگاه پلیس موضوع دانشگاه......

مقدرات مرکشوری بدست دانشگاه و آنهائیکه از دانشگاه بیرون

می‌آیند است.

دانشگاه بزرگترین مؤسسه مؤثر در کشور بوده و بزرگترین

مسئولیتها را هم دانشگاه دارد.

تاریخ ۶۰/۱/۴۰ مخاطب کشاورزان گرگان موضوع بازگشائی دانشگاه..

من امیدوارم که امسال (سال ۶۰) دانشگاه آن مقداری که ممکن است

باز بشود و آن مقداری که باید اساتید ما عمل کنند عمل کنند.

تاریخ ۵۸/۴/۲۱ مخاطب دانشجویان دانشگاه پلیس موضوع دانشگاه......

نقش دانشگاه در هر کشوری ساختن انسان است.

تاریخ ۲۰/۱/۵۸ مخاطب جمعی از ... موضوع دانشگاه

دانشگاهها اگر علاقه به اسلام دارند، اگر به کشورشان علاقه دارند، چرا اینها ...

تاریخ ۱۰/۴/۵۸ مخاطب دانشجویان دانشگاه ... موضوع دانشگاه (اعتدال)

رئیسی را، معلمی را که می‌بینید که خوب نیست است بیرونش کنید از دانشگاه

ما اگر دانشگاهمان اداره نشود، کارمان زار است.

۲۴/۱/۱۳۶۰ مخاطب دانش‌آموزان گرگان موضوع اساتید دانشگاه

من تشکر از اساتید دانشگاه و دیگر آنها را می‌کنم که با هم تشریک مساعی کنند و همکاری کنند با این هیئت اصلاح فرهنگی و ستاد انقلاب فرهنگی تا اینکه یک دانشگاهی ما بنا کنیم که لبریز از علم باشد لبریز از تخصص باشد و آرام باشد

تاریخ .... مخاطب .... موضوع ....

تاریخ ۱۰/۴/۵۹ مخاطب کارکنان مدرسه شهید مطهری موضوع دانشگاه

آن قدر که کشور ما از دانشگاه و فیضیه صدمه دیده است از جاهای دیگر ندیده است. باید هر دوی اینها مهذب باشند تا علمای اسلام و اساتید دانشگاه با هم پیوند داشته باشند - اگر این دو قشر دانشگاه و فیضیه یک قشر الهی باشد دیگر سایر ملت به این طرف و آن طرف نخواهند رفت

تاریخ ۲۱/۶/۵۸ مخاطب دانشجویان دانشگاه پلیس موضوع دانشگاه

اجانب ترسیدند که دانشگاههای ما را عقب نگهداشتند، و با اصطلاح استعماری درست کرده بودند برنامه‌ها، برنامه‌های استعماری بود. و این برای ترس از دانشگاه بود.

تاریخ ۲۷/۹/۵۹ مخاطب دانشجویان و طلاب موضوع دانشگاه

دانشگاهها باید علم و تخصص را به آن مرتبه عالی برسانند و دیگر اینکه اخلاق و انسانیت را هم به آن مرتبه عالی، باید مهذب بشوند

تاریخ ۲۱/۳/۵۸ مخاطب دانشجویان دانشگاه پلیس موضوع دانشگاه

این دو قطب که عبارت از قطب دانشگاه و روحانیت تمام سرنوشت یک ملت را در دست دارند.

تاریخ ۲۷/۹/۵۹ مخاطب دانشجویان و طلاب موضوع دانشگاه

خطر دانشگاه از خطر بمب خوشه‌ای بیشتر است (بالاتر)

همانطور که خطر حوزه‌های علمیه هم از خطر دانشگاه بالاتر است

تاریخ ۱۹/۹/۵۸ مخاطب گروهی از کارکنان آبادان موضوع دانشگاهی

می‌خواستند (زمان طاغوت)
آدمهایی را نمودمان چنانچه بکنند دانشگاهی را از روحانی جدا
کنند بلکه دشمن کنند روحانی را با دانشگاهی جدا بکنند
بلکه دشمن بکنند روحانی را با بازاری

تاریخ ۱/۲/۵۹ مخاطب انجمن اسلامی دانشگاهها موضوع دانشگاه......

دانشگاهها باید تغییر بنیادی کند و باید از نو ساخته شود که جوانان ما را تربیت کنند به تربیت های اسلامی.

حالا که ما می‌خواهیم یک دانشگاه مستقل درست کنیم و تغییر بنیادی بدهیم که مستقل بشود، وابسته به غرب نباشد وابسته به کمونیسم نباشد وابسته به مارکسیسم نباشد اگر چنانچه ما بخواهیم اینطور کنیم جبهه بندی میکنند همین دلیل بر این است که ما دانشگاه اسلامی و دانشگاهی که تربیت کرده باشد جوانان ما را نداشتیم و نداریم.

تاریخ ۲۴/۲/۵۸ مخاطب پاسداران و [illegible] تهران موضوع دانشگاه......

الآن شما باید چراغ بردارید و بگردید دوره‌ای انسان پیدا کنید، نگذاشتند انسان پیدا بشود. دانشگاهها را نگذاشتند دانشگاه اسلامی باشد، دانشگاه انسانی باشد، مدارس ملی را

تاریخ ۱۶/۸/۵۷ مخاطب ملت ایران موضوع دانشگاه......

شاه دانشگاههای ما را به قتلگاههای جوانان ما تبدیل نموده است.

تاریخ ۲۰/۲/۵۸ مخاطب دانشجویان دانشگاهها موضوع دانشگاه......

اگر دانشگاه را ما سست بگیریم از دست ما برود،
همه چیزمان از دستمان رفته است.

تاریخ ۱۶/۱/۶۰ مخاطب دانشجویان و مردم جهرم موضوع دانشگاه......

جوانهای دانشگاه هم از محرومین و مستضعفین‌اند

تاریخ ۲/۲/۵۸ مخاطب اقشار مختلف مردم موضوع دانشگاه......

اینها (ابرقدرتها) از اصلاح دانشگاه می‌ترسند اینها می‌ترسند
که در دانشگاه یک آدمی پیدا بشود که یک وقت مشت
بزند به دهانشان، اینها هم می‌ترسیدند که از روحانیت یکی پیدا
بشود، مشت بزند به دهانشان هم از آدم می‌ترسند از
آدمی که از کسی نمی‌ترسد.

تاریخ ۱۱/۱/۶۰ مخاطب انجمن اسلامی مدارس موضوع دانشگاه اسلام......

گروه گروه در دانشگاه جا می‌رفتند و می‌بردند می‌آمدند که از اسلام خبری
نبود و نه از تعهد اسلامی و اخلاق اسلامی.

تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۱۵ مخاطب سپاه، جهاد، حوزه علمیه موضوع دانشگاه......

آنهایی که دانشگاه را سنگر کرده بودند و اطاق جنگ درست کرده بودند این مفاسد را ایجاد می‌کردند. آنها را باید شناسائی کنند و کنار بگذارند.

دانشگاه را باید با جدیت باز کنند و با جدیت دنبال این بروند که بطور حتم اسلامی‌اش کنند و تربیت‌های اسلامی در آن باشد.

تاریخ ۱۳۵۹/۲/۱ مخاطب انجمن اسلامی دانشگاهها موضوع دانشگاه......

معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند و خودش را از غرب جدا کند و خودش را از وابستگی به شرق جدا کند و یک مملکت مستقل، یک دانشگاه مستقل، یک فرهنگ مستقل داشته باشیم.

ما از دانشگاه استعماری می‌ترسیم.

تاریخ ۱۳۵۹/۲/۱ مخاطب انجمن اسلامی دانشگاهها موضوع دانشگاه

ما می‌خواهیم دانشگاههایمان را طوری کنیم که جوانهای ما برای خودشان، برای ملتشان کار کنند.

باید دانشگاه اسلامی بشود تا طوری که در دانشگاه تحصیل می‌شود در راه ملت و در راه تقویت ملت و با احتیاج ملت همراه باشد.

تاریخ ۱۳۵۹/۲/۱ مخاطب انجمن اسلامی دانشگاهها موضوع دانشگاه

حالا که ما می‌خواهیم یک دانشگاه مستقل درست کنیم و تغییر بنیادی بدهیم که مستقل بشود، وابسته به غرب نباشد، وابسته به کمونیسم نباشد، وابسته به مارکسیسم نباشد. اگر چنانچه ما بخواهیم اینطور کنیم جبهه‌بندی می‌کنند همین دلیل بر این است که ما دانشگاه اسلامی و دانشگاهی که تربیت کرده باشد جوانان ما را نداشتیم و نداریم

تاریخ ۵۸/۳/۱۶ مخاطب دانشجویان شیراز موضوع دانشگاه......

دانشگاه را ~~[illegible]~~ درستش کنید، دانشگاه را اسلامیش کنید.

تاریخ ۵۸/۳/۱۶ مخاطب دانشجویان شیراز موضوع ~~[illegible]~~ دانشگاه ..

آنچه در اسلام مطرح است اموال نیست، مادیات نیست، ~~[illegible]~~ معنویات است که باید از دانشگاه به همه اقشار سرایت کند.

تاریخ ۵۸/۳/۱۶ مخاطب دانشجویان شیراز موضوع دانشگاه......

دانشگاه خوب، یک ملت را سعادتمند میکند و دانشگاه غیر اسلامی دانشگاه، یک ملت را به عقب میزند.

تاریخ ۵۸/۳/۱۶ مخاطب دانشجویان شیراز موضوع دانشگاه....

دانشگاه مرکز سعادت و در مقابل شقاوت یک ملت است از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین بشود.

تاریخ ۱۲/۴/۵۸ مخاطب استادان دانشگاه موضوع ... دانشگاه [illegible]

اگر دانشگاه از روحانیت جدا شوند روحانیت از دانشگاه و هر دو از مردم جدا شوند و احزاب متعدد و متشتت بین دانشجوها خوش داریم که دهشت مانع تکثر نرسد و دانشگاه هم به آن معنی که دلتان می‌خواهد نرسند شما باید دنبال این باشیم که وحدت خود را حفظ

تاریخ ۱۲/۴/۵۸ مخاطب انجمن گروه نابینایان موضوع ... دانشگاه ...
ابابصیر اصفهان

در دانشگاه دامنه تبلیغات ضد روحانی خیلی اوج گرفت بطوریکه کلی دانشگاه را از روحانیت جدا کردند. وهم دانشگاه را شکستند، وهم روحانیون را شکستند.

تاریخ ۱۲/۴/۵۸ مخاطب استادان دانشگاه موضوع ... دانشگاه ...

دانشگاه و مدارس را به وحدت کلمه دعوت کنیم تا مردم با وحدت کلمه و توجه به اینکه ما جمهوری اسلامی می‌خواهیم آزاد فکر کنند، آزاد نظر بدهند و آزاد عمل کنند و استقلال داشته باشند.

تاریخ ۱۲/۴/۵۸ مخاطب انجمن گروه نابینایان موضوع ... دانشگاه ...
ابابصیر اصفهان

دانشگاه میرفتی اسم روحانی را نمیشد بیاوری. حالا نه آنوقت. اسم معمم را نمیشد بیاوری در محیط روحانی اسم دانشگاهی را نمیشد بیاوری. جدا کردند اینها را از هم یعنی دو قدرت فعاله‌ای که میتوانست اگر با هم بپیوندند کنند اساس این چپاولها را و این دستهایی که از خارج با این سفره یغما دراز شده، اینها میتوانستند قطع بکنند.

تاریخ ۱۲/۴/۶۰ مخاطب: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه موضوع: [illegible] دانشگاه
علم و سنت

اینک همه جا دانشگاه‌ها می‌خواهیم که هم طراز با حوزه‌های علمیه‌ای که وابستگی هیچ روز نداشتند با خارج و آمریکا [illegible] وابستگی نداشته مستقل باشد.

تاریخ ۱۲/۴/۵۸ مخاطب تاریخ سازمان ... دانشگاه ...

تاریخ ۱۴/۴/۵۸ مخاطب کارکنان سازمان مبارزه با اعتیاد موضوع ... دانشگاه ...
[illegible]

در زمان شاه، دانشگاه را احتمال میدادند که کلوپی در مقابلشان باشد به همین منظور با طرحهایی نگذاشتند دانشگاه صحیح برای این مملکت درست شود.

تاریخ [illegible]/۴/۵۸ مخاطب [illegible] انجمن اسلامی موضوع دانشگاه ...
[illegible]

از جمله [illegible] اجانب آنها [illegible] می‌خواستند این مملکت ما را [illegible] جوانان ما را به دو طبقه تقسیم کنند یک طبقه روحانیون یک طبقه دانشگاهی

تاریخ ۲۲/۴/۶۰ مخاطب اعضای ستاد انقلاب فرهنگی موضوع دانشگاه

متفکران دانشگاه را معلمین و اساتید اسلامی تربیت کنند و دانشگاه یک دانشگاه ملی برای ملت باشد.

تاریخ ۲۵/۴/۶۰ مخاطب جوام موضوع دانشگاه

ما می‌خواهیم یک دانشگاهی باشد که بعد تحصیل تنها (ابزارگرا) بیرون ندهد ~~[illegible]~~ یک دانشگاهی باشد که یک آدم متعهد به اسلام بیرون بدهد.

تاریخ ۲۲/۴/۶۰ مخاطب اعضای ستاد انقلاب فرهنگی موضوع دانشگاه

از دانشگاه است که ممکن است یک ملتی اصلاح بشود و از دانشگاه است که می‌تواند یک ملت به تباهی کشیده بشود

تاریخ ۲۷/۳/۶۰ مخاطب کارداران موضوع دانشگاه

دانشگاه ما مرکز آدمسازی باید باشد

تاریخ ۲۲/۴/۶۰ مخاطب اعضای ستاد انقلاب فرهنگی موضوع دانشگاه

باید دانشگاه باز بشود لکن با آن وضعی که باید با آن تربیت‌های اسلامی و ملی توأم باشد.

تاریخ ۱۶/۲/۶۱ مخاطب اعضای ستاد انقلاب فرهنگی موضوع دانشگاه‌ها

آزادگان

دانشگاه‌ها را با جدیت با عزم قاطع به اسلامی‌تر شدن هر چه بیشتر سوق دهید

تاریخ ۲۲/۴/۶۰ مخاطب اعضای ستاد انقلاب فرهنگی موضوع ~~[illegible]~~ دانشگاه

دانشگاه و فیضیه دست به دست هم بدهند و استقلال کشورشان را حفظ کنند.

تاریخ ۱۴/۸/۶۰ مخاطب استادان دانشگاه موضوع دانشگاه

من امیدوارم دانشگاه ما یک تبدل معنوی پیدا کند یک معقول پیدا کند همانطوری که بسیاری از چیزها دارای صفت معقول پیدا کرد.

تاریخ ۱۶/۲/۶۰ مخاطب .... موضوع دانشگاه ....

آقایان موفق نخواهند شد نه در دانشگاه و نه در فیضیه موفق شوند به اینکه تربیت کنند عده زیادی را از زن و مرد برای تبلیغ و ما می‌بینیم که دنیا الان برضد ما قیام کرده اند.

تاریخ [illegible]/۶۰ مخاطب [illegible] موضوع دانشگاه ....

[illegible] کارکنان [illegible]

در سابق وقتی دانشگاه دست ما نبود - دیدید چه بلایی بسر ما آوردند

تاریخ ۲۲/۳/۶۰ مخاطب اعضای ستاد انقلاب فرهنگی موضوع دانشگاه ......

دانشگاه است که اداره امور کشور را می‌کنند و دانشگاه است که تربیت نسل آینده و حاضر را می‌کند.

تاریخ [illegible]/۶۰ مخاطب [illegible] موضوع دانشگاه ....

در هیچ جا دانشگاه اسلامی [illegible] خدا [illegible] [illegible] شده در زیر زبان [illegible] خدا اند.

تاریخ ۲۲/۳/۶۰ مخاطب اعضای ستاد انقلاب فرهنگی موضوع دانشگاه ......

این دانشگاه و تربیت دانشگاهی است که جوانهای ما را یا طرف غرب می‌کشد یا طرف شرق می‌کشد و آنها را از خودشان تهی می‌کند و وجهه آنها را متوجه به غرب و شرق می‌کند

تاریخ ۲۲/۳/۶۰ مخاطب .... موضوع دانشگاه ....

می‌خواستند که دانشگاه و فیضیه با هم مرتبط نباشد برای آنکه این ارتباط موجب اسلامی شدن دانشگاه می‌شود

تاریخ ۲۲/۳/۶۰ مخاطب اعضای ستاد انقلاب فرهنگی موضوع دانشگاه ......

از دانشگاه است که می‌تواند یک کشوری - کشور مستقل باشد و از دانشگاه است که می‌تواند یک کشوری - کشور وابسته باشد.

تاریخ ۲۲/۳/۶۰ مخاطب اعضای ستاد انقلاب فرهنگی موضوع دانشگاه ....

اگر چنانچه دانشگاه در اختیار چپاولگری های شرق و غرب باشد کشور در اختیار آنهاست.

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع دانشگاه
۱۱۲۷ جمهوری

دانشگاهیان و دانشمندان همه توان خود را صرف قطع امید دشمن اصلی ما آمریکا کنند.

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سخنان امام
۱۱۲۷ جمهوری

باید دانشگاه و تبلیغات و همه آنها که مربوط به دانشگاه هستند در رأس برنامه‌های تحصیلی‌شان، برنامه اخلاقی و برنامه‌های تهذیبی باشد.

دانشگاه

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع دانشگاه
۱۱۲۷ جمهوری

ما می‌خواهیم متخصصینی در دانشگاه تربیت بشوند که برای ملت خودشان باشند، نه برای کشاندن دانشگاه به طرف شرق و یا به طرف غرب.

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سخنان امام
۱۱۲۷ جمهوری

دانشگاه باید به وسیله افراد متعهد اداره شود و [illegible] متحول گردد.

دانشگاه

تاریخ ۵۸/۲/۳ مخاطب [illegible] موضوع دانشگاهی

برادران دانشگاهی توجه کنید که شما را جدا نکنند از روحانیون، برادران روحانی توجه کنید که شما را جدا نکنند از دانشگاهی‌ها.

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سخنان امام
۱۱۲۷ جمهوری

مفسده‌ها نباید در دانشگاه باشد.

دانشگاه

تاریخ ۶۸/۳/۴ مخاطب استادان دانشگاه موضوع دانشگاه‌ها

دانشگاه‌های غربی به هر مرتبه‌ای هم که برسند، طبیعت را ادراک می‌کنند، طبیعت را مهار نمی‌کنند برای معنویت.

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سخنان امام
۱۱۲۷ جمهوری
دانشگاه

اگر یک دانشگاهی که به درد بخورد داشتیم در ایران اینقدر خون جوانهای ما ریخته نمی‌شد، این برای این بود که ما دانشگاه نداشتیم، هر که از دانشگاه بیرون آمده بود که پستی می‌گرفت و به مردم زور می‌گفت.

تاریخ ۶۲/۲/۱ ۱۱۲۷/جمهوری مخاطب ملت موضوع سخنان امام

دانشگاه

از دانشگاه است که می‌شود یک ملتی اصلاح بشود و از دانشگاه است که می‌تواند یک ملت به تباهی کشیده شود.

تاریخ ۶۲/۲/۱ ۱۱۲۷/جمهوری مخاطب ملت موضوع سخنان امام

دانشگاه

آنقدری که دانشگاهها هدف بوده است جاهای دیگر نبوده‌اند.

تاریخ ۶۲/۲/۵ ۱۱۳۰/جمهوری خطاب به جمعی از معلمین و کارگران سراسر کشور سخنان امام خمینی

دانشگاه

باید خودمان کوشش کنیم و خودمان جهاد کنیم، جهاد در دانشگاهها، در دانشکده‌ها، جهاد در کارخانه‌ها، کارگرها، جهاد در کشاورزی‌ها، در مدارس، جهاد در همه جا، جهاد در جبهه‌ها و جهاد در پشت جبهه‌ها، شیاطین همه این گروههائی که برای خدا قیام نکرده‌اند ممکن است نفوذ کرده باشند.

تاریخ ۶۲/۲/۱ ۱۱۲۷/جمهوری مخاطب ملت موضوع دانشگاه

ما از محاصره اقتصادی نمی‌ترسیم، ما از دخالت نظامی نمی‌ترسیم، آن چیزی که ما را می‌ترساند وابستگی فرهنگی است، ما از دانشگاه استعماری می‌ترسیم، ما از دانشگاهی می‌ترسیم که آنطور جوانهای ما را تربیت کند که خدمت به غرب و شرق بکند.

تاریخ ۶۲/۱/۱۰ ۱۵۹۷۵/اطلاعات مخاطب ملت موضوع سخنان امام

دانشگاه

همه می‌دانیم که تا قبل از انقلاب فرهنگی، در کنار مفاسد بیشماری که در دانشگاههای ما وجود داشت، یکی هم وجود تشریفات زرق و برقهای مطنطن اما توخالی بود.

تاریخ ۶۲/۲/۵ ۱۱۳۰/جمهوری خطاب به جمعی از معلمین و کارگران سراسر کشور سخنان امام خمینی

باید معلمین و مدرسین دانشگاهی و دانش‌آموزان با تصفیه و پیوند خودشان را قوی کنند.

دانشگاه

تاریخ ۶۲/۲/۱ ۱۱۲۷/جمهوری مخاطب ملت موضوع سخنان امام

آرامش دانشگاه از همه جا لازمتر است.

دانشگاه

تاریخ ۶۲/۲/۱ ۱۱۲۷/جمهوری مخاطب ملت موضوع سخنان امام

دانشگاه

خوف این را داشتند که مبادا دانشگاه یک دانشگاه اسلامی بشود تا اینکه دست شرق و غرب تا ابد از دانشگاه کوتاه بشود.

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سخنان امام
۱۱۲۷ / جمهوری

باید در دانشگاه همانطوری که علوم مادی تدریس می‌شود، علوم معنوی تدریس بشود.

دانشگاه

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سخنان امام
۱۱۲۷ / جمهوری

دانشگاهها بروند دنبال اینکه جوانهای ما را مستقل تربیت کنند که بفهمند خودشان یک فرهنگ دارند.

دانشگاه

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سخنان امام
۱۱۲۷ / جمهوری

ما و جمهوری اسلامی و اسلام پشتیبان دانشگاه است، پشتیبان دانشگاهیان است.

دانشگاه

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سخنان امام
۱۱۲۷ / جمهوری

~~مقدرات~~ مقدرات مملکت بعد از چندی به عهده این دانشگاهیان است.

دانشگاه

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سخنان امام
۱۱۲۷ / جمهوری

با اصلاح دانشگاه کشور اصلاح می‌شود.

دانشگاه

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سخنان امام
۱۱۲۷ / جمهوری

محتوای علمی دانشگاهها و فرهنگ کشور باید براساس محتوای اسلامی باشد.

دانشگاه

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سخنان امام
۱۱۲۷ / جمهوری

دانشگاه است که اداره امور کشور را می‌کند و دانشگاه است که تربیت نسل آتیه و حاضر را می‌کند و اگر چنانچه دانشگاه در اختیار چپاولگرهای شرق و غرب باشد کشور در اختیار آنهاست.

(دانشگاه)

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع دانشگاهی
۱۱۲۷ / جمهوری

کوشش آنها بیشتر برای اختلاف انداختن بین روحانی و دانشگاهی بوده است.

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سخنان امام
۱۱۲۷/ جمهوری
دانشگاه

بالاترین چیزی که دشمنهای کشورهای مستضعف و کشورهای اسلامی [illegible] بشریت انگشت رویش گذاشتند، دانشگاه است.

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سخنان امام
۱۱۲۷/ جمهوری
دانشگاه

استقلال کشور ما منوط به استقلال دانشگاهها و فیضیه‌هاست.

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سخنان امام
۱۱۲۷/ جمهوری
دانشگاه

ما می‌خواهیم دانشگاهی داشته باشیم که بعد از چند سال دیگر تمام حوائج خودمان را خودمان تحصیل کنیم.

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سخنان امام
۱۱۲۷/ جمهوری
دانشگاه

دانشگاه است که اداره امور کشور را می‌کند و دانشگاه است که تربیت نسل آینده و حاضر را می‌کند و اگر چنانچه دانشگاه در اختیار چپیها و گرایشهای شرق و غرب باشد کشور در اختیار آنهاست.

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سخنان امام
۱۱۲۷/ جمهوری
دانشگاه

دشمن برنامه‌اش این است که دانشگاه را از فیضیه جدا کنند.

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سخنان امام
۱۱۲۷/ جمهوری
دانشگاه

آنها می‌خواهند اسلام نباشد هر چه می‌خواهد باشد، می‌خواهند که تربیت اسلامی در دانشگاهها نباشد دیگر هر چه باشد مانعی ندارد، اینها می‌خواهند که دانشگاه و فیضیه با هم مرتبط نباشد.

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سخنان امام
۱۱۲۷/ جمهوری
دانشگاه

دانشگاه و فیضیه دست به دست هم بدهند و استقلال کشور خودشان را حفظ کنند.

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سخنان امام
۱۱۲۷/ جمهوری

دانشگاه است که اداره امور کشور را می‌کند و دانشگاه است که تربیت نسل آینده و حاضر را می‌کند و اگر چنانچه دانشگاه در اختیار چپ و گرایشهای شرق و غرب باشد کشور در اختیار آنهاست.

دانشگاه

تاریخ ۸۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سمنان (۱۸)
۱۱۲۷ / جمهوری

وقتی دانشگاه به تباهی کشیده شد اداره کشور به تباهی کشیده شد.

دانشگاه

تاریخ ۵۸/۲/۱۶ مخاطب دانشجویان شیراز موضوع دانشگاهها

شما دانشگاهها کوشش کنید انسان درست کنید، اگر انسان درست کردید مملکت خودتان را نجات میدهید. اگر انسان متعهد درست کردید انسان امین، انسان معتقد به عالم اگر انسان معتقد به انسان مؤمن بخوا[...] اگر این انسان در دانشگاههای شما رما تربیت شد مملکتتان را نجات میدهید.

تاریخ ۸۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سمنان (۱۸)
۱۱۲۷ / جمهوری

دانشگاه

ما دانشگاهی می‌خواهیم که ما را از وابستگی‌ها خارج کند، ما را مستقل کند.

تاریخ ۸۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سمنان (۱۸)
۱۱۲۷ / جمهوری

استاد دانشگاه

حتی اگر یک استاد هم منحرف باشد، ممکن است اثرش برای یک کشور چشمگیر باشد و جمعی از جوانان را منحرف کند.

تاریخ ۸۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سمنان (۱۸)
۱۱۲۷ / جمهوری

دانشگاه

ما می‌خواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم که از وابستگی فکری را که قدم بر همه وابستگی‌هاست و خطرناکتر از همه وابستگی‌هاست، نجات بدهد.

تاریخ ۶۱/۹/۲۹ مخاطب گروهی از اعضای جمع مستضعفین موضوع سمنان (۱۸)
۸۲۵ / آزادگان

آن چیزی که دانشگاه را بارور می‌کند که برای ملت مفید است برای کشور مفید است آن عبارت از آن محتوای دانشگاه است نه درس است.

دانشگاه

تاریخ ۸۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع سمنان (۱۸)
۱۱۲۷ / جمهوری

دانشگاه

ما می‌خواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم در خدمت خود ملت ما، در خدمت خود ایران.

تاریخ ۶۲/۲/۲۲ مخاطب سپاه پاسداران موضوع دانشگاه
۱۱۴۷ / جمهوری

بنی امیه قصد داشتند که اسلام را از بین ببرند و در رژیم گذشته نیز افرادی مثل یزید خلاف شرع می‌کردند و به اسم دروازه تمدن بنا داشتند که دانشگاهها را فاسد و مردم عادی را سرگرم به مسائل شهوانی کنند.

۲۷/۹/۱۳۵۹ مخاطب دانشجویان و طلاب موضوع دانشگاه

دانشگاه باید انسان ایجاد کند.

۱/۱/۱۳۵۹ پیام نوروزی امام (دانشگاه‌ها)

باید انقلابی اساسی در تمام دانشگاه‌های سراسر ایران بوجود آید تا اساتیدی که در ارتباط با شرق و غرب‌اند تصفیه گردند و دانشگاه ~~[illegible]~~ محیط سالمی شود برای تدریس علوم عالی اسلامی

۱/۱/۱۳۵۹ پیام نوروزی امام (دانشگاه)

باید از بدآموزی‌های رژیم سابق در دانشگاه‌های سراسر ایران شدیداً جلوگیری کرد. زیرا تمام بدبختی‌های جامعه ایران در طول سلطنت این پدر و پسر از این بدآموزی‌ها بوجود آمده است. اگر ما تربیت اصولی در دانشگاه‌ها داشتیم هرگز طبقه روشنفکر دانشگاهی نداشتیم.

تاریخ ۱۶/۴/۱۳۵۸ مخاطب دانشجویان اهواز موضوع دانشگاه

همه دانستید که از دانشگاه‌ها ~~[illegible]~~ چه دانشگاه‌های علوم جدید باشد و چه دانشگاه‌های علوم قدیم باشد از اینها انسان بیرون بیاید نه چهارپایی که دو سه شش کتاب هم خوانده‌اند.

تاریخ ۱۶/۶/۶۲ مخاطب .... موضوع دانشگاه

فیضیه و دانشگاه ما باید یک دانشگاه و یک فیضیه باشد برای همه دنیا

تاریخ ۱۳ آذر ۱۳۵۸ مخاطب دانشجویان شیراز موضوع دانشگاه

در رژیم سابق، شاید از همه جنایتها جنایت آنکه دانشگاه را بطور صحیح نگذاشتند عمل بکند، شاید از همه جنایتها بالاتر باشد.

۱۶/۴/۵۸ مخاطب: دانشجویان اهواز موضوع: دانشگاه

اگر دانشگاه ما درست نشود مدرسه‌های ما هم درست نشود

امید آنکه جمهوری اسلامی پیدا کنیم نداریم

حدود ۵۰ سال است که دانشگاه داریم

ولی چون خیانت کرده اند رشد نکرده

۱۶/۶/۶۲ اطلاعات دانشگاهها

ما هم دانشگاهمان و هم مدارس علوم دینیمان هر کدام از یک جهتی، نواقص زیاد داشت ونمی شد و نمی توانستند نواقص رارفع کنند. دانشگاه از جهت اینکه اصلاً اساسش اگر هم براین نبود که ایران رابه دامن قدرتهای بزرگ بیندازد، کم کم به آن قضیه کشیده شد و جوانهای عزیز ما را آن اشخاصی که مأموربودند به نحوی که آنها میخواستند تبلیغ و تربیت می کردند و بعد هم میفرستادند به خارج و آنها رویشان کارمی کردند و بعدهم که می‌آمدند بسیاریشان اصلاً با دیانت به کلی مخالف بودند و بسیاریشان هم بودند که اگرهم مخالف نبودند، نمی‌توانستند کاری انجام دهند. در هرصورت دانشگاه وضعش این بود مدارس علمی که ما حالا ازش رویهم رفته تعبیرمیکنیم به فیضیه، این از جهات دیگر ناقص بود، آنجا را مستقیماً نیامدند مثل دانشگاه تصرف بکنند و نتوانستند بکنند- آنها با همهٔ سختیها در دوران رضاخان که سختیها زیادبود تحمل کردند و راه خودشان را ادامه دادند و زمان بعدهم همینطورلکن ما محصور شده بودیم در یک کتابهاو دریک عقائد خاصی، کتابها از حیث تعلیم و تعلم غالباً از طهارت و تجارت و صلاة غالباً تجاوز نمیکرد، علوم قضائی و حدود و دیات و اینها از علوم غریبه بود، البته مشایخ نوشته‌اند همه را مستقصانوشتند، لکن در حوزه‌ها از باب اینکه این امورخارج بود از حیطهٔ عمل آنها قضاوت دست آنها نبود. حدود ودیات وقصاص و اینها عملی نبود از این جهت آنها مورد بحث واقع نمیشد و ما محصورشده بودیم در کتابها، در باب تعلیم و تعلم به همان مقدار و از آنطرف درعین حالیکه خارجیها و عمال آنها تصرف مستقیم نداشتند در حوزه‌ها، لکن یک تبلیغات خاصی انجام گرفته بود در سالهای طولانی که باید حوزه‌ها از اموراجتماعی و سیاسی به کلی مبراباشد و اسم سیاست را نمی‌توانستیم در حوزه‌های علمیه ببریم و امورمسلمین و چیزهائی که مربوط به جامعهٔ مسلمین است در حوزه‌ها بحثی ازش نبود. بحمدالله امروز که ما از آن قیدوبندها رهایی پیداکرده‌ایم باید توجه به این معناداشته باشیم که امروز حوزه‌ها با دیروز حوزه‌ها فرق دارد؟

x این تربیت دانشگاهی و طبقه جوان را حفظ کنید. «جمعه ۲/۶/۵۸»

x مقدرات مملکت شما بسیار جدی به عهده این دانشگاهها است.

«جمعه ۲۳/۶/۵۸»

x دانشگاهها وظایف اسلامی را عمل کنند. «۵شنبه ۲۹/۶/۵۸»

x فعالیتهای اسلامی در دانشگاهها از سایر جاها مهمتر است، چون از دانشگاهها باید انسانها درست بشوند و بعدهم مقدرات مملکت با دست همینهاست که از دانشگاهها بیرون می‌آیند و مشغول فعالیت میشوند.

«۵شنبه ۲۹/۹/۵۸»

x دانشجویان عزیزی که پیشروان انقلاب بودند، ان‌شاءالله کسانی هستند که مقدرات کشور بعد از این در دست آنهاست.

«۲۹/۹/۵۸»

x دانشگاهها و دانشجویان و صاحبان افکار صحیح، نویسنده‌ها، و روشنفکران ایرانی نه غربی، نویسندگان اسلامی نه غربی، باید در یک مدت طولانی تصفیه بشوند.

«۵/۱۰/۵۸»

x دانشگاهها اگر علاقه به اسلام دارند، اگر به کشورشان علاقه دارند، جوانها را تربیت صحیح بکنند، از این غرب‌زدگی نجاتشان بدهند.

«۱۷/۱۰/۵۸»

× اگر دانشگاه‌ها، درست نشود، و مدرسه‌های ما، هم درست نشود، امید اینکه یک جمهوری اسلامی ما پیدا بکنیم نداریم.

«دوشنبه ۱۶/۴/۵۸»

× کوشش کنید که هر قدمی که برای علم برمی‌دارید، برای عمل ظاهری و برای اعمال باطنی ایجاد تقوی در خودتان، ایجاد استقامت، امانت در خودتان بکنید، که وقتی از دانشگاه ان‌شاالله بیرون می‌آیید یک انسانی باشید که هم معلومات داشته باشید و هم امانتدار باشید، برای معلوماتتان هم امانتدار باشید، و هم تزکیه نفس کرده باشید. نفس خودتان را مهار کرده باشید.

«دوشنبه ۱۶/۴/۵۸»

× عمده این است که از دانشگاه‌ها، چه دانشگاه‌های علوم جدید باشند و چه دانشگاه‌های علوم قدیمه باشند، چه مقدرات یک مملکت دست این دو قشر (۱) است، از اینها انسان بیرون بیاید، نه چهارپایی و بر دوشش کتابی چند.

«دوشنبه ۱۶/۴/۵۸»

× شماها، ذخائر این مملکت هستید، جوانید، دانشجو هستید، ذخیره این مملکت هستید، طوری بکنید که این ذخیره‌ها، برای مملکتتان مفید واقع بشود و خودتان را اصلاح بکنید، تا ان‌شاالله یک انسان‌های متعهد، صحیح‌العمل، امین، کشورتان دست خودتان و خودتان اداره‌اش بکنید.

«دوشنبه ۱۶/۴/۵۸»

× هم روحانی باید با دانشگاهی، دوست و برادر باشد و هم دانشگاهی با روحانی تا این دو قدرت متفکر بتوانند مملکت خودشان را حفظ کنند.

«جمعه ۲۴/۶/۵۸»

۱. قشر روحانی و قشر دانشگاهی.

× یکی از چیزهای مهم این است که مدارس ما از آن مدارس ابتدائی تا دانشگاه مدارس تربیتی بشود، مدارسی باشد که یک انسان مستقل در آن‌ها بار بیاید بدون پیوند با دیگران و با اجانب، مستقل و متکی به نفس بار بیاید و معتقد به مبانی اخلاقی و مبانی اسلامی، اگر این مسئله حل بشود باید بگوئیم در آتیه هم پیروزیم و مملکت تا آخر مملکت مستقلی است که تحت فشار دیگران خارج شده است و مال خودمان می‌باشد و باید خودمان اداره‌اش کنیم.

ـ جمعه ۱/۴/۵۸ ـ

× برادران دانشگاهی توجه کنید که شما را جدا نکنند از روحانیون.

ـ پنجشنبه ۱۴/۴/۵۸ ـ

× نگذاشتند دانشگاه صحیح برای این مملکت درست بشود. پنجشنبه ۱۴/۴/۵۸ ـ

× اینها روی حساب غرض‌ورزی دانشگاه را باید چطور نگذارند عمل کند، مدارس علمی را به چه نحو نگذارند کار کنند.

ـ پنجشنبه ۱۴/۴/۵۸ ـ

× من امیدوارم دانشگاه ما تبدل معنوی پیدا بکند، یک تحول پیدا کند همانجوری که بسیاری از چیزها در این نهضت تحول پیدا کرد.

ـ پنجشنبه ۱۴/۴/۵۸ ـ

× ما هیچ چیز نداشتیم، نه شما دانشگاه داشتید، نه ما مدرسه علمی، همه در دست آنها بود، همه برای آنها بود.

ـ پنجشنبه ۱۴/۴/۵۸ ـ

اینها از اصلاح دانشگاه می‌ترسند، اینها می‌ترسند که در دانشگاه یک آدمی پیدا بشود که یک وقت مشت بزند بر دهانشان

«سه‌شنبه ۲۵/۳/۵۸»

اینها می‌خواهند دانشگاه را نگذارند آدم درستی پیدا بشود و شما جدیت کنید که آدم پیدا بشود

«سه‌شنبه ۲۵/۳/۵۸»

شما جدیت کنید که این اشخاصی که حالا افتاده‌اند توی دانشگاه‌ها و دارند فساد می‌کنند، خودتان بیرونشان کنید.

«سه‌شنبه ۲۵/۳/۵۸»

دانشگاه‌ها تحت تأثیر اشخاصی که افساد می‌کنند نروند. «سه‌شنبه ۲۵/۳/۵۸»

کوشش کنید نگذارند دانشگاه آن طوری که باید دانشگاه باشد انجام وظیفه کنند.

«یکشنبه ۲۴/۳/۵۸»

اگر یک دانشگاه صحیح ما داشته باشیم، با یک جبهه روحانی به تمام معنا روحانی درست باشیم، نخواهد اجازه داد به اجانب که همه حیثیت یک مملکت را از بین ببرند.

«شنبه ۵/۴/۵۸»

مدارس ما مدارسی بود که بواسطه دستهای ناپاکی که در آنجا بود نمی‌گذاشتند بچه‌ها رشد کنند یک محیطی شده بود که سبب می‌شد جوانهای ما بدبار بیایند.

«جمعه ۱/۴/۵۸»

- اگر دانشگاه را ما سست بگیریم و از دست ما برود، همه چیزمان از دستمان رفته است.

دوشنبه ۲۲/۳/۵۸

- با قدرت جلو بروید و با قدرت دانشگاه را خودتان اصلاح کنید.

دوشنبه ۲۱/۳/۵۸

- دانشگاه‌ها را نگذاشتند، دانشگاه اسلامی باشد، دانشگاه انسانی باشد.

سه‌شنبه ۲۳/۳/۵۸

- دانشگاه ما مرکز آدم‌سازی باید باشد.

۴ شنبه ۲۵/۳/۵۸

- دانشگاه هم باید خودش را اصلاح کند.

۵ شنبه ۲۵/۳/۵۸

- نقش دانشجو که متعهد برای اسلام است و خودش را برای اسلام داده و فعالیت برای اسلام کرده، حالا بیدار باشد که یک عده معدودی توی این دانشگاه‌ها دارند می‌روند و نمی‌خواهند اسلام پیدا بشود، نه اینکه می‌خواهند دانشگاه درست بشود، خیر، آنها از درست شدن دانشگاه می‌ترسند.

۴ شنبه ۲۵/۳/۵۸

مسئولیت دانشگاه پس بیشتر از سایر قسمتها است، برای اینکه آنها کارشان مهمتر است.

دوشنبه ۲۱/۳/۵۸

اگر از دانشگاه پس آدمهای اسلامی بیرون بیاید، آدمهائی که نسبت به مردم محبت داشته باشند بیرون بیاید مملکت را اصلاح می‌کنند، بخلاف این که اگر آدمهائی باشند که بخواهند بمردم مطالب را تحمیل و مردم را اذیت کنند، ایجاد وحشت و رعب کنند مملکت به فساد کشیده میشود.

دوشنبه ۲۱/۳/۵۸

معلمی را که می‌بینید کمونیست است، بیرونش کنید از دانشگاه.

سه‌شنبه ۲۲/۳/۵۸

دانشگاه را تشویق کنید که راه بیفتد.

سه‌شنبه ۲۲/۳/۵۸

اگر این دانشگاهمان اداره نشود، کارمان زار است.

سه‌شنبه ۲۲/۳/۵۸

تمام مسائل بدست دانشگاه است.

سه‌شنبه ۲۲/۳/۵۸

دانشگاه، روحانی، همه مقدرات مملکت در دست اینهاست.

سه‌شنبه ۲۲/۳/۵۸

دانشگاهی، دانشجو، چه دانشجوی قدیمی، چه دانشجوی جدید، همه مسائل توی دست اینها باید حل بشود، اینها توده متفکر ملت هستند.

سه‌شنبه ۲۲/۳/۵۸

باید مدارس، مدارس اسلامی باشد. جمعه ۲۱/۳/۵۸

نقش دانشگاه در هر کشوری ساختن انسان است. شنبه ۲۱/۳/۵۸

ممکن است از دانشگاه انسانی خارج شود که یک کشور را نجات بدهد. ممکن است یک انسان درست بشود که کشوری را به هلاکت بکشاند.
شنبه ۲۱/۳/۵۸

مقدرات هر کشوری بدست دانشگاه و آنهائی که از دانشگاه بیرون می‌آیند هست.

شنبه ۲۱/۳/۵۸

دانشگاه بزرگترین مؤسسه مؤثر در کشور بوده و بزرگترین مسئولیتها را هم دانشگاه دارد.

شنبه ۲۱/۳/۵۸

اجانب بوسیله عمالشان دانشگاههای ما را عقب نگه داشتند و با اصطلاح استعماری درست کردند.

شنبه ۲۱/۳/۵۸

دانشگاه را به صورتی درآوردند که اشخاصی که از آنجا خارج میشوند بدرد همان خارجی‌ها بخورند.

شنبه ۲۱/۳/۵۸

آن قدر از غرب و پیشرفت آن تبلیغات کردند که جوانهای ما را در دانشگاه غربی بار آوردند.

شنبه ۲۱/۳/۵۸

دانشگاه مرکز سعادت و در مقابل شقاوت یک ملت است.

«دوشنبه ۱/۳/۵۸»

دانشگاه خوب یک ملت را سعادتمند میکند.

«دوشنبه ۱/۳/۵۸»

دانشگاه غیر اسلامی، دانشگاه بد یک ملت را به عقب میزند.

«دوشنبه ۱/۳/۵۸»

آنچه که در اسلام مطرح است، اموال نیست، مادیات نیست، معنویات است که باید از دانشگاه به همه اقشار سرایت بکند.

«دوشنبه ۱/۳/۵۸»

دانشگاه باید یک مرکز درست کردن انسان باشد.

«دوشنبه ۱/۳/۵۸»

دانشگاه مبداء همه تحولات است.

«دوشنبه ۱/۳/۵۸»

از دانشگاه سعادت یک ملت و در مقابل سعادت، شقاوت یک ملت سرچشمه میگیرد.

«دوشنبه ۱/۳/۵۸»

جدیت بکنید دانشگاه را درستش کنید.

«دوشنبه ۱/۳/۵۸»

دانشگاه را اسلامیش کنید.

«دوشنبه ۱/۳/۵۸»

شما دانشگاهیها کوشش کنید که انسان درست کنید. اگر انسان درست کردید مملکت خودتان را نجات میدهید.

«دوشنبه ۱/۳/۵۸»

«دانشگاه ـ مدارس»

× دولت باید درست توجه بکند که کسانی را که انتخاب می‌کند برای دانشگاه‌ها یا برای مدارس، معلمینی را که انتخاب می‌کند آنها برای تربیت اطفال ما اینها باید همه متحول بشوند، از حال سابق و کسانی که سابق در خدمت اشخاص بیگانه بودند یا در خدمت طاغوت بودند، حالا نبایستی بچه‌های ما را به عقب برانند.

«۴شنبه ۱ر۱ر۵۸»

× دانشگاه‌های پیوسته باید به دانشگاه‌های مستقل مبدل بشود.

«۱شنبه ۱۲ر۱ر۵۸»

× حفظ خانواده مهم است.

«پنجشنبه ۶ر۲ر۵۸»

× می‌خواهند نگذارند که از دانشگاه آدم بیرون بیاید.

«پنجشنبه ۱ر۳ر۵۸»

× تمام توجه ما به این باشد که نقش دانشگاه‌ها و نقش مدارس قدیمه همگام گردند و باهم جوش بخورند.

«پنجشنبه ۱ر۴ر۵۸»

× یکی از کارهائی که در سالهای طولانی کردند این بود که دانشگاهی را که عضو مهم در هر کشوری است از روحانیت که عضو مهم در کشور ماست ازهم جدا کنند.

«پنجشنبه ۱ر۲ر۵۸»

تاریخ ۲۴/۲/... مخاطب ملت ایران موضوع دانشجو

برادران دانشگاهی توجه کنید که شما را جدا نکنند از روحانیان

برادران روحانی توجه کنید که شما را جدا نکنند از دانشگاهیان

تاریخ ۲/۲/۵۸ مخاطب دانشجویان دانشگاهها موضوع ... دانشجویان

آیا شما نشسته اید که چهار تا کمونیستی بیایند در دانشگاه و قبضه کنند دانشگاه را؟ شما که شکر کمتر از آنها هستید؟ بحمدالله شما بیشتر از آنهاست. جمعیت شما بالاتر از آنهاست.

تاریخ ۱/۶/... مخاطب ... موضوع دانشجویان

تحصیل آموزشهای غربی و شرقی دانشجویان

باعث وابسته شدن جامعه ما به ابرقدرتها

تاریخ ۴/۲/۵۸ مخاطب دانشجویان ... موضوع دانشجویان

اگر حیثیت شما ساختید خودتان را و مقابل انسانی زاد خودتان را رشید دار کردید آن وقت در همه مراحل پیروز هستید. مملکتتان را می توانید نجات بدهید.

تاریخ ۲۲/۲/۵۸ مخاطب دانشجویان دانشگاه ... موضوع ... دانشجو

این دو قطب دانشگاهی و روحانی مقدرات مملکت، تو مشت اینهاست

تاریخ ۲۱/۶/۶۰ مخاطب ... موضوع دانشجو

آزادگان

اگر این دو جناح متحد بشوند کار این کشور اصلاح میشود و آن جناح جناح روحانی و جناح دانشگاهی است

تاریخ ۱۳/۸/۶۰ مخاطب دانشجویان ... موضوع دانشجویان

اینانند (دانشجویان) که هدف اصلی استعمار و استثمارگران هستند

تاریخ ۱/۸/۶۰ مخاطب دانشجویان ... موضوع دانشجویان

اصلاً آنان (دانشجویان) اساس ملتها و کشورها ... تباهی و استضعاف کشیده میشوند.

. ۱۱ / ۵ / ۵۹ مخاطب ... موضوع ... دانشجو

شما دو قشر (طلاب و دانشجویان) باهم ارتباط داشته باشید

تاریخ ۹ / ۶ / ۱۳۵۹ مخاطب دانشجویان ... موضوع دانشجو ......

دو گروهی (علم و دانشجو) که اگر اصلاح شود یک مملکت اصلاح میشود.

تاریخ ۱۶ / ۵ / ۱۳۵۹ مخاطب علیه ... موضوع دانشجو

مسلمین باید از این جوانها که از این جوانها که از ایران در خارج هستند چه در انگلستان و چه در دیگر جاها و چه در آمریکا هستند تشکر کنند و آنها را هم ...

تاریخ ۱۷ / ۳ / ۱۳۵۹ مخاطب اساتید و دانشجویان موضوع دانشجو و روحانی

ائتلاف این دو قشر (روحانی و دانشجو) یعنی ائتلاف همه ملت

تاریخ ۱۶ / ۸ / ۱۳۵۷ مخاطب ملت ایران ... موضوع دانشجویان ..

من از دانشجویان عزیز که در راه اسلام و کشور خونهائی داده اند و در مقابل شاه یاغی که کرده ایستاده و او را محکوم کرده اند تشکر میکنم.

تاریخ ۱ / ۲ / ۱۳۵۹ مخاطب انجمن اسلامی دانشگاه موضوع دانشجو ......

ما میخواهیم اگر چنانچه ملت ایران در مقابل غرب ایستاد جوانهای دانشگاه ما هم در مقابلش بایستند.

ما میخواهیم که اگر ملت ما در مقابل کمونیسم ایستاد تمام دانشگاههای ما هم در مقابل کمونیسم بایستند.

تاریخ ۱۶ / ۴ / ۱۳۵۸ مخاطب دانشجویان ایران موضوع دانشجو ......

کوشش کنید که هر قدمی برای علم برمیدارید برای عمل ظاهری و ایجاد تقوی هم استقامت در خودتان نیز بیشتر برود. دانشگاه انشاالله از دانشگاه بیرون میآیند یک انسانی باشید که هم معلومات داشته باشد و هم امانت دار باشید و هم تزکیه نفس کرده باشید.

تاریخ ۱۶ / ۴ / ۱۳۵۸ مخاطب دانشجویان ایران موضوع دانشجویان ......

همانطور که شما دنبال یادگرفتن باشید ولی همراه باید تربیت صحیح و تزکیه نفس باشد و فدرحتی خواهید ...

تاریخ ۵۸/۲/۱۶ مخاطب دانشجویان شیراز موضوع ... داشجو ......

این مسئولیت بزرگ یعنی سعادت ملت را شما (دانشگاهیها)

وما (روحانیون) باید بیمه کنیم قشر روحانی و قشر دانشگاهی

سعادت ملت را شما باید بیمه کنید.

تاریخ ۶۲/۱۱/۲۰ مخاطب پیام ۲۲ بهمن موضوع دانشجویان ......

جوانان عزیز ما که سرمایه های میهن هستند

باید بدانند که رفتن به غرب و شرق برای آموختن

علوم مختلف آنان را از رسیدن به مقصد که استقلال

و آزادی است باز می دارد و وابسته شان خواهد

نمود

تاریخ ۱/۲/۵۸ مخاطب دانشجویان اهواز موضوع دانشجویان ......

شما ذخائر این مملکت هستید جوانید دانشجو هستید

طوری بکنید که این ذخیره ها برای مملکتتان مفید

واقع بشوید خودتان را اصلاح کنید انشاءالله انسانهای

متعهد و صحیح العمل و راستین باشید

تاریخ ۵۸/۲/۲۱ مخاطب دانشجویان دانشگاه پلیس موضوع دانشجویان

آنقدر از غرب و پیشرفت آن تبلیغ کردند که جوانهای ما را

در دانشگاه غربی بار آوردند. و مغزهای جوانان ما را

شستشو کردند، و جای مغزهای انسانی و ایرانی، غربی

گذاشتند.

تاریخ ۵۸/۲/۲۵ مخاطب اقشار مختلف مردم موضوع دانشجو

قشر دانشجو که متعهد برای اسلام است و خونش را برای اسلام

داد و فعالیت برای اسلام کرد، حالا بیدار باشد که یک عده

معدودی توی این دانشگاهها دارند میروند و نمی خواهند اسلام

پیدا بشود، نه اینکه نمیخواهند دانشگاه درست بشود، خیر

(تحریف شده مأمور) اینها از درست شدن دانشگاه می ترسند.

تاریخ ۶۲/۲/۱ مخاطب ملت موضوع دانشجویان

۱۱۲۷ حمیده

طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاهها باید دقیقاً

روی مبانی اسلام مطالعه کنند و شعارهای گروههای

منحرف را کنار بگذارند.

۱/۱/۱۳۵۹ پیام نوروزی امام (دانشجو)

طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاهها باید دقیقاً روی مبانی اسلامی مطالعه کنند و شعارهای گروههای منحرف را کنار بگذارند و اسلام عزیز راستین را جایگزین تمام کج اندیشیها نمایند

۱/۱/۱۳۵۹ پیام نوروزی امام (دانشجو)

امیدوارم که همه طبقات ملت به خصوص این دو طبقه (طلاب و دانشجو) محترم در این سال جدید از توطئه ها و دسیسه ها غافل نباشند و با وحدت کلمه توطئه های شوم را باطل کنند.

۱۳۶۰/۱۰/۲۱ مخاطب مهمانان خارجی [illegible] موضوع دانشگاهی (دانشجو)

اگر دو جا هم مستحکم شده کارهای کشور اصلاح می‌شود و آن دو جا روحانیت و جامعه دانشگاهی است

۱/۱/۱۳۵۹ پیام نوروزی امام (دانشجو)

دانشجویان عزیز از راه اشتباه روشنفکران دانشگاهی غیرمتعهد دوری گزینید و خود را از سردرگمی [illegible]

تاریخ ۷/۱۰/۵۹ مخاطب نهضت سوادآموزی موضوع فرهنگ مستقل

باید برنامه درازمدت فرهنگ وابسته کشورمان را به فرهنگ مستقل و خودکفا تبدیل کنیم.

تاریخ ۲/۲۲ ذیحجه ۱۴۰۴ مخاطب .... موضوع فرهنگ بیگانه زدگی

فرهنگ بانک فرهنگی نیست که بتواند این مملکت را اداره کند

تاریخ ۱۰/۱/۶۲ مخاطب ملت ایران موضوع فرهنگ

۱۶۹۲۵ اطلاعات

مجلس و ملت و متفکران متعهد باید این حقیقت را باور کنند و اصلاح فرهنگ و از آن جمله اصلاح مدارس از دبستان تا دانشگاه را جدی بگیرند و با تمام قوا در سد راه انحراف بکوشند.

تاریخ ۱۷ آذر ۶۱/۱۰/۱۷ مخاطب بسیج جهت سوادآموزی موضوع رهنمود امام (فرهنگ)

تاریخ ۵۸/۱/۰۷ —

ما باید در برنامه درازمدت فرهنگ وابسته کشورمان را به فرهنگ مستقل و خودکفا تبدیل کنیم.

تاریخ ۲۹/۹/۶۱ مخاطب گروهی از اعضاء بسیج مستضعفین موضوع فرهنگ

۸۲۵ آزادگان

آن چیزی که ملتها را می سازد فرهنگ صحیح است.

امام خمینی

تاریخ ۲۲/۳/۶۸ مخاطب پاسداران و سربازان زاهدان موضوع ضد فرهنگ

فرهنگ باید یک فرهنگ اسلامی باشد، و از این فرهنگ وابسته و استعماری بیرون بیاید، ~~.........~~ باز.

تاریخ ۱۰/۱/۶۲ مخاطب ملت موضوع انقلاب فرهنگی

۱۶۹۲۵ اطلاعات

همه می دانیم که تا قبل از انقلاب فرهنگی، در کنار مفاسد بیشماری که در دانشگاههای ما وجود داشت، یکی همین وجود تشریفات و زرق و برقهای مطنطن آنان توخالی بود.

تاریخ .... مخاطب .... موضوع ...فرهنگ...

... جناح بودند. این دو جناح نیستند از هر چیزی جدا ... موجب مخالفین ما بودند، مخالفین اسلام بودند یکی جناح روحانیت یکی جناح فرهنگ.

تاریخ ۲۰/۳/۵۸ مخاطب وزیر امور خارجه ترکیه موضوع ... فرهنگ ...

جوانهایی که در این فرهنگ (اسلامی) تربیت میشوند همان هائی هستند که مقدرات کشور در دست آنهاست اگر اینها درست بار بیایند همه خدمتگزار به مردم، امین به بیت المال، و همه اینها در تحت رهبری اسلام تحقق پیدا می کند.

تاریخ ۲۰/۳/۵۸ مخاطب وزیر امور خارجه ترکیه موضوع ...فرهنگ....

ما باید ~~[illegible]~~ فرهنگمان تابع اسلام باشد.

تاریخ ۲۰/۳/۵۸ مخاطب وزیر امور خارجه ترکیه موضوع ..فرهنگ اسلامی

مقتضای تربیت یک ملت به این است که فرهنگ آن ملت فرهنگ صحیح باشد. شما کوشش کنید که فرهنگ را، فرهنگ مستقل اسلامی درست کنید.

تاریخ ۸/۳/۵۸ مخاطب کارکنان هما ایران موضوع ..فرهنگ...

باید فرهنگ، فرهنگ اسلامی باشد.

تاریخ ۲۰/۳/۵۸ مخاطب وزیر امور خارجه ترکیه موضوع فرهنگ اسلامی

خطر ما به اقتصاد نیست آنقدر خطری که هست، خطر ما به فرهنگ اسلامی است که این فرهنگ اسلامی را از ما جدا کردند.

تاریخ ۱/۱/۶۰ مخاطب پیام نوروزی امام موضوع انحراف فرهنگ

با انحراف فرهنگ کشور به انحراف کشیده میشود.

تاریخ ۱۹/۳/۵۸ مخاطب گروهی از کارکنان آبادان موضوع ...فرهنگ....

در رأس همه چیزها فرهنگ است، فرهنگ ما که حالا میشود گفت، از اولی که وجود پیدا کرد، این مدارس وجود پیدا کرد از اول آن مخالفین ما توجه به آن داشتند برای اینکه آنها (مخالفین) می دانستند که هر چه بشود از فرهنگ باید پیدا بشود.

تاریخ ۶۰/۷/۲۶ مخاطب مدیران آموزش و پرورش موضوع آموزش و پرورش و فرهنگ

جمهوری اسلامی

مسئله فرهنگ و آموزش و پرورش در راس مسائل کشور ما است

تاریخ ۶۱/۲/۱۰ مخاطب اعضای ستاد انقلاب فرهنگی موضوع ستاد انقلاب فرهنگی

ستاد انقلاب فرهنگی باید بماند

تاریخ ۵۸/۳/۲۱ مخاطب اعضای شورای مرکزی ... موضوع فرهنگیها ...

دو جناح است که بیشتر از هر چیزی مورد توجه مخالفین اسلام بود یکی جناح روحانیت یکی جناح فرهنگ.

تاریخ ۶۰/۱/۱۷ مخاطب پیام به مناسبت آغاز سال تحصیلی موضوع فرهنگ

جمهوری اسلامی

اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل میدهد. با انحراف فرهنگ هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است

تاریخ ۶۰/۳/۲۲ مخاطب اعضای ستاد انقلاب فرهنگی موضوع انقلاب فرهنگی

بعد از انقلاب آنهائی که به کشور خدمت و به اسلام علاقه داشتند انقلاب فرهنگی و انقلاب دانشگاهها را خواستند

تاریخ ۶۰/۱/۱ مخاطب پیام به مناسبت نوروز [illegible] موضوع انقلاب فرهنگی

ستاد انقلاب فرهنگی لازم است با کوشش فراوان و اندیشه گروههای متعهد و متخصص کار خود را به نتیجه رسانده و در باز شدن دانشگاهها در این سال حد اعلای توان خود را بکار برند.

تاریخ ۶۱/۷/۲۰ مخاطب ... موضوع فرهنگ

فرهنگ ما فرهنگ استعماری است، فرهنگی است که درست کرده‌اند آنها برای ما، دیکته کرده‌اند، نمیگذارند که این جوانهای ما تحصیل بکنند. اینها نمیگذارند که ما رشد کنیم.

تاریخ ۶۰/۲/۲۴ مخاطب [illegible] موضوع انقلاب فرهنگی ..

همه متفکران از اساتید دانشگاه و غیر آنها با هم توجه کنند و همکاری کنند با این هیئت اصلاح فرهنگی و ستاد انقلاب فرهنگی تا اینکه یک دانشگاهی ما پیدا بکنیم که لبریز از علم باشد لبریز از تخصص باشد و آرام باشد

تاریخ ۵۷/۸/۲ مخاطب ملت و گروهی در پاریس موضوع فرهنگ ...

یک ملتی احتیاج به فرهنگ دارد، ملت با فرهنگش میتوانند تا [...] سیاسی [...]

تاریخ ۵۸/۱/۱۸ مخاطب مستضعفین مبارزه با [...] اعضای سوس اسلامی جهاد موضوع فرهنگ استعماری

مسئله فرهنگ، یکی از آن مسائل مهمی است که ایران به آن مبتلا بوده است چرا که فرهنگ ایران را یک فرهنگ استعماری کردند.

تاریخ ۵۷/۸/۱۱ مخاطب خبرنگار تلویزیون رادیو ۲ موضوع فرهنگ ...

فرهنگ ما فرهنگی است که با دستور دیگران شاه تحمیل کرده است و مدارس ما، مدارس فرهنگی ما غالباً بشکل نیمه تعطیل است یا تعطیل و در وقتی هم که اشتغال داشته باشند دستور این است که اینها را عقب نگهدارند.

تاریخ ۵۷/۷/۱۹ مخاطب .... موضوع فرهنگ ما

فرهنگ ما، فرهنگ استعماری است ما باید فرهنگ خودمان را داشته باشیم این فرهنگها، فرهنگهائی هستند که نمیگذارند بچه‌های ما با فرهنگ بزرگ بشوند.

تاریخ ۶۱/۷/۳۰ مخاطب .... موضوع فرهنگ (استقلال)

ما باید با تمام وجود به استقلال فرهنگی برسیم.

استقلال فرهنگی پایه و اساس کشوری آزاد و مستقل است.

شما فرهنگ ایران اسلامی است که نجات بخش کشور و ملتمان باشد.

به فرهنگ غنی ایران اسلامی تکیه کنید و مطمئن باشید که پیروزی از آن شماست.

تاریخ ۶۰/۸/۱ مخاطب جهت هفته سوادآموزی موضوع [illegible] فرهنگ ملت

ما باید در برنامه دراز مدت فرهنگ وابسته کشورمان [illegible] را به فرهنگ مستقل و خودکفا تبدیل کنیم.

تاریخ ۵۹/۳/۷ مخاطب سپاه پاسداران موضوع انقلاب فرهنگی

شما اگر بخواهید انقلاب اسلامی و انقلاب فرهنگی در ایران پیاده کنید باید این انقلاب اول از باطن خودتان باشد.

تاریخ ۱۵/۴/... مخاطب پاسداران اندیمشک موضوع فرهنگ غربی

هر چه بر سر این ملت آمد از این فرهنگ غربی آمد.

هر انحرافی که برای جوانهای عزیز ما پیدا شد به واسطه این فرهنگ غربی بود

× فرهنگ باید یک فرهنگ اسلامی باشد و از این فرهنگ وابسته و استعماری بیرون بیاید. «سه‌شنبه ۲۲/۳/۵۸»

× فرهنگ را نگذاشتند ترقی بکند. «جمعه ۱/۴/۵۸»

× مدارس و فرهنگ ما را که عقب نگه داشتند، نگذاشتند که یک فرهنگ صحیح باشد مترقی باشد.

«دوشنبه ۱۲/۹/۵۸»

× باید در فرهنگ به این توجه بشود که خودتان را پیدا کنید. «دوشنبه ۱۹/۹/۵۸»

× آن مستشاری که می‌آید اینجا و می‌خواهد فرهنگ درست کند، نمی‌خواهد برای ما فرهنگ درست کند، این می‌خواهد برای ما یک فرهنگ غربی درست کند، تا در خدمت غرب باشد.

«دوشنبه ۱۹/۹/۵۸»

× مسئله فرهنگ، یکی از آن مسائل مهمی است که ایران به آن مبتلا بوده است، چراکه فرهنگ ایران را یک فرهنگ استعماری کردند، و مغزهای جوانان ما را به طرف غرب سوق داده بودند.

«۵/۱۰/۵۸»

× فرهنگ وابسته کشورمان را به فرهنگ مستقل و خودکفا تبدیل کنیم.

«۷/۱۰/۵۸»

×

× اگر فرهنگ یک فرهنگی باشد که انسان متعهد و معتقد به ماوراء الطبیعه بار آورد، معتقد به این که اگر اعمال از دیگران باشد مسئولیت دارد، اگر دزدی باشد مسئولیت دارد. این انسان است که می‌تواند مملکت را حفظ کند، و اگر در مقابل یک خیانت تمام چیزها را به او بدهند زیر بار نمی‌رود

«سه‌شنبه ۱/۳/۵۸»

× کلید سعادت و شقاوت یک ملت ریشه فرهنگها است.

«سه‌شنبه ۱/۳/۵۸»

× باید فرهنگمان تابع اسلام باشد.

«جمعه ۲۰/۳/۵۸»

× ضامن تربیت یک ملت به این است که فرهنگ آن ملت فرهنگ صحیح باشد.

«جمعه ۲۰/۳/۵۸»

× کوشش کنید که فرهنگ را، فرهنگ مستقل اسلامی درست کنید.

«جمعه ۲۰/۳/۵۸»

× باید فرهنگ، فرهنگ اسلامی باشد.

«جمعه ۲۰/۳/۵۸»

× اگر ما موفق بشویم به این که فرهنگمان یک فرهنگ اسلامی بشود، مدارسمان یک مدارس اسلامی بشود، و افرادی که از آن تحقق پیدا می‌کنند، و افرادی که تربیت می‌شوند در آن فرهنگ و در این مدارس انسان متعهد، انسان امین است، انسان رحیم است

«جمعه ۲۰/۳/۵۸»

«شغلی که فرهنگیها دارند چه فرهنگیهای علوم قدیمه، و چه فرهنگیهای سایر علوم، آدم سازی است. اگر ما آدم بسازیم مملکت ما نجات پیدا می‌کند.»

«پیشوا ۱/۲/۵۸»

«همیشه از فرهنگ اشخاص بزرگ قیام می‌کنند، اشخاصی که ملت ما را می‌توانند نجات بدهند و کشور را می‌توانند آباد کنند و دنیا و آخرت ملت را می‌توانند تعمیر کنند.»

«پیشوا ۱/۲/۵۸»

«فرهنگ یک کارخانه آدم سازی است» «پیشوا ۱/۲/۵۸»

«برای فرهنگیان مسئولیت بسیار است، هر چه شغل عظیم باشد، مسئولیت به همان مقدار بزرگ و عظیم است. مسئولیت تمام مقدراتی که برای کشوری پیش می‌آید، مسئولیت تمام انسانهائی که باید انسان بشوند، مسئولیت تربیت تمام جوانهائی که زیر دست آنها هستند، همه به عهده آنان است. مقدرات مملکت بدست همین هاست که از فرهنگ بیرون می‌آیند.»

«پیشوا ۱/۲/۵۸»

«فرهنگ مثل سایه‌ای است از نبوت، فرهنگی‌ها سایه‌ای هستند از انبیاء، این سایه باید آن طوری که صاحب سایه عمل می‌کند، عمل کند.»

«پیشوا ۱/۲/۵۸»

«آنهائیکه می‌خواهند ممالک شرق تحت نفوذشان باشد، و آن ممالک را بچاپند، به این دو جناح حمله کردند: به جناح علمای مذهب، و به جناح فرهنگیان.»

«پیشوا ۱/۲/۵۸»

فرهنگ

× فرهنگ باید متحول بشود. — ۴ شنبه ۱۵/۱/۵۸

× فرهنگ استعماری، فرهنگ استقلالی بشود.

— ۴ شنبه ۱۵/۱/۵۸

× فرهنگ باید متحول بشود به یک فرهنگ سالم، به یک فرهنگ مستقل، و یک فرهنگ انسانی.

— ۴ شنبه ۱۵/۱/۵۸

× مدارس، و فرهنگ، ما را استعماری کردند.

— ۱ شنبه ۵/۱/۵۸

فرهنگ‌ها باید متبدل بشود.

— ۱ شنبه ۱۲/۱/۵۸

× فرهنگ اساس ملت است، اساس ملیت یک ملت است.

— شنبه ۱/۲/۵۸

× نگذارید برای اینکه ما با فرهنگ موافقیم، فرهنگ ما را استعماری قرار بدهند و نگذارند رشد بکنیم.

— شنبه ۱/۱/۵۸

× مدارس و فرهنگ باید متحول بشود. — چهارشنبه ۱۲/۲/۵۸

× علمای اسلام با فرهنگیان شغلشان شغل واحد است و این شغل، شریف‌ترین شغل‌ها و مشکل‌ترین شغل‌هاست. شریف‌ترین شغل‌هاست برای اینکه شغل انسان‌سازی است، همان شغلی که همهٔ انبیا برای آن آمده‌اند.

— شنبه ۱/۲/۵۸

شماره مسلسل ....

کلیدواژه ....

ماخذ ، تاریخ جمهوری ... ۶۲/۵/۴
۱۲۰۲

بخش اطلاعات و تحقیقات اجتماعی واحد تحقیق و جمع آوری :

انقلاب فرهنگی پرداخته بشود وجـود دارد وروشن شدن آن مسئله که همراه باروشن شدن رابطهٔ دولت باستاد خواهد بود بمقدارزیادی مسئله مدیریت رامشخص خواهد کرد منتها دره کنار این مسئله آنچه کـه مـن خدمت خـواهران وبـرادران میتوانم دررابطه بانقش جهاد دانشگاهی دردانشگاهها عرض بکنم ایـن مـوضوع است کـه درآیـنده بـاپیشرفتی کـه دانشگاهـها خـواهند کـرد و گسترش کـمی و کـیفی کـه خواهند داشت اگـر بـخواهد ارزش‌های اسلامی دردانشگاهها گسترش داشته باشد.

دربـحثهای مـختلف چـه درحرکتهای دانشجوئی چـه درکادر کارکنان چه دربرنامه‌ها و محتوای آموزشی دانشگاهها مامجبور هستیم تکیه خودراروی همان نهادهای مردمی وانقلابی خودمان داشته باشیم اینطور نیست که آنطورمسائل یعنی استمرارارزشهای انقلابی دریک نهاد توسط دستورالعمل‌هـا ونوشتن‌هـــــاواخطارها وایـنطورچیزها بتواند وجـود داشته باشد. درآیـنده طـبیعی است کـه انجـمنهای اسلامـی وبـرادران حـزب دردانشگاهها وجهادهای دانشگاهی درحقیقت بزرگترین نقش رادرایـن زمـینه خـواهند داشت و مـا نمـیتوانیم ازایـن نقـش درآیـنده صرفنظر کـنیم مـمکن است مـا یـک تصورراحت‌تری درمورد مدیریت دانشگاه داشته باشیم اگر فکر کـنیم خـوب بـود جـهـاد دانشگـاهی‌ای درکـار نبود. یـاواحدهـای دانشجوئی کـمتر درمسئله مـدیریت دخـالت میداشتند یا نظر میدادند وامثال اینها. ولی حقیقت ایـن است کـه اگر دانشگاه بخواهد بصورت یک نهـادی کـه درآن ارزشهـای اسلامی موج میزند وبـرای نظـام هم سرنوشت دانشگـاه اهـمیت دارد طـبیعی است کـه درهـمین لـحظه فعلی مـا نمـیتوانیم بـه سرنوشت جـهـاد دانشگـاهی، انجـمنهای اسلامـی وبـصورت خـاص تـرآن واحـد دانشجوئی حزب جمهوری اسلامی بی اعتنا باشیم وارزش لازم را بـه ایـن نهـادها ندهـیم مـابه جهـاد دانشگاهی به این دید نگـاه مـی

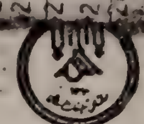
کنیم که وقتی بصورت یک نهاد دردولت پذیرفته ونهاد انقلابی نامیده شد درست نقطه نظرها معطوف به نقشی بود که درآینده درقبـال مسائل بـسیار بـسیار پـیچیده وظـریف و عـمیق دانشگاهـها ونهـادهـای انقلاب مـــــــــــیتوانند در داخـل دانشگـاهـها داشته باشند. در آینده طبیعی است که با این نقطه نظر پیش خواهد رفت راجع به شرح وظائف جهاد دانشگاهی می‌شود این مسئله را گـفت ، هـمانطور کـه تـمام نهادهای انقلاب با توجه به قانون اساسی جمهوری اسلامی که این هـم چون پای‌آن ریخته شده و در حقیقت چکیده و حاصل انقلاب اسلامی ماهست ، این نهادهـای انقلاب اسلامی با دولت بر اساس چهار چوبهائی که قـانون اساسی عنوان مـی کـند پـیوند پـیدا می کند رابطه جهاد دانشگاهی و دولت باید کاملا تـعیین شود و روشن گردد یعنی ما هیچ قدرت اجرائی بـدون اینکه اتصال بـا دولـت پـیدابکند در نظـــام جـمهوری اسلامـی نداریم یـک موقع است کـه دولت مـا خـدای نکرده مـنحرفست و در راستای ارزشهای انقلاب اسلامی حرکت نمـی کـند در اینصورت طـبیعی است کـه مجلس آنرا مـنحل و ساقـط مـیکند کـه جـمهوری اسلامـی حکومتی است مـورد رضای خدا و برای اسلام تشکیل شده و برای آنکه قـوانین قـرآنی پیاده بشود در این ارتباط دلـیل ندارد تصور کنیم دولت یـکطرف قرار میگیرد و نهادهای دیگر در سوی دیگر قرار مـیگیرند قـانون اساسی و آنچه شورای نگـهبان روی آن تاکید میکند ایـن است که چتر قـوه مـجریه روی هـر چیزی کـه جـنبه اجرائی داشته باشد در جامعه و بـنحوی اتـصال پیدا کند با درآمدهـای عـمومی کشور گـسترده میشود و بـرای همین تبیین نقش متقابل دولت و نهادهای انقلابی بسیار مهم است و بـرای جهاد دانشگـاهی هم بهمین ترتیب است.

در مورد نهادهای انقلابی باید بگوئیم ارتباطات تک تک آنها با دولـت در حـال تـعیین است قبلا نحـوه ارتـباط سپـاه روشن شد، اساسنامه سپاه و مـوقعیت وزیـر سپاه و فرماندهی سپاه هر کـدام روشن گردید با اینکه فـرماندهی سپاه زیر نظر ولی فقیـه است کـه فرمانده کل قوا میباشد با اینهمه بصورت ظـریفی ایـن مـسئله بـه دولـت هم پیوند و ربـط پـیدا میکند بخاطر آنکه نظام مـا یـک نظام الهی است از طرف دیگر بر مـیگردیم بـه جـهـاد سازندگـی می‌بینیم برای آنها مجلس قـدم پیش گـذاشته است و بـرادران جهاد فعـالیت کـرده‌اند ودولـت هم درایـن زمـینه فعـالیتهـایی صورت داده است تا نقطه اتـصال جهـاد بـا دولـت روشن شود و بصورت وزیر جهاد پیشنهاد شده که مورد تائید مجلس است و مجلس نیر بـدنبال هـمین بـوده است.

ادامه دارد

۱۷

کلیدواژه: حزب جمهوری اسلامی (۱)



شماره مسلسل

ماخذ ، تاریخ: جمهوری ۶۲/۵/۴ ۱۲۰۲

بخش اطلاعات و تحقیقات اجتماعی واحد تحقیق و جمع آوری

بسم‌الله الرحمن الرحیم

با تشکر از کلیه برادران و خواهرانی که در اینجا تشریف آورده‌اند فکر می‌کنم خوب است بحث را به نکات مبتلا به شما برگردانیم.

درمورد مسائل دانشگاهها باید گفت طبیعی است با حرکتی که در دانشگاهها هست و ما به سمت بازگشایی و نوگشایی پیش میرویم، درصدر مسائل دولت جمهوری اسلامی قرار گرفته باشد ممکن است اینگونه مسائل در روزنامه‌ها انعکاس چندانی نداشته باشد ولی اگر واقع‌بینانه به مسئله نگاه کنیم خواهیم دید هرنوع تصمیم‌گیری در رابطه با دانشگاهها در حال حاضر اثرات بلندمدتی بر سرنوشت دانشگاهها و انقلاب اسلامی ما می‌تواند داشته باشد.

نکته‌ای که بسیار در ارتباط با دانشگاهها مهم است و می‌تواند به بحث ما مربوط شود این است که در دو سال گذشته دانشگاهها بعلت بسته بودن به فعالیتهایی کشیده شده‌اند که اشاره خواهم کرد، خود آنها مفید و خوب بوده است و کشیده شدن به آن نوع فعالیتها برای انقلاب ما ضروری بوده است ولی در عین حال این مسئله باعث شده است که ما تشکل‌های دانشجویی در رابطه با مسائل اقتصادی سیاسی کشور نداشته باشیم به این معنی که الان فرض کنید جهت‌گیری‌های اقتصادی، سیاسی کشور در حال تبیین است و ما در این جهت پیش میرویم و در این دو سال دانشگاه بصورت نیرویی داوری کننده و دخالت‌کننده و کمک‌کننده وجود نداشته است

از مسائلی که در رابطه با مدیریت و دانشجویان در داخل دانشگاهها هست به این موضوع بر میگردد که بنظر میرسد در سطوح دانشگاهها دانشجویان بیش از آنچه برون‌نگر باشند و به مسائل کلی جامعه هم نگاه بکنند درگیر مسائل داخلی و صوری شکلی دانشگاه مانده‌اند، این وضع خیلی طول نمی‌کشد که بهم می‌خورد و بمحض آنکه مدتی از بازگشایی دانشگاهها گذشت طبیعی است که بعد از حل مسائل مربوط به مدیریت و جهاد دانشگاهی و امثال اینها دانشگاه از درون خودش به مسائل بیرونی متوجه خواهد شد و درست در این نقطه است که ما به ارزیابی نقش انجمن‌های اسلامی و برادران حزبی در دانشگاهها میپردازیم. به اعتقاد ما این نقش بسیار حساس است و اگر این دید را نسبت به آینده نداشته باشیم قضاوت در وضع فعلی خیلی کار درستی نبوده و واقع بینانه به نظر نمی‌رسد.

در حال حاضر آنچه که در دانشگاهها میگذرد رابطه انجمن‌های اسلامی و تشکل های دانشجویی با مسائل داخل دانشگاهها معطوف به یک جریانات گذراست و عمق ندارد و این مسئله بسیار مهم است.

جا دارد که در محیطهای دانشجویی مخصوصاً مجامع خواهران و برادران حزبی نسبت به آینده فکر بشود و به این وضعیت گذرا گرچه از وضعیت موجود هم بی‌تفاوت نمی‌توان گذشت

در مورد تحولات قبل و بعد از انقلاب فرهنگی در دانشگاهها صحبت بسیار شده است و روزنامه جمهوری اسلامی هم اگر خاطرتان بیاید روزهای اول انقلاب فرهنگی مطالبی را در این رابطه نوشت و بعد هم نسبت به این مسئله حساس بوده است و محیطهای دانشجویی حزب جمهوری اسلامی نیز نسبت به این قضیه حساس بوده‌اند.

از دستاوردهای مهم انقلاب فرهنگی این است که دانشگاهها درراستای حرکت توده‌های مستضعف ما قرار گرفتند ملت ما پول میداد و دانشگاهها با پول آنها شکل می‌گرفت و قوام می‌یافت و می‌بایست حاصل این دانشگاهها بنفع همین مستضعفین محرومین و مسلمانها به کار گرفته می‌شد. نتیجه انقلاب فرهنگی این بود که دانشگاهها در این راستا قرار گرفتند و اینطور نیست که حرکت توده‌های مستضعف مردم مسلمان در یک سمت باشد و حرکت دانشگاهها به بهانهٔ دمکراسی و آزاد اندیشی و روشنفکری و نظائر آن در یک جهت دیگر سوق پیدا کند این یکی از دستاوردهای بسیار مهم دانشگاههای ما است و بدون این برخورد قاطع و گسترده‌ای در سطوح دانشگاهها صورت گرفت یعنی حرکت انقلاب فرهنگی امکان نداشت و امام امت به اهمیت این مسئله واقف بودند و تاکید کردند و بیش از هر فرد دیگری بعنوان رهبر انقلاب این مسئله را تثبیت کردند. در حال حاضر وقتی دانشگاهها باز می‌شوند که در ذهنیت جامعه و دانشجویان و بخش‌های اجتماعی و اقشار ما گنجیده است که دانشگاهها ادامه نظام و بخشی از آن است. اینطور نیست که بصورت یک واحد مخالف در غیر راستای نظام جمهوری اسلامی بخواهد حرکت کند و این دستاورد همانند در راستا بودن بخش های دیگر جامعه برای ما اهمیت زیادی دارد.

دانشگاهها می‌توانستند بصورت کانون‌های بحران باقی بمانند و پایگاههای خوبی برای قدرتهای بزرگ مثل آمریکا، شوروی و چین و منافقین و حرکتهای مزورانه باشند که بر علیه انقلاب اسلامی میخواست جریان پیدا کند.

درس روشنی که برای آینده دانشگاهها با توجه به انقلاب فرهنگی وجود دارد اینست که نظام این مسئله را حل کرده و غیر ممکن است که بگذارد دانشگاه دوباره به آن حالت سابق برگردد.

برای آنکه دانشگاهها به این شکل باقی بمانند نقش انجمن‌های اسلامی و خواهران و برادران حزبی در دانشگاهها و نقش جهادهای دانشگاهی می‌توانند تبیین گردد.

ما در آینده کوششهایی را شاهد خواهیم بود که احیاناً بخواهند باز هم بین دانشگاه و ملت جدائی بوجود بیاورند و یا بخواهند این حرکت را که آغاز شده منحرف کنند و طبیعی است که در چنین مرحله‌ای وقتی یک نظام از ملتی جدا هست به وسائل خشونت باری متوسل می‌شود و با نیروی قهریه با مخالفین برخورد می کند ما در نظام پیشین شاهد این نوع برخوردها بودیم و در جهان شاهد این نوع درگیری ها هستیم این برخوردها باعث ایجاد تنش هایی میشود که یقیناً بنفع هیچ رژیمی نمی‌تواند باشد.

آنچه برای ما مطرح است این است که کنترل نظم و جهت‌گیری و سمت‌گیری دانشگاه و گرایشات سیاسی دانشگاه از درون خود آنها با ادامه‌ای که ملت در دانشگاه پیدا کرده تعیین و تبیین بشود و کنترل گردد و این برای ما بسیار مهم است.

یعنی ما دانشگاه را بصورت یک جزء جدا و منفک از اجتماع در نظر نمی‌گیریم که کاری کند بقیه جامعه و دولت، به انفعال بیفتد بلکه اگر دانشگاه را یک بخشی از جامعه بدانیم انتظار داریم همانطور که انقلاب در هر نقطه کشور با مکانیزم های بسیار ظریفی از خوددفاع میکند و مسائل خود را حل میکند چه درروستا و چه در شهرها و چه در بخشهای مختلف اجتماعی. چه در جبهه‌ها. در این ارتباط هم مسائل دانشگاه در درون دانشگاه توسط خود آنها باید حل شود.

اگر نظام به کمک دانشگاه می‌آید و اگر دولت به کمک آنها می‌آید و تمام تشکیلاتی که در نظام جمهوری اعم از نهادهای قانونی مثل قوه مجریه، مقننه و قضائیه و انتظامی به کمک می‌آید اینها بعنوان جزئی از کل حرکتی می‌باشد که در جامعه اتفاق می‌افتد و دانشگاه هم بخشی از آن است این برای ما بسیار مهم است.

راجع به تحولات فرهنگی و آموزشی و امثال اینها من فکر میکنم بحث میتواند باز و گسترده باشد که برایش وقت دیگری باید در نظر گرفت و صحبت نمود.

انتظاری که ما از دانشگاهها در آینده داریم.

اولاً اگر درست در صحبتهای ما دقت کنید صحبتهایی که در دوسال گذشته شده دقیقاً این مسئله را بیان نموده است واقعاً دانشگاهها میتوانند یک بالی از دو بال پرواز جامعه ما بسمت رشد و تعالی و علو و پیشرفت و مبارزه با استکبار جهانی در کنار حوزه باشند ما در جامعه خودمان برای اداره جامعه بشکلی که الگوئی برای تمام مستضعفان جهان بتواند بشود و بتواند پیشرفت کند و بتواند با پیچیده‌ترین مسائل قرن حاضر برخوردبکند احتیاج به ذهن‌های خلاق و مبتکر داریم و طبیعی است که این ذهن‌ها در دانشگاهها خلاق و مبتکر می‌شوند و رشدمی کنند اداره کشور در آینده توسط نیروهایی خواهد بود که در دانشگاهها ساخته میشوند. غیر از اینکه خودحرکتهای دانشجوئی با برخورداری از نیروی عظیم معنوی و نیروی کمی نسبتاً قابل توجه خودنقش تعیین کننده‌ای دارند.

به این دلیل وقتی به دانشگاهها درآیندهٔ نظام خودمان نگاه می‌کنیم بعنوان یک نهاد تاثیر گذارنده بر سرنوشت کلی انقلاب و این مجموعه نگاه می‌کنیم. این مسئله بسیارمهم است. به مثبت بودن آن باین دلیل اطمینان و ایمان داریم که این حرکت در کنارحرکتهای دیگر جامعه و حرکت حوزه صورت می‌گیرد و باید به آن توجه کنیم.

مسئله مدیریت که به این حساسیت مطرح است را بطورخلاصه میتوان به این صورت بیان نمود که کلاً در ۵الی۶ماه گذشته در رابطه با مدیریت بحثهای گوناگونی صورت گرفته است که یکی از تصمیم‌گیری‌های مهمی که دراین رابطه انجام پذیرفت در خدمت امام مطرح شد و با بحثها و گفتگوهایی که ایشان داشتند و رهنمودهایی که دادند و بعد کارهای دیگری که روی آن انجام شد این بود که ستاد انقلاب فرهنگی و وزارت آموزش عالی وظائف خود را شناختند و متنی توسط ستادانقلاب فرهنگی برای شیوهٔ مدیریت در سطح دانشگاهها نوشته شد. بعضی قسمتهای این متن با آنچه که توسط مسئولین تصویب شده بود مغایرت داشت البته اختیاراتی را دراین رابطه به ستادانقلاب فرهنگی داده بودیم طرح نهائی اشکالاتی داشت که سطح مدیریت دانشگاهها مسائلی ایجادمی‌کرد و بعد از آن، بحث جهاد دانشگاهی در دانشگاهها و نقش آن در مدیریت و بحثهایی که دراین ارتباط مطرح شد منجر به آن شد که برادران به هیئت دولت مراجعه نمودند وبعد از بحثهای زیاد در هیئت دولت ما برای اینکه قدمی جلو گذاشته باشیم جهاد دانشگاهی را بعنوان یک نهاد انقلابی اعلام کردیم. ولی آئین‌نامه‌ای که نشان دهندهٔ چگونگی ارتباط جهاد دانشگاهی با مدیریت و وزارت آموزش عالی باشد تا بحال تنظیم نشده و این بخاطر بحثهای متنوعی است که دراین زمینه طرح گردیده است.

اینکه این کارها بسرعت صورت نگرفته بخشی از آن بدین علت است که هنوز تصویری روشن از آیندهٔ دانشگاه بشکلی که بتوان بطور قطعی دربارهٔ این مسائل تصمیم‌گیری نمود وجود ندارد.

این مسئله بسیار مهم است والبته بعضی تصمیم گیریها خیلی قاطعیت ندارد وخطوط روشنی که بتواند همه چیز رافیصله بدهد درآن وجود ندارد.

اخیراً بحثی دررابطه باستاد انقلاب فرهنگی وتقویت آن مطرح است وطبیعی است که امیدواریم که ستاد انقلاب فرهنگی تقویت بشود وروابطش باوزارت فرهنگ وآموزش عالی و دولت تبیین بشود تا بتوانیم دربارهٔ مدیریت روشن ترصحبت نمائیم.

ستاد انقلاب فرهنگی نهادی است که تعیین شده وتایید شده ازطرف ولایت فقیه است والان باوضعیتی که پیش آمده بعضی برادران که دررابطه باستاد انقلاب فرهنگی بوده‌اند اشتغالاتی داشته‌اند ونتوانسته‌اند درستاد انقلاب فرهنگی شرکت بکنند وضرورت اینکه یک مقداری دوباره به ستاد

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ، تاریخ پیام انقلاب ۶۲/۳/۲۱
۸۶



عنوان: انقلاب فرهنگی

موضوع: ....

«آرشیو»

نمائیم، یعنی به‌دانشجو ملاکهای ارزشی در روابط جامعه اسلامی را آموخته و از این طریق به‌آنان هویتی اسلامی بخشیم، تا علاوه برساختن قشر دانشگاهی متدین بتوانیم با الگو قرار دادن آن بخش عظیمی از جامعه را تحت تاثیر قرار داده ومتحول سازیم.

● دانشجو، محیط، استاد و محتوای دروس، چهار عامل اصلی

ستاد انقلاب فرهنگی اگر چه به‌عوامل چهارگانه فوق تاکنون عنایت داشته است، معذلك محور اساسی فعالیتش را محتوای دروس قرار داده است لازم به‌تذکر است که ستاد می‌بایست بیش از پیش به‌عوامل فوق‌الذکر بها بدهد و درجهت اسلامی نمودن عوامل فوق برنامه‌ریزی نماید، **چرا که هرگز محتوای دروس به‌تنهائی قادر به‌تغییر بنیادی فرهنگ منحط سابق دانشگاهی نخواهد شد،** اگر نیك بنگریم خواهیم یافت که عمده فعالیت رژیم منحط و معدوم سابق منحرف ساختن استاد و

● دنیای استعمار از دانشگاه بعنوان قرنطینه‌ای جهت زدودن فرهنگ اسلامی از اذهان و قلوب جوانان استفاده می‌نمود

دانشجو از طریق محیط و فعالیتهای دانشجوئی! بود. و کمتر دروس دانشگاهی می‌توانست آنهمه اثرات مضر را پدیدآورد، و لذا ما نیز می‌بایست باهرچه اسلامی‌تر نمودن محیط، استاد، دانشجو و فعالیتهای دانشجوئی، انقلاب فرهنگی را متحقق‌سازیم.

● گزینش آموزگاران متعهد و مسلمان:

پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند، «العلم فی‌الصغر کالنقش فی‌الحجر» (علم در کودکی مانند نقش در سنگ است)، لذا وزارت آموزش و پرورش علاوه بر سایر مسئولیتهای خطیری که بعهده دارد بایستی عنایت خاصی به دبیران و استادان و بویژه آموزگاران دورهٔ ابتدائی نمایند، چرا که امروز گروهکهای ضد انقلاب از آنجائیکه قدرت کادرسازی و تبلیغات راندارند، برای کادرسازی و تبلیغات خود روی به آموزگاری آنهم در دورهٔ ابتدائی می‌آورند، تا از خامی، نادانی و از آمادگی کودکان برای فراگیری مسائل (چه‌خوب و چه بد) دارند سوء استفاده کرده و مسائل منحط فکری و فرهنگی و توطئه‌آمیز خود را بر ذهن و قلب صاف و بی‌آلایش کودکان نقش بندند و به‌عنوان نیروهای بالقوه‌ای در خدمت آنان درآید. بویژه آنکه کودکان دورهٔ ابتدائی به آموزگاران خود همچون ملائکه و فرشته‌ای می‌نگرند که معصوم است و از هرگونه خطا و اشتباه علمی، عملی و زبانی، مصونیت کامل دارد، باتوجه به‌چنین روحیه‌ای است که مسئولیت آموزش و پرورش در پذیرش آموزگاران دورهٔ ابتدائی بمراتب از سایر مسئولیتها خطیرتر می‌گردد.

بهر حال با تمامی کوششها و تلاشهای دلسوزانه‌ای که ستاد انقلاب فرهنگی تاکنون انجام داده است باید اعتراف نمود که برای رسیدن به هدفهای مورد نظر راه درازی در پیش است و این مهم به‌همکاری سایر نهادها محتاج است، اما جا دارد که ستاد انقلاب فرهنگی مشخص نماید که تاکنون در زمینهٔ‌وظایف و اهداف خود چه اقداماتی انجام داده است؟ و هم اکنون به‌چه چیزی اولویت می‌دهد؟

والسلام

شماره ردیف



عنوان : انقلاب فرهنگی .

شماره مسلسل پیام انقلاب ۶۲/۳/۲۱ ۸۶ ص «آذرخش»

موضوع : ....

«انقلاب بدون پایه فرهنگی همچون جسم بی‌روح، سرد منجمد و ایستا خواهد بود

را با سرعت هرچه تمامتر دنبال نماید. لذا لزوم ایجاد انقلاب فرهنگی را همگی و بویژه قشر دانشگاهی متعهد و مسلمان با الهام از فرمایشات حضرت امام باقر (ع) درک کرده بودند، براین اساس با یک برنامه حساب‌شده علیرغم ایستادگی و مقاومت گروهکها دانشجویان حزب‌اللهی باهمیاری و پشتیبانی مردم دانشگاهها را بتصرف درآوردند و دفاتر و مراکز توطئه‌ها را تخطئه نمودند.

امام امت بنابر لزوم انقلاب فرهنگی در نظام آموزش عالی و نظام آموزش عمومی و بطور کلی در کل نظام جمهوری اسلامی، طی فرمانی حکم به تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی نمودند. که مطلع آن چنین است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

«مدتی است ضرورت انقلاب فرهنگی که امری اسلامی است و خواست ملت مسلمان میباشد اعلام شده است و تاکنون اقدام مؤثر اساسی انجام نشده است و ملت اسلامی و خصوص دانشجویان باایمان متعهد، نگران هستند و نیز نگران اخلال توطئه‌گران که هم‌اکنون گاه آثارش نمایان میشود و ملت مسلمان و پایبند به‌اسلام خوف آن دارند که خدای نخواسته فرصت از دست برود و کار مثبتی انجام نگیرد و فرهنگ همان باشد که در طول مدت سلطه رژیم فاسد کارفرمایان بی‌فرهنگ این مرکز مهم اساسی را در خدمت استعمارگران قرار داده بودند که از دست‌آوردهای دانشگاه بخوبی ظاهر می‌شود که جز معدودی متعهد ومؤمن‌که علیرغم خواسته‌دانشگاهها در خدمت کشور اسلام بودند دیگران جز ضرر و زیان چیزی برای کشور ما بار نیاوردند و ادامه این فاجعه که مع‌الاسف خواست بعضی گروههای وابسته به‌اجانب است ضربه‌ای مهلك به‌انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد و تسامح در این امر حیاتی خیانت عظیم براسلام و کشور اسلامی است»

پس‌از تأیید وفرمان‌امام، ستاد انقلاب‌فرهنگی‌برای دستیابی به‌اهداف و مسئولیتهای زیر فعالیت نمودند.

اهداف ستاد انقلاب فرهنگی

۱ـ تعیین خط‌مشی فرهنگی جامعه بطورکلی و بویژه خط‌مشی و نظام آموزشی کشور و تعیین اهداف و جهت آموزش

۲ـ تهیه و تدوین نظام آموزشی کشور برای دوره قبل از ابتدایی تاسطح آموزش‌عالی درچهارچوب خط‌مشی تعیین‌شده

۳ـ ادغام و انحلال بعضی از مؤسسات آموزش عالی موجود و تاسیس دانشگاههای جدید

۴ـ بررسی و تعیین محتوای کتب و برنامه درسی دانشگاهها در جهت اهداف جمهوری اسلامی

۵ـ بررسی کادر علمی و کمبود کادر عملی واداری

۶ـ تغییر فرم و محتوای آموزش عالی و متوسطه

۷ـ جذب نیرو در هنگام تعطیل دانشگاهها، اجرای پروژه‌های مختلف وارائه خدمات به‌جامعه

۸ـ تنظیم رابطه بین پذیرش دانشجو و برنامه‌ها در مناطق روستایی بطوریکه دانشجو عملاً آماده شود تا بعد از فراغت از تحصیل در خدمت رفع نیازهای مبرم و حیاتی قرار گیرد.

جامعه و انقلاب فرهنگی:

هدف اولیهٔ ستاد انقلاب فرهنگی، ایجاد یك انقلاب‌فرهنگی به‌مفهوم تمامی کلمه در سطح جامعه است و مسئولیت این ستاد صرفاً در دانشگاه و نظام آموزش عالی کشور خلاصه نمی‌شود، لذا باید ستاد در جهت هرچه مردمی کردن انقلاب فرهنگی گام برمی‌داشت، البته چنین تحول عظیمی را هرگز عدهٔ معدودی قادر به‌انجامش نیستند بلکه بایستی تمامی دست‌اندرکاران و مسئولین این امر مهم را پیگیری بنمایند، چرا که منابع‌فرهنگی یك ملت از خانواده، کودکستان، مدرسه ابتدایی وراهنمایی و دانشگاهی و نهادهای انقلابی و مجلس و دولت و ائمه‌جمعه و جماعت و مسجد و رادیو و تلویزیون ومطبوعات ونویسندگان و مؤلفان و.... را در برمی‌گیرد، به‌دیگر سخن، انقلاب فرهنگی آنگاه موفق است که بتواند کل سیستم آموزشی‌کشور را منقلب سازد.



● آمیختن دانشگاهی بامردم:

ستاد انقلاب فرهنگی بایستی طرح وبرنامه‌ای را به‌مرحله اجرا بگذارد که توسط آن بتواند فواصل فیمابین مردم عامی و قشر دانشگاهی را برطرف سازد، یعنی مردم احساس کنند که قشر دانشگاهی نه برتر بلکه عین آنان و از خودشان است و همچنین بشکلی دانشجویان را تربیت و تعلیم نمایند که هرگز به‌علم و سواد خود مغرور نشوند و احساس کنند که از آن مردمند و خدمتگذار آنان که خوشبختانه تشکیل نمازجمعه در دانشگاه زمینه مساعدی برای این مهم است.

● تعلیم آداب و رسوم اسلام فقاهتی:

گاه باید شیوه را از دشمن آموخت، یعنی دشمن در دانشگاهها سعی می‌کرد که اسلام‌زدائی نماید، ما نیز برای مقابله با چنین موجی بایستی غرب و شرق‌زدائی نمائیم و آداب و رسوم اصیل اسلام را جایگزین سایر آداب و رسوم استعماری

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ، تاریخ: پیام انقلاب ۶۲/۳/۲۱ — ۸۶



«آرشیو» ص ۳

عنوان: انقلاب فرهنگی.

موضوع: ....

امام خمینی:

تسامح در این امر حیاتی (انقلاب فرهنگی) خیانت عظیم بر اسلام و کشور اسلامی است

علمیه و از سوی دیگر نشر و بسط فرهنگ منحط و انسان‌کوب غربی و شرقی، جامعه ما را از لحاظ فرهنگی بی‌ماهیت و محتوی ساخت.

در راس تمامی این تلاشها، سعی در ایجاد قشر جدید خود باخته بی‌ماهیت و بی‌محتوائی بود که بتوانند از آن بعنوان پل استعمار و استحمار واستثمار سود جویند، پلی که بتوانند برای اولین فرهنگ، آداب و رسوم منحط غربی و شرقی و فحشاء را در آنجا آزمایش و به معرض عموم بگذارند تا به مثابه سرچشمه فساد، فحشاء، میکروبهای فکری و فرهنگی فحشاء را به‌سایر نقاط و اقشار مردم انتقال دهد، براین‌اساس اقدام به‌ایجاد مراکزی بنام دانشگاه نمودند که نوعا به‌منظور بسط و گسترش اهداف فوق بوجود آمده بود. فعالیتهای این مراکز آنچنان مؤثر واقع شد، بطوریکه درمدت کوتاهی جامعه ایران ارزشهای متعالی و انسان‌ساز اسلامی خود را فراموش کرده بود و با جذب ارزشهای پست غرب به‌ورطهٔ نابودی و بی‌هویتی سقوط کرده بود، دانشجویان هرگز در کنار علم به تحصیل کیفیت روابط اجتماعی و آداب و رسوم نمی‌پرداختند، بلکه بالعکس در جهت کسب و درك روابط اجتماعی منحط غرب و شرق می‌پرداختند و چون عروسکان خیمه‌شب‌بازی، شکلك جوانان اروپائی را درمی‌آوردند.

اگر بپذیریم که شخصیت هر فرد در جامعه، تجلی فرهنگ، آداب و رسوم، و ارزشهای موجود در آن جامعه است، باید اعتراف کرد که با جذب و کسب فرهنگ، آداب و رسوم، و نحوهٔ زندگی، ملاکهای برخورد، و معنویت اجتماعی دنیای غرب، توسط مردم و بویژه قشر دانشگاهی، جامعه ما را تهی از شخصیت، هویت و ارزشهای مستقل فکری، فرهنگی نموده بود.

● محصولات دانشگاه قبل از انقلاب

دانشگاه برای دنیای استعمار بعنوان قرنطینه‌ای شده بود تا فرهنگ اصیل اسلامی را از صفحه اذهان و قلوب دانشجویان بزداید و بجای آن عناصری بی‌هویت و بدور از مردم و دردهای جامعه بیافرینند تا نه‌تنها همگام با مردم گام برندارد بلکه به موقع لزوم بعنوان ستون پنجم دشمن در دل امت شروع به‌فعالیت نمایند. بی‌هویتهائی که با نام دکتر، مهندس، تکنیسین و... از دانشگاه خارج می‌شدند، نوعاً بیسوادانی بودند که حتی قادر به انجام جراحیهای سادهٔ پزشکی و یا ساختن وسائل سادهٔ صنعتی نبودند و سر تاپای معلومات آنان خلاصه می‌شد در داروهای مُسکن و حداکثر تعمیر ومونتاژ محصولات صنعتی دنیای غرب، ارقام ارسال بیمارانی که احتیاج به‌جراحی (که در اروپا از متداولترین جراحیها محسوب می‌شود) دال برصحت گفتار فوق است و این حقیقتی است که بسیاری از متخصصین ما به‌آن معترفند. روشن است که دانشگامی که صرفا بعنوان قرنطینه و اسلام‌زدائی خلق شده است و هرگز بنایش ترویج علم و دانش نبوده است، حاصلی جز آن نمی‌توانست داشته باشد، نگاه‌کوتاهی به قشر تحصیلکرده و خودباخته صحت گفتار فوق را روشن می‌سازد.

دکترها و متخصصین ما بجای آنکه به‌دردهای مردم رسیدگی کنند، بخاطر غرور و بی‌هویتی خود برخوردشان با بیماران و ارباب رجوع نوعاً برخوردی تندخویانه است. از جناب آقای دکتر سؤال نکن چون عصبانی میشود، هرچه گفت فوراً یادداشت و عمل کن چون دوباره نمی‌گوید، به‌او اعتراض نکن چون خواهی شنید: "ای بی‌سواد، من سی‌سال درس خوانده‌ام و کسب‌علم کرده‌ام، حالا توی بی‌سواد به دستورات من اعتراض می‌کنی. یالا پول ویزیدت را بده و برو بیرون!."

واقعیت اینست که قشر تحصیل‌کردهٔ ما بیش از آنچه که به علم و تقوی آراسته و اتکاء داشته باشد، به پول و مقام، فخر و غرور و یکسری حجمیات فرمولی که هیچ حاصلی ندارد متکی است و این قشر بجز چاپیدن ملت مستضعف بنام علم حاصل دیگری برای خود ودیگران ندارند. حتی فارغ‌التحصیلان ما از اروپا و آمریکا، علم را صرفا برای ایران (و نه در حد محصلان اروپائی) و رفع جوع تحصیل می‌کردند،

بدیهی است که نظام سابق کسب مدرك را به‌دانش‌آموزان اصل و مابقی را فرع داده بود، با چنین زیربنائی نمی‌توان بیش از این‌انتظار داشت. **البته نباید وجود متخصصین وپزشکانی را نادیده گرفت که چه قبل و چه بعد از انقلاب کمکهای شایانی به‌ملت کرده‌اند و می‌کنند و در برابر وابستگی علمی به شرق و غرب، کوششهای فراگیر و پردامنه‌ای را می‌نمایند.** روی‌سخن با عده‌ای است که معیارهای ارزشی طاغوتی را پذیرفته و از خواب بیدار نشده‌اند و بخیال باطل خود تصور می‌کنند که هنوز که هنوز است در زمان شاه معدوم زندگی می‌کنند و یا آن زمان دوباره فراخواهد رسید.

دانشگاه پس‌از انقلاب

در دوران انقلاب اسلامی و ماههای اول پیروزی، بنابر نیاز مبرم جامعه به‌نیروهای صدیق و مؤمن و کاردان و تشکیلاتی جمیع نیروها و دانشجویان حزب‌اللهی جذب کارها وفعالیتهای انقلابی و مردمی در سپاه و کمیته و جهاد و... شدند، متقابلا نیروهای جناح شرقی و غربی که کاری جز توطئه بسود اربابان خود نداشتند از دوری دانشجویان حزب‌اللهی از محیط دانشگاه سود جسته و محیط دانشگاه را جولانگاه و پاتوق احزاب و گروههای وابسته کرده بودند، می‌توان گفت که پس از انقلاب عمده‌ترین تغییری که در دانشگاه بوجود آمد این بود که دفاتر احزاب و گروهکهای وابسته سیاسی بنام آزادی قلم و بحث و مجادله و... باز شده بود، و دانشگاه نه مرکز دانش، بلکه مرکز زد و خورد و توطئه‌های ابرقدرتها گردیده بود، بطوریکه نطفهٔ توطئه‌های ضدانقلاب در درون دانشگاهها بسته می‌شد. براین اساس دانشگاه پس از انقلاب می‌رفت که سیر قهقرائی گذشته

شماره ردیف

شماره مسلسل پیام انقلاب ۲۱/۳/۶۲ ۸۶

ماخذ



عنوان : انقلاب فرهنگی.

موضوع : ...

به مناسبت سالگرد پیام امام مبنی بر تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی (۲۳ خرداد ۱۳۵۹)

انقلاب فرهنگی



کلمه انقلاب بمفهوم دگرگونی‌اساسی در مناسبات سیاسی، نظامی، اقتصادی یك جامعه است: روح این تحولات برپایه و «متناسب» با «کیفیت» و «نفوذ» فرهنگ انقلابی در مردم است. **انقلاب بدون پایهٔ فرهنگی همچون جسم بی‌روح، سرد، منجمد و ایستا خواهد بود و اصولا نمی‌توان مداوم، پویا و پیروزی را در تاریخ بشریت یافت که فاقد جان فرهنگی باشد اما توانسته باشد در ابعاد سیاسی، اجتماعی دگرگونیهای مستمر و پایه‌ای بوجود آورد. هر انقلابی زنده از فرهنگ و ایدئولوژی است. وهراندازه فرهنگ‌انقلاب، اصیلتر، با ثبات‌تر وپویاتر باشدمتناسب‌باآن، انقلاب بادوامتر، وبالنده‌تر ومستمرتر** خواهد بود و از آنجائی که ایدئولوژی اسلامی ریشه در «وحی» دارد و از حیات جاودانی سرچشمه می‌گیرد، در عمق فطرت انسان نفوذ کامل، و برآن پایه نهاده است، قادر است که انسان و انقلاب اصیل انسانها را تا نامتناهی زمان هادی و مستمر گرداند. زیراکه اسلام در عین اینکه طبیعت را در خود جای می‌دهد هدفی فراتر از همه اشیاء دارد و در چارچوب طبیعت محصور نشده است. فرهنگ انقلاب از دو ناحیه مورد هجوم قرار می‌گیرد، اگر قدرت مقاومت و شکست ایندو خصم را نداشته باشد بناچار خود مغلوب شده و نهایتا شکست می‌خورد.

دو خصم انقلاب

● الف: عامل درونی

فرهنگ انقلاب اگر قادر به‌ساختن انسانهائی پاك، متقی و صالح نباشد، بالنتیجه عجب، کبر، غرور و فخر در رئوس انقلاب بطور خاص و بدنهٔ انقلاب بطور عام رشد کرده و نهایتا انقلاب از درون پوسیده شده و به‌انحراف و شکست می‌انجامد.

● ب: عامل خارجی

اگر ایدئولوژی انقلاب هدف مشخص و متعالی نداشته باشد بالاخره در نقطه‌ای «ایستا» خواهد شد و قادر به‌حل مسائل و مشکلات و تامین نیازهای روحی و معنوی یا مادی مردم و انقلاب نخواهد بود. بالنتیجه از یکسو مردم بدنبال یافتن راه‌حلها، آمادگی پذیرش همه چیز را پیدا می‌کنند و از سوی دیگر تهاجم فرهنگهای خارجی، بر مردم و انقلاب تاثیر گذاشته و جهت انقلاب را بسوی دیگر منحرف می‌سازد. **اسلام مکتبی است که در دو جهاد اکبر و اصغر همواره به‌ساختن انسانها و تزکیه نفس آنها از خصلتهای منفی و.... انسانهای پاك، متقی و صالح به جامعه تحویل داده و از سوی دیگر در رابطه با فرهنگهای اجنبی «هل‌من‌مبارز» می‌طلبد. و این دو بعد در قرآن و احادیث بکرات بچشم می‌خورد.**

● هر اندازه فرهنگ انقلاب اصیلتر، با ثبات‌تر و پویاتر باشد، انقلاب بادوامتر، بالنده‌تر و مستمرتر خواهد بود

اسلام ضد استعمار

بدین ترتیب اسلام مکتبی است که بدلیل متعالی بودنش سد بزرگی در برابر طاغوتها می‌باشد. استعمار نیز به اساسی اسلام در رویاروئی با خود پی برده بود و آنرا با بارها در بوته آزمایش آزموده است. طبیعی است که تو برای از بین بردن این مانع عظیم طرح نمودند. بدی فعالیتهای گستردهٔ استعمار شروع شد، منحرف نمود مشروطهٔ مشروعه، کشتن علمداران بزرگی چون شی نوری، مدرس و... و روی کار آوردن دژخیمان چکما رضاخان قلدر که با تلاشهای وحشیانهٔ خود چون کشف حجاب و ممنوع ساختن مجالس مذهبی و فشار آوردن بر حوزه‌های

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ، تاریخ اطلاعات ۶۲/۲/۲۸ — ۱۷۰۱۳



«آرشیو»

عنوان: دنباله صفحه قبل

موضوع: ....

های دینی تدریس شد با آنچه در مراکز آموزشی جدید جریان داشت متفاوت بود و روش آموزش در حوزه با روش آموزش در مراکز آموزشی فرق داشت در حوزه رابطه استاد و شاگرد به صورتی انسانی و توام با احترام و اعتماد متقابل بود در صورتی که در مؤسسات آموزشی جدید روابط شاگرد و معلم به این صورت نبود در شرایط کنونی دانشگاهها و دیگر مراکز آموزشی می توانند از انگیزه های تعلیم و تعلم در حوزه ها از هدفهای معنوی حاکم برآموزش حوزه و همچنین از شیوه آموزش در حوزه ها که توام با بحث و تحقیق و بررسی است، استفاده کنند. از لحاظ تربیتی نقش شاگرد دریادگیری انتخاب استاد از سوی شاگرد و رعایت کامل تفاوتهای فردی در آموزش، نبودن یک سازمان غیر قابل تغییر و همچنین انعطاف پذیری روش های تدریس و هماهنگی فعالیتها همه از جمله چیزهایی است که قابلیت انتقال از نظام حوزه به نظام آموزشی را دارد.

دانشگاه به نوبه خودش می تواند در معرفی علوم جدید همچنین آموزش زبانهای خارجی و معرفی اندیشه های فلسفی دانشمندان مغرب زمین با حوزه همکاری نماید.

به نظر شما با چه تغییرات و تحولاتی من بعد از این خواهیم توانست در مسیر جایگزین نمودن آموزش اسلام به جای آموزش غربی قرار بگیریم؟

انگیزه ما از تعلیم و تعلم باید تغییر کند و ارزشهای معنوی اسلامی جانشین ارزشهای کاذب بشود بطور کل پرورش شخصیتهایی با تقوا، عالم، محقق باید هدف اساسی آموزش ما را تشکیل بدهد. تعلیم و تعلم یک فریضه دینی تلقی بشود مناسبات استاد و شاگرد بصورت مناسبات پدر و فرزند و دو برادر و دو دوست دربیاید و برنامه های آموزشی با احتیاجات فردی و جمعی هماهنگ باشد. و مدیریت و سازمان نیز وسیله ای برای تسهیل آموزش و تدارک امور تربیتی باشد. باید روحانیون در دانشگاهها فعالیت کنند و صرفا به تدریس فرهنگ و معارف اسلامی نپردازند آنها باید در تغییر جو دانشگاه ها کوشش کنند و آنها را هم با معارف اسلامی آشنا کنند و خود الگویی برای تربیت اسلامی باشند ضمنا دانشگاهیان باید بمنظور شرکت در سمینارها یا بحثها و تبادل نظرها گاهگاهی به حوزه ها بروند و قسمتی از وقت خود را در حوزه صرف کنند تا این دو مرکز آموزشی بیش از پیش به هم نزدیک شده و هر یک در اشاعه فرهنگ اسلامی و حاکمیت نظام آموزشی اسلامی و بالا بردن سطح فرهنگ افراد و گروهها اقدام نماید.

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ، تاریخ (اطلاعات) ۶۲/۲/۲۸ — ۱۷۰۱۳



«آرشیو»

عنوان: مصاحبه اختصاصی با دکتر شریعتمداری عضو ستاد انقلاب فرهنگی

موضوع: ....

نظام آموزش اسلامی در حال حاضر در چه قالبی شکل گرفته است؟

مراد از قالب نظام آموزشی اسلامی شاید این است که دانشگاهها بعد از بازسازی و در مرحله بازگشایی و نوگشایی

چه تغییراتی چه از لحاظ سازمان و مدیریت و برنامه های آموزشی و چه از نقطه نظر مناسبات استاد و دانشجو همچنین از جهت شیوه اموزشی و پرورش، پیدا کرده اند همانطور که مستحضر هستید کوشش ما در ستاد انقلاب فرهنگی براین بوده که اصولا موسسات آموزش عالی را بازسازی کنیم و دراین بازسازی چند هدف مورد نظر بوده اول اینکه برنامه های آموزش براساس اصول علمی در برنامه های مختلف مراعات بشود دوم اینکه برنامه های آموزشی متناسب با نیازهای مملکتی

باشد سوم اینکه این برنامه برای استادان و دانشجویان معنی دار باشد. هم استاد از مبانی این برنامه و فلسفه آن آگاه باشد. و هم شاگرد بتدریج به فلسفه و ضرورت وجود چنین برنامه ای پی ببرد. در نظام آموزش اسلامی چند جهت عمده دچار تحول شده

که ما امیدواریم این تحولات در دانشگاه منعکس بشود بدین ترتیب که انگیزه تحصیل در جمهوری اسلامی با انگیزه تحصیل در نظام طاغوت فرق کرده است. در گذشته چون روابط کاذب بر دانشگاهها حاکم بود مبنای تحصیل، کسب وجهه و برخورداری از یک سلسله امتیازات نظیر نفوذ و مقام و درامد بیشتر و برخوردار بودن از رفاه بیشتر بود. با پیروزی نظام اموزشی اسلام انگیزه های افراد دگرگون شده که این دگرگونی تا حدی در دانشگاهها حاصل شده است که ما امیدواریم دانشجویان دانشگاهها با توجه به این دگرگونی در انتخاب رشته های تحصیلی اقدام کنند.

انگیزه در نظام آموزش اسلامی انگیزه تقرب به حق و تخلق به اخلاق اسلامی است. و آمادگی برای خدمت به مردم و حل مشکلات اجتماعی است. دانشجویان و استادان ما از انگیزه مادی و معنوی متأثر هستند و هدفهای آموزشی را دربرنامه ها مد نظر قرار می دهند. آنها می دانند که روش اموزش از حالت ایراد سخنرانی و عرضه کردن محفوظات و فراگرفتن مطالب از طریق خواندن و تکرار کردن باید خارج شود و به صورت روشی اساسی در یادگیری و تحقیق درآید به عبارت دیگر در نظام اموزش ما قرار براین نیست که استاد نقش اصلی را بازی کند بلکه نقش اصلی باید به شاگرد محول شود و استاد به عنوان فرد با تجربه تر و آگاهتر هادی و راهنمای دانشجو باشد بنابراین شاگرد باید خود فعال باشد مطالب درس برای او بصورت مسئله درآید خود به مطالعه و تحقیق بپردازد و بالاخره شخصا به تدوین نظریه های علمی و بررسی انها اقدام کند در تمام این مراحل استاد باید راهنمای دانشجویان باشد و

پاپای دانشجویان در کلیه فعالیتها شرکت کند. انگیزه استاد در مراکز آموزش در جمهوری اسلامی این نیست که مقام والایی را احراز کند یا درامد بیشتری کسب نماید یا فرصتی برای تحمیل نظریات خود به دانشجویان پیدا کند بلکه انگیزه استاد نیز انگیزه مادی معنوی است و او باید برای تقرب به حق و گام برداشتن به سوی الله حرکت کند هدف او کمک به دانشجو برای کسب معلومات بیشتر است و برای آینکه رسالت تربیتی خود را انجام دهد او باید شخصا متخلق به اخلاق اسلامی باشد

و درعین حال در تربیت شاگردان خود اقدام نماید.

در جمهوری اسلامی مناسبات استاد و دانشجو، مناسباتی انسانی و مبتنی بر موازین دینی است استاد به عنوان یک فرد با تجربه تر و عالم تر به دانشجو احترام می گذارد و دانشجو را دوست می دارد و هدف او کمک به دانشجو برای تکامل علمی و معنوی است بنابراین او نسبت به دانشجو احساس مسئولیت می کند و مناسبات استاد و دانشجو براساس احترام متقابل و اعتماد به یکدیگر و کوشش برای نیل به هدفهای مشترک است در نظام آموزشی اسلامی شکل و سازمان فعالیت براساس نیازها و ضرورتها تعیین می شود سازمان وسیله ای برای تسهیل امر آموزش و پرورش در موسسات علمی است بنابراین نحوه ارتباط افراد باهم در موسسه به صورتی است که نقش هریک تکمیل کننده نقش دیگری باشد.

همانطور که می دانیم با تشکیل مدرسه دارالفنون در ایران نظام مدرسه جایگزین نظام طلبگی شده و نظام طلبگی بتدریج به انزوا کشانده شد با توجه به اینکه تنها اتحاد این دو نظام ما را در سراشیبی انقلاب قرار می دهد شما به عنوان یک نظام ایده ال و مطلوب چه برتریها و امتیازاتی برای هر یک می شمارید.

دارالفنون به منظور تربیت پزشکان، مهندسان، نظامیان و معلمان تشکیل شد و جانشین حوزه های دینی نبود برای اینکه برنامه های آموزشی حوزه های دینی متفاوت بود اما دارالفنون راه را برای استادان خارجی باز کرد و قهراً استادان اروپایی وسیله ای بودند برای اشاعه فرهنگ غربی در دارالفنون این تصور هم برای بعضی ها وجود داشت که مطالعه رشته های جدید

مانع تحصیل اسلامی است، چنین تصوری نادرست بود نحوه اموزشی در دارالفنون و آدابی که بتدریج درآنجا رواج پیدا کرد با توجه به اینکه بیشتر استادان دارالفنون از خارج، امده بودند

با آداب و سنن فرهنگ ما سازگار نبود، علت کم شدن حوزه های دینی این بود که تبلیغاتی علیه نظام اسلامی رخ داده بود. بعضی ها فکر می کردند فرهنگ مغرب زمین باید در ایران اشاعه پیدا کند تا مردم ایران خوشبخت بشوند اینها با رسوخ تعالیم دینی مخالفت می کردند افرادی که در دارالفنون تحصیل

می کردند تا حدی تحت تاثیر این تصورات نادرست قرار می گرفتند و بتدریج عقاید دینی آنها متزلزل می شد و کم کم قشر درس خوانده ما، یعنی آنهائی که علوم تجربی ریاضی و علوم انسانی را مورد مطالعه قرار می دادند بتدریج با سنت و فرهنگ و معارف اسلامی بیگانه می شدند و مبارزه ای که در خلال جنبش مشروطیت و در دوره رضاخانی برضد اشاعه

فرهنگ و معارف اسلامی جریان پیدا کرد سبب شد که مراکز آموزشی ما تحت تاثیر فرهنگ مغرب زمین قرار گیرد و نفوذ حوزه های دینی در میان اینگونه افراد درس خوانده کم بشود و بتدریج که دانشجویان ایرانی به خارج رفتند و پس از فراغت تحصیل در مؤسسات اموزش عالی به تحصیل می پرداختند و تحت تاثیر فرهنگ غربی، محیط اموزشی ما دچار تغییر شد و بصورت نمونه ناقص و تقلیدی مراکز آموزش مغرب زمین درآمد.

درزمان رضا خان فعالیتهای حوزه های علمی محدود شد همه نمی توانستند به حوزه های دینی وارد بشوند پوشیدن لباس روحانیت طالب کسب جایزه از مقامات مملکتی بود. در مدارس جدید هم آموزش رسمی صورت می گرفت این بود که حوزه های ما از مراکز آموزشی جدا شدند اصولا دو نوع مرکز در جامعه پاپای هم رشد کردند همانطور که می دانیم انگیزه های تحصیل در حوزه های دینی شامل هدفهای معنوی و آموزشی و معارف اسلامی بود و حتی دروس فلسفه و ادبیات که در حوزه

شماره ردیف ....

شماره مسلسل

ماخذ، تاریخ کیهان ۶۲/۲/۲۵
۱۱۸۶۷



«آرشیو»

عنوان: رسالت صفحه آخر

موضوع: ....

باین تصمیم گیری جهاد دانشگاهی در جهت انحلال پیش رفته است واین امر باین مسئله که نهاد جهاد دانشگاهی در هیئت دولت بعنوان یک نهاد انقلابی تصویب شد هماهنگی لازم را ندارد.

من یک صحبتی را از شهید مظلوم عرض کنم. ایشان اعتقاد داشتند وبارها هم اعلام کردند که مدیریت آینده تمام دستگاههای اجرائی مملکت باید بطرف جهادی شدن پیش برود . الان در طرح مدیریت ارائه شده، بر مدیریت فردی است ما معتقدیم که در شرایط فعلی به هیچ عنوان مدیریت فردی برای دانشگاهها صلاح نیست.

اصولا برای دانشگاه واداره دانشگاهها بسیاری از قوانین باید تغییر کند. در ملاقاتهایی هم که باستاد پیگیری فرمان امام داشتیم حتی درزمینه قوانین بازسازی هم بعضی‌ازآقایان تائید فرمودند حرف ما درست است وباید بسیاری از قوانین برای دانشگاهها تغییر کند که‌از جمله آنها مدیریت است. ما معتقد نیستیم که حتما مدیریت شورایی در اسلام هست. ،نه ولی در دانشگاهها تنها مدیریت شورائی است که می‌تواند موفق باشد بخصوص که مسئله دانشگاه یک مسئله «فقط فرهنگی»، نیست. اساس فرهنگی است ولی مسائل زیادی داشته. از جمله: مسائل سیاسی آینده گروههاست که حضور فعال نیروهای اسلامی را در دانشگاه ضروری می‌کنند ولی متاسفانه روح حاکم براین طرح مدیریت بیشتر بر فردیت است. و هم‌اکنون در دانشکده‌ها رسیدگی به کارها از حالت جهادی خارج شده و علت آن هم اینست که آن باورهایی که امام انقلاب را براساس آن به پیش بردند و ملت هم به این باورها که امام فرمودند ایمان داشتند در وزارتخانه و ستاد نیست.

با این طرح پیشرفت کارها کند شده، شورای دانشگاهی‌ای که درست شده است واقعاً کار را عقب می‌اندازد چرا که کارها را در بوروکراسی جدیدی قرار می‌دهد، تناقضات در آن زیاد است، تداخل وظیفه درآن زیاد است دانشجوی مسلمانی که انقلاب فرهنگی را با حمایت و تائید روحانیت انقلاب شروع کرده و باز با تائید و حمایت و خط‌گیری از روحانیت ادامه می‌دهد و همچنین جهاد دانشگاهی، هیچ نقشی ندارد.

ابهامات طرح در زمینه نقش نماینده آیت‌الله منتظری

نقش امام هم بعنوان ولایت فقیه دراین طرح خیلی دورنگه داشته شده، نقش نماینده حضرت آیت‌الله منتظری نیز بعنوان معاون فرهنگی بعقیده ما چیز غلطی است که دراین طرح آمده، و خوشبختانه خیلی صریح به آن بزرگان اعلام داشتیم و خود حضرت آیت‌الله‌العظمی منتظری هم فرمودند که من به هیچ عنوان روحانی‌ای که برود معاون فرهنگی رئیس دانشگاه بشود قرار نمی‌دهم، من روحانی‌ای قرار می‌دهم که بر خط فکری و سیاسی دانشگاه حاکم بشود و خط فقاهت رادنبال کند.

از اشکالات کلی دیگر طرح، این است که بوسیله شوراها و کمیسیونهای مختلفی که در امر فرهنگی دانشگاهها تعبیه شده اساساً مقدار زیادی از اختیارات نماینده آقای منتظری را گرفته دراین طرح حیطه وظایف نماینده حضرت آیت‌الله العظمی منتظری تا مقدار زیادی مبهم هست و دراین زمینه نارساست و بنظر می‌رسد که اگر قرار باشد که این طرح مدیریت اجرا بشود این ابهام و نارسائی درمورد نماینده حضرت آیت‌الله العظمی منتظری باید هرچه سریعتر رفع بشود.

طرح مدیریت پیشنهادی جهاد دانشگاهی

جهادهای دانشگاهی در رابطه بااین طرح پیشنهادات خودشان را به ستاد انقلاب فرهنگی فرستادند، ستاد پاسخ داده که این پیشنهادهای شما چنان اساسی نبوده که طرح مارا تعویض بکند ویا تغییری در آن بدهد لذا همان طرح سابق را تائید می کنیم. طرح هیئت رئیسه این جور است که اداره دانشگاهها را دوباره در دست یک نظام اداری، که در سابق وجود داشته قرار می‌دهد وآن حالت جهادی که در دوساله تعطیلی دانشگاهها توسط شورای مدیریت جهاد دانشگاهی اداره میشد با طرح هیئت رئیسه از بین میرود ومتاسفانه دوباره دانشگاهها در کانال ضوابط ومقررات اداری (که هنوز این مقررات عوض نشده) قرار می‌گیرد.

دراین رابطه جهادهای دانشگاهی پیشنهادی داشتند(که درملاقاتهای مختلف با مسئولین مطرح کرده‌اند) مبنی براینکه جهادهای دانشگاهی مسئولیت اداره دانشگاه را بعهده بگیرند ضمن اینکه هماهنگی با دولت هم وجود داشته باشد دراین زمینه طرحی را پیشنهاد کرده‌اند که مدیریت دانشگاهها دو حوزه داشته باشد: یکی حوزه جهاد دانشگاهی که مسئولیت اداره کل دانشگاه را بعهده می گیرد و یک حوزه وزارتی که مسئولیت اداره مالی دانشگاهها را بعهده دارد. که این طرح خدمت آقای نخست وزیر هم داده شده دراین طرح ضمن اینکه نهاد «ستاد انقلاب فرهنگی» مسئولیت هدایت انقلاب فرهنگی را بعهده دارد از نظر اداری زیرنظر دولت قرار نمی‌گیرد بلکه درهمان مقام خودش که زیرنظر ولی فقیه است باقی می‌ماند و در ضمن از نظر بودجه و اداره مالی، مسئولی در رابطه با نظام انقلاب فرهنگی خصوصاً آموزش عالی تعیین میشود که در مجلس پاسخ‌گو می‌باشد. یعنی وزیر مربوطه پاسخ گوی مسایل انقلاب فرهنگی در دانشگاههاست و در ضمن آن حرکت فرهنگی که می‌خواهد در دانشگاه صورت بگیرد و اجرا و به انجام رساندن برنامه‌ریزیهای آن توسط جها دانشگاهی انجام می‌گیرد. این پیشنهاد کلی است که داده شده.

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ، تاریخ: ۶۲/۲/۲۵ — ۱۱۸۶۷



«آرشیو»

عنوان: دنباله صفحه قبل

موضوع: ....

فرستادند به آقای نخست‌وزیر وقرار شد که ما جلسه‌ای با حضور آقای نخست‌وزیر و وزیر فرهنگ وآموزش عالی داشته باشیم واین دو مورد اختلاف را بررسی کنیم.

بنابراین وزارت فرهنگ از همان ابتدا پس از اینکه دید نمی‌تواند نظر ستاد را در این دو مورد بپذیرد طرح را برای آقای نخست‌وزیر فرستاد ومنتظر بود که جلسه‌ای تشکیل بشود ودرآن جلسه رفع اشکال گردد.

درمصاحبه با اعضای شورای هماهنگی جهادهای دانشگاهی دانشگاههای تهران عنوان شد:

طرح مدیریت دانشگاهها

ج- در مورد طرح مدیریت نیاز است که یک مقدمه کلی در رابطه با هدایت حرکت انقلاب فرهنگی گفته بشود، چون نقش اصلی مدیریت در رابطه با هدایت انقلاب فرهنگی و حرکت فرهنگی در جامعه اسلامی است. بطور کلی نظام اسلامی یعنی نظام جمهوری اسلامی، خودش یک نظام فرهنگی است، قبل از اینکه نظام اجرایی و سیاسی باشد. و در واقع تمام ابعاد دیگر نظام اسلامی از این ریشه فرهنگی نشات می‌گیرند. و مهمترین نقشی که رهبری یک جامعه اسلامی دارد هدایت و رهبری جامعه است لذا نقش اساسی رهبری جامعه اسلامی انسان‌سازی است که برای این موضوع بازوهائی استفاده می‌کند که در مجموع میشود گفت نیروهای فرهنگی هستند و کارشان انسان‌سازی است.

ما دانشگاه را نیز دراین محدوده قرار می‌دهیم. **یعنی معتقدیم که نقش اساسی دانشگاه انسان‌سازی است و بعنوان بازوی قوی و محکمی می‌تواند دراختیار رهبری جامعه اسلامی قرار بگیرد و وظایفش را به انجام برساند.**

دانشگاههای قبلی ما حالتی داشته است که درمسیر هدایت جامعه نبوده و دقیقاً درجهت مسخ ارزشهای الهی حرکت می‌کرده و مبارزه اساسی با اسلام داشته است. مدیریت دانشگاهها نیز طوری بوده که خود شخص شاه هیئت امنا دانشگاه را انتخاب می‌کرده و رئیس دانشگاه ازطرف شخص شاه منصوب می‌شده، و هیئت امنا خط کلی دانشگاه را درجهت وابستگی هرچه بیشتر به غرب پیش می‌برده‌اند.

درنظام فعلی ما معتقدیم که اگر دانشگاهها بخواهند دراختیار رهبری و ولایت قرار بگیرند و آن مسئولیت اصلی را عهده‌دار شوند اولین شرط آنست که کل نظام فرهنگی در رابطه با نظام جهاد دانشگاهی، با توجه به ویژگی خاص جمهوری اسلامی، در اختیار ولی فقیه و رهبری جامعه اسلامیمان قرار بگیرد این نکته ضروریست که دانشگاه باید خط فرهنگی را از ولایت بگیرد، و با توجه به این اعتقاد است که حضرت امام شورای هفت نفره ستاد را انتخاب می‌کنند و درجه اهمیت این مساله تا آنجاست که می‌بینیم در حالی که ما در هیچ ارگانی جمهوری اسلامی، هفت نماینده امام نداریم، در ستاد انقلاب فرهنگی هفت نماینده از طرف امام، برای پیگیری امر انقلاب فرهنگی انتخاب و منصوب میشوند. با توجه به راه طولانی تحقق کامل انقلاب فرهنگی ما معتقدیم که اگر انقلاب فرهنگی، بخواهد آن ارزشهای الهی رادر جامعه تحقق بدهد، لازمه‌اش این است که ستاد انقلاب فرهنگی، و یا این نهاد فرهنگی که زیر نظر ولایت فقیه هست، همچنان به کارش ادامه بدهد و موقتی نباشد. ما ازاینکه امام فرمودند دانشگاه در بیست سال آینده اسلامی می‌شود، خود بخود این نتیجه رامی گیریم، که نهادی که تحت نظر ولی فقیه باشد، و از امام خط بگیرد، باید تا بیست سال آینده کارش را ادامه بدهد.

در این رابطه افرادی هم که میخواهند کار فرهنگی بکنند، باید یک سری شرایط داشته‌باشند همچنانکه در نظام قضائی هم، به سبب اهمیت زیاد مساله برای مسئولین اجرائی آنجا، شرایط خاصی قائلند.

بطور کلی شرایطی که برای افراد ونظامی که می‌خواهد کار فرهنگی را انجام بدهد مطرح است این است که قلباً وعملاً معتقد به اسلام باشند، کسانی باشند که توانایی لازم، در رابطه با کار خاص خودشان را داشته باشند، وآن نظام اجرائی که میخواهد این کار را انجام بدهد، باید از حالت کاغذ بازی ونظام اداری سابق، مبرا باشد مسئله دیگر آنکه کار فرهنگی یک نوع برنامه ریزی فرهنگی است، یعنی نیاز به این دارد که همواره با مسئولین برنامه ریزی فرهنگی، ارتباط داشته باشند، لذا برنامه ریزی فرهنگی، از اجرای برنامه‌های فرهنگی جدانباشد. براین اساس است که باید ستاد انقلاب فرهنگی تا بیست سال آینده بماند، واین کار رابعهده بگیرد. ویک نهاد اجرائی هم که بتواند این کار فرهنگی را انجام بدهد، زیر نظر ستاد انقلاب فرهنگی، انجام وظیفه کند. که دراین زمینه ما معتقدیم این کار راجهاد دانشگاهی می‌تواند انجام بدهد، ودرین دوساله تعطیلی دانشگاهها، جهاد باکارهایی که انجام داده ثابت نموده که توانائی وشایستگی این را دارد که دانشگاهها را اداره بکنند.

تجربه موفق مدیریت جهادی در دانشگاهها

درطول سه سال تعطیلی جهاد دانشگاهی ازطریق شورای مدیریت دانشگاهی مسئولیت تصمیم گیری واداره دانشگاه را درجهت رشد وباروری انقلاب فرهنگی بعهده داشته است، وتمام مسئولیتها درداخل دانشگاه، توسط این شورا انجام میشده. این شورا مرکب بوده است از: نیروهای مسلمان و متعهد استاد، دانشجو، و کارمند، و از لحاظ اجرائی تصمیماتی که می‌گرفته، یک اطمینان قلبی به تمام نیروهای مسلمان می‌داده، که در اجرای آن غل و غش پیدا نمی‌شده یعنی **تصمیاتی را که شورای مدیریت می‌گرفت، براحتی در دانشگاه پیاده میشد، و به دلیل تعهد خاصی که این نیروها داشتند، برنامه‌ها را تا حد توانشان اجرا، و هرگونه کمبود را رفع می‌کردند.**

این وضعیت ادامه داشت تا اینکه مطرح کردند، که دانشگاهها باید رابطه‌ای با دولت داشته باشند و ستاد انقلاب فرهنگی که زیر نظر حضرت امام است نمیتواند در مقابل نهادهای اجرائی و خصوصاً دولت پاسخ‌گو باشد. بر این اساس پیشنهاد شد که اجرائیات فرهنگی دست وزارت علوم باشد و برنامه‌ریزی در دست ستاد انقلاب فرهنگی. این تصمیم‌گیری بین دو طرف نیروهای دولتی و ستاد انقلاب فرهنگی انجام می‌گیرد و به این ترتیب برنامه‌ریزی از اجرا جدا میگردد. در این جا لازم است توضیح بدهیم **که گرچه هماهنگی با دولت باید باشد ولی این هماهنگی اگر بخواهد در این جهت قرار بگیرد که کل انقلاب فرهنگی نفی بشود به ما ضربه میزند** و بنظر ما می‌توان ضمن اینکه حرکت انقلاب فرهنگی در دست نمایندگان حضرت امام هست حداکثر هماهنگی را ایجاد کرد. علی‌ا‌یحال نتیجه‌تصمیم‌گیری این دو طرف این شد که طرح هیئت رئیسه ستاد انقلاب فرهنگی تصویب شد

رئیس ومعاونین دانشگاه ازطرف نخست وزیر حکم می‌گیرد یعنی وزیر به نخست وزیر معرفی می‌کند، وایشان حکم می‌دهند ومجموعه رئیس ومعاونین باضافه یک دانشجو بعنوان مسئول جهاد دانشگاهی، ونماینده حضرت آیت الله منتظری بعنوان معاون فرهنگی دراین شورا شرکت می‌کند! این طرح بااینکه به وزیر ابلاغ شد ولی تاحالا اجرا نشده وازطرف شخص وزیر به دانشگاهها ابلاغ نشده است وفعلا مسکوت مانده است.

اشکالات وارده برطرح مدیریت فعلی

متأسفانه دراین طرح تکلیف جهاد دانشگاهی روشن نشده یعنی وظیفه ستاد انقلاب فرهنگی بعنوان مسئول برنامه ریزی ونظارت براجرای برنامه ریزی، ووزارت علوم بعنوان مجری برنامه‌های انقلاب فرهنگی معلوم شده اما تکلیف جهاد بعنوان اینکه چه نهادی است و جایگاه ومقامش کجاست مشخص نیست ولذا نقش دانشجویی که بعنوان نماینده مسئول جهاد دانشگاهی دراین هیئت رئیسه شرکت می‌کند روشن نیست.

وتنها دراین نظام آموزش عالی یک سری وظایف جزئی رابه عهده جهاد گذاشته‌اند که اگر آنها راهم نمی‌دادند تاثیر چندانی درکل حرکت اجرائیات برناه ریزی انقلاب فرهنگی نداشت.

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ، تاریخ کیهان ۶۲/۲/۲۵ ۱۱۸۶۷



«آرشیو» ۲

عنوان : دنباله صفحه قبل

موضوع : ....

مسئولان مملکت تشکیل و توافقی که بعمل آمده بود این توافق را بپذیرد و تفکیک وظائف را قبول کند.

طرح وزارت خانه جدید فرهنگ

سوال فکر می‌کنم حضور مسئولین در جلسات تصمیم گیری

ما را از سئوال مستغنی نمی‌سازد وبیشتر دوست داریم علل این تصمیم گیری رامتوجه بشویم. من باب توضیح اینکه آیا بوجود آمدن وزارت خانه‌ای مثل سپاه ویا دادگستری نمی‌توانست برطرف کننده مشکلاتی باشد که مطرح فرمودید، به این شکل که وزیر مربوطه پاسخ گوی به دولت ومجلس باشد واجرائیات دراختیار جهاد دانشگاهی قرار می‌گرفت.

انوقت دررابطه باامور مالی هم مساله‌ای باقی نمی‌ماند.

آقای شریعتمداری گفت:

دررابطه باامور مالی مساله نبود چرا که ستاد ازابتدا وضع مالی جهاد راتامین کرده وتمام پروژه‌هائی که جهاد داد بابودجه‌ای بود که ستاد دراختیار جهاد قرار داد ولی همانطور گفته شد متاسفانه عملاً درستاد امور اجرائی هماهنگی بین جهاد دانشگاهی باوزارت فرهنگ وآموزش عالی تحقق پیدانکردوهمین امر سبب شد که جلسه به حضور امام کشیده شودودرجلساتی که باحضور جناب نخست وزیر ورئیس مجلس و رئیس جمهور تشکیل شداین مساله مورد بحث قرار گرفت وچنین تصمیم گیری شد.

البته وضع سپاه ووزارت سپاه باوضع وزارت فرهنگ وآموزش عالی وجهاد دانشگاهی فرق دارد. شما همانطور که می‌دانید که درهرحال وزارت خانه سپاه راهم تشکیل دادند که وزیر سپاه پاسخ گوی اعمال سپاه باشد درمقابل نمایندگان مجلس شورای اسلامی واینجا هم همین مساله رامطرح می کردند وبعد به این نتیجه رسیدند که اگر وظایف تفکیک بشود شاید بهتر بتوان مسائل رابرای نمایندگان یامحافل مختلف روشن کرد.

سئوال شد شما بعنوان یکی از اعضای ستاد معتقد باین بودید که با شکل تفکیک بهتر میشود مسائل را اداره کرد یااینکه با وجود عدم اعتقاد به این امر آن را پذیرفتید؟

دکتر احمدی یکی دیگر از اعضای ستاد انقلاب فرهنگی در پاسخ به این سئوال گفت: بسم‌الله الرحمن الرحیم یک فرقی که بین وزارت علوم ووزارت سپاه است این است که وزارت سپاه تازه تاسیس شده وسپاه خودش یک ارگان انقلابی است وطبعا تاسیس یک وزارتخانه برای آن مساله‌ای را بوجود نمیاورد ولی وزارت علوم از قبل وجود داشت ومنحل کردن آن وتاسیس یک وزارت جدیدی با هر عنوان دیگر این یک کاری بود که مسئولین حاضر بپذیرش آن نبودند، میگفتند کارهای اجرائی باید بوسیله همین وزارت علوم انجام گیرد ومنحل کردن آن وتاسیس یک وزارتخانه جدید، قابل قبول برای انها نبود. حتی یکی از آقایان فرمودند (البته مسئول مستقیم نبودند ولی بهرحال از افراد سرشناس هستند) که درنظام جمهوری اسلامی نمیشود وزارت علوم را نادیده گرفت. این است که ستاد نمی‌تواند و نمیشود که دربرابر یک چنین خواسته‌ای که آنهم مدتها طول میکشد و باید بمجلس برود و از نو مطرح بشود که آیا یک وزارتخانه جدیدی تشکیل بشود و یا نه مدتها برسرآن سخن گفته بشود و آقایان این را حاضر بقبولش نبودند و عملاً هم مدتها می‌بایست درباره آن بحث بکنند که آیا درآخر مورد قبول واقع بشود یا نشود بنابراین کاری بود که درحقیقت مسئولین اجرائی مملکت می‌خواستند که مسائل اجرائی بدست این وزارتخانه اجرا شود و آن نشستها و گفت و شنودها هم بدنبال این مسائل بود.

بعبارت دیگر سخن برسر این بود که این کشور کم‌کم بطرف دولتی شدن و سامان یافتن کارها برود. البته می گفتند: ستاد انقلاب فرهنگی برای ایجاد دگرگونیهای فرهنگی بوجود آمده و او برنامه‌ریزی خودش را بکند و ماهم اجرا می‌کنیم. حالا این کار درعمل مشکلاتی را بوجود میاورد یا نه. این یک بحث دیگری است ولی واقعیت اینست که این مشکل وجود داشته و دارد اما اینهم که مایک وزارتخانه‌ای را منحل بکنیم و یک وزارتخانه جدیدی تاسیس کنیم این کار دشواری بود.

پرسیده شد بیاد داریم که صحبتی از مرحوم بهشتی است که میفرمودند که ما اصلاً باید برویم بسمت جهادی شدن مدیریتها و حتی وزارتخانه‌ها را سعی کنیم که جهادی بشوند که انشاءالله دراین مورد توضیح خواهید داد و اما همانطور که آقای دکتر شریعتمداری فرمودند آنموقع که ستاد امور اجرائی بود مطرح کردند که مشکلاتی وجودداشت واین مشکلات باعث شد که طرح مدیریت فعلی... حالاما می‌خواهیم شما بعنوان اعضای ستاد بفرمائید فکر نمی‌کنید وقتی که مجری وزارت علوم شد ووزیر آن اذعان کرده که بار اجرائیات انقلاب فرهنگی رانمیکشد این مشکلات بیشتر شود؟

دکتر احمدی درپاسخ باین سئوال گفت بهر حال اگر بیشتر هم بشود خواست خود مسئولین است، همان وزیراست که باید بالاخره امکانات رافراهم کند برای اجرای آن زیرا که خودش بعدها گفته است که مااین کارها راخواهیم کرد.

علت عدم ابلاغ طرح مدیریت به دانشگاهها

خبرنگار کیهان گفت: جدای ازاین بحث‌ها، فکرمیکنم حدود پنج ماهی است که طرح مدیریت دانشگاهها به وزارتخانه ابلاغ شده ولی اجرا نشده‌است، علت عدم اجرای آن ازطرف وزارتخانه چیست؟

دکتر احمدی دررابطه با این مساله گفت: یکی دو تانکته بوده است که یکی مورد قبول ما است و گفتیم که قابل حل است و آن راجع به معاون فرهنگی است. و یکی دیگر هم مساله شرایطی است که برای رئیس دانشگاه و معاونین درنظر گرفته شده. بنظر میاید که اینها موجب تعویق کار شده باشد. ما که دقیقاً نمیدانیم ولی اطلاع یافتیم که درحدود ۵ ماه است که این طرح ابلاغ شده ولی هنوز اجرا نشده است.

دیگر اینکه ما الان گروههایی را تشکیل دادیم برای رفتن بدانشگاهها و رسیدگی جزئیات مساله البته مساله مدیریت نظارت بآن شکل را ندارد.

سئوال شد درمورد علت عدم ابلاغ، آیا ستاد کاری کرده است و دنبال این مساله را گرفته که چرا وزارتخانه طرح را ابلاغ نکرده است؟

دکتر شریعتمداری در پاسخ گفت ما این مساله را با آقای نجفی وزیر فرهنگ وآموزش عالی در میان گذاشتیم. ایشان دو اشکال در طرح مدیریت ستاد انقلاب فرهنگی داشت.

اولین اشکال راهمانطوریکه آقای دکتر احمدی فرمودند مربوط به معاونت فرهنگی بود. **ما معتقدیم که باید در دانشگاهها یک شخصیت روحانی که مورد تائید مراجع باشد حضور داشته باشد. وفعالیتهای فرهنگی دانشگاهها را هدایت کند. چون فعالیت‌های فرهنگی جنبه آموزشی هم دارد بنابر این شخصی که برای این کار گمارده میشود باید در شوراهای آموزشی وشوراهای مختلف ودانشگاهی مشارکت داشته باشد وبرای اینکه مشارکت این شخص بصورت فعال انجام گیرد باید سمتی داشته باشد.** ما البته روی عنوان معاونت فرهنگی اصراری نداشتیم. ضمنا آیت الله العظمی منتظری هم نمی خواستند که یک مقام رسمی در دانشگاه منصوب کند. ولی با تعیین مسئول کمیته فرهنگی موافق بودند وافرادی را هم تائید کردند والان امور فرهنگی دانشگاهها را بعهده دارند.

مساله دوم این بود که با توجه باینکه دانشگاه یک موسسه تخصصی است ودر دانشگاه مسائل پیچیده آموزشی مطرح میشود. رئیس دانشگاه باید تجربیات کافی در مسائل آموزش داشته باشد واز لحاظ مراتب علمی حد اقل درجات اولیه دانشگاهی را طی کرده باشد روی این زمینه شرط احراز ریاست دانشگاه را داشتن درجه استاد یار وسه سال سابقه خدمت در دانشگاه تلقی کردیم ووزارت فرهنگ وآموزش عالی با این شرط موافق نبود ومعتقد بود که ما باندازه کافی افراد موردنیاز را در اختیار نداریم. شما میدانید که ما در دانشگاه استاد داریم، بعداز مرتبه استادی مرتبه دانشیاری است وبعداز آن مرتبه استادیاری است واینکه ما مشروط کردیم احراز مقام ریاست دانشگاه را به دارا بودن مقام استادیاری در مراتب دانشگاهی چیز مهمی تلقی نمیشود وسه سال سابقه کار دانشگاهی هم چیزی نیست که باعث آن بشود که ما نتوانیم افراد واجد شرایط را در دانشگاهها پیدا کنیم.

یکی از مشکلات کار ما این است که نمیرویم دنبال افرادیکه هم متعهد هستند وهم ملتزم به مبانی اسلام هستند واز لحاظ تخصص در سطح عالی قرار دارند واینهارا بیاوریم و کار واگذار کنیم والا در دانشگاههای ما افرادیکه مرتبه استادیاری داشته باشند وچند سال هم سابقه کار دانشگاهی داشته باشند شاید کم نباشند.

براثر اختلاف روی این دوموضوع آقای نجفی طرح را

شماره ردیف

شماره مسلسل

ماخذ، تاریخ کیهان ۶۲/۲/۲۵ ۱۱۸۶۷



«آرشیو»

عنوان: مصاحبه با ستاد انقلاب فرهنگی (جهاد دانشگاهی ۲)

موضوع:

در اولین بخش از گفتگو با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی و جهادهای دانشگاهی که در شماره قبل به چاپ رسید، پیرامون تاریخچه شکل گیری انقلاب فرهنگی و مسیر حرکت آن بر دو سال اخیر و نیز اهدافی که از تاسیس ستاد و تشکیل جهادهای دانشگاهی دنبال میشد، و میزان دستیابی به اهداف فوق صحبت شد، در دومین قسمت از این گفتگو که به بحث پیرامون مدیریت دانشگاهها اختصاص دارد مسیر حرکت مدیریت دانشگاهها بعد از انقلاب فرهنگی را به بحث می‌گذاریم که در این رابطه مدیریت جهادی دانشگاهها و میزان موفقیت آن، علت الغای مدیریت جهادی و ارائه طرح هیئت رئیسه از سوی ستاد، اشکالات وارده بر طرح هیئت رئیسه و طرح مدیریت پیشنهادی جهادهای دانشگاهی... از جمله مسائلی است که مطرح شده.

درمصاحبه باستاد انقلاب فرهنگی مطرح شد:

طرح مدیریت دانشگاه‌ها

سئوال: فکر می‌کنم باتوجه به توضیحاتی که فرمودید محور سوال‌های بعدی مشخص‌تر شده باشد. شما فرمودید که ستاد برای چند هدف اساسی تشکیل شد.

یکی از آن اهداف تجدیدنظر در برنامه‌های آموزشی بود که توضیحات کاملی بیان کردید اما مساله دیگر در رابطه با مدیریت است. دراین باره هم صد درصد تغییراتی حاصل شده و بی‌گمان طرح مدیریت فعلی که به وزارت خانه ابلاغ شده و تا حدودی آن را مطالعه کرده‌ام با مدیریت دوره طاغوت تفاوت دارد ولی سوال اینست که طرح مدیریت جهادی که قبلاً (یعنی بلافاصله بعد از تشکیل ستاد) در دانشگاهها اجرا می‌شد چه شد که به طرح فعلی تبدیل گشت؟ و تفاوت این دو طرح در کجاست؟

دکتر شریعتمداری در پاسخ گفت: در ابتدای تاسیس ستاد انقلاب فرهنگی جهاد دانشگاهی زیرنظر یکی از اعضای ستاد تشکیل شد و قرار شد که در دانشگاهها هیأت‌های پنج نفری از استادان و دانشجویان متعهد تشکیل بشود و تحت نظر شورایعالی جهاد و ستاد انقلاب فرهنگی دانشگاهها اداره بشود. در عمل بعضی از دانشگاهها با مشکلاتی روبرو شدند و به پیشنهاد بعضی از اعضای جهاد دانشگاهی و بمنظور هماهنگ کردن مدیریت دانشگاهها مقرر شد ستاد امور اجرایی تشکیل بشود که شورای عالی جهاد منحل گردد و نمایندگان شورایعالی جهاد در ستاد امور اجرائی شرکت کنند. کار این ستاد این بود که جهاد دانشگاهی را با وزارت فرهنگ و آموزش عالی تلفیق کند هر دو نهاد تحت نظر ستاد انقلاب فرهنگی دانشگاهها را اداره کنند. در این ستاد امور اجرایی از گروههای برنامه‌ریزی ستادو یکی از اعضای ستاد عضویت داشتند. ضمناً وزیر فرهنگ و آموزش عالی هم دبیر این ستاد بود و دو نفر از جهاد دانشگاهی هم در این ستاد شرکت داشتند.

این ستاد هیأتهای ۷ نفری برای دانشگاهها انتخاب میکرد که این هیأتها مرکب بودند از چهار استاد، دو دانشجو و یک کارمند متخصص امور مالی و اینها دانشگاهها را اداره میکردند و بسیاری

از مشکلاتی که در ابتدای تشکیل مدیریت جهادی در دانشگاهها پیش آمده بود برطرف شد و دانشگاهها اداره میشد تا اینکه مساله تفکیک امور اجرائی از برنامه‌ریزی مطرح شد و این مساله درمحضر امام مطرح شد و درچندین جلسه با حضور ریاست جمهوری و ریاست مجلس شورای اسلامی و نخست‌وزیر و وزیر فرهنگ و آموزش عالی مورد بحث قرار گرفت. مشکلاتی در دانشگاهها بوجود آمده بود و کار ستاد امور اجرائی با بن‌بست روبرو شده بود و درنتیجه بحثهای طولانی مقرر شد که اجرائیات بعهده وزارت فرهنگ و آموزش‌عالی قرار بگیرد و ستاد انقلاب فرهنگی در کار برنامه‌ریزی و تدوین آئین‌نامه‌ها اقدام بکند و جهاد دانشگاهی هم در فعالیتهای فرهنگی دانشگاهها و در کمیته‌هایی که بمنظور مسائل انضباطی و مساله گزینش دانشجو و همچنین مساله پذیرش و فعالیتهای بسیجی در دانشگاهها شرکت داشته باشد و در هیأت‌مدیره دانشگاه هم قرار شد که از دانشجویان عضو جهاد شرکت داشته باشند و مساله تغییر مدیریت بنابراین بخاطر برخورد با مشکلاتی بود که در اوایل تعطیل دانشگاهها مطرح شد. و بالاخره منجر بتشکیل ستاد امور اجرائی و بعد هم ستاد امور اجرائی بخاطر تفکیک وظایف اجرائی از وظایف برنامه‌ریزی باعث تعطیل جهاد دانشگاهی بصورت گذشته شد و مقرر شد که جهاد دانشگاهی درآن فعالیتهای ششگانه که درمحضر امام مطرح شده بود مشارکت داشته باشد و اجرائیات بطور کلی دراختیار وزارت فرهنگ و آموزش عالی قرار بگیرد.

خبرنگار کیهان در ادامه این بحث گفت: ستاد به مساله اجرائیات خیلی اهمیت داده‌اند

وحتی درجائی گفته‌اند که اگر کتاب الهیات را مابیک ملحدی بدهیم مطمئنا همه‌اش را غیرخدائی تدریس خواهد کرد. واگر یک کتاب الحادی را بیک مؤمن ومسلم بدهیم مطمئنا زوایدش را حذف میکند و آنرا الهی درس خواهد داد حالا با این توضیحات در اینجا دو سوال مطرح است. سئوال اول اینکه شما اصلا برنامه‌ریزی را از امور اجرائی چقدر جدا از هم میدانید وباین تفکیک معتقد هستید یا نه؟ وچقدر به امور اجرائی اهمیت وبها میدهید ومعتقدید که اگر حتی برنامه خوبی هم داشتیم براساس همان بیاناتی که امام فرمودند باید اجرائیات قوی باشد تا آن برنامه خوب اجرا بشود یا نه؟ واگر مطمئنا براساس صحبت‌های امام به اجرائیات بهای زیاد میدهید آنموقع سئوال دوم مطرح میشود وآن اینکه تا انجایی که ما خاطرمان است جهاد دانشگاهی بعنوان بازوی اجرائی ستاد همواره مطرح بوده وخود وزیر علوم طی صحبت‌هایی که هست ومنتشر شده بیان کرده‌اند که نظام وزارتخانه‌ای بار اجرائیات انقلاب فرهنگی را نمیتواند بدوش بکشد و برایش سنگین است وباین نکته اذعان کردند که جهاد دانشگاهی بهتر میتوانند این بار را بکشند. حالا به طور طبیعی این سئوال پیش میاید که مشکلات مطرح شده از طرف شما در طرح مدیریت جهادی چگونه بود وچه وسعتی داشت که منجر باین شد که یکباره جهادهای دانشگاهی از صحنه اجرائیات حذف بشوند و بجای آن وزارت علومی که وزیر آن اذعان میکند که جهاد بهتر میتواند بار اجرائی دانشگاهها را بکشد کارها را در دست بگیرد؟

دکتر شریعتمداری در رابطه با این سئوال اظهار داشت: مساله‌ای که در ملاقات اعضای ستاد با ریاست جمهوری، نخست‌وزیر و ریاست مجلس شورای اسلامی مطرح شد همین بود که چه کسی در برابر نمایندگان باید پاسخگو باشد. همیشه این سئوال مطرح بوده که ستاد انقلاب فرهنگی یک نهاد انقلابی است و مستقیماً نمیتواند پاسخگو باشد در برابر نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مجلس به هیئات دولت رأی داده و به وزیر فرهنگ و آموزش عالی رأی اعتماد داده، بنابراین وزیر فرهنگ و آموزش عالی مسئول اجرائیات است. دوم اینکه البته نظر ستاد این بود که فعالیتهای جهاد دانشگاهها با فعالیتهای وزارت فرهنگ در ستاد امور اجرائی ادغام بشود و این‌ها باهم همکاری و هماهنگی نزدیک داشته باشند.

ولی متأسفانه در ستاد امور اجرائی این دو ارگان نتوانستند کارهای خودشان را ادامه بدهند و بیشتر هم بحث همین بود که وزارت فرهنگ میگفت که ما باید پاسخگو باشیم در برابر مجلس و جامعه، بنابراین ما باید اجرائیات را درنظر داشته باشیم.

ما میدانیم که تفکیک امور اجرائی بنحو کامل از برنامه‌ریزی و تدوین آئین‌نامه‌ها مشکل است. در عین حال ستاد یک وظیفه دیگری هم بعهده دارد و آن نظارت‌بر اجرای برنامه‌ها است و ما از طریق نظارت بر اجرای برنامه‌ها و آئین‌نامه‌ها تا حدی میتوانیم مشکلات اجرائی را درنظر بگیریم و در آنجا که لازم باشد تغییرات اساسی را در برنامه‌ها بدهیم. بهرحال منظور این است که این مساله بخاطر تفکیک وظیفه صورت گرفت و ما در چندین جلسه که با حضور مسئولان مملکت داشتیم

این مساله را بررسی کردیم و گفتندچاره‌ای نیست که وزارت فرهنگ طبق وظیفه‌ای که قانون اساسی برایش معین کرده باید اجرائیات را دراختیار داشته باشد و ستاد انقلاب فرهنگی بتدوین برنامه‌ها و آئین‌نامه‌ها بپردازد و ضمنا نظارت براجرا هم بکند اما مسائل اجرائی را دراختیار وزارت فرهنگ و آموزش عالی بگذارد ما چاره‌ای نداشتیم جز اینکه کارهای خودمان را هماهنگ کنیم با برنامه‌های دولت و کوشش کنیم که حتی المقدور هدفهای اساسی که درنظر بوده آن اهداف تحقق پیدا کند. بنظر ما تفکیک وظایف مساله‌ای دردرجه دوم از اهمیت تلقی میشد و درعمل هم ستاد چاره‌ای نداشت جز اینکه آنچه را که درجلسه‌ای که با حضور

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ ، تاریخ کیهان ۶۲/۲/۱۹
۱۱۸۶۴



«آرشیو»

عنوان : [illegible]

موضوع : ....

تهیه کتاب درسی است که ستاداز همان بدوتاسیس اقدام بتشکیل مرکز نشردانشگاهی کرد. هدف از تاسیس این مرکز این بود که اولا راهی باز کند برای استادان دانشگاهها که درایام تعطیل دانشگاهها بتوانند فعالیتهای علمی خودشان راادامه بدهند. روی همین زمینه ستاد پس ازتشکیل این مرکز بلافاصله پرسشنامه‌ای تدوین کرد ودراختیار تمام استادان قرار داد وازآنان خواست که ازمیان چند نوع فعالیت یکنوع راانتخاب کنند واوقات خودشان رابانجام

فعالیت متناسب مصروف بدارند. و از بعضی از آنها خواسته شد که در کلاس‌های کار آموزی تدریس کنند ویا در پروژه‌های تحقیقاتی در سازمانهای مختلف دولتی فعالیت نمایند ویا بنوشتن کتاب درسی اقدام کنند ودانشگاهیان را ترغیب کردیم بترجمه وتالیف کتابهای اساسی در

مرکز نشر دانشگاهی ستاد انقلاب فرهنگی که دراین زمینه ۴۰ کمیته تخصصی تشکیل شد.

پرسشنامه‌هایی که برای اعضای هیات علمی فرستاده شده بود در اختیار کمیته‌ها قرار گرفت

وموضوعات وکتابهایی که دانشگاهیان پیشنهاد کرده بودند در هر کمیته بررسی شد و بسیاری

از استادان شروع بترجمه کتابهای اساسی دررشته‌های مختلف علمی یا تالیف کتابهای اساسی کردند وحدود ۳۵۰۰ نفر از استادان در کار تدوین وتالیف مشارکت داشتند واز

کتابهایی که ترجمه وتالیف شد حدود ۲ هزار جلد کتاب اساسی قابل چاپ تشخیص داده شد.

این کتابها هم از لحاظ مطلب واز نظر نگارش واز لحاظ استعمال واژه‌های علمی بنحو خوبی تدوین شده واین کتابها الان آماده چاپ است

وبیش از ۴۰ جلد از طرف مرکز نشر دانشگاهی بچاپ رسیده و ۴۰ جلد کتاب درسی که در اختیار دانشگاهها قرار گرفته وبقیه کتابها به چاپخانه‌ها توزیع شده وبرخی از آنها زیر چاپ

است وما امیدواریم دراین یکی دوسال آینده این دو هزار جلد کتاب درسی را آماده کنیم ودر اختیار دانشجویان قرار بدهیم بنا براین. دراین زمینه هم ماقدمهائی اساسی برداشتیم

امور اجرائی و بعد هم ستاد امور اجرائی بخاطر تفکیک وظایف چاره‌ای نداشت جز اینکه آنچه را که درجلسه‌ای که با حضور

شماره ردیف ....



عنوان : مصاحبه با دکتر ... از اعضای ستاد انقلاب فرهنگی

شماره مسلسل ....

موضوع : ....

ماخذ ، تاریخ کیهان ۶۲/۲/۱۹ ۱۱۸۶۴

«آرشیو»

سئوال: با توجه باینکه در آستانه سومین سالگرد اعلام انقلاب فرهنگی از طرف انجمن‌های اسلامی هستیم و از طرف دیگر این روزها مصادف با بازگشائی رشته‌های علوم پایه دانشگاهها نیز هست یکی از برادران بفرمایند که بنظر ستاد و این جمع که از اعضای ستاد انقلاب فرهنگی هستند و در حقیقت برنامه‌ریزی امور انقلاب فرهنگی را در دست دارند چه میزان از نارسائیهایی که در دانشگاههای کشور موجود بوده برطرف شده و باعتقاد اعضای ستاد به چند درصد از خواستهای انقلاب فرهنگی که براساس آن خواستها جریان انقلاب فرهنگی شروع شد نائل آمدیم و به چه میزان هنوز کار در پیش است و ستاد چه طرح و برنامه‌ای برای آینده دارد؟

دکتر شریعتمداری در پاسخ این سئوال چنین گفت: خواهران و برادران، باید در ابتدا علل تعطیل شدن دانشگاهها و همچنین علت تاسیس ستاد انقلاب فرهنگی را در نظر بگیرند تا بعد این سئوال را بررسی کرد و دید که منظور از تعطیل دانشگاهها چه بود وستاد انقلاب فرهنگی برای چه تشکیل شد وتا چه اندازه توانسته است بهدفهایی که برای آن تعیین شده نزدیک بشود.

دانشگاه در زمان طاغوت

دانشگاهها در زمان طاغوت چند نقص بزرگ داشتند:

اول اینکه هماهنگی میان دانشگاهها برقرار نبود. هر دانشگاه و مدرسه عالی برای خودش هیئت امنا داشت و این هیئت امنا تمام امور آن مؤسسه آموزش عالی را سامان می‌بخشید ونظارت دقیقی از طرف وزارت فرهنگ و آموزش عالی بر مؤسسات آموزش عالی صورت نمیگرفت. این عدم هماهنگی، هم در زمینه برنامه‌های آموزشی وجود داشت و هم در تبعیض وضع استخدامی و هم درعدم تساوی امکانات آموزشی و مؤسسات آموزشی عالی و همچنین نابرابری درزمینه توزیع نیروی انسانی وجود داشت و مساله گزینش‌هم‌در دانشگاهها شکل خاصی داشت که فقط افرادی میتوانستند در کنکورهای دانشگاهها موفق بشوند که در مدارس خصوصی یا مدارسی که معلمان بهتری داشتند درس‌میخواندند و یا در کلاسهای کنکور شرکت میکردند و میتوانستند نمره‌های عالی در کنکور کسب کنند و وارد دانشگاه بشوند.

جدایی بین دانشگاه و جامعه

اصولا دانشگاه با جامعه رابطه منطقی و مستحکمی نداشت و جامعه دانشگاهی جدا از جامعه مملکتی بود.

دانشگاهیان با فرهنگ مردم آشنایی نداشتند و محصول دانشگاهها درخدمت مردم قرار نداشت.

با اینکه مردم هزینه‌های سنگینی را تحمل میکردند معذالک از وجود فارغ‌التحصیلان دانشگاهها بنفع مردم استفاده نمیشود.

در خط انقلاب هم جز دانشجویان مسلمان و معدودی از استادان متعهد مسلمان ، بقیه دانشگاهیان در انقلاب شرکت موثر نداشتند. و برنامه‌های آموزشی دانشگاهها با نیازهای مملکت هماهنگی نداشت.

مدیریت دانشگاهها شکلی خاص داشت. وزیر فرهنگ و آموزش عالی اشخاص را بعنوان رئیس بانتخاب و یا رئیس مدرسه عالی پیشنهاد میکرد و شاه منصوب میکرد.

در درون دانشگاه یک نحو استقلال حاکم بود و همانطور که گفته شد دانشگاهیان خودشان میتوانستند برنامه ریزی کنند ومقررات آموزشی وضع کنند وآئین نامه‌های آموزشی را تدوین نمایند.

نکته دیگری که در دانشگاهها در زمان طاغوت بچشم میخورد نداشتن وسائل آموزشی کافی وکتابهای درسی خوب و برخوردار نبودن همه مؤسسات آموزشی عالی از آزمایشگاههای مجهز ووسائل کافی بود.

عدم هماهنگی دانشگاه باانقلاب اسلامی

اینها وبسیاری از مشکلات دیگر سبب شد که دانشگاهها بتدریج از جامعه جدا بشوند وبعد از انقلاب بعنوان یک نهاد غیر موثر در جامعه تجلی کنند و انتظاری که جامعه از دانشگاهها داشت بر آورده نشد ودانشگاه بجای اینکه عامل تداوم بخش انقلاب باشد وهماهنگی کامل با انقلاب داشته باشد ونیروی خود را در خدمت انقلاب قرار بدهد بصورت مراکز جر وبحث سیاسی در آمده بودوگروهکهائی که انگیزه‌های مختلف داشتند دانشگاه را مرکز فعالیتهای گروهی وخصوصی قرار داده بودند وهدف آنها بدنام کردن سران نهضت بود. هدف آنها تحریف حقایق وایجاد توطئه و نقشه علیه انقلاب بود اینگونه فعالیتها موجب رنجش مردم از جامعه دانشگاهی شدوبااینکه امام امت هم در چند مورد تذکرات لازم را دادند معذالک دانشگاهیان بیدار نشدند وبتدریج زمینه تعطیلی دانشگاهها فراهم شد و همانطور که مستحضر هستید شورای انقلاب دستور داد که دانشگاهها بسته بشوند وبعد هم امام به تاسیس ستاد انقلاب فرهنگی اقدام فرمودند وستاد برای بررسی وارزیابی وضع دانشگاهها تجدید نظر اساسی در شئون دانشگاهی، وهمچنین تحقق انقلاب فرهنگی در دانشگاهها تشکیل شد وکارهای خودش را آغاز کرد.

خبرنگار کیهان در این رابطه به آقای شریعتمداری گفت: لطفا در خلال این صحبتها که اشاره‌ای به نظام مدیریت دانشگاهی زمان شاه کردید در رابطه با کادر اجرائی و علمی نیز صحبت کنید یعنی کادری که دانشگاهها را اداره میکرد، از جهت فرهنگ حاکم بر استادها و همینطور فرهنگی که دانشگاه سعی میکرد تا دانشجویان را بآن سمت سوق بدهد.

اهداف ستاد انقلاب فرهنگی

دکتر شریعتمداری در پاسخ گفت: منظور از کادر الگو اعضای هیئت علمی و سوابق و آشنایی آنها به فرهنگ و معارف اسلامی و ایفای نقشی است که جامعه از آنها انتظار دارد باید گفت: همانطور که میدانید بیشتر استادان ما در کشورهای غربی تحصیل کردند و همین امر سبب شده که غالبا با فرهنگهای خارجی آشنا باشند و چون معارف اسلامی در برنامه‌های دبیرستانی و دانشگاهی بصورتی که لازم بود گنجانده نشده بود اغلب فارغ التحصیلان دانشگاههای ما که بعدا هم میرفتند و در خارج تحصیل میکردند و بعنوان استاد در دانشگاه استخدام میشدند نسبت بفرهنگ اسلامی بیگانه بودند و همینطور که قبلا هم گفته شد اصولا جامعه دانشگاهی جدا از جامعه ایران بود و مدیریت هم شکل خاصی داشت و دانشگاهها را هیاتهای امناء اداره میکردند . ستاد برای چند هدف اساسی تشکیل شد یکی تجدید نظر در برنامه‌های آموزشی دانشگاهها- دوم تربیت استاد- سوم تغییر مقررات مربوط به گزینش دانشجو- چهارم تغییر سازمان ومدیریت دانشگاه وهمچنین تهیه کتاب درسی برای دانشگاهها وهدف اساسی اشاعه فرهنگ اسلامی دردانشگاهها بود، اینها جزوهدفهای اساسی بود که درمتن فرمان امام هم بعضی بطور صراحت وبعضی هم بطور ضمنی ذکر شده وستادهم ازبدو تاسیس درهریک ازاین زمینه‌ها قدمهایی برداشت.

تاسیس گروه اصلی برنامه‌ریزی برای رشته‌های مختلف

من باب مثال برای اینکه دربرنامه‌های اموزشی دانشگاهها تجدید نظربشود بلافاصله ستاد اقدام بتاسیس ۵ گروه اصلی برنامه‌ریزی دررشته‌های پزشکی- فنی ومهندسی- کشاورزی- علوم انسانی علوم پایه وهنر کرد وکمیته‌هایی راتشکیل داد.

دراین کمیته‌ها استادان متعهد وصاحب‌نظر وعده‌ای ازدانشجویان شرکت داشتند وکارآنهادرمرحله اول ارزیابی برنامه‌های موجود بود واین امر انجام شده آنوقت درهررشته بتناسب وسعت آن رشته وبامشارکت صاحب‌نظران برنامه‌ریزیهایی بعمل آمد.

برنامه‌ریزی آموزشی بارعایت اصول علمی

نکته‌ای که جالب است وبایدبآن توجه شود این است که برای اولین باردرایران برنامه‌ریزی آموزشی روی اصول علمی وباتوجه به نیازهای مملکتی وبااستفاده ازوجود صاحب‌نظران واستادان باسابقه ومشارکت دانشجویان انجام گرفت. باین معنا که درگذشته برنامه‌های آموزشی بیشتر ترجمه برنامه‌هایی بود که در دانشگاههای خارجی اجرا میشد وبعضی ازاین برنامه‌ها روی اصول علمی هم تدوین نشده بودند وبانیازهای مملکتی هماهنگ نبودند واستادان ماهم نسبت باین برنامه‌ها بیگانه بودند وغالبا هم دراین برنامه‌ها قرار میگرفتند وملزم بودند که این برنامه‌هارااجراکنند.

ستاد انقلاب فرهنگی درضمن برنامه‌ریزی این رویه راطرد کرد وبااستفاده ازوجود صاحب‌نظران وبامطالعه روی نیازهای مملکتی ورعایت اصول علمی برنامه‌های مختلف راتدوین کرد والان ماقریب به صد مجموعه برنامه آموزشی دررشته‌های مختلف پزشکی، فنی، علوم انسانی، علوم پایه وکشاورزی تدوین کردیم وبرای ابلاغ به دانشگاهها دراختیار وزارت فرهنگ وآموزش عالی قرار دادیم وبسیاری ازاین برنامه‌ها هم بدانشگاهها ابلاغ شده‌است.

بنابراین ملاحظه میکنید که درزمینه برنامه‌ریزی ستاد این هدفها راکه داشته مورد توجه قرارداده وقدمهای اساسی برداشته وتقریبا درسطح کارشناسی یعنی دوره لیسانس برنامه‌های ما در تمام رشته‌ها تکمیل شده وهم اکنون مادرستاد مشغول برنامه‌ریزی درسطح دوره فوق لیسانس ویاکارشناس ارشد وهمچنین دوره‌های تخصصی دررشته‌های پزشکی ودوره‌های پژوهشی دررشته‌های فنی ورشته‌های کشاورزی وعلوم پایه هستیم.

تاسیس مرکز نشردانشگاهی

درزمینه دوم که جادارد روی آن تاکید کنم

شماره ردیف

شماره مسلسل

مأخذ: کیهان تاریخ ۶۲/۲/۱۹ ۱۱۸۶۴

عنوان: مصاحبه با بعضی از افراد ستاد انقلاب فرهنگی و جهاد دانشگاهی

موضوع:

(آرشیو)

ضرورت‌های به تعطیل کشیده شدن دانشگاهها

بسم‌الله الرحمن الرحیم. به عنوان اولین سئوال ابتدا تاریخچه‌ای از چگونگی شکل‌گیری انقلاب فرهنگی بیان کرده و در رابطه با ضرورت‌هائی که بسته شدن دانشگاهها را اقتضا می‌کرد توضیحاتی بفرمائید.

ج- بسم‌الله الرحمن الرحیم. در طول انقلاب تحول عظیمی در مردم بوجود آمده و همه مردم به دنبال امام با آن خواسته اصیل خودشان راه افتادند وقتی امام فرمودند که دانشگاهها باز شوند، چون دانشگاه سنگر حساسی بود ما هم بسرعت برگشتیم به دانشگاه به هوای اینکه دانشگاه روحی از انقلاب باشد. ولی ما مشاهده کردیم که دانشگاه برعکس دقیقاً به یک کانون ضد انقلاب تبدیل شده و کاملا در مقابل انقلاب اسلامی ایستاده بود. البته اگر ما دقت نگاه می‌کردیم چیز تعجب‌آوری نبود چون فرهنگی که از قبل بر دانشگاه حاکم بود بسیار کفرآمیز و التقاطی نشأت از فرهنگ غرب بود. یک نکته را هم اگر دقت کنیم این است که دانشگاه در دیرترین وقت وارد انقلاب میشود و می‌خواهد که همگام با انقلاب قدم بردارد و تازه تا مدتهای زیادی هم به دنبال شعارها و خواسته‌های منفی وارد می‌شود.

اصلا فلسفه تأسیس دانشگاه این بوده که کانونی برای رشد فرهنگ غربی باشد و دقیقا درمقابل مذهب قرار گیرد نه اینکه کانونی باشد که در رفع نیازهای مردم بکوشد. دانشگاه بهترین نیروهای غرب را برای مقابله با انقلاب اسلامی پرورش می‌داد و نمونه‌اش تئوریسین‌های رژیم شاهنشاهی در حزب ایران نوین و رستاخیز بودند که تمام همّ‌شان دفاع از منافع امریکا وشوروی بود.

اینگونه است که می‌بینیم دانشگاه بعد از انقلاب دقیقا امید امریکا وروسیه وتمام نیروهائی است که با انقلاب وامام عزیز ما سرسختانه دشمنی داشتند. برهمین اساس بود که برادران وخواهران مسلمان در هر قشری بخصوص دانشجویان به این نتیجه رسیدند که باید برخوردی با دانشگاه کرد که از این حالت بیرون بیاید و یک انقلابی در آن بشود ولی از آنجا که انجمن‌های اسلامی دانشجوئی مثل عموم مردم سعی می‌کردند جلوتر از مسئولان جمهوری اسلامی و خصوصا رهبر انقلاب حضرت امام حرکت نکنند منتظر فرصت بودند، تاپیام نوروزی امام این موقعیت را بوجود آورد و آنها بسرعت تشکیل جلسات متعدد دادند و باسروران و بزرگانی مانند حضرت آیت‌الله بهشتی شهید مظلوم و حضرت آیت‌الله العظمی منتظری تماس گرفتند و وقتی خبر به ایشان میرسد اعلام آمادگی می‌کنند و حتی بالفعل اینکه دانشگاهها باید بسته بشود تاتبدیل به دانشگاه اسلامی بشود دانشجویان را تایید کرده و دیگر تردیدی باقی نمی‌ماند که وقت عمل است و حمایت مردم و روحانیت و مهمتر از همه امام را به دنبال خواهد داشت.

دانشجویان مسلمان بکمک نیروهای مردم وارد عمل می‌شوند و دانشگاهها را می‌بندند. از این لحظه به بعد بابایستی وزارت علوم برای اسلامی کردن دانشگاهها وارد عمل شود که وزارت علوم آن زمان بهیچ عنوان توان و صلاحیت و کادر لازم را برای این کار نداشت و از هرجهت فاقد کمترین توان و صلاحیت برای کار مقدس انقلاب فرهنگی بود و البته به اعتقاد ما الان هم باوجود تغییراتی که در آن وزارتخانه انجام شده بستهایی حتی درزمینه‌های اجرائی و نه برنامه‌ریزی (که دقیقاً ما معتقدیم افرادی از سطوح بالا و مسلط برفرهنگ اسلامی و آشنا با وضع دانشگاهها ومتعهد خط امام ونظام جمهوری اسلام باید آنرا برعهده بگیرند) فاقد چنین توانی است. ولذا امام فرمان تشکیل یک نهاد را می‌دهند وستاد انقلاب فرهنگی بوجود می‌آید که باارتباط مرتب باایشان به حل مسائل بپردازند.

ستاد بعد ازتشکیل شدن برای جبرانیات خودش نیاز به یک نیروی اجرایی مؤمن ومتعهدی دارد، باملاطفه‌ای که بر روی وزارت علوم می‌شود رسما اعلام می‌گردد که وزارت علوم توان این کارانقلابی راندارد ودراینجا جهاد دانشگاهی تشکیل می‌شود. وکارهای اجرائی دانشگاه رابعهده می‌گیرد.

سئوال: خواهش می‌کنم که در ادامه سوال چگونگی تشکیل جهاد دانشگاهی وکارهائی را که تاکنون انجام داده توضیح دهید.

ج۲- بعداز حرکت انقلاب فرهنگی که توسط دانشجویان مسلمان در دانشگاهها بوجود آمد نهادی از طرف دانشجویان مسلمان بنام جذب نیرو بوجود آمد که مسئولیتش بکارگیری نیروهای آزاد شده دانشگاهی برای پیشبرد جامعه بود. با تشکیل شورای هفت نفره ستاد انقلاب فرهنگی توسط امام امت، دانشجویان این ارگان را با تمام نیرویش در اختیار ستاد قرار دادند که بعدها با نام جهاد دانشگاهی بعنوان بازوی اجرائی ستاد انقلاب فرهنگی در دانشگاهها مشغول بکارشدند.

وهمانطوری که گفته شد هنگام تشکیل ستاد، چون وزارت فرهنگ آموزش عالی در گذشته نقشی در هدایت واداره دانشگاهها بعهده نداشته واداره دانشگاهها هم بیشتر بوسیله شاه وخانواده‌های آنها با افرادی در سطح آنها انجام می‌گرفت، بنابراین یک مرکزی جهاد گونه که با ایثارگریها وتوانش بتواند دانشگاهها را کنترل کند وحرکت دانشگاهها را که بسوی حاکمیت یک فرهنگ استعماری بود بسوی یک فرهنگ استقلالی واسلامی که آنطور که خواسته امام است تبدیل بکند لازم و ضروری به نظر میرسید.

جهاد دانشگاهی با در اختیار قرار دادن امکانات دانشگاه در جامعه وگشودن درهای دانشگاه بسوی جامعه کار خودش را شروع کرد وهمانطور که امام امت فرمودند دراین تعطیل دانشگاهها، جهاد دانشگاهی کارهایی که انجام داده، درزمینه‌های فرهنگی، طرح وتحقیقاتی وپژوهش ومدیریت دانشگاهها وآموزشهای کوتاه مدت، باندازه پنجاه سال گذشته دانشگاهها ثمره داشته است.

عمده فعالیتهای جهاد دانشگاهی درکارهای فرهنگی بوده واز جمله کارهای جهاد کارهای تحقیقات بود که با توجه نیازهای جامعه درزمینه‌های فنی وپزشکی وکشاورزی انجام داد واین در دانشگاههای گذشته در جهت نیازهای جامعه انجام نمی‌شد

یک دانشجویا یک استاد با آن روابط بسیار پوسیده اداری معمولا اگر هم مسایل بودنمی‌توانست کاری بکند چون تا بروند مراحل بودجه آماده بشود و طرح آن مورد قبول واقع شود کلی وقت می‌برده. حالا بگذریم از این مسئله که اصلاً طرحهائی که وجود داشته طرحهائی بوده که برای خارجی‌ها صورت می‌گرفته است نه برای داخل.

در هر حال جهاد بهترین طرحها را با حداقل زمان و بهره و کمترین بودجه انجام داد و من چند نمونه آن را عرض می‌کنم البته تمام کارهای ما در کتابی چاپ شده که بعداً عرضه خواهد شد.

طرح‌های جهاد در رابطه با جنگ

از جمله طرحهائی در رابطه با جنگ بوده است که ما یکی از آن را عرض می‌کنیم. در محیط جنگ بعلت اینکه جنازه بین دو نیرو می‌ماند پشه‌های خیلی خطرناکی که در موقع گزیدن اثر حاد و فوری داشتند بوجود آمده بود و مثلاً در «دارخوین» پشه‌هائی آمده بود که اینها وقتی بچه‌های ما را می‌زدند حالت هیستری ایجاد می‌کرد. جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران بکمک جهاد مرکز و همین طور اساتید مسلمان و متعهد و اساتیدی که نسبت به نظام تعهد دارند و حتی ممکن است که مذهب دیگری داشته باشند. بعد از مدتی یک داروئی را درست کردند که لباس رزمندگان را به آن آغشته می‌کردند و تا چند ماه پشه‌ها به طرف ایشان نمی‌رفتند. حساب کنید که اگر این طرح به دست خارجی‌ها انجام میشد شاید چندین دستگاه عظیم می‌خواست و ساعتها پول پرداختن به متخصصین خارجی، درحالی که متخصصین بهداشت ما با هزینه‌ای کم این کار را انجام دادند و از جمله طرحهای دیگری که جهاد آن را انجام داد و آقای رفسنجانی درنماز جمعه اعلام کرده بودند این قضیه است که شرکتهای چند ملیتی طراحی برای خودشان ونه برای ایرانیها درست کرده بودند بنام «مرغ لاین» که نمونه‌های گوشتی مرغ درمنطقه بود بعد از انقلاب این شرکت چند ملیتی انگلیس واسرائیل وافریقای جنوبی فرار کردند وبعد برادران وخواهران متعهد ما که اغلب دانشجو هم بودند تمام آثار پاره پاره شده را به سبک لانه جاسوسی کنار هم قرار می‌دهند وفرمول آن را درمی‌آورند وبرای اولین بار این فرمول درایران کشف می‌شود درحالی که این فرمول دست شرکتهای چند ملیتی است. کارهای زیاد دیگری توسط جهاد دانشگاهی صورت گرفته است که از حوصله بحث ما خارج است. درهرحال برادران وخواهران جهادی ما اعتقاد دادند که سیستم پژوهشی آینده دانشگاهها باید به صورت جهادی اداره شود ولی با توجه به طرح هیئت رئیسه باید گفت که ما متأسفانه داریم به سیستم سابق برمی‌گردیم.

جهت حرکت دانشگاه درآینده

سوال: بعداز سه سال که از اعلان انقلاب فرهنگی توسط دانشجویان انجمن اسلامی دانشگاهها می‌گذرد و تشکیل ستادانقلاب‌فرهنگی و متعاقب آن تشکیل جهادهای دانشگاهی که هم شما و هم دیگران به اسم بازوی ستاد از آن یاد می‌کنید، فکر می‌کنید چه تحولات عمده‌ای در رابطه با جریانات دانشگاهی صورت گرفته است و یا به تعبیر دیگر زمانی که دانشجویان انقلاب فرهنگی کردند یک سری ضرورتها احساس می‌شد و دانشگاه یک دانشگاه وابسته‌ای بود و یک سری اهدافی در ذهن دانشجویان بود که فکر می‌کردند دانشگاه اسلامی آن است و باید به آن رسید و حالا می‌خواهیم بدانیم بعد از این سه سال که دانشگاهها دوباره باز می‌شود چه مقدار ازین خواسته‌ها عملی شده است و احیاناً اگر هنوز نارسائیها برطرف نشده چه برنامه‌ریزی دراین رابطه دارید؟

جواب: ابتدا یک مقدمه کلی لازم است گفته بشود و آن این است که همانطور که امام بارها در صحبتها اشاره فرمودند امر فرهنگ و انقلاب فرهنگی چیزی نیست که دریک سال و چند سال تحقق بپذیرد و این کاری است که احتیاج به زمان طولانی دارد و اما در رابطه با آنچه که دربن سه سال مسئولین فرهنگ می‌بایست بدنبال آن می‌بودند و انجام آن امکان‌پذیر بود باید گفت: درمدتی که ستاد انقلاب فرهنگی و جهاد دانشگاهی کار کردند انقلاب فرهنگی فقط به یک انقلاب آموزشی در دانشگاهها خلاصه شد و آن انقلاب فرهنگی که از دبستان تا رادیو تلویزیون فرهنگ جامعه بود وبرحکم امام به اعضای ستاد داده شده بود فقط به انقلاب آموزشی در دانشگاهها خلاصه شد. درانقلاب آموزشی در دانشگاهها مادرچندین امر باید تغییر ایجاد می‌کردیم یک قسمت آن نظام آموزشی در دانشگاهها ومحتوی دروس بوده دربخشهای مختلف فنی وکشاورزی وپزشکی ومهندسی وباعلوم انسانی. دراین رابطه ستاد وکمیته‌های برنامه‌ریزی ستاد انقلاب فرهنگی خدمات شایانی کرده‌اند، مخصوصا درکمیته‌های فنی ومهندسی وکشاورزی. همچنین با تصویب آئین‌نامه‌های آموزشی تغییر محتوای درسی انجام شده است ولی در زمینه علوم انسانی، ستاد اهمال وضعف داشته است.

درزمینه‌های فرهنگی باید گفت دانقلاب فرهنگی را نمی‌توانیم ومنطقا هم نمی‌شود درعرض دوسه سال در دانشگاهها متحقق کرد اما ما باید جهت فرهنگی دانشگاهها را به جهتی سوق بدهیم که در عرض بیست الی چند سال آینده انقلاب فرهنگی متحقق بشود دراین زمینه باید گفت دانشگاههای ما بعد از سه سال بسته بودن، به تعبیری متوقف بودن فعالیتهای آموزشی الان که دوباره باز میشود فکر نمی‌کنیم جهت لازم را داشته باشد که درعرض

چند سال آینده بتوانیم ادعا بکنیم که انقلاب فرهنگی متحقق خواهد شد. یعنی جهت دانشگاه جهت مناسب ومطلوبی که ما فکر می‌کنیم می‌بایستی باشد نیست

شماره‌ردیف ________ عنوان: ۲ ________

شماره‌مسلسل ________ موضوع: ________

مأخذ: تاریخ جمهوری ۶۱/۲/۲۷



(آرشیو)

صهیونیسم بگیرند و مساله قدس برایشان اساسی می‌باشد طبیعی است که موضع خودشان را روشن میکنند و کشورهای دیگری می‌آیند وخودشان را اتصال میدهند با کشوری که خیانتش به جهان عرب وجهان اسلام کاملاً روشن است و روابطش با امپریالیسم با رژیم اشغالگر فلسطین و آمریکا کاملا روشن است ما فکر می‌کنیم ملت مسلمان به آن آگاهی رسیده که از تمام این شواهد نتایجی بسیار سودمندی را بگیرد.

● ستاد انقلاب فرهنگی، وزارت آموزش عالی و جهاد دانشگاهی سه نهاد حاکم بر مدیریت دانشگاهی هستند بنظر آقای نخست وزیر با توجه به ضرورت بازگشائی دانشگاهها مدیریت دانشگاهی با ترکیب فعلی میتواند موفق باشد؟ و اصلا تکلیف مدیریت دانشگاه بکجا خواهد انجامید؟

- در این زمینه گفتگوهائی بین ستاد انقلاب فرهنگی و مسئولین کشوری الان وجود دارد و برادران دانشجو هم یک ملاقاتی با من داشتند و صحبتهائی با دیگر مسئولان کردند من فکر میکنم در آستانه تصمیم‌گیری جدی در این زمینه هستیم به نحوی که به لحاظ مساله مضمونی و محتوائی انقلاب فرهنگی از جنبه‌های اجرائی تا اندازه‌ای جدا بشود و بتوانیم روی غنای انقلاب فرهنگی بیشتر کار بکنیم، و در این زمینه من فکر میکنم که مطبوعات بطور وسیعی خودشان را آماده بکنند بنحوی که مقالاتی که می‌توانند بنویسند یا مصاحبه‌هائی که میتوانند بکنند و تحلیلهائی که میتوانند داشته باشند بسیار می‌تواند سودمند باشد تا اینکه این بحث گسترش پیدا بکند برای اینکه راه حل مثبت و قوی برای این مساله پیدا شود.

● اخیراً در رابطه با مسائل اقتصادی معاملات پایاپای با برخی از کشورها انجام گرفته جمهوری اسلامی چه منافعی در این معامله پایاپای دارد؟

ج- مساله استفاده کردن از معامله پایاپای یک شرایط خاصی را ازنظر در رابطه با فروش نفت برای ما ایجاد می‌کند ولی در مجموع یک سیاست عمده‌تری وجود دارد، ما عملا این مساله را احساس کردیم ازنظر تئوری روشن است وازنظر عمل هم برای همه ملت ما روشن است که از ابزار استفاده میشود بعنوان اهرمهای سیاسی در کشورهای گوناگون و در رابطه با کشور ما هم استفاده میشود. ما دقیقا با مساله اقتصادی الان اینجوری روبرو میشویم یعنی فکر می‌کنیم که مساله اقتصادی و روابط اقتصادی ما با جهان خارج از ابعاد سیاسی آن تفکیک ناپذیر است طبیعی است که اینجوری اندیشیدن و این نحو اندیشیدن ما را به راه حلهای تازه‌ای و ایجاد این ارتباطات می‌کشاند، بطور مثال ما در رابطه با معامله تهاتری یا پایاپای متوجه شدیم که یک کشوری شاید ظرف ۴۰٪ واردات ما از آن کشور باشد درعین اینکه همان کالا را در کشورما میفروشد و قطره‌ای از نفت مارا نمی‌خرد درصورتیکه ممکن است. روزانه چهارمیلیون بشکه مصرف نفت داشته باشد ولی این دلارها را که ازفروش کالاهای خودش بدست می آورد می تواند صرف خرید نفت از کشورهائی بکند که ارتباط مستقیم باایران ندارند ما این مساله رامطرح کردیم که ما نمی توانیم از شما کالا بخریم مگر اینکه به پایاپای از ما نفت بخرید این نوع رفتن به سوی سیاستی است که ما این سیاست را داریم درتمام ابعاد وراجع به هر کشور گسترش می دهیم وفکر میکنیم که یک نوع روابط انسانی، اسلامی ومطابق با منافع جمهوری اسلامی وتمام کشورها از این استفاده میکنند وما بعنوان یک کشور کاملاً مستقل ودرعین حال متکی به مردم ایثارگر میتوانیم باقدرت بیشتری از کشورهای دیگر استفاده بکنیم. بطور مثال ما راجع به قطع واردات مربوط به یک کشوری تصمیم گرفتیم روی همین ایثارگری مردم حساب زیادی باز کردیم. فکر می کردیم که بخاطر فشار سیاسی که ما میتوانیم ازروی دوش خودمان برداریم اکتفای زیادی به مردم خودمان میتوانیم داشته باشیم در حالی که راجع به کشورهای دیگر چنین مساله‌ای ندارد. خود به این نحو اندیشیدن من فکر میکنم که یک روابط اقتصادی سالمی رادارد ایجاد میکند بین ایران وکشورهای دیگر، و همه کشورهای دیگری که باما درارتباط هستند احساس میکنند که اگر منافع بصورت متقابل درنظر گرفته نشود معامله‌ای صورت نخواهد گرفت.

● با توجه به اوضاع بحرانی اقتصادی واجتماعی که برمصر حکمفرماست و همچنین بیداری اسلامی دراین کشور تاچه اندازه احتمال میدهید که رژیم مبارک قادرباشد بدون روبرو شدن با مخاطرات جدی درداخل کشور خود به اعزام نیرو برای انجات صدام جهت جبهه‌های جنگ تحمیلی دست بزند؟

- دررابطه با حسنی مبارک تنها با شرایط داخلی مصر روبرو نیستیم بلکه با محاسبات ابرقدرتها بویژه آمریکا درمنطقه روبرو هستیم. یعنی نمی توانیم اینجوری فکر بکنیم که مصر به تنهائی هست که دارد فکر میکند. مسلما آن چیزی که هست و می تواند یک عامل بازدارنده‌ای باشد برای اینکه مصر دراین جنگ شرکت نکند این است که وارد شدن صفوف منظم سرباران مصری در منطقه نه تنها تمام منطقه را می تواند به آتش بکشد وطبیعتا این شعلهورشدن و شعلهور کردن جنگ به ضررانقلابمان نخواهد بود بلکه به نفع انقلاب مادرسراسر جهان اسلامی خواهد بود ومشکلات فزاینده‌ای هم درداخل مصرمی تواند بوجود بیاورد که منجر شود به سقوط هرچه زودتر رژیم حسنی‌مبارک یعنی طبیعی است که اگر حسنی‌مبارک دست به چنین کاری بزند به سرنوشتی دچار خواهد شد که صدام دچار شد. مخصوصا اگر به این مساله اضافه بکنیم که آگاهی گسترده‌ای که در میان ملت مصر وجود دارد بعنوان پیشگامانی درمیان ملت عرب که سالهای سال البته دچار خفقان بود توسط رژیم سادات و حسنی‌مبارک و مساله شهید خالد اسلامبولی بخوبی نشان داد که این درک و آگاهی تاچه اندازه‌ده در میان ملت مصر عمیق است و تمام اینها عواملی است که تااندازه‌ای خطر درگیری مصر را درجنگ با ما کاهش می‌دهد و اگر شرکت هم بکند عملاً کارآیی این نوع همکاریها بشدت از سوی خود امپریالیستها باید مورد تردید واقع شود ما بارها اعلام کردیم که موضع ما در مقابل ابرقدرتها بخوبی نشان داده که تسلیم زور نمی‌شویم و تسلیم ارعاب نمی‌شویم، هیچ قدرتی ما را نمی‌تواند بترساند بخاطر اینکه ما درحقیقت با ایمان خودمان می‌جنگیم ومساله شهادت بعنوان یک ارزش درنظاممان پذیرفته شده است طبیعی است که این نوع تهدیدها اثری در اراده ما برای پیروزی نهایی نخواهد داشت.

- شبکه‌های تبلیغاتی غرب اخیراً سعی در ترساندن دولتهای کوچک منطقه از پیروزیهای اخیر ارتش اسلام را دارند برای این دولتها چه پیامی دارید؟

- کشور ما بارها علاقه خودش را برای ایجاد امنیت و صلح درخلیج اعلام کرده و کسی باید بسیار کم‌عقل باشد و ابله باشد که فکر کند درخلیج‌فارس بدون حضور ایران می‌تواند امنیت برقرار باشد واقعیتهای جدید طبیعتاً معادله را سنگین‌تر می کند چون ایران بعنوان یک قدرت بزرگ و قوی و مصمم خودش را نشان می‌دهد.

طبیعی است که پیروزی ایران و واقعیتهای جدید ابرقدرتها را سخت از آن‌چیز که آنها اسلام را بنیادگرا می‌دانند و ما اسلام محمدی، نگران کرده است و دلیل حقانیت آن همین مبادله قدرتهای استکباری باهم هست، آنها را واداشته که این کشورها را از ما بترسانند تا بلکه بتوانند آنها را در مقابل قرار بدهند ولی من فکر می‌کنم که خود کشورها و یا بعضی از این کشورها متوجه این خطر هستند، اگرچه کشوری مثل کویت را ما می‌بینیم که هنوز به لجاجت خودش ادامه می‌دهد و بطور گسترده‌ای به کشور عراق دارد کمک می‌کند رسانه‌های جمعی‌شان از اول جنگ تا الان به مخدوش جلوه‌دادن انقلاب اسلامی و مخدوش جلوه‌دادن نتایج جنگ همیشه اشتغال داشتند طبیعی است ضرر این نوع برخورد با انقلاب بزرگ اسلامی ما و با ملت ما در وحله اول متوجه خود این کشور خواهد شد.

- در مورد مساله مسکن در کل کشور تصمیمی گرفته شده است یا خیر؟

- مشکل مسکن یک مشکل پیچیده با سایر مشکلاتی است که ما در انقلاب با آن روبرو هستیم و در حقیقت به میراث بردیم این مشکل را از رژیم سابق واگر ما نتوانیم مشکلات اقتصادی، اجتماعی خودمان را بطور گسترده در دراز مدت حل بکنیم، مشکل مسکن وجود خواهد داشت، و برعکس اگر در آن جنبه‌ها موفق باشیم مشکل را حل خواهیم کرد و دولت در این زمینه سیاست مشخصی دارد ما نمی‌خواهیم که تهران بصورت یک شهر ده میلیونی در بیاید ومثل یک سر بزرگ باشد روی تنه یک بچه که تمامی امکانات کشور را در خودش جذب بکند همه آنها را از بین ببرد و تمام مملکت ویران بشود برای اینکه یک تهران آباد بشود برای اینکه یک همشهری تهران بتواند هوای خوبی و منزل خوبی داشته باشد و از همه امکانات برخوردار بشود و این به قیمت بدبختی استانها و شهرهای مختلف باشد این مخالف هر نوع عقل سلیم است رشد شهرهای بزرگ و شهرهای غولی مثل تهران و بعضی جاها مثل قم اگر ریشه یابی بشود به اقتصاد وابسته آنها و نظامهای وابسته آنها بر می گردد. و طبیعی است وقتی بعد از انقلاب هدفهای خود را عوض کردیم در این زمینه سمت گیری ما هم کاملاً عوض شده است. ما اعتبارات مسکن را بیشتر سوق می‌دهیم به سمت استانها و استانهای محروم و شهرستانهای کوچک، درست است که ما اعتباری سابق یعنی ۸۰٪ را به تهران انتقال می‌دادیم تهران آباد می‌شد ولی به چه قیمتی، به قیمت جذب مهاجر بیشتر، به قیمت رکود کشاورزی و به قیمت از بین رفتن صنعت ما و به قیمت وابستگی ما، به رژیمهای استکباری جهان ولی ما این سیاست را پیش می گیریم که یک نوع ریاضتی را بر مردم تهران تحمیل می کنیم ولی مردم تهران از چه کسانی تشکیل شده‌اند که این ها مستضعفین مربوط به همین شهرها و روستاها و استانهای مختلف می‌باشند و آنها اگر بیایند و بروند به شهرهای خودشان و حقانیت دولت را در این کاری که پیش گرفته تثبیت خواهند کرد و به ما کمک خواهند کرد.





عنوان: [illegible]

موضوع: مصاحبه مطبوعاتی [illegible]

[illegible] جنگ تحمیلی، کشور عراق و شورای همکاری خلیج [illegible]

تاریخ: ۲/۲۷/۶۱ شماره: ۸۵۷

(آرشیو)

[illegible] نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران [illegible] یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی با حضور خبرنگاران داخلی در مقر نخست وزیری شرکت کرد و به سئوالات آنان پیرامون مسائل مختلف از جمله جنگ تحمیلی، آینده عراق و شورای همکاری خلیج پاسخ گفت. نخست وزیر پیرامون تشکیل جلسه شورای همکاری خلیج در کویت و شکست آن گفت علت شکست این کنفرانس تحمیل واقعیتها است واقعیتهای ناشی از پیروزی رزمندگان ما در جبهه ها و این پیروزیها دگرگونیهائی در منطقه بوجود آورده است و کشورهای منطقه را مجبور میکند براساس منافع ملی خود تصمیمات جداگانه ای بگیرند و به همین دلیل است که به نتیجه مشترکی نرسیده اند.

نخست وزیر گفت در این میان [illegible] کشورهای عربی دوست ما بسیار مهم است جبهه پایداری که مقاوم ترین کشورهای عربی در مقابل صهیونیسم و امپریالیسم است در کنار کشور ما قرار دارد. هر نوع تصمیم گیری حاد در میان کشورهای مرتجع شکاف بین این کشورها را عمیقتر میکند که در نتیجه ما میتوانیم واکنشهای تندی را در میان ملتهای این کشورها شاهد باشیم. مهندس موسوی پیرامون فعالیت بعضی از کشورهای مرتجع عربی جهت برگرداندن مصر بدامان اعراب گفت اساسی ترین نکته را در این زمینه رادیو و رسانه های عربستان گفته اند پیش از این کنفرانس اشاره [illegible] خطر انقلاب اسلامی [illegible] از خطر اسرائیل است خطر اسرائیل در درجه دوم اهمیت قرار دارد و لذا ما تعجب نمیکنیم که امروز این کشورها به سوی مصر بروند مصری که با اسرائیل پیمان دارد.

وی افزود قبلا ما همدستی صهیونیسم و امپریالیسم را در منطقه در [illegible] پشتیبانی از عراق عنوان کرده ایم واتفاقهای تازه ای که در این زمینه اتفاق میافتد نشان دهنده اینموضوع است.

نخست وزیر درمورد دخالت اردن و مصر درجنگ تحمیلی گفت دخالت این دوکشور جزئی از دخالت ابرقدرتها در این جنگ است و درمورد تبلیغات رسانه های جمعی در سطح جهان علیه ایران این بعد آن دیده نشده که سود این تبلیغات نشان میدهد ابرقدرتها در این جنگ سهم داشته اند وی گفت هنگامیکه زمینهای ما زیر چکمه سربازان رژیم صدام بود صحبتی از صلح نبود و درحال حاضر ما میبینیم که در بلوک شرق جنگ را بنفع امریکا میدانند و در بلوک غرب این جنگ را بنفع بلوکشرق میدانند و این نشان دهنده آن است که این جنگ تا پیروزی رزمندگان اسلام بضرر هردو ابرقدرت است زیرا که حقانیت نیروهای ما را در صحنه جهانی بمعرض نمایش میگذارد که این همان علت وحشت ابرقدرتها از پیروزی ماست.

نخستوزیر پیرامون سالگرد اشغال فلسطین گفت ما پیام خود را بارها گفته ایم راه حل مسئله فلسطین یک راه حل اسلامی است و با گسترده تر شدن این پیام درجهان اسلامی گرایشهای نوینی را دراین جهت احساس میکنیم بویژه وقایع اخیری که درمسجدالاقصی اتفاق افتاده است. نخستوزیر افزود ما معتقدیم که این جنگ هرقدر بسمت مکتبی تر شدن برود و برگشت آن بسوی یک میلیارد مسلمان جهان باشد جبهه مبارزه بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم را گسترده تر میکند و سر انجام راه حل نهائی برای مسئله قدس پیدا خواهد شد وی گفت ما بارها اعلام کرده ایم که مبارزه با امریکا و صهیونیسم جنبه گسترده جهانی در میان کشورهای مسلمان دارد و باید به این مسئله با ابعاد گوناگون پرداخت ما نمونه های مبارزه امپریالیسم و صهیونیسم بر علیه مسلمانها و انقلاب اسلامی را حتی در شوراهای کاذبی که در خلیج فارس اتفاق میافتد بصراحت میبینیم و شاهد نزدیک شدن مصر به کشورهای عرب و برگرداندن حسنی مبارک به جرگه سران عرب هستیم در نتیجه ما با یک جبهه گسترده روبرو هستیم و با این جبهه گسترده جز با مکتبی تر کردن مبارزه در سراسر جهان اسلامی نمیتوان نتیجه گرفت.

و طبیعی است که این نقطه نظرها از یک دید عمیق نسبت به انقلاب ما سرچشمه می گیرد.

ولی اینکه در زمینه طرحهای نظامی ما هماهنگی کرده باشیم با کشور برادر سوریه من چنین چیزی را نمی توانم ببینیم؛ ما یک سیاست هماهنگ خارجی در قبال مسائل مربوط به امپریالیسم و صهیونیزم و مساله عراق و رژیم صدام داریم و بیش از این را فکر می کنم جزئیات را که مطرح نمودید وجود نداشته باشد.

● ارتش صدام هویزه را با خاک یکسان کرد و قبل از تخلیه پادگان حمید تاسیسات آنرا بکلی نابود و از بین برده، آیا فکر نمی کنید که چنین حرکاتی حاکی از آن باشد که رژیم عراق خیال پرداخت غرامتهای جنگ را بهانداند. اگر جواب مثبت است در مقابل آن چه حرکتی از سوی ایران صورت خواهد گرفت.

رژیم صدام قصد پس دادن یک وجب ازخاک غصب شده کشور ما را ندارد و در این جنگ آن چیزی که ما بدنبال هستیم گرفتن حق است با هر قیمتی که شده با ایثار رزمندگان و ملت ما، با تحمل سختیها و در آینده هم اگر ما توجه داشته باشیم مسلما آن حقی که مربوط به ماست خواهیم گرفت.

● دولت چه اقداماتی را برای پیشرفت کشاورزی و رسیدن به خودکفائی در نظر گرفته است.

ما کشاورزی را بصورت محوری قرار میدهیم که بخشهای دیگر از هماهنگی با رشد ملت با توسعه خودشان ادامه میدهند. بطور مثال وقتی به بخش صنعت بر می گردیم طبیعی است که ما با آن بخشی از صنعت می توانیم تکیه داشته باشیم که بتواند کمک به کشاورزی ما بکند مثلا کارخانه هایی که می تواند در جوار روستاها و صنایع دیگر هم ایجاد شود.

● با توجه به اینکه در صورت بیرون [illegible] نیروهای بعث عراق از خرمشهر [illegible] مانند آبادان خرمشهر را از آن سوی مرزها زیر آتش توپخانه قرار خواهند گرفت آیا فکر نمی کنید ما مجبور شویم در تعقیب متجاوزین ازمرزهای بین المللی عبور کنیم؟

● ما قصد داریم آن چیزی که دفاع برای ما محسوب میشود انجام بدهیم. از نظر شرعی و اسلامی نیز این مساله قابل قبول است. ما بارها اعلام کردیم که قصد طمع به وجبی از خاک عراق نداریم حتی به کشورهای دیگری هم نداریم. درعین حال این مسئله هم بارها گفتیم و در حضور ملت ما گفته شده است که درمدت نزدیک به دوسال که ازاین جنگ میگذرد ما آسیبهای زیادی و ضربات زیادی دیدیم ما باید به نحوی عمل بکنیم که بتوانیم قدرت دفاع از مردم و مرزهای خودمان را داشته باشیم طبیعی است که با این دید اقدامات ما بسیار مربوط است به موضعگیریهای آینده کشورهای منطقه و همچنین نتایج این جنگ.

● روزنامه سوری تشرین ارگان دولت سوریه اعلام کرد که متقاعد شده است ایران به هیچ وجه قصد ندارد یک کشور عرب را مورد تجاوز قرار دهد و درصورتیکه نیروهای ایران وارد خاک عراق شوند خطر قطعا خطر متوجه شخص صدام است و نه دیگران بفرمائید آیا این نوشته می تواند حاکی از یک نوع هماهنگی بین دولت عربی سوریه باایران برای ادامه جنگ تا ساقط کردن رژیم صدام باشد؟

این روزنامه که در کشور برادر سوریه انتشار پیدا می کند نقطه نظرهای خودش را بیان کرده است.

و یک کمک بکند راه ایجاد تسهیلات برای محصولات کشاورزی ما. کمبود آب یک مساله مهمی است اولی بنظر می آید که این کمبودها به ایراد بادگی که تا حال تعریف شده بیست نگرش بیست ساله ای به برنامه های جمهوری اسلامی در بیست سال آینده نشان داده است که بسیاری از پیشداوریها در این زمینه غلط است، دربرآورد منابع، اغلاط و یا خطاهای عمدی زیادی بچشم میخورد و در عین حال ما توجه داریم در این زمینه که کشاورزی با واقع بینی روبرو بشویم برای همین مساله هم شورایعالی اقتصاد به این بخش اهمیت خاصی داده است. البته ما در زمینه خاک مشکلی نداریم بلکه دشواری اصلی ما مساله آب است برای همین در رابطه با وزارت نیرو و وزارت کشاورزی و هماهنگی این دو وزارت خانه بسیار کار می کنیم و همچنین برنامه سدهای خاکی که با تکنولوژی نسبتاً ساده تری می تواند در کشور ما ایجاد بشود که توسط احتمالاً نهادهای انقلابی هم میتواند نظیر جهاد ایجاد بشود و عمدتاً تلاش در این جهت است که در توسعه کشاورزی تلاش کنیم غیر از آن تکنولوژی که در اختیار ماست، و از آن استفاده میکنیم بعنوان یک وسیله علمی خودمان، در عین حال از تخصصهای خودمان برای یک تکنولوژی متناسب با فرهنگ خودمان نیز استفاده میکنیم.

در رابطه با استان خوزستان و حتی بعضی از استانهای دیگر، مثلاً سیستان و بلوچستان با اینکه خوزستان مساله آب حل شده می باشد طرحهائی تهیه شده است که دو سه ماه پیش هم شورایعالی اقتصاد از کانالهای ۳ و ٤ سدها برای ایجاد یک شبکه آبیاری نسبتاً نوین که بتواند قسمت بهتری را زیر پوشش قرار بدهد تلاش کرده در عین حال ما به کشاورزی در زمینه تولید به درست کردن سد هم اهمیت زیادی می دهیم چرا که این قسمت برای ما به صرف می باشد برای اینکه هم سعی خودمان را در توسعه منابع آبی یا خاکی بتوانیم بکار ببریم.

س- آیا با رسیدن به مرزهای قانونی جنگ تمام میشود و آیا پس از پایان جنگ عراق در مورد شرایط ایران گردن خواهد نهاد؟ و بعد از پیروزی جنگ وضع آینده عراق را چگونه خواهید دید؟

ج- جنگ دارای پیچیدگی خاصی است ما وقتی که صحبت از خاتمه جنگ می کنیم در واقع صحبت از خاتمه تشنج در منطقه می کنیم و برقراری صلح در منطقه، مسلماً تا ما بحق خودمان نرسیم و شرایط خودمان را بدست نیاوریم، آرامش در منطقه نخواهد بود. ما نمی توانیم که کشور ما صدمات وسیعی ببیند و تن دربدهیم به عواقب صلح تحمیلی از سوی ابرقدرتها و یا از سوی ایادی ابرقدرتها در منطقه که میخواهند رژیم صدام را حفظ بکنند، ما بارهای اعلام کردیم که منطقه اگر میخواهد روی صلح و آرامش ببیند لازم است که رژیم صدام نباشد و با وجود رژیم صدام واقعاً منطقه متشنج خواهد شد.

س- چند تن از رهبرهای وابسته کشورهای عربی از جمله ملک خالد، ملک حسین و همچنین ملک حسن، قابوس و جعفر نمیری در این تلاشند که رژیم مصر را به جهان عرب باز گردانند و بازگشت مصر به جهان عرب یعنی فشرده تر شدن دست امپریالیسم آمریکا بر گلوی خلق مستضعف عرب در مورد این توطئه که زمینه ساز آن سازمان سیا آمریکاست نظر شما چیست؟

ج- این تلاش یک چیز روشن شده در رسانه های گروهی است بطوری که جنبه علنی گرفته است مثلاً رابطه اعراب با مصر، یا رابطه کشورهای ارتجاعی بامصر و یا تلاش برای برگرداندن مصر بصفوف اعراب، ما باید با تحلیل های خاص خودمان به این نتیجه برسیم بدین معنی که ما می بینیم که آثار و عواقب اینگونه تلاشها که از سوی سران کشورهای ارتجاعی صورت می گیرد، درمیان ملتهای مسلمان که اتکاء ما به آنهاست نمی تواند رشد بکند ولی فکر کنیم که این عمل و اقدامات با افشاگری آن درمیان ملتهای عرب میتواند انعکاس خوبی داشته باشد برای اینکه دولت و ملتهائی که میخواهند یک موضع صریح در مقابل امپریالیسم و

۲

مصاحبه‌ای که ذیلاً می‌آید، گفتگویی است که روزنامهٔ جمهوری اسلامی با برادر خامنه‌ای، رئیس جمهور کشورمان انجام داده است. نظر به اهمیت آن، این گفتگو را عینا چاپ نمودیم.

س ـ انگیزه شما در مورد ترمیم ستاد انقلاب فرهنگی با ترکیب جدید چه بود؟

ج ـ بسم‌الله الرحمن الرحیم ـ از سوئی چندنفر از برادران عضو ستاد استعفاء کرده بودند و بایـد کسانی بجای آنها می آمدند و از سوی دیگر اعضای ستاد انقلاب فرهنگی بارها به من مراجعه کرده و از ناهمانگی هائی که‌میان‌آنها و وزارت فرهنگ‌و آموزش عالی وجود دارد شکوه کرده‌بودند. عین همین شکوه را فرهنگ و آموزش عالی هم بما کرده بود و مابه خاطر این مساله جلسات متعددی تشکیل داده بودیم‌که ازدوسو در آن جمع می شدند ومابه حل و فصـــل مسائل آنها می پرداختیم. اصل ترمیم و ترکیب جدید به‌اعتقاد ما میتواند برای ستاد دوفایده داشته باشد: اول اینکه آن را نیرومند کند و دوم اینکه از صرف نیرو های آنو وزارت فرهنگ به رسیدگی به‌مشکلات مانع شود و همه نیروها را بطور منسجم در جهت هدفهای ستاد انقلاب فرهنگی بکار برد.

س ـ با اهمیتی که حضرت امام به مساله انقلاب فرهنگی میدهند عملکرد شورای قبلی را چگونه مـی بینید؟

ج ـ برای اعضای قبلی ستاد ما احترام قائــل هستیم و به عملکردآنها به چشم قدردانی وسپاسگزاری مینگریم.

س ـ با توجه به اینکه اعضای جدید اکثرا در کر های اجرائی مشغول هستند آیا این ترمیم میتواند در پیشبرد حرکت ستاد انقلاب فرهنگی موثر باشد؟

ج ـ آقای نخست‌وزیر قبول کردند که برای این مساله وقت بگذارند آقای وزیر فرهنگ و آموزش‌عالی هم برای ستاد قهرا اهمیت خاصی قائل هستند و مـن فکر میکنم آن مقداری که وزیر فرهنگ و آموزش‌عالی تاکنون برای مسائل مربوط به ستاد وقت میگذاشتـه است حالا هم بیشتر از او لازم نباشد وقت بگذارد.در مورد آقای نخست‌وزیر به ذهن ماهم می آمد که‌ایشان نرسند از خودایشان پرسیدیم چون قبول کردند که وقت خواهند گذاشت به این مساله رسیدگی درستی خواهند کرد.

س ـ انگیزه جنابعالی در مورد قراردادن دو دانشجو در شورای ستاد چه بوده و توقع شما از این برادران چیست؟

ج ـ ما فکر می کنیم که غیبت دانشجویـــان از تشکیلاتی که در باره دانشگاه طراحی خواهد کردچیز درستی نباشد. بخصوص باتوجه به اینکه دانشجویان امروز نقش های فعالی را در دانشگاه بعهده دارند.هم در جهاد دانشگاهی و هم در انجمن های اسلامـــی دانشجویان سهم بسزائی داشته‌اند و دارند وباتوجه به اینکه نظام جمهوری اسلامی‌برای جوانان وازجمله جوانان دانشجو احترام و ارزش قائل است فکرکردیم حضور آنها میتواند مفید باشد.

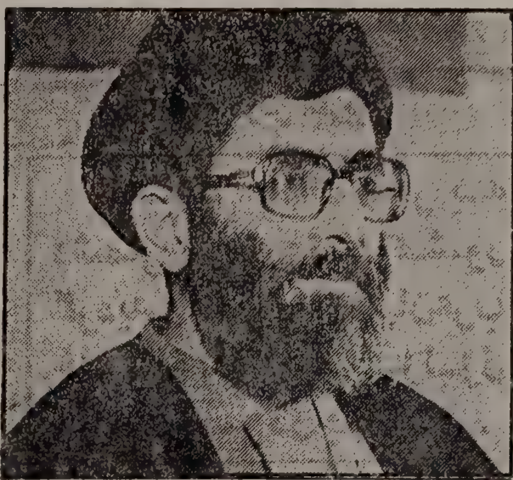
اما انتظاری که‌از آنها داریم این است که فعالانه و مسئولانه بااین قضیه برخورد کنند

اگر حضور آنها ، حضور اسلامی و ظاهری باشد ثمری ندارد . همچنان‌اگر حضور آنها یک حضور غیـر مسئولانه باشد بازهم ثمری نخواهد داشت بلکه اشکالاتی هم بوجود خواهد آورد . باید باتوجه به همه جوانبو همه مشکلات ، همه خطوط اصلی این برادران در آنجا فعال باشند و کار کنند .

س ـ از اساتید شاغل در جهاد دانشگاهی در رابطه با ستاد انقلاب فرهنگی چگونه میتوان استفاده کرد ؟

ج ـ برادرانی که‌در ستاد انقلاب فرهنگی عضوهستند جزو اساتید هستند ـ اما اساتید جهاددانشگاهی فکرمی‌کنیم با ترکیب کنونی حضور آنها هم تامین شده است .

س ـ درحالیکه لایحه شورای عالی فرهنگو آموزش عالی در حال بررسی وتصویب میباشد آیا بهتر نبود تا



تصویب این لایحه صبر میشد و در صورت تصویب چه نوع ارتباطی بین این دونوع شورا میباشد ؟

ج ـ مانمیتوانستیم صبر کنیم تا مدتی که نمیدانیم‌چقدر هست و دراین مدت کار دانشگاهها را معوق بگذاریم . مساله این است که موضوع دانشگاهها برای ما از یک اهمیت فوق‌العاده برخوردار است و مااز آن روزی که پیشنهاد ترمیم را خدمت امام تقدیم کردیم تا روز شروع دانشگاهها حدود ۲۰ روز بیشتر فاصله نداشتیم . این‌ستاد مشغول کار خواهد بود و تا هنگامیکه آن‌شورادر مجلس تصویب شود جـــانشین قـــانونی ستادآن‌شورا خواهد بود البته نمایندگان حضرت امام در آن شورا نیز عضویت دارند . و ما قبلا حضور آنها را در آن‌شورا پیش‌بینی کرده‌ایم . بنابراین وقتی آن‌شورا بیاید ، ستادبا شکل کنونی موضعی ندارد ولزومی نداردوباشکل بخشی ازآن‌شورا حضورخواهد داشت وتصمیم‌گیری با شورا خواهد بود.

س ـ میدانیدکه انقلاب‌به مفهوم عام‌تحول کل فرهنگ جامعه است. آیا (این ستاد میتواند به این وظیفه عـــمل کند؟

ج ـ باید بگوییم نه. وما چنین توقعی از این ستاد نداریم. ما از این ستاد تنها توقعمان راه‌اندازی کار دانشگاهها وبرنامه‌ریزی درست ودقیق وآینده‌نگری در این زمینه است. انقلاب فرهنگی در سطح جامعه چیزی است که به بسیاری از ارکان دیگر نیاز دارد که آنها در این ستاد کنونی ملحوظ نشده است ویا آنها را در ستاد کنونی ملحوظ نکرده‌ایم. ما از این ستاد کنونی انتظار داریم که دانشگاهها را به هنگام بازکند و بازگشائی کند. اساتید، کتابهای درسی، فضای‌آموزشی تقسیم عادلانه مجتمعهای علوم عالی ومجتمعهای عالی به سراسر کشور را برای ما تامین کندو اگر این کاررا بکند ما فکر میکنیم مسئولیتهای خودش را انجام داده است.

س ـ علت وجود وزیر ارشاد در شورای ستاد چیست؟

ج ـ البته وزیر ارشاد بامسائل انقلاب فرهنگی بی‌رابطه نیست اما به خصوص بودن ایشان را پیشنهاد کردند ومن هم مخالفتی نکردم.

بنده هم چون شخصاوزیر کنونی ارشادرامی‌شناسم وبرای ایشان صلاحیت قائل هستم این بود که من پذیرفتم که ایشان باشند.

س ـ چه رهنمودی برای بهتر شدن عملکرد ستاد انقلاب فرهنگی ودانشگاهیان دارید؟

ج ـ اعتقاد من این است که ستاد انقلاب فرهنگی بایستی تلاش خودش را مضاعف کند. از همه نیروهای فعال وبه دردبخور استفاده کند. برنامه‌ریزی بکند تا بتواند از تلاشی که انجام میشود بهره‌برداری صحیح بکند. آنچه ما امروز در ستاد انقلاب فرهنگی نهایت نیاز را به آن داریم هماهنگی بین اعضای این ستاد و هم جهتی این ستاد هست، یك جهتی این ستاد هست‌اگر چنانچه این تامین بشود. ستاد انقلاب فرهنگی توانائی های زیادی خواهد داشت.

ـ از توضیحات شما سپاسگزاریم.

ـ متشکرم.

۱۸

شماره مسلسل ....

موضوع :

ماخذ ، تاریخ ۶۲/۲/۱
۱۱۲۷

«آرشیو»

هیچ آینده‌ای جز موفقیت و نجاح کامل نمی‌بینیم.

مادامی که شما هستید، که این انگیزه‌ها هست مادامی که این ابتکارهاهست ، مادامی که این حرکت مبارک وجود دارد میان قشرهای فرزانه این ملت همچنانکه مادامی که این جوششها و جهشهای رزمندگان ما در جبهه‌های جنگ هست، این فداکاریها هست مادامیکه این حرکت عموم مردمی در همه میدانها هست ما بایستی مطمئن باشیم که انقلاب ما در مقابل قدرتهای عظیم جهانی و حملات این قدرتها هیچگونه آسیبی نخواهد دید و بر آن خدشه‌ای وارد نخواهد آمد.سعی میکنند در دنیا روحیه ما را ضعیف کنند، سعی می‌کنند بر ما اینجور وانمود کنند که ما در مقابل این توطئه‌های عظیم قدرت های بزرگ و سلطه طلب بالاخره به زانو در خواهیم آمد.

سعی می‌کنند تنگناهای اقتصادی و سیاسی واحیانا اجتماعی ما را تنگناهای غیر قابل عبوری جلوه بدهند، البته ملت ما زیر بار این باور کاذب و تحمیلی نرفته است و نخواهد رفت، اما وقتی یکسو چنین حرکتهای مبارکی در دانشگاه، در حوزه علمیه، در میدان جنگ، در میدان اقتصاد، در کارخانه، در مزرعه، در کوچه و خیابان از سوی عموم اقشار ملت مشاهده می‌شود وقتی یک چنین جوشش همگانی در این ملت وجود دارد کافی است که بدبین ترین افراد، مایوس ترین و دلسرد ترین افراد هم به پایان این راه خوش بین باشد و امید خود را به آینده این انقلاب و این ملت هرچه بیشتر و بیشتر کند.

بنده از خدای متعال بقاء توفیق شما برادران و خواهران را درخواست میکنم و بار دیگر تشکر خودم را از اینکه به این کار عظیم دست زده‌اید بهمه عرض می‌کنم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱۱

باید بایستی فرهنگ اسلامی را دانست وعمده‌ترین یا بیت‌الغزل این فرهنگ نگرش این فرهنگ، این مکتب واین اندیشه، این مجموعه ونظام فکری است به انسان ومسائل انسانی.

ما اگر می‌بینیم که قرآن کریم میفرماید «ولقد کرمنا بنی آدم» این تکریم فقط یک تعارف زبانی نیست، یک حرمت گذاری درمقام بیان نیست. نظام اسلامی بایستی به انسان کرامت ببخشد یابهتر بگوئیم کرامت واقعی وحقیقی انسان را کشف کند وآن را مبنا قرار بدهد. انسان تحقیر شده، انسان ذلیل شده، انسان در هدفهای حقیر مادی محبوس شده، انسان از هدفهای والا و ارزشمند بازمانده وازراههای دراز فرومانده، یادرگل مانده، انسانی که همهٔ تمدنها، همهٔ نظامهای اجتماعی موجود وهمهٔ مواریث تاریخی ماحکم میکند باینکه حیوانی است که باید در حد حیوانات دیگر سردرآخور داشته باشد وبیاندیشد به خوردن و ... های آن وآنچه که باید بخورد این انسان را ازاین مرحله خارج کردن و در چهارچوب نگرش قرآن اورا قراردادن وامرا هدف همهٔ تلاشها وفعالیتهای انبیاء طول تاریخ دانستن اورا معشوق ابراهیم ها، اسماعیل‌ها، موسی‌ها وعیسی ها شناختن وبرای اویک میدان سیر لایتنهی قائل شدن وآنگاه اورا دراین راه عملاً قراردادن یک معجزه است وکی می‌تواند این کاررا انجام دهد جزاسلام یعنی جز تحقق اسلام حر واقعیت نظام اسلامی واین هدف نظامهای اسلامی است.

اینکه میفرماید «ولقد کرمنا بنی آدم» یعنی اورا ما آوردیم توی نظام اجتماعی قراردادیم که ارزشهای اودراین نظام اولا آشکار می‌شود ثانیاً این ارزشها رشد پیدا می‌کند. لذاست که درنظام اسلامی هرآنچیزی که تکریم انسان درآن خدشه‌دار شود کرامت انسانی درآن پایمال بشود مردود است. وهر آنچیزی که انسان را رشد میدهد وبه تعالی و معنای واقعی انسان نزدیک می‌کند، اومطلوب ومرغوب است و دعوت بخدا، دعوت به معرفت الهی، ا به یک معنی دعوت به معرفةالنفس انسانی هم هست، (نسوالله فانساهم انفسهم) نتیجه نسیان خدا نسیان نفس انسانی است ونتیجه معرفت خدا معرفت درست نفس انسانی وحقیقت انسانی است، همچنانکه نتیجهٔ معرفت درست انسانی هم انسانی را بمعرفت الهی نزدیک می کند، یک چنین میدان عظیم شگفت‌آوری برای ارزشگزاری برروی انسان درجامعه اسلامی ودرنظام ارزشی اسلام مطرح است، پس علومی که انسان را معرفی میکند و به انسان مربوط می‌شود، شخصیت انسان را در خانه‌اش، در محیط شخصی‌اش، در محیط اجتماعی‌اش، در محیط بین‌المللی در محیط بین العوالم مشخص میکند این علوم مهمترین علومی است که محور بینش اسلامی و محور فرهنگ اسلامی است و شما به این توجه کردید.

این مساله باید خطر میشد، گستاخی می‌شد و بوسیلهٔ جمعی اقدام میشد، شما خطر کردید، گستاخی کردید این کار را شروع کردید و انشاء الله این کار به نتایج خود خواهد رسید.

همکاری حوزه و دانشگاه

همکاری حوزه و دانشگاه باید از یک نقطه علمی شروع بشود، این یک شعاری است که اگر برنامه‌ای تحت این شعار نباشد این شعار حرف مفتی بیش نخواهد بود و از آن جز نقشی برروی کاغذ یا در ذهن چیزی باقی نخواهد ماند.

شکل عمومی این همکاری که یکی از بهترین انحاء و صور است در همین کاری است که شما شروع کردید، دانشگاهی از معارف اسلامی موجود در حوزه، و حوزه از مهارت و خبرویت موجود در شکل کلاس دانشگاهی بهره می گیرند والتقاء این دو جریان یک جریان کامل جامعی را بوجود خواهد آورد که آن بینش توام با دانش یا دانش مبتنی بر بینش درست است.

بنابراین به حق می‌توان گفت که فعالیت و اشتراک مساعی حوزه و دانشگاه یکی از بزرگترین کارهایی است که می‌بایست انجام بگیرد نظام طلبگی مایعنی نظام تدریس و تدرس هزارساله این کشور، بحث برسراینکه این نظام ازکجا بوجودآمد و پایه‌هایش برچه تعالیمی استوار بود، اسلام چقدر درایجاد این نظام و تعلیم و تعلم نقش دارد بحث طولانی است و جایش اینجانیست.

آنچه که دراینجا میتوان دریک جمله گفت این است که این نظام یک نظام ارزشمنداست برای تعلیم و تعلم. این همان نظامی است که هزارسال علما و دانشمندان و متفکرین و متفلسفین و همهٔ کسانی را که با معلومات سروکارداشتند توی این مملکت و درسطح جهانی اسلام رشد داده و پرورش داده و عرصه کردند.

البته دراین پنجاه، شصت سالی که نظام غربی، دراین کشور حاکم شد پاره‌ای نواقص درنظام قدیمی طلبگی ما آشکار شد و این نواقص موجب شد که بعضی ازافرادیکه وابسته بآن نظام یاخارج ازآن نظام طلبگی بودند، امتیازات آن نظام را ازیاد ببرند. ما که برخوان گستردهٔ پرنعمت این نظام نشسته بودیم، درمواردی بسیاری قدرآنرا ندانستیم و بجای من وسلوای الهی فوم وقثاء را آرزوکردیم.

بارها به برادران طلابی که به بنده مراجعه کردند برای تنظیم امور حوزه این را تذکر دادم که اگر حوزه قرار است نظام بگیرد و اگر قرار است شکل جدیدی که مورد نظر مسئولان روحانی است پیدا کند حتما باید این مشکل جدید و این نظام جدید بمعنای اصطکاک و برخورد و خدای ناکرده نابودی ارزشهای موجود در نظام طلبگی نباشد، ارزش انتخاب استاد، ارزش انتخاب شاگرد، ارزش روابط استاد و شاگرد، ارزش انتخاب کتاب و همهٔ آنچیزهائی که در باب تعلیم و تعلم در نظام طلبگی ما موجود است.

از جملهٔ نواقص بین نظام طلبگی ما بی نظمی بود شما روح نظم را در کار این سمینارها و مجموعاً این عملی که دارد انجام می‌گیرد با نظام تحقیقی آزاد گستاخ طلبگی آمیختید یک مجموعهٔ خوب بوجود آوردید. اینجا هم شاگرد حرف می‌زند، فلان تعریف استاندارد غیر قابل خدشه را رد می کند اینجا هم استاد پخته یک دانش در مقابل شاگرد مبتدی خود مجبور به مباحثه می‌شود و بالاخره آن تعریفی، آن سخنی، آن اصطلاحی مورد قبول قرار خواهد گرفت که حداقل اشکال بر او وارد باشد و اکثر اشکالات از او مندفع باشند بدون توجه باینکه اینرا کسی گفته یا نگفته، این همان نظام طلبگی این میدان جوشش استعدادها و ذوقها و ابتکارهاست. این میدان جوشش اتکاء به نفس معلم و متعلم است و بهمین دلیل است که افراد وابسته بحوزه علمیه و طلاب در میدان معلومات و به تبع آن در میدانهای اجتماعی از گستاخی و غرور برخوردار هستند.

گاهی بد است، گاهی بضرر است، اما این هست منشاش یک امر مورد قبول و مستحسن است، اتکاء به نفس، عدم هضم در سخن گذشتگان، عدم هضم در سخن استاد حتی و چقدر خوب است که این سمینارها بهمین شکل منتقل شود به دانشگاهها، دانشگاهها هم سمینارهای مشابهی از این قبیل بوجود بیاورند و در علوم گوناگون ولو علوم غیر راجع به اسلام و بی‌ارتباط با فرهنگ و مفاهیم اسلامی آنچه را که علم هست برای اینکه از اتکاء به خارجی ها در او نجات پیدا کنند.

یک چنین سمینارهائی در آنجا بوجود بیاید بهرحال آنچه بوجود آمده این حسن بزرگ را هم داراست.

ارتباط با ارگانهای مسئول جمهوری اسلامی

البته اعتقاد بنده بر این است که این جریانی که امروز در موسسه درراه حق شکل گرفته است و بهمت اساتید و بزرگان در حوزه این کار دارد انجام می گیرد و با همیاری و کمک شما برادران و خواهران این خوب است که ارتباطش با ارگانهای مسئول جمهوری اسلامی یک ارتباط سالمی باشد، باستاد انقلاب فرهنگی، با وزارت فرهنگ و آموزش عالی ارتباطات باید سالم و معقول و منطقی باشد. طرفین به یکدیگر احتیاج دارندو بایستی اگر چنانچه سوء تفاهمی بوجود آمده است برطرف بشود. و همه عناصری که در این خط و این هدف با یکدیگر یکسان فکر می‌کنند بهمدیگر کمک کنند که انشاء الله اینکار ادامه پیدا کند و انجام بشود.

البته اینکه ما برای آینده دانشگاهها در رشته‌های علوم انسانی یعنی در این پنج رشته علوم انسانی که امهات علوم انسانی بحساب می‌آیند مشغول این طرح دراز مدت هستید برای دانشگاههای ما و برای ستاد انقلاب فرهنگی و برای وزارت فرهنگ و آموزش عالی نباید این فکر را بوجود بیاورد که در سایر رشته‌های علوم انسانی مثل زبان مثل مدیریت مثل منشیگری، مثل حسابداری و بقیه این رشته‌های متنوع و بسیار علوم انسانی خود را متوقف کنند.

آنها بایستی شروع بکار بکنند، زبان با زبان خارجه یا مدیریت یا منشیگری یا حسابداری یا امثال اینها، اینها بایستی دانشگاهها، این رشته‌ها را بازگشائی، نوگشائی کنند و حتی در همین رشته‌هائی که امروز نسبت به آنها دارید کار میکنید یک فکر درستی انجام بگیرد تا ببینیم تا آغاز مهر ماه (۱۳۶۳) که طبق آن برنامه‌ای که به بنده دادید، کتابهای شما یا کتابهای درسی شما احتمالا آماده خواهد شد. این رشته‌ها معطل نماند، یعنی ما معتقدیم که اگر امروز رشته اقتصاد یا جامعه شناسی در دانشگاهها بازگشائی بشود نه نوگشائی، ادامه رشته‌های قبلی اگر امروز در دانشگاه به وجود بیاید اگر چه کتاب درسی نداریم اما همین اساتیدی که در این جریان شرکت دارند و مشغول همکاری هستند و یا این آموزشهای اسلامی و افکار اسلامی آشنا شده‌اند یا بیشتر آشنا شده‌اند قبلا آشنا بوده‌اند.

همین اساتید می‌توانند حامل این تفکر در آن کلاسها باشند. از طرفی جوانان دلسوز و برادران دانشجوی جهاد دانشگاهی و انجمنهای اسلامی، که در این رشته‌ها مشغول کار و تحصیل هستند هم با انتقال روح حزب‌اللهی و روح علاقمندی به تفکر اسلامی، روح اختلاط و آموزش با افکار و فرهنگ اسلامی را میتوانند منتقل کنند بهمان کلاسها، اگر چه اساتید در گذشته اینطور بود که کتابهای قبلی کتابهای غربی، اساتید غالبا مارکسیست بودند، در باب اقتصاد کتاب منطبق بر تفکرات غربی، استاد مارکسیست این دوتا، این زوج نامبارک می‌آمدند در کلاس و مولود ذهنی و فکری خبیثی را در ذهن متعلم می‌انداختند، عمومیت نداشت اما شاید می‌توان گفت غالبیت داشت.

امروز نه آن استاد وجود دارد و نه آن اطلاق یا مطلقیت بر آن کتابها وجود دارد، کتابها هست به این کتابها توجه هم نکنند همین کاری را که دارد الان انجام می گیرد بصورت موازی این کار میتوان حتی بازگشائی این رشته‌ها را هم ادامه داد.

و بهرحال این مطلبی است که احتیاج به تفکر و مطالعه و تبادل نظر دارد و روی این مسئله خواهش می کنم آقایان دست اندر کار توجه کنند.

هیچ انتظاری جز پیروزی نهائی نداریم.

بهرحال، ما، ای برادران عزیز و خواهران عزیز، تصورمان این است که از مردمی و در جامعه‌ای که حوزه‌اش و دانشگاهش با این کوشش و انگیزه در راه فرهنگ اسلامی مشغول خدمت هستند هیچ انتظاری جز پیروزی نهائی نداریم.

برای آن ملتی که علما و اندیشمندان و فرزانگانش اینطور بی‌طمع و بی‌غرض و بی مطلوب مادی در میدان مجاهدت و تلاش معنوی و فرهنگی حرکت می‌کنند، برای چنین ملتی ما

حجت‌الاسلام مصباح یکی از مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم به همراه اساتید حوزه و دانشگاه وجمعی از کارمندان دفتر همکاری حوزه و دانشگاه روز پنجشنبه ۶۱/۱۰/۲ باحجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهور کشورمان دیدار و گفتگوکردند. دراین دیدار ابتدا گزارشی ازنحوه کاردفتر همکاری حوزه و دانشگاه توسط استاد مصباح ارائه گردید آنگاه رئیس جمهور سخنان مبسوطی ایرادنمودند.

ابتدا متن کامل سخنان استاد مصباح و سپس متن کامل سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای رئیس‌جمهور کشورمان بدین شرح ازنظر خوانندگان عزیزمیگذرد:

سخنان حجت‌الاسلام مصباح

بسم‌الله الرحمن الرحیم. الحمدلله رب‌العالمین وصلی‌الله علی سیدنامحمد و آله الطاهرین لاسیما بقیةالله فی‌الارضین(عج) وجعلنا من اعوانه وانصاره.

خدای متعال را سپاس میگذاریم که ببرکت رهبری‌های امام عزیز و خونهای پاک شهدای انقلاب و فداکاریهای ملت ایثارگرایران این موقعیت را به ما ارزانی داشت که بتوانیم با جدیت درراه بازسازی این کشور که به فرمودهٔ امام، کشور امام زمان(عج) است اقدام کنیم.

ابتدا ازاینکه باوجود مشاغل فراوان، عنایتی به مساله بازسازی علوم انسانی و دفتر همکاری حوزه و دانشگاه مبذول داشتید تشکرمیکنیم.

انقلاب فرهنگی اسلامی

همانطورکه همه میدانیم انقلاب اسلامی ایران پیش‌ازاینکه یک انقلاب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باشد انقلابی است فرهنگی اسلامی و ضامن بقاء وگسترش و صدور این انقلاب بقاء و گسترش فرهنگ اسلامی است.

خدای متعال برعده‌ای از برادران و خواهران منت گذاشته است واین توفیق راعطافرموده که درراه این جهادفرهنگی پیشگام بشوند. مبداءکار ازآنجا شروع شد که امام بزرگوار امرفرمودند که دربازسازی علوم انسانی ازحوزه‌علمیه قم کمک گرفته بشود.

برای اطاعت از این امر امام که مانند سایر اوامرشان همواره راهگشای این ملت بوده، موسسه درراه حق که یک واحد فرهنگی وابسته به حوزه علمیه قم هست طرحی برای این همکاری تهیه کرد که به تصویب ستاد انقلاب فرهنگی وجامعه مدرسین حوزه علمیهٔ قم رسید و اجرای این طرح بعهدهٔ مسئولین موسسه که مسئول امورد‌انشگاهی جامعه مدرسین هم هستند واگذارشد. بطوراختصار این طرح بادرنظر گرفتن واقعیتهائی تنظیم شده بود.

اول اینکه علوم انسانی با مصطلح وسیعی که دارد بازسازی کامل آنها درطول مدت کوتاهی میسرنیست. وهمانطور که امام فرمودند دست کم ۲۰سال برای این کارلازم است.

واقعیت دوم اینکه این کارنه تنها ازدانشگاه ساخته است و نه تنها ازحوزه. بنابراین با مشارکت این دوارگان همانطور که امام فرمودند انجام بشود.

سوم اینکه نیروهای متعهد دانشگاه و حوزه به خاطر ضرورتهای انقلاب مشغول کارهای اجرائی، تقنینی و قضائی بوده و هستند و نیروی کافی برای انجام این مسئولیت بزرگ نیست، بنابراین باید درصرف نیروصرفه‌جوئی کرد.

چهارم اینکه دانشگاهها رانمی‌توان برای مدت طولانی تعطیل کرد. می‌بایست طرحی تهیه بشود که برای مدت کوتاهی اولین میوه‌های خودش را عرضه کند.

و واقعیت پنجم اینکه این طرح را باید ازیک نقطه اساسی شروع کنیم تا درطول چند سال و احیاناً بیشتر تدریجاً بمراحل کمال خودش برسد.

قدم اولیه درراه بازسازی علوم انسانی

باتوجه به این واقعیتها طرحی تهیه شد که قدم اولیه را درراه بازسازی علوم انسانی به صورت محکم و استواری بردارد و راه را برای ادامه کار دردرازمدت هموار کند.

برای اجرای این طرح درنظرگرفته شد که دست کم یکصدنفر از اساتید محترم دانشگاهها که دارای صلاحیت این کارباشند و کارهای وقت‌گیری زیادی هم نداشته باشند انتخاب شوند.

یکدوره سه‌ماهه درتابستان گذشته انجام شد معارف اسلامی بطورسیستماتیک مورد بررسی قرار گرفت تا یک زمینه فکری مشترکی بین همه به وجود بیاید. ضرورت این کاروقتی روشن می‌شود که توجه کنیم به اینکه علوم انسانی مجموعا رابطه ارگانیک دارند و یکی از اشکالات علوم انسانی دردانشگاههای گذشته، مسئله شدن این علوم بود. این کاردرتابستان گذشته بخوبی بحمدالله انجام گرفت و نتایجش تکثیرشد که خدمت مقام ریاست جمهوری هم ارائه شد و نوارآن بحثها هم تدریجا بوسیلهٔ رادیوپخش می‌شود. متاسفانه ازبعضی از ارگانها که انتظارهمکاری بیشتری می‌رفت بی‌مهریهائی شده که تحمل آنها باتوجه به هدف عظیمی که داریم چندان مشکل نیست.

مرحلهٔ دوم طرح

مرحله دوم طرح از ابتداء پائیز امسال (سال گذشته) شروع شده و اساتید محترم دانشگاه با اساتید محترم حوزه گروههای مشترکی تشکیل دادند درپنج رشته از علوم انسانی انتخاب این پنج رشته بخاطر این جهت بوده که اینها دارای مبانی خاصی است که می‌بایست از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرارگیرد.

علوم انسانی دیگر از قبیل تاریخ، جغرافیا، ادبیات، زبان، مبانی نظری‌ای که احتیاج به بررسی داشته باشد ندارند این ۵گروه هفته‌ای دو روردرقم هر کدام تشریف می‌آورند و باهمتاهای خودشان ازاساتید حوزه جلساتی تشکیل می‌دهند حاصل مطالعاتشان را درطول هفته هماهنگ می‌کنند و نتیجهٔ کارهفته را دریک سمیناری عرضه می‌کنند.

درسمینار، این بحثها مجدداً مورد نقد قرارمی‌گیرد وبعد تکثیر می‌شود و برای صاحبنظران دیگرهم فرستاده می‌شود تاآنهاهم نظرخودشان را دراین باره بدهند.

امیدواریم که به یاری خدای متعال و باتوجهات حضرت ولی‌عصر ارواحنا فداه این مرحله هم بخوبی انجام بپذیرد.

مرحله سوم طرح

مرحلهٔ سوم آن درتابستان آینده هست که نتایج این سمینارها موردبازنگری قرارمی‌گیرد و به صورت کتابهائی درمی‌آید.

هدف از نوشتن این کتابها روشن کردن مبانی این علوم هست. باتوجه به دیدگاههای اسلام. این قدم اول باید قدم اساسی باشد. بنظر رسید که اساسی‌ترین کارهمین است که ابتدامبانی علوم بررسی بشود.

مهمترین مسائلی که درهریک ازاین علوم مطرح می‌شود درتابستان گذشته بررسی شده که فهرستی ازآنهاتهیه شده که درطول این ۹ماه روی این مسائل کاربشود تا اینکه زمینه‌ای برای نوشتن چنین کتابهائی فراهم بشود.

دستوری برای نوشتن کتابهای درسی آینده

انشاءالله اگرخدا توفیق داد و این مرحله هم به پایان رسید، ما درزمینهٔ این رشته‌های علوم انسانی مبانی روشنی خواهیم داشت که ازدیدگاه اسلام مورد بررسی واقع شده و می‌تواند دستوری برای نوشتن کتابهای درسی آینده قراربگیرد.

این مراحل مجموعا مراحل سه‌گانه طرح مقدماتی مشارکت حوزه و دانشگاه است. و درواقع اولین همکاری جدی و اولین قدم برای عینیت بخشیدن به وحدت حوزه و دانشگاه است. امیدواریم که خدای متعال ما را مشمول عنایات ولی‌عصر (عج) قراربدهد و سایه بلند پایه امام عزیز را برسرهمهٔ مسلمین مستدام بدارد. همه خدمتگزاران به اسلام و جمهوری اسلامی ایران و همه مسئولینی که خالصانه درراه تحقق بخشیدن به اهداف اسلام زحمت می‌کشند موفق و موید بدارد و به همه ما توفیق بدهد که در راه این جهاد عظیم فرهنگ قدمی استوار برداریم و تاحدی دین خود را به اسلام و ملت مسلمان ایران اداء کنیم.

در خاتمه از طرف خود و برادران و خواهران شرکت کننده در اجرای این طرح و افراد وابسته بدفتر همکاری حوزه و دانشگاه از این فرصتی که دراختیار ما قرار داده شد صمیمانه تشکر میکنم و استدعا میکنم که فرمایشاتی برای استفاده همهٔ ما مرحمت بفرمائید.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

* سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای رئیس‌جمهور

بسم‌الله الرحمن الرحیم. بنده هم تشکر می‌کنم از همه برادران و خواهران محترم و فاضل وعزیز و زحمتکش که لطف فرمودید و تشریف آوردید دراینجا و بنده را بااین کار عظیمی که بوسیله شما دارد انجام می‌گیرد و بی شک باب تازه‌ای خواهد گشود برای تحقیقات و فعالیتهای علمی دانشگاههای ما، آشنا فرمودید.

از موسسه درراه حق، از برادر بزرگوار دیرین عزیزمان حضرت آقای مصباح و از یکایک کسانی که دراین اقدام نیک سهمی داشتند، فکری یا نظری، پیشنهادی ارائه کردند یا قلمی رانده‌اند یا سخنی گفته‌اند صمیمانه به عنوان یک فرد مسئول درجمهوری اسلامی و به عنوان یک فردی که علاقمند به سرنوشت مسائل دانشگاهی و فرهنگی این ملت و این انقلاب هست تشکر می‌کنم.

آنچه انجام گرفته درمقام ارزیابی کار ذیقیمتی است.

البته این مجموعه نگارش یافته و از نوار پیاده شده را بنده امروز زیارت کردم و فرصت امعان نظر و استفاده و بهره‌گیری کامل هنور دست نداده و خدا کند که انشاءالله چنین فرصتی دست بدهد

اما همینهای اینکه محتواها و کیفیت مطالب وتحقیقات چه هست درمقام ارزیابی ... نکته‌ای برخورد می‌ک...

ما را دچار اعجاب می‌کند و به تحسین وادار می‌کند و آن این است که یک اقدام شجاعانه‌ای و گستاخانه‌ای انجام گرفته است که خیلی از سدها را شکسته و خیلی از راههای دوررا نزدیک کرده است.

مسئله اسلامی کردن علو. انسانی

مسئله اسلامی کردن علوم انسانی یا به تعبیر درست‌تر اسلامی اندیشیدن در باب مسائل انسان و علوم انسانی مسئلهٔ فوق‌العاده دشوار وبزرگی است. وبه آسانی نمی‌شود درمقام تصمیم‌گیری و اقدام به مرزهای عملی این مساله رسید. و شما رسیدید و اقدام کردید

آنچه مهمترین است این است مطالبی که در این جزوه‌ها، در این سخنرانیها، یا در آن کتابهائی که در پایان دوره سوم. مرحلهٔ سوم بدست خواهد آمد مطالبی باشد که هنوز دوسال دیگر، ۳ سال دیگر احتیاج به بحث ومطالعه داشته باشد. این مهم نیست که کاری که انجام می‌شود کامل نیست یا کاملترین نیست، این مهم است که کاری که انجام نشدنی بود انجام شد یا شروعی به انجام آن شد، این هنر را شما کردید فجزاکم الله عن‌الاسلام واهله خیرالجزاء.

و اگر این مساله، مساله نگرش اسلامی و نگرش درست درباره انسان برای این جمهوری حل نشود خیلی چیزها حل نشده است.

درست است که انقلاب ما در مبنا یک انقلاب‌فرهنگی است ومن این فرمایش برادر عزیزمان رامعنا کنم و دربارهٔ آن دو سه جمله عرض کنم و آن دو سه جمله این است که اگر فرهنگ اسلامی، مبنای اقتصاد ما، یا شکل‌بندی اجتماع ما و مناسبات اجتماعی ما و نظام جنگ ما و نظام صلح ما و نظام سیاسی ما و شکل حکومتی ما و سیستم اقتصادی ما نباشد هیچ انقلابی در این کشور انجام نگرفته است.

برای اینکه آن مبنا بوجود

شماره ردیف ....  عنوان : ....

شماره مسلسل .... موضوع : ....

ماخذ ، تاریخ ۶۲/۱/۱۸ / ۱۱۱۵ جمهوری «آرشیو»

دانشگاهها که در حدود یکصد نفر هستند در کنفرانسهایی که همه روزه در دانشگاه الزهراء (ونک) تشکیل میشد و معارف اسلامی بطور سیستماتیک و براساس قرآن کریم تبیین میگردید شرکت جستند. نتایج این کنفرانسها انشاالله بزودی بصورت کتابی در حدود یکهزار صفحه منتشر خواهد شد. لازم بتذکر است که غیر از اساتیدی که رسما گزینش شده بودند عدهٔ دیگری از اساتید علوم انسانی و همچنین مسئولین آموزش سپاه پاسداران بوسیلهٔ تلویزیون مدار بسته از این کنفرانسها استفاده میکردند و هم اکنون نوارهای آنها بوسیلهٔ رادیو تدریجا پخش میشود.

همچنین در این مدت، اساتید دانشگاهها برحسب تخصصهای خودشان به چند گروه تقسیم شدند و باهمکاری فضلای حوزهٔ علمیه قم به بررسی مسائل علوم انسانی و تنظیم صحیح آنها و تشخیص مسائل ما دراین علوم پرداختند و عملاً دستور کار مرحلهٔ بعدی را تهیه نمودند.

درمرحلهٔ دوم که نه ماه (از اول مهرماه شصت و یک تاپایان خرداد شصت و دو) طول میکشد همه روزه یکی از گروههای پنجگانه (جامعه شناسی، روانشناسی، علوم تربیتی، اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی) مرکب از اساتید دانشگاه و حوزه، سمیناری درقم برگزار میکنند و نتایج مطالعات خود را که درروز قبل از سمینار هماهنگ کرده‌اند عرضه داشته درمعرض بحث و فحص و ابرام قرار میدهند.

نتایج این سمینارها تدریجاً تکثیر و دراختیار صاحبنظرانی قرار داده میشود که بعللی درجلسات سمینارها حضور نیافته‌اند تا از نظریات اصلاحی و تکمیلی ایشان نیز استفاده شود. لازم بتذکر است که دانشجویان مدرسه تربیت مدرس دررشته‌های علوم انسانی نیز دراین سمینارها شرکت میکنند و طبق موافقت نامهٔ ستاد، شش واحد برای ایشان محسوب خواهد شد.

درمرحلهٔ سوم (تابستان شصت دو) عده‌ای از اساتید منتخب دانشگاه و حوزه به بررسی و ارزیابی وجمع‌بندی وتنظیم نتایج سمینارها می‌پردازند وآنها رابصورت کتابهائی (هر کتاب بیش ازپانصد صفحه) تدوین مینمایند. این کتابها که حاوی دیدگاههای اسلام درعلوم مربوطه است بعداً بصورت راهنمایی برای تدوین کتابهای درسی دانشگاهها مورد استفاده قرارمیگیرد وحتی ممکن است خوداین کتابها درمدرسهٔ تربیت مدرس یادانسگاهها تدریس شود.

بدین ترتیب کاردورهٔ مقدماتی طرح بپایان میرسدوازآن پس، اساتید دانشگاهها باکمک فضلای حوزهٔ علمیهٔ قم به نوشتن کتابهای درسی دانشگاهها دررشته‌های علوم انسانی می‌پردازندوهرسال کتابهای درسی سال آینده رامی‌نویسند وپس ازتصویب جامعه مدرسین چاپ وتوزیع میشود وبنابراین همه دانشکده‌های علوم انسانی درآغاز مهرماه شصت وسه قابل‌نوگشایی هستند.

ضمناً قراراست دوکتاب دیگر ازطرف فضلای حوزهٔ علمیه قم وابسته به دفتر همکاری حوزه ودانشگاه، نوشته شود: دریک کتاب که «مقدمه‌ای برعلوم انسانی» نامیده میشود ماهیت علوم انسانی ورابطهٔ آنها باسایر علوم وهمچنین باجهان‌بینی وایدئولوژی وفلسفه ودین تفصیلاً مورد بررسی قرار میگیرد ونقطه‌های تلاقی آنها بایکدیگر ونقشی که هریک درکمک به حل مسائل دیگری میتوانند ایفاء نمایند باتاثیری که در روش تحقیق وجهت‌گیریها وغیره داشته باشند مشخص میشود.

درکتاب دوم که میتوان آنرا «انسان‌شناسی» بمعنای ویژه نامیدوآنرا بمنزلهٔ مادربرای همهٔ علوم انسانی تلقی کرد ماهیت انسان و ابعاد وجودی و کمال حقیقی و از کجائی و درکجائی و بسوی کجائی بشرمورد تحقیق قرار میگیرد و رابطهٔ هر یک از علوم انسانی با بعد خاصی از ابعاد وجود انسان مشخص میشود و در نتیجه همهٔ رشته‌های علوم انسانی بصورت اندامهای یک پیکر شناخته میشوند و از این حالت پراکندگی و مثله شدن خارج میشوند.

فهرست مطالبی که باید در این کتابها گنجانیده شود تهیه شده ولی در اثر تراکم کار هنوز مورد بررسی و تحقیق قرار نگرفته گو اینکه زمینه آنها در کنفرانسهای معارف قرآن، فراهم شده است. امید است پس از پایان یافتن دورهٔ مقدماتی طرح و همزمان با نوشتن کتابهای درسی دانشگاهها این کتابها هم تهیه و آمادهٔ تدریس شود.

خوبست این دو کتاب جزء برنامهٔ درسی عمومی همهٔ رشته‌های علوم انسانی قرار داده شود تا دانشجویان با بصیرت بیشتری به آموختن رشته‌های تخصصی بپردازند.

• • •

انتظار داریم، حوزه علمیه قم که باید خط دهنده اصلی در جریانات فرهنگی میهن اسلامیمان باشد، هموار بیش از پیش در انقلاب فرهنگی نقش داشته باشد و بدین ترتیب، آینده فرهنگ این جامعه بر اساس تعالیم اسلام تضمین شود تا بتوانیم بکمک استعدادهای شکوفائی که در نسل انقلاب و نسل‌های آینده سراغ داریم کاری کنیم که فرهنگ پربار و غنی اسلام در سراسر جهان زندگی همه مردم را در برگیرد. انشاالله.

شماره ردیف

شماره مسلسل

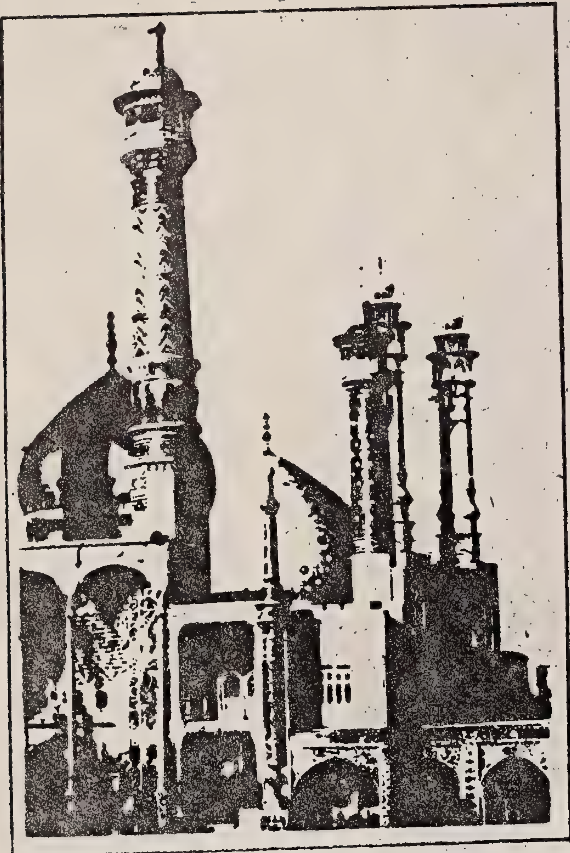
ماخذ ، تاریخ 62/1/18 جمهوری 1115



«آرشیو»

عنوان :

موضوع :



نقش حوزه در انقلاب فرهنگی

● دراجرای آئین‌نامه اجرائی طرحی درچند مرحله ریخته شد که طبق برنامهٔ دوره مقدماتی طرح حدود یکصد نفراز اساتید متعهد دانشگاه همه روزه درکنفرانس‌های ویژه دردانشگاه الزهراء (ونک) علوم ومعارف اسلامی رافراگرفتند.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

انقلاب اسلامی ایران بیش از هرچیز مرهون فرهنگ اسلامی وتعالیم حیات بخش اسلام میباشد وتداوم وگسترش چنین انقلابی در گرو بقاء ورشد فرهنگ اسلامی وگسترش آن در نسلهای موجود وآینده است. این وظیفه بیش از همه برعهده نهاد آموزش وپرورش وبخصوص دانشگاهها است. ولی بافت دانشگاهی ایران وهمچنین نظام آموزشی ومحتوای دروس وکتابها بویژه درعلوم انسانی، متناسب، با این وظیفه نبود واساسا دانشگاههای ما بوسیله دولتهای استعمارگر وبخصوص آمریکا هدایت میشد وشکل ومحتوای آنها تابع اراده بیگانگان، وخطمشی آنها درجهت حفظ وتقویت سلطه سیاسی- اقتصادی آمریکا وسایر استعمارگران بود. بهمین دلیل دانشجویان واساتید متعهد دانشگاهها تصمیم گرفتند انقلاب فرهنگی را بوجود آورند تا در سایه آن بتوانند ضمانتی برای بقاء وتداوم انقلاب اسلامی وهمچنین عامل نیرومندی برای گسترش فرهنگ انقلاب تامین نمایند.

این کار مستلزم اموری بود که کمابیش اجراء شده یا دردست اجراء است:

۱- تصفیه دانشگاهها از عناصر وابسته به استعمارگران و ابر قدرتها

۲- تجدید نظر در نظام آموزش و ساختار دانشگاهها و متحول ساختن آنها بگونه‌ای که متناسب با نیازهای کشور و تامین استقلال سیاسی- اقتصادی جمهوری اسلامی باشد و کشور را از وابستگی فرهنگی و دیگر وابستگیها نجات دهد.

۳- گنجانیدن دروس خاصی در برنامه‌های دانشکده‌ها که آشنایی لازم دانشجویان را با اهداف انقلاب و معارف و دیدگاههای اسلام، تامین نماید.

اینها کارهایی است که میبایست در همه دانشکده‌ها انجام شود و ستاد انقلاب فرهنگی، مسئول انجام آنها میباشد. ولی مسئله پیچیده‌تر و در عین حال مهمتر، مربوط به علوم انسانی است که رابطه بسیار نزدیکی با جهان بینی و ایدئولوژی دارد و استعمار فرهنگی بیش از هر راه دیگر از این راه میتواند نفوذ کند چنانکه در سابق، از همین راه نفوذ کرده بود و عملا بسیاری از روشنفکران و فارغ التحصیلان دانشگاهها بصورت خدمتگزاران شایسته‌ای برای استعمار شرق و غرب درآمده بودند. بدیهی است که ایجاد دگرگونی مطلوب و ایده‌آل در این رشته‌ها با توجه بوسعت و گوناگونی آنها کاری نیست که در ظرف مدت کوتاهی قابل انجام باشد ولی بهر حال میبایست شروع شود. از سوی دیگر ایجاد این دگرگونی تنها بدست پرورش یافتگان دانشگاههای غربی و یا شرقی، میسر نیست و ضرورت دارد که کارشناسان مسائل اسلامی، نقش موثری را در این زمینه، ایفاء نمایند.

این بود که حضرت امام- مدظله العالی- امر فرمودند که ستاد انقلاب فرهنگی در این زمینه از حوزه علمیه قم کمک بگیرد. بدنبال صدور امر امام مبنی بر همکاری حوزه و دانشگاه در بازسازی علوم انسانی دانشگاهها طرحی از طرف حوزه برای این کار تهیه شد که بتصویب جامعه مدرسین حوزهٔ علمیه قم و ستاد انقلاب فرهنگی رسید و مورد تأیید حضرت امام نیز قرار گرفت و برای احرای آن دفتری بنام «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» تأسیس گردید.

ویژگیهای طرح:

۱- این طرح براساس ضرورتها و نیازها و باتوجه به واقعیتهای موجود و شرایط خاص زمانی و کمبود نیروهای انسانی، تنظیم شده و نقطه شروعی برای تغییر محتوای دروس علوم انسانی و همچنین برای پرورش اساتید کار آمد بشمار میرود تا تدریجاً با ضمیمه کردن طرحهای تکمیلی در دراز مدت، دگرگونی ایده‌آل، حاصل شود:

۲- در این طرح، تکیه اصلی بر همکاری دو جانبه اساتید حوزه و دانشگاه میباشد یعنی از طرفی اساتید دانشگاه بوسیله برادران روحانی و فضلاء حوزه علمیه قم، آشنایی لازم، مبانی اسلامی را پیدا میکنند و از سوی دیگر برادران روحانی از دیدگاههای اساتید دانشگاه، آگاه میشوند.

۳- باتوجه به کثرت مشاغل و مسئولیتهای اساتید متعهد حوزه و دانشگاه در ارگانهای انقلابی و دستگاههای اجرائی، کوشش شده که از حداقل نیروهای انسانی، استفاده شود.

٤- همچنین باتوجه به شرایط زمان جنگ و محدودیتهای مالی دولت، سعی شده که حداکثر استفاده از امکانات موجود دانشگاهها و حوزه بعمل آید و حتی‌المقدور بودجه زیادی بر دولت، تحمیل نشود.

تشکیلات دفتر

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه بوسیلهٔ شورای مدیریت مرکب از سه نفر از حوزه علمیه قم و نمایندهٔ ستاد انقلاب فرهنگی اداره میشود و شامل دبیرخانه و کمیتهٔ گزینش و بخش تدارکات و بخش امور آموزشی میباشد. کمیته گزینش مستقیماً زیر نظر ستاد انقلاب فرهنگی است و مسئول آن به پیشنهاد شورای مدیریت از طرف ستاد، تعیین شده است و طبعاً پس از انجام گزینش اساتید متعهد باندازهٔ نیاز طرح، منحل میشود ولی بخشهای دیگر تا پایان اجراء طرح بکار خود ادامه خواهد داد. آئین‌نامه اجرائی طرح نیز از طرف شورای مدیریت تهیه و بتصویب ستاد انقلاب فرهنگی رسیده است.

مراحل زمان‌بندی شدهٔ طرح

دورهٔ مقدماتی طرح، از آغاز تیرماه شصت و یک شروع و بمدت پانزده ماه (تا پایان شهریور شصت و دو) ادامه می‌یابد و شامل سه مرحله است:

در مرحلهٔ اول (تابستان گذشته) اساتید منتخب

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....۶۱/۹/۱۸....

ماخذ: تاریخ اطلاعات ۶۱/۹/۲۸ ۱۶۸۹۵



(آرشیو)

عنوان : پیام مشترک شورای ستاد انقلاب فرهنگی و وزیر فرهنگ و آموزش عالی بمناسبت بازگشایی دانشگاهها

موضوع: ....

پیام مشترک شورای ستاد انقلاب فرهنگی و وزیر فرهنگ و آموزش عالی
بمناسبت بازگشایی دانشگاهها

بمناسبت ۲۷ آذر روز وحدت روحانی و دانشجو و بازگشایی دانشگاههای کشور ، امروز پیام مشترکی ازسوی شورای ستاد انقلاب فرهنگی و وزیر فرهنگ و آموزش عالی به شرح زیر اعلام شد:

باگذشت بیش از دوسال تعطیل وتوقف مراکز آموزش عالی از شروع انقلاب فرهنگی اینک در آستانه بازگشائی مجدد دانشگاهها قرار گرفته‌ایم. دو سال و اندی پیش فعالیت دانشگاههای کشور در شرایطی متوقف گشت که مراکز آموزش عالی ، مراکز توطئه علیه جمهوری اسلامی بوده و عملا فعالیت موثر آموزشی در جهت رفع نیازهای این ملت شجاع و محروم در آنها صورت نمیگرفت ، بلکه بالعکس ، امکانات دانشگاه و تسهیلاتی که برای تحصیل دانشجویان فراهم شده بود در خدمت گروهکهای منحرف و فرصت‌طلب قرار داشت. تعطیل دانشگاهها که باتوجه به محیط فاسد کننده آنها، عدم انجام فعالیتهای آموزشی و تحمیل هزینه‌های سنگین به بیت‌المال ، ضروری بودعلیرغم تبلیغات و هیاهوی معاندین و مخالفین ، به یاری خداوند متعال و حضور امت همیشه در صحنه عملی شد و نیروهای متعهد بمنظور رفع نابسامانیهای نظام آموزش عالی به تمهید مقدمات لازم برای شروع کار مجدد دانشگاهها به فعالیت پرداختند. در عرض اینمدت تائیدات الهی همواره شامل حال این انقلاب و امت مسلمان بوده و تحولاتی‌که به یقین تحت هیچ برنامه‌ریزی از پیش تعیین شده‌قابل‌تصور نبود بر همه ارکان کشور حاصل شده است. اما علاوه‌بر این تحولات که به یمن استقامت و صبر امت مسلمان در دانشگاهها نیز بدست آمد، دانشگاهیین متعهد هم به‌سهم خود کوشیدند تا در حد امکان برنامه‌های مناسب‌آموزشی، فرهنگی و اداری لازم را تهیه نمایند تا دانشگاههای آینده از این حیث نارسائیهای کمتری داشته باشند. تغییربرنامه‌های آموزشی ، تدوین ضوابط جدید در گزینش و پذیرش استاد و دانشجو ، تجدید نظر در مقررات و آئین‌نامه‌ها و مدیریت دانشگاهها و پیش‌بینی برنامه‌های فرهنگی و اسلامی از جمله اقداماتی بشمار می‌آیند که ستاد انقلاب فرهنگی‌با کمک و همکاری وزارت فرهنگ‌و آموزش‌عالی‌و دانشگاهیان مسلمان و متعهد در اجرای فرامین امام امت انجـام داده است. همچنین در عرض اینمدت جهادهای دانشگاهی بـا تلاش و کوشش پیگیر در محیط دانشگاهها فعالیتهای ارزنده‌ای در زمینه‌های مختلف انجام داده‌اند. این تلاشها درکنار حرکت توفنده انقلاب در عرض دو سال اخیر افقی روشن و دورنمای امیدبخشی را برای دانشگاههای میهن اسلامی‌ترسیم‌مینماید و مسئولین را امیدوار میسازد که‌دانشگاهها پس‌از بازگشائی بدون‌هیچ‌مانع و ایراداساسی باحرکتی‌شتابدار بازگشائی بدون هیچ مانع و ایراداساسی باحرکتی‌شتابدار بسمت اسلامی شدن پیش روند . دانشگاه اسلامی یعنی دانشگاهی که مردمی و در خدمت رفع نیازهای مردم بودهو محصولات آن اسلامی باشند و دانشگاهی که تحصیل و تدریس در آن عبادت بشمار آید بر پایه وقایع دو سال‌اخیر و اقدامات انجام شده توسط نهادهای دست‌اندرکار مسائل دانشگاهی پی‌ریزی شده و با بازگشائی دانشگاهها، گامهای نخست در این راه بحول‌وقوه الهی برداشته خواهد شد .

اما به شکرانه نعمت الهی که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران فضای این کشور را نورانی نموده است و بخواست خدا جلوه‌ای از آن بتحولات اساسی در دانشگاهها خواهد انجامید‌میبایست با تعمق و تفکر در نارسائیهای دانشگاهها درگذشته و اشکالات اجرائی و برنامه‌ریزی در عرض دو سال تعطیلی دانشگاهها نکاتی چند را یادآور شد :

۱ـ ضمن گرامیداشت سالروزشهادت حجت‌الاسلام‌دکتر مفتح شهید حوزه و دانشگاه ، تقارن روز بازگشائی دانشگاهها با روز وحدت روحانی و دانشگاهی را باید به فال نیک گرفت و در جهت ارتباط و وحدت هرچه بیشتر فیضیه و دانشگاه کوشید . اگر ابعاد این وحدت‌و ارتباط گسترش یابد ،دو قشر روحانی و دانشگاهی که به گفته امام امت دو قشر متفکر و سازنده اجتماع‌اند خـواهند توانست در اصلاح امور کشور توفیق روزافزون یابند . حضور مستمر روحانیون در دانشگاهها و دانشگاهیان در حوزه‌های علمیه بعنوان تبلور این وحدت ضروری است .

۲ـ تعطیل دانشگاهها و توقف نظامی که وابسته به شرق و غرب بود جز با یاری امت مسلمان امکان نداشت ، در بازگشائی دانشگاهها و حل مشکلات آتی آنها نیزهمکاری آنان ضروری است. و انتظار میرود امت شهیدپرور از کمک به مسئولین دانشگاهی در حل مشکلات مختلف دریغ ننمایند .

۳ـ حفظ مملکت اسلامی بعنوانیک تکلیف‌ایجاب میکند تا همه اقشار مسلمان در دانشگاه با اتحاد و همدلی در حل و رفع مشکلات کوشا باشند و از یاد نبرند که به اتکای خونهای پاک شهیدان‌درجبهه‌های نبرد فرصت بازگشائـی حاصل شده است . از اینرو شرافت انسانی و اسلامـی ایجاب مینماید که به حرمت خون شهدا و بخصوص در گرامیداشت یاد شهدای دانشگاهها با صمیمیت و خلوص انجام وظیفه نموده و عناصر تفرقه‌افکن را از میان خـود برانند .

٤ـ جمهوری اسلامی بعنوان کانون امید مستضعفان جهان میبایست در استقلال و بی‌نیازی خویش از ابرقدرتها بکوشد و لازمه این مهم آنست که در زمینه‌های مختلف به خودکفایی دست یابد.بنابراین تربیت متخصصین متعهد برای رفع نیازهای کشور از ضروریات تثبیت‌نظام جمهوری‌اسلامی است. علاوه براین شکوفائی اندیشه‌ها و تعالی فکر بشری همواره مورد نظر اسلام بوده است . از همین‌روست که دانشجویان عزیز میبایست در فراگیری علوم و معارف،نهایت کوشش را بعمل آورند و در سنگر دانشگاه با یکدست‌قرآن و سلاح تقوی و با دست دیگر سلاح دانش را برگرفته بـه ستیز با تفکرات شرقی و غربی برخیزند .

٥ـ همانگونه که اسلامی شدن دانشگاهها نیازبه زمان دارد ، تصحیح و تکمیل برنامه‌های انقلاب فرهنگی نیزنیازمند زمان و تدریج است . ستاد انقلاب فرهنگی‌از همه‌دانشگاهیان دلسوز و متعهد انتظار دارد در این زمینه همو ارهبرخوردی فعال و توام با علاقمندی بنمایند و در امر خطیربرنامه‌ریزی های آتی این ستاد را یاری نمایند .

٦ـ دانشگاههای کشور درگذشته جزیره آرامش و تافته‌ای جدا بافته از سایر ارکان مملکت بوده‌اند و عـدم هماهنگی با برنامه‌های دولت و عدم ارتباط آنها با نیازهای جامعه از علل عمده انحراف دانشگاهها و جدا شدن آنها از مردم و انقلاب بوده است . از اینرو یکی از تحولات نظام آموزش عالی ایجاد ارتباط صحیح و هماهنگی بین دانشگاهها و دولت است. این ارتباط‌باید همواره محفوظ بماند و بهمین دلیل وزارت فرهنگ و آموزش عالی در نظارت بر نحوه فعالیت دانشگاهها و هماهنگی بین آنهـا جدیت و اصرار خواهد داشت . این مهم شرط اجرای برنامه‌های دولت خدمتگزار از یکسو و توفیق دانشگاهها در اجرای درست برنامه‌ها از سوی دیگر است .

۷ـ بر همه دانشگاهیان متعهد و علاقمند به جمهوری اسلامی است که‌دراین‌فرصت‌دین‌خود رابه‌ایثارها‌و فداکاریهای امت رزمنده و شهدای بخون خفته در راه اسلام ادا نموده و نهایت سعی‌خودرا در جهت ایفای وظایف خویش بتوجه احسن مصروف دارند تا بخواست‌خداوندمتعال دانشگاههای کشور محیط تزکیه و تعلیم و تهذیب و تحصیل گردند .

۸ـ ایجاد ارتباط و رابطه تنگاتنگ بین دانشگاهها و مسئولین آن از یکسو و ارگانهای دولتی و نهادهای‌انقلابی از سوی دیگر از برکات و دستاوردهای انقلاب فرهنگی‌بوده است و اکنون بر مسئولین دانشگاه فرض است که‌درحفظ این ارتباط و تعمیق و گسترش آن بکوشند .

درپایان ضمن آرزوی طول عمر امام امت و توفیق رزمندگان غرور آفرین اسلام در جبهه نبرد حق علیه باطل، موفقیت دانشگاهیان متعهد را در نیل به اهداف انقلاب فرهنگی از خداوند مسئلت داریم .

والسلام علی عبادالله الصالحین

شورای ستاد انقلاب فرهنگی ، وزیر فرهنگ و آموزش عالی

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ، تاریخ پیام انقلاب ۶۱/۱۰/۴ب ۷۴ ص ۳ «آرشیو»



عنوان: نقش حوزه در انقلاب فرهنگی

موضوع: ....

بصورت کتابهایی (هر کتاب بیش ازپانصد صفحه) تدوین مینمایند. این کتابها که حاوی دیدگاههای اسلام در علوم مربوطه است بعداً بصورت راهنمایی برای تدوین کتابهای درسی دانشگاهها مورد استفاده قرار میگیرد و حتی ممکن است خود این کتابها درمدرسهٔ تربیتمدرس یا دانشگاهها تدریس شود.

بدین‌ترتیب کار دورهٔ مقدماتی طرح بپایان میرسد واز آن‌پس، اساتیددانشگاهها با کمک فضلای حوزه علمیهٔ قم به نوشتن کتابهای درسی دانشگاهها در رشته‌های علوم انسانی می‌پردازند و هر سال‌کتابهای درسی سال آینده را می‌نویسند و پس از تصویب جامعه مدرسین چاپ و توزیع میشود و بنابراین همه دانشکده‌های علوم انسانی در آغاز مهرماه شصت و سه قابل نوگشایی هستند.

ضمناً در نظر هست دو کتاب دیگر از طرف فضلای حوزهٔ علمیه قم وابسته به دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، نوشته شود: در یك کتاب که «**مقدمه‌ای بر علوم انسانی**» نامیده میشود ماهیت‌علوم انسانی و رابطهٔ آنها با سایر علوم‌وهمچنین با جهان‌بینی و ایدئولوژی و فلسفه و دین تفصیلا مورد بررسی قرار میگیرد و نقطه‌های تلاقی آنها بایکدیگر و نقشی که هر-یك در کمك به‌حل مسائل دیگری میتوانند ایفاء نمایند با تاثیری که در روش تحقیق و جهت‌گیریها و غیره داشته باشند مشخص میشود.

در کتاب دوم که میتوان آنرا «انسان شناسی» بمعنای ویژه‌ای نامید وآنرا بمنزلهٔ مادر برای همهٔ علوم انسانی تلقی‌کردماهیت انسان و ابعاد وجودی و کمال حقیقی و از کجائی و در کجائی و بسوی کجائی بشر مورد تحقیق قرار میگیرد و رابطهٔ هریك از علوم انسانی با بعد خاصی از ابعاد وجود انسان مشخص میشود و در نتیجه همهٔ رشته‌های علوم انسانی بصورت اندامهای یك پیکر شناخته میشوند و از این حالت پراکندگی و مثله شدن خارج میشوند.

فهرست مطالبی که باید در این‌کتابها گنجانیده شود تهیه شده-ولی در اثر تراکم کار هنوز مورد بررسی و تحقیق قرار نگرفته گواینکه زمینهٔ آنها در کنفرانسهای معارف قرآن، فراهم شده است. امید است پس از پایان یافتن دورهٔ مقدماتی طرح و همزمان با نوشتن کتابهای درسی دانشگاهها این کتابها هم تهیه و آمادهٔ تدریس شود.

پیشنهاد ما اینست که این دو کتاب جزء برنامهٔ درسی عمومی همهٔ رشته‌های علوم انسانی قرار داده شود تا دانشجویان با بصیرت بیشتری به‌آموختن رشته‌های تخصصی بپردازند.

شماره ردیف ....

شماره مسلسل

عنوان : نقش حوزه در انقلاب فرهنگی

موضوع : ....



پیام انقلاب ۲۴/۱۰/۶۱

۷۴

استعمار فرهنگی بیش از هر راه دیگری از این راه (علوم انسانی) میتواند نفوذ کند



● کلیه دانشکده‌های علوم انسانی در آغاز مهرماه ۶۳ قابل نوگشائی هستند

میبابند یعنی از طرفی اساتید دانشگاه به وسیلهٔ برادران روحانی و فضلاء حوزهٔ علمیهٔ قم، آشنایی لازم با مبانی اسلامی را پیدا می‌کنند و از سوی دیگر برادران روحانی بکمك اساتید دانشگاه، از دیدگاههای غربی آگاه می‌شوند.

۳ـ با توجه به کثرت مشاغل و مسئولیتهای اساتید متعهد حوزه ودانشگاه در ارگانهای انقلابی ودستگاههای اجرائی، کوشش شده که از حداقل نیروی انسانی، استفاده شود.

۴ـ همچنین با توجه به شرایط زمان جنگ و محدودیتهای مالی دولت، سعی شده که حداکثر استفاده از امکانات موجود

طرح، منحل میشود. ولی بخشهای دیگر تا پایان اجراء طرح بکار خود ادامه خواهند داد. آئین‌نامهٔ اجرائی طرح نیز از طرف شورای مدیریت تهیه و بتصویب ستادانقلاب فرهنگی رسیده است.

● مراحل زمان بندی شدهٔ طرح

دورهٔ مقدماتی طرح، از آغاز تیرماه شصت و یك شروع و بمدت پانزده ماه (تا پایان شهریور شصت و دو) ادامه می‌یابد و شامل سه مرحله است:

در مرحلهٔ اول (تابستان گذشته) اساتید منتخب دانشگاهها که‌در حدود یکصد نفر هستند در کنفرانسهایی که همه‌روزه در دانشگاه الزهراء (ونك) تشکیل میشد و

منقسم شدند و با همکاری فضلای حوزهٔ قم به بررسی مسائل علوم انسانی و تنظیم صحیح آنها و تشخیص مسائل مادر در این علوم پرداختند و عملا دستور کار مرحلهٔ بعد را تهیه نمودند.

در مرحله دوم که نه ماه (از اول مهرماه شصت و یك تا پایان خرداد شصت و دو) طول میکشد همه روزه یکی از گروههای پنجگانه (جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم تربیتی، اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی) مرکب از اساتید دانشگاه و حوزه، سمیناری در قم برگزار میکنندو نتایج مطالعات خود را که در روز قبل از سمینار هماهنگ کرده‌اند عرضه داشته در معرض

امام خمینی: علما و دانشمندان این دو مرکز (دانشگاه و حوزه) لازم است کوشش کنند در پیوند دادن این دو مکان

دانشگاهها و حوزه بعمل آید و حتی‌المقدور بودجهٔ زیادی بر دولت، تحمیل نشود.

تشکیلات دفتر

دفتر همکاری حوزه دانشگاه بوسیلهٔ شورای مدیریت مرکب از سه نفر از مسئولین مؤسسه دو راه حق و نمایندهٔ ستاد انقلاب فرهنگی اداره میشود وشامل دبیرخانه و کمیتهٔ گزینش و بخش تدارکات و بخش امور آموزشی میباشد. کمیتهٔ گزینش مستقیما زیر نظر ستاد انقلاب فرهنگی است و مسئول آن به پیشنهاد شورای مدیریت از طرف ستاد، تعیین شده است و طبعاً پس‌از انجام گزینش اساتید متعهد باندازهٔ نیاز

معارف اسلامی بطور سیستماتیك و براساس قرآن کریم تبیین میگردید شرکت جستند. نتایج این کنفرانسها انشاءالله بزودی به صورت کتابی درحدود یکهزار صفحه منتشر خواهد شد. لازم بتذکر است که غیر از اساتیدی که رسما گزینش شده بودند عده‌ای دیگری از اساتید علوم انسانی و همچنین مسئولین آموزش سپاه پاسداران بوسیلهٔ تلویزیون مدار بسته از این کنفرانسها استفاده میکردند و هم‌اکنون نوارهای آنها بوسیلهٔ رادیو تدریجا پخش میشود.

همچنین در این مدت، اساتیددانشگاهها برحسب تخصصهای خودشان به چند گروه،

بحث و نقض و ابرام قرار میدهند.

نتایج این سمینارها تدریجا تکثیر و در اختیار صاحبنظرانی قرار داده میشود که بعللی در جلسات سمینارها حضور نیافته‌اند تا از نظریات اصلاحی و تکمیلی ایشان نیز استفاده شود. لازم بتذکر است که دانشجویان مدرسه تربیت مدرس در رشته‌های علوم انسانی نیز در این سمینارها شرکت میکنند و طبق موافقت‌نامهٔ ستاد، شش واحد برای ایشان محسوب خواهد شد.

در مرحلهٔ سوم (تابستان شصت و دو) عده‌ای از اساتید منتخب دانشگاه و حوزه به بررسی و ارزیابی و جمع‌بندی و تنظیم نتایج سمینارها می‌پردازند و آنها را

شماره ردیف ....
شماره مسلسل ....
ماخذ، تاریخ پیام انقلاب ۲۴/۱/۶۱ ص ۱ ۷۴



عنوان: نقش حوزه در انقلاب فرهنگی
موضوع:

«آرشیو»

نقش حوزه در انقلاب فرهنگی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

انقلاب اسلامی ایران بیش از هرچیز مرهون فرهنگ اسلامی و تعالیم حیات‌بخش اسلام و تشیع میباشد و تداوم و گسترش چنین انقلابی در گرو بقاء و رشد فرهنگ اسلامی و گسترش آن در نسلهای موجود و آینده است. این وظیفه بیش از همه بر عهدهٔ نهاد آموزش و پرورش و بخصوص دانشگاهها است. ولی بافت دانشگاهی ایران و همچنین نظام آموزشی و محتوای دروس و کتابها بویژه در علوم انسانی، متناسب با این وظیفه نبود و اساسا دانشگاههای ما بوسیلهٔ دولتهای استعمارگر و بخصوص آمریکا هدایت میشد و شکل و محتوای آنها

۲ــ تجدیدنظر در نظام آموزش و ساختار دانشگاهها و متحول ساختن آنها بگونه‌ای که متناسب با نیازهای کشور و تامین استقلال سیاسی ــ اقتصادی جمهوری اسلامی باشد وکشور را از وابستگی فرهنگی و دیگر وابستگیها نجات دهد.

۳ــ گنجانیدن دروس خاصی در برنامه های دانشکده‌ها که آشنایی لازم دانشجویان را با اهداف انقلاب و معارف و دیدگاههای اسلام، تامین نماید.

اینها کارهایی است که میبایست در همهٔ دانشکده‌ها انجام شود و ستاد انقلاب فرهنگی، مسئول انجام آنها میباشد. ولی مسئلهٔ پیچیده‌تر و در عین حال مهمتر، یافتگان دانشگاههای غربی یا شرقی، میسر نیست و ضرورت دارد که کارشناسان مسائل اسلامی، نقش مؤثری را در این زمینه، ایفا نمایند.

این بود که حضرت امام ــ مدظله العالی ــ امر فرمودندکه ستاد انقلاب‌فرهنگی در این زمینه از حوزهٔ علمیهٔ قم، کمك بگیرد. بدنبال صدور امر امام مبنی بر همکاری حوزه و دانشگاه در بازسازی رشته‌های علوم انسانی دانشگاهها طرحی از طرف حوزه برای این کار تهیه شد که بتصویب جامعهٔ مدرسین حوزه علمیهٔ قم و ستاد انقلاب فرهنگی رسید و مورد تایید حضرت امام نیز قرار گرفت و برای اجرای

● انقلاب اسلامی بیش از هرچیز مرهون فرهنگ اسلامی و تعالیم حیات‌بخش اسلام و تشیع می‌باشد و تداوم و گسترش چنین انقلابی در گرو بقاء و رشد فرهنگ اسلامی و گسترش آن در نسلهای موجود و آینده است

تابع ارادهٔ بیگانگان، و خط‌مشی آنها در جهت‌حفظ وتقویت سلطهٔ سیاسی ــ اقتصادی آمریکا و سایر استعمارگران بود. **بهمین دلیل دانشجویان و اساتید متعهد دانشگاهها تصمیم گرفتند انقلاب فرهنگی را بوجود آورند تا در سایهٔ آن بتوانند ضمانتی برای بقاء و تداوم انقلاب اسلامی و همچنین‌عامل نیرومندی برای صدور و گسترش فرهنگ انقلاب، تامین نمایند.**

این کار مستلزم اموری بود که کمابیش اجراء شده یا در دست اجراء است:

۱ــ تصفیهٔ دانشگاهها از عناصر وابسته به استعمارگران و ابرقدرتها و بطورکلی از عناصر ضدانقلاب.

مربوط به علوم انسانی است که رابطهٔ بسیار نزدیکی با جهان‌بینی و ایدئولوژی دارد و استعمار فرهنگی بیش از هر راه دیگر از این راه میتواند نفوذ کند چنانکه در سابق، از همین راه نفوذ کرده بود و عملابسیاری ازروشنفکران وفارغ‌التحصیلان دانشگاهها بصورت خدمتگزاران شایسته‌ای برای استعمارگران شرق و غرب درآمده بودند. بدیهی است که ایجاد دگرگونی مطلوب و ایده‌آل دراین رشته‌ها با توجه بوسعت و گوناگونی آنها کاری نیست که در ظرف مدت کوتاهی قابل انجام باشد ولی بهر حال میبایست شروع شود. از سوی‌دیگر ایجاد این دگرگونی تنها بدست پرورش‌ـ

آن‌دفتری بنام «دفترهمکاری حوزه ودانشگاه» تاسیس گردید.

ویژگیهای طرح

۱ــ این طرح براساس ضرورتها و نیازها و با توجه به واقعیتهای موجود و شرایط خاص زمانی و کمبود نیروهای انسانی، تنظیم شده و نقطهٔ شروعی برای تغییر محتوای دروس علوم انسانی وهمچنین برای پرورش اساتید کارآمد بشمار میرود تا تدریجا با ضمیمه کردن طرحهای تکمیلی در درازمدت، دگرگونی‌ایده‌آل، حاصل‌شود.

۲ــ در این طرح، تکیهٔ اصلی بر همکاری دوجانبهٔ اساتید حوزه و دانشگاه

شماره ردیف ....



عنوان : ....

شماره مسلسل ....

موضوع : ....

ماخذ ، تاریخ ۱۸۰ ۶۲/۱۱/۱۶

«آرشیو»

البته اگر بطور منصفانه با مساله بخواهیم برخورد کنیم کم‌توجهی از دو طرف بوده است هم ستاد و هم روحانیون و مدرسین حوزه.

همبستگی این دو مرکز عظیم علمی گامی است به‌سوی سعادت آیندهٔ جامعهٔ ما. بالاخره ستادانقلاب فرهنگی پس از یکسال و اندی به دلیل ضرورت و نیاز مبرم مملکت، ابتدا دانشجویان دانشکده‌های پزشکی و سپس دانشجویان ۲۵ واحدی سایر رشته‌ها را به‌منظور ادامه تحصیل پذیرفت، پس از چندی هم دست به کار گزینش دانشجو برای رشته‌های گروه پزشکی و بعد از مدتی گروه مهندسی و فنی و الهیات و معارف اسلامی زده و کنکور سراسری را برگزار کرد.

تا بالاخره در روز ۶۱/۹/۲۷ همزمان با سالروز شهید دکتر مفتح شهید حوزه و دانشگاه در روز وحدت روحانی و دانشجو با پیام حضرت آیت‌الله منتظری و باحضور جمع کثیری از امت حزب‌الله در دانشگاه تهران، دانشگاههای سراسر کشور بازگشائی شد و دانشگاهها کار خود را از نو آغاز کردند.

اینك دانشگاههای سراسر کشور با یاری الله، با نظام اموزشی نوین، با تصفیه دانشجویان و استادان غیرمتعهد و منحرف، با حاکمیت اندیشهٔ اسلام و بخصوص با اضافه شدن واحدی بنام فرهنگ و معارف اسلامی به واحدهای درسی دانشجویان، با حرکت در مسیر استقلال و خودکفائی و با ضوابط و مقررات اسلامی بازگشائی شده است و با تلاشی روزافزون به حرکت اسلامی خود ادامه می‌دهد.

یکی از دانشجویان فنی در رابطه با بازگشائی مدارس چنین می‌گفت: کتب زیادی ترجمه شده و کارهای تحقیقی بسیاری صورت گرفته. بعضی از مواد درسی که مطابق با نیاز جامعه نبوده حذف گردیده و بعضی واحدهای جدید اضافه گشته است.

جوّ دانشگاه جوّی اسلامی با رعایت قوانین و احکام اسلامی است. اول صبح، قرآن تلاوت می‌شود و واحد معارف اسلامی اجباری گردیده است.

همهٔ سنگرها بدست نیروهای اسلام فتح شده بود و اینك سنگر دانشگاه است که فتح شده است.

ستاد انقلاب فرهنگی اقدامات مثبت دیگری هم داشته است، ازجمله نحوهٔ صحیح گزینش‌ها و همچنین همسطح کردن سطح علمی دانشگاهها و تقسیم عادلانهٔ امکانات آموزشی بطوریکه تبعیض آموزشی ازبین برود.

درمورد فعالیت انجمنهای اسلامی دانشکده‌ها از ایشان سؤال شد، جواب دادند:

انجمنهای اسلامی آنطور که باید فعال نیستند خیلی از دانشجویان که بعد از انقلاب فرهنگی اصلاً نیامده‌اند بسیاری از آنها در مشاغل اجرائی و مسئولیتهای مملکتی مشغولیت زیادی دارند و کمتر به انجمن اسلامی توجه می‌کنند.

درحالی که پس از فرمان ۸ ماده‌ای امام بیشتر باید به این مساله توجه شود و در جذب افرادی که زمینهٔ ساخته شدن دارند کوشش بیشتری به‌عمل آید.

در پایان، گفتار خود را با سخن بسیار جالب و ارزنده‌ای از علی(ع) خاتمه می‌دهیم:

امام علی(ع) در قسمتی از کلمه قصار ۱۹۹ می‌فرماید:

مَنِ اعْتَبَرَ اَبْصَرَ وَمَنْ اَبْصَرَ فَهِمَ وَمَنْ فَهِمَ عَلِمَ.

آن کس که با دیده عبرت و پندآموزی به جهان بنگرد بینا گردیده و هرکه بینائی و بصیرت یافت می‌فهمد و هرکس که می‌فهمد دانا و عالم می‌گردد.

آری باید با دیدهٔ عبرت‌بین به جهان نگریست آنگاه بصیرت یافت سپس عمق مسائل را درك کرد و عالم و آگاه گردید.

بدان امید که سخن امام عزیزمان تحقق یافته و دانشگاه استعماری گذشته به دانشگاه اسلامی و استقلالی تبدیل شود سخن خود را خاتمه می‌دهیم. انشاءالله.

والسلام

دانشگاهها می‌پردازیم.

چطور بچه‌های ما مجبور باشند که زیر و بم زبان بیگانه را بیاموزند اما از الفبای عربی که زبان دین و قرآن ماست بی‌اطلاع باشند. امیدواریم در زمینهٔ کتب و محتوا و کیفیت برنامه‌های درسی بگونه‌ای مطلوب، عمل شده و نقایص و کمبودها نیز مرتفع گردد.

در خاتمهٔ بحث مدارس، از درگاه خداوند متعال درخواست می‌کنیم که به ما و همهٔ سازندگان و تربیت‌کنندگان نسل نوخاسته، توفیق عنایت فرماید تا جامعه‌ای تمام‌عیار اسلامی، براساس فرهنگ پویا و پرتحرك اسلام و با الهام از رهنمودهای پیامبرگونهٔ امام امت بسازیم تا نسل آینده ما در خطر هجوم افکار فاسد و منحط شرقی و غربی قرار نگرفته و اندیشهٔ توحیدی و ضداستکباری اسلام بر جای‌جای زمین حاکمیت و استقرار یابد.

ب ـ انقلاب فرهنگی در سطح دانشگاهها:

همانطور که قبلاً اشاره شد انقلاب آموزشی و فرهنگی در سطح دانشگاهها یکی از ضروری‌ترین اقدامات جمهوری اسلامی پس از پیروزی انقلاب بود زیرا فارغ‌التحصیلان دانشگاهها و مراکز آموزش عالی بودند که بعد از قطع دست اجانب از کشور، می‌بایست خلأ نیروی متخصص و کارآمد در اجتماع را تامین نمایند.

اما متاسفانه از آنجا که استعمار چنگال خونین خود را بر همه جای کشور انداخته بود دانشگاهها هم از نفوذ استعمار و امپریالیسم جهانی مصون نمانده بود بویژه که شیاطین استعمارگر نیك می‌دانستند که دانشگاهها دریچهٔ بسیار خوبی برای نفوذ آنان خواهد شد، دانشگاه ما هم دانشگاهی وابسته و استعماری بود و جز ماشینی برای تولید و تحویل متخصصان بی‌دین و غیرمتعهد و غیرمتقی به جامعه خاصیت دیگری نداشت از انسو ابرقدرتهای جهانخوار پس از پیروزی شکوهمند امت، یکی از لانه‌های امن و مراکز امید خود را دانشگاهها یافته بودند. دانشگاهها تماماً دراختیار گروهکها و محاربین جمهوری اسلامی قرار گرفته و عرصه‌ای وسیع جهت تاخت و تاز سیاسی و نظامی انان و بنگاهی برای توزیع و فروش نشریات و اعلامیه‌ها و تبلیغات سوء آنان علیه انقلاب و اسلام و روحانیت شده بود. دیگر تامل جایز نبود و هرلحظه تاخیر، موجب ضرر و زیان بیشتری به این انقلاب و امت بود.

چون دانشگاه با آن موجودیت و وضعیت وسیله‌ای جز تثبیت بیشتر فرهنگ شاهنشاهی و وارداتی غرب و محلی برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی بشمار نمی‌رفت.

اینجا بود که فریادگر بزرگ قرن، خمینی بتشکن فریاد بزرگ دیگری را آغاز کرد:

«باید انقلابی اساسی در تمام دانشگاههای سراسر ایران بوجود اید تا اساتیدی که در ارتباط با شرق و غربند تصفیه گردند و دانشگاه محیط سالمی شود برای تدریس علوم عالی اسلامی. باید از بدآموزیهای رژیم سابق در دانشگاههای سراسر ایران جلوگیری کرد زیرا تمام بدبختیهای جامعهٔ ایران در طول سلطنت این پدر و پسر از این بدآموزیها بوجود امده است».

مگر نه این است که دانشگاه یعنی محل فراگیری علم و دانش و تخصص درجهت خدمت به اسلام و مسلمین.

اما دانشگاه ما مرکزی برای خدمت به آمریکا و شوروی شده بود، مگر نه این است که تخصص باید همراه تعهد باشد وگرنه ثمربخش نخواهد بود. اما دانشگاه ما تخصص‌زا بود نه ایمان‌زا و تعهدزا.

تازه آنهم نه تخصص استقلالی و خودکفا بلکه تخصص استعماری و وابسته.

باز امام بزرگوارمان دراین باره فرمودند:

«ما با تخصص مخالف نیستیم با نوکری اجانب مخالفیم، اسلام با تخصص و علم، کمال موافقت را دارد لکن تخصص و علمی که به خدمت ملت باشد به خدمت و صلاح مسلمین باشد».

اما ضرورت ایجاب می‌کرد تا دانشگاهها برای مدتی تعطیل گردند تا تغییر و تحول اساسی در نظام آموزشی و دگرگونی بنیادی در تمامی سازمانهای آموزشی کشور انجام گردد.

زیرا اصلاح نظام آموزشی حاکم بر دانشگاهها صرفاً با تغییر محتوای چند درس و حذف چند استاد، کارمند، دانشجوی وابسته به رژیم سابق و تغییر بعضی از قوانین اداری و غیره کوچکترین تاثیری براین نظام غول‌آسای آموزشی که میراث شوم رژیم شاه و بیانگر حاکمیت عمیق آمریکا و غرب بود نداشت.

ازاین‌رو دانشگاهها تعطیل گردید تا با مطالعه و دقت و فرصت کافی تحول بنیادین و اساسی در نظام دانشگاهی کشور پدید آید که این وظیفه به عهدهٔ ستاد انقلاب فرهنگی (برگزیدگان امام) محول شد.

قبل از اینکه به بیان کارها و وظائف ستاد انقلاب فرهنگی بپردازیم بهتر است ببینیم اشکالات و بیماریهای نظام دانشگاهی ما چه بوده است که انقلاب فرهنگی درجهت درمان آن عیوب و بیماریها و رفع آن اشکالات ایجاد شد.

در نظام حاکم بر دانشگاههای ما بیماریهای مهلك و نواقص فراوانی مشاهده می‌شد که مهمترین آنها ازاین قرارند:

۱ـ عدم حاکمیت ارزشهای اصیل اسلامی (علم و ایمان و تعهد و تقوی).

۲ـ دانشگاه ما جایگاهی شده بود برای پرورش شرق‌گرایان و غرب‌گرایان، یعنی درواقع انسان شرقی و غربی تحویل می‌داد نه انسان مستقل و آزاد.

۳ـ آموزش در دانشگاه، براساس علم برای قدرت‌طلبی و ثروت‌اندوزی هرچه بیشتر نه علم برای شناخت و درك و آگاهی هرچه افزونتر.

٤ـ بیگانگی و جدائی از جامعه و مردم.

٥ـ عدم استقلال و خودکفائی.

٦ـ سرکوب ابتکارات و خلاقیتهای علمی و صنعتی و بجای روش تحقیق و تفکر و کاوش، رواج تقلید کورکورانه و غیرمنطقی از غرب.

۷ـ پیاده کردن سیستم آموزش غربی که مطابق با نیازها و احتیاجات کشور نبوده است.

۸ـ در دانشگاههای ما اغلب استادان وابسته به شرق و غرب که در کشورهای غربی و شرقی تربیت شده بودند و درد جامعه خود را احساس نمی‌کردند، تدریس می‌نمودند.

۹ـ ضعف پایه‌های آموزشی دبستان و دبیرستان که طبیعتاً پایهٔ علمی دانشگاه را نیز ضعیف می‌سازد.

اما دانشگاه اسلامی و مستقل نه‌تنها از این نواقص و بیماریها بدور است بلکه سازندگی و پویائی و تحرك خاص خویش را داراست که اینك چند نمونه از ویژگیهای دانشگاه اسلامی را برمی‌شمریم:

۱ـ نظام آموزشی اسلام مبتنی بر توحید و مکتب است و از دانشجو یك انسان می‌سازد نه یك وسیله.

در نظام آموزشی اسلام، دانشجو هرروز که برعلمش افزوده می‌شود بر میزان تقوی و پرهیزکاری‌اش نیز اضافه می‌شود (إنَّما یَخشَی‌اللهَ مِنْ عِبادِهِ‌العُلَماءُ) همانا عالمان و دانشمندان بندگان خدا از او بیشتر می‌ترسند.

نه علمی که هرروز انسان را مغرورتر و سرکش‌تر و عاصی‌تر از روز قبل درمقابل خدا و مردم نماید.

۲ـ دانشگاه محیطی است برای رشد عقل و اندیشه و شناخت انسان و پرورش فضائل و کرامات اخلاقی نه محلی برای اندوختن علم برای قدرت و یا ثروت و رفاه بیشتر.

۳ـ دانشگاه محلی است برای کسب علوم و فنون مختلف برای رفع احتیاجات جامعه.

٤ـ دانشگاه محیطی برای برانگیختن ابتکارات و خلاقیتهای جامعه درجهت خودکفائی.

٥ـ استادان دانشگاه پرورش‌یافتهٔ مکتب وحی و تعالیم آسمانی اسلام هستند.

٦ـ دانشگاه مکانی است آزاد و بدون اختناق برای برخورد سالم آراء و افکار و عقاید و طرح نظریات و پیشنهادات گوناگون درجهت رشد و پویائی هرچه افزونتر.

حال با همهٔ واقعیتهای موجود دانشگاهها و همچنین شناخت ویژگیهای فرهنگ اسلامی ستاد انقلاب فرهنگی می‌بایست شروع بکار می‌کرد:

ابتدا ستاد برای برنامه‌ریزی در رشته‌های مختلف، دست به تشکیل کمیته‌های برنامه‌ریزی زد که هرکدام در رشته‌های مربوطه به فعالیت می‌پرداختند. در کنار این کمیته‌ها، کمیته‌ای جهت پی‌گیری بوجود آمد که وظیفهٔ آن، اطلاع از وضع کمیته‌های برنامه‌ریزی و چگونگی فعالیت آنها بود.

ستاد درطول فعالیت خود با مشکلاتی ازقبیل عدم همکاری عده‌ای از اساتید دانشگاهها و عدم شرکت عده‌ای از اعضای ستاد در جلسات و فعالیتها روبرو بود اما علیرغم همه کارشکنی‌ها و مشکلات، ستاد راه خود را ادامه داد. با این وجود در کار ستاد ضعفهایی هم مشاهده گردید از آن جمله کم‌توجهی ستاد به انجمن‌های اسلامی دانشگاهها و جهاد دانشگاهی بود. بقول حضرت آیت‌الله منتظری در پیامی جهت بازگشائی دانشگاهها: «ستاد انقلاب فرهنگی باید بیش از پیش به نیروی جوانان متدین و متعهد و استعدادهای فوق‌العاده انان توجه نماید و ضمن هماهنگی با دولت و وزارت فرهنگ و آموزش عالی، نیروی جهاد دانشگاهی را که در طول تعطیلی دانشگاهها با تمام وجود در اختیار انقلاب فرهنگی و ارگانهای انقلابی بود و با شرکت در عملیات گوناگون ابتکاری دارای تجربیات مفید و ارزنده شده‌اند تقویت و بکار گیرد».

مسالهٔ دیگر ارتباط بیشتر ستاد با روحانیون و مدرسین حوزهٔ علمیه است، بخصوص در رشته‌های علوم انسانی که متاسفانه بنحو شایانی انجام نپذیرفته است. وحدت بین دانشگاه و حوزه و بین دانشجو و روحانی از مبرم‌ترین نیازهای انقلاب فرهنگی است.

دانشگاهها می‌پردازیم.

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ ، تاریخ سروش ۱۸۰ ۱۶/۱۱/۶۱



عنوان : ....

موضوع : ....

«آرشیو»

الف ـ تحولات آموزشی و فرهنگی در سطح مدارس:

قبل از طرح هرگونه صحبتی در این مقوله سزاوار است که از دو شهید بزرگوار فرهنگی شهید رجائی و شهید باهنر، که عمری را وقف تعلیم و تربیت جوانان و نوجوانان این ملت نموده و خالصانه و صمیمانه در این راه تلاشهای بی‌وقفه و کوششهای دامنداری را آغاز کردند که اینك بسیاری از دستاوردهای ما بعد از انقلاب در زمینه آموزش و پرورش مدیون زحمات و همت خستگی‌ناپذیر این دو شهید بزرگوار است. نام ببریم و یادشان را زنده نگهداریم.

خداوند نیز از درگاه رحمت بی‌منتهای خود اجر جزیل و پاداش کثیر به انان عنایت فرماید.

همانطور که میدانیم جو مدارس قبل از انقلاب آکنده از فساد، بی‌نظمی، بدآموزی، مدرك گرائی و موارد بسیاری از این قبیل بود همانگونه که ایادی استعمار سعی در ایجاد دانشگاهی وابسته داشتند همچنین سعی میکردند تا نظام آموزشی و فرهنگی پیش از دانشگاه را هم در مسیر وابستگی و انحراف هر چه بیشتر سوق دهند.

از همان ابتدای دوران دبستان ذهن و افکار کودکان معصوم را بازیچه دست خود ساخته و هرگونه انحراف و بی‌اعتقادی و بی‌بند و باری را به آن تزریق میکردند.

طبیعتاً از دانش‌آموزی که در مدارس با آن شیوه‌های غلط رشد کرده و به آن وضع خوگرفته بود نمیتوان توقع داشت که بعد از ورود به دانشگاه و پس از وارد شدن در اجتماع، عنصری مستقل و متعهد و مفید بحال اجتماع بوده باشد. زیرا از ریشه و پایه، فکر و روح انسانی را به انحراف و تباهی کشیده بودند. اما خوشبختانه پس از پیروزی انقلاب چهره مدارس بکلی دگرگون گشت و تغییرات اساسی انجام شد البته مشکلات و ضعفهایی نیز بر سر راه وجود داشت اما بحمدالله تا حدود زیادی از موفقیت و نتیجه مثبت برخوردار بود.

اینك مختصراً به ذکر چند نمونه از این تحولات میپردازیم:

۱- آشنا ساختن دانش‌آموزان با فرهنگ و معارف اسلامی

هدف نظام آموزشی گذشته بیگانگی هر چه بیشتر دانش‌آموزان با اسلام و شناخت حقایق و معارف آن بود رژیم سابق سعی میکرد افکار و عقاید غربی را بر اذهان و مغزها تحمیل کند. اما نظام آموزشی جدید هر چه بیشتر سعی میکند تا بچه‌ها را با مکتب حیاتبخش اسلام و تعالیم و احکام نجاتبخش ان اشنا سازد.

چه از طریق کتب درسی جدید و چه از طریق برنامه‌ها و روشهایی دیگر که در قسمت دوم به شرح بیشتر ان خواهیم پرداخت.

۲- تاسیس نهاد امور تربیتی در مدارس:

این کار بحق یکی از اساسی‌ترین اقدامات نظام فرهنگی جدید است در گذشته فقط میخواستند بچه درس بخواند و مدرك بگیرد به تربیت و پرورش دانش‌آموزان کمتر اهمیت داده میشد.

اما همانطور که در ابتدای مقاله نیز گفته شد اسلام به تعلیم و تربیت که هر دو بموازات هم و در مسیر یکدیگر حرکت کنند اهمیت بسیار میدهد.

اساساً هدف رسالت انبیاء نیز همین مسئله بوده است. که بشر همراه با تعلیم، تربیت هم بشود. نظام اسلامی تنها یك دانشمند نمیسازد بلکه یك دانشمند وارسته و متقی پرورش میدهد. زیرا معتقد است علم و آگاهی شرط لازم سعادت بشر است اما شرط کافی نیست. چه بسیار دانشمندانی که بر اساس علم خود فاجعه‌ها آفریدند، جنایتها کردند و کشتارها نمودند.

علی (ع) در نهج‌البلاغه میفرمایند: رُبَّ عالم قَتَلَهُ جَهْلُه وَ عِلْمُه معهُ لا یَنْفَعُهُ. چه بسا عالمی که نادانی‌اش او را میکشد و علم او سودی نبخشد.

پس نظام آموزشی اسلام علاوه بر اهمیت بسیاری که به علم‌آموزی بشر میدهد، به تربیت و پرورش یافتگی او، ارج بسیار می‌نهد.

رسالت امور تربیتی در مدارس نیز همین است که علم دانش‌آموز را همگام با اخلاق و تربیت او پیش ببرد.

مسئولیت مربیان امور تربیتی نیز بهمان میزان سنگین و اهمیت و رسالتشان، مسئولیتی بس خطیر و مهم است.

و بقول شهید رجائی، دوستان امور تربیتی سربازان انقلاب در سنگر مدارس هستند.

کار امور تربیتی محدوده خاصی ندارد و ما در اینجا در مقام بیان کارهای مختلف و طاقتفرسای مربیان تربیتی نیستیم اما همین جمله در بیان کار آنها کافی است که با همه جنبه‌ها و ابعاد جسم و روح دانش‌آموز رابطه و پیوستگی دارد از اینروست که نقش یك مربی خوب تا چه اندازه مفید و مؤثر و خدای ناکرده تا چه اندازه مخرب و زیانبار میتواند باشد.

در حقیقت مربیان امور تربیتی بودند که بعد از پیروزی انقلاب، اسلام را با خود داخل مدارس بردند و در مقابل مخالفین و هواداران گروهکها همچنان سد مستحکمی مقاومت نمودند. و بخاطر همین مقاومتها و پایداریها بود که مارکها و برچسبهای مختلفی، از طرف گروهکها به آنان زده میشد و اکنون نیز ادامه دارد. در واقع میتوان گفت: مهمترین عامل تحولات فرهنگی مدارس، مسئولین امور تربیتی هستند که با تلاش صادقانه و مخلصانه خویش در مقابل کفر و نفاق و الحاد ایستادگی کرده و نظام ارزشی فرهنگ اسلام را در مدارس حاکمیت بخشیدند.

۳- رشد شعور سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان

در گذشته، دانش‌آموز جز رفتن به مدرسه و درس خواندن وظیفه دیگری احساس نمیکرد بعنوان مثال یك دانش‌آموز بهیچوجه حق نداشت در مقابل جریانات سیاسی، اجتماعی روز، واکنش نشان داده و اظهار نظر نماید. و اصولاً توجهی نیز به این امر نداشت اما بعد از انقلاب یکی از فعالترین اقشار ملت در صحنه سیاسی و اجتماعی کشور، قشر دانش‌آموزان است.

دیگر دانش‌آموز خود را از جامعه و ملتش بیگانه نمی‌پندارد، خود را در سرنوشت مملکتش شریك و سهیم میداند و بطور فعال در صحنه‌های مختلف اجتماعی حضور پیدا میکند او دیگر بچه مدرسه‌ای نادان و ناپخته‌ای نیست که بی‌تفاوت از همه مسائل بگذرد و بخود حق اظهار نظر و تفکر در مورد جریانات و مسائل مختلف را ندهد. بعنوان نمونه شرکت دانش‌آموزان در جبهه‌های جنگ و چه در پشت جبهه‌ها، همچنین در پاسداری و محافظت کشور، شرکت فعال در بسیج مستضعفین، کمکهای فراوان نقدی و جنسی به جبهه‌ها و جنگزده‌ها و بسیاری دیگر از این نوع موارد حاکی از فعالیت پرشور و شرکت دائمی آنان در صحنه‌های گوناگون اجتماعی است.

۴- تصفیه معلمین و دبیران منحرف و غیر متعهد

در این رابطه، تلاش بسیاری شده اما کافی نیست البته منکر مشکلات و موانع بسیار نمیتوان بود.

ولی آموزش و پرورش اسلامی باید این وظیفه را در راس اقدامات خود قرار دهد زیرا تا معلمین و مربیان خود را نسازند نمیتوانند جوانان و نوجوانان نسل فردای جامعه را بسازند.

یك معلم فاسد میتواند هزاران دانش‌آموز را در طول سالها، فاسد و منحرف و آلوده سازد و بالعکس یك معلم مفید و ارزنده میتواند هزاران دانش‌آموز را به خیرو صلاح و نیکبختی رهنمون سازد.

امام در بیاناتشان در دیدار با معلمین فرمودند: معلمی شغل انبیاء است. و بحق سخن جالب و ارزنده‌ای است.

مگر انبیاء نیامده‌اند تا بیاموزند و تربیت کنند یك معلم نیز همین رسالت را بر دوش دارد.

حال باید قضاوت کرد آیا همهٔ معلمین ما لیاقت و شایستگی احراز شغل انبیاء را دارند؟ آیا نسبت به مکتبشان شناخت کافی دارند؟ آیا به اهمیت شغل خود واقف هستند؟

این قضاوت با مسئولین امر است که باید هر چه زودتر در این مورد اقدامات جدی مبذول دارند.

البته همانطور که گفته شد در این راه قدمهای مؤثری برداشته شده اما کافی نیست بعنوان مثال کلاسهایی برای معلمین دائر گردیده تا هرچه بیشتر با فرهنگ و معارف اسلامی آشنا گردند. اما بطور پیگیر و مستمر و با برنامه و انضباط خاصی اداره نمی‌شود و ضعفهایی در ان مشاهده میگردد.

۵ - تغییرات کتب درسی

محتوای اغلب کتابهای درسی قدیم که جز اتلاف وقت، پرداختن به مسائل غیراصلی و غیرضروری، آموختن چیزهائی که دردی را از جامعه درمان نمی‌کند و تازه ممکن است دردآفرین هم باشد، تزریق افکار الحادی و التقاطی و غیره ثمر دیگری نداشت اینك بحمدالله تغییرات اساسی یافته است.

اما بازهم این تغییرات کافی نیست که انشاءالله مسئولین درصدد تغییر کیفیت درسی و آموزشی کتابها و برنامهٔ درسی دانش‌آموزان، هرچه بیشتر گامهای مؤثرتری بردارند.

بطور نمونه در سطح دبیرستان در کنار دیگر درسها ساعتی هم به قرائت و مفاهیم قران، به‌عنوان درسی مستقل و اجباری، اختصاص داده شود.

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ ، تاریخ ۱۸۰ ۶۱/۱۱/۱۳ «آرشیو»



عنوان : ثمرات فرهنگی نهال نوپای انقلاب اسلامی

موضوع : ....

● ثمرات فرهنگی نهال نوپای انقلاب اسلامی

هُوَالَّذی بَعَثَ فی الأُمیّینَ رَسُولاً مِنهُم یَتلوا عَلَیهِم آیاتِهِ وَ یُزَکّیهِم وَ یُعَلِّمُهُمُ الکتابَ وَ الحِکمَةَ وَ اِن کانُوا مِن قَبلُ لَفی ضَلالٍ مُبین.

اوست که برانگیخت در میان درس ناخواندگان پیامبری از خودشان تا آیاتش را بر آنان بخواند و (قلب و روحشان) را تزکیه و پاك نماید و کتاب و حکمت را به آنان بیاموزد هر چند که قبلاً در گمراهی آشکاری بسر میبردند.

سوره جمعه (آیه ۲)

نهضتهای عظیم انبیاء الهی در طول تاریخ بشر، هدفی جز تعلیم و تزکیه مردم و به تعبیر دیگر، جز دگرگونی فرهنگ الحادی و کفرآلود حاکم بر جوامع هدف دیگری را دنبال نمی‌کرده‌اند.

اساساً شغل انبیاء تعلیم و تربیت بشر بوده است تعلیم و تربیتی که او را از بند اسارت نظامهای استکباری و ظالمانه رهانیده و به عبودیت و پرستش تنها معبود حقیقی جهان رهنمون سازد تعلیم و تربیتی که انسان را از تنگنای حصار خوفناك مادیت نجات داده و به فراخنای توحید و معنویت و عدالت و آزادی سوق دهد.

تعلیم و تربیتی که فرهنگ طاغوت و زور و چپاول را منهدم ساخته و اندیشهٔ ناب و زلال توحیدی را جایگزین آن سازدانبیاء آمده‌اند تا کتاب و حکمت را به بشر تعلیم دهند و او را بر اساس کتاب و حکمت الهی تربیت نمایند.

علم و ایمان یا علم و اخلاق دو جزء لاینفك اساسی‌ترین رسالت پیامبران هستند.

پیامبران نیامده‌اند تا از انسان صرفاً یك عالم و دانشمند بسازند همچنانکه نیامده‌اند تا از انسان صرفاً یك فرد مؤمن و متقی بسازند.

هدف پیامبران ساختن یك انسان نمونه‌ای است که از هر دو جنبه قوی و توانمند باشد بموازات علم‌اندوزی، ایمان و عقیده کسب کند و در راستای عقیده مکتب، علم و دانش فراگیرد.

استاد شهید مطهری در کتاب انسان و ایمان خود با بیانی شیوا در این مورد مینویسد: «آنجا که علم و معرفت نیست ایمان مؤمنان نادان وسیله‌ای میشود در دست منافقان زیرك که نمونه‌اش را در خوارج صدر اسلام و در دوره‌های بعد به اشکال مختلف دیده و می‌بینم.

علم بدون ایمان نیز، تیغی است در کف زنگی مست، چراغی است در نیمهٔ شب در دست دزد برای گزیده‌تر بردن کالا»

اینك میتوان ادعا نمود که هدف پیامبران عظیم‌الشان الهی، دگرگون ساختن فرهنگ یك جامعه است بسوی یك فرهنگ توحیدی و خداپسندانه. یعنی پیامبران در حقیقت، بنیانگزاران راستین فرهنگ اصیل الهی و انسانی بوده‌اند بطور مثال، پیامبر بزرگوار خودمان حضرت محمد (ص) که با آغاز رسالت خویش، بعثت فرهنگی جدیدی نیز ایجاد کرد بطوریکه از یك ملت نیمه‌وحشی و از عرب متعصب جاهلی، جامعه انسانی نوینی با تمدنی شکوفا و فرهنگی غنی و پربار آفرید.

عربی که تا دیروز بر سر کوچکترین مسئله، خونریزی و کشتارهای قومی و قبیله‌ای می‌آفرید آنچنان متحول و دگرگون شد که حاضر بود همه چیز حتی مال و جانش را در راه اعتلای اسلام و دین فدا کند.

اینچنین تحولی جز با تغییر زیرساخت فرهنگی جامعه امکام پذیر نیست و ما نیز باید از انقلاب فرهنگی پیامبرمان الهام بگیریم زیرا تا فرهنگ جامعه‌ای دگرگون نشود دگرگونی در بقیه جهات میسر نیست.

تنها رمز تداوم و موفقیت یك انقلاب، آن است که فرهنگ آن انقلاب جایگزین و استوار گردد وگرنه بنای نهادهای دیگر انقلاب بر فرهنگ پوسیده و ارتجاعی و ظالمانه پیشین تزلزل و بی‌ثبات خواهد بود و هر آن انتظار فروریختن تمامی آنها خواهد رفت.

تا انقلابی در روحها و اندیشه‌ها رخ ندهد انقلاب در ابعاد دیگر زندگی انسان رخ نخواهد داد. گرچه هر انقلابی، با ترقی فکری و روحی مردم آن جامعه البته بطور نسبی، آغاز خواهد شد اما آن جرقه‌ها و حرکتها تنها کافی نیست پس از پیروز شدن و بثمر رسیدن انقلاب، جامعه نیاز به یك تحول بنادین دارد تحولی که انسانساز باشد، هدایتگر باشد، دگرگون کننده باشد و خلاصه جهت دهنده و راهبر باشد.

در انقلاب اسلامی خودمان نیز، انقلاب با تغییری در، خواست مردم برای تغییر سرنوشتشان آغاز شد و این مسئله سرآغاز یك انقلاب فرهنگی عظیم بود اما پس از پیروزی انقلاب نمی‌بایست بهمان میزان رشد و آگاهی مردم اکتفا نمود زیرا تغییرات و تحولات مقطعی و زودگذر نمیتوانست استمرار دائمی داشته باشد بلکه باید از ریشه و بنیان، نظام فرهنگی شاهنشاهی و زورمداری را درهم فرو ریخت و بجای آن فرهنگ اصیل اسلامی را جایگزین ساخت.

امام عزیزمان از همه زودتر بر این مسئله انگشت نهاد و ضرورت انقلاب در افکار و اندیشه‌های مردم بویژه نسل جوان را در مراکز علمی و فکری همچون دانشگاهها و موسسات اموزش عالی و مدارس تاکید و تصریح نمود.

گرچه انقلاب فرهنگی در یك جامعه منحصر به قشر دانش‌آموزان و دانشجویان نیست و اصولاً فرهنگ یك کشور تنها در نظام آموزشی آن خلاصه نمیشود (بلکه فرهنگ شامل دانستیها و علوم، دین، اخلاقیات، اداب و رسوم، روابط و سنن اجتماعی و غیره است) اما ضرورت انقلاب آموزشی در مدارس و دانشگاه از مهمترین مراحل انقلاب فرهنگی است.

چه، هنگامیکه اذهان کودکان و نوجوانان و جوانان یك ملتی از افکار وابسته و منحرف شرقی و غربی پیراسته شود آینده آن ملت، آینده‌ای مستقل، متکی به خود، مترقی و درخشان خواهد شد.

البته این بدان معنا نیست که ما نباید در کار تحول فرهنگ کارگر، کشاورز، خانه‌دار، اصناف و غیره باشیم و آنانرا بفراموشی سپاریم زیرا تا همه اقشار یك ملتی عوض نشوند خداوند سرنوشت حاکم بر آنان را تغییر نخواهد داد (**اِنَّ اللهَ لایُغَیِّرُ ما بِقَومٍ حَتّی یُغَیِّروا ما بِاَنفُسِهِم**) آری باید خود را از اعماق درون تغییر دهیم باید بت خودخواهیها و نفس پرستیها را بشکنیم و عشق به الله را به معنای واقعی جایگزین آن سازیم تا خدا نیز ما را بر بُتهای برونی و شیاطین خارجی غلبه و تسلط بخشد چگونه با طاغوت پرورده میتوان مبارزه کرد در حالیکه طاغوت بزرگی در درون خود داریم چگونه میتوان شیطان بزرگ (آمریکا) و دیگر شیاطین کوچك و بزرگ را بزانو درآورد در حالیکه شیطان نفس ما را به زانو در آورده است چگونه میتوان سلاحهای شرقی و غربی را که در جنگ علیه ما بخدمت گرفته شده است شکست داد در حالیکه در مقابل دشمن هواها، سلاح برنده‌ای در دست نداریم.

پس همه این مقاومتها و مجاهدتها، مستلزم دگرگونی قلبها و روحهاست وگرنه در این عرصه پرخطر و پردشمن، ما را یارای مبارزه و مقاومت نخواهد بود از اینروست که خداوند دلیل ارسال رسل را تعلیم و پاکیزه کردن نفس انسانها بیان میکند و همچنین بدین دلیل است که پیامبر اکرم (ص) بعد از پیروزی در جهاد علیه کفار و دشمنان اسلام، جهاد اکبر را توصیه میکند که همان جهاد علیه دشمن نفس است.

اینك ما با الهام از تعالیم حیاتبخش قرآن و پیامبر اکرم (ص) به این امر همت گماشته‌ایم بر آنیم تا قلبها را مصفا و روحها را مزکی سازیم و زنگار ارزشهای فرهنگ وارداتی را از صفحه قلبمان بزدائیم.

میخواهیم تا فرهنگ ایثار، شهادت‌طلبی، خداخواهی، تسلیم در برابر حق، ستیز مستمر با باطل، شهامت، تواضع، تقوی، انفاق، صداقت، پشتکار و استقلال را جایگزین خودخواهیها، نفس‌پرستیها، دورئیها، وابستگیها، زورمداریها، ستم‌پیشه‌گیها و... نمائیم و در راه رسیدن به این ارمان نیز از خدای تبارك و تعالی استمداد می‌طلبیم اولین قدم در این راه، نوسازی نظام آموزشی و فرهنگی کشور است چه در سطح مدارس و چه در سطح دانشگاهها.

بنابر اهمیت موضوع ابتدا به تحولات فرهنگی مدارس و نقاط ضعف و قوت آن و سپس به انقلاب فرهنگی در دانشگاهها می‌پردازیم.

شماره ردیف

شماره مسلسل



عنوان : **استعمار و سلطه جوئی فرهنگی (۷)**

موضوع : دانشگاههای سالها از نیازهای واقعی مملکت بیگانه مانده بودند

ماخذ ، تاریخ اطلاعات ۶۰/۱۰/۲۴ ـ ۱۶۹۰۰ «آرشیو»

باتوجه به‌آنچه راجع به نحوه تشکیل دانشگاه و طراحان و اداره‌کنندگان آن‌گذشت، می‌توان ماهیت دانشگاه های استعماری گذشته و نقش آنان در وابستگی کشور به اجانب و استعمارگران را بخوبی دریافت . اکنون سعی می‌کنیم باذکر شمه‌ای ناقص و مختصر از وضعیت گذشته دانشگاه موضوع را بازتر کنیم :

۱ـ القاء تمدن و فرهنگ غرب و ارائه فرهنگ شاهنشاهی طاغوتی [جهت تحکیم آن:

یکی از خصوصیات دانشگاه گذشته وابسته کردن فکری و فرهنگی بود. استعمارگران بخصوص درصد سال اخیر تمامی تلاش خود را صرف دگرگون کردن فرهنگ اسلامی ایرانیان کرده‌اند و یکی‌از راههایی که هم‌بوضوح دیده نمیشد و هم بهره بیشتری داشت، فراماسونری بوده است. فراماسونها درحقیقت عمله استعمارگران در جهت وابسته کردن کشور خود به آنان از طریق تبلیغ فرهنگ غربی و استعماری بودند و با دردست داشتن پستها و مقام‌های مهم مملکتی به‌این کار می‌کوشیده‌اند و به این‌دلیل است که پدران روشنفکری این ملت گردانندگان لژهـــای فراماسونری از آب درمی‌آیند . چنانکه آمار نشان میدهد از ۱۹۹۶ نفر استاد دانشگاه تهران حدود ۲۰۰ نفر آنها فراماسونر و حدود ۵۰۰ نفر از آنان‌ساواکی‌بوده‌اند.

قابل ذکر است که کوبیدن روحانیت بعنوان ارتجاع، سگوی پرش و نقطه آغاز کار اینان بوده است (ذکـــر بعضی از عقاید فراماسونرها در مطالب گذشته آمده بود) خصوصیت‌دیگر، گسترش و اشاعه فرهنگ شاهنشاهی و طاغوتی در دانشگاه بود . ازیکسو مهره‌هـــای رژیم و گردانندگان دانشگاه در این مسیر می‌کوشیدند . (سندهای شماره ۲و۳) و از سوی دیگر دانشگاه و مغزهای وابسته آن (حساب اشخاص متعهد و مومن دانشگاهی از این گروه جداست) که عالمان غیرمهذب و ازخودبیگانه بودند بعنوان تئوریسین‌های این فرهنگ مطالب و خوراک فکری و تبلیغاتی را فراهم می‌ساختند.

در این میان گروههایی چون گروه «دانشگاهیان و اندیشمندان پیرامون انقلاب شاه و ملت»، گروه «بررسی مسائل ایران در پرتو انقلاب شاه و ملت» و ... کـــه دست‌اندرکار تبیین و تحکیم فرهنگ شاهنشاهی گشته‌بودند از افراد خودفروخته و عالمی بوجود می‌آید که بـــا دست‌بوسی‌های آن «مردک» سالها برمسند تعلیم و تربیت این کشور و دانشگاه تکیه زده بودند و بطرق مختلف از طریق مقالات و نوشته‌ها، سخنرانی‌ها و ...خودفروختگی خودرا تثبیت می‌نمودند.

دیگر ابعاد دانشگاه‌های گذشته مسئله برنامه‌ریزی و آموزش می‌باشد . بدیهی است دانشگاهی که الگـــویش دانشگاه‌های امریکا بود و بدست افراد خودباخته‌ای چون دکتر عیسی صدیق‌ها تاسیس و برنامه‌ریزی و اداره‌می‌شده نمی‌توانست راهی جز وابستگی کشور به شرق و غرب را پیش گیرد و کاری جز تامین نیازهای‌آنهاو بالنتیجه‌بیگانگی ازنیازهای مملکت انجام دهد.

بسیاری از دانشکده‌ها و دانشگاه‌های ایران توسط امریکائیان پایه‌گذاری شده است و برنامه آنها تدوین‌گردیده است. سندهای موجود نشان میدهند که چگونه دانشکده علوم اداری و مدیریت مستقیماً از طرف امریکا ایجاد، اداره و نظارت می‌شده است. از طرفی در کتاب نشریه اخبار علمی دانشگاه تهران خرداد ۵۲، نشریه سه‌ماهـــه شماره ۱ ص۲۲ آمده است خلاصه گزارش در ماموریت دکتر... به امریکا از ۲۵ اسفند ۵۰ تا ۲۵ فروردین ۵۱ که در دانشگاه کالیفرنیای جنوبی و دانشگاه صورت می‌گیرد آمده است : تحولات سریعی که در روش های تدریس و محتوای دروس در دنیای کنونی پدیدآمده همکاری با مراکز علمی مترقی جهانرا لازم مینماید. بمنظور ایجاد چنین ارتباط و همکاریهائی برنامه‌های درسی‌دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی بمشورت دو استـــاد باتجربه و خبره خارجی مورد بررسی و تجدیدنظر قرار گرفت، فهرست کتب جدید دراختیار این دانشکده قرارگرفت و بالاخره برای مبادله استاد توافق شد.

و از طرف دیگر در ص ٤٥ منبع فوق‌الذکر آمـــده است که در ساعت ۵بعدازظهر مرداد ۵۱ یک قـــرارداد همکاری علمی و تحقیقاتی و مبادله استادان ودانشجویان بین دانشکده علوم اداری و مدیریت‌بازرگانی دانشگاه‌تهران با دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی کالیفرنیـــای جنوبی U-S-C منعقد می‌گردد که جهت تدریس در دوره‌های فوق‌لیسانس و دکترای علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران استادانی اعزام خواهد داشت و نیز فارغ‌التحصیلان ممتاز این دانشکده‌را برای طی‌دوره‌های تخصصی و عالی خواهد پذیرفت. یابرای مثال مرکزپزشکی شاهنشاهی ایران سابق و مجتمع پزشکی ایران فعلی که طبق سند موجود در ذیل می‌آید :

طبق این سند مشاور پزشکی رئیس‌جمهور امریکاتائید ریاست جمهوری را راجع به برنامه‌های این مرکز بیـــان می‌نماید . (قابل ذکر است که اگر پژوهش و تحقیقی عمیق و گسترده در این جهت بعمل آیدمی‌توان راجع به تمامی موسسات آموزش عالی مدارک و اسناد بیشماری را ارائه داد).

از سویی در حالی که جیره‌خواران رژیم رسما موضوع پیشرفت «علمی و فنی و تخصصی» دانشگاه را در بوق‌و کرنا گذاشته و در سخنرانی ها و سمینار ها میدمیدند و رسیدن به دروازه‌های تمدن بزرگ را فریاد میکردند که همین روزهاست ایران باکشورهای پیشرفته از لحاظ علمی وتکنولوژی رقابت کند آنچنان وضع آموزش دانشگاه بدور از نیازهای مملکت‌بود و به آموزش و پژوهش در دانشگاه وقعی‌نهاده نمیشدکه‌در گزارش بازرسی شاهنشاهی آموزش عالی علنا وعملا به این موضوع اعتراف نموده‌اند.

از طرف دیگر هر روز مراکز آموزش عالی از سوی رژیم ایجاد میگردید که هم فریبی برای مشوش کردن‌اذهان عمومی و براه‌انداختن تبلیغات وسیع برای خود و ساختن وجهه‌ای علمخواهانه بود وهم‌برای دستگاه عریض‌وطویل بوروکراسی اداری خویش و رفع بیکاری نیروهائی را تربیت مینمود . انواع و اقسام صنایع مونتاژ پیشرفته ، کمابیش‌چوجه دانش و تخصص بهره‌برداری از آنها را نداشتیم و امروز نیز صدها میلیون تومان هزینه برای دولت در بردارد ، درجهت مترقی جلوه‌دادن و در حقیقت وابسته کردن کشور ایجاد شده بودند والبته در رابطه‌با این صنایع و سازمانها کادری هم لازم بود که کارهای اینها را بنماید و چاره بیکاری را در سطح جامعه بنماید. دهها دانشگاه و مدرسه عالی کوچک و بزرگ مثل قارچ از روی زمین برای «مدرکسازی» افرادیکه بایستی در این سازمانها انجام وظیفه نمایند بوجود آمدند . شاید هنوز همه مردم ندانند که در این مملکت که میلیونها مردم محروم وستمدیده‌اش از حداقل امکانات زندگی بی بهره بودند و در فقر و بیسوادی میسوختند و تباه میشدند ، خودفروختگان به غرب حتی برای دادن آب خوردن و قهوه، مشروبات الکلی و غیرالکلی در هواپیما و شل و سفت کردن کمربند بهنگام برخاستن‌و نشستن هواپیما مدرسه‌عالی درست کرده بودند (مدرسه عالی مهمانداری و خدمات پرواز) و لیسانس میدادند . یا برای نشان دادن مساجد واماکن تاریخی نیز ایضا مدرسه عالی بوجود آمده بود (مدرسه عالی خدمات جهانگردی و اطلاعات) و در این رشته نیز لیسانس داده میشد . لذا باایجاد دهها مدرسه عالی و دانشگاه اولا بسیاری را مدارک میدادند که وارد آن نظام وابسته و «دلالی» شوند ، ثانیا خود اینها نیز برای هزاران نفر ایجاد اشتغال مینمودند بعنوان ، استاد، کارمند ، نگهبان ، مستخدم ، طی این سال ها هزاران نفر از چنین دانشگاهها و مدارس عالی با لیسانسهای پرزرق‌و برق بیمه ، بانکی ، مهمانداری هنری ، ترجمه ، زبان ، انواع و اقسام مدیریت های رفاه ، اداری ، مالی ،بازرگانی خدماتی و ... بیرون آمدند و خدامیداند که اینها عملا تخصص و هنرشان در چه بود .

آقائی که از مدرسه عالی ترجمه داری لیسانس زبان بود در دانشگاهی بعنوان کارشناس آموزش استخدام‌می‌شد و خانمی که لیسانس مدیریت اداری از مدرسه عالی دختران راداشت بعنوان کارشناس امور پژوهشی انجام وظیفه مینمود و لیسانس رفاه از مدرسه عالی شمیران ، کارشناس کتابداری و مسئول کتابخانه و آنکه در رشته علوم انسانی لیسانس داشت در بخش امور مالی دانشگاه بعنوان کارشناس استخدام میشد .

مبادله و حضور اساتید آمریکائی با اجرای طرح استعماری فولبرایت در دانشگاه و موسسات آموزش عالی مزیدعلت گردیده‌بود وبدین‌طریق‌حاکمیت‌استعمارگران‌برمراکز فرهنگی ، تحکیم میگردید .

همین گسترش روز افزون مراکز آموزش عالی و دانشکده ها دلیل براینست که رژیم از وجود این مراکز در راستای اهداف خود سود میبرده است و برخلاف عقیده عده‌ای (که‌دانشگاه رامرکز وسنگرآزادی میخواندند) تمایل به بقاء و رشد وابستگی فرهنگی‌از طریق دانشگاهها داشته است .

موضوع کنفرانس های ایراد شده در دانشگاه (به عنوان مثال ۹ر۱۲ر۲٤ پروفسور فیتزجرالد رئیس دانشگاه پتیسبورگ درآمفی تئاتر دانشکده حقوق تحت عنوان «سازمان دانشگاههای آمریکا » ـ ۱۵ر۱ر۲۵ خانم دوشس دولاروشفوکو از فرانسه تحت عنوان «زنان فرانسه و تحولاتی که مقام زن در جامعه فرانسوی احرازکرده است» ملاقاتهای مسئولین دانشگاه با افراد خارجی ، طبق اسناد موجود ، مبادلات فرهنگی مرکز اتمی دانشگاه باآژانس بین‌المللی انرژی اتمی وابسته به سازمان ملل متحد ، با مرکز انرژی اتمی فرانسه و با کمیسیون ملی انرژی اتمی دولت آمریکا) اعطای دکترای افتخاری به افرادی چون ریچاردنیکسون رئیس جمهور خونخوار آمریکا نیز از جمله برنامه‌های استعماری دردانشگاه های گذشته میباشند.

برنامه‌های «پرورشی و فوق برنامه» دانشگاه گذشته همگی درجهت اشاعه فسادو فرهنگ مبتذل‌غرب و ارزشهای «ضد ارزش» آن بودند و لذا فساد اخلاقی حاصل فرهنگ غرب که برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران دانشگاه سعی در ترویج آن داشتند یکی از کریه ترین چهره‌های دانشگاه استعماری بود . پوشیدن لباس های مستهجن دختران و پسران و زنان و مردان دانشگاهی ، اجرا و نمایش‌تاتر های مزخرف فاسد و بی محتوا ، اردوهای شبانه‌روزی مختلط پسران و دختران، استخرهای شنا بصورت مختلط ، ایجاد زمینه اختلاط دختران و پسران در محیط دانشگاه ، برنامه‌های رقص و آواز و شب‌نشینی های آنچنانی و صدها نمونه دیگر که متاسفانه عفت قلم و کلام مانع از بیان آنهاست مظاهرآن فساد میباشند . هزاران عکس که گویای مطالب فوق میباشند و وجود فیلمهای مختلف همه وهمه اسنادی متقن برای‌اثبات مطالب فوق میباشد .

از سویی آنچه امت مسلمان در دوران تلخ گذشته‌از دانشگاهی ، اعم از دختر وپسر و زن و مرد (البته باجدا نمودن افراد مومن و متعهد دانشگاه ازآن افراد) دیده‌اند وشاهد رواج فساد و فحشاء توسط آنان درشهرهای دانشگاهی گردیده‌اندخود گویای همه چیز میباشد ، طبق اسناد موجود مطلب را تاحدی روشن‌تر میسازند .

آنچه گذشت گوشه هائی بود از آنچه در دانشگاه های استعماری گذشته قبل از انقلاب اسلامی جریان داشت توخود حدیث مفصل بخوان از این مجمل . « پایان

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ ، تاریخ اطلاعات ۶۱/۱/۲۰ - ۱۶۸۹۹



عنوان : استمرار و تسلط حرکت فرهنگی (۶)

موضوع : دانشگاه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی قبل از شروع انقلاب فرهنگی

«آرشیو»

تاآنجا نظرش محترم است که «ضد امپریالیستی» باشد و چون ما یک جریان ضد امپریالیست هستیم ، این نظرش برعلیه ما صحیح نیست .

وقت شورا نیز اکثرا به درگیریهای اعضاء و برخورد و تشنج و طرح نظرات سیاسی و تقسیم اتاق و دیوار و تصمیمگیری راجع به فعالیت گروهها میگذشت و فرصتی و تمایلی به طرح مسئله آموزش و تصمیمگیری در مورد آن نبود.

مختصری که بیان گردید راجع به اوضاع آشفته و تاسنبار اکثریت شوراهای دانشکده‌ها و دانشگاهها بوده و احتمالا معدود شوراهایی ، ترکیب یا عملکرد دیگری داشته‌اند.

محتوی وشکل شوراها و مسائل آنها و فعالیت گروهکها باعث گردیده بود که امکانات دانشگاه همچون ارث و میراثی بین گروههای موجود تقسیم شود.

گروهکها تا آنجا که تیغشان می‌برید از ثمره رنج و تلاش توده محروم ومسلمان برعلیه اهداف و آمال این مردم استفاده می کردند و با اعمال فشار و تهدیدهای گروهی امکانات دانشگاه رادراختیار می گرفتند. چنانکه برای مثال در دانشگاه تهران قریب ۲۰۰ اتاق دردست و تصرف گروهکها بود ومدیریت موقت دانشگاه تهران بادست و دلبازیهای خود و باروحیه دمکراتیک (!) انواع دستگاههای چاپ و زیراکس دانشگاه رادر اختیار انجمن دانشجویان مسلمان «طرفداران منافقین خلق» و چریک های فدائی خلق قرارداده بود و حتی اجاره ساختمان انجمن دانشجویان مسلمان ومخارج رنگ آمیزی، موکت، شیشه و فضای سبز و ... را از نیرو و بودجه دانشگاه تهران پرداخت کرده بود. گروهکها از آب و برق و تلفن بخرج دانشگاه تا آنجا که می‌توانستند استفاده می کردند و با تلفن دانشگاه و خرج دانشگاه با شهرستانها و کشورهای خارجی تماس می گرفتند و توطئه‌های خود علیه انقلاب اسلامی را در کشور هماهنگ می‌ساختند. شاهد این مدعا آنکه در دانشگاه تهران چندین هزار تومان پول تلفن منافقین خلق شده بود که با داخل و خارج کشور تماس گرفته بودند و دکتر ملکی آنها را از بودجه دانشگاه پرداخته بود.

وبه‌اینطریق با استفاده گروهکها از همه‌امکانات دانشگاه از قبیل اتاقها، برق، تلفن، کاغذ، دستگاههای چاپ و ...

دانشگاه به‌منزله مرکز توطئه علیه انقلاب اسلامی گردیده بود و بگفته امامان تبدیل به اتاق جنگ شده بود. شاهد آنکه بعد از تعطیل دانشگاهها از بسیاری از دانشگاهها و دانشکده ها اسلحه های گرم و سرد کشف شد. گذشته از همه اینها، استادانی که بعد از انقلاب اسلامی بیم مراجعه به دانشگاه را داشتند با مشاهده وضعیت موجود آهسته به دانشکده ها مراجعه نمودند و اندیشمندان آریامهری دم از خلقی بودن و استقلال دانشگاهها می‌زدند. بسیاری از خودفروختگان حتی تا آنجا جسور گردیده بودند که به دانشگاه مراجعه کرده و تقاضای حقوقهای کلان گذشته خود را می‌نمودند. برای نمونه یکی از وکلای مجلس سنا که از استادان دانشگاه تهران بود و با شروع وکالتش از دانشگاه استعفا داده بود، پس‌از پیروزی انقلاب طبق دستور امام، حقوقهای دریافتی خود از مجلس را به دولت بازگردانده بود و به مدیریت موقت دانشگاه مراجعه وتقاضای دریافت آن حقوقها را از دانشگاه کرده بودو مدیریت موقت هم با دست و دل بازی تمام چک یک میلیون تومانی در وجه او صادر کرده بود که باآگاهی و اطلاع برادران متعهدمان در دانشگاه جلوی این امر گرفته شد. واین نشان می‌دهد که نه تنها گروهکها، بلکه افراد وابسته به رژیم سابق هم از اوضاع نابسامان دانشگاه در جهت منافع خود سوء استفاده می‌نمودند.

آنچه گذشت بازگوئی ذره‌ای از وقایع و وضعیت دانشگاه قبل از حرکت انقلاب فرهنگی بود. فرهنگ مادی و استعماری حاکم، عدم تربیت صحیح و اسلامی، فساد اخلاق، مدیریت لجام گسیخته، آموزش بی‌محتوی و ناهماهنگ با نیازهای جامعه ما، صرف میلیاردها تومان حاصل دسترنج مردم بدون آنکه بهره‌ای برای آنها گرفته شود، وابسته نمودن نیروها و مغزهای دانشگاهی به استعمارگران جهانی و... همه و همه زمینه را جهت ایجاد آغاز یک حرکت عمیق و بنیادی و مبتنی بر مکتب اصیل اسلام فراهم می‌نمود تا انقلابی اساسی در دانشگاهها صورت گیرد و دانشگاه استعماری به دانشگاه اسلامی انسان ساز تبدیل گردد. وبدینسان بود که موقعیت و شرایط برای آغاز حرکت انقلاب فرهنگی آماده گردیده بود.

«ادامه دارد»

شماره ردیف

شماره مسلسل

عنوان : **استعمار و سلطه‌جوئی فرهنگی (٦)**

موضوع : دانشگاه، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و قبل از شروع انقلاب فرهنگی

ماخذ، تاریخ اطلاعات ۶۱/۱۰/۲ – ۱۶۸۹۹

((آرشیو))

گرچه با گذشت بیش از دوسال ازتعطیلی دانشکاه، بازگو نمودن وقایع دوران یکساله بعداز پیروزی انقلاب اسلامی در دانشکاه، بسیار تلخ و دردناک است، لیکن درک این تلخی و آگاهی از آن ما را قادر خواهدساخت شیرینی امروز وآینده را بهتر ببینیم وبا تحلیل صحیح از آن وقایع راه‌آینده را تابناک‌تر سازیم.

★★★

مقدمه :

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظـام جمهوری اسلامی، مردم منتظر ومتوقع بودند که‌دانشکاه بعنوان عضوی از پیکر جامعه انقلابی، حرکت خود را همکام‌با انقلاب وامت مسلمان آغاز نموده و تمامی‌توان خویش راجهت گسستن بندهای وابستکی و دستیـابـی به استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی وتحقق شعار «نه‌شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» بکار گیرد. لیکن نه‌تنها آن نظام استعماری دانشکاه همچنان‌بی‌تغییر اساسی باقی ماند، بلکه عوامل دیگر نیزمزید برعلت گشته و مانع از حرکت دانشکاه در مسیر فوق گردید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با ازبین رفتن اختناق وفشار و دیکتاتوری حاکم برجامعه ودانشکاه، وسهل‌انگاری بی‌قیدوبندی که توسط دولت موقت‌ایجاد گردید، ونیز باتوجه‌به روحیه سیاسی افراد جامعه، نوعی اغتشاش وبی‌نظمی در جامعه ایجاد شد. دانشکاه نیز از این موقعیت مستثنی نبود. با این تفاوت که درزمان رژیم طاغوت، بعداز روحانیت، دانشکاه از جهت طرح مسائل سیاسی چندگام جلوتر از سایر نهاد های‌اجتماعی بود (بدیهی است منظور همه مجموعهٔ دانشکاه نیست بلکه برخی افراد دانشکاهی می‌باشد.) وقاعدتا پس از پیروزی انقلاب محیط کاملا سیاسی گردید. لذادانشکاه به صحنه زورآزمائی گروهکها وزدوخورد و کشمکش‌های سیاسی جهت ابقاء آنها تبدیل گشتو مسئله آموزش، پژوهش، فرهنگ ومسائل فکری وتربیتی که مسائـــل اساسی و اصلی دانشکاه می‌باشند تحت‌الشعاع جوموجود قرار گرفتند، وآنطور وانمود گردید که مسئله‌ی مهمتر واساسی‌تر از موضوع وجود وفعالیت گروهکها، اشاعه و تبلیغ کاذب عقاید منحرف و گمراه کننده آنها و ابراز مخالفت علنی و پنهانی با اسلام و مسلمین، در دانشکاه وجود ندارد. وگویا رسالت دانشکاه بعد از پیروزی انقلاب ودر زمان ودوران سازندگی، با توجه‌به آن پیشینه وساخت ونظام، تنها همین مسئله می‌باشد. از اینرو اگر در بررسی وضعیت دانشکاه بعد ازانقلاب اسلامی بخواهیم واقع بینانه بنگریم، ابتدابابد خصوصیات دانشکاه استعماری گذشته را (که در گذشته مطرح کردیم) مدنظر قرار دهیموبعدبه ارزیابی‌وبررسی‌تغییرات ایجاد شده بپردازیم.

باتوجه‌به آنچه در قبل آمد وبه‌جهت‌وضعیت آنزمان جامعه ودانشکاه، معیارها، روابط، ضوابـط و اساس دانشکاه در مجموع تغییری نکرده و رنگ‌وبوئی ازاسلام نپذیرفته بود. ودر یک کلام دانشکاه بعد ازانقلاب‌همان دانشکاه گذشته بودبه اضافه‌جو سیاسی مخرب و محیط آشفته و مغشوش. برای آنکه موضوع مفهوم شود باید تحلیلی صحیح‌و مطابق‌با واقع‌ارائه شود. در ابتدا به بررسی اوضاع سیاسی دانشکاه درآن زمان می‌نشینیم: (لازم به تذکر است جهت اختصار کلام از ذکر مجدد شرح‌حال دانشکاه استعماری گذشته خودداری می ـ نمائیم.):

پس ازبازگشائی دانشگاهها باآن‌سابقه قبلی مبارزاتی که درون دانشکاهها ومدارس عالی ما بود، به یکبـاره دهها گروه بزرگ وکوچک سیاسی که پایگاهی درمیان جامعه وامت مسلمان نداشتند بجهت فرهنگ و روح و نظام حاکم بردانشکاه بوجود آمدند. و دانشکاه به صحنه ترکتازی، برخورد ودرگیری‌آنها برای‌بدست‌گیری قدرت وابقاء خویش درآمد. باوجود آنکه در اکثر دانشکده‌ها جو فکری حاکم بردانشجویان، اسلامی‌بود، واین موضوع از نتایج رای‌گیریها برای انتخاب شورا بخوبی روشن بود، ولیکن گروهک های سیاسی ضد انقلاب ویا ظاهرا، موافق انقلاب اسلامی سعی داشتند با تبلیغات وسیع‌و پرحجم خودبه هربیننده تازه‌واردی‌چنین القاء ووانمود کنند که دانشکاه (مرکز فکری وفرهنگی وتربیتی‌جامعه) با اسلام وحکومت اسلامی موافق‌نیست

وبه‌خیال خام خود می‌خواستند توده مردم راباخودهماهنگ سازند. بدانگونه که گروهکی با دو سه نفـــرهوادار در سطح دانشکده، اتاقی را به عنوان مرکز فعالیت خود تصرف کرده، میزفروش نشریه و کتاب و جزوه براه می‌انداخت ودر ودیوار را از شعارها و اعلامیه های خویش پرمی‌نمود. و بعضی گروهکها کار را به‌آنجا میرساندند که حتی شورای دانشکده مجبور به تقسیم دیوار های دانشکده بین گروه های مختلف دانشجویی می‌شد!

نه تنها وقیحانه اعلامیه گروهکهای معاند ومحارب و مخالف در دیوارها نصب میشد بلکه صندوق های جمع‌آوری دارو وکمک های مالی آزادانه برای آنها در دانشگاه دایر شده بود. و زدو خوردها و درگیری های مدارس، کردستان و خوزستان، بلوچستان و ترکمن صحرا از دانشگاه هدایت و برنامه‌ریزی میشد.

بعضی از گروهکها که کینه و دشمنی بیشتری‌با اسلام و انقلاب داشتند در اعلامیه های خود به‌یاران صدیق امام و خدمتگزاران اسلام توهین می‌نمودندو انواع تهمتها را به آنها می‌زدند که همواره باعث درگیری دانشجویان مسلمان باآنان بود و حتی یکبار گروه «رزمندگان» بخود اجازه داده‌بود که‌به مقام‌معظم رهبری و ولایت فقیه اهانت نماید که دانشجویـان مسلمان باالهام از قیام مردم مسلمان در برابر مقاله اهانت‌آمیز دستگاه ستمشاهی نسبت به امام در دی‌ماه ٥٦، اعلامیه های آنهارا از دیوارها کندند واین خود موجب برخورد و سروصدا گردید. وحتی بعضی از گروهکها اعتراض می‌نمودند که «آزادیهای دمکراتیک» ایجاب میکند هرکس هـرآنچه میخواهد بگویـد و بنویسد!!

دراین‌بین دانشجویان بی‌خط ویا رفاه‌طلب واتو کشیده‌ای که خواستار آغاز فعالیت سیاسی در محیط آزاد ثمره خون شهیدان بودند و میخواستند همرنگ محیط شوند (همانطور که در رژیم گذشته بودند)، به سبب ضوابط وقیود لازمی که‌دربین تشکل دانشجویان مسلمان وجود داشت وبه ذائقه آنان و اخلاق و رفتارشان خوش نمی‌آمدجذب گروهکهای چپی‌و منافقین می‌شدند و شعارهای آنهارا بلغور میکردند. البته‌عده‌ای هم‌از آنان چون گذشته سرگرم و مشغول به مطالعه و درس بودند و اصلا کاری بکار دیگران نداشتند.

درمیان استادان هم‌تیپهای مختلفی بودند: فراماسونرها و وابستگان و تحکیم کنندگان رژیم ستمـ شاهی، لیبرال‌ها، وآن دسته از استادان که طرفدار افکار مادی غربی یاشرقی بودند در جهت پشتیبانی قولی ویا فعلی گروهکها گام برمی‌داشتند. استادان مسلمان همکه میخواستند به‌همکاری باگروهکها آلوده نگردند از هماهنگی و ارتباط باآنها خودداری میکردند و تنها تعداد بسیار کمی ازآنها به‌خود اجازه موضع‌ـ گیری صریح و روشن رادر برابر گروهکها میدادند.

تشکل کارمندان مسلمان معتقد به انقلاب اسلامی و ولایت فقیه به نام انجمن اسلامی کارکنان پدیدآمده بود و دانشجویان مسلمان پیـرو امام در سازمـان دانشجویان مسلمان و انجمن اسلامی دانشجویـان مجتمع شده بودند.

گروهکهای سیاسی دانشجویان به‌این قرار بودند: یک ـ آنهایی که‌عملا و علنا ضدانقلاب بودند. انجمن دانشجویان مسلمان (هواداران و طرفداران منافقین خلق) ـ پیشگام (هواداران چریکهای فدائی خلـق) ـ دانشجویان دمکـرات ـ دانشجویان پیکاری ـ راه کارگری‌ها. دو ـ آنهائی که ظاهرا از انقلاب اسلامی پشتیبانی میکردند: توده‌ای‌ها، امتی‌ها و گروهکهای کوچک دیگر.

در چنین جو و فضائی که دائما برخورد و درگیری وبحثهای سیاسی و روشنفکرمابانه بود مسئله آموزش دانشگاه به حال احتضار درآمده بود. تحت چنین جوی تمرکز قوای فکری برای درس نه‌تنهامشکل بلکه عملا غیرممکن میشد. روند جریانـات سیاسی بگونه‌ای بود که کم‌کم درس خواندن ماهیتا جریان ارتجاعی به نظر میرسید و فعالیتهای سیاسی جریان مترقی وکلاسها باتعداد کمی‌از دانشجویان تشکیل میشد

و کنترلی درحضور وغیاب افراد درکلاس نبود. کلاس و امتحان به خواست دانشجویان تشکیل می‌شد ویا تعطیل می‌گردید. امتحانات اکثرا باتقلب انجام میشد.

دانشجویان هوادار گروهکها اظهار می‌داشتند در شرایط فعلی جامعه کهما مشغول مبارزه باامپریالیسم هستیم وظیفه اولیه ما مبارزه با امپریالیزم می‌باشد و درس وظیفه بعدی ماست. (بایک آمارگیری در آموزش دانشگاهها میتوان دریافت که این اشخاص چندواحد رادر طی آن مدت گذرانده‌اند) ولی معلوم نبود کمباچه تحلیلی درس خواندن در ردیف سنگرهای مبارزه با امپریالیزم قرار نمی‌گرفت واز طرفی اگر فردی معتقد است تحت آن شرایط درس خواندن بیفایـده است،

چرا برخلاف اصول اخلاقی و انسانی از امکانات دانشگاهی که با حاصل زحمت و تلاش این امت مستضعف تهیه می‌گردد استفاده می‌نمود و حق و جای دیگری راکه می‌خواست درس بخواند اشغال می‌کرد؟ گرچه مبارزه «آنها»هم با امپریالیزم چیزی جز شعار فریبنده‌ای بیش‌نبود و مشخص شد که چگونه خود آنها عاملان امپریالیزم بسرکردگی آمریکای جنایتکار می‌باشند.

چه کسی بود که نمی‌دانست صنایع ما وابسته است و حتی در ابتدائی‌ترین سطح تکنولوژی بهمان امپریالیزم وابسته هستیم. کدام کارخانه و صنعت ما روی پای‌خودش ایستاده بود و کدام صنایع سنگین ما بحدخودکفائی‌رسیده بود؟ کدام داروهای درمانی و بهداشتی ما وابسته بـه شرکتهای داروئی امپریالیزم نبود؟ و با همه این احوال درس خواندن و مسئله آموزش عملی ارتجاعی محسوب میشد! البته آموزش هماهنگ با نیازهای جامعه نبود لیکن حرکت گروهکهای سیاسی جهت رفع این نقیصه نبود، بلکه برای رسیدن به مقاصد خودشان و در نهایت وابستگـی انقلاب و جامعه به استعمارگران بود.

موضوع مدیریت در دانشگاه که وظیفه‌ارائه‌خط‌مشی کلی دانشگاه جهت هماهنگی با اهداف انقلاب اسلامی و بسیج نیروها را در این مسیر دارد نیز قابل ذکر وبررسی است:

برای اداره دانشگاهها، شوراهای به‌اصطلاح‌دمکراتیک شبیه پارلمان‌های اروپائی و غربی بوجود آمده بود کـه هرگروه و بسته‌ای در آن نماینده داشت و از شورای اسلامی که اعضاء آن بایستی یک سری ضوابط و شرایط شرعی را دارا باشند هیچ‌خبری نبود. بنابر این در اکثر دانشکده‌ها شوراهایی مرکب از نمایندگان‌استادان، کارمندان و دانشجویان تشکیل گردید. نمایندگان استادان با توجه به‌جو استادان دانشکده یا دانشگاه انتخاب می‌شدند. گاهی بی‌خط، گاهی چپی، بعضی اوقات مسلمان و در مواردی حتی فراماسون‌ها و وابستگان رژیم گذشته‌بعضویت‌شورا درمی‌آمدند. بطوریکه برای مثال نماینده استادان شورای دانشکده ادبیات را که فراماسون بود می‌توان نام برد. نماینده کارکنان را اکثرا افرادی مسلمان تشکیل میدادند. و نمایندگان دانشجویان براساس تعداد هواداران‌هرگروه انتخاب می‌شدند که اغلب از انجمن اسلامی دانشجویان، انجمن دانشجویان مسلمان (طرفدار منافقین)، طرفداران چریکهای فدایی خلق و توده‌ایها و گاهی پیکاریها بودند.

میزان اختیارات این شوراها دردانشکده‌های‌مختلفه متفاوت بود. گاهی همه اختیارات اداره دانشکده را بـه خود اختصاص می‌دادند و گاهی در امور اجرائی دخالت می‌کردند و احتمالا بطور نادر در بعضی جاها نقش مشورتی داشتند. این شوراها در حقیقت محلی بودبرای به کرسی نشاندن نظریات گروهها و حفظ منافع آنها و معیار حضور آنها در دانشکده یا دانشگاه. چون‌تصمیم‌گیری براساس رای‌گیری صورت می‌گرفت هرگروه سعی می‌نمود افراد بیشتری از شورا را با نظرات خود همراه کند. و هرگاه که نتیجه رای‌گیری برخلاف خواستهای گروهکها بود مخالفت آغاز می‌گردید که بایستی نماینده ما را دراین مورد متقاعد نمائید و در نهایت اگر نتیجه‌ای گرفته نمی‌ـ شد بی‌توجه به تصمیم شورا به نظر خود عمل می‌کردند. نمونه این قضیه را در مورد تصرف اتاقهای دانشگاه‌و سایر اعمالشان می‌توان مشاهده نمود. چنانکه وقتی در یکی‌از دانشکده‌ها هواداران منافقین اتاقی را بخود اختصاص دادند شورای دانشکده با عمل آنان مخالفت کرد ونماینده آنها نیز در آن شورا شرکت داشت. ولی آنها گفتندشورا

عنوان : استعمار و سلطه‌جوئی فرهنگی (۵)

موضوع : سرسپردگان استعمار مامور پایه ریزی و اداره دانشگاهها

شماره ردیف



شماره مسلسل ۱۶۸۹۸

ماخذ ، تاریخ اطلاعات ۱/۰/۱٦

دکتر عیسی صدیق ، مامور تهیه طرح تاسیس دانشگاه تهران، چنان دچار خود باختگی در برابر تمدن غرب می‌گردد که غایت اعلای تمدن و فرهنگ را در فرانسه و انگلستان می‌بیند و بدینسان بخاطر بی‌اطلاعی و بی‌توجهی به هویت مستقل و برازنده و با عظمت اسلامی خویش اینچنین به خطا می‌رود و خود را می‌بازد. بجاست سخنان او را آ نگاه که می‌خواهد از غایت اعلای تمدن و مظاهر آن سخن گوید بیاوریم و قضاوت را به عهده خواننده گذاریم:

«تا زمانی که در فرانسه بودم تصور می‌کردم که غایت اعلای تمدن و فرهنگ همان است که در پاریس و فرانسه مشاهده کرده‌ام ، ولی همین که به انگلستان وارد شدم و قطار پاکیزه‌تر و مرفه‌تر و مردمان مودب‌تر و مجامع عظیم بی‌سروصدا چون ایستگاههای بسیار وسیع راه‌آهن لندن و نظم و ترتیب فوق‌العاده اجتماعات و جو حرمت و قدرت پاسبانها و متانت و وقار و مهربانی آنان و خانه‌های مستقل باصفا که کانون گرم خانواده‌ها بود و کلیساهای مملو از جمعیت را بچشم خویش دیدم یک افق درخشنده در مقابل دیدگانم جلوه‌گر شد، مثل این بود که به دریای بزرگ نوینی از هنر و صنعت و ادب و کمال و زیبائی و جمال برخورده باشم. این بود که با کمال خضوع و علاقه مجاهدت نمودم از این بحر بیکران تشنگی خود را تا چشیدن چند قطره کمی برطرف کنم.»

(بنقل از کتاب «گذر عمر ج۱» ـ ص ۱۱۱ نوشته دکتر عیسی صدیق)

شاید کلماتی بهتر از آنچه در بالا ذکر گردید نتوان پیدا نمود تا در وصف خودباختگی وی گفت. آنکه تشنه است و بدنبال آب می‌گردد چه بسا آب گل‌آلود و متعفن را بنوشد تا رفع تشنگی کند. اما آنکه سرچشمه آب زلال را می‌داند هرگز راضی به آن نمی‌شود، و اینست که اگر با فرهنگ اسلام و تمدن اسلام و سیره پیامبر و ائمه و اولیاء الهی آشنائی داشت هرگز آنچه را که غرب براو عرضه نموده بود نمی‌پذیرفت و اینطور تمجید و تعریف نمی‌نمود.

در خاطرات گذشته‌اش از وقایع و وضعیت «هاید پارک» لندن سخن می‌گوید و از آنچه در آنجا اتفاق می‌افتد به عنوان مظهر آزادی و سرعظمت انگلستان یاد میکند. ماجرا از این قرار بوده است که روزی در هایدپارک لندن مواجه با اجتماعی می‌شود که شخصی در آن برضد دولت انگلیس و بنفع دولت آلمان سخنرانی میکرده است و وقتی یکنفر از حاضرین زبان به اعتراض می‌گشاید پاسبان به‌سوی او شتافته و می‌گوید: «شما هم اگر مطلبی دارید در گوشه دیگر چارپایه بگذارید و به مردم بگوئید.» این منظره آنچنان او را مجذوب می‌کند که می‌نویسد: «آنروز بود که من معنای آزادی را فهمیدم و تا حدی به سر عظمت انگلستان پی‌بردم»

(ج ۱ گذرعمر ص ۱۲۰)

اما کیست امروز که از ماهیت انگلستان و وضع هایدپارک بی‌اطلاع باشد و «آزادی انگلیسی» راکه سرکوب مردم مظلوم و حق‌طلب و حق خواه است نداند. پس از آن در دانشگاه کمبریج شروع به تحصیل می‌کند و تاثیر ارزشها و الگوهای غربی آنچنان در روح او رو به افزایش می‌گذارد که وقتی از انسان کامل نمونه می‌آورد از استادان آن دانشگاه نام می‌برد. چقدر بی‌شرف است شخصی که به رسول‌ا... و اهل بیت او اعتقاد دارد ولی آنگاه که می‌خواهد انسان کامل را مشخص کند از استادان دانشگاه کمبریج سرمشق و نمونه ذکر نماید! بدینگونه آنچنان فراگیری علوم و فنون و فرهنگ و تمدن غرب در او اثر میگذارد که اعتقادات خود را به فراموشی می‌سپارد. می‌گوید:

«استادان دانشگاه کمبریج بنظر من سرمشق و نمونه انسان کامل بودند و من بالتبع تحت نفوذ آنها قرار گرفتم و از خانه مستقل شخصی و محیط پراز صمیمیت آن اهمیت کانون خانوادگی انگلیس را تا اندازه‌ای درک کردم و روزنه‌ای از حیات برمن گشوده شد که از میان آن نخستین بار افقی روشن برای نیل به سعادت معنوی به چشم دل دیدم.»

بعد از این به ایران باز می‌گردد و راهی آمریکا می‌گردد و دوره دکترای خود را در آنجا می‌گذراند:

«با ارائه گواهی‌نامه عالی آموزگاری از دانشسرای ورسای و درجه لیسانس از دانشگاه پاریس به پیشنهاد استادان دانشسرای عالی دانشگاه کلمبیا و تصویب‌شورای دانشگاه مذکور قرار شد موارد ذیل را درسه فصل تحصیلی زمستان و بهار و تابستان ۱۳۱۰ - ۱۳۰۹ تحصیل کنم:

۱- مبانی تعلیم و تربیت در آمریکا از لحاظ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ۲- تربیت و ملیت در کشورهای عقب‌مانده ۳- اصول اداره کردن فرهنگ یک کشور ٤- آموزش و پرورش تطبیقی ٥- اندازه‌گیری هوش و دانش ٦- مبانی و اصول تهیه برنامه دروس ۷- فلسفه آموزش و پرورش ۸- روانشناسی علمی از لحاظ تربیت ۹ - جامعه شناسی از لحاظ تربیت ۱۰- تاریخ فرهنگ اروپا و آمریکا درقرون آخر.»

(به نقل از کتاب یادگار عمرج۲ص۲)

که در همه‌انها نمرات عالی گرفته و وارد دوره دکتری می‌شود.

جای تفکر و تعمق و تعقل است که چرا دانشگاه کلمبیا از او دعوت می‌نماید، و دروسی که می‌گذراند در مجموع به‌انسان چه می‌دهند و بعد اینها چه تاثیری در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و تعلیم و تربیتی دانشگاه‌های ایران که توسط این شخص صورت گرفته است، دارد.

پس‌از بررسی درآمریکا در ١٦ خرداد ۱۳۱۰ طرحی را برای وزیر دربار پهلوی ارسال می‌دارد که از جمله مفروضات آن اینست:

«دانشگاه تهران در درجه اول به‌تعلیم و تربیت پیشوایان و روسای قوم بپردازدو دردرجه دوم به‌تحقیق وتتبع و ایجاد علم».

(به‌نقل ازکتاب یادگار عمرج۲ ص۲۲)

و این زندگی شخصی است که‌طرح و بنیانگزار دانشگاه و موسسات آموزش و پرورشی درایران می‌گردد.

تو خود حدیث مفصل بخوان ازاین مجمل.

دکترسیاسی

دکتر علی‌اکبر سیاسی: یکی دیگر از چهره هایی که درپایه‌ریزی واداره دانشگاهها درایران نقش داشته است، دکتر علی اکبر سیاسی می‌باشد که به زندگی نامه مختصر او می‌پردازیم :

دکتر علی اکبر سیاسی تحصیلات ابتدائی خود را در مدارس خرد وسلطانی، وتحصیلات متوسطه را در مدرسه علوم سیاسی سابق به‌پایان رسانید. درامتحاناتی که جهت اعزام دانشجو به‌اروپا ترتیب یافته بود شرکت نموده وانتخاب گردید و برای ادامه تحصیلات به‌فرانسه رفت. حدود چهار سال ونیم دردانشکده ادبیات فرانسه تحصیل نموده و بعلت جنگ جهانی اول به‌ایران بازگشت. بعداز مدتی دوباره به‌فرانسه بازگشت وسرانجام دکترای ادبیات رااز دانشکده ادبیات فرانسه دریافت داشت. سپس به‌ایران بازگشته و در مدرسه دارالفنون به تـــدریس پرداخت. پس‌از مدتی با تاسیس دانشگاه تهران و دانشگاه فرح پهلوی بعنوان استاد مشغول بکار گردید. بعضی‌از مشاغل مهمی راکه او عهده‌دار بوده است عبارتند از : معلمی دارالفنون- معلمی دانشسرای‌عالی استادی‌دانشکده ادبیات‌ازروزتاسیس دانشگاه‌تهران، ریاست‌دانشگاه‌تهران- وزیر فرهنگ در سه دوره - وزیر امور خارجه- وزیر مشاور - وکیل مجلس و ...

از مسافرت های مهمی که داشته است می‌توان از مسافرت های ذیل نام برد :

۱- مسافرت به انگلستان جهت مطالعه تشکیلات دانشگاه ها و موسسات فرهنگی .

۲- مسافرت به فرانسه جهت مطالعه تشکیلات فرهنگی و دانشگاهی (به دعوت دولت فرانسه).

۳- مسافرت به آمریکا به نمایندگی ایران برای شرکت در کنفرانس سانفرانسیسکو .

حال به بررسی چگونگی شخصیت و فعالیت او می‌پردازیم :

دانشگاه تهران که قانون تاسیس آن در خرداد ۱۳۱۳ به تصویب مجلس رسیده بود تا ۱۳۲۰ بصورت یک واحد کل درنیامده بود که پس از کسب اجازه از محمد رضاخان رسما اعلام گردید که دکتر سیاسی وزیر فرهنگ باشد .

او شورای دانشکده و دانشگاه را تشکیل دادو در همان شورا به ریاست دانشگاه انتخاب گردید و با موافقت محمد رضاخان باحفظ سمت عهده‌دار مقام ریاست دانشگاه گردید و حکم خود را از محمد رضاخان دریافت

مترقی و کلاسها باتعداد کمی از دانشجویان تشکیل میشد

و تصویب شورای کرد . بعد از انتخاب به مقام ریاست دانشگاه ،ادارات مختلفی از جمله دبیرخانه دانشگاه را تاسیس کرد و آئین‌نامه ها و ضوابطی برای این منظور تهیه نموده. بدین ترتیب کاری نمود که ادارات وزارت فرهنگ دیگر کوچکترین دخالتی در کار دانشگاه نداشتند و نمی‌توانستند داشته باشند .

★★★

بدنیست که روسای دانشگاه تهران رابه‌عنوان نمونه از آغاز تا قبل از انقلاب اسلامی نام ببریم . قابل ذکر است که این افراد با حکم محمد رضاخان باین سمت منسوب می‌شوند :

۱- وزیر معارف وقت

۲- دکتر عیسی صدیق : که ذکر زندگیش و افکارش گذشت .

۳- دکتر سیاسی : که ذکر زندگیش و افکارش گذشت و مدت ۱۳ سال رئیس دانشگاه بود .

٤- دکتر منوچهر اقبال : که معرف حضور است مسلمان‌نما بوده .لعنتا....علیه

٥- دکتر احمد فرهاد معتمد .

٦- دکتر جهانشاه صالح .

۷- دکتر علی‌نقی عالیخانی .

۸- پرفسور فضل‌ا.... رضا .

۹- دکتر نهاوندی : رئیس دفتر زنشاه مخلوع و وزیر کابینه شریف امامی .

۱۰- دکتر معتمدی .

شماره ردیف ——

شماره مسلسل ……

عنوان: استعمار، سلطه جوئی فرهنگی (۴)

موضوع: مأمور تهیه طرح تأسیس دانشگاه تهران تا مغز استخوان غربزده بود

ماخذ: تاریخ ۱۹/۲/۶۷ ـ ۲۸۹۷ (آرشیو)

دکتر عیسی صدیق، مامور تهیه طرح تاسیس دانشگاه‌تهران که بخاطر وضعیت اجتماع آن روز ایران درکودکی دارای روحیه‌ای مذهبی بود و حتی‌در مجالس دعا وسوگواری شرکت می‌نمود، و تحت‌تاثیر قرار میگرفت، پس‌ازگذراندن تحصیلات ابتدائی و متوسطه در مدارس «ادب» و «کمالیه» وارد دارالفنون میشود. در آنجا با گوشه هایی ازتمدن و فرهنگ غرب و همچنین پیشرفتهای‌علمی آنجا آشنامی‌شود. پس‌از آنکه از دارالفنون فارغ‌التحصیل میگردد، در سال ۱۲۹۰ در گروه دانشجویان دولتی عازم اروپـا قرار می‌گیرد و برای‌ادامه تحصیل‌راهی فرانسه می‌گردد. او که از محیط سراسر فقر و بدبختی و عقب‌مانده ایران اواخر دوران قاجاریه آمده‌است‌و مناظرو وقایع تهران آن زمان را در خاطر دارد و از طرفی طی‌تحصیل در مدارس ادب و کمالیه و دارالفنون چشم‌انداز هایی از پیشرفتهای علمی و صنعتی اروپا را در ذهن و حافظه خویش دارد، وارد جامعه اروپائی ، که بعد از رنسانس پیشرفتی سریع در زمینه تکنیک و صنعت و علوم تجربی داشته و بالنتیجه ظواهر زندگی متناسب با آن موقعیت‌را دارد، میشود. هنگامی کـه‌درمرزسوئیس‌و فرانسه‌قطارحامل آنها می‌ایستد اولین برخورد رودررو‌ی او با ظاهرفریبنده تمدن اروپا صورت میگیرد. خودش می‌گوید:

«از مشاهده خیابانهای زیبـا بـا درخت هـای منظم و فوق‌العاده تمیزو وضع‌آبها در کنار دریاچه‌ها و آبادانی شهر و قشنگی مغازه‌ها و عمارات و خوبی لباس‌پاسبانها و سپورها و باربران‌و کلیه طبقات زحمتکش حس‌ستایش در من و همسفرانم نسبت به کشور سوئیس ایجاد شدو محبتی در دل من نسبت به مردم آن سرزمین تولیدگردید که هنوز باقی است.»

(بنقل از کتاب «گذر عمر» (۱) نوشته عیسی‌صدیق)

بعداز استقرار در پاریس بهمراه دوستانش بعضی روزها با همان وضع و لباس و کلاه ایرانی که دراواخر قاجاریه رایج بوده است به گردش در خیابانهای پاریس می‌پردازند. که در برابر نگاه های کنجکاو و متعجب‌مردم پاریس ، احساس حقارت کرده و سرانجام کلاه فرنگی‌بر سر می‌گذارد!

خودش می‌گوید:

«ما هم در خود احساس حقارت می‌کردیم، زیرا از یکطرف در مقابل تمدن مشعشع و شگفت‌آور مغرب‌زمین قرار گرفته بودیم و اوضاع‌و احوال تاثرآور آن زمان خود را با فرانسه می‌سنجیدیم و از طرف دیگر چنانکـه قبلا متذکر شدم بحد کافی بهره ازفرهنگ ملی خودنداشتیم و نسبت به تاریخ و ادبیات و صنایع ایران اطلاعات ما بسیار قلیل و سطحی بود.»

(بنقل‌از کتاب «گذرعمر ۱» نوشته عیسی صدیق)

جمله اخیراو جای تامل دارد. زیرا یکی از عوامل خودباختگی او در برابر تمدن غرب‌عدم آشنائی بفرهنگ خود وتاریخ و گذشته و صنایع ایران بوده است. گرچه در آن زمان فرهنگ ملی هیچ رنگو بوئی از فرهنگ‌اصیل اسلامی نداشت و در اینجاست که یکی از مسائل مهمی را که امام امت بارها تذکر داده‌اند بایستی بیاد آوریم و آن یافتن‌آن «خود» اصیل و شخصیت و فرهنگ‌اسلامیمان می‌باشد.

پس‌از ورود به پاریس در یک مدرسه شبانه‌روزی بنام «دانشسرای ورسای» وارد میگردد تا ادامه تحصیل دهد. و لذا از صبح تا شام خود را تحت یکبرنامه‌ریزی دقیق‌و حساب شده از سوی اداره‌کنندگان دانشسراهمراه با مراقبت دائمی استادان و مبصران آنجا می‌گذرانـد. بدینگونه کمکم قالبهای فکری و آداب و رسوم و اخلاق غرب را می‌پذیرد. برنامه مدرسه را اززبان خودش‌بصورت تیتر ذکر میکنیم:

«ساعت ۵ بامداد بیداری- یکربع وقت شستشو و پوشیدن لباس تا ساعت ۸ صبح حضور در تالار مطالعه جهت‌مطالعه‌دروس‌آنروز، درحالیکه مبصرشخصی آنهارا تحت‌نظر دارد ـ ساعت ۸ صبحانه سپس رجوع بـه خوابگاه و انجام کار های: جمع‌و جور کردن‌رختخواب، واکس‌زدن‌کفش‌باتراشیدن ریش، مرتب‌کردن گنجه لباس و اسباب ساعت ۹ تا نیمروز حضور در کلاس درس -هنگام ظهر ناهار- تا ساعت ۲ بعدازظهر استراحت- ساعت ۲الی ۴ ورزش یا باغبانی یا کار های کارگاهی-ساعت ۵ تا ۸ مطالعه در تالار مطالعه- ساعت ۸ شام ـ ساعت ۹ خواب.

او که خاطره وضع ناهنجار آنزمن ایران با قشون‌کشی روس تـا پشت دروازه هـای ایـران، ضعف ، فقر، عقب مـانـدگی مـردم ، بیسوادی نـاشی از حکومت جابران و نالایقان قاجاری ، در ذهن خود دارد در برخورد با محیط پاریس و فرانسه ، پیشرفت‌علمی و صنعتی و قدرت و ظاهر زیبا و شیک . و مدارس و دانشگاههای آنجا را می‌بیند و در طی اینزمان اقامت ، خلق و خوی غربی در او تاثیر نموده است و دربرابر اوضاع فرانسه احساس عجز میکند و حقارت . چاره رادر این می‌بیند که برای رهایی و بیداری و رشد مردم ایران باید علوم غرب را هرچه بیشتر فراگیرد و از این طریق به ملت ایران کمک کند .

می‌نویسد : «اوضاع ناهنجار ایران و مداخلات بیگانگان و قشون‌کشی روس تا پشت دروازه‌های ایران و تجاوزات و تعدیات و حق‌کشی‌های دولت روسیه کـه فوق‌العاده در قلب من اثر میکرد و مرا بر آن می‌داشت که دقیقه‌ای از وقت خود را تلف نکنم و هرقدر ممکن است از علوم مغرب زمین را فرا گیرم و از اقامتم در فرانسه حداکثر استفاده را بکنم و خویشتن را برای بیداری هموطنان‌آماده کنم تا در اثر بیداری زیر بار ظلم و جور نروند و سلطه بیگانگان را درهم شکسته و خود را از زیر بار یوغ‌استبداد تزاری آزاد سازند .»

(بنقل از کتاب «گذر عمر ج ۱»، نوشته عیسی صدیق)

اما‌او غافل از اینست که آنچه از غرب بعنوان‌سوغات برای به‌اصطلاح بیداری مردم خواهد برد که زیر بار ظلم روس نروند در حقیقت سلاح غرب است برای دربندکشیدن ملت ایران و وابسته نمودن فکری و روحی آنها به‌غرب، همانگونه که خود او در آن گرفتار آمده بود . او که از فرهنگ اصیل اسلامی و هویت مستقل و برجسته اسلامی خویش بی‌اطلاع است و از اوضاع ایران احساس درد میکند دارویی می‌یابد که گرچه دردی را از این پیکر دوا می‌کند ولی تمامی اعضاء را مریض و رنجور خواهد کرد و آن «تمدن مغرب زمین است».

بهرحال در برخورد و آمیزشی که با مردم اروپائی دارد کم‌کم با روح فاسد و اخلاق منحرف غرب که مظهر آن در لباس پوشیدنها ، معاشرت و نشستو برخاست‌آنهاست، از خو میگیرد . در تابستان ۱۹۱۲ و ۱۹۱۳ از طرف سفارت ایران به سواحل دریای مانش میرود تا استراحت کند و شنا نماید . و شبها را نیز در کازینو می‌گذراند وحتی بقمار نیز دست می‌زند که به جهت آنکه می‌بازد برای همیشه‌بگفته خودش از اینکار دست می‌کشد (معلوم نیست اگر بجـای باخت ، برد نصیب او شده بود به کجا می‌رفت!)

پس از مدت‌ها که در فرانسه زندگی می‌کند و دائم در فکر اینست که چرا ایران غیر متمدن است و فرانسوی‌ها وطن او را در ردیف مستعمرات می‌شمرند ، به نتیجه‌ای می‌رسد که خواندنی است :

«بالاخره مرور زمان از شدت آلام کاست و مرا به تفکر در علل شکست وادار ساخت . پیش خود می‌گفتم که درست است من پنجسال در ایران فرانسه خوانده‌ام ولی فقط هفته‌ای دو ساعت بیش نبوده است . از روز ورود به دانش‌سرای ورسای نیز نهایت جدیت را در فرا گرفتن‌زبان مذکور نموده‌ام و پیشرفت بسیار هم نصیب شده ، ولی باید متوجه بود که اکنون زبان را مانند فرانسویان باید دانست به‌حدی که بتوان آن را بخود فرانسویان آموخت. زیرا فارغ‌التحصیل دانشسرا در دبستانهای دولتی آموزگار میشود و مهمترین ماده برنامه ابتدائی زبان فرانسه است .»

و در جای دیگر می‌گوید : «برای اخذ گواهی‌نامـه عالی آموزگاری چنانکه در بالا گفته آمد می‌بایست یکزبان خارجه امتحان داد . من مایل نبودم که مانند سال قبل زبان عربی را امتحان بدهم . زیرا که زبان مذکور زبان مردم مستعمرات فرانسه بود و پیوسته مورد استهزاء همدرسان فرانسوی واقع می‌شد.»

(ص ۷۲ به نقل از کتاب «یادگار عمر ج ۱»، نوشته‌دکتر عیسی صدیق)

طی‌اقامت‌چندساله‌درفرانسه‌و مطالعه‌آثارتمدن‌و فرهنگ‌مغرب‌زمین بافرهنگ غرب خو میگیرد و فرهنگ غرب هرروز بیش از پیش در اعماق وجود او ریشه می‌دواند و در او تاثیر میگذارد :

«سه سال متوالی اقامت و تحصیل به وضعی که توصیف شد باستایش بی‌حدی که نسبت به فرانسه و تمدن و فرهنگ آن داشتم تاثیرات عمیق و شگرفی در من داشت. میزان معلوماتی که بدست آوردم با اخذ گواهی‌نامه عالی آموزگاری مبین و مشخص بود. ولی طرز زندگی‌در شبانه‌روزی وروش تربیت‌ونفوذ استادان و همدرسان تغییرات مهمی در اخلاق ورفتار و روحیه من بوجود آورد: عادت سحرخیزی که در ایران داشتم تقویت شد ـ به وقت‌شناسی ونظم و انضباط کاملا خو میگرفتم ـ کارکردن بادست راکه در ایران عارمی‌داشتم مباح وسودمند شمردم ...» (ص ۷۶)

«از ۱۹۱۳ که بطور منظم شاهکار های مغرب زمین را از عهد عتیق تازمان معاصر قرائت کردم طرز تفکر و تحریر و سبک و انشاء خاصی پیدا کردم.»

پس‌از فارغ‌التحصیلی از دانشسرا به ژنو میرود و پس‌از بازگشت به پاریس، در رشته ریاضی دانشکده علوم نامنویسی میکند. خود او گرچه از محیط فاسد و متعفن و شهوانی پاریس بدگوئی میکند، اما درعین حال در برابر فساد و آمیزش وبرخوردی که دردانشگاه بیـن او و دانشجویـان دختـر خواه نـاخواه ایجاد میشود تاثیر می‌پذیرد بگونه‌ای که شعر:

«همه‌سیمین‌عذار وگل‌رخسار ـ همه‌شیرین زبان و ...»

را در وصف آن دختران میخواند. و بخصوص این حشر زنها و مردان اروپائی که یکی از مایه‌های فساد جوامع اروپائی میباشد بنظر او بسیار مطلوب جلوه مینماید !

می‌نویسد : «از نشستن به‌سر میزی که چند مرد و زن و دختر چون اعضای خانواده‌ای صرف غذا می‌کردند بسیار مسرور واز آشنایی به آداب معاشرت بانوان بسیار خوشنود گشتم .

(ص ۱۱۰، ج ۱ کتاب «یادگار عمر»)

اما کار به همین‌جا ختم نمی‌گردد.

«ادامه دارد»

شماره ردیف

شماره مسلسل

ماخذ: تاریخ: اطلاعات ۲۹/۱۰/۶۱ — ۱۶۸۹۶ (آرشیو)



عنوان: استعمار و سلطه‌جوئی فرهنگی (۳)

موضوع: در مورد دانشگاه

استعمار و سلطه‌جوئی فرهنگی (۳)

«فکر تاسیس دانشگاه از سال ۱۳۰۷ و در زمان وزارت معارف سیدمحمدتدین بوجود آمد. ولی چون وسایل اینکار بهیچ کیفیت فراهم نبود ناچار اجرای آن بتاخیر افتاد. به این توضیح که در اسفندماه سال ۱۳۰۵ در مذاکرات قبل از دستور مجلس شورای ملی دکتر «سنگ» درباره تاسیس «اونیورسیته» از وزیر معارف پرسید که: «آیا اقدامی شده یانه؟» و اضافه کرد که بواسطه نداشتن «اونیورسیته» است که محصل به‌اروپا میرود و دست ما بطرف خارجی‌ها برای جلب مستخدمین خارجی دراز است». تدین اظهار داشت: راجع به اونیورسیته‌که‌می‌توانیم آنرا دارالعلوم بگوئیم کمال علاقه را دارم و مشغول تهیه لوازم مقدماتی آن هستم».

بنقل از: «تاریخ تحول دانشگاه تهران و موسسات آموزش عالی ایران در عصر خجسته (!) پهلوی»

و بدینطریق استعمار بدون آنکه خودرا بزحمت‌اندازد می‌توانست دست پروردگان خود را در جامعه ما و در دانشگاه بسازد و دیگر نیازی به استفاده از نیروهای‌خودش جهت بهره‌وری از کشورهای تحت سلطه خویش نداشت.

بمنیست به دنباله شکل‌گیری دانشگاه تهران، بعنوان اولین دانشگاه ایران نظری بیندازیم.

«در سال ۱۳۱۰ دکتر عیسی صدیق (که زندگی‌نامه او را بدنبال بحث خواهیم آورد) ازطرف دولت امریکا برای مطالعه درامر آموزش و پرورش آن کشور دعوت شد. وزیر دربار وقت، عبدالحسین‌تیمورتاش ملقب به «سردار معظم»، بدستور رضاخان، وی را مامور ساخت که طرحی برای تاسیس یک دارالفنون (که بعداً دانشگاه تهران‌خوانده شد) در تهران با تعیین نوع تاسیسات و عده معلم وبودجه آن تهیه کند و تقدیم دارد. او هم‌طرحی‌کلی تهیه کرد و در خرداد ۱۳۱۰ (از نیویورک) برای وزیر دربار فرستاد. طرح مزبور مورد تصویب‌رضاخان قرار گرفت‌و دستور اجرای آن را به وزیر معارف وقت، (یحیی‌خان قراگزلوی اعتمادالدوله) داد.

قانون تاسیس دانشگاه در کمیسیونی مرکب از دکتر صدیق (رئیس دارالمعلمین عالی) دکتر شفق، دکتر سیاسی، دکتر حسابی و محمدعلی گرگانی تحت مطالعه و رسیدگی قرار گرفت و سرانجام درسال ۱۳۱۳ هجری شمسی فکر تاسیس دانشگاه بمرحله عمل درآمد و طی قانون مصوب ۸ خرداد آن سال تاسیس دانشگاه از تصویب مجلس شورای ملی آن زمان گذشت. و در روز جمعه ۲۴ اسفند ۱۳۱۳ یکساعت‌ونیم قبل از ظهر مراسم افتتاح رسمی دانشگاه تهران انجام گرفت».

● بنقل از کتاب «تاریخ تحول دانشگاه‌تهران و موسسات آموزش عالی درایران درعصر خجسته (!!) پهلوی»

و بدین‌سان دانشگاه تهران شکل می‌گیرد. بد نیست به گوشه‌ای از سخنرانی رئیس‌الوزرای رضاخان در آنزمان که در مراسم افتتاح دانشگاه ایراد گردیده است توجه کنیم. او می‌گوید: «اینک دانشگاهی که تاسیس می‌کنیم باید به آن مقام برسد که در ساختن علم با دانشگاه‌های ممالک دیگر همقدم شود. همت اعلیحضرت همایونی متوجه این امر است».

(بنقل از روزنامه‌های اسفند ۱۳۱۳ از آرشیو کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)

به مناسبت تاسیس و افتتاح دانشگاه تلگراف تبریکی از طرف «شارلوتی»، دیرکتور آکادمی پاریس به وزیر معارف ایران مخابره میشود که متن آن در اطلاعات شماره ۲۴:۶ مورخ ۱۶/۱۱/۱۳۱۳ بدین مضمون است:

«امروز که در ظل عنایت اعلیحضرت رضاشاه پهلوی شالوده دانشگاه تهران گذارده می‌شود دانشگاه‌های فرانسه تبریکات صمیمانه خود را براین عمل عظیم تقدیم میدارد و سعادت و ترقی و پیشرفت علمی آن دانشگاه را مسئلت می‌نماید.»

که اگر با خوش‌باوری ساده‌لوحانه به مسئله بنگریم این تبریک بسیار ارزنده است و اگر با دقت و دید واقع‌بین مسئله را ارزیابی کنیم و براین باور باشیم که استعمار از ایجاد و انهدام چیزی خوشحال نمیشود مگرآنکه آن عمل در جهت تامین خواسته‌هایش باشد، در پشت این جملات آرزوهای دور ودراز او را می‌توان مشاهده کرد.

★★★

برای آنکه هرچه بیشتر با ماهیت واقعی دانشگاهها در ایران (قبل از انقلاب فرهنگی) آشنا شویم بهتر آنست که معماران این بنای ویرانگر (درگذشته) را بشناسیم که: «خشت اول گرنهد معمار کج - تا ثریا میرود دیوار کج».

همانگونه که در آغاز بحث گفته شد، طراح دانشگاه در ایران دکترعیسی‌صدیق می‌باشدکه بهمراهی چندتن‌بنام‌های: دکتر سیاسی، دکتر شفق دکتر حسابی و محمدعلی گرگانی چگونگی تشکیل دانشگاه در ایران را مورد بررسی و مطالعه خویش قرار داده‌اند. ما در سطور زیر به بررسی زندگی دوتن از این افراد، دکتر عیسی صدیق و دکترسیاسی می‌پردازیم: دکتر عیسی صدیق را از زبان خودش و دکتر سیاسی را از روی نوشته یکنفر از خودباختگان وخودفروختگان دانشگاهی، که طریقی مناسبتر و واقع‌بین‌تر از آن نیست.

دکتر عیسی صدیق: در ابتدا بیوگرافی مختصری از زندگی او را ذکر نموده و سپس از خاطرات و جملات‌وی برای شناساندن شخصیت و طرز تلقی و تفکر او یاری می‌جوئیم

«دکتر عیسی صدیق در ۲۸ خرداد ماه ۱۲۷۳ شمسی در تهران دیده بجهان گشود. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شهر تهران در مدرسه «ادب» و «کمالیه» شروع کرد و از سال ۱۳۲۷ قمری در مدرسه دارالفنون ادامه داد. درسال ۱۲۹۰ شمسی جزو دانشجویان دولتی عازم اروپا گردید. تحصیلات خود را در آنجا ابتدا در دانشسرای ورسای و سپس در رشته ریاضی دردانشگاه پاریس ادامه داد. و با دریافت گواهینامه عالی و رسمی آموزگاری و شهادتنامه‌های ریاضیات عمومی و دوره عالی ستارشناسی و فیزیک و مکانیک و درجه لیسانس ریاضی از دانشگاه پاریس به ایران بازگشت. در سال ۱۳۰۵ به معاونت اداره کل معارف رسید و در سال ۱۳۰۷ ریاست تعلیمات عالیه کشور را عهده‌دار شد. در سال ۱۳۰۹ بدرخواست داور وزیر عدلیه به ریاست کابینه وزارت عدلیه منسوب و از اداره کل معارف به وزارت عدلیه منتقل گردید. در همان‌سال دانشگاه کلمبیا در نیویورک از او دعوت کرد که به آن شهر سفر و یکسال بعنوان مهمان از دستگاه تعلیم و تربیت امریکا دیدن کند و سازمان و برنامه آموزش و پرورش در مدارس امریکا را مطالعه نماید.

(در اینجا سئوالی بذهن میرسد و عبارت از این است که: به چه جهت دانشگاه کلمبیای امریکا این شخص را (که زندگینامه‌اش را بطور مفصل‌تر درسطور بعد می‌آوریم) برای دیدن و مطالعه و بررسی دستگاه تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش امریکا دعوت می‌نماید؟ جواب سئوال اینست: «بدستور رضاخان مامور عالی‌مرتبه دولت گردید و با مزایای این سفر در فروردین ۱۳۱۰ مامور تهیه طرح تاسیس دانشگاه تهران گردید.» در خرداد ماه آن سال‌طرح مذکور را از نیویورک به وزارت دربار فرستاد. در بهمن ماه ۱۳۱۰ که بتهران بازگشته بود مامور اجرای طرح و تاسیس دانشگاه تهران شد و ریاست دارالمعلمین عالی‌برعهده او قرار گرفت که همین دارالمعلمین هسته اصلی دانشگاه تهران گردید.

در سال ۱۳۲۱ عضو موسس انجمن ایران و امریکا بود. در سال ۱۳۴۳ طرح تبدیل دانشگاه شیراز به دانشگاه پهلوی را تهیه نمود که بتصویب رسید. در سال ۱۳۳۶ دانشگاه تبریز را تاسیس و افتتاح کرد و مامورتشکیل‌مراکز فرهنگ عالی دیگری در ایران شد.

وی چندین‌بار نشان و مدال دریافت کرد. از جمله: مدال تاجگذاری رضاخان، نشان علمی درجه اول ازوزارت علوم، نشان لژیون دونور فرانسه، مدال قدرشناسی از خدمات فرهنگی از دانشگاه کلمبیا، نشان درجه‌اول همایونی از محمدرضا پهلوی بخاطر کتاب «سیر فرهنگ در ایران و مغرب‌زمین» - مدال تاجگذاری محمدرضا پهلوی.

(بنقل از کتاب «زندگی‌نامه دکتر عیسی صدیق» چاپ دانشگاه تهران)

بدنبال بررسی فشرده‌ای از فعالیتهای وی، نظری به زندگی او از کودکی کرده و چگونگی شکل‌گیری شخصیت و طرز تفکر او را از زبان خودش بیان می‌کنیم.

«ادامه دارد»

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ۱۱۱۱۷



عنوان: جای پای مدارس اروپای استعمار (۲)

موضوع: عملکرد استعمارگران در جهت استیلای فرهنگیشان بر کشور اسلامی

ماخذ: تاریخ ۶۱/۹/۲۵ – ۲۶۸۹۳ (آرشیو) .... ایران

مقدمه ۲

نهائی‌ترین‌عملکرد استعمارگران در جهت استیلای فرهنگیشان بر کشور اسلامی ایران ایجاد مدارس جدید وسرانجام دانشگاه استعماری بوده است. قبل‌ازپرداختن به مدارس جدید، باید از معلمان خارجی که به مرور به‌ایران می‌آمدند سخن به‌میان آورد: که از میان‌آنها می‌توان‌از کشیشی بنام «پرسیمون‌مورالس» نام برد که بعنوان سفیر فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا وپرتغال در زمان سلطان محمد خدابنده به‌ایران اعزام شد:

این کشیش که‌به زبان فارسی آشنائی داشت‌به تقاضای سلطان‌محمد خدابنده عهده‌دار تعلیم و تربیت فرزندش حمزه‌میرزا در مسائل سیاسی شد. علاوه‌بر این سلطان از این سفیر خواست که‌به پسرش ریاضی ونجوم نیز درس بدهد.

بخش دوم

بازیاد شدن ارتباط ایران واروپا وآمدن اروپائیان به‌ایران درآمیختگی فرهنگ اسلامی ایران باتمدن غرب بیشتر گردید. به‌این معنی که اروپائیان وتجارارمنی که ازشام وعثمانی به‌ایران می‌آمدند یاایرانیانی که بعنوان سفارت یاسیاست یا تجارت به‌اروپا رفته بودند موجب اینکار شدند و ازطرفی‌ورود بعضی ازوسائل جدیداختراع شده وعلوم جدید مانند معالجات طبی فرنگی، ساعت مکانیکی، دوربین‌نجومی و ... تمدن و فرهنگ‌غرب‌را دارای جذابیت خاصی نموده بود. پس از انقراض‌صفویه وآشفتگی داخلی ایران، بنادر وجزایر خلیج‌فارس به علت تجارت وکشتیرانی محل مراوده منظم اروپائیان بود وچه‌بسا نمایندگان تجاری اروپائی سالها در این‌نقاط می‌ماندند واحیاناً با خانواده‌های ایرانی وصلت می‌کردند و همین امر باعث‌انتشار آثار تمدن اروپائی در ایران می‌گشت.

از زمان فتحعلیشاه به‌بعد بهر‌اندازه‌روابط‌سیاسی واقتصادی ایران وممالک اروپائی توسعه‌می‌یافت بهمان نسبت آشنائی ایرانیان باتمدن اروپائی بیشتر می‌شدند. افسران و مستشاران نظامی فرانسه و انگلیس، روس‌های مهاجر، صاحب‌منصبان متواری‌ازممالک‌اروپائی، کشیش‌هائی که بقصد تبلیغ به‌ایران می‌آمدند همه‌اینها وسیله انتشار تمدن اروپائی در ایران بودند.

شاهزادگان قاجاریه که‌بیشتر با این اروپائیان محشور بودند تدریجا به‌زبانهای اروپائی آشنا شدند و در قلمرو حکومت خود از نشرزبان وفرهنگ‌وعلوم‌اروپائی حمایت‌می‌کردند. چنانکه ملک‌قاسم میرزاپسرهفتادم فتحعلی شاه زبان فرانسه را در تهران از زنی فرانسوی موسوم به مادام‌ماری نیز آموخته بود و علاوه‌برآن بچند زبان دیگرمانند روسی،انگلیسی،هندی وعربی می‌توانست حرف بزند. لباس اروپائی می‌پوشیدوبا اروپائیان معاشرت داشت وحتی در حمام اختصاصی خودبا آنان استحمام می‌نمود یعنی جدائی‌میان زندگی خود و غربی قائل نبود. وشاهزادگان دیگری چون فرهادمیرزا پسر عباس میرزا، بهرام‌میرزا برادر فرهادمیرزا وافراد دیگری که اکثرا از درباریان بودند چون میرزا مسعود گرمرودی (وزیراحمدخان‌انبلی)، عسکرخان افشاربازبان های اروپائی و فرهنگ و آداب آنان آشنا گردیدند.

بدنبال آن تاسیس مدارس اروپائی در ایران‌بوسیله کشیشان آمریکائی وفرانسوی راه نفوذ استعمار و تمدن اروپائی را درایران هموارتر کرد ونفوذ سیاسی‌انگلستان در سواحل خلیج‌فارس وکثرت مراودات تجاری مابین ایران‌وهند سبب شد که بعضی از مردم جنوب زبان انگلیسی را بیاموزند.

وکسانی نیز که‌به هندوستان رفت وآمد داشتند و یابدان کشور مهاجرت کرده بودندکم وبیش به‌اوضاع فکری وسیاسی انگلستان آشنا شده بودند و بدان‌خو گرفته بودند.

از سوئی اروپائیانی که در آغاز دولت قاجاریه به ایران آمده بودند ودر تهران وتبریز اقامت‌گزیده‌بودند باعث انتشار زبان و آداب‌مملکت خود در ایران‌بودند. ازمیان آنها مشهورتر از همه ژول ریشارد بود که در تهران به تدریس خصوصی زبان فرانسه می‌پرداخت ودیگریکنفرساعت‌ساز آلمانی‌ویکنفرخیاط‌اطریشی بودند. اولین مدرسه جدید در ایران در اواخر ۱۲۵٤ یا اوائل سال ۱۲۵۵ هجری قمری در شهر ارومیه بوسیله «پرکینز» کشیش آمریکائی تاسیس شد. این مدرسه از طرف کلیسایی آمریکائی به منظور تبلیغ تاسیس‌شده بود وچون مبلغ آن یک مبلغ مسیحی بود و در معرض خطر بود محمد شاه فرمانی دایر بر موافقت با تاسیس مدرسه صادر کرد و علاقه خود را به تدریس مواد تاریخ و جغرافیا و هندسه و حساب ابراز نمود. این مدرسه تا سال ۱۳۱۳ همچنان دایر بود. دومین مدرسه در سال ۱۲۵۵ توسط کشیش فرانسوی، اوژن بوره، تاسیس گردید. هدف او از تاسیس، دارالفنونی بود که ایرانیان را از هر مذهب و ملیت، با علوم جدید و زبان فرانسه آشنا کند. «بوره» تمام مخارج مدرسه‌خود را می‌پرداخت، مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه فرزند خود را برای یاد گرفتن زبان‌فرانسه به او سپرد و محمد شاه از او پشتیبانی و تقدیر نمود و به علاوه به وی اجازه داد که در جلفای اصفهان به تاسیس مدرسه‌ای مبادرت کند و اطفال مسلمان‌وکاتولیک و ارمنی را به شاگردی بپذیرد. او زبان فرانسه را مبنای این مدرسه کرد و امید داشت که ایرانیان را با اروپا آشنا سازد. تا آنکه امیر کبیر اقدام به تشکیل مدرسه دارالفنون کرد، سه‌سال‌پیش‌ازآن، دارالفنون عثمانی در اسلامبول بوجود آمده بود. امیر کبیر میدانست که مستشاران خارجی چندان کاری برای ایران انجام‌نمی‌دهند و لذا برای تامین نیازمندیهای مملکت باید مرکزی برای تعلیم و تربیت جوانان ایرانی‌آماده ساخت و به هم چشمی با عثمانی دارالفنون را بوجود آورد.

آنچه امیر کبیر در تاسیس دارالفنون در نظر داشت بیشتر داشتن مدرسه‌ای فنی و نظامی و طبی و صنعتی بود و به تعلیم و تعلم علوم عالیه و ادبیات چندان توجهی نداشت. نظر امیر کبیر در انتخاب و استخدام معلمین مدرسه آن بود که هم از کشور پیشرفته‌ای باشند و هم نسبت به‌ایران بی‌طرف و بی‌نظر باشند. لذا متوجه اطریش شد، گرچه تمامی معلمین از خاک اصلی اتریش نبودند، بهر صورت در ۵ ربیع‌الاول ۱۲٦۸ مدرسه بطور رسمی افتتاح یافت. برنامه تحصیلات دارالفنون در حدود برنامه دبیرستان بود، باید گفت که دارالفنون بعد از مرگ امیر کبیر در جهت حرکتهای استعماری قرار گرفت‌بدانگونه که در نهایت محل تربیت وتفریح‌عزیزالسلطان‌و همبازیهایش شد، لازم به تذکر است که اشخاصی که از ایران برای تحصیلات به خارج رفته اشخاصی بودند که از دارالفنون فارغ التحصیل شده بودند.

دارالفنون در حقیقت یکی از موسسات درباری و نخستین مدرسه جدید دولتی بود. این مدرسه دارای آزمایشگاه فیزیک و شیمی بود و درسهای اساسی آن مهندسی، دواسازی، طبوجراحی، توپخانه، پیاده نظام، سواره نظام و معدن شناسی بودند.

تاریخ و جغرافیا و ریاضیات نیز درآن تدریس میشد و زبان فرانسه هم جزو دروس اساسی بود. در آغاز کار معلمین مدرسه هفت‌نفر اروپائی بودند که اکثرا از اطریش بودند. ولی‌بعدا معلمان اروپائی دیگراز کشور هائی چون فرانسه وهلند و انگلیس و آلمان و ایرانیان تحصیل کرده در اروپا و فرنگ جایگزین آنها شدندو راه برای نفوذ برنامه استعماری آماده گردید.

پس‌از آنکه قبول شدگان در امتحان نهائی اول دارالفنون گواهی‌نامه گرفتند. دولت عده‌ای از آنهارا به فرانسه فرستاد، قابل ذکراست که اشخاصی که در این مدرسه درس میخواندند اکثرا از فرزندان و اولاد اکابر و اعیان بودند و سرانجام دارالفنون به محل تفریحات کودکانه عزیزالسلطان و همبازیهایش تبدیل شد. چون شکستن در و پنجره و پرتاب سنگ و ...

مظفرالدین شاه نیز به همین حفظ صورت قانع بود و بعداو نیز مدرسه همچنان در حال تنزل بود.

بعداز دارالفنون نیز مدارس جدید دیگری در ایران به وجود آمد که عبارتنداز: مدرسه‌تبریز (برای نظامی‌گری) مدرسه مشیریه (برای تدریس زبانهای خارجی) - مدرسه همایونی (برای‌نظامی‌گری) مدارس اروپائی چون‌مدرسه پسرانه و دخترانه آمریکائی، چند مدرسه دخترانه فرانسوی، مدرسه پسرانه فرانسوی - مدرسه عالی حقوق.

مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی (این مدرسه که بعدها دانشکده حقوق شد، فرزندان طبقه حاکمه ایران در زمان قاجار و بعداز آن را برای ورود به جامعه سیاسی و اداری مملکت آماده میکرد).

مدرسه عالی تجارت- مدرسه فلاحت مظفری- مدرسه آلمانی- مدرسه‌صنایع مستظرفه دارالمعلمین مرکزی (که هسته اول تاسیس دانشگاه در ایران بود) البته لازم به تذکر است که تحقیق در وضعیت هر یک از مدارس فوق نکات بسیار جالبی را در رابطه با موضوع مشخص می‌نماید که بجهت کمی فرصت و وقت از پرداختن به آنها معذوریم. امید است صاحبنظران و پژوهشگران متعهد در این راه گام بردارند و به این مهم‌بپردازند.

★ ★ ★

بعد از تشکیل مدارس فوق و بالخصوص‌دارالمعلمین مرکزی فکر ایجاد دانشگاه در ایران مطرح گردید و دانشگاه تهران به عنوان اولین دانشگاه ایران پایه‌ریزی شد. در دنباله سخن چگونگی تاسیس این دانشگاه و موسسین و طراحان و اداره کنندگان آن را خواهیم آورد.

ادامه دارد.

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....



عنوان: تهاجم فرهنگی زمینهٔ غارتگری استعمار (۱) ....

موضوع: استعماری و امپریالیسم به فرهنگ اسلام

ماخذ: تاریخ اطلاعات ۱۹۸۹۳ ــ ۶۸/۹/۲۵ (آرشیو)

ملکم‌خان ناظم‌الدوله ، میرزاحسین‌خان سپهسالار ، میرزافتحعلی‌خان آخوندزاده و...درایران برای اولین‌بار «هارفوردجونز» و «جان‌ملکم» ازاستادان اعظم فراماسونری انگلستان بعنوان سفیر وارد ایران شدند که مقارن سلطنت فتحعلیشاه قاجار بود . وتمامی سعی ایشان نزدیکی ایران وانگلستان از طریق نفوذ، در درباریان ودر دست گرفتن امور جهت تصمیم گیریهای کشوری بود .

پس از این‌دوسر گوراوزلی (استاد اعظم فراماسونری لندن) سفیر انگلستان در ایران شد . او علاوه بر ماموریت‌هائی که دونفر قبلی داشتند وظیفه ایجاد لـژ اصفهان را نیز داشت .

«میرزا عسکر خان‌رومی‌افشار» سفیر ویژه ایران درپاریس اولین فراماسونر ایرانی واز فراماسونر های طرفدار انگلستان بود . وی در هنگام سفارتش درپاریس به عضویت لژ اسکاتلنددرآمد .

دومین فراماسونر ایران میرزا ابوالحسن ایلچی بودکه مدت ۳۵ سال ماهی ۱۰۰۰ روپیه ازدولت‌انگلیس میگرفت . او بعنوان ایلچی (سفیر) از طرف فتحعلیشاه به لندن رفت و انگلیسی هابواسطه پذیرائی گرم ، او رابه طرف خود جلب کرده وبه عضویت فراماسونری در آوردند . در زمان وی قرارداد های ننگین انگلستان و ترکمانچای به‌ایران تحمیل شد . او ، سلف و مقتدای همه روشنفکران ایران در کتاب‌نامه‌اش چنین توصیف می کند : «به اعتقاد خاطی ومحرر این دفتر اگر اهل ایران را فراغت حاصل شود و اقتباس از کار اهل انگلیس بنمایند جمیع‌امور در کار ایشان بروفق صواب میگردد».

میرزاحسین‌خان سپهسالار :وی درعثمانی به‌عضویت لژهای فراماسونری درآمده و ازسرسپردگان معروف و دلباخته انگلستان‌بود.«لردکرزن»فراماسون وسیاستمدار انگلیسی می گوید : «شوق وشعف ایران برای‌دوستی‌با انگلیس وصمیمیت ووفاداری نسبت به این‌دولت‌هیچوقت تااین درجه بالانرفته بودکه در زمان‌صدارت‌میرزاحسین خان سپهسالار بالا گرفت».

(از کتاب عصربی‌خبری ـص۹)

سرهانری دوالینسون انگلیسی که در کتاب «انگلستان وروسیه در مشرق» درباره سپهسالار می‌نویسد «... در تمام مسائل و قضایا دخالت ونفـوذ موافقت‌آمیز شخص صدراعظم فوق‌العاده موثر است . در برنامه میرزاحسین‌خان سپهسالار ـ صدراعظم ـ که برای احیای مملکت ایران طرح شده بود مخصوصـا این نکته رادرنظر داشت که منافع‌ایران را با منافع انگلستان توام کند».

(فراموشخانه وفراماسونری در ایران ـص۴۲۶)

از خیانت های ایشان یکی قرارداد‌هفتادساله‌ننگینی بود که در تاریخ قرارداد های استعماری جهان بی‌سابقه است. این قرارداد بایك یهودی به نام «بارون ژولیوس درویتر» منعقد گردید وبه موجب آن‌همه‌خطوط‌راه‌آهن، مجاری آب برای کشاورزی تاحد مورد نیازطرف،تاسیس بانك در سراسر ایران ،حق انحصار همه کالاهای عام‌المنفعه همه ایران از وظائف آن محسوب میشد .به‌علاوه «درویتر» حق داشت درتمامی شهر های ایران لوله‌گاز بکشد ، راهها وسدها را بسازد ، خطوط پستی وتلگرافی ایجاد نماید ، کارخانه های صنعتی تاسیس کند و تا ۲۵ سال در تمامی عواید گمرکات ایران بهره‌گیرد . این قرار داد آنچنان عجیب بود که لردکرزن می گوید «بهت وحیرت خارق‌العاده‌ای بمردم اروپا دست داد .هیچ کس فکرنمی‌کردکه یك‌چنین امتیاز با این شرایط در یك کشوربه یك بیگانه داده شود» این قرارداد براثر اعتراضات و مخالفتهای بسیار مجاهدان مسلمان توسط ناصرالدین شاه لغو شد .

میرزاملکم‌خان ، پسر میرزا یعقوب مترجم سفارت روس که مسیحی ارمنی بود وظاهرا اسلام آورده بود از فرنگ‌رفته‌های معرف ایران و پدر روشنفکری مشروطه است . پدرش او را درسن ده سالگی به اروپا فرستاد ودریکی از مدارس متعلق به ارامنه پاریس مشغول به تحصیل شد . وی در سفری که فرخ خان کاشی جهت حل اختلاف ایران و انگلیس به اروپا کرد همراه اوبه فرانسه رفت ودرآن سفر وارد تشکیلات فراماسونری‌شد.

(کتاب فراموشخانه وفراماسونری درایران)

غرض ازتشکیل فراموشخانه‌را «بلنت»سیاستمدارانگلیسی از زبان خود ملکم‌خان چنین می‌نویسد :«من خود ارمنی‌زاده‌ای مسیحی هستم ولی‌درمیان مسلمین‌پرورش‌یافته‌ام ووجهه نظرم اسلامی است . در اروپاکه بودم سیستمهای اجتماعی و سیاسی ومذهبی مغرب را مطالعه کردم . با اصول مذاهب گوناگون دنیای‌نصرانی‌وهمچنین‌تشکیلات سری فراماسونری آشنا گردیدم وطرحی ریختم که‌عقل سیاست مغرب رابا‌خرد دیانت مشرق بهم آمیزم . چنین دانستم که تغییر ایران بصورت اروپا کوشش بیفائده‌ای است . از این‌رو فکرترقی مادی را در لفافه دین عرضه داشتم تا هموطنانم آن معانی را نیك دریابند. دوستان‌و مردم معتبری را دعوت کردم ودر محفل خصوصی از لزوم پیرایشگری اسلام سخن راندم وبه شرافت معنوی وجوهر ذاتی آدمی توسل جستم ، یعنی انسانی که مظهر عقل وکمال است» (از کتاب اندیشه ترقی ـص۶۴)

آنچه مسلم است برای این عناصر مزدور تنها پول مطرح بود وچون دکان آزادی‌خواهی وترقی‌خواهی و تجددطلبی گرم بودم و علم خریدار داشت بـدان جانب روی‌نهاده بودند بهتر است از زبان‌خودملکم‌خان بشنویم: «والله وبالله هریك از تکالیف‌را که‌اشاره‌بفرمائید قبول خـواهم کرد ، به همـه حال راضی هستم بـه بیکاری حتـی بیکاری را هم گـذراندن خواهم کرد اما به شرطـی که اسباب گـذراندن من‌مهیاباشد. من‌اگرفقط‌حقه‌بازی‌کنم، همان کاری کـه در فراموشخانه کردم، سالی هفت، هشت هزار تومان‌عاید من میشد اگرفراموشخانه سرپاکنم سالی بیست‌هزار تومان مداخل میکنم، اگر روزنامه نویسی کنم هرکس را بخواهم به زانو در می‌آورم».

(فراموشخانه و فراماسونری در ایران ـ ص۵۰۸)

ملاحظه میشود که برای روشنفکران غرب زده بـه اعتراف خودش، حقه‌بازی، فراماسونری، روزنامه‌نویسی یک دکان سه‌دهنه است که از هرسو مشتری جلب‌میکند.

شاهزادگان و اشراف و خوانین و روحانی‌نمایان از در حقه‌بازی وارد میشوند، فعالین سیاسی دسته اخیر، به اضافه متنفذین طبقات دیگراز طریق لژ های‌فراماسونری جذب میشوند. مرگ او در سال ۱۳۲۶ هـ. ق. در سن۷۷ سالگی ، دو سال بعداز پیروزی انقلاب مشروطه ایـران رخ داددر حالیکه هزاران هزارجوجه او پس‌از مشروطه سراز تخم در آوردند (ادامه دهندگان راه او)

میرزا فتحعلی آخوند زاده: یکی از مظاهر بـارز روشنفکران فرنگی میزا فتحعلی‌آخوندزاده‌است.وی‌از برادران فراماسون ملکم‌و جنایتکاری خودفروخته بودکه خوش‌خدمتی های فراوانی به روسها نمود. ماموریت وی را میتوان در سه‌بخش خلاصه‌کرد ۱ـ کنترل وتصفیه ادارات و نهادها از میهن‌پرستان معتقد ایرانی ۲ـ تشکیل شبکه فراماسونری و ارتباط مستمر با فراماسون‌های وطن‌فروش ایرانی مثل ملکم‌خان، شاهـزاده جلال‌الدولـه ، سپهسالار ، مستشارالدوله و دیگران ۳ـ تخریب فرهنگ شیعی و ایرانی مردم قفقاز از طریق آثار ادبی، هنری و فلسفی.

فراماسونها به تجربه دریافتند که سد راه آنهـا اعتقادات مذهبی مردم مسلمان است، از این رو درصدد بر آمدند که با تقویت احساس ملیت و قومیت در برابر مذهب ،آن نیروی عظیم و محرک را تضعیف نمایند ، بنابراین با سردمداری کسانی که مستقیما از لژ هـای فراماسونری تغذیه میشدند حب‌وطن دربرابرحب دیـن قرار گرفت و وطن‌پرستی به معارضه با خداپرستی درآمد.

یکی از طرحهای انقلابی جناب آخوندزاده تغییرخط بود. بهتر است آرمان او را از زبان خودش بشنویم: «غرض من از تغییر خط این بود که آلت تعلم علـوم و صنایع سهولت پیدا کرده، کافه ملت اسلام، شهری یـا دهاتی مانند ملت روس به تحصیل سواد و تعلیم علوم و صنایع امکان یافته، پا به دایره ترقی گذارد ورفته‌رفته در عالم تمدن خود را به‌اهالی اروپا برساند. (اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده‌ـص ۱۲۹) آنانکه ندای‌ملکم خان را اولین لبیک گویان بودند، شاهزاده‌ها، امین‌الدوله‌ها و سلطنه‌ها و خانها و میرزاها بودند. اینها چه ندائی‌را لبیک گفتند؟ ندای روشنفکران و ترقی‌خواهی و آزادی‌خواهی نفس اماره را که‌از غرب‌برخاسته بود و پیشاپیش ستون مقدم امپریالیسم به کشور ما وارد شد.

واین آن‌نسخه انقلابی است که‌این روشنفکر فراماسونرفرنك رفته برای ایران تجویز میکند : باید یک هیات صدنفری مدیران و مهندسین فنی و متخصصین خارجی به ایران خواستو وزارتخانه‌هاو تشکیلات‌دولتی را بدانان سپرد که تحت نظر وزرای ایران امور مملکت را انتظام دهندو آئین جدیدمملکت‌داری رابه ایرانیان‌بیاموزند. ثانیا هزار نفر شاگرد به فرنگستان فرستاد که تحصیل‌علوم و فنون جدید کنند و آدم بشوند. ثالثا پای کمپانی های خارجی را باید به ایران باز کرد و با اعطاء امتیازات اقتصادی سرمایه های خارجی را در ایران به کار انداخت و از طریق احداث راه‌آهن،... وسایل احیاء و ترقی‌مملکت را فراهم ساخت.»

(از کتاب فکر آزادی ـ ص ۱۵۱ و ۱۵۰)

«بدگمانی و احتراز ما از کمپانی های خارجه تـا امروز دلیل بی علمی ما و سدآبادی ایران بوده، باید از روی اطمینان این سدها را از میان برداشت. باید اولیای دولت علیه، ساختن راههای آهنی و عمل معادن وتربیت بانکها و جمیع کارها و بناهای عمومی را بلاتردیدتحویل کمپانی‌های خارجی نمایند. کمپانیها بدون گرفتن امتیازات دولتی به ایران نمی‌آیند. دولت ایران باید هرقدرکـه بتواند به آنان امتیازدهد... دولت ایران باید خیلی‌متشکر باشد و خوشوقت گردد که کمپانیهای خارجه به احتمال منافع بسیار مهم سرمایه‌های مادی و علمی‌خود را بیاورند صرف آبادی ایران کنند»

(از کتاب اصول ترقی ـ نوشته ملکم‌خان)

این جریان نو (فرهنگ غربی) تا در یک زمینه‌مستعد و مهیا قرارنگیرد مثمر ثمر نیست و لذا کوبیدن روحانیت متعهد و مراسم مذهبی بعنوان «ارتجاع» بهترین نقطه‌آغاز و مناسبترین سکوی پرش است.

«عالمان و واعظان هستند که با تعلیم و تلقین خود کامرانی را از مردم گرفته‌اند و نمی‌گذارند بیچاره عوام‌از نعمات الهی برخوردار گردند.نغمه‌پردازی مکن، حرام‌است، نغمات یاد مگیر حرام است، رقص مکن، مکروه است،ساز مزن حرام است، شطرنج مباز، حرام است نردمباز، حرام است خبر ندارند که اگر آن کارها در حد اعتدال باشد ذهن را جلا میدهد و عقل را زیاد میکند»

(نقل از کتاب اندیشه های میرزا فتحعلی خان)

سخن را باگفته‌ای از سرهنگ میرزا فتحعلی‌آخوندزاده که ترجیع بند اقوال و سرآمد همه روشنفکـران دوران جدید ایران است به پایان میبریم: «باید مردم بـه قبول خیال اروپائیان، استعدادبه هم رسانند. باید خیالات اروپائیان در عقول مردم ایران به تجارت ومصنوعات اروپائیان سبقت و تقدم‌داشته‌باشد».

(از اندیشه های‌میرزا فتحعلی آخوندزاده ـ ص۳۲۰)

و اینچنین بود سیر زوال فرهنگ در ایران توسط فرنگ رفته های خودباخته که در زمینه سلطه حکومت اجانب مخصوصا انگلستان‌و بعد آمریکا را به ایران‌فراهم آوردند.

«ادامه دارد»

شماره ردیف ....



شماره مسلسل ....

عنوان : تهاجم فرهنگی زمینهٔ غارتگری استعمار (۱)

موضوع: استعماری و امپریالیستی به فرهنگ اسلامی

ماخذ: تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱۵ – ۱۶۸۹۳ – ۱۹۲۵/۱/۱ (آرشیو)

مقدمهٔ یك

کشورهای استعماری و امپریالیستی غربی برای نفوذ در مناطق «بکر» بنابر موقعیات خاص آن نواحی، طرق گوناگونی را درپیش می‌گرفتند: کشورهایی که دارای فرهنگ ضعیف و بسیار عقب‌مانده‌یی بودند و بالنتیجه سازمان سیاسی و نظامی مهمی نداشتند با یک یا چندستون سرباز تصرف میشد. اما با کشورهایی پیشرفته‌تری که قدرت مرکزی و دولت نیرومندی برآنها حکومت میکرد و موقعیت خاص اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقلیمی آنها امکان حمله سریع و پیروزی فوری نمی‌داد به دو صورت رفتارمیشد: اگر فرهنگ ملتی در برابر فرهنگ غربی احساس ضعف و حقارت میکرد، در این صورت با اعزام میسیون‌های مذهبی که به اشکال مختلف جهانگرد،... بازرگان، پزشک و سایر مشاغلین به خیرات درمی‌آمدند – فرهنگ نوینی برای آنها سوغات آورده میشد که به عنوان دین جدید، خواسته‌ها ونیازها و آمال تازه‌یی را ایجاب میکرد. چون این خواسته‌ها ونیازهای جدید، با امکانات و مقتضیات موجود جامعه‌یی که بر مبنای فرهنگی دیگر بنیاد شده بود، توافق نداشت لذا به جانبی خارج از جامعه‌ی خویش میل میکرد. دراین حال، طبیعی است که کشور صادر کننده فرهنگ جدید، تنها پاسخگو و برآورنده آن تمنیات مادی و معنوی شناخته شود. باقی قضایا روشن است... اما چنانچه فرهنگ و دین قومی نسبت به فرهنگ جدید غرب، احساس برابری و حتی برتری میکرد دیگر فرستادن میسیون‌های مذهبی نه تنها دردی را دوا نمیکرد، که موجب برانگیختن احساسات دینی و ملی مردم میشد. لذا در این موارد، ابزار ظریف و دقیقی بکار برده میشد که بدون آنکه حتی رویت شود با کار آیی عمل میکرد.

دراین مقال، ابتدا سعی می‌نمائیم گوشه‌هایی از کوششهائی را که استعمارگران برای استیلای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود بر ایران دنبال کردند، منعکس نمائیم. و سپس تصویری از نهایی‌ترین عملکرد آنها که همانا ایجاد مدارس

پس از آنکه ایران و کشورهای همجوارش اسلام را بعنوان دین و مکتب خویش برگزیده و به سرزمینهای اسلامی تبدیل گشتند، حکومت اسلامی گسترش یافته و هر روز براقتدار و محدوده آن افزوده میگشت. در این میان علوم و صنایع و هنر پیشرفت شایان نمود، بگونه‌ای که قرون اول اسلام را سرآغاز تجدید حیات علوم در جهان ذکرکرده‌اند. در دوره عثمانی این حکومت با فرهنگ اسلامی و پیشرفتهائی که در علوم و تمدن نموده، بصورت یک حکومت قدرتمند و با عظمت جلوه گر شد. در حالیکه اروپا همچنان در توحش بسر می‌برد، تمدن اسلامی و علوم در سرزمینهای اسلامی پیشرفت فراوان کرده و مهد تمدن و فرهنگ اصیل گردید.

باشروع جنگ‌های صلیبی که به پیروزی مسلمین می‌انجامد برای اولین بار بطور گسترده فرهنگ اسلام با فرهنگ اروپا در تماس قرار میگیرد. و این باعث انتقال تجارت و پیشرفتهای مسلمین درزمینه‌های مختلف به کشورهای اروپائی گشته که در نهایت موجب نهضت رنسانس در اروپا میگردد. نهضت رنسانس که بر پایه جدائی علم از دین نهاده شده بود چهره تازه‌ای به اروپا می‌بخشد. اختراعات و اکتشافات علمی و صنعتی روز بروز افزایش می‌یابد. این پیشرفتها باعث میگردد که بعضی کشورهای اروپائی بصورت استعماگران بزرگ درآیند و سالها ازخون مردم بی‌پناه دیگرسرزمینها تغذیه نماید. ازجمله هدفهای این استعمارگران دست یابی به کشورهای اسلامی و از بین بردن قدرت مسلمین – که طی جنگهای صلیبی دریافته بودند – بود. لذا با ایجاد تفرقه و جدائی و رواج فساد در بین مسلمین، عزت و عظمت آنان را به ذلت و زبونی تبدیل نمایند.

دریادداشتهای «مستر همفر» جاسوس انگلیسی که مامور وزارت مستعمرات عثمانی بود و وظیفه اجرای امور فوق را داشت میخوانیم: «باید دینها و مذهب‌هائی به ظاهر زیبا در اجتماعات اسلامی کشت کرده و برای اجرای این منظور باید مناسب با آب و هوا و شئون ذوقی اهالی منطقه و مردم آنجا برای آنها دین تازه کشت».

و در جای دیگر آمده «وظیفه خطیری که در این سفر بعهده تواست این می‌باشد که نقاط اختلافی بین مسلمانان را که موجب جدائی آنها از یکدیگر است بدست آوری و اختلافات را دامن بزنی و اطلاعات قابل توجهی در این خصوص برای وزارتخانه کسب کنی و بدان که اگر بتوانی که خود منشاء اختلاف بین مسلمین باشی از نظر خدمتگزاری سرزمین بریتانیا موفقیت مهمی برای خود کسب کرده‌ای».

اینست در زمانی که ما سرگرم خویشیم، نیروهای مزدور و بیگانه در ملل به تحقیق و تحمیل برنامه‌های خود می‌پردازند و فرقه‌های مختلفی چون وهابی و بابی و... برای تفرقه ایجاد می‌کنند.

از سوی دیگر ترویج مفاسد اخلاقی که همواره عامل مهم در اضمحلال و سقوط تمدن‌ها است را در رأس اهداف خود قرار میدهند. در جائی دیگر می‌نویسد «انواع مفاسد از زنا و لواط و شراب و قمار را باید بین مسلمانان شایع کرد. و بهترین وسیله برای این برنامه غیر مسلمانانی هستند که در بلاد اسلامی ساکن‌اند و باید از اینها یک جمعیت زیادی را برای این برنامه استخدام نمود».

به همین جهت است که استعمار می‌تواند اسپانیا را که مهد تمدن و فرهنگ اسلامی گشته است دوباره با ترویج این مفاسد به چنگ آورد.

و بدین طریق زمینه هجوم همه جانبه غرب و تمدن اروپائی از ابعاد مختلف فرهنگی و نظامی و اقتصادی و سیاسی به کشورهای اسلامی مساعد گشت و ارسال نمایندگان و سفرا نیز کمک فراوانی در نفوذ تمدن غرب به ایران نمود و منجر به فتح یک یک دژهای فرهنگی ما گشت.

در مورد آغاز این حرکت بایستی گفت که تمدن غربی بصورت کالائی از زمان «حسن بیک آق‌قویونلو» پایش به ایران بازشد. در حقیقت اولین محموله‌های سلاح آتشین، راه نفوذی فرهنگ غرب را آغاز و هموار نمود. درزمان حسن بیک، بندر «ونیز» یکی از ثروتمندترین و مهمترین قطبهای اقتصادی اروپا بشمار می‌رفت و همواره مورد تهدید ترکان و عثمانیان قرار میگرفت و حکومت این کشور مسلمان بصورت یک خطر جدی فراراه ثروتمندان اروپائی قرار گرفته بود. بدنبال این، سنای «ونیز» مسئله رابطه بادربار حسن‌بیک را تصویب می‌نماید. پس از آن چندین گروه سفیر در طی سالیان دراز وارد ایران گردیدند و با خود اسلحه‌های آتشین را بهمراه آوردند و نظر حکومت ایران را بسوی تمدنی جدید جلب نمودند. ولی با تمام این تلاشها ارتباط به گونه‌ای مطلوب برقرار نگشت و نتیجه‌ای دربر نداشت تا آنکه «ونیز» سقوط کرده و ارتباط اروپا با ایران قطع گشت.

نفوذ حکومت عثمانی در منطقه بسیار گشته بود و بصورت یك حکومت قدرتمند در آمده بود. از طرفی دولت صفوی حکومتی جدا از عثمانی تشکیل داده و از این زمان توطئه استعمار در ایجاد درگیری و نابودی اسلام و حکومت عثمانی وارد مرحله جدیدی می گردد. این است که بدنبال هم سفرای کشورهای اروپائی با هدایا و کالاهای فراوان وارد ایران میشوند و از اولین تقاضاهای آنان از دولت قدرتمند صفوی، مبارزه با حکومت عثمانی عنوان می گردد. بدنبال این سفرهای پی‌درپی، رابطه ایران وتمدن غرب بیشتر می گردد و به‌تدریج اوج می گیرد. همزمان باورود وسائل وابزار مدرن وجدید مانند قطب‌نما، عینك، تفنك وساعت نظر ایرانیان را به سوی تمدن جدید جلب می‌نماید، چنانچه در زمان شاه عباس اولین گروه متخصصان اروپائی بانام «آنتونی ورابرت شرلی» همراه عده‌ای وارد ایران می گردند و فعالیت خویش را شروع می کنند.

«آنتونی شرلی» از دانشجویان دانشگاه آکسفورد بود که پس از پایان دوران تحصیلات خود بعد ازشرکت در چند جنك به خدمت یکی از اشراف انگلستان بنام «کنت اسکس» درآمد واز جانب او باعده‌ای سپاهی مامور حمله به جزایر متعلق به اسپانیا درآمریکا گردید واو «شرلی» را مامور کرد تا شاه عباس را به جنك با دولت عثمانی واتحاد باکشورهای اروپائی برضد آن دولت برانگیزاند وبرای بازرگانان ایرانی نیز امتیازاتی ازشاه تحصیل نماید» (نقل از کتاب تاریخ تاسیسات تمدن جدید در ایران).

افرادی که باوی بودند غالبا از ماموران سیاسی بودند که ضمن سفر خویش مطالعات دقیقی در مورد حکومت ووضعیت مردم و ... انجام داده و بصورت سفرنامه هایی منتشر کرده‌اند. آنچه که بیشتر موردنظر آنان بوده است کسب اطلاعات مختلف، ایجاد روابط تجاری و استفاده از منابع تجارتی ابریشم ایران، تاکید برمبارزه با عثمانی وآزادی مذهب عیسوی و ساختن کلیسا بوده است. کار این گروه که مدت زیادی نتوانستند در ایران باشند، باتوجه به گذشت زمان و انحطاط فرهنگی وبدنبال شکست ایران از روسیه، افکار زمامداران ایران را به سوی اخذ تمدن اروپائی سیر میدهد. «عباس میرزا» بهمراه وزیرش «قائم‌مقام» پیشتاز این امر می گردند و این است که از گروه‌های مختلف برای آمدن به ایران دعوت کرده و چون اهداف آنان مسائل جنگی بود اولین گروه مستشار نظامی به سرپرستی ژنرال «گاردان» فرانسوی وارد ایران می – گردد. در اینحال «سرجان ملکم» اولین سفیرانگلیس در ایران که یکی از هدفهایش چگونگی نفوذ استعماری در ایران بود چنین میگوید: «دولت ایران تابحال بوسیله همین قشون بی‌نظم در مقابل دیگران ایستاده است، ولی اکنون که عباس میرزاوضع قشون را تغییر داده است، بزودی دشمنان مملکت را تصرف میکنند».

(نقل از تاریخ تاسیسات تمدن جدید در ایران)

بدنبال ورود این هیات های خارجی، تاثیرات فرهنگی تمدن غرب در ایران آشکار میگردد: «در آن زمان حتی لباس های پیاده وسواره توپخانه ایران را از روی لباس های ارتش ناپلئون تقلید کردند.»

(نقل از کتاب تاریخ اجتماعی وسیاسی ایران در دوره معاصر ص۲۲۳)

«صفوف مختلف نظام را ازروی سازمان ارتش فرانسه ترتیب دادند، درجات نظامی از آن زمان درایران معمول شد و این درجات از «رومینی‌تاسرداری» بود».

(نقل از کتاب روابط ناپلئون و ایران ص۷۵_۷۳)

اما با شکست نظامی ایران از روس‌ها اولین گروه مستشاران نظامی از ایران خارج میگردند و روابط ایران وغرب وارد مرحله جدیدی میگردد. در اواخر اقامت «گاردان» در ایران طی مواردی، دولت فرانسه قبول کرده بود که عده‌ای از جوانان ایرانی را برای آموزش به فرانسه اعزام کند. ولی باشکست ماموران نظامی فرانسه ومشخص شدن هدف های سیاسی آنان، این برنامه متوقف میگردد. در این زمان سفیر مخصوص انگلستان، سرجان ملکم، که از موضوع مطلع میگردد بلافاصله وارد ایران شده وبعد از مدتی دو تن از جوانان ایرانی را به‌همراه خویش به انگلستان میبرد وسپس گروه ۵نفری دیگری نیز برای تعلیم به آنجا اعزام میگردند شاید بتوان گرایش‌های غربی وجریان غرب‌باوری رابه این زمان واین افراد که برای تحصیل بخارج اعزام میگشتند مربوط دانست. با این زمینه که مقایسه وضع فلاکتبار مردم محروم کشور خویش بارفاه وبرخورداری پیشرفت صنعتی کشورهای غربی ورهائی از قیدو بندهای مذهبی، آنان را مجذوب غرب میکند و همین‌ها بهترین طعمه برای محفل های ماسونی‌غرب میشوند بطوریکه از میان فرنك رفته‌های آن زمان نمی‌توان شخصی را نشان داد که به عضویت لژهای فراماسونری درنیامده باشند. حربه ماسونی که استعمار از آن استفاده می‌نماید بصورتی شدید رشد می‌نماید و مادیون غرب با ایجاد محفل های ماسونی وقبول عضویت شاهزادگان درباری راهی برای نفوذ تفکر الحادی غرب پیدا میکردند. فراماسونها در حقیقت عمله استعمارگران در جهت وابسته کردن کشور خود به آنان بودند و اینکار را از طریق تبلیغ «فرهنك غربی» واستعماری وبا در دست گرفتن پست‌ها و مقامات مملکتی انجام میدادند. استادان وموسسان لژهای فراماسونری سراسر جهان از لژ بزرك (مادر) که در کشور های استعمارگر قرار داشت به اقصی نقاط جهان گسیل می شدند تا وحشیان ؟!! را درس «آدمیت» (اومانیسم) بیاموزند. این چنین است که پدران روشنفکری این مملکت گردانندگان لژهای فراماسونری می شوند. افرادی نظیر پرنس

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ۱۶۸۹۴

مأخذ: تاریخ اطلاعات ۶۱/۹/۲۷



(آرشیو)

عنوان: انقلاب فرهنگی زمینه‌ساز حضور پویای علم جامع الاطراف اسلامی در جامعه

موضوع: پیرامون مسائل انقلاب فرهنگی و وحدت حوزه و دانشگاه

تعلیم بدهند بلکه میخواهیم علاوه بر القاء آگاهی‌ها، رفتار و راه و رسم اسلامی را هم بعنوان نمونه عالمان عامل عرضه کنند و بدین ترتیب به تزکیه و تهذیب متعلمان ومجموعه محیط دانشگاه کمک‌کنند .انشاءالله.

در مقابل‌یک دسته‌روش تجربی‌و علمی‌نیز وجود دارد که باید بدانها توجه کرد. این سنخ روشها نیز تا جائیکه با ماهیت و طبع علوم اسلامی سازگار باشند قابل استفاده در حوزه‌ها خواهد بود .

در یک کلام اگر مساله جدائی دین از سیاست آنطور که ما میگوئیم حل شود و دین و سیاستیکی شوند مساله انقطاع فرهنگی نیز حل میشود، ودو فرهنگ و دو تمدن جای خود را به یک فرهنگ‌و‌تمدن میدهد. مقصودمان از تبدیل و تحول فرهنگ نیز کنار نهادن و یا دور افکندن فرهنگ غربی مصرفی انسان سوز اخلاق تباه کن است و پذیرا شدن فرهنگ‌و‌تمدن اسلامی. و اگر چنین شد ما در دوره‌ای بسیار کوتاه خواهیم توانست به نتایج شگرف و با ارزش برسیم. تا هنگامیکه دید ما یک دید قطعه‌قطعه کننده و تجزیه‌گر باشد و در این تجزیه نیز هر گوشه‌ای از جامعه وهر یک از افراد مدعی فکر کردن، بیک قبله جز کعبه‌اسلام بیندیشد به هیچ نتیجه‌ای نمی توان رسید زیرا این اجزاء با همدیگر یک کل هماهنگ و معدل‌القوا تشکیل نمیدهند، اما اگر به اسلام برگشتیم و اسلام را هم‌یک نظام جامع‌الاطراف گرفتیم، آن وقت مساله ما به لحاظ علمی حل میشود و وقتی با برخوردی موحدانه‌نسبت به جهان و گرداننده جهان‌توجه شد، مسائل باروشنی بیشتر حل میشود و انقلاب اسلامی در بعد اصلی و اساسی آن که انقلاب فرهنگی است به ثمر خواهد رسید. امیدواریم که این کار همانطور که امام امت فرموده‌اند بیش از بیست سال بطول نینجامد. این بیست‌سال نیزواقعا سالهای زیادی نیست . سال هائی است که یک یا دو نسل باید با این دید و این مفهوم جدید از دین جامع‌الاطراف و نظام جامع‌الاطراف و علم جامع‌الاطراف سروکار پیدا کند و از بن دندان آن را دریابد و مسائل مربوط به آنها برایش حل شود و بدآموزیهای گذشته از میدان عمل بدر رود وحداقل جنبه تاریخی بیابد و دیگر در عقول و افهام حکومتی نداشته باشد. جوانهای ما که در سنین پائین هستند و نیز نوجوانان ماکسانی هستند که در بیست سال آینده میتوانند عالمان‌ما باشند وعالمان‌ما ودانشجویان فعلی ما در ظرف بیست سال میتوانند از این جهت غربزدائی کنند، و آلودگی های فرهنگی و تمدن غربی را از خود بزدایند و در عین حال با جوی که علم جامع‌الاطراف اسلامی درآن میداندار میشود سروکار پیدا کنند . انشاءالله .

والسلام

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ۱۶۸۹۴

ماخذ: تاریخ اطلاعات ۶۱/۹/۲۷



عنوان: انقلاب فرهنگی زمینه‌ساز حضور پیوسته علم جامع الاطراف اسلامی در صحنه

موضوع: پیرامون مسائل انقلاب فرهنگی و وحدت حوزه و دانشگاه

(آرشیو)

از دین در جامعه‌اندیشمند سایه‌گسترشود. هنگامیکه‌برتاریخ تفکر و ارتباط آن با مدیریت ایران پس از مشروطه نظری دقیق بیفکنیم می‌بینیم که دست‌اندرکاران اداره کشور و وابستگان به حکومت از دین کناره می‌گیرند و از آن می‌هراسند.

از دین رمیدگی و ترس از دین که مبادا سیاست را تحت تاثیر قرار دهد، دارای چند چهره است. عده‌ای صددرصد ضد دین‌اند. این گروه در ابتدای مشروطه و خصوصا در دوره حکومت رضاخانی بر مقدرات کشور حاکمند. اینها نه تنها معتقدند که دین از سیاست جداست، بلکه دین را یا تریاک توده میدانند و یا بدون آنکه صریحا دین را تریاک توده بدانند، نسبت به دین مخالفت جدی ابراز میکنند. در واقع دو دسته مخالف جدی داریم که هر دو نیز ماتریالیست و مادمگرا هستند منتهی گروهی به شرق ماتریالیست و دسته‌ای به غرب مادمگرا نظر دارند.

دسته سوم از کارگردانان، کسانی‌اند که اعتدالانماز و روزه‌شان نیز ترک نمی‌شده است. اما، دین را امری فردی تلقی می‌کنند و احتمالا با تعبیر جامعه‌شناسی آن را یک نهاد اجتماعی می‌بینند در نتیجه این دسته‌هم نسبت به دین حساسیتی نشان نمیدهند. این سه دسته باهم حاکمانی را تشکیل میدهند که اصولا با دین سروکاری ندارند.

از هنگامی میتوان در تاریخ فکر ایران با راه دیگری برخورد کرد که این مطلب عنوان شود که: دین نمیتواند از سیاست جدا باشد و انفکاک دین از سیاست غلط است، اما در اینجا نیز دو نوع برخورد وجود دارد. وقتی گفته میشود که دین از سیاست نمیتواند جدا باشد مقصود این است که اظهار نظر در باره دین با ماست، یعنی برای خودمان حق زیادی در مقام اظهارنظر قائلیم، بنابر اینست که بگوئیم: خوبست فلان مساله دینی به این ترتیب مطرح شود و بهمان مساله به آنگونه، بهتر است این جایش با وضع روز تطبیق کند و آن جایش با سیاست بین‌المللی هماهنگ شود.

یعنی درست است که دین را با سیاست یکی میکنیم اما درواقع دین را در خدمت سیاست قرار میدهیم و کوتاه سخن در اینجا نیز دین در خدمت دولت و سیاست قرار میگیرد، و سیاست و دولت است که جامعه کل تلقی می‌شود. یعنی یک مجموعه جزئی میگوید هرچه را من از وضع موجود و از راه و رسم اداره کشور در می‌یابم و هرنتیجه‌ای که از اوضاع و احوال بین‌المللی و داخلی می‌گیرم همان نتیجه‌ای است که دین هم باید بدان برسد و توجیهگر آن باشد بدینگونه است که ما در یک طاس لغزنده می‌افتیم و چون دین را در خدمت سیاست قرار میدهیم در زمینه موضع‌گیری‌های داخلی و بین‌المللی گرفتار اشتباهات بسیار می‌شویم. در اینجا چون دین نیست که به سیاست خط میدهد، باید مواظب و منتظر بود و دید که سیاست چگونه به ما و دین ما خط میدهد و سیاست بین‌المللی با اقتضاآت خود چه حکمی میکند. فی‌المثل سیاست بین‌المللی اقتضا می‌کند که ما کوتاه بیائیم، سیاست بین‌المللی اقتضا میکند که حالت هجوم و حمله را از دست بدهیم، سیاست بین‌المللی اقتضا میکند که ما از صدور انقلاب صرفنظر بکنیم و نظائر اینها. یعنی مجموعه سیاست بین‌المللی و داخلی به عنوان جامعه کل تعیین‌کننده خط برای دین میشود.

در این سنخ تفکر هیچ جایی برای یکی شدن روحانی و دانشجو وجود ندارد یعنی همواره روحانی و دانشجو، همواره دین و سیاست، همواره مصالح واقعی اجتماع، و آنچه مبتنی بر مصلحت اندیشیهاست با هم فاصله دارند و از همجدا هستند. با این طرز تفکر نمیتوان نه واجد یک سیاست فرهنگی قوی و پرمایه و غنی بود و نه درسیاست داخلی تصمیمات قاطع و سریع گرفت و نه در سیاست بین‌المللی حالت هجومی و حمله‌ای داشت و شخصیت و حیثیت یک انقلابی را نشان داد. انقلاب اسلامی به رهبری امام کاری که کرد این بود که دین از سیاست منفک نیست ولی باتوجه به این نکته اساسی که سیاست باید در درون طرز تفکر دینی حل شود، و با دین یکی گردد، دین یک نظام جامع‌الاطراف است و برای تمامی مسائل حرف دارد و نظر دارد پس دین است و خط دینی که باید تعیین‌کننده خط سیاست باشد. این چیزی است که در تعبیر برادران ما به اسلام فقاهت تعبیر شده است یعنی درواقع این فقیه آگاه به مجموعه نظام و حرکت این نظام است که باید نظربدهد. و در این معناست که ولایت با عدم تفکیک دین از سیاست یکی میشود.

بدین ترتیب اسلام فقاهت میتواند راهگشای ما باشد و مساله ما را در انقلاب اسلامی ایران به تمام و کمال حل بکند و انقلاب اسلامی را باخطی که امام آغاز کرده است به نتیجه برساند.

در این حالت مساله انقطاع فرهنگی‌هم حل و فصل میشود. این انقطاع در یک بخش به سرعت و درقسمتی‌هم به آرامی از بین میرود. فرهنگ حاکم برکشور، فرهنگی منبعث از طرز تفکر دینی میشود، فرهنگی که از طرز تفکر دینی سرچشمه گرفت، یکی میشود و هنگامی که فرهنگ یکی شد، چند نوع گزارشگر نخواهد داشت. یکگزارشگر دارد که قسمتهای گونه‌گون این فرهنگ رابیان‌میکند. وقتی قرار شد در هربخش از فرهنگ، کارشناسی داشته باشیم ممکن است برای هربخش روش مخصوص مطالعه وتحقیق بوجود بیاید. کارشناس فرهنگما درزمینه مطالعات‌مربوط به فقه و اصول و فلسفه اسلامی ما دارای روش تعلیم و تعلمی خواهد بود که در کل باروش تعلیم و تعلم فیزیک‌و یا شیمی باید هماهنگ باشد اما در این روش قسمتهای خاص هررشته نیز وجود دارد. در این صورت دانشگاه همان نخواهد بود که در گذشته بوده است در این صورت دانشگاه جائی نخواهد بود که جمعی بیگانه از دین و یابا چنین احساسی نسبت به دین حضور دارند و حوزه نیز جائی نیست که عده‌ای بدون توجه به اجتماع و سیاست در آن باشند. بعکس روحانی کسی است که در حوزه به تعلیم و تعلم مشغول است و به مطالعه مباحثی خاص می‌پردازد اما این مطالعه در ارتباط با کل جامعه است. یعنی درهر لحظه این سئوال مطرح است که این مطالعه، مثلا این فقه در باره فلان امرخاص اجتماعی فی‌المثل مالکیت اراضی شهری و یاتبلیغات ویا... چه نظری‌دارد؟ و درمقابل از آنکه در دانشکده فیزیک یاشیمی میخواند میتوان پرسید این فیزیک این شیمی که تو می خوانی چه دردی از دردهای ما را دوا می کند، کجای این علم‌نافع است که تو می خوانی؟ مطالعه تو درهمان‌خط اهتمام به امور مسلمین است، آیا نتیجه کاری که عرضه میشود به کارتلها و تراستهای بین‌المللی سود میرساند و یا در مقابل آنها قرار میگیردو پاسخگوی نیازهای کشور ومقابل منافع تراستها و کارتلهای بین‌المللی است؟ در واقع موضوعات متفاوت مورد بحث و مطالعه، ممکن است در روشها، مسائل و مباحث و جزئیات متفاوت‌باشند اما همه باید در یک حال و هوا غوطه‌ور و دریک جو وزیریک سایه باشند.

اگرمابه مفهوم عدم انفکاک واقعی دین‌از سیاست و حضور دین در تمامی شئون انسانی، اجتماعی و فردی توجه و این مفهوم را قبول کردیم، آن وقت وحدت بین‌روحانی ودانشجودر بخش مربوطبه عاطفه بوجود میاید و در مرحله عمل نیز کوشش برای‌یافتن راهها و روشهای تحقق خارجی آن آغاز میشود. مثلا رابطه فقه و اصول با حقوقی که در دانشکده حقوق تدریس میکند روشن میشود: و اصولا در زمینه‌علوم مسئله حل میشود یعنی علوم دسته‌بندی میشوند. در باره بخشی از آنها اسلام نظر صریح و خاصی دارد، یعنی وحی نسبت‌به جزءجزء مطالب حرف و نظر دارد در این قسمت باید وحی حاکم باشد قسمت دیگری از علوم صرفا تجربی هستند و با مشاهده و تجربه‌سروکار دارند و توصیفی‌اند. مسائلی را که با تجربه و آزمایش سروکار دارند باید به عنوان آیات خدایی، بدستور قرآن، مورد مطالعه و تحقیق قرار داد با بیطرفی و بی نظری و باتوجه به اینکه ما آیه‌خدایی را مطالعه میکنیم. بهر حال در تقسیم‌بندی علوم، تفکیک هر علم معلوم و ارتباطش با مجموعه طرز تفکر دینی روشن میشود. با این شرط عملی و این پرسش که بلافاصله مطرح میگردد که این علمی که تو به مطالعه و تحقیق در باره‌اش پرداخته‌ای و این تجربه‌ای که بدان دست زده‌ای و به نتیجه رسیده‌ای، آیا درجمع برای این جامعه نفع دارد یا ضرر دارد؟ اگر نتیجه‌ای که میگیریم این باشد که گروهی از انسانها را در جهان از میان ببرد و یا اگر کشفی که میشود اخلاق را متزلزل کندو روابط اجتماعی سالم را در جهات مختلف سست نماید، آنگاه باید به این سئوال پاسخ داده‌شود که تا چه حد چنین کشفهائی را میتوان نافع خواند؟ در هر صورت مساله بدین ترتیب مطرح نمی شود که فلان تجربه صرفا به رفاه بیشتر کمک می کند یا نه، تا اگر جواب مثبت بود بدون در نظر گرفتن مسائل اصلی‌تر و اساسی‌تر، برآن صحه بگذاریم، بلکه‌سئوال اول ما این است که آیا این نتیجه در مجموعه طرز تفکر دینی ما و در مجموعه اخلاقی که این دین‌تعلیم میکند و در مجموع صحیح روابط اجتماعی که‌بنیادش بر این‌دین استوار است، چه اثری‌می گذارد، آیا آنها را متزلزل خواهد کرد یا نه؟

باید کوشش کرد که این علم و اختراع و هنر و ادب و ... به ارزش های ما لطمه نزند و مانع توفیق ما در انقلاب اسلامیمان نشود.

اما سئوال سوم در شرایط کنونی، یعنی در شرایطی که هنوز این جدائی از لحاظ علمی وجود دارد چه باید کرد؟ این مطلب نیز باید روشن شودکه نقش روحانیت و نقش روحانی چیست؟ یعنی اولا کسانی که بیانگر و گزارشگر فرهنگ و تمدن اصیل ما بوده‌اند و ثانیا فرهنگ و تمدنی که رهبر انقلاب مبتنی بر اسلام فقاهت و به پیروزی رساننده آن‌بوده است چگونه میخواهند فرهنگ حاکم براین انقلاب و طرز تلقی از روحانیت و معنویت را در دانشگاه‌عرضه کنند. این‌امر تنها باپیغام وبه اصطلاح با کتاب و نوشتن صرف نمیشود. میدانیم که در تعلیم و تربیت کتاب یکی از وسائل القاء معارف و اطلاعات است، اما هیچگاه نه کتاب و نه رادیو تلویزیون نمیتوانند برقرار کننده ارتباط عمیق، یاآن ارتباط مستقیم بین دانشجو و استاد، بین استاد و طالب علم باشند. آثار حضور درکلاس درس، درمحوطه ودر فضای‌آموزشی یك‌معلم‌بامعلم‌دیگرفرقهای اساسی دارد. معلمی‌در فضای آموزشی حضور پیدا میکند و درسی را القاء میکند و با رفتار و کردار و گفتار و مجموعه زندگی‌اش راهگشا و راهنمای متعلم میشود و معلمی دیگر رفتار، گفتار و القاآتش ضلالت‌آور میگردد. بنابراین نیازمند معلمانی هستیم که پیام‌آور این فرهنگ و تمدن باشند پیشنهاد ما این است که در قسمت مهمی از دروس مربوط به این فرهنگ و تمدن از کارشناسان دست‌اول آن در دانشگاه استفاده کنیم، یعنی حضور روحانیت در دانشگاه با پیام و پیغام نباشد، بلکه با حضور باصطلاح فیزیکی‌در فضای‌این دانشگاه‌توام باشد چون اینگونه حضور در فضای دانشگاه موجب برقراری ارتباط تعلیمی و تربیتی و عاطفی میشود و مجموعه رفتارها و برداشتها و طرز تلقیهای این گزارشگران راستین و عالمان عامل صرفنظر از آن آگاهیهائی که بعنوان علم توسط آنان القاء میشود، سبب تزکیه و تهذیب متعلمان میگردد. مساله نمونه و نمونه سازی در تربیت اسلامی اهمیت اساسی دارد و تزکیه و تربیت‌وحتی تعلیم ازطریق «اسوه»ها صورت میگیرد. خداوند بر مومنان منت گذاشته است، زیرا پیامبری و رسولی را از میان خودشان برانگیخته است تا به تزکیه مردم فروخواندن آیات‌الهی بپردازد. علمائی هم که ورثه انبیاء هستند باید از این قبیل باشند عالمی که‌وارث نبی و وارث رسول است وپای خود را جای پای پیغمبر میگذارد باید پیامبروار عمل کند و تعلیم بدهد و تربیت کند. اصولا مکتبهائی که کار خود را بر راه و رسم تربیتی استوار میکنند یکی از کارهایشان نمونه دادن است. قرآن می گوید که، پیغمبر اسلام برای شما نمونه است و باید از این نمونه و الگو و اسوه پیروی کنید. عالمی هم که وارث پیامبر است باید برای متعلمش اسوه‌ای از همین گونه باشد. بنابراین وقتی می‌گوئیم که گزارشگران فرهنگ، روحانیت پیامبرگونه ما باید در دانشگاه حضور پیدا کنند نه فقط به لحاظ این است که میخواهیم این علما

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ۱۶۸۹۴

ماخذ: تاریخ اطلاعات ۲۷/۹/۶۱



(آرشیو)

عنوان: انقلاب فرهنگی زمینه‌ساز حضور پیوسته علم جامع‌الاطراف اسلامی در صحنه

موضوع: پیرامون مسائل انقلاب فرهنگی و وحدت حوزه و دانشگاه / نوشته دکتر حسن حبیبی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«لقد من‌الله علی‌المومنین اذبعث فیهم رسولا من‌انفسهم یتلوا علیهم آیاته‌ویزکیهم ویعلمهم الکتاب والحکمه وان کانوا من قبل لفی ضلال‌مبین». (آل‌عمران - ۱۶۴)

با سلام به امام امت و با ادای احترام به همه شهیدان مظلوم تاریخ و شهیدان مظلوم انقلاب اسلامی ایران و با درود به شهید مفتح ، شهید روحانیت و دانشگاه و باسلام به برادران و خواهران .

در این مقام بنا بر آن دارم که در باب برخی ازمسائل انقلاب فرهنگی کلمه‌ای چند با شما درمیان بگذارم . این مسائل گوناگون و هریک از آنها ، به‌اصطلاح ، مردافکن است .

یکی از مسائل این است که چطور میتوان دانشگاه اسلامی بوجود آورد ؟ دانشگاه اسلامی نه بدان معنی که فقط در آن علوم اسلامی تدریس شود ، بل دانشگاهی که بر آن ، از همه جهت حال و هوای اسلامی موجودباشد و علوم با طرز تفکر و تلقی اسلام عرضه شود . انسانهایی که بدانجا گام مینهند و مدتی در آن محیطروزگارمیگذرانند از آنجا به تعبیر امام «آدم» خارج شوند . معلمانی هم که در آنجا به تعلیم میپردازند ورثه‌انبیاء تلقی گردند. دانشگاهی که در آن تزکیه مقدم بر تعلیم باشد و در عرصه‌اش اخلاص حکومت کند . دانشگاهی که در آنجا تنها خدا حضور داشته باشد و هیچکس غیر از خدا حاکم نباشد و همهخود را در محضر خدا ، فانی ببینند. این دانشگاه ، دانشگاه اسلامی است، اما چنین دانشگاهی را چطور میتوان بوجود آورد ؟ این یک مسئله .

مسئله دیگر این است که در این دانشگاه اسلامی محتوای علوم را به چه ترتیب باید عرضه و بیان کرد تا با طرز تفکر اسلامی ما ، نه‌تنها تغایر و تعارضی نداشته باشد، بلکه عین تلقی اسلام باشد ، و چیزی باشد که خواست خدا و پیغمبر خداست ؟ علم نافع چه علمی است؟ کدام علم است که خیر در آن نیست ؟ و کدام علم است که با حکمت هم‌معنی است؟ همان حکمتی که هرکس دارای آن است . به تعبیر قرآن خیر کثیر به وی داده شده است.

مسئله سوم این است که‌تزکیه، در این دانشگاه‌اسلامی، بااین خصوصیات و مشخصات ، به چه‌وسیله و توسط چه کسانی سرانجام تواند یافت ؟

اینها نوع مسائلی است که در حال حاضر به عنوان انقلاب‌فرهنگی با آنها دست بگریبانیم . بطور خلاصه مسئله دانشگاه اسلامی ، مسئله علوم و خصوصا علوم انسانی در دانشگاه ، و مسئله نقش معنویت و روحانیت و عرضه کننده این معنویت در دانشگاه ، مقام و موقع قشرروحانی در این محیط و درمقابل سهم و اثر دانشجو درحوزه‌هائی که روحانی در آنجا به تعلیم و تعلم اشتغال دارد .

اگر قرار باشد این مسائل را حل کنیم باید به زمینه و ریشه تاریخی این مسائل و مشکلات آنها بیندیشیم .

دانشگاهی که از گذشته بمیراث برده‌ایم ، دانشگاهی است که از روحانیت و معنویت بایسته ، برخوردار نیست و علمی هم که تا این زمان در این دانشگاه ، تعلیم می‌شده چیزی نبوده است که بواقع خواست خدا و پیامبر خدا و ائمه به حق خدا باشد . این علم ، علم نافع نبوده است . حال آنکه درگذشته ، اگر نه صددرصد ، در حدود بالائی ، چنین حوزه‌ها و دانشگاههایی در عالم اسلام موجود بوده است. بنابراین به لحاظ جامعه‌شناسی فرهنگی باید این‌مسئله را حل کرد و به این پرسش پاسخ داد که چطور شدچنین وضعی پیش آمد ؟

به لحاظ جامعه‌شناسی فرهنگی این وضع نابسامان فرهنگی ، در جامعه ایران و شاید دنیای مسلمان ، زائیده برخی واقعیتها از جمله انقطاع فرهنگی است مقصود ازاین تعبیر که من گهگاه بکار میبرم چیست ؟ انقطاع فرهنگی‌عبارت است از : جدائی و بیگانگی دو یا چند فرهنگ از یکدیگر.

جامعه اسلامی ما یعنی «جامعه‌ای که اکثر قریب‌به‌اتفاق مردمش در طی قرون و اعصار مسلمان بوده‌اند وبسیاری از آنان عامل به احکام اسلامند ، دارای فرهنگ و تمدن خاص خویش است» . این فرهنگ و تمدن بیان کنندگان و گزارشگران و تبیین کنندگانی داشته است ، که موجدو یا حافظ جو فرهنگی مورد نظر بوده و به‌گروه دیگر که به اسلام فقاهت تعبیر شده است یعنی درواقع این معیداه

متعلم ، و یا به تعبیر حضرت امیر در سبیل نجات بوده‌اند این فرهنگ و تمدن را القا میکرده‌اند و مردم عادی بسا متعلمان از عالمان تبعیت میکرده و به آنها احترام میگذاشته و فرهنگ و راه و رسم زندگیشان را از آنها میگرفته‌اند .

درمقابل این فرهنگ ، در ۱۵۰ سال اخیرفرهنگ‌دیگری در ایران نمو و بالش یافت . این فرهنگ اصولا با فرهنگ و تمدن بومی این کشور ارتباط و علاقه‌ای نداشت و در واقع فرهنگ وارداتی بود . در آغاز مردم مرزوبوم ما با این فرهنگ آشنایی نداشتند اما چون دست‌اندرکاران و مسئولان اداره کشور ، کسانی غیر از همه مردم بودند این فرهنگ را بالش و پرورش دادند و بدان تکیه کردند.

درحقیقت حکومت همواره نیازمند متکائی قابل اطمینان است و هنگامی که مردم حکومتی را نمی‌پذیرند تکیه‌گاهی از بیگانگان ضرورت پیدا میکند و توجیهگران وتحلیلگرانی لازم است ، تا کارها رامطابق راه و رسم و منافع‌و پیامهای بیگانه سروصورت دهند . راه ورسم و منافع و پیامهای بیگانه در فرهنگ و تمدن وی متجلی است و بدین‌گونه است که یک دسته تحلیلگر و گزارشگرفرهنگی برای‌حکومت پیدا میشود .

در ۱۵۰ سال اخیر تاریخ ما نیز بهمین ترتیب دو فرهنگ دربرابر هم قرار گرفتند و دو دسته از مردم‌درمقابل هم ایستادند ، دسته‌ای کوچک که متکای فکری و توجیهگر حکومت بودند و انبوه مردم که فرهنگ و تمدن بومی و گزارشگران آن را با خود داشتند . از اینجا به بعد یک مکانیسم خاص شروع به کار کرد . دسته حاکم که قدرت رادراختیار داشت ، دارای جاذبه‌های مادی بیشتری بود ، در نتیجه افرادی که در متن فرهنگی اصیل قرار نداشتند و احتمالا نیز کم‌وبیش مستعد بودند ، به جنبه‌ها و جذبه‌های مادی یاد شده توجه کرده‌اند و اندک‌اندکبه خیل‌تحلیلگران و گزارشگران وابسته به حکومت پیوستند و در پی آن فرهنگ و تمدن حاکمان بدلیل اتصال با قدرت اهمیت و ارزش مادی بیشتری یافت و کم‌کم روبه افزایش گذاشت و هرقدر دامنه‌اش گسترده‌تر شد انقطاع و شکاف و جدایی بیشتر گردید : هر قدم که به پیش آمدیم عالمان خودی یعنی عالمان گزارشگر فرهنگ و تمدن این مرزوبوم از وسائل القاء آگاهیها و عقایدو ارتباط با مردم محروم شدند و درمقابل توجیه کنندگان حکومت این وسائل را تصاحب کردند . روزنامه‌ها بیشتر در خط فرهنگ حکومتی قرار گرفتند و رادیو نیز در همین خط عمل کرد و تلویزیون‌در همان مسیر به حرکت درآمد . مردم هم براثر قطع رابطه‌شان با گزارشگران فرهنگ خودی و در نتیجه انقطاع فرهنگی، آگاه و ناآگاه در گردونه بدآموزیهائی افتادند که از طرف حکومت و فرهنگمداران آن عرضه میشد . سطح فرهنگ و تمدن جامعه علی‌الاصول و بطور کلی تنزل یافت ، آنچه مردم از حکومت گرفتند یک رشته بدآموزی خصوصا در زمینه زندگی روزمره بود ، دعوت به مصرف بودو دعوت به عدم طهارت و فحشاء و فساد و تشویق به اموری که به تو خالی کردن و پوک ساختن و بی‌ارزش نمودن‌فرهنگ قومی می‌انجامید .

اینها قسمتی از وجوه انقطاع فرهنگی است ، اما این انقطاع مبدا و مبنای فکری جدی‌تری نیز داشت کسانی که درصدد برآمدند تا جامعه اسلامی ایمان‌را از درون‌بپوسانند بلحاظ جامعه شناسی فرهنگی و سیاسی نیز راه‌حلی جستجو کردند و آنرا یافتند : برای حل مسئله، باید دولت یا یک دسته بهم پیوسته از افراد را که حاکم بر مقدرات مردم بودند ، به اصطلاح بدجای جامعه کل بنشانند . یعنی دولت را جایگزین کل جامعه کنند و نظر این گروه معدود را مربوط به کل جامعه بدانند . برای آنکه این کارسرانجام یابد ، یعنی دولت بر مسند جامعه کل بنشیند باید طرزتفکر موجود در اسلام که دین را یک نظام جامع‌الاطراف میداند از اثر و خاصیت و حرکت بیفتد و این فکر به کرسی‌بنشیند که کل جامعه تاسیسات مختلف و نهادهای گوناگونی را بوجود می‌آورد ، ایجاد و خلق میکند . مثلا نهادخانواده یا حزب و گروه سیاسی و نظایر اینها : بنابراین همانطور که در جامعه خانواده به عنوان یک تاسیس اجتماعی مرکب از افرادی معین با روابط خاص و علایقی مخصوص و بلحاظ روانشناختی بر پایه نوعی از عواطف وجود دارد حزب یا گروه سیاسی هم مرکب از افرادی با طرز تفکر اجتماعی و بینش سیاسی است . همانطور نیز جامعه

پدید آورنده و سازنده طرز تفکر و تلقی از جهان است ، و این طرز تفکر و تلقی است که باید«دین» خوانده شود در نتیجه با این برداشت دین هم یک نهاد اجتماعی میشود و بنابراین یک گوشه‌ای از مسائل را زیر پوشش میگیرد و پاسخگو و حلال مسائل این گوشه از جامعه - و نه تمامی آن - میشود بنابراین دیگر دین یک نظام جامع‌الاطراف نخواهد بود تا مسلط بر مجموع جامعه باشد .

در جامعه‌های اسلامی استعمار توانست این مطلب را بنحوی بر کرسی بنشاند یعنی بگوید : دین یک نهاد است و تنها یک گوشه از مسائل اجتماع را حل میکند و نه‌تمامی مسائل را . از یکسو در تحلیلها دولت به عنوان کل‌جامعه به کرسی نشست و از سوی دیگر دین بصورت یکی از نهادهای اجتماعی درآمد و بدینگونه بود که‌دین از دولت و دین از سیاست و دین از اداره اجتماع جدا شد . و تفکیک دین از سیاست صرفنظر از مبنای سیاسی مبنای‌جامعه شناختی نیز پیدا کرد . اما همانطور که در جای دیگر گفته‌ام این تفکیک همواره مصنوعی است . زیرا جامعه و دولت و سیاست همواره باید متکی به یک مبنای عقیدتی باشد و بهرحال اگر این مبنای عقیدتی را دین نخوانیم باید ایدئولوژی بدانیم پس این تفکیک همواره مصنوعی‌است ، یعنی اگر سیاست از دین و ازاسلام‌جداشود باید خودش‌را بهیک‌امر دیگر ، بهیک ایسم‌دیگر وصل‌کند. واین‌کار شده‌است. یعنی سیاست در تمامی جهان به ایسمی وصل است یا به ماتریالیسم یا به یک نوع ایده‌آلیسم وصل است . وقتی با سیاست با دید مادی و الحادی روبرو میشوند ، صرفنظر از وجهه ماتریالیستی‌ای که به کمونیسم می‌انجامد دروجوه دیگر اگر سیاست در نحوه عمل و طرز کار صورتی خشونت‌بار بخود بگیرد ، از وادی فاشیسم سر درمی‌آورد و اگر بر چهره خود نوعی لعاب و رنگ بزند (که درواقع امر بازهم همان فاشیسم است اما با لعاب و رنگ) و وجهه و جنبه‌ای آزادیخواهانه به خود بگیرد عنوان لیبرالیسم می‌یابد چنانچه همراه باتسلطوسلطه فاشیستی برسراسر جهان باشدنام امپریالیسم‌برآن برازنده است. بهرحال روشن است، که‌سیاست بایستی متکی بریک ایدئولوژی باشد و بطور خلاصه اگر سیاست رااز دین ببرند باید بهیک امر دیگر پیوندش دهند. منتهی اگردین باابتناء واتکاءبه وحی،

وبا نظام جامع‌الاطراف خود میتواند بحل‌وفصل تمامی مسائل جامعه بپردازد هنگامی که‌دین‌را ازسیاست بازگرفتیم و سیاست‌رابه یکی‌از ایسمها‌وصل کردیم. ازیکسو جامعه‌رااز مجموعه معنویتها جدامی‌کنیم وراه حلهای جامع‌الاطرافی راکه پاسخگوی تمامی زوایای زندگی انسان است از وی دریغ مینماییم واز سوی دیگر جامعه را دردامن یکی از خطوط انحرافی سیاست جهانی می‌افکنیم واین امر یعنی تفکیک دین از سیاست موجب میگرددکه دامنه انقطاع فرهنگی‌گسترده‌ترشود. در نتیجه‌اگربخواهیم‌کل‌جامعه‌یکی‌شود و افراد دوباره همدیگر راپیدا بکنند ودریابند راهی جز این نداریم که‌مسئله را بطور بنیادی حل‌بکنیم، یعنی کاری کنیم که در مجموع جامعه یک طرز تفکر اصیل حاکم شود و برفرهنگ و سیاست و زندگی شخصی افراد اشراف‌یابد و در باره افراد نظر بدهد.

در تاریخ ایران چندبار این مسئله مطرح شده وبرای حل آن کوشش به عمل آمده است ، اماهربار به شدت جلوی این کار را گرفته‌اند . یکبار در ماجرای تنباکو کوشش برای حل این مساله بعمل آمد- در واقع قرار براین بود که ارتباط بین سیاست و طرز تفکر دینی برقرار شود. اصولا ارتباط بلحاظ یک امر اجتماعی برقرارشدولی چون مردم این پیام را بطور کامل دریافت نکردند، کاملا به کارها و عملیات حکومت توجه ننمودند و بنابراین‌ماجرای تنباکو نتوانست ادامه پیدا کند و پیروزی استمرار یابد. رابطه دین و سیاستی که ابتدا باهم گره خورده بود،پس از مدتی سست شد. در جریان مشروطیت نیز همین مطلب پیش آمد. اصرار براین بود که مشروطه مشروعه‌ای باشد که از تفکر دینی الهام بگیرد اما در این جریان نیز عده‌ای دخالت کردند و نگذاشتند این دو با یکدیگر آشتی بکنندو دین و سیاست مجددا در عالم خارج و در عالم واقع‌یکی شوند . اگر دقیق شویم می‌بینیم که پس از مشروطیت‌سعی میشود که افراد صاحب‌اندیشه بگونه‌ای تربیت شوند که از دین ، نوعی رمیدگی داشته باشند و به تعبیر دیگرترس

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....



عنوان : دکتر لویی [illegible]

موضوع: ....

ماخذ: تاریخ اطلاعات ۲۳/۶/۶۱ (آرشیو) ۱۶۸۱۸

تجانس افراد شورا همدر آغاز کار مشکلاتی با خود به همراه داشت مثلا اغلب اوقات بدلیل تشتت آراء تصمیم قاطعی در مورد برنامه‌ها و طرحها گرفته نمی‌شد و اغلب طرحها و برنامه‌ها بی جواب وسرـ درگم باقی می‌ماندند.

وی سپس ادامه داد از دیگر اشکالات شورای انقلاب فرهنگی در آغازکار این بود که، در شوراهیچ تعریفی از انقلاب فرهنگی نشده بود.

حتی یک چهارچوب و نظامی که بتواندکمیته‌های مختلف درستاد را منسجم کند وجود نداشت هرکس هرچه دلش می خواست انجام می‌داد و در عرض یکماه هم گزارشی به ستاد می فرستاد خلاصه کنم، ستاد انقلاب فرهنگی درابتدا هیچ تعریفی برای دانشگاه اسلامی نداشت. البته باید بگوییم‌ماهرگز توقع‌نداشتیم، در عرض دو سال انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها انجام شود منتهی حرف ما این است‌که درآستانه‌بازگشایی دانشگاه ها این مراکز بتوانند حداقل هماهنگ و همطراز با حرکت انقلاب اسلامی در جامعه قرار گیرند. گو اینکه نمی‌توان تلاش برادران ستادانقلاب فرهنگی را در رسیدن‌به‌این هدف بزرگ نادیده‌انگاشت.

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....



عنوان : دگرگونی سیستم آموزشی کشور به زمان نیاز دارد.

موضوع: گفتگو با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی و مشاور معاونت امور دانشجوئی وزارت فرهنگ و آموزش عالی (۲)

ماخذ: تاریخ اطلاعات ۶۱/۶/۲۳ — ۱۳۶۸۱۸

(آرشیو)

مهندس شجیع‌فر ابتدا در مورد اینکه طرح پیشنهادی کنکور تاچه اندازه با دیدگاه های وزارت فرهنگ و آموزش عالی بعنوان مجری طرح‌ها مطابقت دارد، گفت: ستاد انقلاب به عنوان یک ارکان تصمیم گیرنده اقدام به اعلام طرح پیشنهادی کنکور کرده است وزارت فرهنگ و آموزش عالی هم که بعنوان یک ارکان اجرائی بایداین طرح را اجرا کند می‌بیند که این طرح بادیدگاههای اجرائی‌اش مطابقت چندانی ندارد. بنابر این معتقدم برای آنکه در انجام طرح‌ها مشکلی پیش نیاید، بهتر است بین ارکانهای تصمیم گیرنده و اجراء کننده یک هماهنگی لازم وجود داشته باشد. مثلا در حال حاضر اساس اختلاف نظر ستادانقلاب فرهنگی با وزارت فرهنگ و آموزش عالی در زمینه قبول ضوابط گذشته وحال توسط وزارتخانه نیست، بلکه پیچیدگی اجرای این طرح پیشنهادی است که کار وزارت فرهنگ و آموزش عالی‌راجهت گزینش دانشجو مشکل ساخته است.

ستاد اعلام میکند که در گزینش دانشجو این‌ضابطه مورد قبول ماست ووزارت فرهنگ و آموزش عالی هم اعلام میدارد اجرای این ضوابط بسیار پیچیده و مشکل است. همین‌اختلاف نظرهای موجود بین ستاد انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی که ناشی از عدم هماهنگی بین آنهاست باعث شده تاانجام برنامه های کنکور کمی به تعویق بیفتد.

شجیع‌فر ادامه داد:

ستادانقلاب فرهنگی کمیته‌ای بنام گزینش دانشجو دارد که قبلا در این کمیته معاونین دانشجوئی وزارت فرهنگ و آموزش عالی نیز شرکت داشتند، وبه این ترتیب‌درجریان‌تصمیم گیری برای گزینش دانشجو هماهنگی های لازم‌بوجودمی آمد، اما اگر این کمیته گزینش دانشجو کار خودرا به همان شکل قبلی‌ادامه‌می داد این اختلافات پیش‌نمی آمد.

تداخل وظایف

شجیع‌فر آنگاه بضوابط موجود در وزارت فرهنگ و آموزش عالی که در گذشته نیز ستاد کم بوده است اشاره کرد و گفت: تاکنون نه ستاد انقلاب فرهنگی و نه سایر ارگانها این ضوابط را

مردود نشمارده‌اند، امابا اینحال ستاد خود یکسری ضوابطی را جدیدا تدوین کرده و آنرا برای اجرا به ستاد امور اجرائی وابسته به‌ستاد انقلاب فرهنگی‌ابلاغ نموده است. ببینید اولا به وزارت فرهنگ و آموزش عالی که اساسا یک نهاد اجرائی است این ضوابط ابلاغ نشده، بلکه به چیزی شبیه به این وزارت خانه یعنی ستاد امور اجرائی ابلاغ شده است. ثانیاستاد امور اجرائی نیز به دنبال ابلاغ ضوابط جدید، برای دانشگاه هایک بخشنامه‌می‌فرستد، در کنار آن‌وزارت فرهنگ و آموزش عالی‌نیز بخشنامه دیگری به دانشگاه ها می‌دهد، و در این‌وسط دانشگاه ها می مانند که کدام بخشنامه راواجرا کنند؟ مسئول این سردرگمی و تداخل در تصمیم گیری ها کیست؟ چنانچه ضوابط حاکم بر وزارت فرهنگ و آموزش عالی پسندیده‌نیست چرا ستاد انقلاب فرهنگی‌با آن برخوردی نمی کندواگر قابل تحمل است پس این ستاد امور اجرائی چیست؟ بار دیگر تکرار می‌کنم که همین تداخل وظایف، باعث کندی در بازگشائی‌دانشگاه ها است، و طبیعتا این‌مهم به ضرر انقلاب و انقلاب فرهنگی‌خواهدبود.بخصوص آنکه این‌تداخل وظایف‌باعث شد تا ما شاهد اختلاف‌نظر های این ارکان هاکه هردو معتقد بحرکت‌درخط انقلابند در سطح روزنامه هاباشیم.

باید از وزیر پرسید

مهندس‌شجیع‌فرمشاورمعاونت امور دانشجوئی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، در پاسخ به این سئوال که ستاد انقلاب فرهنگی اعلام داشته است که برای رفع اختلافات موجود حاضربه گفتگو با وزارت فرهنگ و آموزش عالی است، چرا آن وزارتخانه در این جهت اقدامی نمی‌کند؟ گفت: این سئوال را بایداز جناب‌وزیر پرسید. اما لازم به توضیح است که بگویم این‌اختلافات بین مقامات‌بالانیست که‌باعث این مسایل شده بلکه تداخل وظایف عامل عمده در این قضیه است. زیرا بهرحال از اول وزیر فرهنگ و آموزش عالی و سایرین‌در وزارتخانه‌گشائی بودانشگاه توسط جهاد دانشگاهی و ستاد انقلاب فرهنگی تعیین شده‌اند، مثلا وزیر فعلی



(برادر دکتر نجفی) از سوی جهاد دانشگاهی به شهید باهنر معرفی شدواز آن زمان تا بحال ایشان وزیر هستند. مسئله اساسی چیز دیگری است، وآن‌وجودستاد امور اجرائی در کناروزارت فرهنگ و آموزش عالی‌میباشد.

نقش وزارت علوم در طرح ارائه شده کنکور

مهندس شجیع‌فر پیرامون نقش وزارت فرهنگ‌وآموزش عالی، در طرح پیشنهادی کنکور گفت: این‌وزارتخانه در طرح ارائه شده هیچ‌نقشی نداشته است، و طرح ارائه شده هیچگونه هماهنگی با دیدگاههای وزارت فرهنگ و آموزش عالی ندارد. زیرا اگر هماهنگی بین ستاد و وزارتخانه وجود داشت این جنجالها و درگیریها و اطلاعیه های روزنامه‌ای پیش‌نمی‌آمد. تا اصلاحات‌درسیستم‌آموزشی و استخدامی کشور...

مهندس شجیع‌فر در پاسخ به این سئوال که اگراحتمالا کنکور برگزار شود چند درصد داوطلبین جذب دانشگاهها می‌شوند؟ گفت: مهمترین مسئله درحال‌حاضر، ادامه تحصیل در کانال‌صحیح آن است. این انبوه داوطلبین کنکوربرای چیست؟ اینها دنبال چه‌چیزی‌هستند، آیا اگر اختلاف سطح‌حقوقی بین لیسانس و دیپلم‌نداشتیم بازهم اینهمه داوطلب کنکور داشتیم؟ و یا اینهمه‌داوطلب نیازی به الادامه تحصیل‌درخود می‌دیدند؟ بنابراین‌مشکل‌انبوه داوطلبین ورود به‌دانشگاه‌ها ریشه در سیستم آموزشی و روابط استخدامی کشور دارد و تا وقتی که‌اصلاحاتی در این زمینه بعمل نیاید‌مشکل داوطلبین همچنان‌باقی‌خواهد ماند.

اما در مورد درصد جذب داوطلبین به دانشگاه ها، باتوجه به برنامه هائی که ستاد انقلاب فرهنگی در حال تنظیم آن میباشد وهمچنین پیش‌بینی‌هائی که در آن بوجود آمده و امکاناتی که برای وزارت فرهنگ‌وآموزش

عالی وجود دارد. کنکور احتمالی آینده نمی تواند تعداد زیادی از داوطلبین را در سال ۶۲ جذب‌دانشگاهها کند، آنهم با توجه به‌ماده واحده‌ای که‌بتازگی درمجلس گذشت و درآن ماده‌پیشنهاد شده، در بهمن ماه ۶۱ حداقل رشته‌های پزشکی شروع به فعالیت کنند، (این حداکثر حدودی است که مجلس قائل شده است)

احتمال نمیدهم بجز رشته‌های پزشکی، در سال ۶۱ بتوانیم در سایر رشته ها از طریق کنکور دانشجو بگیریم. البته برای آنها که می‌خواهند در دانشگاه ادامه تحصیل بدهند امکان بازگشائی زیاد خواهد بود، ولی برای کسانیکه می‌خواهند در کنکور شرکت کنند جز رشته پزشکی در رشته‌دیگری‌نمی‌توانند کنکور بدهند. تازه اگر هم کنکور انجام شوددرسال ۶۱ دانشجو به دانشگاه نخواهد رفت. در مورد اینکه با این سیل داوطلبین چه باید کرد و تکلیف آنهاچیست؟ مجبوریم از روشها و اصلاحیه هائی که بوجودآمده است‌درجذب داوطلبین، صالح‌ترین چه‌از نظر تخصص و چه تعهد را انتخاب کنیم.

راهی جز رفتن به سربازی نیست

بنابراین من معتقدم در شرایطی که کشور ما حالت جنگی دارد. نیاز ایجاب می کند برادران‌ما جبهه های جنگ را پر کنند، همچنین اگر برادران عزیزی که مسئله کنکوربرایشان‌مطرح است، در کنکور هم شرکت کنند، اعلام نتیجه آن به وقت دیگری موکول می‌شود، پس برای این‌برادران فعلا راهی بجز رفتن به سربازی باقی نمیماند. اگر در کنکورهم‌برایشان‌موفقیتی حاصل شد، از آنها جهت شرکت در دانشگاه دعوت بعمل خواهد آمد.

در مورد کسانی هم که دوران سربازی را تمام کرده اما هنوز نتوانسته‌اند وارد دانشگاهها شوند، پیشنهاد می کنم‌در دانشگاههای آزادی که تشکیل میشود و ممکن است از طرف وزارت فرهنگ و آموزش عالی هم اعلام‌شود ثبت‌نام کنند.

انگیزه‌های ورود به آموزش عالی

مهندس شجیع‌فر مشاور معاونت امور دانشجوئی وزارت فرهنگ و آموزش‌عالی‌در موردانگیزه‌های مختلف داوطلبین کنکور گفت: در چهار سال گذشته در قشر عظیمی‌از جامعه‌انقلاب فرهنگی رخ‌داده است. ارزش‌های مخصوص یک نظام و جامعه طاغوتی محو شده و ارزشهای الهی جای آن را گرفته است.شما می‌بینیدرئیس جمهورکسی‌میشود که‌حداکثر لیسانس دارد یا سرپرست‌یک سازمان مهم کسی است که مدرک دیپلم دارد. بنابراین می‌بینیدکه فرهنگ مدرکگرائی در جامعه ما بطور نسبی از بین رفته است، اما هنوز کسانی هستند که‌نتوانسته‌اند خودشان را با این‌تغییرات ارزشی تطبیق‌دهند و اصولا تحصیل در دانشگاه رابمنظور ارتقاء شغلی و افزایش‌حقوق خود می‌خواهند، وبا توجه به همین مهم بود که ستاد انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی در برگزاری کنکور به نهادهای انقلابی جهت جذب دانشجو سهمیه دادند تاشاید با شرکت داوطلبین نهادهادر امتحانات کنکور و راهیابی آنها به دانشگاه‌ها بتوان از شدت مدرکگرائی و یابعبارت دیگر جواز کسب کم کرد.

بهرحال ما امیدواریم که با تعیین ضوابط جدید بتوان به انگیزه های داوطلبین شرکت در کنکور جهت داد.

برخورد بانارسائی های آموزشی

در مورد اینکه طرح ارائه شده کنکور تاچه اندازه می‌تواند با نارسائیهای‌آموزشی دوران تحصیلی قبل‌ازدانشگاه برخورد کند و آیا اساساز سوی ستاد انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی وهمچنین آموزش و پرورش هماهنگی‌های لازم در این موردانجام‌شده استیانه؟ مهندس شجیع‌فر گفت: به یاد دارم وقتی در کمیته فنی و مهندسی انقلاب ستادفرهنگی بودم موضوع نارسائیهای آموزشی مورد توجه قرار گرفت، بر همین اساس در آن کمیته شروع کردیم‌به تدوین برنامه‌های آموزشی با کیفیت‌تازه و منطبق‌بااهداف‌انقلاب‌فرهنگی، در دوران دبیرستان.

برنامه براین پایه طرح‌ریزی شد که پس از دوره راهنمائی، محصلین باید چه مراحلی را طی‌دوره‌دبیرستان بگذرانند، تاپس از فراغت از تحصیل مدرک آنها دارای سوددهی کافی در جامعه باشد. موضوع را با وزارت آموزش و پرورش هماهنگ کردیم، قرار شد از سالهائی که هنوز برای دانش‌آموز مسئله مدرک ونقش آن در یک‌جامعه مصرفی وطاغوتی مطرح نیست جهتی برایش در تحصیل ترسیم شود که از یک طرف خودش به آن علاقمند باشد و از طرف دیگر نیازجامعه و کشور آن را می‌طلبد. فکر می‌کنم در سایر کمیته‌ها از جمله کمیته کشاورزی هم این موضوع (نارسائیهای آموزشی) مورد توجه قرار گرفت و برهمین مبناکمیته‌ها دوران تحصیلی پیش‌دانشگاهی را مورد بررسی قرار دادند. بااینحال باید گفته شود که دگرگونی سیستم آموزشی کشور احتیاج به زمان دارد، تا از حالت بیکارپروری‌به‌درآمده، و در جهت انقلاب اسلامی قرار گیرد زیرا مدت ۵۰سال دانشگاههای ما انحراف داشتند و حالا بقول امام ۲۰ سال طول میکشد تا این مهم به‌مسیر اصلی خود هدایت شود.

ارزیابی فعالیت های ستاد انقلاب فرهنگی

شجیع‌فر در ارزیابی خود نسبت به فعالیتهای ستاد انقلاب فرهنگی گفت: یکی از مهمترین اشکالات که از آغاز فعالیت ستاد انقلاب فرهنگی در آن مشهود بود عدم تجانس افراد شورای انقلاب فرهنگی بود.

در اوایل تشکیل شورای انقلاب فرهنگی به نظر می آمد چون این شورا افکار مختلفی‌را در خود جاداده است می تواند همه نوع افکار را مطرح سازد و از میان آنهابهترین‌را انتخاب کند. منتهی چون به مرور تعداد افراد این شورا به دلایل مختلف تحلیل رفت ودر نهایت اعضای‌آن‌به‌سه نفر رسید، علیرغم آنکه قدرت تصمیم‌گیری بالا رفت ولی موجب شد که نقطه نظرات مختلف در آن‌طرح نشود وهمین موضوع ضرربزرگی‌برانقلاب‌فرهنگی وارد آورد، زیرااگر قرار بود اعضای شورای فرهنگی سه نفر باشند امام در آغاز سه نفر را انتخاب می‌کردند. ولی البته عدم

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....



عنوان: طرح پیشنهادی ستاد انقلاب فرهنگی را میتوان در کنکور ... بکار گرفت

موضوع: گفتگو با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی و مقامات وزارت فرهنگ و آموزش عالی

ماخذ: تاریخ اطلاعات ۶۱/۶/۲۱ (آرشیو)
۱۶۸۱۷

باعلام طرح‌پیشنهادی کنکور ازسوی ستاد انقلاب فرهنگی علیرغم ابهامی‌که‌دربرگزاری آن است هزاران داوطلب ورود بهدانشگاه خود را برای شرکت درامتحانات‌کنکور‌آماده می‌کنند واین درحالیست که طبق اظهارات مسئولین بیش از۱۰۰هزار نفر نمی‌توانند به دانشگاه راه یابند.

اگرقبل‌ازتوجه‌به ظرفیت پذیرش دانشگاهها ، بالابودن شمار داوطلبین شرکت در امتحانات کنکور را بررسی کنیم، درپی‌جوئی علل‌افزونی وفراوانی مشتاقان ورود به دانشگاه‌علاوه‌برمساله عدم برگزاری کنکور دردو سال گذشته وبلاتکلیف‌ماندن صدها هزار دیپلمه‌ای که‌دردو سال اخیر فارغ‌التحصیل شده‌اند به‌عوامل‌زیردست می‌یابیم :

الف: وجودفرهنگ مدرک گرائی‌در جامعه،ب:ارج‌گذاری به‌مدرک‌بجای فراگیری‌مهارت ت: کسب ارزشهای کاذب اجتماعی (تشخص طلبی) پ: سودده‌نبودن مدرک دیپلم‌در اجتماع ـ ث: تفاوت چشمگیر دستمزدها بین‌افراد صاحب مدرک وفاقد مدرک ، ج:تمایل به‌استفاده از امکانات خدمات شهری.باتوجه بمشخصه‌های فوق شمار فارغ‌التحصیلان دبیرستانهاکه‌برای‌ادامه‌تحصیل‌و ورود به‌دانشگاه‌ها خود را آماده کرده‌اند بسیار بیشتر از ظرفیتی است‌که‌باید دانشگاه‌ها دانشجو بپذیرند، بی‌تردید اگر برای رفع این‌مشکل (فراوانی شماره داوطلبین) به رشد فیزیکی دانشگاه‌ها پرداخته شود.این مشکل حل نخواهد شد، همانطور که در شماره قبل گفته شد، تنها راه گریز ازمشکل انبوه داوطلبین‌تغییر کیفیت آموزشی است، آنهم‌نه

صرفا در دانشگاهها، بل در دوره‌های تحصیلی دبستان ، راهنمائی و دبیرستان، چرا که‌اگر این دوران دچارتحول آموزشی نشود، بناچار بازهم دیپلمه‌ها برای کسب مهارت های لازم وآموزش باکیفیت بیشتر وجهت شرکت فعال درجامعه به دانشگاهها روی می‌آورند وهمچنان‌مشکل‌روز افزونی انبوه‌داوطلبین ورود بهدانشگاه ادامه‌خواهد یافت. اینک درادامه گزارش شماره قبل ببینیم مسئولین مربوط در این مورد چه می‌گویند.

لازم به توضیح است که در شماره پیش قسمتهائی از نظریات‌دکتر شریعتمداری‌عضو شورای انقلاب فرهنگی را در مورد بازگشایی دانشگاهها،کنکور، اختلافات موجود بین وزارت فرهنگ و اموزش عالی باستادانقلاب فرهنگی در رابطه طرح پیشنهادی کنکور خواندیم و اینک ادامه مصاحبه قبلی‌را با دکتر علی شریعتمداری و دکتر احمد احمدی دیگر عضو شورای انقلاب‌فرهنگی می‌خوانیم.

گنجایش دانشگاه ها برای جذب دانشجو

دکتر شریعتمداری عضو شورای انقلاب فرهنگی در مورد درصد جذب دانشجو در دانشگاهها نسبت به‌شمار داوطلبین گفت: توجه‌داشته باشید که اشکالات کار دانشگاهها دربرگزاری کنکور مربوط به دانشگاهها نیست، بلکه مربوط به سیستم آموزشی دوره تحصیلی متوسطه‌میشود. زیراآموزش متوسطه کشور مابراین‌فرض مبتنی است که همه فارغ ـ التحصیلان‌متوسطه‌به‌دانشگاه میروند. در صورتیکه قبلا نیزکمتراز یکدهم داوطلبان میتوانستند وارد دانشگاهها بشوند.

شریعتمداری در ادامه میگوید: اصولا در کشور های مختلف غالب فارغ التحصیلان دوره متوسطه جذب بازار کار میشوند و حدود ۱۰ الی ۱۵ درصد برای تحصیلات عالی‌داوطلب ورود به دانشگاه هستند.

براین پایه دانشگاهها نیز میتوانند از میان داوطلبان آنهائی را که از استعداد های لازم‌برای ادامه تحصیل برخوردارند بهترین‌را انتخاب کنندتا درمراکز آموزش عالی به تحصیل مشغول شوند.

پس باید گفت از ۸۰۰ هزار داوطلبی که‌ممکن‌است امسال در امتحانات کنکور شرکت کنند فقط عده‌معدودی میتوانند به‌دانشگاه راه‌یابند. نکته دیگری که باید توجه داشت اینکه درگذشته، بدون توجه‌به‌وضع‌آینده داوطلبین، انتخاب دانشجو از طریق کنکور صورت میگرفت برای مثال در رشته های مختلف علوم پایه ، علوم انسانی یا در رشته های فنی ، دانشجو انتخاب می‌شد امام نسبت به اینکه آیا این دانشجویان پس از فراغت ازتحصیل درهمان رشته تحصیلی خود ، اشتغال خواهند یافت‌یا نه؟هیچگونه توجهی نمی شد،اما اکنون شورای انقلاب فرهنگی به این موضوع درهنگام جذب دانشجو کمال توجه‌رادارد.

دکتر شریعتمداری سپس با اشاره به اینکه هنوز آموزش و پرورش میزان نیاز خود را نسبت به تربیت دبیر اعلام نداشته است افزود : ستاد در حال‌حاضر بااین دو مشکل روبروست واز این جهت دست‌ما‌باز نیست .ما باید براساس‌نیاز ها دانشجو انتخاب کنیم و در این رابطه تماس هائی با وزارتخانه‌هاو مراکزمختلف مملکتی جهت برآورد نیاز های کشورگرفته شده‌است.

ضرورت کنکور

حجت‌الاسلام دکتر احمد احمدی عضو دیگر شورای انقلاب فرهنگی در مورد ضرورت کنکور و اینکه آیا اساسا کنکور میتواند تنها ملاک تشخیص صلاحیت داوطلبین ورود به‌دانشگاه باشد گفت : در حال‌حاضر روشن است که ما بدون کنکور نمی‌توانیم‌در دانشگاه دانشجو بپذیریم ، زیرا با توجه به انبوه داوطلبین کماکان ،دانشگاه هاگنجایش پذیرش آنها را نخواهند داشت .بنابراین باید بناچار یک مسابقه‌ای بین داوطلبین برگزار شود . و برندگان مسابقه دانشجویان آینده کشور شوند .

اما اینکه در آینده مامی‌توانیم کنکوررا حذف کنیم یا خیر ؟ فعلا قابل‌پیش‌بینی نیست . زیرا برای کسب منظور بالا احتیاج به یک برنامه ریزی همه جانبه‌بین وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم است . تا براساس‌نیازمندی های‌کشور سیستم آموزشی بگونه‌ای تنظیم شود که هر کس در همان دبیرستان سرنوشتش معلوم شود ، یعنی اغلب فارغ‌التحصیلان دبیرستان ، بتوانند مستقیما پس‌ازفراغت از تحصیل جذب بازار کار شوند .

دراین شرایط است که ما می‌توانیم از کنکور بی‌نیاز شویم، امافعلا چنین‌برنامه‌ـ ریزی وجود ندارد .. تنها آن روز، کمال مطلوب خواهد بود که ما بتوانیم دانش آموز را از همان دبیرستان‌به‌بازار کار هدایت کنیم، و عده‌ای را هم که شایستگی تحصیل‌دردانشگاه را دارند به‌دانشگاه‌بفرستیم. اگر چنین‌شود آنوقت ازهر نیروئی‌به‌اندازه‌شایستگی‌اش استفاده خواهد شد.

تکلیف رشته‌های علوم انسانی و ...

دکتر احمدی سپس بااشاره به رشته های علوم انسانی، اقتصادو... درطرح پیشنهادی کنکور گفت: شاید امسال نتوان برای این رشته ها کنکوری برگزار کرد، ولی انشاءالله در سال آینده در این رابطه نیزکنکوربرگزار خواهد شد. در حال‌حاضر نیز فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها می توانند دررشته های فنی، مهندسی،طبیعی، امتحان کنکور بدهند ، با اذعان براینکه شانس‌ورود ایشان به دانشگاهها بسیار کم است .

احمدی آنگاه در مورد برداشت شورای انقلاب فرهنگی از فرمایش‌امام‌امت مبنی براینکه دانشگاهها تا ۲۰ سال دیگر درست می شوند، گفت: همانطور که آقای شریعتمداری گفتند انقلاب فرهنگی چیزی‌نیست که در مدت کوتاهی عملی شود، منظور امام این‌بوده است که تا ۲۰ سال دیگر این انقلاب باید طول‌بکشد تاآن فرهیک غلط غربی و وابسته از دانشگاههای ما زدوده و یک فرهنگ‌جدید برپایه معیارهای اسلامی جایگزین شود.

طرح پیشنهادی‌کنکور

در موزد این سئوال که اعلام‌طرح‌پیشنهادی‌برگزاری کنکورتاچه میزان‌ازپشتوانه اجرائی برخوردار است حجت‌الاسلام احمدی گفت: وزارت فرهنگ و آموزش عالی اجرای طرح پیشنهادی کنکور را قدری مشکل و سخت‌میپندارد، اما اینطور نیست که این طرح قابل اجرا نباشد .اگرچه اجرای این طرح قدری به زحمت بیشتر احتیاج دارد.اما طبق اظهارات افراد آگاه در ستاد اینهم مشکل عمده‌ای نیست . طرح پیشنهادی قابل اجراست و میشود آن را در برگزاری کنکور آینده بکار گرفت .

حجت‌الاسلام احمدی‌افزود: این مسلم است که وقتی قرار شد یک طرحی تازه جای‌طرح قبلی را بگیرد ، تفاوتهائی نسبت به گذشته در آن به چشم بخورد .

وی همچنین درمورد قدرت جذب داوطلبین‌در دانشگاهها طی سال‌های آینده گفت: با دانشگاههای فعلی نمیتوان بدرصد جذاب دانشجویان افزود ولی با توسعه فیزیکی دانشگاهها میتوان میزان‌جذب داوطلبین به دانشگاهها رابالا برد ، ولی از همه مهمترتامین نیروی انسانی‌یا به عبارت‌دیگر تامین استاد است زیرا ما به نیروی علمی زیادی احتیاج داریم ، شاید چند برابرنیروی کنونی ، تا بتوانیم به‌دانشگاه های فعلی درحد کافی استاد بدهیم . اما فعلا دانشگاهها قادربه جذب بیشتر داوطلبین نیستند .

مزیت جذب دانشجودر استانها

حجت‌الاسلام دکتر احمدی در مورد مزیت جذب‌دانشجو از طریق استانها گفت : البته منظور این نیست که هر دانشجوئی در استان‌خودش تحصیل کند، بلکه‌ماخواستهایم با این طرح در جذب دانشجو به استانها سهمیه بدهیم . به این ترتیب دانشجویان هر استان در مرحله اول جذب همان استان میشوند و ممکن است بعد هم برای تحصیل‌به استان دیگری بروند ، منتهی هدف در حال حاضر توزیع عادلانه امکانات آموزشی‌است و اینکه ما بیائیم به نقاط محروم از امکانات آموزشی مقداری سهمیه بدهیم . زیرا این امکانات آموزشی متعلق‌به همه مردم ایران است . اگر دقت کنید می‌بینیددانشجویان تهران ۵۸ درصد از مجموع امکانات آموزشی را به خودشان اختصاص میدادند، یعنی از ۱۰۰ نفر دانشجو ۵۸ نفر در تهران بودند ، و حدود ٤ درصد مثلادر استان باختران و همدان تحصیل میکردند . بنابراین بایدمقداری به آن مراکز محروم سهمیه را بدهیم تا بتوانند امکانات آموزشی خود را رشدبدهند. با این کار ما جلوی رشد و توسعه آموزش عالی را در تهران خواهیم گرفت و به استان‌های دیگر انتقال خواهیم داد .

تاریخ دقیق بازگشائی دانشگاهها

حجت‌الاسلام احمدی عضو شورای‌انقلاب‌فرهنگی درمورد تاریخ بازگشائی دانشگاه ها گفت : بازگشائی دانشگاهها اصولا نمی‌تواند تاریخ دقیقی داشته باشد . زیرا رشته‌هائی مثل پزشکی و کشاورزی دتهاست مشغول فعالیتهای آموزشی شده‌اند ، رشته‌های فنی ـ مهندسی و علوم پایه هم طرحها و برنامه‌هاشان آماده است و انشاء الله در هفته‌های آینده اعلام خواهد شد . در مورد علوم انسانی هم چند رشته از جمله‌فلسفه‌ـ الهیات‌ـ ادبیات فارسی‌ـ‌ادبیات عرب ـ حسابداری‌ـ زبانهای خارجی ـ جغرافیا ـ حقوق و ... برنامه‌هاشان آماده است ، که در روزهای آینده اعلام میشود .

احمدی افزود : البته رشته‌های علوم انسانی قدری گیر دارند که آنهم بعلت‌انجام تغییرات بنیادین‌در این دروس است . و همچنین دروس گذشته اگر با برنامه‌های‌جدید انطباق داشته باشند جزو برنامه‌های آموزشی خواهند بود و در غیر اینصورت‌حذف خواهند شد .

حوزه و رشته علوم انسانی

درمورد اینکه رشته های علوم انسانی نسبتاباصلاحدید حوزه به فعالیت خواهند پرداخت ، احمدی گفت: همه رشته‌های علوم انسانی‌به‌عهده حوزه گذاشته نشده ، بلکه قرار است حوزه با ستاد یکنوع همکاری داشته‌باشد .

مثلا حوزه در موردطرحهای ستاد نظر میدهد . مثل طرح دروس ، الهیات ، ادبیات یا حقوق و چند رشته جامعه‌ـ شناسی(حقوق، روانشناسی، اقتصاد ، تاریخ، علوم‌تربیتی) که قرار است آقایان حوزه درموردشان تعمق کنند و در سال آینده حاصل کار خود را به دانشگاهها بدهند .

درمورد بازگشائی‌دانشگاهها نیز برنامه‌هائی که ستادانقلاب فرهنگی ریخته است باآقایان مطرح میشود ، تا در مورد رشته‌هائی‌که نامبرده شد، اگر نظری داشتند به ما اطلاع دهند .

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....



عنوان: برگزاری کنکور

موضوع: ....

ماخذ: تاریخ اطلاعات ۶۱/۶/۲۰ (آرشیو)
۱۶۹۱۶

دانشگاهیان دورههائی را گذراندهاند، و نیز بانشریاتی آشنا شدند و از برنامههای جدید مثل تحولی کهدرتدوین کتابهای درسی انجام گرفته اطلاع یافتهاند وی سپس گفت: مهمتر ازهمهتغییر انگیزه تعلیموتعلم در دانشگاههاست که قابل توجه میباشد زیرا از این پس ستاد میداند وقتیدر دانشگاه تدریس میکند، نه بخاطر کسب حیثیت اجتماعی است، و دانشجو هم میداند که تحصیل در دانشگاهبخاطر کسب امتیازات مادی وگرفتن مدرک صرف نیست. با این اوصاف میشود، گفت که دانشگاهها دچار تغییری کیفی شدهاند. بخصوص اکثریت دانشگاهیان این اصل را پذیرفتهاند که نظام ارزشی اسلام باید حاکم بردانشگاهها باشد بنابراین فکر میکنمهمین موضوع منشاءتحول دردوره بازگشائی دانشگاهها است.

اختلاف نظر با وزارت فرهنگ و آموزش عالی

علی شریعتمداری عضو شورای انقلاب فرهنگی در رابطه با اختلافات موجودبین وزارت فرهنگ وآموزشعالی با ستاد انقلاب فرهنگی در مورد طرح پیشنهادی کنکور و همچنین مسائلی دیگر در این روستا گفت:

همانطور که میدانید ستاد انقلاب فرهنگی مسئول تدوین برنامههای کنکور میباشد و این برنامهها در گروههای آموزشی تدوین شده است ما آن رابه شورای هماهنگی انتقال دادیم، این شورا انتقال وضع دانشگاهها را بررسی میکند و برنامه هائی را که به تصویب ستاد انقلاب فرهنگی رسیدهباشد، در اختیار گرفته و با کمک نمایندگان گروههای برنامه ریز بررسی مینماید، تا در مرحله دوم، برنامه هایلازم را تدوین کند. وزارتفرهنگ و آموزش عالی هم از طریق ستاد امور اجرائی با ستاد انقلاب فرهنگی در تماس است، وی در تشریح بیشتر این ستاد افزود:

پس از مطالعات و استفاده از تجربیاتی کهبعد ازپیروزی انقلاب اسلامی ایران نصیب ما شد توانستیم مدیریت دانشگاهها را ازیك سال پیش به صورت شورائی در دانشگاههاودرمرکزباتشکیل ستاد امور اجرائی به ترتیبی که منطقیتر و مطلوب تر است دربیاوریم، این ستاد متشکل از وزیر فرهنك و آموزش عالی(که ضمنابسمت دبیری ستاد امور اجرائی را به عهده دارد)، و معاونین وزارت فرهنك و نمایندگانی کهاز گروههای برنامهریزی و از انجمن های اسلامی با حکم ستاد تعیین میشوند و نماینده حوزه علمیه میباشد. کهمجموعاًاینهامدیریت های دانشگاهی را تعیین میکنند از این طریق ستاد انقلاب فرهنگی با وزارت فرهنك و آموزش عالی در تماس است و اگر قهراً در موردی به مشکلات اجرائی برخورد شود، این تماسهاتا حدی مشکلات را برطرف خواهد کرد وی افزود: من تصور نمی کنمدراجرای طرح پیشنهادی کنکورستادانقلاب فرهنگی باوزارت فرهنك و آموزش عالی اختلافی شود.

دکتر شریعتمداری سپس ادامه داد. البته طرحامتحانات ورودی دانشگاه ها باگذشته تفاوت پیدا کرده است به این صورت کهقبلا امتحانات ورودی با استفادهاز سئوالاتی که سالها قبل تدوین و در مرکز سنجش نگهداریمیشد انجام میگرفت هدف هم این بود که امتحانی بصورت عمومی انجام بگیردو هر کس نمره بیشتری آوردبهدانشگاه راه یابد. اما «ستاد» چنین هدفی را دنبال نمی کند بلکه میخواهد انتخاب دانشجو در مناطق مختلف کشور انجام شود. همچنین قصد داریماز نهادهای انقلابی عدهای را در این امتحانات شرکت دهیم و نیز افرادی که میخواهند آزادانه در امتحانات ورودی دانشگاهها شرکت کنند، زمینه لازم را داشته باشند ضمنا کوشش شده است دانشآموزانی کهدر مدارس متوسطه چه در رشته های فنی، اقتصاد، کشاورزی، علوم تجربی، و ریاضی، علوم انسانی تحصیل میکنند هم بتوانند به دانشگاه راه پیدا کنند، براین اساس ما (ستاد) مجبور بودیم در امتحانات ورودی کنکور تغییراتیبدهیم، چون وزارت فرهنگ و آموزش عالیپایبند ضوابط گذشته است، اعتقاد داردکه تفاوت ضوابط فعلی باقبل اجرای امتحانات را پیچیده میکند، البته این طبیعی استکه اینطور شود امامن فکر میکنم در سایه تبادلنظر ومشورت میشود، مشکل را حل کرد.

دکترشریعتمداریعضو ستاد انقلابفرهنگیدرموردإقدامات انجامشده جهترفع اختلافات موجود، گفت: قرار است وزارت فرهنگ و آموزش عالی راجع به طرح جذب دانشجو از طریق مناطق و نهاد های انقلابی مطالعاتی راانجامدهد، همچنینمذاکراتی با گروههای برنامهریز مادر جریاناست تاراهحلیبرایرفع اختلاف پیدا شود، که فکر میکنم باتجدیدنظر دربعضی از مواد یا تلفیق بعضی از رشتهها این مشکل اختلاف نظرنیز ازمیانبرداشته شود.

ادامه دارد.

شماره ردیف ....

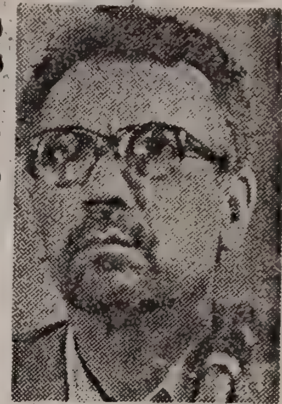
شماره مسلسل ....



ماخذ: تاریخ اطلاعات ۶۱/۶/۱۰ ۱۹۸۱۶ (آرشیو)

عنوان: برگزاری کنکور و بلاتکلیفی مشتاقان ورود به دانشگاهها

موضوع: گفتگو با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی و مقامات وزارت فرهنگ و آموزش عالی



اکثریت دانشگاهیان این اصل را پذیرفته‌اند که نظام ارزشی اسلام باید حاکم بر دانشگاهها باشد، و همین موضوع منشاء تحول در دوره بازگشائی دانشگاه‌ها است

در این قسمت گفتگوی ما با دکتر شریعتمداری را می‌خوانید.

علیرغم اعلام شرایط عمومی برگزاری کنکور ورودی دانشگاهها و شرایط داوطلبان ورود به دانشگاهها و مراکز آموزش عالی ازسوی ستاد انقلاب فرهنگی، هنوز هم پس از گذشت ۲سال واندی ازانقلاب فرهنگی، مساله کنکور وبرگزاری آن درپرده ابهام قرار دارد. چندی پیش ستاد انقلاب فرهنگی ضمن اعلام ضوابط وچگونگی شرکت داوطلبان امرکنکور سراسری دانشگاهها درسال تحصیلی ۶۲-۶۱ و آمادگی تقریبی دانشگاهها برای پذیرش دانشجو امید داد که ظرف ۳ماه آینده شاهد برگزاری اولین کنکور پس از انقلاب فرهنگی خواهیم بود.

از قراین چنین برمی‌آید که گروههای پزشکی، فنی، مهندسی کشاورزی وعلوم پایه به‌ترتیب کار گزینش دانشجو را آغاز خواهند کرد. اما وزارت فرهنگ و آموزش عالی طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که «شرایط عمومی اعلام شده برای داوطلبان واز جمله شرایط مربوط به نظام وظیفه هنوز قطعیت ندارد ونحوه گزینش دانشجو برای هرگروه نیز به‌تصویب نهائی نرسیده و باتوجه به‌این که کلیه طرحها وضوابط اعلام شده گزینش دانشجو برای سال جاری جنبه پیشنهادی داشته، قبل از انتشار دفترچه راهنمای کنکور وآگهی‌های مربوط به‌ثبت‌نام، هموطنان عزیز می‌توانند این طرح‌ها را به عنوان پیش‌نویس جهت اظهارنظر عمومی تلقی نمایند».

به‌این ترتیب مساله برگزاری کنکور درسال جاری وضوابط وشرایط آن باردیگر درپرده ابهام قرار گرفته است.

باتوجه به‌اهمیت مساله و اشتیاق روزافزون جوانان علاقمند به‌ادامه تحصیل در دانشگاهها، گروه گزارش روزنامه اطلاعات گفتگوهائی را باچندتن از مقامات ستاد انقلاب فرهنگی ووزارت فرهنگ وآموزش عالی ترتیب داده است تاچگونگی امر بازگشائی دانشگاه‌ها و برگزاری کنکور برای خوانندگان عزیز روزنامه اطلاعات روشن گردد. درگزارش امروز دیدگاه‌ها ونقطه نظرهای دکترعلی شریعتمداری (یکی ازاعضاء ستادانقلاب فرهنگی) ازنظر خوانندگان عزیز می‌گذرد:

قبل‌ازهرچیز، باچشم‌اندازی به تغییرات کیفی ایجادشده در دانشگاهها، می توان میزان‌موفقیت انقلاب‌فرهنگی را در تحول سیستم حاکم براین‌نهادهای مهم اجتماعی بمنظور انطباق هر چه بیشتر، بااهداف انقلاب اسلامی محاسبه‌کرد.

در گذشته آنچه که باعث عدم سوددهی دانشگاههای کشور ما میشد در درجه اول ضعف سیستم آموزشی و همچنین فرهنگ وجهت غلطی بود که در دانشگاهها دنبال‌میشد. دراین رابطه جادارد انتظارات مردم را در بازگشائی دانشگاهها و همچنین، برگزاری کنکور در پرتو انقلاب فرهنگی بطور محوری بازگو کنیم. تابعد ببینیم مسئولین‌انقلاب فرهنگی دراین زمینه چه کرده‌اند وچه پاسخی می دهند.

دانشگاه در پرتو انقلاب فرهنگی

بی‌شک تحول بنیادین دانشگاهها وبریدن ازآنچه که در گذشته به دانشگاه‌های ما جهت می‌داددرحال حاضریکی از مهمترین اهداف فرهنگی انقلاب‌اسلامی‌است.

بنابراین مردم انتظار دارند سیستم آموزشی دردانشگاه‌ها آنچنان باشد تا نه تنها دانشگاهها چون گذشته مرکزی برای پرورش‌بیکاره ها نباشد، بل محیطی‌بشود جهت رشد و پرورش استعداد های لازم برای بکارگیری درمراکز تولیدی وحل‌معضلات اجتماعی کشوراسلامی به‌عبارت‌دیگر در دانشگاهها به‌همراه آموزش‌های صحیح جهت کسب تخصص های لازم، بانسانیت، نیز تعلیم داده شود و فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها علیرغم دارابودن تخصص‌های لازم از تعهد مکتبی‌و انقلابی‌نیزبرخوردار باشند. از همه مهمتر مردم انتظار دارند تا دانشگاه‌و جامعه از نظر فرهنگی در یک تاثیر متقابل قرارگیرند ومبانی ارزشی حاکم بر دانشگاهها رامردم‌بخواسته‌ای تشکیل دهند که با استعمار به هیچ‌وجه سازش ندارند.

اعلام طرح پیشنهادی‌کنکور درحال‌حاضر یکی‌ازمهمترین نمودهای انقلاب فرهنگی است زیرا گذر از کانال کنکور در حال حاضرچون گذشته تنها صافی راه‌یافتن به دانشگاه‌هاست، واگرچه علیرغم اظهار نظر بسیاری از مردم و مسئولین تنها این‌ملاک نمی‌تواندتشخیص صلاحیت اشخاص برای ورود به دانشگاه باشد، با اینحال جا دارد «مساله» کنکور باتوجه به سیستم آموزشی حاکم بردوره های تحصیلی‌دربستان، راهنمائی و دبیرستان مورد ارزیابی قرار گیرد. باید دید اصولا مسئولین ستادانقلاب‌فرهنگی رابطه تنگاتنگ بین نارسایی های سیستم آموزشی در دوران فوق را چگونه با طرح جدید کنکور تلفیق نموده‌اند؟ آنهم در حالیکه تلاش ستاد انقلاب فرهنگی زدودن‌نارسائی‌های‌آموزشی در دانشگاههاست.

زائدات آموزشی

تاکنون شاهد بوده‌ایم که بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهها پس از فراغت از تحصیل اشتغال‌به‌اموری میورزند که هیچگونه ارتباطی با رشته تحصیلی آنها ندارد، واگرهم ارتباطی وجود داشته باشد اطلاعات و مهارتها آنقدر ناقص است که برای کسب تجربیات لازم سالهاوقت‌لازم است.

بنابر این اگر دربازگشائی دانشگاهها و اجرای طرح پیشنهادی کنکور، موضوع نارسائیهای سیستم آموزشی طی دورانهای‌مختلف‌تحصیلی مدنظر قرار نگیرد، و تغییر کیفی نیابد، بی شک مساله ارتقاء تحصیلی دانشجویان بدون مهارت لازم در مرحله قبلی همچنان ادامه خواهد یافت.

بازگشائی دانشگاه ها دربندانتظارات گوناگون

دیگر نگرانیهای مردمی‌در رابطه با بازگشائی‌دانشگاهها اینست که اغلب داوطلبین شرکت در کنکور و یا دانشجویانی که در حال ادامه تحصیل هستند،اهداف مادی یعنی کسب تشخیص‌و رفاه اجتماعی را دنبال می‌کنند،و ضرورت ایجاب‌می‌کند، انقلاب فرهنگی با این زائده‌هم بخوبی‌برخوردنماید تا دانشگاههای کشور اسلامی ما در غنابخشیدن به فرهنگ جامعه اسلامی نقشی فعالانه داشته باشند و به همراه «حوزه» ارکان‌فرهنگی جامعه ما را تشکیل بدهند. اکنون باید تلاش‌ستادانقلاب فرهنگی را دررسیدن‌به‌اهداف بالا ارزیابی کرد. اما چه بهتر آنکه این ارزیابی رااز زبان اعضای شورای انقلاب فرهنگی بشنویم.

ارزیابی فعالیت های ستاد انقلاب فرهنگی

دکتر شریعتمداری ابتدادر مورد این که انقلاب‌فرهنگی پس از این دوسال و اندی، تاچه اندازه در اهداف خود موفق بوده استگفت:انقلاب فرهنگی معنائی عام وگسترده دارد، و بی‌شک با انقلاب آموزشی یا بازسازی‌دانشگاه ها و دیگر مراکز آموزشی متفاوت است انقلاب‌فرهنگی کاری نیست که یک نهاد انقلابی بتنهائی توان انجام آن را داشته باشد.

وی افزود: اصولا در جامعه‌ای انقلاب فرهنگی‌به تمام معنی رخ میدهدکه‌مشو زندگی، نحوه تفکر، تمایلات و عادات، همچنین‌بینش‌مردم و نظام ارزشی حاکم برآن جامعه متحول شود و به همراه این تغییرات است که مراکز آموزشی از لحاظ هدف، روش، برخورد، برنامه‌های آموزشی، مدیریت و سازمان دچار تحول و دگرگونی میشود. ستاد انقلاب فرهنگی از بدو تاسیس تابحال ضرورتا فعالیتهای خود را در امور دانشگاهی، و تا اندازه‌ای برنامه‌های آموزشی دورمیش از دانشگاه متمرکز کرده است.

بنابراین میتوان پیشرفت فعالیت‌های ستاد را با توجه به انقلاب فرهنگی و زمینه‌های انقلاب فرهنگی مستلزم‌مشارکت موجود ارزیابی کرد. زیرا وزارتخانه‌ها و ارکان های مختلف میباشد، و اصولا یک کار جمعی و همگان در سطح جامعه است که این مهم قهرا از عهده ستاد انقلاب فرهنگی بتنهائی ساخته نبود، زیرا با محدودیتی که ستاد ازنظر نیروی انسانی داشته و دارد، و همچنین با توجه بحساسیت دانشگاهها و مراکز آموزشی نمیتوانسته است گام های اساسی را در این زمینه بردارد.

اما ستاد از نظر امور دانشگاهی و بازسازی‌دانشگاه ها روبهم رفته تاحدی موفق بوده است، لکن‌انقلاب‌فرهنگی کاری نیست که ستادبه‌تنهائی از عهده انجامش برآید. با اینحال میشود ادعا کرد که تغییراتی در شئون دانشگاهی بعمل آمده بطوریکه‌تااندازه‌ای زمینه برای تحقق‌انقلاب‌فرهنگی در دانشگاهها مساعد شده است.

فرهنگ‌اسلامی جهت‌گیری ستاد را معین میسازد

دکتر شریعتمداری درمورد اینکه آیا اعضای ستادبه‌منظور انقلاب فرهنگی در دانشگاهها از پیش دارای یک قالبندی فکری در پرتوایدئولوژی‌اصیل اسلامی بوده یا خیر وبعبارت دیگر وجه تشابهات فکری داشته‌اند گفت:

در جامعه‌ای که انقلاب اسلامی صورت گرفته است، بی‌شک فرهنگ اسلامی نیز خطوط و جهت‌گیری‌کارستاد را تعیین کرده و میکند. بنابراین ستاد نمیخواست‌پایه فرهنگ نوی رادر جامعه پیریزی کند. زیرا فرهنگ اسلامی با قیام امت مسلمان ایران به رهبری امام امت‌وارد جامعه ما شد و عملا انقلاب فرهنگی انجام گرفت.

البته این انقلاب در مراکز و نظام آموزشی، بالاخص در دانشگاهها خیلی سطحی صورت گرفته بود. ستاد با الهام از اصول و مبانی فرهنگ اسلامی توانست تغییراتی در شئون دانشگاهی انجام دهد. البته منظور این است که فرهنگ پربار اسلامی تحدی راه را برای ما باز گذاشته است گو اینکه ما خودمان هم شاید در ابتدای امر از لحاظ پیاده کردن‌مبانی فرهنگ اسلامی در مراکز آموزشی با ابهام روبرو بودیم، ولی به‌اجمال می‌دانستیم که قصد اسلامی کردن دانشگاهها را داریم. همچنین مطلع بودیم که نظام آموزشی فرهنگ اسلامی با ارزشی فرهنگ اسلامی با نظامهای ارزشی دیگر تفاوت دارد و هم از نظر علمی و پژوهشی، واینکه‌اساسا‌اسلام طرفدار گسترش‌علم وتوسعه پژوهش است. بنابراین خطوط حرکت ما از روی فرهنگ اسلامی روشن بود. همچنین با برادرانی که برای همکاری به ستاد مراجعه می کردند نیز، همین خطوط را مطرح میکردیم، بهرحال هر قدمی که ستاد پیش‌میگذاشت راه و جهت کار بیشترروشن میشد.

برنامه‌های آموزشی جدید در بازگشائی دانشگاهها

دکتر شریعتمداری در مورد اینکه پس از بازگشائی دانشگاهها اصولا شاهد چه تغییراتی در کیفیت آموزشی دانشگاهها خواهیم بود؟ گفت: امیدواریم در بازگشائی دانشگاهها برنامه‌های‌آموزشی به‌صورت جدید به موردا‌جرا دربیاید، زیرا با پایان‌فعالیت گروههای برنامه‌ریز قرار است در مرحله دوم بازگشائی برنامه‌های جدید دردانشگاهها اجرا شود، و وضع دانشجویان کنونی بابرنامه‌ های جدید انطباق یابد.

شریعتمداری افزود ... طی تعطیل دانشگاهها، چه بطور رسمی و چه بطور غیررسمی

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....



عنوان : بررسی نظام فرهنگی طاغوت و انقلاب

موضوع: ....

ماخذ: تاریخ آزادگان ۷۴۱ ۶۱/۶/۱۲ (آرشیو)

«استقلال - آزادی - جمهوری اسلامی» و «نه شرقی - نه غربی - جمهوری اسلامی» و دو شعار اصلی «ا... اکبر» و «لااله الاا...» اصول سیاست های فرهنگی در جمهوری اسلامی بعنوان خط مشی های اساسی پذیرفته شده از سوی دولت درجهت رشد و توسعه فرهنگی و از میان برداشتن فقرها و ضعفهای موجود در این زمینه به ترتیب زیر تنظیم و پیشنهاد میگردد:

اصول سیاست های فرهنگی جمهوری اسلامی در داخل کشور و در بعد صدور انقلاب اسلامی:

۱ - «نشر فرهنگ و معارف اسلامی» مبتنی براسلام فقاهت.

انقلاب اسلامی پس از سالیان دراز توانست مردم مسلمان را از چنگال وابستگیهای شیطانی رها کندوبدین ترتیب باپیروزی این انقلاب، یکی از سیاهترین دوره‌های تاریخ ایران سپری شد.

۲ - تاکید بر «معنویت و اخلاق اسلامی» در مقابل روح مادیگرای حاکم برفرهنگهای شرقی و غربی.

۳ - تاکید بر «اشاعه روح انتظار و تعبد» در جامعه.

۴ - تحقق «استقلال فرهنگی» انسانی - اسلامی.

۵ - برقراری «روابط فرهنگی با مستضعفین جهان» وتوجه به وحدت امت اسلامی در سطح ایران و جهان.

۶ - «آموزش و تربیت نیروهای کارآمد فرهنگی» و تامین شرایط لازم جهت رشد و شکوفائی خلاقیت ها در همه زمینه های فرهنگی.

۷ - «حراست و پاسداری از ارزش های انقلاب اسلامی» و حفظ و تداوم آنها.

۸ - «توجه بعموم مردم» در نشر و گسترش فرهنگ و بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه ها.

شماره ردیف ....

عنوان : بررسی نظام فرهنگی طاغوت و انقلاب



شماره مسلسل ....

موضوع: ....

ماخذ: تاریخ [illegible] ۷۴۱ ۶۱/۶/۲ (آرشیو)

(اصل دوم) جمهوری اسلامی نظامی است برپایه ایمان به :

۱- خدای یکتا (لااله‌الاالله) واختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امراو .

۲ - وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین .

۳ - معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان بسوی خدا .

٤ - عدل خدا در خلقت و تشریع .

۵ - امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی .

٦ - کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توام بامسئولیت او دربرابر خدا که از راه :

الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع ـ الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام‌الله علیهم اجمعین .

ب - استفاده از علوم و فنون وتجارت پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها .

ج - نفی هرگونه ستمگری و ستمکشی‌و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری .

قسط و عدل استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تامین می کنند .

قسمت هائی از اصل سوم - دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه‌امکانات خود را برای امور زیربکار برد :

بند ۱ - ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی .

بند ۲- بالابردن سطح آگاهیهای‌عمومی در همه زمینه‌هابا استفاده صحیح ازمطبوعات و رسانه های گروهی و وسائل دیگر .

بند ٤ - تقویت روح بررسی وتتبع وابتکار در تمام زمینه های علمی ، فنی ، فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان (هنرمندان ، نویسندگان و شعرا) .

بند ۵ - طردکامل استعمار (وسلطه فرهنگی) و جلوگیری از نفوذ (فرهنگی) اجانب .

بند٦- محو هرگونه استبداد و خودکامگی وانحصار طلبی .

بند ۷ - تامین آزادی های سیاسی و اجتماعی (و از آنجمله فرهنگی) درحدود قانون .

بند ۸ - مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی خویش .

بند ۹ - رفع تبعیضات ناروا وایجاد امکانات عادلانه برای همه درتمام زمینه‌های مادی و معنوی (و از آنجمله فرهنگی) .

بند ۱۵ - توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم .

بند ۱٦ - تنظیم سیاست (فرهنگی) خارجی کشور براساس معیارهای اسلام ، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان وحمایت بیدریغ از مستضعفان جهان .

قسمتی از اصل پنجم - در زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل ا... تعالی فرجه - در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر وامامت برعهده فقیه عادل و باتقوی ، آگاه به‌زمان، شجاع ، مدیر و مدبر است .

اصل هشتم - در جمهوری اسلامی‌ایران دعوت به خیر ، امربمعروف و نهی ازمنکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل برعهده‌مردم نسبت به یکدیگر ، دولت نسبت به مردم ومردم نسبت به دولت شرایط وحدود و کیفیت آنرا قانون معین میکند .

● توضیحات داخل پرانتزها بمنظور تاکید آورده شده و جزو متن قانون اساسی نمی باشد .

(والمومنون والمومنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن‌المنکر)

قسمتی از اصل نهم - هیچ فردیا گروه یا مقامی حق ندارد بنام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی ، فرهنگی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند .

اصل دهم - از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است ، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده ، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد .

اصل یازدهم - بحکم آیه کریمه(ان‌هذه امتکم امه واحده وانا‌ربکم فاعبدون) همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را برپایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر بعمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد .

قسمتی از اصل دوازدهم - دین رسمی ایران ، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی ، شافعی ، مالکی ، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل میباشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی ، طبق فقه خودشان آزادند ...

اصل پانزدهم - زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است . اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده اززبان های محلی و قومی در مطبوعات ورسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس ، در کنار زبان فارسی آزاد است .

اصل شانزدهم - از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملا باآن آمیخته است این زبان باید پس از دوره ابتدائی تاپایان دوره متوسطه در همه کلاسها و درهمه رشته ها تدریس شود .

اصل بیستم - همه افراد ملت اعم اززن و مرد یکسان در حمایت قانون قراردارند و از همه حقوق انسانی ، سیاسی ، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بارعایت موازین اسلام برخوردارند .

قسمتی از اصل بیستویکم- دولت‌موظف است حقوق زن را در تمام جهات بارعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد .

۱ - ایجاد زمینه های مساعد برای‌رشد شخصیت زن واحیای حقوق مادی ومعنوی او .

۲ - ...

اصل بیست و چهارم - نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یاحقوق عمومی باشند . تفصیل آنرا قانون معین می کند .

اصل یکصد و پنجاه و چهارم - جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان درکل جامعه بشری را آرمان خود میداند واستقلال وآزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردمجهان می شناسد . بنابراین در عین‌خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هرنقطه از جهان حمایت می کند .

نگاهی به سیاست های فرهنگی درچند کشور جهان

اصول سیاست های فرهنگی در مصر :

۱ - بالابردن درجه آگاهی مردم نسبت به تداوم و تسلسل فرهنگ مصر .

۲ - تقویت ارتباط فرهنگ مصر باارزش های بشردوستانه دیگر فرهنگ ها .

۳ - تائید و تقویت ارزش های فرهنگی مشترک میان مردم مصر اعم از شهری و روستائی .

٤ - تشریک مساعی در ایجاد همبستگی میان جوامع روستائی و شهری وتشویق‌کار فرهنگی .

۵ - ایجاد امکانات لازم برای‌شهروندان جهت شرکت در زندگی فرهنگی جامعه ،

٦ - تضمین کیفیت کار فرهنگی در برابر زیادمخواهی های کمی و مادی .

۷ - ایجاد رابطه مفید و سازنده میان روشنفکران و توده مردم .

۸ - حمایت دولت از هنر و هنرمندان و تقویت چنین احساسی درآنها .

۹ - حمایت و تشویق فعالیت های هنری بدون بوجود آوردن احساس فشار وترس در آنها .

۱۰ - ایجاد همگامی میان پیشرفت های فرهنگی و توسعه اجتماعی - اقتصادی .

۱۱ - تضمین منظم و سیستماتیک‌آموزش وارتقاء نهادها و عوامل (کادرها) فرهنگی بخصوص در زمینه ابداع وابتکار واشاعه فرهنگ .

۱۲ - حراست از میراث فرهنگی .

اصول سیاست های فرهنگی درالجزایر:

۱ - پایان دادن به بهره‌کشی انسان از انسان و تامین رفاه مادی و فرهنگی باتوجه به ارزش های معنوی جامعه .

۲ - آموزش تحصیلی در سطح وسیع، عربی کردن جامعه ، بازگشت به اسلام .

۳ - شناساندن ابعاد گسترده اسلام و برطرف ساختن موانعی که باعث محدودیت آن شود .

٤ - ارزیابی دوباره میراث فرهنگی ، توجه به آثار تاریخی ، هنری ، زبانی و دموکراتیزه کردن موزش و پرورش .

۵ - ارتقاء و گسترش فرهنگ ازطریق اولویت دادن به وسائل سمعی و بصری ، عدم تمرکز ، ایجاد و تشویق خلاقیت و ابتکار ، افزایش تولید کتاب و تشویق مردم به مطالعه .

٦- آموزش کادرها و پرسنل وسازماندهی تعاون فرهنگی در داخل و همکاری های بین‌المللی فرهنگی .

سیاست های فرهنگی در جمهوری اسلامی :

باتوجه به رهنمودها و آرمانهای فرهنگی تعیین شده در قانون اساسی و سیاست های استحاله‌گر نظام شاهنشاهی و نیز ضعفهای فرهنگی موجود در جامعه و شعارهای‌اساسی انقلاب اسلامی یعني :

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....



عنوان : بررسی نظام فرهنگی طاغوت و انقلاب

موضوع: ....

ماخذ: تاریخ ... ارگان ۷۴۱ (آرشیو)
۶۱/۶/۲

مادیش نیندیشد .

۳ - تاحدممکن اطلاعی از اسلام ، معارف اسلامی نداشته باشد .

٤ - در مرزبندی ارزشها ، اخلاق و ارزش های اسلامی نزد اوجائی نداشته باشد .

٥ - بجای خلاق و مولد بودن در همه زمینه‌ها و حتی زمینه های فکری ، فرهنگی مصرف کننده بوده و فاقد هرگونه خود جوشی و تحرک سازنده باشد .

٦ - آگاهی او نسبت به جامعه و جهان و آنچه در اطراف او میگذرد حداقل باشد ، تنها بخودش و لذاتش وحداکثر خانواده‌اش مشغول باشد .

انقلاب اسلامی و جریان مبارزه با انحطاط و سقوط فرهنگی

انقلاب اسلامی پس ازسالیان دراز آغاز رهائی مردم از چنگال وابستگیهای شیطانی بود - باپیروزی این انقلاب ، یکی از سیاهترین دوره های تاریخ ایران سپری شد . و چنین بود که انقلاب اسلامی بیاری خدای تبارک و تعالی و نعمت بزرگ رهبری امام خمینی (مدظله) معجزه قرن شد ، طاغوتها را درهم شکست و ارزش های نوین آفرید و براستی که‌این انقلاب در فرهنگ و و نفسها و این بازگشت جامعه‌به فطرت انسانی و خدائیش از همه آنچه که انقلاب اسلامی در زمینه های سیاسی و اقتصادی بدست آورده و بدست خواهد آورد پرارزش‌تر و ریشه‌ای‌تر بوده و هست .

این جریان پس از پیروزی انقلاب‌اسلامی همچنان ادامه یافته و در تداوم این تحول و انقلاب روحی و فرهنگی است که مردم برای بازگشت هرچه بیشتر به فطرت الهی خود و برای مبارزه هرچه گسترده‌تر با اجنبی استعمارگر و باشناخت ریشه ها وچگونگی های استحاله فرهنگی و انسانی غرب ، از یکسو به نفی همه نهادهای شستشوگرمغز انسان و از دیگر سو به ساختمان فرهنگ نوین اسلامی خویش مبادرت می کنند .

ضعفهای فرهنگی در جامعه ما

پیروزی انقلاب اسلامی چنانکه گفته شد از سوئی حاصل و مبین تحولات عظیم‌نفسانی و فرهنگی در جامعه و حاکی از بازگشت عمیق جامعه به فطرت الهی و انسانی آن بود و از سوی دیگر نیز عمدتا طومار جریان انحطاط فرهنگی روبه تزاید شاهنشاهی و سیاست‌ها و برنامه های فرهنگی فاسدی را که در آن می گذشت درهم پیچید .

نگرشی به وضعیت کنونی فرهنگ در جامعه ایران ، درعین مشاهده هرروزه ارزشمندترین صحنه‌های اعتلای روح انسانی از جمله در جبهه های نبرد حق علیه باطل، عمده‌ترین ضعفهای فرهنگی موجود را بما عرضه می دارد . حل مشکلات فرهنگی‌موجود و برخورد صحیح جمهوری اسلامی باآنها ضامن حفظ و تداوم انقلاب اسلامی وموفقیت این حرکت الهی است

عمده‌ترین ضعف های فرهنگی که در شرایط کنونی انقلاب اسلامی‌می توان برشمرد عبارتند از :

۱ - ضعف در آگاهی نسبت بـه معارف اسلامی

واقعیت اینست کـه دوران جهالت ستمشاهی بقدری مردم ما را از اسلام دور نمود که اکنون علیرغم همه کوشش هائی که صورت گرفته و می گیرد هنوز فاصله‌زیادی تا رسیدن توده مردم و حتی قشرهای باسواد جامعه به حد متوسطی از اگاهیهای اسلامی در پیش داریم .

۲ - ضعف اخلاقی در جامعه

از بزرگترین خطراتی که جامعه انقلابی و جوان ما را تهدید می کند خطر فقر و ضعف اخلاقی در روابط فردی و اجتماعی است . چیزی که ممکنست ابتدائا و در جو هیجانات سیاسی چندان مهم ننماید لیکن در انقلابی که مکتب آن اسلام است وپیامبر این مکتب محمد (ص) هدف از بعثت خویش را اکمال اخلاق پسندیده عنوان فرموده است ، نمی توان به مسئله اخلاق که همانا تجلی ارزش های مکتب در روابط فردی و اجتماعی مردم است به دیده اهمیت ننگریست .

۳ - ضعف در خلاقیت های فرهنگی و هنری

در بحث از سیاست های فرهنگی زمان شاه گفته شد که طاغوت از رشد وشکوفائی هرگونه استعداد فرهنگی و هنری درجهتی غیر از آنچه مطلوب او بود جلوگیری می نمود و در نتیجه اینک جمهوری اسلامی باضعفی اساسی در زمینه وجود نیروهای کارآمد و لازم جهت انجام امورفرهنگی و هنری روبرواست بطوریکه تارسیدن به حد مطلوب در خلاقیت های فرهنگی و هنری روبرواست بطوریکه تارسیدن بحدمطلوب در خلاقیتهـای فرهنگـی و هنـری راهی دراز پیش روی داریم . هنوز در جمهوری اسلامی روح‌مطالعه‌و تحقیق بصورتی جامع در پیکر اجتماع دمیده نشده است و این جز به لحاظ جوانی و بی تجربگی و کمیابی نیروهای مسلمانی که در عرصه های هنری به فعالیت و تلاش پرداخته‌اند نمی باشد .

٤ - ضعف در تعبد و وجود روح انتظار

همه پیامبران الهی (ع) آمدند تاجامعه ها را از عبادت الهه‌های شرک بعبادت ا... رهنمون شوند و پیامبراسلام (ص)نیز درهمین امتداد دعوت کننده مردم به عبادت ا... و نفی عبادت طاغوتها بود تا فطرت الهی رشدش نیز متوقف نشود و روح اطاعت از رهبر الهی در قبال درک و خواست نفسانی، ملکه وجودش گردد

٥ - ضعف در جهت عدم شناخت دقیق هویت مستقل و تاریخ و فرهنگ غنی گذشته

انقلاب اسلامی بیاری خدا با موفقیت ، بافت و عمده‌ترین حلقه‌های نفوذ فرهنگی غرب را در این کشور از همگسست . با از هم گسیختن آن بافت شیطانی وابسته به غرب باید که بافتی نوین ، مستقل وپیوسته بـه فرهنگ‌اصیل اسلامی و مردمی کشوربوجود آید .

٦ - ضعف در زدودن بقایای فسادفرهنگی و نفوذ فرهنگی شرق و غرب

هنوز در اکثر زمینه های فرهنگی و هنری با حضور پدیده ها و جریانات عیان و نهان فرهنگ غرب به انحاء گوناگون روبرو هستیم و برکسی پوشیده نیست که برای حفظ سلامت و رشد و بالندگی انقلاب اسلامی مبارزه بـا مظاهر غربزدگی‌و فساد فرهنگی امری اجتناب‌ناپذیر است .

۷ - بیسوادی

بیسوادی از جمله اساسی‌ترین موانع در مقابل نشر سریع معارف اسلامی و آگاهی های اجتماعی و سیاسی می باشد و لذا در کنار هرتلاش فرهنگی باید سهم عمده‌ای را برای مبارزه با بیسوادی درنظر گرفت .

مسائل و ضعفهای فرهنگی در دیگر نقاط جهان

از آنجا که انقلاب اسلامی خـود را انقلابی در چهارچوب مرزهای جغرافیائی یک کشور ندانسته و رهائی مستضعفین جهان را رسالت خود میداند ، جمهوری اسلامی‌اقدام در جهت رشد و اعتلای فرهنگی همه‌مستضعفین جهان و بواقع صدور فرهنگی انقلاب اسلامی را از جمله اهم وظایف خود می داند.

حاکمیت استکبار برسراسر جهان‌سیاست هائی را شبیه آنچه که شاه برمردم مااعمال می‌کرد بر مستضعفین جهان اعمال مینماید و در نتیجه آنچه بعنوان ضعفهای فرهنگی در جمهوری اسلامی ، ناشی از حاکمیت طاغوت، شمرده شد بصورتی تقریبا عمومی لیکن در ابعادی وحشتناکتر در جهان تحت سلطـه ابرقدرتهای مستکبر شرق و غرب وجوددارد و مستضعفین باشدتی هرچه‌تمامتر به سوی‌از خودبیگانگی ، دوری از فطرت الهی و عبادت طاغوت رانده می شوند . جمهوری اسلامی در اجرای رسالت الهی وانسانی خود موظف است در اقصی نقاط جهان باتوجه به فقر وضعفهای ریشه‌ای فرهنگی مستضعفین که هنوز زیرچکمه های طواغیت زندگی می کنند به اقدام واقعی فرهنگی در جهت صدور انقلاب اسلامی و رهائی آنان ازستمها مبادرت نماید .

برخورد جمهوری اسلامی با مشکلات ومسائل فرهنگی

با آگاهی برآرمانها و اهداف کلی‌فرهنگی‌در نظام ستم شاهی‌وبا توجه‌به مشکلات وضعفهای فرهنگی درجمهوری‌اسلامی ضرورت داردکـه باشناخت هدفهاو آرمانهای کلی جمهـوری اسلامی در زمینه های فرهنگی و توجه به زمینه ها و موارد دیگری که ذکر آنها گذشت به تدوین سیاستها و خط مشی های جمهوری اسلامی در جهت رشد و توسعه و ازمیان برداشتن کمبود ها و نارسائی های موجود فرهنگی بپردازیم . قانون اساسی جمهوری اسلامی در برخورد با مسائل فرهنگی هدفهای کلی و آرمانها و رهنمود های زیر را عرضه می دارد :

مقدمه قانون اساسی در مورد «شیوه حکومت در اسلام»

رسالت قانون اساسی این است که زمینه های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را بوجود آورد که در آن انسان با ارزش های والا و جهان شمول اسلامی پرورش یابد . قانون اساسی باتوجه بـه محتوای اسلامی انقلاب ایران‌که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین برمستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می کند بویژه در گسترش روابط بین‌المللی ، بادیگر جنبش های اسلامی و مردمی می کوشد تاراه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (آن هذه امتکم امه‌واحده و انا‌ربکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم درتمامی جهان قوام یابد .

مقدمه قانون اساسی در مورد «وسائل ارتباط جمعی »

وسائل ارتباط جمعی (رادیو تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه های متفاوت بهره‌جوید و از اشاعه و ترویج خصلت های تخریبی و ضداسلامی جـدا پرهیز کند .

شماره ردیف ......

شماره مسلسل ......



عنوان : بررسی نظام فرهنگی طاغوت و اهداف

موضوع: بررسی نظام فرهنگی طاغوت و اهداف

ماخذ: تاریخ: آزادگان ۷۴۱ ۶۱/۶/۲ (آرشیو)

در دوران معاصر تاریخ ایران وخصوصا زمان رضاخان با جریانی از حملات سازمان یافته برعلیه فرهنگ اسلامی و انسانی این کشور روبرو می شویم که میتوان آنرا در سه مرحله اساسی مورد بررسی قرارداد :

۱ - مرحله شکستن و تلاشی سدجامعه سنتی ایران و نفی ارزش های حاکم برآن :

پیش از آن ، استعمار در عرصه سیاست کشور و نیز فروش کالا های تجارتی خود موفقیت هائی بدست آورده بود لیکن در عرصه عقاید و فرهنگ و دمیدن روح مادیگرا و ارزش های دنیوی خود به کالبد این جامعه و بازکردن دروازه های کشور برروی ورود فرهنگ استعمار ، بلحاظ حضور و نفوذ روحانیت توفیقی نیافته بود و حتی فتنه‌های باب و بهائیز تاثیری در کاهش اقتدار معنوی روحانیون به جای نگذارده بود . اینجاست که می توان گفت اقدام رضاخان در زمینه کشف حجاب و متحدالشکل کردن لباسها برخلاف پاره‌ای از روشنفکران نه هجوم به سطح و روساخت جامعه که حمله‌ای حساب شده و دقیق به کل ساخت اجتماعی ، فرهنگ و ارزش های پذیرفته شده جامعه اسلامی و شرقی ما در همه ابعاد فرهنگی، اجتماعی ، سیاسی و اقتصادیش بود که ابتدائا ازدریچه کشف حجاب و لباس متحدالشکل صورت می گرفت . در واقع این اقدامات را باید بمنزله نفی جبری و قطع رسمی زنجیره فرهنگ و ارزش های اسلامی و شرقی در میهن ما دانست و این کاری بود که استعمار، تقریبا همزمان در همسایگی ما درعثمانی نیز بدست مهره‌ای دیگر به انجام می رسانید .

۲ - مرحله قطع رابطه بین نسل نوین ایران و تاریخ و فرهنگ پربار اسلامی کشور :

استعمار همگام و هماهنگ با اقدام در جهت ریشه‌کن کردن درخت تناور فرهنگ انسانی و اسلامی این کشور اقدامات خود را در جهت از میان برداشتن هرآن چیزی که ممکن بود روزی به رویش مجدد این درخت منجر شود آغاز کرد .

اینجا بود که مستشرقین و تاریخنویسان وابسته به تحلیل از تمدن فراموش ومنهدم شده شاهنشاهان باستانی ایران پرداختند و چنان وانمود کردند که گویا در طول قریب هزار و چهارصد سالی که این مردم به اسلام مشرف شده‌اند در این مملکت هیچ اتفاقی نیافتاده است نوکران استعمار کوشیدند تا همه آنچه را که ممکن بود روزی بین جوانان مسلمان ما و فرهنگ غنی گذشته ارتباط و پیوندی برقرار کند بدست فراموشی و یا تحریف بسپارند و در این راه کوشیدند تا روحانیون را بعنوان وارثان فرهنگ ومعارف اسلامی بدنام کنند . در کتابهایشان سخنی از جوشش و افتخارات صدها جنبش اسلامی در طول قرون بمیان نیاوردند و به عوض کوشیدند تا اسلام را بعنوان عامل اصلی عقب افتادگی مابه جوانان معرفی کنند .

احیای خاطره کورشها و داریوش‌ها جزبه خاطر به فراموش سپردن عظمت علی(ع) و حسین (ع) ودر مقیاسی کوچکتر سلمان ها و ابوذرها نبود .

کوشش ایشان در کنار گذاردن لغات عربی از زبان فارسی و جایگزین کردن لغات پهلوی بجای‌آن نیز جزدر جهت ایجاد ارتباطی غیر طبیعی و مسخرهبا فرهنگی نبودکه هزاران سال پیش بخاک سپرده شده بود واینان اکنون مستشرقین خود را به نبش قبرش گماشته بودند .

اینان صالحان را خائن (بعنوان مثال شیخ فضل‌الله نوری) و خائنان را از ابتداء خادم معرفی کردند . ارزش های متعالی فرهنگ انسانی و اسلامی ما را ارتجاعی و تفکر خویش را آزادیخواهانه و مترقی‌نامیدند. همه نیکبختی‌ها را به غرب و همه بدبختی‌ها را به اسلام نسبت دادند و بدین طریق امکان برقراری هرگونه ارتباطی را باگذشته اسلامی از میان برداشتند .

۳ - ترویج فرهنگ و ارزش های فساد انگیز و دنیاگرایانه غرب در میهن ما :

پس از طی مراحل فوق استعمار به بنیادی‌ترین قسمت طرح خویش دست یازید و آن ترویج و تحکیم ارزشها و فرهنگ خویش برجامعه بود ، چرا که دیگر نه مقاومت عمده و قابل توجهی در مقابل ورود ارزشها و فرهنگ استعماری وجود داشت و نه در ذهن جوان ایرانی ، گذشته و تاریخ پیشین از جاذبه چندانی برخوردار بود که او را از پذیرش فرهنگ غربی ، مانع شود . لذا بهترین زمینه روانی و اجتماعی جهت پذیرش آنچه نو و پیشرفته نامیده میشد فراهم آمده بود .

اهداف و سیاست های فرهنگی در زمان شاه معدوم

بررسی اجمالی عملکرد های فرهنگی - اجتماعی نظام طاغوت ما را به سیاست ها و هدفهای فرهنگی آن نظام رهنمون می‌گردد .

بیان اجمالی سیاست های علمی نظام شاهنشاهی در زمینه های فرهنگی :

۱ - تبلیغ بعنوان معیار همه خوبیها ارزشها و در نتیجه القاء ضرورت وابستگی به غرب و عدم امکان حیات مستقل :

در این رابطه برآنچه که رنگ وانگ غربی داشت خوب جلوه داده میشد ولی آنچه ایرانی بود بی اعتبار قلمداد میگشت . تاجائیکه بقول امام بزرگوارمان گروهی حتی برای یک عمل جراحی ساده نیز به اطبای ایرانی مراجعه نمی کردند .

۲ - تبلیغ و احیای نظام و فرهنگ و تمدن باستانی ستمشاهی :

در این رابطه درصدد آن بودند تا چنانکه گفته شد ضمن احیای باصطلاح افتخارات باستانی ستمشاهی ایران از یک سو توجه مردم را از اسلام و تاریخ دوران اسلامی به نقطه‌ای دیگر معطوف نمایند ونیز با بزرگ جلوه دادن افتخارات گذشته پذیرش اسلام از سوی مردم ایران را علت اساسی محو افتخارات گذشته بنمایانند و باتبلیغ ارتباط پیوسته و مستمر سلطنت پهلوی با ۲۵۰۰ سال سلطنت باصطلاح افتخارآمیز ، سلطه جابرانه خود را جاودانه و غیرقابل تغییر و آسیب‌ناپذیر جلوه داده و در نهایت قبول نظام شاهنشاهی را جزء لاینفک‌فرهنگ مردم نمایند .

۳ - بی ریشه و هویت نمودن جامعه و قطع ارتباط آن با گذشته غنی تاریخی :

از طریق ایجاد انزجار و تنفر در مردم نسبت به تمامی سوابق تاریخی گذشته ایشان یا از طریق ارتجاعی ، کهنه و غیرقابل‌دفاع قلمداد نمودن آن ارزش ها صورت می گرفت و یا اینکه اساسا امکان هرگونه کسب آگاهی صحیح از تاریخ و ریشه های‌فرهنگی، اجتماعی گذشته از جوانان مسلمان ایرانی سلب میشد ، بدین ترتیب جوانان ماهرگز امکان کسب اطلاعی صحیح حتی از تاریخ اسلام و سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع) و مبارزات شیعیان در طول تاریخ و نیز مبارزات روحانیت در سده اخیر و حتی دانشمندان بزرگ درگذشته این سرزمین را پیدا نمی کردند تا اینکه به امکان دستیابی کنونی این مردم به آن موضعها ایمان‌بیاورند.

٤ - ترویج فساد و فحشاء :

این عمل به طرق مختلفی انجام میشد ، از جمله فراهم کردن زمینه های اعتیاد جوانان فراهم کردن امکان تماس های نزدیک وکنترل نشده دختران و پسران وتبلیغ ضد ارزش‌ها از طریق مطبوعات و رادیو تلویزیون وسینما و در نهایت جایگزین ساختن هرآنچه ضد اخلاق بود بجای اخلاق .

۵ - ترویج دنیاگرایی و زندگی مصرفی :

شاه و اربابش بسان همه منحرفان‌تاریخ می کوشیدند که در ذهن مردم ، جهان را جز همین حیات و مرگ دنیوی ننمایند و درنتیجه هرچه بیشتر لذت بردن از دنیا را تبلیغ و تشویق نمایند و در نتیجه همه استعداد های انسان را که در جهت حرکت به سوی لقاء الهی باید بکار رود تباه نمایند.

٦ - سرگرم نمودن مردم و بازداشتن ایشان از تفکر :

یکی از سیاست های مهمی که در زمان شاه پیگیری میشد سرگرم نمودن مردم بوسیله تفریحات و برنامه هائی بود که هیچ فایده‌ای جز بطالت اوقات و هدر رفتن عمرها نداشت . نظام طاغوت با اجرای این سیاست بطور جدی مردم را از آنچه که در اطراف ایشان می گذشت غافل میساخت .

۷ - ایجاد تفرقه میان اقشار وگروه های مختلف مردم :

از جمله سیاست هائی که در جهت جلوگیری از امکان بروز هرگونه خطر برای نظام طاغوتی شاه اعمال می‌شد ایجاد روحیه بدبینی و تفرقه در بین مردم و در نتیجه‌کاهش شدید میل به اتحاد و همبستگی وانجام عمل مشترک در آنان بود و در همین رابطه به تشدید غیر علنی اختلافات بین اقوام و اقشار مختلف مردم نظیر ترک و فارس ، شیعه و سنی ، و نظایر آن می پرداختند .

۸ - پیشگیری از رشد و شکوفائی استعداد ها و خلاقیتها در همه زمینه ها از جمله زمینه های فرهنگی و هنری

در چنین شرایطی بود که هرقلم صادقی شکسته می شد و هر زبان حق‌گوئی از حلقوم بدرمیامد اما قلم بدستان مزدور کتاب هایشان در نسخ فراوان به طبع میرسید و غاصبان فرهنگ و هنر بعنوان تهنامنادیان فرهنگ و هنر به جامعه تحمیل میشدند .

آرمانها و هدفهای فرهنگی غرب وشاه

غرب و دست نشانده‌اش با اعمال سیاست ها و برنامه های فرهنگی و اجتماعی و حتی اقتصادی که اجمال آنها گذشت درصدد آن بودند تاانسان‌و جامعه‌ای بسازند که‌مشخصات عمده زیر را دارا باشند :

۱ - بی ریشه ، بی هویت ، بریده از فطرت الهی و غربزده باشد .

۲ - همه چیز را در خارفه و زینتهای دنیا ببیند و بکوشد هرچه میتواند دردنیا بیشتر لذت ببرد و از همه چیز و همه کس نیز تنها در این جهت بهره‌بگیرد و درنتیجه خویشتن را برهمه عالم رجحان دهد و به هیچکس و هیچ چیز جز خودش و منافع



شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ: تاریخ اطلاعات ۶۱/۶/۱ (آرشیو) ۱۶۸۰۱

عنوان: بررسی ضرورت طرح شورای عالی فرهنگ و عضویت برادران جهاد دانشگاهی

موضوع: مصاحبه با برادران جهاد دانشگاهی

آنچه که می خوانید آخرین بخش از مصاحبه اطلاعات با برادران جهاد دانشگاهی است. همانطور که تاکنون از نظرتان گذشت برادران جهاد گر ما درمورد انقلاب فرهنگی و طرحهای جهاد دانشگاهی برای تحقق انقلاب فرهنگی سخن راندند. اینک نظرات برادران جهاد دانشگاهی را در حدود «طرح شورای عالی فرهنگ» را با هم می خوانیم

همانطور که می دانیم اخیرا طرحی با تصویب دولت مطرح شد که طرح شورای عالی فرهنگ نام دارد،

آیا شما ضرورت طرح شورای عالی فرهنگ رااحساس می کنید؟

ج ـ طرح شورای عالی فرهنگی یک مسئله حادثی است. اساسا باطرح این مسئله اولین موضوعی که به ذهن می اید این است که اساسا باحضور ستادانقلاب فرهنگی، شورای عالی فرهنگ چه ضرورتی دارد. برای روشن شدن مسئله بهتراست نگاهی به تاریخچه شکل گیری و فلسفه ستاد انقلاب فرهنگی بیاندازیم. بعداز انقلاب حدود ۱/۵ سال دانشگاهها به صورت سابقه فعالیت داشتند. البته وزارت علوم مصمم بود تاتغییرات جزئی درداَنشگاهها بدهد. اماانقلاب فرهنگی یک نظام وزارتخانه ای و آن ساخت سابق راطلب نمی کرد بلکه ساختی را طلب می کرد تابافت خودش رامتحول کند و ان بافت پذیرای فرهنگ انقلابی باشد. و این ضرورت رااز همه زودتر حضرت امام احساس نمودند و باان حکمی که به ستاد صادرکردند نشان دادند که انقلاب فرهنگی درآن قالب امکان پذیرنخواهد بود. هم اکنون دراذهان بسیاری ازمسئولین مملکت این مسئله پیش امده که چرا دانشجویان دروزارت علوم کار نکنند؟ سخن مااین است که اگرضرورت این مسئله احساس می شد پس حکم امام هم نمی بایست موردی داشته باشد درحقیقت باتوجه به این صحبت امام می بایست مقرکاراعضای ستادرا دروزارت علوم تعیین می کروند. درحقیقت حکم امام آنقدر وسیع و همه جانبه بود که شاید مافوق انتظار می بود. و درحکم امام به ستاد، نکته عمیقی نهفته هست و آن اینکه نیروهای محقق و دانشجویان و افرادی که درامورفرهنگی دخیل هستند می بایست امورفرهنگی راپیش ببرند. امامتاسفانه این موضوع تحقق عینی پیدانکرد و صرفا کارهای ستاد برروی امور دانشگاهی متوقف شد. درصورتی که حکم امام شامل آموزش پیش دانشگاهی، آموزش

✱ درحکم امام به ستاد، نکته عمیقی نهفته هست و آن اینکه نیروهای محقق و دانشجویان و افرادی که درامورفرهنگی دخیل هستند، می بایست امورفرهنگی را پیش ببرند.

و پرورش، فرهنگ، تبلیغات و غیره میگشت. و این امر به علت ضعف هایی بود که درافراد ستادمشاهده می شد و همچنین کمبودهایی که وجود داشت. اماباترمیمی که حضرت امام درستاد کردند تاکیدی بربقای ستاد نمودند. انهم نه بقای افراد ستاد. درحقیقت ستادمی بایست درمقابل آن ساخت فرسوده گذشته بایستد و تغییرو تحول عظیمی دران نظام ایجاد نماید. چون پس از ترمیم ستاد توسط امام، ایشان فرمودند که ستاد باید بماند و حاکمیت هم باستاد باشد. به این لحاظ باحضور ستادضرورتی برای طرح مسئله قانونی کردن ستاد و باشورای عالی فرهنگی به نظر نمی رسید. چون تمام وظایف شورای عالی فرهنگ درحوزه فعالیت ستادمی گنجید. امابه علت ضعف برخوردها و ضعف تصمیم گیریها و عدم قاطعیتها مسئله به اینجا کشیده شد.

وزارت علوم که تاکنون هیچگونه نقشی درانقلاب فرهنگی نداشت و مانعی نیز در برابر ان بود اکنون تلاش می کند تا به فعلیت برسد و فعلیتش درمقابل حرکت قبلی قراربگیرد. البته این عمل از روی عناد نیست بل ازاین جهت است که دولت احساس می کند حرکتش باید تندتر باشد و فکر می کند باید دراین جهت حرکت نماید اما با صحبتهایی که ما با مسئولین مملکت داشتیم، گفتیم که اگر ضعفی در تصمیم گیریها و برنامه ریزیها هست باید درترکیب آن تجدید نظر شود. نباید این ماهیت را خراب کرد و به ماهیت گذشته پرداخت.

ما می بینیم هرجاکه مسئولیت اجرای فرهنگی به یک نهادغیر ذی صلاح داده شود، ضعفهایی مشاهده می گردد. نمونه اش نیز بسیار است دولت سیاست هماهنگ کردن امور اجرایی را به عهده دارد. خوب این ازجهاتی برای مصالح مملکت درست هست. ولی درمسئله فرهنگی باید توجه شد که بلحاظ ماهیت فرهنگی این عمل امکان پذیر نخواهد بود چون این امر نظارت ولایت فقیه را طلب می کند. مسئله فرهنگی نمی تواند مانند جریان سیاسی تغییر بکند.

مسئولین درحالت رفت و امد هستند. اما محور و استوانه ولایت فقیه است.

بنابراین نظارت تام و تمام ولایت فقیه را طلب می کند. مسئله دیگر، موضوع اختلاف دیدگاهها در انقلاب فرهنگی است. بهرحال یک سری مسائل سیاسی دخالت می کند. و این اختلاف دیدگاههاست که منجر به این حرکت شده است.

بهرحال نظر ما این بود که شورای انقلاب فرهنگی با ۷ نماینده امام و ۲ دانشجو تشکیل شوند و حاکمیت ولایت فقیه اعمال گردد.

۵ـ فکر می کنید علم عضویت شما درطرح شورای عالی فرهنگ چه بوده است؟

ما در ملاقاتی که با رئیس جمهوری داشتیم، ایشان نیز بسیار اظهار ناراحتی نمودند. چرا که موضوع از سئوال شما نیز فراتر می رود چنانکه حتی قبل از اینکه این طرح به هیئت دولت و مجلس برود کوچکترین اظهارنظری از برادران جهادگر ما نشده است چراکه همانطور امام فرمودند در شروع حرکت انقلاب فرهنگی به جز نیروی دانشگاهی هیچ نیروی دیگری نبود و اینان به جای اینکه برادرشان را اثبات کنند، ادعای ارث می کنند. ماهم چون تابع ولایت هستیم معتقدیم که دولت باید تقویت شود و بنابرتکلیف شرعی که داریم زیاد به این مسئله دامن نمی زنیم، و دولت به استناد قانون اساسی می گوید نهاداجرائی دراین مملکت دوجانیست و با این حربه قصد دارند که کلیه نهادهای انقلابی را تحت پوشش خود قراردهد. ولی بهرحال وقتی درطرح شورای عالی فرهنگ ازیک نفر روحانی به عنوان نماینده امام برده نمی شود بالطبع ما هیچ توقعی نداریم که اسمی از جهاد ببرند.



عنوان: نقش جهاد دانشگاهی در انقلاب فرهنگی (۲)

موضوع: مصاحبه اختصاصی اطلاعات با برادران جهاد دانشگاهی

بخش اول مصاحبه با برادران جهاد دانشگاهی هفته گذشته از نظرتان گذشت چنانکه مشاهده کردید. برادران ما پیرامون سیر انقلاب فرهنگی از آغاز تاکنون و نقش جهاد دانشگاهی به عنوان بازوی اجرایی انقلاب فرهنگی سخن گفتند.
اینک بخش دوم مصاحبه را با هم می خوانیم.

من این را اضافه کنم که یک کاردر چند مرحله انجام میشود. طرح شعار است که بطور کلی پس از رهنمودهای امام در هر زمینه‌ای سعی شده که شعارها به صورت ملموس مطرح بشود یکی از آنها خود سیستم اداری حاکم بر دانشگاه و مدیریت دانشگاهها بوده است. در پی اشکالات در مورد ضوابط و قوانین طاغوتی که در آن سیستم وجود دارد و همچنین افراد فسیل شده و غربزده‌ای که در راس مدیریت دانشگاهها به طور عموم قرار داشتند. لزوم تغییرات وسیع در مورد مدیریت دانشگاهها و سیستم دانشگاهها بسیار ضروری به نظر می رسید. طرح این شعار با استقبال خوبی در بین نیروهای متعهد دانشگاهی مطرح شد و شورای سه نفری در دانشگاهها به صورت مشخص و معین بر حیطه اختیاراتی که برای ایشان در نظر گرفته شده بود مشغول کار شدند این طرحی بود که پس از تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی در دانشگاهها به مرحله عمل درآمد. طرح تشکیل جهاد دانشگاهی طرحی بود که در زمینه یک کاسه کردن کارهای اجرائی مربوط به ستاد انقلاب فرهنگی بود. در موقعیت خاص پس از تعطیلی دانشگاهی بوجود آمد و نیروهای زیادی در دانشگاهها بودند که توان تخصصی بالایی داشتند و همین طور نیروهای زیادی بودند در رابطه با به کارگیریشان احتیاج به آموزشهای فرهنگی و مقدمات داشتند. جهادهای دانشگاهی دانشگاهها که تشکیل شدند زمینه به کارگیری نیروهای متخصص را در زمینه های علمی تحقیقاتی حتی آموزشی زمینه های آنها را فراهم ساختند تا این نیروها به کار گرفته شوند. این طرح جهاد دانشگاهی در حین عمل و در حین اجرا کم کم تکامل یافت تا به مرحله‌ای رسید که لازم بود طرحهای مشخص ستاد انقلاب فرهنگی که در کمیته های برنامه‌ریزی تهیه شده بود به مرحله عمل دربیاید کم کم طرح تشکیل ستاد امور اجرائی که بازوی اجرایی طرحهای ستادانقلاب فرهنگی بود، مطرح شد. اما متاسفانه وزارت علوم که تقریبا ۶ ماه قبل کم کم توانست سرو وضع خود وزارتخانه را مشخص کند و در رابطه با خود دانشگاهها قرار بگیرد. با تشکیل ستاد امور اجرایی تقریبا به طور کامل و اجرای طرح داده شده موافقت نکرد و طرحی که داده شده بود انجام نگرفت و به صورت نیم بند، نیمه کاره گذاشته شد. کارهای محتوایی نظیر طرح تربیت مدرس را می توان نام برد که باز شعار خود تربیت مدرس در اوایل انقلاب فرهنگی مطرح شد. در پی کمبود استاد و وجود استادهای طاغوتی و فراری به خارج از کشور و با وجود عناصر وابسته به رژیم و به طور کلی کم بودن حجم اساتید در رابطه با حجم آموزش عالی، طرح «فعالیت آموزش دهنده» دانشگاهها مطرح بودواین امر به طور مشخص به ستاد انقلاب فرهنگی پیشنهاد شد اما بعد از مدت زیادی تاخیر در حدود یکسال این طرح کم کم جنبه رسمی به خودش گرفت و در زمینه های اجرائی تشکیلات آن مشخص شد و الان کم کم به صورت اجرا درآمده در رابطه با کارهای تحقیقاتی که در جهاد دانشگاه صورت گرفته در زمینه کل مسائل تحقیقات دانشگاهها طرحهایی تهیه شده که بعضی از آنها به ستاد انقلاب فرهنگی پیشنهاد شده و به طور کلی طرحی در این زمینه برای اینده تحقیقاتی دانشگاهها کار شده است. و باز در زمینه یک کاسه کردن تحقیقات دانشگاهها و مسئله وزارت علوم و وظایف و اختیارات وزارت علوم حکم شده که به طور مشخص وزارت علوم مدعی سرپرستی و هدایت کارهای تحقیقاتی دانشگاهها هست و معتقد است که از این به بعد قسمت تحقیقات وزارت علوم که تا قبل از انقلاب فرهنگی نقش چندانی و به طور کلی هیچ گونه نقشی در تغییرات دانشگاهی نداشته می تواند دانشگاه را در زمینه های تحقیقاتی، سرپرستی جلو ببرد که این مسئله با نظر برادران جهاد دانشگاهی کلا متفاوت بودچون در زمینه طرح تحقیقاتی که کارهای دانشگاهی وکلابرنامه‌های تحقیقاتی دانشگاهها با کارهای عملی که انجام شده و در زمینه های تخصص که الان موجود هست می توان گفت که براحتی اگر اختیارات این قسمت و مسئولیت این قسمت به عهده جهاد دانشگاهی گذاشته بشود، براحتی از عهده آن برخواهد آمد و به طور کلی الان در رابطه با دادن طرح و پذیرفتن آن طرحها و برنامه‌ها با این مشکلات روبرو هستیم.

۱- مسئله ضعف شورای ستادانقلاب فرهنگی در بررسی این طرحها هست که تصمیم قاطع در اتخاذ روش مشخصی در برابر این طرحها نمی تواند بگیرد و روش قاطعی نمی تواند اتخاذ کند. ثانیا بررسی طرحها را با زمان بسیار طولانی برگزار میکند که باعث هرز رفتن و تحلیل رفتن نیروها میشود و یا حتی از حساسیت موضوع کاسته می گرددودراینده مسئله به بادفراموشی سپرده میشودو به طورکلی ضعف ستادانقلاب فرهنگی وواگذاری مسئولیتها به قسمتهای مختلف و عدم مشخص کردن وضعیت مدیریت دانشگاهی و مدیریت ستاد امور اجرایی در رابطه با کارهای اجرایی و طرحهای دیگر باعث شد که طرحهای کوچکتر و طرحهایی که به طور مشخص بتواند بیشتر انقلاب فرهنگی را تضمین کند به تعویق افتاده و عمل نشده است. از طرفی دیگر وزارت علوم با به انحصار کشیدن اختیارات قانونی و حبس اختیارات با تغییر جایگاه قانونی خودش البته در زمانه اخیر و نزدیک به طور مشخص سعی در یک کاسه کردن کارهای اجرایی و به زیر سلطه در آوردن کلیه امور دانشگاهها در وزارت علوم کرده و هم از لحاظ قوانین هم از نیروها کشش انجام چنین کاری را ندارد و تاکنون چند برنامه مشخص در زمینه امور اجرایی به وزارت علوم واگذار شده و نتوانسته در آن زمینه ها نقش خودش را به خوبی بازی کند و به طور مشخص در زمینه انتقال که یک مرحله ای بود از مراحل مختلف فارغ التحصیل کردن دانشجویان مرحله انتقال کلا نقشی به آن صورت نداشت ووزارت علوم نتوانست در رابطه با دانشگاه و نیروها و امور دانشگاهها و امکانات دانشگاهی را بسیج کند و از کمبودها و ضعفهای دانشگاهها درجهت رفع آنها از اختیارات قانونی خودش استفاده کند و همینطور مراحل دیگر انتقال در اثر عدم تصمیم گیری مرتبا به تعویق می افتد به طوری که براحتی مرحله دوم انتقال قابل انجام بود ولی بواسطه مشخص نشدن مسئولین دراین رابطه ونپذیرفتن مسئولیت تمام وزارت علوم مرحله دوم انتقال در اول مهر انجام پذیر نخواهد بود و به طور کلی این مشکلات وکلا راه حلها به دو دسته تقسیم می شود یکی راه حل اساسی درزمینه تشکیلات و سازماندهی که گفتیم دراین رابطه با مشکل هیئت شورای ستاد روبرو هستیم و در رابطه با طرحهای داخلی و مسائل داخلی که در زمینه وضعیت دانشگاهها و پیشبرد هدفهای سنگین و بلند انقلاب فرهنگی انجام می پذیرد این طرح هم یا تعویق و بعضا بالغو روبرو میشود که امکان انجام اجرایش نیست.

ادامه دارد

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ: اطلاعات تاریخ ۱۱/۵/۱۸ / ۱۳۶۰/۷/۹



عنوان: آیا انقلاب فرهنگی به انگیزه های واقعی خویش دست یافته است؟ (ادامه دارد)

موضوع: گفتگوی اختصاصی اطلاعات با پنج تن از برادران جهاد دانشگاهی

(آرشیو)

انچه از نظرتان می گذرد مصاحبه ای است که طی نشستی با ۵ تن از اعضای اصلی جهاد دانشگاهی صورت گرفته است: این مصاحبه دردوقسمت ازنظرتان می گذردکه قسمت اول را دراین شماره با هم میخوانیم

س - همانطور که می دانیم انقلاب فرهنگی در پی انگیزه های والای اسلامی صورت گرفت و اکنون نیز در تداوم آن هستیم. به نظر شما آیا نهادهای دست اندر کار در انقلاب فرهنگی توانستند تا آنجایی که از آنان انتظار میرفت پاسخگوی این انگیزه ها و براورد کننده آن باشند؟

ج - بسم الله الرحمن الرحیم. در مورد اینکه آیا انقلاب فرهنگی در تحقق اهداف خودش موفق بوده و آیا توانسته در برابر آنچه که جامعه از انقلاب فرهنگی می طلبیده پاسخگو باشد. در وهله اول باید به خود علتهای وقوع انقلاب فرهنگی اشاره مختصری داشت. انقلاب فرهنگی در زمانی رخ می دهد که جامعه از نظر ارزشی و از نظر روابط کمی و کیفی بین افراد و از نظر کارآییهای تشکیلاتی با یک سری بن بستهایی روبرو می شود که این بن بستها در شرایط عادی جامعه توسط مجلس، متفکرین و محققین و جامعه شناسان به بحث گرفته می شود و راهها و راه حلها پیشنهاد می شود و یکی از آنها را برمی گزینند و اجرا می کنند. ولی در یک شرایط انقلابی جز با یک نهضت انقلابی از این گونه بن بستها نمی شود بیرون جهید. فرهنگ در انقلاب اسلامی جزء لاینفک اسلام و انقلاب است ولی این در تئوری و در ایده است. انچه که در عمل اتفاق می افتد بهرحال مجموعه ای از نهادها و افرادی هستند که اینها در طی انقلاب تحقق پیدا کردند. ارزشهای انقلاب در وجود اینها نشسته است و خواه ناخواه احتیاج به یک سری تحولات و دگرگونیهایی دارند که ضرورت این تحولات و دگرگونیها در سازمانها و تشکیلات به مراتب بیشتر از افراد است. چون اگر بشود سازمانها و نهادها و تشکیلات رسمی و غیررسمی را با فرهنگ اسلامی انقلاب عجین کرد افرادی که در درون این سازمانها هستند و یا بعدا عضو این سازمانها می شوند خواه ناخواه از روح یک چنین فرهنگی سیراب خواهند شد. انقلاب اسلامی بعد از پیروزی باید به یکایک این نهادها، سازمانها و وزارتخانه ها می پرداخت و مهمترین وجهی که در نظر داشت وجه فرهنگی و اعتقادی و ارزشی اسهم ... بود اما این کالبد شکافی مطمئنا از جایی باید شروع می شد که بیشترین هجوم فرهنگ انحرافی و فاسد غرب در همین نقطه بوده است و این مکان جایی جز دانشگاهها نبود. شعار انقلاب فرهنگی، «دانشگاه اسلامی باید ایجاد گردد» بود. ولی خود این شعار مفهومی فراتر از دانشگاه را داشت. یعنی کل نظام اموزش و کل مسائل فرهنگی حداقل در سطح رسمی را دربر می گرفت. انقلاب فرهنگی برای این به وقوع پیوست که بتواند جلوی یک اموزش منحرف و نازا را بگیرد و در عوض یک اموزش سازنده و عمیق اسلامی را جاری بکند. اموزشی که بتواند هم اینده انقلاب را بسازد و هم کلیه افرادی که در این مجموعه اموزشی قرار می گیرندرا به نحو اسلامی و انقلابی هدایت بکند و هم بتواند در سطح کل جهان، دانش و علم اسلامی را در حد مطلوب و منطقی عنوان بکند. گرچه انقلاب فرهنگی بار اصلی و عمده اش مسائل آموزشی است ولی هیچ موضوع تخصصی و غیرتخصصی در سطح مملکت نیست که یا عین آموزش نباشد و یا بار آموزشی نداشته باشد چون آموزش و فراگیری برا انجام هر نوع عملی ضرورت تام دارد و به همین دلیل هم هست که هیچ نهادی و فردی نیست که برای عمل آگاهانه خودش آموزش نداشته باشد اما زمانی که انقلاب فرهنگی بوقوع پیوست و دانشجویان مسلمان در پی فرمان نوروزی امام دست به نهضت انقلاب فرهنگی زدند، این موضوع که در آینده چه خواهد شد، مقدار زیادی گنگ و مبهم و تا حدی هراس انگیز بود ولی وضعیت دانشگاهها در آن شرایط از چنان حالتی برخوردار بود که اگر حتی چیزی نداشته باشیم که در دانشگاهها جایگزین نظام گذشته بکنیم خیلی بهتر است تا بخواهیم همان نظام و همان فرهنگ را ادامه بدهیم. خوشبختانه بعد از سه ماه امام ستادی را و شورای هفت نفره ای را منصوب کردندکه این قضیه را به صورت تشکیلاتی و سازمانی پی گیری بکنند از طرفی خود جامعه دست به یک سری تصفیه ها و تزکیه هایی در سطح سیاسی و اجتماعی زد که به مقدار زیادی به تدریج سیاستهای مسموم را فرو نشاند و اینها را حذف کرد. هدفهایی که در اغاز ستاد انقلاب فرهنگی در پیش گرفته بود، تغییر نظام دانشگاهی اعم از آموزش و غیرآموزش در سطح آموزش پیش دانشگاهی دبستان و کودکستانها است همین طور توجه خاص به مسائل فرهنگی به خصوص در رابطه با دولت و ارگانهای مملکتی قرار می گیردمثل رادیو تلویزیون، وزارت ارشاد و غیره... که متاسفانه ضعفهای ستاد این امر را کم کم خلاصه کرد به موضوعات دانشگاهی. منتهی در خلال این برنامه ریزی برای دانشگاهها، جهاد دانشگاهی که برخاسته از حرکت انقلاب فرهنگی بودند توانستند در سطح دانشگاهها دست به یک سری تغییرات فرهنگی بزنند. ارزشهای نوینی را جایگزین بکنند ایدئولوژی اسلامی را تا حدود زیادی پیاده بکنند، و با برگزاری کلاسها یا صحبتها، بحثها و اعلام ضرورت وجود مایه های اسلامی در دانشگاهها و با تصفیه عناصر ناصالح و با تعارض با گروه فرصت طلب و غیره یک مقدار زیادی فرهنگ دانشگاهی را از حالت سابق بیرون بیاورند و به سوی فرهنگی اسلامی انقلاب جلو ببرند همانقدری که بیان شد انقلاب فرهنگی تا کنون در زمینه های اهداف فرهنگی خودش در زمینه های اهدافی که برای آموزش و پرورش یا آموزش پیش دانشگاهی صورت گرفته نتوانسته چندان موفق باشد. ولی در زمینه های دانشگاهها که قسمت عمده اهداف انقلاب فرهنگی رادربر می گیرند می شود گفت تا حدودی موفق بوده است چه در زمینه برنامه ریزی در قسمتهای آموزشی چه در زمینه های برنامه ریزی در زمینه های غیراموزشی و چه در زمینه ایجاد جو اسلامی در دانشگاهها تا حدود زیادی موفق بوده، البته این که عنوان می شود موفق بوده است بیشتر حاصل تلاش ایثارگرانه دانشگاهیانی بود، که در دانشگاهها شبانه روز به فعالیت پرداختند. به خصوص جهاد دانشگاهی که در این زمینه نقش عمده ای داشته و توانسته دانشگاهها را آماده بکند و اینها بتوانند پذیرای یک آموزش مطلوب باشند که در آینده تحویل به یک آموزش صد در صد اسلامی بشود.

س - شما به عنوان بازوی اجرایی انقلاب فرهنگی تا کنون چه طرحهایی را بازگو کرده اید و این طرحهای اجرایی بیشتر در کدام زمینه ها بوده است؟ و چه مشکلاتی بر سر راه اجرای این طرحها وجود داشته است؟

ج - همانطور که اطلاع داریم شعار انقلاب فرهنگی و دگرگونی فرهنگی به خصوص در دانشگاهها که توسط امام گفته شد و مطرح گردید در راستای انجام این هدف و رسیدن به هدفهای بلند انقلاب فرهنگی در خط مشی که اتخاذ شده بود، تعطیلی دانشگاهها بود و این طرح توسط کل دانشجویان مسلمان دانشگاهها طراحی شد و انجام پذیرفت. خوب در آن مرحله نه ستاد انقلاب فرهنگی بود و نه هیچ ارگان رسمی که در این مورد تصمیم بگیرد در این مرحله نخست یا گام اول، نیروهایی که در مقابل این جریان ایستادگی کردندو نیروهایی که موافق ان بودند بهرحال مشخص و معین است.

پس از تعطیلی دانشگاهها حدود چند ماهی که گذشت باز در این رابطه فرد بخصوص یا دستگاه بخصوصی تصمیم گیرنده بلحاظ قائده کلی نبود دراین رابطه برادران دانشجو در رابطه با تشکل سایر افراد که به وجود آوردند در زمینه جذب نیروهای دانشگاهی و فرستادن آنها به ارگانهای مختلف و زمینه جذب نیروهای کاری که وجود داشت سعی کردند که از عاطل و باطل ماندن نیروها پس از تعطیلی دانشگاهها جلوگیری بشود و همه جذب کار بشوند در این مرحله کاری هنوز نهاد رسمی برای تعیین سرنوشت انقلاب فرهنگی مشخص نشده بود ولی پس از حکم امام پس از تشکیل شورای ستاد انقلاب فرهنگی، کار طرحهایی که در رابطه با ستادهای اجرایی داده شد در زمینه های مختلف برنامه ریزی اجرائی با ستاد انقلاب فرهنگی مشورت شد و یا کلا و یا بعضا مورد توافق قرار گرفت و تعدادی از آنها هم هنوز یا موافقتی با انجامش نشده و یا تغییرات وسیعی در چگونگی انجام انها داده شده است.

ادامه دارد.

«عکس فرهنگی هفته»



شماره ردیف ....  عنوان : با گسترش زبان فارسی فرهنگ انقلاب اسلامی را صادر کنیم

شماره مسلسل .... موضوع: ....

ماخذ: تاریخ ۶۱/۵/۵ اطلاعات ۱۶۷۷۹ (آرشیو)

کرده‌اند، و کلیشه های قدیمی «راست» و «چپ» یا «کمونیزم» و «کاپیتالیسم» معانی خود را از دست داده اند.

مردم در جستجوی راه تازه‌ای هستند، به فلسفه تازه‌ای نیازمندند.»

بدیهی است که این نظر، یک سخن سطحی نگرانه و سبک نیست، بل، یک اظهار نظر عمیق و دردمندانه از اوضاع و احوال انسانیت سرگردان غرب است.

و ما، با سربلندی و خوشحالی، اعلام میداریم که این «راه تازه» و «فلسفه تازه» در انقلاب اسلامی نهفته است - صریح تر گفته باشیم، انقلاب اسلامی، نه تنها رهنمودهای رهائی آوری را برای محرومان جهان سوم به ارمغان آورده است بلکه، برای یاس زدگان و پریشان شدگان و از فطرت دورافتادگان غرب هم، «راه تازه» و «فلسفه تازه»ای را در عرصه اندیشه و جهان بینی و زیستن هدفدار و تکامل پو، بوجود آورده است. و بر ماست که با اقدام منطقی درباره گسترش زبان و ادبیات انقلاب اسلامی، این تشنگان «فلسفه تازه» درباره حیات و انسان را، سیراب نمائیم.

بر این گونه، اظهار می نمائیم که این اقدام مثبت و منطقی نشانه احساس مسئولیت عمیق درباره سرنوشت فرهنگی ضعیف نگاهداشته شدگان جهان میباشد، که تحت سیطره فرهنگ کفروالحاد، مسخ و استثمار میگردند و بی تردید، این اقدام مهم و فرهنگی نتایج پر بار و انقلابی ذیل را در پی خواهد داشت:

۱- واپس رانی سیطره‌ی فرهنگی کفر و الحاد از اندیشه و ذهن محرومان جهان

۲- واپس رانی زبان انگلیسی، بمثابه یک زبان و فرهنگ استیلاجوی

۳- واپس رانی تفکر هنری منحط و انحراف آفرین غرب از دل محرومان جهان

۴- انتشار سنجیده و حسابگرانه‌ی ثروتهای معنوی اسلامی در سطح جهانی.

۵- ایجاد مهر و مودت و روح تفاهم جویانه بین انقلابیون جهان بخاطر آشنائی اصیل با منابع راستین انقلاب

۶- امکان گسترده‌ی برخورداری، از محصولات عظیم فکری اسلامی

۷- آشنائی اصولی با شخصیت فرهنگی اسلامی، انقلابگران مسلمان

۸- هموار شدن راه و انتشار سنجیده‌ی هنر و ادبیات انقلاب اسلامی

۹- هموار شدن، زمینه های رشد فرهنگی بمنظور تسریع انقلاب جهانی اسلامی.

بر این اساس پیشنهاد میگردد، علاوه بر تاسیس و گسترش حوزه های تدریس زبان و ادبیات انقلاب اسلامی در سراسر جهان، یک مرکز مادر، در تهران تحت عنوان (دانشگاه مستضعفان جهان) بمنظور آموزش زبان عشق و انقلاب و عرفان، پی ریخته شود تا در این محل، محرومان و ضعیف نگاهداشته شدگان جهان بتوانند، از طریق آشنائی گسترده با زبان عشق، به عمق عظمت این حرکت تاریخی، چشم بدوزند و با برخورداری ژرف و توانمندی شایسته، خویش و قوم خویشتن را با اندیشه های پویای الهی آشنا گردانند.

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....



عنوان: با گسترش زبان فارسی فرهنگ انقلاب اسلامی را صادر کنیم

موضوع: ....

ماخذ: تاریخ ۶۱/۵/۵ اطلاعات ۱۶۷۷۹ (آرشیو)

بنام خدا

یکی از وظایف بسیار مهم تبلیغاتی جمهوری اسلامی در میان ضعیف نگاهداشته شدگان جهان، گسترش زبان و ادبیات فارسی میباشد. البته، این مهم بخاطر یک غفلت عمومی نسبت به مسئله تبلیغات شاید مورد توجهی شایسته قرار نگرفته باشد و تاکید ما هم برروی این قسمت بی تردید نشانه اهمیت بنیادین موضوع میباشد که امید است مورد توجه و دقت مسئولان سازمان تبلیغاتی جمهوری اسلامی قرار بگیرد.

گسترش زبان فارسی، در میان مسلمانان غیر ایرانی در یک توجه شتابزده و برخوردی سهل انگار شاید مسئله ای غیر لازم جلوه کند و چه بسا که مورد تمسخر و بی مهری هم قرار بگیرد.

ولی اگر، با نگاهی روشن و ذهنی بصیر با مسئله برخورد پیدا کنیم، خواهیم دریافت که یکی از رسالتهای ما در بعد تبلیغات، گسترش اصلی و دامنه دار زبان فارسی است و غفلت از آن، در حقیقت چشم پوشی از یک نیاز اصیل فرهنگی ضعیف نگاهداشته شدگان جهان ستم زده است.

بر این گونه، می گوئیم پدیدارهای اجتماعی و فرهی که پس از طلوع خورشید درخشان انقلاب اسلامی در ایران رخ نموده است در تاریخ بلند بشریت، کم نظیر است. تاکیدهای مکرر حضرت امام خمینی بر این «بی نظیری»های آفریده شده از دل معجزه آفرین انقلاب اسلامی، خودنشانه ظهور واقعیت های عظیمی میباشد که در تاریخ طولانی انسان، برای اولین مرتبه است که رشد و تکامل روح آدمی به مرتبه ای دستیابی پیدا میکند که آفریننده ی عظمتها و بزرگیها، و حماسه های سترگ میگردد.

این همه تلاشهای پر حجم رسانه های گروهی وابسته به استکبار جهانی، در جهت لوث نمودن و مسخ کردن این پدیدارها، بهترین دلیل ابعاد آبی فام واقعیت های نوظهوری است که در این شرائط الهی حاکم بر جامعه، وجود پیدا کرده است.

آنان دریافته اند که برای جلوگیری از یک رنسانس جهانی اسلامی بایدچهره این واقعیت های سرخ فام رهائی آور را، بادوده های سیاه تبلیغاتی بپوشانند تابتوانند از گسترش و جلو روی سیل تحولات فرهنگی اسلامی، که پایه های قدرت مستکبرین را تهدید میکند جلوگیری کنند.

بی جهت نیست که سعی بسیار میگردد تا این «اکنون» ویژه ی تاریخی که شمع امید رستگاری را در دل محرومان جهان روشن نموده است یک دوران توحش و بربریت جلوه داده شود، که در ایران بوقوع پیوسته است.

بینایان و بصیران جهان میدانند که وقوع انقلاب اسلامی در ایران دارای ریشه های بسیار عمیق در معنویت تاریخی این ملت میباشد. معنویتی که برخاسته از بینش و جهان بینی شیعی است. و این معنویت ویژه بوده است که با سنت هائی که پدید آورده، توانسته است در طول سالیان دراز، بخصوص در این دوران اخیر و هجوم تجدد غربی ضد اسلامی، پویایی و تحرک و جوشندگی خویش را در دل اجتماع استمرار بخشد و هویت اصیل فطرت پذیر خویش را از گزند هر دسیسه و توطئه پاسداری نماید.

دقیقاً، بدین خاطر بوده است که از آن زمانیکه، واقعه رژی، جنبش تنباکو استکبار جهانی دریافت، که شیعه، ذلت پذیر، نه تنها نیست بل، کفر ستیز و بیگانه ستیز - نبرد سلطان تیپو - نیز میباشد، کوشش نمود تا سیمای واقعی و تابناک شیعه را در انظار جهانیان، تار و وهم آلود نشان دهد و از این رهگذر، میگوئیم که تمامی مراکز آموزشی شرق شناسی با مذهب شیعه بطور بسیار وهن آلودی برخورد میشود و تا این اواخر در سراسر این مراکز حتی یک کتابخانه مستقل شیعی وجود نداشته است.

بعبارت دقیقتر، مراکز آموزشی شرق شناسی در این جهت تلاش میشوند تا شخصیت فرهنگی شیعی - اسلامی، و ذخایر معنوی دینی این قوم، در هاله ای از ابهام و تردید باقی بماند تا بدین وسیله، از انتشار و گسترش آن جلوگیری بعمل آمده باشد.

بی تردید یکی از راههای اصولی آشنایی با شخصیت فرهنگی - دینی این قوم آشنایی با زبان فارسی میباشد.

ما باید بیک بپائیم برای معرفی ابعاد نامتناهی این شخصیت فرهنگی، هر چقدر که تلاش بکنیم و رسالات و مقالات و مجلات بیشماری را بزبان خارجی نشر بدهیم، باز نخواهیم توانست حتی یک صدم این شخصیت را معرفی بکنیم.

تازه این در صورتی هست که توانایی انتشار خوب و شایسته مطالب تحقیقی بزبان بیگانه و توزیع متناسب فراهم باشد.

از طرفی مگر خرد پذیر است که اینهمه ثروتهای معنوی را که در طول سالیان دراز، فراهم آمده است، بزبان بیگانه، انتقال داد؟

چنانچه این کار حتی بخواهد بطور محدود صورت بگیرد، سالیان درازی را با خود خواهد برد. و ما در مقطعی هستیم که اگر نگوئیم هر ساعتی که از وقوع این انقلاب سپری میشود ارزشمند است، لا اقل میتوانیم بگوئیم هر روزی که از امید انقلاب میگذرد، برای ما اهمیت حیاتی و بنیادین دارد.

میخواهیم بگوئیم هر روز که از انقلاب اسلامی میگذرد، میبایست یک گام در جهت شناساندن ابعاد انقلاب به محرومان جهان، پیش روی داشته باشیم.

بر این گونه، با تاکید اظهار میداریم که ضرورت بسیار، دارد که نهادهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی، زبان فارسی را در میان ضعیف نگاهداشته شدگان جهان گسترش بخشند.

البته این گسترش بخشی زبان و ادبیات فارسی نمیبایست بمنزله برتری جوئی زبان فارسی نسبت به زبانهای دیگر از جمله عربی تلقی گردد.

در اساس، تدریس زبان و ادبیات فارسی انقلاب اسلامی، بمثابه گسترش فرهنگ دینی و معنوی و انقلابی در سراسر جهان است.

تلقی ما از آموزش زبان فارسی، یک تلقی خشک بی روح نژاد گرایانه نیست. بل ما معتقدیم، با آموزش زبان فارسی، دریچه های جدیدی را برای آشنایی اصولی با جهان بینی اسلامی میگشائیم و آنان را بدنیای معنوی پر رمز و رازی رهنمون میگردانیم - ما معتقدیم، زبان فارسی، جدا از فرهنگ اسلام نیست و جزء جدائی ناپذیر آن میباشد.

بدین گونه، زبان فارسی، زبان انقلاب است. زبان معنویت پویا و متحرک است زبان تفکر زنده و تکامل جواست. زبان فرهنگ اعتراض و عصیان است. باری، زبان فارسی با پشتوانه ی غنی فرهنگ اسلامی یک زبان بتمام معنی کفر ستیزانه است.

در این زبان، یک فرهنگ جدید و یک جهان نگری جدید و یک فلسفه و یک زندگی جدید، موج میزند و ما در این میان، در معرفی جهانی این حرکت نوین نشاط آفرین و روح بخش رسالت جهانی داریم.

این که تاکید میورزیم زبان فارسی را در میان محرومان و رنج دیدگان خاک، گسترش دهیم، بدین منظور میباشد، که این تحولات انقلابی اصیل و انساندوستانه در حوزه اینزبان - با همه ابعاد فرهنگی اش - پدیدار شده است و طبیعی است که عطر جانبخش این انقلاب روحی، در بستر واقعی خودش، روح افزاتر و دل نوازتر و زلال تر و بکرتر است.

بر این گونه، اگر این تحولات عظیم انسانی در بستر زنده و سیال خویش مورد کاوش و دقت قرار بگیرد، بی تردید، اثر گذارتر و پر نفوذ تر میباشد.

از این همه گذشته، آیا درست است که ما بگوئیم برای ادراک ماهیت انقلاب اسلامی توسط یک مالزیایی، یا یک فیلیپینی، یا یک ژاپنی و یا ... مراجعه به نوشته های زبان انگلیسی درباره انقلاب واسلام کافی است؟ وآیادر میان این اتمسفر مسموم وهم آلودی که رسانه های عمومی دنیا نسبت به انقلاب اسلامی و درون مایه اش بوجود آورده اند، آن جستجو گر چه چیزی را درباره انقلاب بدست می آورد تا روح تشنه و نیازمند خویش را، اشباع کند؟

سخن ما، اینست که هم اکنون، دل پر آرزوی ضعیف نگاهداشته شدگان تاریخ از میان طوفان دروغ و شایعه پراکنی مستکبرین جهان، توانسته است، ارتباط معنوی و روحی خویش را با شعله های فروزان این انقلاب الهی حفظ کند. میبایست به این ضرورت جهانی - نیازمندی محرومان به دانستن زبان عشق و انقلاب - توجه بنیادی شود. تا در پناه یک بینایی و بصیرتی عمیق از انقلاب اسلامی، رشته های این ارتباط مستحکم و غیر قابل قطع گردد.

همچنین، باید به یک نکته اساسی فرهنگی که در غرب پدید آمده است توجه جدی شود. بهتر است که این مسئله حساس و قابل اعتناء را که هم الان ذهن اندیشه وران غرب را بخود مشغول داشته و آنانرا نگران و مضطرب ساخته است از زبان «اریک فروم» روانکاو و نویسنده معروف نقل کنم. «فروم» درکتاب «انقلاب امید» اظهار میدارد: «آرمان ها و مفاهیم، مقدار زیادی از جذابیت خود را کم

شماره ردیف ۱ ....  عنوان : نگرشی به فعالیتهای دوساله ستاد انقلاب فرهنگی

شماره مسلسل .... موضوع: ....

ماخذ: تاریخ کیهان ۶۱/۵/۱۲ ۱۱۶۴۱ (آرشیو)

یکی دیگر از مشکلات کارما مخالفتهایی بود که درمطبوعات و یا در بعضی از محافل فرهنگی نسبت‌به‌ستاد واقدامات آن انجام می‌شد که بیشتر از عدم آگاهی به کار ستاد ، امکانات محدود آن و یا از روی اغراض شخصی صورت می‌گرفت و مهمترین مساله این بود که اجرای انقلاب فرهنگی در وهله اول و باز سازی دانشگاهها و مراکز تربیتی بدلیل اینکه‌برای اولین بار بود که صورت می‌گرفت و هیچ الگویی برای نبود امور را پیچیده‌تر می‌کرد و مستلزم همکاری ارگانها و افراد و صاحبنظران بود در صورتی‌که همه باستادهمکاری نمی‌کردند. ضمنا شرایط انقلابی حاکم بر جامعه و تزلزل ضوابط و معیار های گذشته و روشن نبودن ضوابط و معیار های جدید ، ستاد را در اجرای وظایف بسا مشکلاتی مواجه می‌کرد .

این نکته را نیز باید توجه داشت که برنامه ریزی آموزشی مدیریت دانشگاهها ، گزینش دانشجو و استاد و تربیت آن، تدوین کتب درسی و بطورکلی تدوین آئین‌نامه های‌آموزشی و فرهنگی‌دارای‌پیچیدگی خاصی هستند و حل آنها به سرعت امکان پذیر نیست و احتیاج به زمان دارند و این موجب شده است که بعضی ستاد را مورد انتقاد قرار دهند . »

دکتر شریعتمداری‌سپس برای پیشبرد بیشتر کار پیشنهاداتی ارائه داد و گفت :

ستاد باید دوجنبه را درنظر داشته باشد اول اینکه به‌عنوان یك نهاد انقلابی و منصوب از سوی امام به انجام رسالت خود بپردازد درعین اینکه از سوی مجلس شورای اسلامی و دولت بعنوان یك نهاد قانونی تلقی شود تا بتواند در زمینه های مختلف فرهنگی قدمهای اساسی را بردارد .

دوم این‌کەدرامور دانشگاهی بطور کلی در برنامه ریزی آموزشی سطوح مختلف و هم‌چنین تربیت معلم ، ستاد از اختیارات قانونی بیشتری برخوردار شود .

مشارکت وزرای فرهنگ و آموزش عالی ، آموزش و پرورش ، ارشاد اسلامی و عده‌ای از صاحبنظران بطور تمام وقت ستاد را تقویت‌خواهد کرد و اعضای ستاد می‌توانند برنامه های تدوین شده را با همکاری مسئولین به اجرا درآورند .

نمایندگان انجمن های‌اسلامی دانشجویان نیزهمچنان‌همکاری خود را با ستاد ادامه دهند و فعالیت خود را در ارگانهای مختلف ستاد دنبال کنند . ستاد علاوه بر برنامه ریزی باید در اجرای برنامه ها در موسسات آموزش عالی تا حد ممکن نظارت داشته باشد چرا که اجرای انقلاب فرهنگی در موسسات آموزشی و باز سازی آنها در طول زمان امکان‌دارد و اگر بخواهیم مراکز تربیتی و دانشگاهی رابصورت‌موسسات علمی اسلامی در آوریم ومحیط حاکم برآنها با نظام اسلامی و ارزشهای مورد قبول اسلام هماهنگ سازیم نیل به این اهداف‌ظرف‌سالهای آینده‌امکان دارد زیرا اصولا ملاحظه برنامه های تدوین شده در هرزمینه باید در عمل و موفقیت های عینی تحت بررسی قرار گیرد تا تغییرات لازم در آنها صورت گیرد و تحولات اساسی در مراکز آموزشی بوجود آید» .

اقدامات ستاد در زمینه آموزش و پرورش

دکتر شریعتمداری در پاسخ به این سئوال که آیا ستاد تنها برای آموزش عالی اقدام کرده است یا جهت انقلاب فرهنگی در زمینه آموزش و پرورش (پیش دانشگاهی) نیزفعالیتی داشته گفت :

« در فرمان امام آموزش پیش دانشگاهی و بهبود آن‌نیز جزو وظایف ستاد قلمداد شده است و لذا تدوین لایحه‌تربیت معلم که‌هم‌اکنون جهت بررسی در دست هیات دولت است و پیشنهاد تاسیس مجموعه دانشگاهی تربیت معلم که دربر گیرنده تربیت آموزگار ، معلم مدرسه راهنمایی و دبیر دبیرستان است یکی از اقدامات اساسی ستاد در این زمینه محسوب می‌شود و این امرمورد قبول شهید باهنر نیز بود و شخصا آنرا امضاء کرده است .

ضمنا باید متذکر شوم ایجاد تحول در برنامه های آموزشی، تربیت مدیران ، تدوین کتب درسی و اصولااستفاده از روش های تربیتی در مدارس و حل مشکلات تربیتی و پرورش افرادی که بتوانند در حل مشکلات روانی دانش آموزان کمك کنند همه از مسایل تخصصی‌هستندکه پیشنهادلایحه تشکیل‌مجموعه دانشگاهی‌تربیت معلم از سوی ستاد به همین منظور بوده است .

هم‌چنین براساس طرحهای مصوبه ستاد برنامه آموزشی رشته های کشاورزی ، فنی و مهندسی و علوم پایه از دوره بعد از راهنمایی آغاز می‌گردد و مقاطع تحصیلی پیشنهادی گروههای برنامه ریزی ستاد هماهنگ با مقاطع تحصیلی موجود در آموزش و پرورش است .

در پایان باید اضافه کنم اگر همکاری نزدیکتری میان ستاد و آموزش و پرورش بوجودآیدو مجموعه دانشگاهی تربیت معلم تاسیس شود با کمك مسئولان این وزارتخانه می‌توان تحولات اساسی در آموزش ابتدائی ، راهنمایی و متوسطه بوجود آورد و در زمینه باز آموزی معلمان و تجدید نظر در کتابهای درسی قدمهای اساسی برداشت .

دکتر شریعتمداری در زمینه کمبود کتاب های چاپ شده توسط مرکز نشر دانشگاهی گفت: **این موضوع چندین علت دارد**

اولا کتابهای در دست ترجمه و تالیف همه کامل نشده زیرا این یك کار پیچیده است و احتیاج به زمان دارد . ثانیا از نظر امکانات چاپ از قبیل فیلم و زینك و رنگ و مقوا با کمبود مواجه هستیم و چاپخانه دانشگاه تهران که با این‌مرکز همکاری دارد تعهداتی داردکه مانع سرعت بیشتر کار می‌شود. ضمنا ستاد مدعی نیست در مدتی کوتاه کتاب تمام رشته ها را تامین کند ولی طبق برآورد گروههای‌تخصصی حدود ۲هزار جلد کتاب آماده چاپ است و امیدواریم با گشایش امکانات بتوانیم مقدار بیشتری از این کتابها را آماده کنیم .

هم‌چنین این مساله که در امر ترجمه و تالیف مسامحه می‌شود درست نیست زیرا استاد موظف است‌طبق‌برنامه و ضوابط تعیین شده مقدار کار معینی را انجام و حقوق دریافت کند از نظر محتوا نیز کمیته های تخصصی مرکز نشر با توجه به اعتبار علمی و تازگی و مفید و ضروری بودن آن نظرمی‌دهند .

وی هم‌چنین در مورد این مساله که در کار ستاد کندی احساس می‌شود گفت :

« **اصولا ماهیت** کار انقلاب فرهنگی این کندی را ایجاب می‌کند زیرا برای اولین بار در کشور چنین اقدامی صورت می‌گیرد و تنوع و تعدد مسایل دانشگاهی در زمینه های مدیریت ، سازمان ، برنامه ، کتابهای درسی ، نحوه اشاعه فرهنگ اسلامی ، رابطه دولت و دانشگاهها ، مقامات محلی ، توجه به نقش انجمن های اسلامی دانشجویان در دانشگاه‌ها همه از دلایل کندی پیشرفت کار ستاد است ولی‌یك‌بررسی کوتاه از کار کمیته ها با توجه به محدودیت امکانات ونیروی انسانی نشان میدهد پیشرفت کار رضایت بخش بوده است.»

وی هم‌چنین در پاسخ به‌این مساله که برخورد ستاد با افراد متعهد مطلوب نبوده گفت : ستاد از ابتدای تشکیل ، طبق فرمان امام همه صاحبنظران به‌ویژه اساتید و دانشجویان متعهد را به همکاری دعوت کرد ولی برخی از این افراد مسئولیت های اجرائی دولتی پذیرفتند و عده‌ای نیز بدلیل آنکه کار برنامه ریزی و باز سازی دانشگاه را جدی تلقی نمی‌کردند جذب سازمانهای دولتی شدند والا ستاد همیشه از همکاری‌نیروهای متعهداستقبال می‌کرده است .

اما در مورد جهاد دانشگاهی باید بگویم تشکیل جهاد یکی از اقدامات اولیه ستاد بوده است که پس از تشکیل ، تسهیلات لازم را از نظربودجه امکانات دانشگاهی و هیات علمی در اختیار جهاد ها قرار و در بعضی دانشگاهها ، مدیریت با اشکالاتی مواجه بود که پس از بررسی و موافقت شورایعالی جهاد دانشگاهی که به عمل آمد طرح تشکیل ستاد امور اجرائی به تصویب رسید و مدیریت های ۳ نفری جهاد به هیات ۷ نفری شورای مدیریت جهاد دانشگاهی تبدیل شد که این مدیریت در بسیاری از دانشگاهها موفق بوده است و دلیلش نیز ترکیب ستاد امور اجرائی است که از وزیر علوم بعنوان دبیر شورا ، یکی از اعضای ستاد انقلاب فرهنگی ، نمایندگان جهاد ، نمایندگان گروههای برنامه ریزی ونماینده حوزه علمیه‌قم‌تشکیل شده‌است.

دکتر شریعتمداری در جواب ضعف تشکیلاتی و اداری که به ستاد ایراد گرفته می‌شود گفت : باید توجه داشت ستاد یك سازمان دولتی نبوده و نیست نتیجتا نیروی انسانی معین و لازم را در اختیار ندارد و از نظر مالی نیز به سختی می‌تواند بودجه لازم را تامین کند اگرچه در ابتدای تاسیس شورای‌انقلاب بودجه‌ای تصویب شد ولی استفاده ازآن منوط به موافقت نخست وزیری صورت می‌گیرد که در حال حاضر نیز جهت تامین بودجه بامشکلاتی مواجه هستیم . بهر جهت نیروهایی که در اختیار ستادند در قسمت های مختلف ستاد مشغولند و بار ها از دانشگاهها درخواست شده تا افراد ذیصلاح‌خودرا دراختیار ما بگذارند اما همه دانشگاهها با این درخواست موافقت نمی کردند . علاوه براین پاره‌ای از سازمانهای دولتی نیز اصولا ستاد را از نظر قانونی زیر سئوال می‌برند البته اگرچه ستاد به فرمان امام تشکیل شده بود و مقرر بود سازمانهای دولتی همکاری کنند ولی در خود دانشگاهها نیز در جلب افراد صالح دچار اشکال‌بودیم.

دکتر شریعتمداری درباره رابطه ستادباحوزه علمیه گفت: ستاد از ابتدا در زمینه های مختلف با حوزه در تماس بود و مشارکت بعضی از اساتید حوزه در گروه الهیات وفلسفه و هم‌چنین شرکت پاره‌ای از استادان حوزه‌در کمیته اسلامی کردن دانشگاهها و تشکیل جلسات بحث و بررسی با صاحبنظران حوزه در زمینه مسایل علوم انسانی رابطه‌نزدیك ستاد و حوزه را نشان میدهد.

هم‌چنین تشکیل سمینار ها، ایراد سخنرانی از سوی اساتید حوزه ، تشکیل دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ، تدوین برنامه‌ای با همکاری حوزه و ستاد در جهت آشنایی معلمان علوم انسانی با معارف اسلامی نیز از مشخصات روشن ارتباط میان ستاد و حوزه است .

شماره ردیف ...
شماره مسلسل ...



عنوان : نگاهی به فعالیتهای دو ساله ستاد انقلاب فرهنگی (قسمت ۳)
موضوع: پاسخ ستاد انقلاب فرهنگی به پیشنهادات و انتقادات روسای دانشگاهها

ماخذ: تاریخ کیهان ۳۱/۵/۱۲ ۱۱۶۰۴ (آرشیو)

تاچه اندازه در جریان فعالیتهای ستاد انقلاب فرهنگی هستید ؟ عملکرد دوساله ستاد چگونه بوده است و از چه طریقی می‌توان به بالا بردن بیشتر کیفیت کار ستاد انقلاب فرهنگی کمک کرد ؟ این سه سئوال و شاید سئوالات دیگری در این زمینه برای هر فرد مرتبط و یا علاقمند به مسایل فرهنگی و دانشگاهی مطرح بوده باشد . از این جهت سرویس فرهنگی کیهان در آستانه آغاز سومین سال تشکیل ستادانقلاب فرهنگی سئوالات فوق را بـا روسای دانشگاههای تهران ، پلی ــ تکنیك ، علم و صنعت ایران ، الزهرا ، اصفهان ، تبریز ، ارومیه ، سیستان و بلوچستان مجتمع دانشگاهی علوم اداری و بازرگانی و ستاد اموراجرائی انقلاب فرهنگـی ، کمیسیون آموزش عالی مجلس شورای اسلامی در میان گذاشت که‌نظر روسای دانشگاهها در دو شماره قبل درج گردید .

و اینك در بخش پایانی این نظرخواهی پاسخ به انتقادات و پیشنهادات‌واردبرستاد راکه‌از سوی روسای دانشگاهها مطرح شده و هـم‌چنین مشکلات و کمبود های موجود را از زبان دکتر علی شریتعمداری عضو شورایعالی ستاد انقلاب فرهنگی می‌خوانیم .

اما قبل از پرداختن به این قسمت ، خلاصه‌ای از مطالب دو شماره گذشته را مرور می‌ــ کنیم .

انتقاداتی را که بر ستاد گرفته شده چنین مـی‌توان برشمرد : تغییرات در هیات شورایعالی ستادانقلاب فرهنگی، رضایت بخش نبودن عملکـرد ستاد علیرغم‌سنگینی وپیچیدگی و طولانی بودن آن ، عـدم مشارکت جدی و فعال حوزه علمیه ، عدم برخورد مطلوب با نیرو هـای متعهد و جهاد دانشگاهـی ، ضعف تشکیلات درونی از لحاظ اداری ومالی، کار کم در زمینه علوم انسانی، چند مسئولیتی بودن اعـضای شورایعالی ستاد ، هم‌چنین‌ستاد در راه تحقق مسایل انقـلاب فرهنگی به عنوان بالاتریــن مرجع رفع اشکالات و ارائـه برنامه های مطلوب از تحرك و سرعت کافی برخوردار نبوده است .

ضمنا پیشنهاداتـی را کـه فهرست‌گونه می‌توان یاد کرد چنین است :

میزان وظایـف و مسئولیت های ستاد انقلاب فرهنگی ، ستاد امور اجـرائی ، وزارت فرهنگ و آموزش عالـی و وزارت آموزش و پـرورش مشخص شود ، یك واحد قوی بازرسی جهت پیگیری کمی و کیفی اجرای مصوبات ستاد تشکیل گردد ، در ستاد باید خط انقلاب اسلامی بر محور ولایت فقیه که خواست ملـت است حاکم شود ، مدیریـت ستاد باید تقویت شود ، ستاد انقلاب فرهنگی با تصویب‌مجلس شورای اسلامی به عنوان یـك نهاد برنامه ریزدرراس دانشگاه هاپابرجا بماند ، از حوزه های علمیه در تدوین برنامه هــا خصوصا علوم انسانی استفاده شود ، اعضای ستاد بطور تمام وقت در اختیار انقلاب فرهنگی بوده و تمام امکانات خویش را در اجرای ایــن مسئولیت خطیر بکار گیرند ، بـــرای دانشگاههای‌شهرستانی بخصوص مناطقی که در نقاط محروم قرار دارند و از نظر بعـد مکان فاصله زیادی از مرکز دارند با اعزام نماینده و افراد گروهها و کمیته ها نظرخواهی کرده و هماهنگـی لازم در موارد خاص منطقه‌ای فراهـم گردد . ستاد تمرکز کار خود را در امر تهیه طرح و برنامه و تعیین خط مشی آموزشی قرار داده و کار اجرائی را با نظارت نزدیك به ارگانهـای مسئول واگذار کند ...

با توجه به رئوس مطالبی‌که بیان شد . در این قسمت از گزارش اظهار نظر ستاد امور اجرائی انقلاب فـــرهنگی و کمیسیون آموزش عالی مجلس شورای اسلامی در پاسخ بـــه سئوالات مطرح شده را آگاه می‌شویم و سپس از زبان دکتر شریعتمداری عضو شورایعالـــی ستاد انقلاب فرهنگی جـواب انتقادات و سئوالا ترا می ــ خوالیم .

یکی از اعضای شورای ستاد امور اجرائی انقلاب فرهنگـــی (جهاد دانشگاهی)

● از نظر سابقه تاریخی چون از ابتدا بعنوان یك دانشجو در جریان انقلاب فرهنگی بوده‌ام، تقریبا از ابتدای تشکیل ستاد تاکنون یکی از همکاران این نهاد بوده و هستم ، و از نظر تصمیم گیری حدود یك سال است که در شورای مرکـــزی جهاد دانشگاهی و ستاد اجرائی فعالیت دارم .

● سئوال کلی است ولی‌جواب را نمی‌توان بصورت کلی پاسخ داد و نیازی به تحلیل کوتاهی از « شناخت فرهنگ » و «راه دگرگونی آن » دارد ، لذا باید گفت پالایش فرهنگـــی کاری بس مشکل است کـــه اجرای برنامه های مدرن آن زمان طولانی ــ بقدر عمر یك نسل ــ نیاز دارد . به همین دلیل امام فرموده‌اند : اسلامی شدن دانشگاهها که جزئی از انقلاب فرهنگی است شایـــد حدود بیست سال بطول انجامد بنابراین اکنون که ستادانقلاب فرهنگی انجام ماموریت خـــود تازه کـــودکی دو ساله است، انتظار معجزه در دگرگونی فرهنگ جامعه از آن نمی‌رود لذا امروز زمـان قضاوت در مورد « بد » یا « خوب » ، عمل کردن ستاد نیست ، حداقل برای قضاوت در مورد موفقیت یا عدم موفقیت کار ستاد در امر انقلاب آموزشی نیاز بـــه گذشتن یك دوره تحصیلی دارد که براساس نتیجه آن قضاوت نمود . اگر با توجه به اجرای صحیح برنامه های ستاد انقلاب فرهنگی در تخصص هـــای مختلف فارغ التحصیلان متعهد و مسئول و آگاه و متخصص از دانشگاهها ارائه شد تـــازه می‌توان قضاوت کرد که ستاد در امر برنامه ریزی انقلاب آموزشی موفق بوده است برای قضاوت در مورد موفقیت یاعدم موفقیت برنامه ریزی در مورد انقلاب فرهنگی برای پالایش فرهنگ جامعه از فـــرهنگ استعماری و غربی ، نیاز بـــه گذشت یك عمر دارد تا با توجه به اصول تعلیم و تربیت بکار گرفته شده درمورد نسل جدید، حاصل کار را دید و قضاوت نمود کما اینکه امام هـــم فرمودند اگر عمری باقی بود و حاصل کار دانشگاههای‌آینده را دیدند می‌توانند با توجه به محصول آن قضـاوت صحیـح بنمایند (این سخن در دیدار با دانشجویـــان دفتر تحکیم وحدت در اولین سالگرد انقلاب فرهنگی بیان شد) .

ولی آنچه‌می‌توان گفت‌بعضی از برادران عضو شورای‌مرکزی ستاد انقلاب فرهنگی حداقل روزی ۱۲ تا ۱٤ ساعت در امر دگرگونی فـــرهنگ فعالیت چشمگیر دارند ، و زحمات آنها قابل تقدیر است .

● همکاری فعال حوزه بـا ستاد انقلاب فرهنگی در امـر برنامه ریزی علوم انسانـی و نظارت بر اجرای دقیق آن ، همکاری مقامات مسئول قوه مجریه با ستاد انقلاب فرهنگی در جهت اجرای صحیح برنامه های آماده شده تخصص های مختلف آموزش عالی و پائین آمدن سطح توقـع و انتظار نابجای بعضی از بـــرادران دلسوز و ناآگاه نسبت به امر انقلاب فرهنگی .

کمیسیـون فـــرهنگ و تحقیقات عـالیه مجـلس شورای اسلامـی ــ محمد علی سبحان‌الهی

● برادر سبحان‌الهی عضـو کمیسیون فوق و نماینده مردم تبریز در پاسخ به سئوالات ها ابتدا مقدمــه‌ای بروضعیت دانشگاههای قبل از انقـلاب آورده‌اند که قسمتی از آن چنین است : بعـد از پیروزی انقلاب با از بین رفتن آن جو اختناق و خفقان حاکـــم ، محصولات این فرهنگ سفارشی غرب ، تحت‌اسمها و گروههایی خواستند خود را نشان دهند از آنجا که زمانهای طولانی از خودبیگانه شده و خود را گم کرده بودند یکدفعه خویش را در محیطی آزاد و دور از اختناق دیدند و شروع بـــه تشکیل گروهکها کردند و در همان جو جدا از جامعه تمـام مسایل را در فـکر خـــود پروراندند و با بـــرداشتهای شخصی و منتزع از افکار جامعه و بیگانه از انقلاب شروع به تجزیه و تحلیل‌کردند وبالاخره خود را در مقابل جامعه و انقلاب قرار دادند . در این میان تنهابچه‌مسلمانها ، آنهائی که با فرهنگ اسلام بدون هیچ وابستگی حتی در آن جـو اختناق آشنایی داشتندتوانـستند خود را با جامعه و انقـلاب تطبیق دهند و همین ها بودند که در تمام مراحل توانستند با ایثارگریها و شهادت های‌خود، دین خود را به این مردم‌محروم ادا کنند . آن گروهکها بـا تشکیل اتاقهای جنگ و فعالیت های دیگر می‌خواستند باز در آن محیط همـان فـــرهنگ استعماری حاکم باشد . دانشگاه ها استقلال فکری پیدا نکنند و به شرق و یا غرب وابسته باشد.

با توجه به این وضع ناهنجار و لزوم تغییر این نظام حاکم، در این موقعیت حساس امـام عزیز به فریاد دانشگاههارسیدند و دستور تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی را دادند .

● ستاد انقلاب فرهنگی بـه موازات حـرکت دانشجویـان متعهد و مسلمان آغاز بفعالیت و ایفای وظیفه کرد و این ستاد با جمع آوری دانشگاهیان مسئول و متعهد کار خود را با تشکیل کمیته های مختلف از قبیل پزشکـی ، کشاورزی ، فنی ، علوم انسانی و عـلوم پایه آغاز کرد . در این رابطه جهاد دانشگاهی بوجود آمد و دانشگاهیان توانستند خود را بمیان مردم رسانده و نیازهای جامعه را از نزدیك لمس کنند و در این مورد آگاهـــی و اطلاعات بدست آورند و ایــن اطلاعات و آگاهی را به کمیته ها که مسئول برنامه‌ریزی و اندیشیدن هستند منتقل کنندتا این کمیته ها بتوانند با توجه به این نیاز ها و تکیه به‌اصول انقلاب برای دانشگاهها برنامه ریزی کند . این ستاد تـا حدودی توانسته است موفـق باشد .

● ستاد برای آنکه بتواند‌این رسالت عظیم و سنگین را خوب انجام دهد باید تمام کارهایش در چهارچوب ارزشی قـــرار گیرد که آن‌ارزش برپایه‌اصول اعتقادی این انقلاب پی ریزی شده باشد . و دیگر ارزشها را بدور بریزد . براین اساس و جهت حاکمیت‌ارزش‌های الهی باید این انقلاب فرهنگی را در تمام ابعاد جامعه گسترش دهد و نباید این فعالیتها منحصر به دانشگاهها باشد و برای توسعه آن و اینکه این حرکت مشمول تمام افراد جامعه باشد باید یك هماهنگی کامل بین ستاد وسایر ارگانهای فرهنگی و تبلیغـی دیگر برقرار شود .

این ستاد برای تغییر نظام حاکم بردانشگاهها و جایگزین کردن نظام‌و ارزشهای حوزه‌ای باید در برقراری ارتباطمستقیم و عمیق تمام دانشگاههای‌کشور با حوزه های مختلف قدمهای موثری بردارد . از آنجائیکه در اثر تربیت غلط و تزریق فرهنگ استعماری و دورماندن جامعه مخصوصا محیط دانشگاه از اصول و فرهنگ اسلامی بین بعضی اساتید و جامعه و انقلاب فاصله‌ای ایجاد شود ودر نتیجه این نیرو ها آنطوری که شاید و باید خود را مسئول نمی ــ دانند و بی تفاوت از مسایل می‌گذرند برای از بین بردن این فاصله و ایجـاد تعهـد و مسئولیت در این قشر و اینکه آنها نیز بتوانند در کنار سایر مردم در پیشبرد اهداف انقلاب سهیم باشند باید به تشکیـل کلاسهای معارف‌اسلامی وایجاد جلسات بحث اقدام کرد .

در مورد جهاد دانشگاهی این بازوی اجـرائی ستاد پیشنهاد می‌کنم که جهت جلوگیری از تداخل وظایف ، طرح یـــا لایحه‌ای به‌تصویب مجلس برسد تا در چهار چوب آن ایـــن برادران و خواهران متعهـد بتوانند این وظیفه سنگین را به‌نحو شایسته‌ای انجام دهند . امید است که بـــرادران و خواهرانی که‌بنحوی در ارتباط با ستاد همکاری دارند بـــا رهنمود های امام عزیز بتوانند در تحقق حاکمیت ارزشـهای الهی در جامعه موفق و موید باشند . انشاءالله .

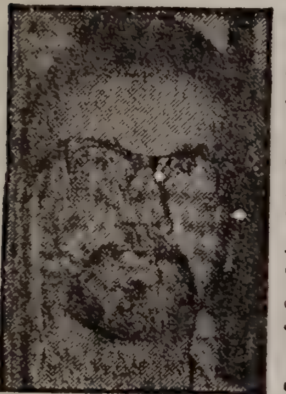
ستاد انقلاب فـــرهنگی ــ دکتر علی شریعتمداری :

دکتر علی شریعتمداری کـه یکی از اعضای اولیه شورایعالی ستاد انقلاب فرهنگی است و از ابتدا تاکنون بطور مستمر و ثابت در جریان فعالیتها حضور داشته است پیرامـون مشکلات موجودی که از ابتدا برایشان بوده چنین می‌گوید :

« در ابتدا باید به کمبودها اشاره کنم که از جمله کمبود نیروی انسانی صالح و صاحب نظر در زمینه های مختلف و رشته های مختـلف و کمبود امکانات اداری برای ارتباط با موسسات و سازمانها بوده است بی تفاوتی‌عده‌ای ازدانشگاهیان در امر انقلاب فرهنگی ونگرش منفی آنها در انقلاب آموزشی و هم‌چنین فعالیت گروههائی که انقلاب فرهنگـی و کـلا باز سازی دانشگاهها را امری سیاسی تلقی می‌کردند و یا ؛ بسته بـــودن دانشگاهها قصد بهره‌برداری سیاسی داشتند از جمله مسائل و مشکلات ستادبوده است .

دیگر اینکه وجهه قانونـی ستاد روشن نبود زیرا درزمانی به‌فرمان امام ستاد تشکیل شد که دو وزارتخانه آموزش‌عالی و آموزش‌وپرورش با مسئولیت های مربوطه وجود داشتند و قهرا یك سلسله کار ها بـــا وظایف وزارت علوم و درزمینه برنامه ریزی پیش دانشگاهی و تربیت معلم‌باوزارت آموزش و پرورش تداخلی ایجاد می‌شد که ستاد را با مشکلاتی مواجه می‌کرد .

ازنظر داخلی نیز امکانات



*** دکترعلی شریعتمداری: امکانات تبلیغاتی و تماس با مردم محدود بود وروی همین اصل بسیاری ازمردم از فعالیت‌های جاری ستاد بی‌اطلاع بودند**

تبلیغاتی و تماس با مردم‌محدود بود و روی همین اصل بسیاری از مردم از فعالیت های جاری در ستاد بی‌اطـلاع بودند . اعضای اصلی ستاد در آغازامر همگی نمی‌توانستند تمام وقت حضور داشته‌بـاشند و در راه انتخاب افرادی کـــه بتوانند فارغ‌البال به عنوان عضو اصلی ستاد و تمام وقت کار کند هم مشکلاتی وجود داشت .

ضمنا نهاد های انقلابی نیـز از ستاد توقعاتی خارج از چهار چوب اختیارات و حوزه کاری آن داشتند و با این تصور کـــه ستاد از سوی امام منصوب شده مصوبات آن در هر زمینه‌ای ، برای سازمانهای مربوطه لازم‌ــ الاجراست که این در عمل غیر ممکن بود واصولاستاد از ابتدا کوشش داشت که براساس تفاهم و همکاری‌باوزارتخانه هاتماس داشته باشد .

شماره ردیف ۲ .... عنوان : بررسی فعالیتهای دوساله ستاد انقلاب فرهنگی (قسمت ۲)



شماره مسلسل .... موضوع: ....

ماخذ: تاریخ کیهان ۶۱/۵/۵ ۱۱۳۴۷ (آرشیو)

با تمام امکانات خویش را جهت اجرای این مسئولیت ها بکار گیرند.

پیشنهاد دوم اینکه جهت آشنائی با مسائل و مشکلات موجود در دانشگاههای مختلف و مسائل فرهنگی استانهای دور دست اعضاء ستاد مقداری وقت خویش را صرف بازدید موارد ذکر شده بنمایند و این برنامه حتی در سطح گروه و کمیته های تخصصی نیز عملی گردد تا با شناخت دقیق مسائل تصمیمات مناسبی اتخاذ گردد و همچنین اقدامات سریع جهت جذب نیرو های متعهد متخصص بمنظور جایگزینی کادر آموزشی دانشگاه ها صورت گیرد تا در بازگشائی مشکلات کمبود کادر ها مذکور مانعی در راه تحقق اهداف انقلاب ایجاد ننماید.

در بازگشائی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی مبنا را بر تغییر و تحول کمی و کیفی قرار داده و در هر یك از مراکزی که به حداقل کیفیت رسیده باشد بازگشائی صورت گیرد.

دانشگاه سیستان و بلوچستان مهندس سید مجدالدین میرمحمد حسینی :

● در جریان دقیق جزئیات نیستم ولی در کلیات و مسایلی که باید باشیم و تعیین کننده است برنامه و جلسات و کمیته های مخصوصی داریم و اعضای آن مشغول کار هستند و ما در جریان کلیات کار هستیم.

● مساله مهم توقعی بود که درحد عام از ستاد انتظار میرفت و برآورده نشد حالا مقصر ستاد انقلاب فرهنگی است یا بالا بودن توقع مردم ، این خود قابل بحث است. ستاد در این قسمت مشکلاتی داشت یکی اینکه این حرکت برای اولین بار انجام میشد و هیچ الگو و نمونه‌ای برای آن نبود که ستاد بتواند از آن اقتباس کند و دیگر اینکه هنگام شروع کار هیات هفت نفری منتخب امام نیروی متعهد مورد نیاز را در اختیار نداشت و تا این عده از دانشگاهها انتخاب و متمرکز و سازماندهی شوند وقت لازم داشت و این نیز دلیلی دیگر برعدم انجام کار ها در مدت کوتاه بوده است.

دیگر اینکه ستاد در سال اول به حل و فصل مسایل درونی پرداخت و نتوانست کار های زیادی را انجام دهد ولی بعداز پیام نوروزی امام و تاکید بر بازگشایی دانشگاه ها ، تحولی در ستاد ایجاد گردید و آهنگ حرکت آن سریعتر

● ستاد به موازات فعالیت های آموزشی و تغییرات اساسی می‌تواند در جهت صلاحیت های اخلاقی و عقیدتی که در به ثمر رساندن اهداف انقلاب فرهنگی بسیار اساسی و مهم است باید اقدام کند و در این راه دوره های آموزش مسایل عقیدتی و اخلاق و معارف اسلامی تشکیل دهد.

برای دانشگاههای شهرستانی بخصوص مناطقی که در نقاط محروم قرار دارند و از نظر بعد مکان فاصله زیادی از مرکز دارند اعزام نماینده و افراد گروهها و کمیته ها و نظر خواهی از آنان و ایجاد هماهنگی لازم خصوصا درموارد خاص منطقه‌ای بیشتر صورت گیرد.

مجتمع دانشگاهی علوم اداری و بازرگانی ـ دکتر همایون الهی :

● تقریبا از آغاز کار فعال گروهها و کمیته‌های برنامه ریزی با ستاد انقلاب فرهنگی همکاری داشته و در کمیته‌های مختلف برنامه ریزی آن شرکت نمودمام نظیر کمیته علوم سیاسی و مدیریت دانشگاهها «مرکز نشر».

● شاید بسیاری انتظار داشته‌اند که ستاد انقلاب فرهنگی، میبایستی در مدتی کمتر از دو سال دگرگونی عمیق فرهنگی در این کشور بوجود آورد. حقیقت امر اینستکه برنامه‌ریزی فرهنگی و بدنبال آن برنامه‌ریزی آموزش عالی که بخشی از اهداف انقلاب فرهنگی را تشکیل میدهد، همانگونه که امام فرمودند محتاج زمان است.

مشکلات متعددی که ستاد انقلاب فرهنگی در طی حیات خود با آن روبرو بوده‌است نظیر کمبود اساتید متعهد و متخصص جهت شرکت در امر برنامه ریزی، نداشتن تشکیلات در آغاز کار ، مشکلات تهیه محتوی دروس پیشنهادی که در بعضی موارد تهیه یك کتاب نیازمند کار چند متخصص در چند سال میباشد و مسائلی از این قبیل تا حدودی در سرعت کار موثر بوده است.

● آنچه مسلم است بازگشائی و نوگشائی دانشگاهها به‌کار کمیته‌های برنامه‌ریزی ستاد پایان نمیدهد بلکه بایستی برنامه‌های تهیه شده در مرحله عمل مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد بنابراین ستاد انقلاب فرهنگی بایستی با قاطعیت کامل امکان این کار را بوجود آورد. درعین‌حال خود را درا آورد. در عین‌حال هرگاه‌ستاد تمرکز کار خود را در امر تهیه طرح و برنامه و تعیین خط مشی آموزشی قرار دهد و کار اجرایی را با نظارت نزدیك به ارگانهای مسئول واگذارد شاید موفقیت بیشتر و سریعتری بدست آورد.

شماره ردیف: ۱ ....

شماره مسلسل ....

عنوان: نگرشی به فعالیتهای دوساله ستاد انقلاب فرهنگی (قسمت ۲)



موضوع: پیشنهادات و انتقادات روسای دانشگاهها به ستاد انقلاب فرهنگی

ماخذ: تاریخ کیهان ۶۱/۵/۵ ۱۱۶۶۵ (آرشیو) تا چه اندازه در جریان کارهای ستاد انقلاب فرهنگی قرار دارید؟، نظرتان را در مورد عملکرد و پیشنهادات!

روسای دانشگاههای اصفهان، تبریز، ارومیه، سیستان و بلوچستان و مجتمع دانشگاهی علوم اداری و بازرگانی در دومین قسمت از نظرخواهی بزرگ کیهان پیرامون عملکرد ستاد انقلاب فرهنگی به سئوالات کیهان پاسخ می‌دهند.

در اولین قسمت این نظرخواهی به مناسبت آغاز سومین سال فعالیت ستاد انقلاب فرهنگی انجام شده است با نظرات روسای دانشگاههای تهران، پلی تکنیک، علم و صنعت ایران و الزهرا آشنا شدید و اینک در ادامه این گزارش با نظر جمعی دیگر از روسای دانشگاههای کشور آشنا می‌شوید.

دانشگاه اصفهان ـ دکتر محمدی:

● بنا به رشته تخصصی خودم در دانشگاه، بنده اساساً در رشته‌های مختلف گروههائی تشکیل داده و زیر نظر این گروهها کمیته‌های برنامه‌ریزی معلوم شد و در زمینه رشته‌های پزشکی بعد از تشکیل گروه پزشکی و شاخه پزشکی از نیروهای متعهد دانشگاه اصفهان در این امر همکاری مستمر بعمل آمد و نهایتاً یکی از ثمرات کار ستاد بعنوان عملکرد زودرس ستاد، ارائه لایحه جدید وزارت آموزش و بهداشت و درمان است که بتوجه به خود با اجرای آن بوسیله نیروهای متعهد و مکتبی در جهت رفع کمبود نیروهای متخصص و متعهد پزشکی گام مهمی برداشته میشود.

● اکنون که در سومین سال تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی هستیم در طول این مدت دانشگاهها تاحدودی در جریان برنامه‌ریزی فرهنگی و آموزشی ستاد بوده و مثل هر برنامه دیگر زیر و بمهائی داشته ولی با درایتی که امام و ملت داشتند در مواقع بحرانی بداد این ستاد رسیده‌اند و با وارد شدن افراد متعهد و مکتبی و بخصوص قشر اهل علم و روحانیون افرای نظیر شهید باهنر در این ستاد برنامه‌ریزی کردند که بخصوص در زمینه رشته‌های تجربی و علمی کار ستاد موفق‌تر بوده ولی در زمینه علوم انسانی بدلیل حاکمیت موضوع مخصوصاً نظر امام و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم کار تا آن‌حدی نبوده که عطش انقلاب اسلامی را سیراب کند و باید بیشتر کار شود.

● ضمن تائید کار ستاد باید مدیریت خود ستاد تقویت شود و اگر چه نیروهای برنامه‌ریز دانشگاهها ستاد جذب شده ولی در این امر تاکید بیشتر میشود که نیروهای بیشتر جذب شود و نقش حوزه مدرسین علمیه قم نیز بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

● ستاد باید نظارت مستمر بر کارگروههای برنامه‌ریز داشته باشد و طرحهای زمان‌بندی شده از این گروهها بخواهد تا بتوانیم بدون فوت وقت طرحهای مفیدتری داشته باشیم.

در هر دانشگاهی یک کمیته نظارت برحسن اجرای مصوبات بوجود بیاید و ستاد با آنها در ارتباط داشته باشد و بمنظور حسن اجرای مصوبات نسبت به اجرای برنامه‌ها تا حد ممکن ایستادگی کند تا مشکلی که درحال‌حاضر در دانشگاهها مبنی بر عدم هماهنگی اجرای برنامه‌ها احساس میشود مرتفع شود.

با توجه به بازگشائی دانشگاهها و مشکلات ملموس اهم از مشکلات آموزشی، سیاسی، فرهنگی و غیره لازم است ستاد گروههای بازرسی بسوی دانشگاهها گسیل کند تا در رفع کمبودها چاره‌اندیشی شود.

تا حد امکان نسبت به هماهنگ کردن امکانات آموزشی بخصوص متخصصین و مدرسین دانشگاهها بصورت اعزام، میهمان، مامور و یا انتقال با تشویق و ترغیب و غیره چاره‌اندیشی کند.

در تربیت نیروهای جوان و حزب‌اللهی علیرغم منع قانونی در بعضی موارد با ارائه راه‌حلهای منطقی در جهت تربیت نیروهای دلسوز انقلاب در مقاطع زمان‌بندی شده بصورت طرح تربیت مدرس که از برنامه‌های خوب ستاد بوده هرچه بیشتر استفاده شود تا مشکل کمبود استاد مرتفع شود.

اعضای ستاد بیشتر از آنچه انجام میدهند به دانشگاههای مجری و بازگشائی شده سرکشی کرده و مسئولین اجرائی و برنامه‌ریزی را در جریان مسائل قرار داده تا بجنبه معایب و محاسن امور ببرند و نقطه نظرات جدید را کسب کنند.

در زمینه نشر کتاب و مجله علیرغم همه مشکلات که ناشی از جنگ و حصر اقتصادی است باید اذعان کرد که نظارت ستاد و مجریان امر خوب نبوده و با توجه به نیاز علمی دانشگاهها به کتاب و مجله [illegible] انتشار کتب ترجمه و تالیف که از چند سال اخیر آماده شده به آن سرعت ببخشند بدین منظور از هرگونه تجمع امکانات چاپی در تهران پرهیز شود و در اختیار دانشگاهها قرار گیرد تا نه تنها بخش خصوصی متورم‌تر نشود بلکه ستاد با نظارت خود بر تصحیح و چاپ کتاب و مجله توسط دانشگاهها این مشکل را مرتفع کند.

اگرچه دانشجویان متعهد و مکتبی در جریان کار ستاد فرهنگی از نیروهای بسیار فعال و برنامه‌ریز بوده‌اند و هستند ولی کافی نیست و باید نسبت به جذب آنها بیشتر اقدام و در شهرستانها نیز بهمین نحو اقدام شود.

همانگونه که همه نهادهای انقلابی خودرو و از متن جامعه اسلامی برخاسته‌اند ستاد انقلاب فرهنگی نیز با تصویب مجلس شورای اسلامی بعنوان یک نهاد برنامه‌ریز در راس دانشگاهها [illegible] بماند.

دانشگاه تبریز ـ دکتر حسین صادقی‌شجاع:

● از اولین روزهای تشکیل ستاد همکاری بسیار نزدیک با ستاد (ازطریق جهاد دانشگاهی، کمیته های برنامه ریزی و مرکز نشر دانشگاهی) داشتم. در جلسات و سمینارهای مختلف راسا شرکت کرده مسائل را بررسی میکردیم. عده‌ای از اعضای علمی دانشگاه تبریز هم با کمیته‌های مختلف همکاری کرده در جلسات کمیته‌های مختلف در تهران حاضر میشدند.

● حالا بد نیست و کارهای ستاد بغلطک افتاده است و نتیجه تلاشهای دو ساله اعضای محترم ستاد یکی پس از دیگری ثمر بخش میشوند. منجمله تدوین آئین‌نامه های جدید گروههای پزشکی، فنی و مهندسی و ادامه تدوین آئین‌نامه گروههای آموزشی دیگر، بازگشائی [illegible] از رشته های تحصیلی و بازگشائی کامل دانشکده های پزشکی، دارو سازی، علوم آزمایشگاهی، پرستاری و تصمیم به نوگشائی بعضی از دانشکده ها مثل گروه پزشکی و ... کشاورزی، تصویب چاپ تعداد زیادی کتاب، تنظیم آئین‌نامه های گزینش استاد و دانشجو، آئین‌نامه های انتقال دانشجویان، آئین‌نامه تربیت مدرس، اعزام دانشجو بخارج [illegible] ...

● از یکعده اساتید متعهد متخصص تمام وقت استفاده نمایند تا در اسرع وقت یک برنامه انقلابی متناسب باشرایط انقلاب آماده نمایند. اکثر آقایان اعضاء ستاد انقلاب فرهنگی وهمکاران ستاد انقلاب فرهنگی در چندجا مسئولیت پذیرفته‌اند و این در عین‌حال که لازم و اجتناب ناپذیر است باعث کندی کار ها میشود. بنظر من بهتر است حتما از عده‌ای همکار تمام‌وقت استفاده بعمل آید تا فرمان امام مبنی‌بر بازگشائی سریع دانشگاه پس از انجام تغییرات لازم و کافی به مرحله عمل برسد. در ضمن توصیه میشود از حوزه های علمیه در تدوین برنامه ها استفاده شود بخصوص دربرنامه های گروه علوم انسانی، گواینکه الان ۲ نفر از فاضلترین اساتید حوزه در ستاد همکاری دارند ولی بنظر کافی نمی‌رسند.

● بعضی وقتها بدون مطالعه و توجه بهمه جوانب امر دستوراتی صادر میشود که در عمل ما را با مشکل مواجه میسازد، گواینکه بالاخره هر طوری‌هست برنامه را اجرا میکنیم وچیزی لنگ نمی‌ماند ولی مسئولین اجرائی در واحد های مختلف دانشگاهی زیر فشار شدید کار قرار میگیرند. توصیه میشود در مراحل بعدی بازگشائی قبل از اینکه دستورات جدیدی صادر شود تمام مشکلات را درنظر گرفته و متناسب با آن اقدامات بعدی انجام گیرد. البته از چند نظر این مساله اجتناب ناپذیر است، یکی اینکه تا کاری شروع نشود مشکل بروز نمیکند و مشکل آنقدر زیاد است که مرحله بمرحله بروز میکند و نظر من اینست که از تجربیات مراحل پیش که تا بحال انجام شده‌اند برای بهتر اجراء شدن مراحل بعد استفاده بعمل آید. دوم اینکه زیادی مشکل بخاطر تغییرات بنیادی آموزش میباشد و چون نظر براین است که از اساس تغییر لازم داده شود اینست که علیرغم یکی دو سال کار و کوشش در این زمینه بازهم مسائل غیر قابل پیش‌بینی و اجتناب ناپذیری بروز میکند که به لطف خدا با همکاری همه دست اندرکاران برطرف می‌شوند.

دانشگاه ارومیه ـ دکتر محمدعلی اخوی‌زادگان:

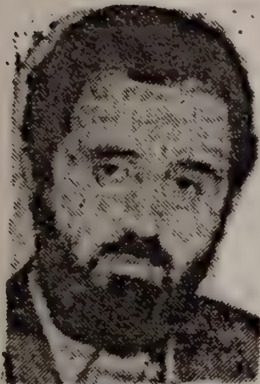
● با توجه به اینکه از اوایل تعطیلی دانشگاه ارومیه من به عنوان یکی از اعضا شورای مرکزی جهاد دانشگاهی استان آذربایجان غربی انجام وظیفه می‌نمودم لذا میتوان گفت که حدودا در جریان کار های انجام شده در ستاد انقلاب فرهنگی قرار می‌گرفتم و این تماسها از طریق مکاتبات و یا حضور در جلسات و یا ارسال مصوبات ستاد به شورای مرکزی جهاد دانشگاهی استان انجام میشد.

● ستاد انقلاب فرهنگی در ابتدا با مسائل بصورت صحیح برخورد نداشت و حتی تا مدتها شاید بعنوان یک واحد فعال در سطح تصمیم گیری مسائل فرهنگی و آموزش دانشگاهی و مشکلات موجود حضور نداشت ولی بعد ازمدتی تقریبا کار های اصولی خود را با تشکیل کمیته های تخصصی شروع و اقداماتی در جهت برنامه ریزیهای لازم بمنظور تغییر و تحول در برنامه آموزشی دانشگاهها ضوابط گزینش استاد و دانشجو و سایر مسائل مربوط به انقلاب‌فرهنگی شروع نمود. ولی با توجه به مشکلات متعددی که در مسیر این تحول وجود داشت و همچنین انتظاری که از ستاد بعنوان بالاترین مرجع رفع اشکالات و ارائه برنامه های مطلوب میرفت میتوانست چنین استنباط شود که تحرک و سرعت کافی برای تحقق چنین اهدافی را نداشته است.

● نظر به اهمیت موضوع انقلاب فرهنگی و نقشی که در هدایت جامعه خواهد داشت اولین پیشنهاد ما آن است که اعضاء ستاد بصورت تمام وقت در اختیار انقلاب فرهنگی بوده.



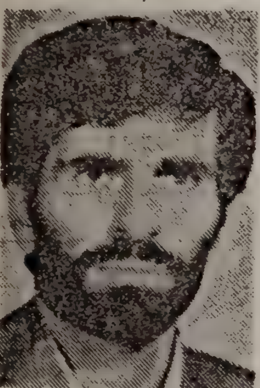
* رئیس دانشگاه‌تبریز: اکثر آقایان اعضای ستاد و همکارانشان در چند جا مسئولیت پذیرفته‌اند و این در عین حال که اجتناب‌ناپذیر است باعث‌کندی کارها میشود.



* رئیس مجتمع دانشگاهی علوم اداری و بازرگانی: بازگشایی و نوگشایی دانشگاهها به کار کمیته‌های برنامه‌ریزی ستادپایان نمیدهد بلکه باید برنامه های تهیه شده در مرحله‌عمل تجزیه و تحلیل شود.



* رئیس دانشگاه اصفهان: کار ستاد در زمینه علوم انسانی با توجه‌به حاکمیت‌موضوع و نظر امام و جامعه مدرسین حوزه علمیه تا آن حدی نبوده‌که عطش انقلاب اسلامی راسیراب کند.



* رئیس دانشگاه ارومیه: اقدامات سریع باید در جهت جذب نیرو های متعهد و متخصص برای جایگزینی کادر آموزشی دانشگاه‌ها صورت گیرد تا در بازگشایی، مشکل کمبود کادر نداشته باشیم.

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ: تاریخ کیهان 11630 61/4/29 (آرشیو) فرهنگی



عنوان :

موضوع: نظرات روسای دانشگاهها در مورد ستاد انقلاب

بیشتر در میان نیروهای خادم به انقلاب و ممانعت از برخوردهای ناسالم تهیه شود. یک واحد قهری بازرسی جهت پیگیری کمی و کیفی اجرای مصوبات تشکیل گردد و روشهای جذب و دفع نیروها وشرایط و ضوابط انتخاب و انتصاب افراد مورد بررسی قرار گیرد. توجه نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی را نسبت به امور دانشگاهها و فرهنگ جلب کرده، تا روابط واقع گرایانه‌تر مردم با دانشگاه برقرار شود.

دانشگاه دختران (الزهرا) ـ دکتر نجفقلی حبیبی :

● بمناسبت فعالیت‌هایی که دارم تا حدودی در جریان‌کار ها هستم خصوصا که دریکی از کمیته‌های فرعی برنامه‌ریزی شرکت دارم. اما بدلیل گستردگی کارهای ستاد انقلاب فرهنگی اطلاعاتم محدود است و در جریان تمامی آنچه در ستاد می‌گذرد قرار ندارم.

● ستاد انقلاب فرهنگی از بدو تشکیل دچار مشکلاتی بوده، است از جمله تعیین بعضی از اعضای شورای عالی آن و دیگر چند مسئولیتی بودن برخی از آنها می‌باشد که در کیفیت عملکرد آن‌تاثیر گذاشته است. ولی بطور کلی‌ضمن اعتراف به زحمات فوق‌العاده ستاد و قدردانی از کارهای انجام شده لازم است یادآوری کنم از یک طرف در کمیتا های مختلف ستاد افراد با خطوط فکری متفاوت شرکت دارند مضافا وسعت کار بی‌سابقه بودن ، مبهم و کلی‌بودن بعضی از اهداف و عدم مشارکت جدی و فعال حوزه علمیه از عواملی است که در کیفیت کار ستاد اثر گذاشته است.

متاسفانه هنوز آثار علمی تهیه‌شده توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر نشده است . تا کیفیت و کمیت کارشان معلوم شود و باتوجه به وسعت مشارکت اعضای‌هیئت علمی دانشگاهها در این‌مرکز نمیدانیم چه خطوط فکری‌بر کتابهای تهیه شده حاکم خواهد بود . بهرحال آنچه انجام شده موجب قدردانی بوده و زحمت فراوان کشیده شده است .

● رفع معایبی که در بالا گفته شد خود به‌عنوان‌پیشنهادی برای بهبود وضعیت موجود است ولی بطور فهرست‌گونه باید گفت : در ستاد باید فقط خط انقلاب اسلامی برمحور ولایت فقیه که خواست امت است حاکم شود . نیروهای ناخالص و لیبرال و طرفدار تخصص محض باهرچهره‌ای که در ستاد راه‌یافته‌اند شناسایی وکنار گذاشته شوند. وظایف مشخص‌شود و از تداخل واتلاف نیروها جلوگیری گردد همچنین‌همکاری حوزه علمیه خصوصا در علوم انسانی افزایش جدی یابد و با صمیمیت این امر تعقیب شود از افراط و تفریط جدا پرهیز شود و هرکس و هرچیز در مجرای حرکت اسلامی در جای خود پذیرفته شود حذف و اثباتهای بی‌منطق باید پایان یابد. با گذشت این مدت، ضعفها سنجیده و خطاها جبران گردد . از خودمحوری پرهیز به‌عمل آید و روح تفاهم میدان باز کند . اقدامات انجام‌شده منتشر شود تا ازطریق عموم مردم ارزیابی گردد و تشویق و توبیخ عملا اجرا شود .

دانشگاه علم و صنعت ایران ـ مهندس احد کاظمی :

● از بدو تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی بعلت شروع‌فعالیت اینجانب در جهاد دانشگاهی که بعنوان بازوی اجرائی ستاد انقلاب فرهنگی از آن نام برده میشد بافعالیت و نحوه‌تشکیل و پیشرفت کار آن‌ستاد کاملا مطلع بوده و درجریان امور آن قرار گرفته‌ام مصوبات ستاد و همچنین برنامه‌ریزیها و از مسایل مهم و اساسی مطرح‌شده در ستاد نیز ازطریق‌همکاران و اعضای هیات علمی این دانشگاه که در کمیته‌های مختلف ستاد شرکت و حضور دارند نیز مرتبا آگاه شده و در جریان امور قرار میگیرم .

● بنظر اینجانب ستاد انقلاب فرهنگی از بدو تشکیل‌تاکنون اشکالات ذیل را داشته است :

۱ ـ ستاد میبایستی دانشگاه موجود و دانشگاه مطلوب را شناسائی میکرد .

۲ ـ پس‌از شناسائی فوق ، جهت رسیدن به دانشگاه مطلوب ستاد میبایستی خطمشی و استراتژی حرکت خود را مشخص و تبیین میکرد تا کلیه افرادیکه به‌نحوی با ستاد و انقلاب فرهنگی دررابطه هستند در چهارچوب خطمشی مذکور حرکت نمایند .

۳ ـ نحوه برخورد ستاد با نیروهای متعهد ، مطلوب نبوده است و این امر باعث شده که عده‌ای نیروهای متعهد از کمیته‌های مختلف ستاد خارج شوند و نیز نیروهای‌غیرـ متعهد بسیاری وارد کمیته‌های برنامه‌ریزی گردند .

٤ ـ برخورد ستاد با جهاد دانشگاهی مطلوب نبوده و عملا نیروهای متعهد جهاد دانشگاهی که بدنظر اینجانب موفقترین ارگان تشکیلات ستاد انقلاب فرهنگی بوده‌اندفاصله زیادی از ستاد دارند ورابطه نزدیکی بین جهاد دانشگاهی و ستاد موجود نیست .

٥ ـ تشکیلات درونی ستاد انقلاب فرهنگی از لحاظ اداری و مالی و اجرا بسیار ضعیف بوده و اساسا در زمینه تشکیلات کار چندانی صورت نگرفته است .

٨ ـ ستاد عملا بنیه و قدرت جمع‌بندی کلیه فعالیتهای کمیته‌های برنامه‌ریزی و کمیته‌های دیگر را نداشته وطرحها بسیار دیرتر ازآنچه باید تصویب شوند درحال بررسی و تصویب هستند .

۷ ـ برخوردستاد با مساله بازگشائی و نوگشایی‌براصول مشخص و برنامه‌ریزی‌شده‌استوار نیست و ستاد سیاست‌مشخصی ندارد بلکه موضعی و عکس‌العملی برخورد می‌کند .

● پیشنهاد میشود :

شورای رسمی و قوی که‌به‌تصویب مجلس شورای‌اسلامی برسد بنام شورای عالی‌فرهنگ و نیز شورای دیگر بنام‌شورای آموزش کشور که زیرنظر شورای فرهنگ کشور خواهد بود تشکیل گردد . در شورای‌اول تعدادی از وزراء مانند وزیر فرهنگ و آموزش عالی ، وزیر ارشاد ، وزیر آموزش و پرورش ونیز تعدادی از مدرسین حوزه علمیه و نماینده امام شرکت داشته باشند و خطمشی‌کلی فرهنگ جامعه را ترسیم نمایند . در شورای دوم که موضوع را به اجرا بیشتر نزدیک می‌نماید .

وزرای علوم و آموزش و پرورش به‌همراه عده‌ای از اساتید و معلمین و مجریان در دو وزارتخانه فوق شرکت نمایند این شورا ستاد اجرائی زیرنظر خود جهت اجرای مصوبات را تشکیل دهد .

شماره ردیف ....



عنوان: نگرشی به فعالیتهای دوساله ستاد انقلاب فرهنگی

موضوع: بررسیها در دانشگاهها درباره ستاد انقلاب فرهنگی

شماره مسلسل ....

ماخذ: تاریخ کیهان ۶۱/۴/۱۶ (آرشیو) (ل) ....

ستاد انقلاب فرهنگی سومین سال تولد خودرا آغاز کرد. سه‌سال پیش در چنین ایامی در پی تعطیل دانشگاههای کشور فرمانی ازسوی رهبر کبیر انقلاب صادر شدکه براساس مفاد آن یك هیات ۷نفری موظف‌شدند تا باهمکاری اساتید دانشگاه، روحانیون صاحب‌نظر، افراد متعهد و آگاه فرهنگی وبالاخره دانشجویان مسلمان یك انقلاب فرهنگی، صددرصد مبتنی بر ارزشهای اسلامی را شکل بخشند و از این‌روبودکه‌ستادانقلاب فرهنگی‌تشکیل شد. اما از همان روزها تاکنون همواره درباره نحوه‌فعالیت،میزان پیشرفت و عملکرد این‌ستاد بحثهای‌موافق و مخالف بسیار بوده، و هست. عده‌ای که بطور کل مخالف‌با تغییرات بنیادی در فرهنگ کشوربودند زیراکه‌اصولامخالف اصل انقلاب اسلامی بودند مخالفت صددرصدخودرا بههرنوع ووسیله‌ای که در اختیارشان بود ابراز می‌کردندو درصدد تضعیف‌ستاد برآمدند. عده‌ای دیگرنیز که‌موافق وهمراه‌جریان انقلاب بودند ولی‌در بینش نسبت به‌مسایل اختلاف داشتند نظرات خودرا بیان می‌کردند. موافقین نیزضمن‌اعلام‌همکاری باستاد درهرجا که میسربود به تبلیغ می‌پرداختندودرحدامکان و توان خویش قبول مسئولیت کردند، و این جریان‌همواره تکاتنگ‌عملکرد ستاد درطول عمردوساله‌آن حضور داشته‌است. اکنون که بسومین سال این مجموعه رسیده‌ایم نگرشی به فعالیتهای آن ضروری بنظر می‌رسد لذا بی‌آنکه به‌نقدفعالیت ستاد بپردازیم ویامیزان پیشرفت کارها را مورد بحث‌وبررسی قرار دهیم. نگاهی گذرا به کارنامه دوساله این ستاد می‌اندازیم.

ستاد با تشکیل گروههای پنجگانه پزشکی، کشاورزی، فنی ومهندسی، علوم‌پایه، علوم‌انسانی وکمیته تالیف‌وترجمه ونشر دانشگاهی کارخودرا آغاز کرد ودر این راه هیات‌اولیه که‌شامل دکتر عبدالکریم سروش، دکتر علی شریعتمداری، شهید حجت‌الاسلام دکترباهنر، حجت‌الاسلام ربانی املشی،دکتر حبیبی، جلال‌الدین فارسی وشمس‌آل‌احمد بود از اساتید دانشگاهی، صاحبنظران‌فرهنگی، مدرسین حوزه‌علمیه قم و دست‌اندرکاران متعهد ودلسوز دعوت به‌همکاری کردند. واین ترکیب آغاز به بررسی وضع‌گذشته وتعیین طرق رسیدن به وضع مطلوب کرد وهنگامی که برنامه‌ها شکل منظم‌تری‌بخود گرفت جهاد دانشگاهی رابه عنوان بازوی اجرائی ایجادکردند که‌ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بود واین‌یکی از اقدامات مهم،موثر وانقلابی ستاد انقلاب فرهنگی تلقی میشود. ستاد با امکانات تازه درپی تدوین طرح‌اساسی‌برای تغییربنیادی نظام‌دانشگاهی بود که درآغاز سال شصت فرمانی دیگر ازسوی امام مبنی‌بر ایجاد تسهیلات بیشتر برای بازگشایی دانشگاهها صادرگردید که‌سرعتی در روند فعالیتها پدیدار آورد ودانشگاهها برای دانشجویان سال آخر بازگشایی شد (مرحله اول‌طرح‌انتقال).

اما در خلال این مدت گروههای مختلف ستاد نیز در ادامه کار خود به نتایجی دست یافتند که از جمله گروه پزشکی طرح جدید تربیت پزشك ونحوه آموزش‌دانشجویان این رشته را تهیه کرد ورشته‌های فنی ومهندسی وکشاورزی و علوم پایه هم در چهار چوب کار خود طرحهای مربوط به نحوه گزینش و آموزش دانشجویان رشته‌های خود را تهیه و به تصویب شورای عالی ستاد انقلاب فرهنگی رساندند. و کمیته ترجمه و تالیف و نشر کتب دانشگاهی نیز با استمداد از مولفین، مترجمین و اساتید دانشگاه به تهیه کتب مورد نیاز دانشگاههای اسلامی آینده پرداخت که در این راه بیش از ۲۵۰۰ تن از افراد صاحب نظر از اقشار مختلف این کمیته را یاری دادند ولی نقطه اوج فعالیتها واقدامات ستاد را باید در عملکرد جهاددانشگاهی جستجو کرد که لازم است در اینجا در این زمینه بیشتر توضیح داد.

ستاد انقلاب فرهنگی بعد از آغاز کار خود به عنوان بازوی اجرائی نهادی بنام جهاد دانشگاهی را ایجاد کردو این نهاد به تبعیت از نامش می‌توان گفت جهادی دیگر در دانشگاهها را به وجود آورد. اگرچه دانشگاهها بطور ظاهری بسته شده بود ولی دردرون آنها بدون هیچ غوغا و هیاهویی علم و کار زندگی دیگری یافت. استادی که در گذشته فقط به ارائه جزوه‌ای اکتفا می‌کرد و یا اگر قصد تحقیقات بیشتری را داشت ولی امکان پذیر نبود اینك شبانه روز وقت خود را در لابرتوارها و دیگر کارگاههای فنی سپری می‌کرد تا در سیر تکاملی انقلاب اسلامی اونیز سهم خود را ادا کرده باشد. دانشجویی که تنها به فکر گذراندن کلاس‌ها و ترمها و اخذ مدرك بود تا در پشت میزی بنشیند و هم چون پرونده‌های بایگانی فسیل شود کلاس درس راه از درون محوطه سبز و پردرخت دانشگاه به میان روستا و نقاط محروم و آزمایشگاه و کور ذوب برد تا مستضعفین به حداقل خدماتی که در گذشته از آن محروم بودند دست یابند.

نتیجه کار جهاد دانشگاهی را در یك کلام می‌توان دهن کجی به امپریالیسم دانست که تصور می‌کرد این مملکت بدون حضورش تاب مقاومت در برابر کاستی‌ها و کمبودها را نخواهد داشت و از پای درخواهد آمد. وچه خیال باطلی، غافل از اینکه جوانان دانشجوی بیدار ما علم و هرآنچه آموخته بودند در پرتو ایمان بکارگرفتند و این قدرت خلاقیت را در جنگ تحمیلی نیز به ثبوت رساندند.

در بیان وتوضیح بیشتر کار جهاد دانشگاهی یادآوری بیش از ۱۰۰۰ طرح وفعالیت در زمینه‌های مختلف پزشکی، کشاورزی، مکانیکی، ساخت قطعات و تهیه مواد شیمیایی خود نمونه‌ای از نحوه عملکرد این نهاد است.

البته در اینجا لازم است متذکر شویم که از نحوه مدیریت وروش‌های متخذه توسط شورای‌عالی جهاددانشگاهی ونمایندگان این شورا در دانشگاههای کشور گاهی مشکلاتی بوجود می‌آمد که بعضی معلول کج سلیقگی‌ها و برخی از روی ناآگاهی‌ها بود. اگرچه مخالفت‌ها و کارشکنی‌های مخالفین را نیز در این راه نباید از یاد برد.

بهرجهت اکنون که درآستانه آغاز سومین سال تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی هستیم برآن شدیم تا نظر روسای دانشگاههای کشور، مسئولان امور فرهنگی و همچنین‌خود اعضای ستاد را در مورد عملکرد این نهاد بدانیم و از پیشنهاد احتمالی آنها جهت پیشبرد بیشتر کارها مطلع شویم لذا سه سئوال زیر را مطرح کردیم:

۱ــ تاچه اندازه در جریان کارهای ستاد انقلاب فرهنگی قرار دارید؟

۲ــ نظر شما در باره عملکرد دو ساله ستاد چیست؟

۳ــ چه پیشنهاداتی جهت بیشتر بالا بردن پیشرفت کار دارید؟

در این نظر خواهی برای روسای دانشگاههای تهران، ملی، پلی‌تکنیك، علم و صنعت ایران، اصفهان، ارومیه، تبریز، الزهرا، سیستان و بلوچستان، مجتمع علوم اداری وبازرگانی و همچنین جهاد دانشگاهی، کمیسیون فرهنگ و آموزش عالی، مجلس شورای اسلامی وزیر فرهنگ و آموزش عالی و خود اعضای ستاد انقلاب فرهنگی سئوالات ارسال شد و تا این تاریخ که بیش از یکماه‌ونیم می‌گذرد متاسفانه جواب دکتر محمدعلی نجفی وزیر فرهنگ وآموزش عالی و رئیس دانشگاه ملی بدست ما نرسیده است.

قبل از شروع، این نکته ضروری را متذکر شویم که ابتدا نظر روسای دانشگاهها، جهاد دانشگاهی و کمیسیون فرهنگی مجلس را آورده‌ایم سپس نقطه نظرات ستاد انقلاب فرهنگی را از زبان دکتر علی شریعتمداری مطلع می‌شویم همچنین یادآوری می‌کنیم که قبل از درج مطالب، مواردی را که مسئولین برستاد انقلاب فرهنگی در باره عملکرد این ستاد بیان کرده بودند نیز به اطلاع ستاد رسانده و جواب آنها را به عنوان بخشی از مصاحبه آورده‌ایم.

دانشگاه تهران ــ دکتر غلامعلی افروز

● از ابتدای فعالیت ستاد انقلاب فرهنگی تا حدود زیادی در جریان بوده‌ام به ویژه در رابطه با کمیته علوم تربیتی و تربیت معلم در جلسات مربوطه به بحث و بررسی طرح مجتمع دانشگاهی تربیت معلم که همه هفته با حضور دونفر از اعضای ستاد و برادر شهید دکتر باهنر تشکیل می‌شد حرکت فعال داشتیم و از آنجا که در غالب کمیته‌ها و گروههای تخصصی از همکاران دانشگاه تهران شرکت دارند می‌توانم بگویم بطور کلی از مسایلی و طرحهای مختلف ستاد مطلعم.

اما قبل از توضیح بیشتر در مورد کمیت اطلاع بهتر است نحوه ارتباط و در جریان قرار گرفتن امور را مطرح کنم. انتظار داشتیم قبل از آگاهی از طریق مطبوعات و رسانه‌های گروهی، بعنوان مسئولان و مجریان درمدیریت دانشگاه، بنحوی مستقیم و یا حداقل از طریق وزارت متبوع در جریان امور ستاد انقلاب فرهنگی بویژه مسایل دانشگاهی قرار داشته باشیم. چه در این موقع است که مجریان دانشگاه که باید زمینه‌های اجرائی مصوبات ستاد را فراهم نمایند. می‌توانند نقش فعالتری داشته باشند.

● اگر بخواهیم فضای دقیق فرهنگ و انقلاب فرهنگی در جامعه را مورد توجه قرار دهیم و دامنه فعالیتها و مسئولیت ستاد انقلاب فرهنگی را در ایجاد یا فراهم آوردن زمینه‌های تغییرات مطلوب در اخلاق و ارزش‌های اخلاقی جامعه بدانیم ستاد انقلاب فرهنگی راه طولانی در پیش داشته و هنوز نیاز به تلاش بی‌وقفه دارد.

اما اگر زمینه فعالیت و مسئولیت ستاد را عمدتا در ایجاد تغییرات مطلوب در نظام آموزشی و دانشگاهی کشور بدانیم. انصافا باید اذعان کرد که گامهای موثر و مفیدی در این راه برداشته است. البته با در نظر گرفتن مشکلات و نارسائی‌های مربوطه از جمله تغییرات درهیئت شورای عالی ستاد انقلاب فرهنگی و مسایلی از این قبیل عملکرد ستاد انقلاب فرهنگی در جهت ایجاد تغییرات مطلوب در نظام دانشگاهی بوده است و در این راه نیز باید تلاش بیشتری شود اما با در نظر گرفتن گذشتن حدود دو سال از تاسیس ستاد انقلاب فرهنگی اقدامات انجام شده کم به نظر آمده و کندی احساس می‌شود.

● با توجه به گستردگی زمینه مسئولیت ستاد انقلاب فرهنگی و ابعاد عظیم فعالیت‌ها اولا باید اساتید و صاحب نظران مسلمان و متعهد و متخصص و دلسوز و درد آشنا در کلیه زمینه‌ها همکاری مستمر و فعال داشته باشند و در این میان با توجه به اهمیت ویژه علوم انسانی، شرکت فعال و مداوم صاحب نظران حوزه‌های علمیه جهت تدوین خطمشی جدید براساس موازین و ارزش‌های اسلامی از ضرورتهای اجتناب ناپذیر است. که البته ستاد در این مورد همواره تلاش‌هایی نموده است.

برنامه‌ها و فعالیتها با هدف‌های دراز مدت و کوتاه مدت و بطور زمان بندی شده، معین و مشخص گردیده و به اطلاع همه علی‌الخصوص دانشگاهیان و مسئولین اجرائی برسد.

همچنین باید ترتیبی اتخاذ شود که زمینه‌های‌اجرائی مصوبات ستاد انقلاب فرهنگی به نحوی کاملا مشخص و معین و مطلوب فراهم شود و در این خصوص باید ارتباط و میزان وظایف و مسئولیت‌های مختلف ستاد انقلاب فرهنگی، ستاد امور اجرائی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت آموزش و پرورش مشخص شود.

دانشگاه پلی‌تکنیك تهران ــ مهندس حسن رحیم‌زاده

● از آنجا که در عضویت کمیته مکانیك ستاد انقلاب فرهنگی هستم تا حدودی در جریان برنامه ریزی آموزشی ستاد قرار دارم و همچنین از طریق بخشنامه‌های ستاد امور اجرائی و یا وزارت فرهنگ و آموزش عالی نیز درجریان بعضی مصوبات قرار می‌گیرم ولی از مسایل و موضوعات مورد بحث اعضای ستاد انقلاب فرهنگی و یا جریانات داخلی آنجا کاملا بی‌اطلاعم.

● با توجه به این که کار ستاد انقلاب فرهنگی بسیار سنگین، پیچیده وطولانی است همانطور که انتظار می‌رفت عملکرد ستاد تااین لحظه کافی و رضایت بخش بنظرمیرسد.

البته نقل قول‌هایی از طریق بعضی از دست‌اندرکاران می‌شنویم بسیاری از طرحها و برنامه‌ها در دست جمع‌بندی می‌باشد که انشاءالله بزودی قابل ارائه خواهد بود.

● موارد زیر در بالا بردن کیفیت امور ستاد انقلاب فرهنگی می‌تواند مفید باشد:

انجام یك تجدید نظر اساسی در مورد عملکرد ستاد که خارج از هرگونه تبلیغات ناسالم و یا گروه گرایی انجام شود و سپس نقاط ضعف و قوت ستاد مورد شناسایی قرار گیرد.

افراد مجری در دانشگاهها شرکت بیشتری درتصمیم گیریها داشته باشند و اعضای ستاد در امور مسایل مبتلابه فعلی دانشگاهها دخالت و صراحت بیشتری انجام دهند.

با مقامات مسئول مملکتی (روسای مجلس، جمهوری و دولت) جلسات مشترك تشکیل داده شود تا جهت تامین ضمانت اجرائی بیشتر هماهنگی لازم ایجاد گردد.

همچنین با اولویت، یك آئین نامه و دستورالعمل‌برای مسئولین اجرائی فرهنگی جهت جلوگیری از اتلاف انرژی

شماره‌ردیف ______



عنوان: ______

شماره‌مسلسل ______

موضوع: نظرات رئیس جمهور در مورد دانشگاه اسلامی
فعالیت ستاد انقلاب فرهنگی، جهاد دانشگاهی، انجمن اسلامی دانشجو

مأخذ: تاریخ ۲۵/۱/۶۰ کیهان ۱۱۵۵۲

(آرشیو)

کیفی بودند. شما این خلاء را پر کنید، آنوقت مانعی ندارد که دانشگاهها را براساس عقیده باز نکنید بلکه براساس استعداد ذاتی برای دانش واستعداد ذاتی برای راه‌پذیری وهدایت پذیری باز کنید وخواهید دید که همه آنها در این کوره گرم دانشگاه ذوب خواهند شد، وبه آن شکلی که شما میخواهید درمیایند.

● نظر حضرتعالی بطور مشخص با نسبت نام وادامه تحصیل گروههای توده‌ای، اکثریت‌بهشتی وجنبش مسلمانان مبارز ودانشجویان فاسد چیست؟ لطفاً نظر تان را در مورد تدریس استادان غربگرا یا متمایل به شرق نیز بفرمائید:

در مورد این گروههائیکه اسم بردید، اینها همه مثل هم نیستند. شاید نسبت بهمه این‌ها من آن شناختی را که بخواهم قاطعانه بگویم بیایند یا نیایند نداشته باشم والبته نسبت به بعضی ازاین گروهها سوء ظن دارم، بهاین که معتقدم دراین گروهها کسانی بالااقل جناحی وجود دارد که‌اگر دانشگاه هم بیاید برای نابود کردن انقلاب اسلامی به دانشگاه می‌آید.

شما نگاه کنید ببینید طیف دانشجویانی که وابسته به فلان گروه یاحزب هستند از لحاظ اخلاقی وحق پذیری واز لحاظ استعداد- که‌اینها همه قابل حس کردن است- در چه حدی هستند و براساس آن تصمیم بگیرید البته کمیتها راحتما در نظر داشته باشید یعنی حتماً سعی کنید که درهر واحد وباهر بخشی ازمجموعه دانشگاه، جو دانشگاه انقلابی واسلامی باقی بماند. پس اینرا باید ملاحظه نمائید واینکه میگوئیم در دانشگاه را براین اساس باز کنید، مقصود این نیست که هرکس بی‌قید وشرط وارد دانشگاه شود. عین اینحرف را در مورد دانشجویان فاسد میزنم دانشجوی فاسد دونوع است، یکی دانشجوئی است که زیاد پایبندی به اخلاق اسلامی ندارد مثل جوانهای معمولی که پیش از انقلاب بودند والبته اکنون تعدادشان کمتر است، خوب باید این باید وتربیت بشود واشکالی هم ندارد. شما سلمان فارسی و یاابوذر عصر را نمی‌توانید پیداکنید وحتما بیاورید در دانشگاه. شما براساس تربیت پذیری افراد راانتخاب کنید اما بعضی‌ها هستند که محیط را براساس فساد اخلاقی خراب میکنند والبته اینها رااگر قابل اصلاح هم هستند، دربیرون اصلاح بشوند وبعد وارد دانشگاه شوند. اگر بنا باشد آن افراد خیلی فاسد وارد دانشگاه بشوند، محیط دانشگاه را خراب خواهند کرد.

در مورد اساتید، استادیکه قصد معارضه باانقلاب اسلامی نداشته باشد(نه محاربه، بلکه شکلی معارضه) این استاد اگر غرب گرا هم باشد اشکالی ندارد که وارد دانشگاه شود در صورتیکه ارزش علمی داشته باشد واین موضوع بایستی دقیقاً مراعات شود. البته اگر چنانچه یک استادی برمبنای یک بی‌اعتقادی بسیار عمیق وحتی یک مخالفت ومعارضه باانقلاب اسلامی میخواهد علم ویامحتویات ذهنی خود را به دانشگاه ببرد وروی دانشجویان اثر بگذارد، این راشما راه ندهید. واگر شماهم راه بدهید، دانشجو نخواهد پذیرفت.

● در مورد بعضی، شتهها مثل تربیت معلم، میگویند اجازه نمی‌دهیم تودهایها و فلان گروه وارد بشوند، در این مورد چه نظری دارید؟ اینکه شما فرمودید ضابطه هم میخواهد، اینها به چه صورتی است؟

در مورد تربیت معلم حق باشماست. چون من وقتی در مورد دانشگاه این قید را میکنم در مورد معلم دبستان یا دبیرستان بطرق اولی این قید هست. خوب وقتی قرار است، این معلم را در دبیرستان راه ندهیم چرا در تربیت معلم وارد شود؟ چون دانشجوی تربیت معلم یعنی معلم دبستان و دبیرستان و بطور طبیعی وقتیکه کسی مخالف و معارض با انقلاب است، نمیتواند تدریس کند. و حق با آنهاست که او را نپذیرند.

و اما اینکه ضابطه چیست، البته ضابطه لازم است و ما نمی‌گوئیم شما «چکی» عمل کنید و نگاه کنید به قیافه یکی و بگوئید این آری و آن خیر. باید ضوابطی تعیین کرد و آن ضوابط را هم حالا نمیتوان تعیین کرد. یک عده‌ای بنشینند بر مبنای این کلیات که الان درباره آنها اشاره کردیم، ضابطه تعیین کنند و این کار شدنی است منتها ضابطه ریز است. و جایش اینجا نیست که بنشینیم و بحث کنیم. بایستی نشست و فکر کرد و دقیقاً حدود و ثغور را مشخص کرد و ضابطهها را معین نمود.

دانشگاه و علوم انسانی

- جنابعالی از بد آموزی رژیم گذشته در سایه علوم انسانی آنچنانی در دانشگاهها واقفید. بنظر شما علوم انسانی در دانشگاههای اسلامی آینده چگونه است؟

ابتدا باید گفت بدآموزیهای علوم انسانی در رژیم گذشته در دانشگاهها در چه چیزی بود؟ یعنی رژیم چگونه بدآموزی میکرد؟ که اگر آنها را برطرف کنیم، علوم انسانی در دانشگاه اسلامی آینده میتواند بخوبی انجام بگیرد و اثر خود را هم ببخشد. در رژیم گذشته اولاً کتابهائیکه مربوط به علوم انسانی بود، مثلاً روانشناسی، جامعه شناسی، ادبیات، تاریخ و... غالباً محتواهای غلطی داشت. جامعه شناسی غربی بود، حالا یک استاد کمونیست هم پیدا میشد و او آن کتاب را میبوسید و کناری میگذاشت و مثلاً جامعه شناسی مارکسیسم را درس میداد. در تاریخ، ادبیات، بخصوص هنر (هنرهای زیبا که خوب میدانید) هم همینطور بود. یک مقدار محتوای درسها آنچنانی بود، یک مقدار هم دربعضی بخشها، محیط دانشکده، یک محیط نامناسب اسلامی میشد، مثلاً در دانشکده ادبیات آن بخشهای بیشتر ادبی، توام با یک مقدار «بی‌ادبیها» بود. اگر چنانچه شما بتوانید در زمینه‌های علوم انسانی که زمینه‌های بسیار وسیعی هم دارد و من نمی‌دانم چقدر متخصص در این زمینهها داریم...

● کدامیک از هنرهای مورد مطالعه موجود در دانشگاهها مورد قبول مکتب ماست؟ نقش دانشگاه اسلامی را در اشاعه هنر چگونه ارزیابی میکنید؟

در جواب قسمت اول باید گفت تا آنجائیکه تاکنون فقها فتوا داده‌اند، مجسمه‌سازی و موسیقی توام با ساز حرام است. البته در مورد سازها بحث و حرف و اختلاف نظر هست. مثلاً درمورد اینکه چه نوع موسیقی غنا است؟ چون موسیقی حرام نیست، غنا حرام است و بحث بین فقها فراوان است. فتوای امام آن چه دربارهٔ غنا فرموده‌اند: آهنگ باب مجالس لهو و بخصوص مجال لهو از جمله موسیقی‌های حرام است و یا می‌توان گفت امام اینها را تعریف موسیقی حرام دانسته‌اند. در اینجا باز هم یک ضابطه و حد و مرز مشخصی که انسان بگوید این حلال است و آن حرام، تا اینجا حلال است و از این به بعد حرام، دست من نیست تا برای شما بگویم. اما نقش دانشگاه اسلامی وقتیکه وظیفه خود میداند که دانشها را رشد بدهد و منتشر کند طبعاً در مورد هنر هم که یکی از دانشهاست باید همین تلاش را انجام دهد. چون میدانید که هنر غیر از دانش هنر است. هنر یک چیزی نیست که آموختنی باشد در صورتی که دانش هنر چیز آموختنی است.

حزب‌اللهی کیست

مشخصات یک فرد حزب‌اللهی چیست؟ یک دانشجوی حزب‌اللهی چه وظایف و تکالیفی در دانشگاه و خارج از آن بر عهده دارد؟

حزب‌اللهی یعنی مسلمان کامل. اگر میخواهید معنی حزب‌اللهی را بدانید یعنی این که انسان از فکرش، از استعدادش، از نیروی بدنی‌اش کمال استفاده را بکند و به مقررات اسلامی احترام بگذارد. یک حزب‌اللهی به نظم در جامعه احترام میگذارد، فداکاری در راه اهداف اسلامی را براحتی انجام میدهد و این خصوصیات یک فرد حزب‌اللهی است. «اولئک حزب‌الله» در قرآن ببینید چه صفاتی را برای حزب‌الله ذکر میکند و بعد می‌فرماید «اولئک حزب‌الله» یا «الا ان حزب‌الله هم المفلحون». حزب‌اللهی دانشجو و غیردانشجو ندارد یک روحانی حزب‌اللهی، یک کارگر حزب‌اللهی، یک کاسب حزب‌اللهی آنها هم باید همین خصوصیات را داشته باشند و فرق نمی‌کند هرکسی که حزب‌اللهی باشد باید کارش را خوب انجام بدهد و اگر دانشجوست، غیر از آن جهات مشترک کلی که همه دارند، باید درسش را هم خوب بخواند.

پیام رئیس‌جمهور به دانشگاهیان در آستانه دوازدهم فروردین

با آرزوی سلامت و طول عمر برای جنابعالی و تشکر از اینکه وقت خودتان را در اختیار ما گذاشتید در پایان می‌خواستیم بدانیم جنابعالی در آستانهٔ دوازدهم فروردین (روز جمهوری اسلامی ایران) بعنوان مظهر این جمهوری چه پیامی برای دانشگاهیان دارید.

- پیامیکه غیر از این حرفهائیکه بشما عرض کردم (چون اینها هم همه حاوی و حامل پیامها و نظراتی بود) این است که دانشگاه یکی از پایهها و اصلی‌ترین بدنههای این جمهوری است. پس بایستی خود را بسازد و مضافاً بکوشد تا بقیهٔ بدنهٔ آنرا هم بسازد. امتیاز حوزه‌های علمیه و دانشگاهها بر دیگر بدنه‌های این جمهوری مثل کشاورزی، صنعت و... که فقط میتوانند خود را بسازند در این است که این دو ارگان میتوانند دیگران را هم بسازند و خدای ناکرده اگر چنانچه روی اینها فاسد شوند، دیگران را هم بفساد خواهند کشاند. درست مثل آن حدیثی که فرمود: «مثل العالم کمثل السفینه» عالم در جامعه مثل کشتی است. کشتی میتواند نقش نجات‌گر را داشته باشد و انسانها را نیز از این طرف به آن طرف ببرد و از فلاکت و گردابها برهاند و اگر روزی سوراخ بشود در اینجا نمیتواند انسانها را نجات دهد بلکه آدمی را که نجات میداد به وسط دریا می‌آورد و به قعر دریا فرو می‌اندازد. یعنی یا حالت خیلی خوب یا حالت خیلی بد. و خواهش ما از برادران و خواهران دانشگاهی، چه دانشجویان، چه استادان و چه کارمندان و کلاً دستاندر کاران این است که با توجه به این نقش اساسی سعی کنند هرچه بیشتر و هرچه سریعتر و سخت‌کوشتر و پرتلاش‌تر نسبت به ضوابط و اصول دانشگاه را انشاءالله دانشگاه باب جامعه اسلامی کنند.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

شماره ردیف
شماره مسلسل
مأخذ: تاریخ ۲۵/۱۱/۶۰ کیهان ۱۱۵۵۴
عنوان:
موضوع: [illegible] انقلاب فرهنگی، جهاد دانشگاهی، انجمن اسلامی دانشجویان

(آرشیو)

را ایفا کند.

شورای مدیریت جهاد دانشگاهی

بر اساس تجربیات جهاد دانشگاهی در امر هدایت و مدیریت نیروهای دانشگاهی در فاصله تعطیلی دانشگاهها، اکنون اداره هر دانشگاهی به شورایی متشکل از استادان و دانشجویان و کارمندان بنام «شورای مدیریت جهاد دانشگاهی» سپرده شده است، نظر شما نسبت به این نحو اداره کردن چیست و مشروعیت آنرا تا کجا میدانید؟

بنده تاکنون نتوانسته‌ام قبول کنم که شورا می‌تواند مدیریت کند. من مدیریت را مربوط می‌دانم به فرد مسئول و شورا میتواند طرف مشورت قرار بگیرد بخصوص این شورایی که شما اینجا ذکر کردید و در خارج هم همین وجود دارد یعنی در عالم واقعیت هم همین است که شورایی از استادان، دانشجویان و کارمندان دانشگاه، شورای مدیریت را تشکیل می‌دهند. بنظر من این شورا، شورای کارآمدی نیست.

دانشجویان در دانشگاه خیلی نقش دارند اما کار دانشجو اداره دانشگاه نیست. یعنی اداره قالب دولتی دانشگاه وظیفه‌ای که دولت در قبال دانشجویان دارد، همینطور کارمندان.

کارمند چگونه میخواهد دانشگاه را اداره کند؟ این شورا بوسیله کدام کارمند اداره میشود؟ این کارمند کیست؟ چون کارمند در دانشگاه در سطوح مختلف قرار دارد یک کارمند جزئی که مثلاً در دانشگاه یک شغلی (حالا نمی‌خواهم یک شغل بخصوصی را اسم بیاورم که بصاحب آن شغل اهانت شود) دارد که تاثیری در ماهیت دانشگاهی و هویت دانشگاهی ندارد، چه نقشی میتواند در اداره دانشگاه داشته باشد. به هرحال این را میدانید که دانشگاه هویتش آمیخته به دانش است مثلاً فرض بفرمائید یک آبدارچی که کارش اداره آبدارخانه است و ارتباطی با دانش ندارد و جزء کارمندان خدماتی دانشگاه است و در دانشگاه از حیث دانشگاه بودن هیچ نقشی ندارد، چگونه میخواهد دانشگاه را اداره کند. بنظر من بهترین کسانی که میتوانند در این مورد نقش داشته باشند کادرهای علمی را هستند یعنی کسانی که در اداره هویت دانشگاه میتوانند نقش داشته باشند آنها بهترین کسانی هستند که میتوانند اداره کننده دانشگاهها باشند.

نقش انجمن اسلامی دانشجویان

بنظر حضرتعالی، نقش انجمنهای اسلامی دانشجوئی در دانشگاهها چیست و ادامه آن باید به چه نحو باشد؟

بنده معتقدم که انجمنهای اسلامی یکی از ضروری‌ترین نهادهائی هستند که بایستی در دانشگاهها وجود داشته باشند. ما اگر هیچ جای دیگر هم معتقد به انجمن اسلامی نباشیم در دانشگاهها معتقد به انجمن اسلامی هستیم.

ببینید، گفتیم در دانشگاه یک جهت لازم است. چه جهتی؟ جهت انقلاب، چه کسی میتواند این جهت را تضمین کند؟ انقلابی‌ترین افراد و در دانشگاه انقلابی‌ترین افراد به احتمال زیاد دانشجویان هستند و این مخصوص امروز نیست، درآینده هم نسلهای نوخیز قاعدتاً و روحاً انقلابی‌تر و از لحاظ توان انقلابی پرظرفیت‌تر هستند. این نهاد که اسمش انجمن اسلامی است باید بتواند در دانشگاه آن فضای انقلابی و اسلامی را همواره نگهدارد و تازه کند بنظر ما اگر چنانچه در دانشگاهها انجمنهای اسلامی نباشند، تضمینی برای باقیماندن روح انقلابی در دانشگاه وجود ندارد. ممکن است کتابها همه اسلامی باشد، استادها همه خوب باشند. اما آن محیطی را که فضای آنرا اکثریت قاطع دانشجو تشکیل میدهد. انجمن اسلامی میتواند انقلابی و اسلامی کند. البته انجمنهای اسلامی هم باید مسلمان‌ترین و انقلابی‌ترین افراد را داشته باشند یا لااقل از میان مسلمان‌ترین و انقلابی‌ترین افراد انتخاب بشوند و باید دایره خودشان را وسیع کنند که من در توضیح به انجمنهای اسلامی هم اینرا همیشه گفته‌ام که اینها بایستی سطح انجمنها را وسیع کنند و کارها را منضبط و سخت‌گیرانه انجام دهند. لکن بهرحال قطع نظر از آن تصوراتی که من از انجمنهای اسلامی و اتحادیه‌های انجمنهای اسلامی دارم این است که اجمالاً باید خود انجمنهای اسلامی و نقش آنها بمانند. و نقش تداوم روحیه و جهت‌گیری و فضای انقلابی در دانشگاه برعهدهٔ آنهاست.

آیا نقش انجمنهای اسلامی را باجهادهای دانشگاهی در دانشگاه یکی میدانید؟

نه خیر، انجمنهای اسلامی مطلقاً کار اجرائی ندارند. انجمنهای اسلامی همانطور که گفتیم، فقط فضای اسلامی دانشگاه را حفظ میکنند. البته انجمنهای اسلامی حق ندارند به فلان دختر خانمی که با وضع زننده‌ای وارد دانشگاه شده بعنوان یک عضو انجمن اسلامی به او تعرض کنند. (بعنوان یک مسلمان همه میتوانند نهی از منکر بکنند) اما انجمن اسلامی نقش ویژه‌ای در این مورد ندارد و این مربوط به مدیران است که اگر چنانچه لازم باشد باید قاطع وارد بشوند. و اگر باید کاری انجام بگیرد، انجام دهند. کار اجرائی بعهدهٔ انجمن اسلامی نیست. انجمنهای اسلامی کار فکری، اخلاقی و کلاً کار انقلابی اسلامی انجام میدهند.

ضرورت بازگشائی دانشگاهها

بنظر شما ضرورتهای بازگشائی دانشگاهها در جامعه انقلابی چیست؟

احتیاج ندارد که دنبال ضرورتها بگردیم. کافی است یک ضرورت وجود داشته باشد وآن احتیاج به دانش است البته ما مسائل سیاسی فراوانی در این مورد داریم. مسائلی در رابطه با خارج وداخل وخیلی چیزهائیکه احتیاج بگفتن ندارد. ما بوسیله دانشگاه میتوانیم عناصر بیکار یا احیاناً عاطل وباطل بفساد کشیده شده یا مشرف به فساد را جمع کنیم، میتوانیم یک تریبونی برای نشر بهترین اندیشه‌های انقلاب اسلامی برای بهترین عناصر جامعه بوجود بیاوریم. میتوانیم دهان بدگویان را که میگویند شما دانشگاه ندارید وبا دانش مخالف هستید ببندیم، از این قبیل ضرورتها وجود دارد، اما نیاز ندارد هنگامیکه ما به بازگشائی دانشگاه می‌اندیشیم به این چیزها فکر کنیم بلکه بهمین اندازه که یک جامعه احتیاج دارد به اینکه دانشش رشد کند وعناصر متخصص و دانشمند ومجرب داشته باشد تا بتواند زندگی کند. وقتی یک چنین ضرورتی را ما احساس میکنیم این ضرورت خود بما الهام میکند که دانشگاه را باز کنیم.

راجع به این مسئله که امام فرمودند؛ تا دانشگاه اسلامی نشده، نباید دانشگاهها را بازکنیم واینکه یک مرتبه کلام امام ومسئولین بر بازگشائی سریع دانشگاهها قرار گرفت، جنابعالی چه نظری دارید؟

بین ایندو حرف امام تناقضی نیست. بنده خودم در خطبه‌های نماز جمعه به اعضای ستاد انقلاب فرهنگی خطاب کردم وگفتم تحت تأثیر جوسازی قرار نگیرید، عجله نکنید ووقتی کارتان را انجام دادید؟ دانشگاه را باز کنید واین درحالی بود که از اطراف گروهها وگروهکها از جمله عناصر وابسته به آن فراریان معلوم‌الحال فشار آورده بودند که چرا دانشگاه باز نمی‌شود ودر بعضی روزنامه‌ها حتی مقالاتی می‌نوشتند وچیزهایی میگفتند، بنده خودم معتقد بودم والان هم آن اعتقاد را تخطئه نمی‌کنم وبرای شما توضیح میدهم که اینها (ستاد انقلاب فرهنگی) نباید تحت تأثیر جو قرار بگیرند آنهاباید با خیال راحت بنشینند وکارشان را که انجام دادند، بعد دانشگاهها را باز کنند. امام هم همین را فرمودند. منتهی امام نفرمودند وقتیکه دانشگاه اسلامی که همه جهت کامل فراهم کردید آنوقت بیائید دانشگاهها را باز کنید. چه موقع امام چنین حرفی را گفته‌اند؟ شما می‌توانید معنی حرف امام را وهمه کسانیکه بدنبال امام حرفی زده‌اند، این بدانید که اولین قدم وحداقل لازم برای حرکت بسوی دانشگاه کامل اسلامی را وقتی برداشتید، آنوقت دانشگاه را باز کنید و آن کار حالا انجام شده است. اگر شما یک سال پیش از آقایان اعضای ستاد انقلاب فرهنگی سئوال میکردید آیا آماده باز کردن دانشگاهها هستید میگفتند: نه الان وقتی میپرسید میگویند: بله آماده‌ایم. آماده هستیم یعنی چه؟ یعنی یک مقدار تجربه کسب کرده‌اند، یک مقدار استاد شناسائی کرده‌اند، یک مقدار کتاب تهیه شده، یک مقدار ترجمه انجام شده، یک مقدار عناصر جوانی که خودشان جزء دانشجوها بوده‌اند مدیریت جامعه دانشگاه را تجربه کرده‌اند. وضع وزارت علوم به یک پیشرفتهایی تقریباً بطور نسبی رسیده، کارهای لازم انجام گرفته وخط آینده هم مشخص شده است.

لذا حالا بایستی دانشگاهها باز شود ومانعی ندارد.

دانشگاهها وگروههای سیاسی

با توجه به کمبود امکانات آموزشی در دانشگاهها وعدم کفایت آن برای نیروهای مسلمان، آیا گذاشتن امکانات موجود در اختیار گروههای بظاهر غیرمحارب اما مخالف اسلام، کاری موافق مصالح امت است؟

— این سئوال ویا جواب منفی به این سئوال وحتی احتمالاً خود سئوال از یک نوع بدبینی به نوع تبلیغات اسلامی وبدبینی به طبیعت وطینت انسانی که الان منحرف است، ناشی میشود ومن این بدبینی را ندارم.

من میگویم اگر قرار است ما این گروه غیرمحارب را که هنوز جنایتش به حدی نرسیده که روی مردم وروی حکومتی که متعلق به مردم است شمشیر بکشد، وهمین اندازه از لحاظ فکر با این دستگاه وبا عامه مردم موافق نیست، ما اگر چنانچه فکر کنیم وبدانیم که این انسان را میشود اصلاح کرد، کجا بهتر از دانشگاه؟ شما میگوئید امکانات ما محدود است بسیار خوب در کنار محدود بودن امکاناتمان به یک چیز دیگر هم فکر کنید وآن این که این آدمی که از لحاظ فکری یا منحرف است یا بی‌تفاوت (چون این حرف، بی‌تفاوتها را هم شامل می‌شود)، شاید از لحاظ استعداد، یک سطح بالایی داشته باشد وشما اگر او را آوردید وتوانستید روی فکر او اثر بگذارید ویک مسلمان خوب وسطح بالا داشته باشید، چه مانعی دارد؟ ما فکر میکنیم برای گزینش دانشجو، ما نباید دنبال این باشیم که چه کسی مسلمان مکتبی کامل است تا ما او را راه بدهیم. اگر کسی چنانچه از لحاظ تفکر اسلامی هم آنچنان فکر نمیکنند اما امید اینرا داریم که میتوانیم با ورودش به محیط دانشگاه او را بطرف اسلام هدایت کنیم ویا حتی از ضررش در امان خواهیم بود، با یک چنین فرضی باید بتوانیم این افراد را به دانشگاه راه بدهیم. آنچیزیکه موجب میشود که این گروهها نتوانند در دانشگاه رشد کنند ونتوانند شما را از اینکه آنها را به دانشگاه راه داده‌اید پشیمان کنند، آن حفظ جو انقلابی در دانشگاه است واین مربوط می‌شود به همان نقش دانشجویان انجمن اسلامی که قبلاً به آن اشاره کردیم. شما این کار را به خوبی انجام بدهید وجود دانشگاه را وبخصوص مدیریت دانشگاه را مدیریت اسلامی بکنید، مطمئن باشید که دانشگاه بصورت دانشگاه قبل از تعطیل برنخواهد گشت. آنروز شما اسلام را در دانشگاه حاضر نمیدیدید. مسلمان خط امامی در دانشگاه محکوم بود، یعنی دیگران آنچنان پررو وگستاخ وقوی شده بودند که شما عملاً قدرت کار نداشتید یعنی انجمن اسلامی دانشجویان وسازمان دانشجویان مسلمان واقعاً در اقلیت حداقل

شماره ردیف

شماره مسلسل

مأخذ: تاریخ ۲۵/۱۰/۶۱ کیهان ۱۱۵۵۲



عنوان: دانشگاه اسلامی [illegible]

موضوع: نظرات رئیس جمهور پیرامون انقلاب فرهنگی، دانشگاه اسلامی

ستاد انقلاب فرهنگی

(آرشیو)

نظرات ریاست جمهوری پیرامون انقلاب فرهنگی، دانشگاه اسلامی، ستاد انقلاب فرهنگی شورای مدیریت جهاد دانشگاهی، بازگشایی دانشگاهها... و دیگر مسائل و مشکلات دانشگاهی اعلام شد.

حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای ریاست جمهوری اسلامی در مصاحبه‌ای که با نشریه «دانشگاه انقلاب» انجام داد پیرامون مسایل فوق مطالبی بیان داشته است. نظر به اهمیت مسایل مطرح شده بخشی از مطالب را انتخاب کرده‌ایم که با هم می‌خوانیم:

همانطور که مستحضرید انقلاب فرهنگی در دانشگاهها از اوایل سال ۵۹ آغاز گشت و بدنبال این حرکت، ستاد انقلاب فرهنگی بوجود آمد، شما فکر میکنید «ستاد» در امر برنامه‌ریزی و اصلاح و انجام امور محوله از سوی امام موفق بوده؟

اگر ما بخواهیم فعالیتهای «جهاد دانشگاهی» را هم در کنار ستاد در نظر بگیریم، بایستی انصاف داد که حجم کار بالایی انجام گرفته. در امر برنامه‌ریزی هم موفقیتهایی حاصل شده بطوریکه ما گزارش میشنویم در کار تالیف و ترجمه هم پیشرفتهایی بدست آمده است اما اینکه ما بخواهیم بدانیم آیا ستاد انقلاب فرهنگی این نقشی را که از این نام و عنوان انتظار میرود، بخوبی انجام داده یا نداده فکر میکنم به این زودی نتوان این قضاوت را کرد.

بایستی در آینده یعنی آن وقتی که دانشگاهها به جریان طبیعی خودشان افتادند ملاحظه کرد که این ذهنیتها چقدر در عمل میتواند مفید باشد و آن موقع است که میتوان قضاوت کرد که آیا ستاد انقلاب فرهنگی موفق بوده یا خیر.

بنظر شما ضمانت تداوم حرکت انقلاب فرهنگی با کیست؟ اگر خدای ناکرده ستاد در عمل موفق نبود مسئول کیست؟

من فکر میکنم این یک مسئله خیلی عمده‌ای نیست که ما در اینجا بررسی کنیم که چه کسی مسئول است. ممکن است یکواحدی تلاش کافی هم کرده باشد ولی موفقیتی کسب نکرده باشد. اینجا کسی را نمی‌توان مسئول دانست. البته خوب در صورتیکه کار ناقص انجام گرفته باشد بایستی با تلاشی که همان عناصر مسلمان به کمک افراد دیگر انجام میدهند، کار را تکمیل کنند. من نمیدانم

منظورتان از اینکه مسئول کیست، چیست؟ در رابطه با صحبتی که امام فرمودند «۲۰ سال طول میکشد که به دانشگاه اسلامی برسیم» مقصود ما این است که ضمانت تداوم این راه با چه کسانی است؟

سئوال بجایی است. البته وقتی که ستاد انقلاب فرهنگی و همه عوامل دست اندر کار برای بازگشایی دانشگاهها و به حرکت انداختن فعالیت دانشگاهی در کشور، کارشان را خوب انجام داده باشند آنوقت این مولود متولد میشود. آنچه متولد میشود یقینا آن شیئی آرمانی ما نخواهد بود.

در این نباید تردید داشته باشیم که یک دانشگاه کامل در صورتی بوجود می‌آید که همه عناصر آن از استاد و از فضا، مواد، کتابهای درسی و از بقیه شرایط لازم آماده باشد و این چیزی نیست که به فاصله کوتاهی بتوان آنرا فراهم کرد. آنچه امیدوار کننده است، این است که اولین گام در راه حرکت عظیمی که ما را به یک دانشگاه اسلامی برساند، انجام گیرد. بعد که اولین گام انجام گرفت و دانشگاهها باز شد، آنوقت نوبت این است که این مولود رشد کند. «۲۰ سالی» که امام فرمودند، برای این رشد است و وقتی که دانشگاه در فاصله مثلا ۲۰ سال رشد کرد، آنوقت ما امیدوار هستیم که یک دانشگاه خوب داشته باشیم و اما چه کسی موظف و متعهد است که این کار و تداوم را انجام بدهد، این به عهده یک ارگان نیست. هم ستاد انقلاب فرهنگی و هم ارگانهایی که در کنار ستاد کار میکنند (فرض کنید مثلا جهاد دانشگاهی) هم وزارت علوم و هم خود دانشجویان و استادانی که مشغول کارند، مسئول این کار هستند و در کل باید بگوئیم که جو انقلابی جامعه و مسئولانی که این انقلاب را رهبری میکنند در برابر دانشگاه بعنوان یک نقطه اساسی و مهم در کشور مسئولیت دارند و این چیزی نیست که ما از یک ارگان بخواهیم. این مجموعه از تلاشها و کوششها است که وقتی با یکدیگر جمع شد و برخط درست به حرکت افتاد ما را امیدوار میکند که مثلا بعد از ۲۰ سال بتوانیم دانشگاه اسلامی داشته باشیم.

● تعریف دانشگاه اسلامی

راه رسیدن به دانشگاه اسلامی چیست؟ و چه خط مشی را برای تحقق این هدف باید برگزید.

این سئوال به نظرمن یک سئوال اساسی است. اگر ما بفهمیم که دانشگاه اسلامی چیست، آنوقت همه عواملی که میتوانند مارا به آن دانشگاه برسانند خواهیم شناخت.

دانشگاه اسلامی مجموعه‌ای است که از دانش، خلاقیت، تجربه و ذهنیت عالی انسانها به اضافهٔ اخلاق و جهت صحیح حرکت تا مقصد نهایی نشأت گرفته است. بعضی‌ها تصورشان از دانشگاه اسلامی، این است که باید در این دانشگاه همه افراد متعهد و متدین به اسلام باشند، بهاین معنا که وظایف اسلامی را انجام‌بدهند ومتدین و متعبد باشند. البته تعهد و تدین یک شرط لازم است اما آن چیزی که دانشگاه را، دانشگاه میکند فقط تعهد و تدین نیست. ما باید برگردیم به تاریخ و ببینیم آن چیزی که یک روز مثلاً در «اندلس» به نام دانشگاه اسلامی شناخته میشد، چه بوده؟ آن دانشگاه، مجموعه‌ای از بالاترین تلاشهای علمی بود که بوسیله صدها انسان مبتکر و خلاق وزبده و دارای ذهنیتهای بالا اداره میشد. ممکن است ما بگوئیم آن دانشگاه، دانشگاه اسلامی به معنای کامل موردنظر ما نبوده و آن جهت وسمت‌گیری درست اسلامی درآن وجود نداشته، بعید نیست که اعتقادمان این باشد، اما تاریخ آن را دانشگاه اسلامی می‌شناسد. زیرا بوسیله مسلمانها اداره میشده و تاریخ برای گامهایی که بوسیله مسلمانها در مناطق علم‌خیز دنیا از جمله «اندلس»ی که من اسم بردم، خاطره یک حرکت علمی قوی و چشمگیر دارد که همین حرکت بالاخره هم منجر میشود به «رستاخیز علمی جهان غرب» که اگر ما آنرا نداشتیم، امروز دنیا محققاً از این پیشرفت عظیم علمی، صنعتی و تجربی بی‌نصیب بود و مایک چنین چیزی میخواهیم. ما میخواهیم که دانشگاه اسلامی مرکز عالیترین پیشرفتهای علمی باشد. ما میخواهیم دانشگاه اسلامی جایی باشد که درآنجا فکرهای مستقل و نه وابسته و اهل دیکته بلکه فکرهایی که میجوشد و از نیازها سرچشمه میگیرد و از عمیق‌ترین خواستهای انسان نشأت میگیرد و توأم با بینش و دریافت درست از مسئولیت دانش است، مشغول کار شوند و تنها این هم کافی نیست که یک عده متخصص و مجرب و بلنداندیشه مشغول کار باشند، بلکه این هم لازم است که فرزانگان وزبدگان بدانند که دانش کجای خلاء زندگی انسان را پر میکند و به چه کار انسان می‌آید و این احتیاج دارد به شناخت انسان بنابراین دانشگاه اسلامی از یک معرفت عمیقی از انسان و از نیازهای انسان برخوردار بوده و درکنار این معرفت و براثر این معرفت، از یک سطح بالای دانش برخوردار باشد، و انسانهایی درآن کار میکنند تا از دانش و تجربه اندوخته بشری به اضافه فعالیتها و ابتکارها و خلاقیتهایی که روز به روز به دست بشر می‌آید، مجموعه‌ای بسازند که انسان بتواند از آن مجموعه بهره‌برداری کرده و رستگاری و سعادت خودش را تضمین کند و این نمائی از دانشگاه اسلامی است.....

وقتی که ما یک چنین تصویری از دانشگاه اسلامی داریم، طبیعاً میدانید که چه چیزهایی برای آن لازم داریم. دانشگاه اسلامی باید از علم حداکثر بهره را ببرد و اگر عناصری وجود دارند که آنها میتوانند در این پیشرفت علمی کمک موثری بما بکنند، از آنها حتماً استفاده بشود و صرفاً بدنبال این نباشد که عناصری را در آن جا استخدام کند که این عناصر دارای فکر درست و روحیه درست و مثلاً جهان‌بینی درست هستند، بلکه حتی از کسانی که از اندیشه درستی هم برخوردار نیستند اما از سطح بالای دانش برخوردارند از آنها باید استفاده شود تا شکوفائی اندیشه انسانی و این خلاقیت فکری متوقف نماند. ما باید از تمام وسائل و ابزار جدید دانش و پیشرفتهای جدیدی که دنیا روز به روز به بشر میدهد، استفاده کنیم و اینها را در مجموعه‌ای به نام دانشگاه جمع کنیم و آن چیزی که در مجموع بدست خواهد آمد باضافه مکتب، بینش و اخلاق و روحیات اسلامی، دانشگاه اسلامی است.

جایگاه قانونی ستاد انقلاب فرهنگی

باتوجه به اینکه وزارت علوم از طرف دولت و مجلس و نیز ستاد انقلاب فرهنگی از سوی امام مسئول بازسازی و راه‌اندازی دانشگاهها میباشند، بنظر شما جایگاه قانونی ستاد انقلاب فرهنگی در تشکیلات حکومتی کجاست؟ و تداخل مسئولیتها چگونه باید رفع شود؟

ستاد انقلاب فرهنگی دستگاهی است که خط دهنده وزارت علوم است. البته آن چیزی که من میگویم چیزی است که باید در آینده باشد و تاکنون اینطور نبوده، یعنی همانطور که قبلاً خود شما برادران اشاره کردید وقتی ستاد انقلاب فرهنگی شکل گرفت، که ما درحقیقت وزارت علوم و دستگاه عامله‌ای که به فکر دانشگاهها باشد، نداشتیم، لذا ستاد کارهای اجرائی هم به دوشش افتاد و جهاد دانشگاهی در کنار آن بعنوان بازوی اجرائی جوشید و بعد بقیه تفصیلات و مسائلی که میدانید. اما آنچه که انسان در تصویر ذهنی خود مطرح میکند که در آن نقشه، هم وزارت علوم، هم ستاد انقلاب فرهنگی و هم جهاد دانشگاهی وجود دارد، اینطور است که وزارت علوم مسئول اجرائی کار است. منتهی در بعضی از وزارتخانه‌ها، در رأس وزارتخانه یک دستگاه غیر اجرائی خط دهنده دارند مثل شورای عالی آموزش و پرورش، شورای عالی قضایی که خودتان فرمودید و یا مثل شورای اقتصاد که به چند وزارتخانه خط میدهد یا بعضی از وزارتخانه‌ها که مثلاً شورای عالی صنعتی دارند مثل وزارت صنایع، ستاد انقلاب فرهنگی هم یک چنین وضعیتی را خواهد داشت، بخصوص باتوجه به اینکه کار دانشگاههای ما بعد از این یک کار عادی روی روال افتاده و روی خط افتاده نیست بلکه دم به دم باید مسائل جدیدی برای دانشگاههای ما مطرح بشود و این بیش از یک کار اداری است که وزارت علوم برعهده دارد. بنابراین ستاد انقلاب فرهنگی به عنوان همان شورای خط دهنده یا برنامه‌ریز و برنامه دهنده برای وزارت علوم است.

جهاد دانشگاهی هم که تاکنون نقش وزارت علوم را ایفا میکرده، دیگر آن نقش را نخواهد داشت بلکه بعنوان یک تشکیلاتی خواهد بود در کنار ستاد انقلاب فرهنگی که تضمین کننده اجرای مصوبات ستاد انقلاب فرهنگی در وزارت علوم خواهد بود. البته ممکن است در این صورت تشکیلات جهاد دانشگاهی تشکیلات محدودتری بشود و ممکن است شما اسم آنرا جهاد دانشگاهی نگذارید، اما بهرحال ما یک چنین چیزی را احتیاج داریم که در کنار ستاد انقلاب فرهنگی و وزارت علوم وجود داشته باشد که نقش رابط بین این دو و دنبال کننده تصمیمات ستاد انقلاب فرهنگی

۱۱ ۱۴

شماره ردیف: ....  عنوان: ....

شماره مسلسل: .... مأخذ: کیهان ۱۱۵۳۹

سازمان تبلیغات اسلامی

موضوع: ... (آرشیو) تاریخ: ۹/۱/۶۱

تو پیش می‌آید. اینها در چنین فقری بهتر ساخته می‌شوند آنچه دارد می‌دهد و پایتی میشود. پس وقتی واعظ درونی انسان احیا شد فقر و غنا هر دو زمینه رشد است زمینه آزاد شدن است ما وقتی واعظ درونی انسان احیا نشده است هر دو موجب خطاست پس برای اصلاحات سیاسی اجتماعی اقتصادی نسبت به ساخته شدن انسانهایی که طبعاً زیادند چون واعظ درونی‌شان رشد نکرده باید تأثیر مسلم داده شود و شکی در این تأثیر ندارد و نباید در این شک کنیم که فساد اقتصادی فساد اخلاقی می‌آورد و کمبود این اثر را در انسان‌های متعارفی که واعظ درونی حتماً اقدامات صریح اقتصادی صورت بگیرد و حتماً مفاسد اقتصادی باید حل بشود و بیماری اقتصادی طبیعتاً بیماری‌های فرهنگی می‌آورد و هرچند ریشه آن بیماری اقتصادی، بیماری فرهنگی است چون نتیجه کمکاری است، نتیجه فساد اخلاقی است.

(سئوال چهارم- گفتید اسلام قالب ندارد و قالب شکن است این را تشریح کنید.

ج- آنچه انسان را در او می‌ریزند قالب است. آنچه در شکوفایی انسان همراه با انسان رشد می‌کند، هرچند خطوطی است، اما این خطوط قالب نیستند درختی را که نور کافی به آن دادی آب کافی به آن دادی تمام وسایلش را جور کرده‌ای، بر طبع خودش، برگش اندازه‌ای دارد این قالب نیست این خودش است محدود نکرده‌ای شکل طبیعی خودش را دارد ظاهر آنچه که اسلام می‌گوید بار، بر اسلام نیست، بروز انسان، ظهور انسان است. وقتی انسان ممنوع است از چیزی که برای بدنش مضر است مصرف کند، ممنوعیت از این برای بقا است و بقا هم برای تنازع، چون خبر از رابطه انسان و خدا نیست و حرکتی و هدفی. اما در اسلام تنازع بقا هست اما بقا برای چیزی است غیر از تنازع، نه زنده ماندن که به این و آن در بیامیزد بلکه زنده‌ای که شگفته بشود و با احساس و آگاهی خودش حرکت کند آنچه را که اسلام گفته، بر روی آنچه هست سخن گفته نه بر روی یک قرارداد خشک.

از این جهت شدن هست و شکفتن، نه مانعی از شدن و مانع از شگفتن، قالب یعنی مانع از شکفتن پس این مرزهایی که در اسلام هست مرز انسان است نه قالب انسان. شکل انسانیت به این شکل است. یعنی انسان را می‌خواهد که آزاد بشود تا انتخاب کند نه چیزی درست کرده و گفته این را باید انتخاب کنی از این جهت آنچه را که انسانها از قالبهای محیطی‌شان می‌گیرند اسلام این را بعنوان دین قبول کند الا اینکه این را این قدر تکان بدهند تا معلوم بشود مال خودش است و از آن خارج نمی‌شود. ظاهراً سئوال دیگری نیست موفق باشند.

والسلام

شماره ردیف: .... عنوان: علم باید بعنوان شاخه‌ای از درخت تهذیب رشد کند

شماره سلسل: .... سازمان تبلیغات اسلامی مأخذ: کیهان ۱۱۵۶۹

موضوع: علوم انسانی چیست؟ (آرشـــــیو) (۲) تاریخ: ۹ر۱ر۶۱

در بخش اول مطلب زیر که در شماره پیش به چاپ رسید، با طریقه اسلامی کردن رشته‌های علوم انسانی بطور ریشه‌ای آشنا شدیم. دنباله بحث را که به مسئله تهذیب نفس و ارتباط آن با فراگیری علم و ... میپردازد در زیر می‌خوانید:

انبیاء قالب‌شکنهای تاریخند

انبیاء قالب جدیدی عرضه نمی‌کنند، انبیاء قالب می‌شکنند، انبیاء قالب شکن‌های تاریخند قالبها را می‌شکنند تا انسان اختیار کند. دین واحکام قالبشکنی‌است نه پیشنهاد قالبی در مقابل قالبهای دیگر- این معنی لااکراه فی‌الدین است پس در سیستم تربیتی با دید انسان‌شناسی اسلام معلم- باید بداند کار او بریدن زنجیرهایی است که حرکت انسانی را کند می‌کند یا انسان را از حرکت باز می‌دارد وکار او این است که این زنجیرها را باز کند.

ویضع عنهم اسرهم والاغلال التی کانت علیهم» بندها را از پای بچه باز کند نه بند جدیدی بر پای او بیندازد تا او را به طرف دین بیاورد باید آزادش کنی تا ببیند وبشناسد وبفهمد وانتخاب کند از این جهت اساس این تربیت برآگاهی است وباز وقتی اسلام می‌گوید آگاهی، غیر از آن معنائی است که غربی یا شرقی می‌گوید آگاهی. شرقی وغربی هر وقت سخن از آگاهی بمیان آورد منظور او بازتاب حرکت تاریخ در نهاد انسانی است که این در این مقطع اینچنین می‌اندیشد. اسلام وقتی می‌گوید انسان آگاهی دارد می‌گوید: **«انا خلقنا الانسان من نطفه امشاج نبتلیه فجعلناه سمیعا بصیرا»** (دهر- ۲) انسان را موجودی مسیع وموجودی بصیر می‌داند اگر انسان آنچه می‌بیند وآنچه می‌داند بازتاب شرایط او باشد او نابیناست چون آنچه می‌داند به ذهن آمده اوست. آنچه تحقق ندارد وبه نظرم می‌آید چنین است. این از نظر اسلام آگاهی ندارد. از این جهت کار مربی این است که موانع حرکت وموانع آگاهی را بردارد تا طفل آگاه شود به آن معنا که این آگاهی نه تصور وتخیل وبرداشت باشد بلکه بی‌حجاب با هستی در رابطه بودن وعریان مشاهده کردن.

ولتی اینچنین آگاه شد انتخابی که برمبنای آگاهی خود می‌کند به تناسب آنچه می‌طلبد در این حالت می‌تواند اگر خواست برخلاف آنچه می‌داند عمل کند واگر خواست به آنچه می‌داند عمل می‌کند **«لیهلک من هلک عن بینه و یحیی من حی عن بینه»** (انفال- ۴۲) به قسمی که اگر هلاکتی است بعد از بینه و روشنی است و اگر حیاتی است تصادفی و تابع شرایط بودن نباشد از روی بینه و آگاهی باشد.

مربی دراسلام، واعظ درونی را احیاء می‌کند

پس مربی دراسلام کارش این است، بینه را تمام می‌کند و اتمام حجت می‌کند انتخاب با مربی‌هاست، با فرد مورد تربیت است از این جهت مربی اسلامی‌خود را درمقابل موجودی مختار، صاحب جهت می‌بیند. طمع این را ندارد که بگوید من این را ساختم هیچ مربی حق ندارد بگوید من این را ساختم. انسان ساخته شدنی نیست و اگر چنین مربی فکر کند من بودم او را به این راه آوردم، بایستی درحرکت زمانی بین این مربی و فرد مورد تربیتش جدائی بیافتد تا معلوم شود این به طفیل مربی خودش، این کار را می‌کند یا اینکه دروجود خود او تحول بوجود آمده است.

از این جهت می‌بینی اسلام می‌گوید **«من لم یکن له واعظ من نفسه لن ینفعه موعظه غیره»** کسی که واعظی برخود نداشته باشد موعظه دیگران دراو نافع نیست. مربی احیا می‌کند واعظ درونی را درانسان، نه جعل واعظ می‌کند نه تأسیس واعظ می‌کند، بلکه واعظ درون را احیاء می‌کند و این معنی آزادی است و تنها درچنین معنایی از انسان است که انسان آزاد میشود اما اگر انسان را غیر از این بشناسیم انسان را اسیر مربی او گرفته‌ایم و تابع اوست.

تزکیه کاراساسی درتعلیم و تربیت اسلامی است.

مسئله دیگری که درتعلیم و تربیت اسلامی هست این است که تزکیه و انسان شدن کار اساسی و عالم شدن و با سواد شدن شاخه‌ای از این تنه و از این ریشه است یعنی اول باید انسان واعظ درونی‌اش احیاء بشود و بعد این باسواد بشود:

«ویزکیهم ویعلمهم الکتاب و الحکمه (جمعه- ۲) نه به این معنا که اول نهایی‌ترین مراتب تهذیب را طی کند و بعد ابتدائی‌ترین مراتب تکنولوژی را کسب کند. نه این نیست معنایش، معنایش این است که انسان با دوپای علم و تهذیب حرکت کند یعنی پای تهذیب را استوار، و با تکیه براو در تکنولوژی پیش برود به قسمی که آنچه را که از تکنولوژی بدست میاورد چاقوئی نباشد که در شکم خودش فرو کند. چیزی نباشد که برای خودش، و بال بشود، تا بتواند مهار کند تکنولوژی را، و مالک شود علم خودش را. نه اینکه مملوک شود نسبت به آنچه دارد وقتی اطلاعات بیشتری پیدا کرد، درهمین زمان تهذیب او غنی‌تر است همانطور که شما بچه کوچکتان را از اینکه تیغ بدست بگیرد منع میکنید اما وقتی دهدوازده‌ساله شد اجازه‌اش میدهد تیغ بدست بگیرد، کارد دست بگیرد. اما دراین سن اجازه‌اش نمیدهید طپانچه دست بگیرد، پارابلم دست بگیرد، کلتی دست بگیرد که درآن فشنگ هم باشد اما ۱۸-۲۰ ساله که شد این اجازه را هم به او میدهد یعنی ظرفیت بیشتر، قدرت بیشتر.

انسان با اعتصام به الله و با تهذیب، ظرفیت و قدرت پیدا میکند به قسمی که این قدرت را در راه ظلم و ستم بکار نبرد، یا در راه استثمار بکار نبرد، در راه به زنجیر کشیدن انسانها بکار نبرد. این چیزی که در شرق و غرب مطرح است در شرق و غرب تکنولوژی را به انسان میدهند بدون اینکه این انسان ظرفیت بکار بردن آنرا در راه صحیح داشته باشد به همین جهت از همین علم بزرگترین آفت برای انسان صادر میشود. ناامنی امروز جهان در نتیجه تلاشی است که دو قطب برای امنیت خودشان کرده‌اند و انسان با این تکنولوژی افسارگسیخته برای خودش آفتی ساخت که هیچ چیزی اینچنین برای انسان خطرناک نبوده است. این برای این است که علم بود تهذیب نبود تکنولوژی بود انسان ساخته شده نبود.

در اسلام میگوید کنده و تنه شجره علم باید تهذیب باشد و علم براو بروید و در جهت او کنترل شود و مهار او بدست انسانیت و واعظ درونی انسان که چون پیغمبری از درون این انسان را رهبری کند باشد.

اگر سؤالی هست بگوئید تاپاسخ داده شود و تا سئوالات بیاید و من آنها را جمع‌بندی کنم این تذکر را هم بدهم.

باز در اسلام می‌گوید **التجربه فوق‌العلم** از این جهت تجربه را شاغولی برای ذهنیات می‌گیرد. پس درعلوم دانشگاهی مادرصنایع درطب وقتی بپذیریم **تجربه باید حاکم برعلم باشد مسئولین تجربی که وزارتخانه‌های این فنون باشد باید قالبهای علمی را اینها تعیین کنند** بعکس آنچه ما می‌بینیم که بیمارستان راوابسته به دانشگاه می‌کنند یا وزارت بهداری راکه قسمت «تجزبه» دارد بدنبال علم ذهنی می‌کشانند. باید اوکه دستش درکار است ومی‌خواهد این محصول رامصرف کند خودش بداند چقدر باید بکارد و چه نوع باید بکارد، چون میداند این را فردا خودش باید مصرف کند ازاین جهت عدم انسجام بین تجربه وعلم ویاحاکمیت علم برتجربه هردوی اینها موجبات و بال می‌شوند یعنی آنچه دانشگاه درست می‌کند بکار وزارتخانه‌ها نمی‌خورد وآنچه وزارتخانه می‌خواهند دانشگاه صادر نمی‌کند این است که مسائل هماهنگ نمی‌شود.

سئوال اول: واعظ درونی گفته شد باید احیاء شود چگونه؟ ومربی به چه طریق این قالبها رابابد بشکند؟

ج- چیزی راکه انسان نمی‌داند وبه آن مقید است این تاسف است به این قالب چیزی راکه انسان می‌داند ومی‌بیند وبه اومقید است این تاسف نیست این حرکت وتعهد است شکستن قالبها یعنی شکستن آنچه دلیلی وسندی برصحتش نیست وقرآن براین مطلب اشاره دارد **«تلک امانیکم قل اتوابرهانکم»** جای دیگر می‌گوید **«ان هی الااسما سمیتموها انتم واباءکم ومانزل الله بها من سلطان»** (طور ۲۳) اگر سندی و دلیلی نداشته باشد این اسم بی‌مسمی یک قرار داد است. مسئله قرار دادی نمی‌تواند راهگشای توباشد آن بند است وآن را باید برید ازاین جهت دراسلام رسوم وعادات رابدلیل اینکه فقط رسم است غیر قابل قبول می‌داند ومی‌گوید باالو باید مبارزه کرد باید برهرچیزی دلیلی باشد تاقابل قبول باشد

سئوال دوم: نقش مربی که عنوان شد باید موانع آگاهی رابرداردچیست؟ آیااین موانع می‌توانند خطرهای راه منکرات باشد و نهی ها باشد و بعداختیار راآزاد بگذارد ویا اینکه نه؟

ج- وقتی چیزی را بیان می‌کنی و روشن می‌کنی این هموار کردن راه است وقتی چیزی را بدون علت می‌خواهی و وادار می‌کنی این میشود قالب و آنچه انسان بدو آگاه نیست، و به او مقید است این قلب است آنچه انسان بدلیل آگاهی بدان معتقد است آن حرکت آزاد و تعهد انسان است.

سوآل سوم، زمینه‌های سیاسی اجتماعی اقتصادی فرهنگی در قالب ریزی انسان تا چه اندازه دخالت داشته است؟ تکلیف انسان در محیطهایی که زمینه‌های اسلامی بطور اهم و اخص نیست چیست؟

ج- انسان وقتی که از روی اختیار چیزی را درمقابل محیط و شرایطش برمی‌دارد انتخاب می‌کنند این چه کفر باشد و چه ایمان، این نشان‌دهنده اختیار است و این کفر و ایمان در او بالغ است یعنی کفر رسیده است، کفر جاافتاده است، کفر حسابی است. یا ایمان، ایمان حسابی است، اما آنچه را که به طفیل شرایط، نه به دلیل اختیار خودش، این اگر کفر باشد نشان‌دهنده قاطع برای کفر او نیست و اگر ایمان هم باشد نشان‌دهنده قاطع نیست. از این جهت در سوره عنکبوت می‌گوید.

«واحسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لایفتنون لقد فتنا الذین من قبلهم فلیعلمن الله الذین صدقوا ولیعلمن الکاذبین» (عنکبوت ۲ و ۳)

«مردم گمان کردند که گفتند ایمان آوردیم خیال کردند که آزموده نمی‌شوند» یعنی ایمان آوردیم ممکن است به طفیل شرایط باشد ممکن است طفیل شرایط باشد در امتحان روشن میشود که این به طفیل دیگران است یا از روی شناخت و التزام. از این جهت امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: **«من جاء بالناس ذهب بالناس و من جاء بالکتاب والسنه یزول بها الجبال ولایزول»** هرکس به طفیل مردم آمده به طفیل مردم هم خواهد رفت و هرکس بر مبنای کتاب و سنه آمـــــــــده- کوهها جابجا شوند، او جابجا شدنی نیست از این جهت می‌گوید انسان موجودی است از کوه استوارتر، (کوه را نمونه ثقالت و استحکام بیان می‌کند) یعنی از ماده سخن می‌گوید او متغیر است او قابل تغییر است چون مادی است. این انسان چون انسان است مافوق ماده است از این جهت این نافذ است در ماده. ماده نسبت به او اثر پذیر است و این گذار است، انسان فعال است وماده منفعل است. پس انسان در وقتی که نارس است: خام است، متابعتش از شرایط بیشتر است، انفعالش بیشتر است، فعالیتش کمتر است.

هرچه این انسان رسیده‌تر میشود جاافتاده‌تر میشود، خط انتخاب او فعالتر میشود و از انفعال دورتر میشود. از این جهت برای یک انسان خام و نارس شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مسلماً لازم است. وقتی مایه انسانی ضعیف است هنوز نارس است و واعظ درونی او هنوز احیا نشده، این فقیر که شد دزد میشود، فقیر که شد گرفتار فحشاء میشود، گرفتار فساد اخلاق میشود. خودفروش میشود، غنی هم که شد صالح نمی‌شود آن هم یک فساد دیگر پیدا می‌کند استثمار می‌کند. آدمخواری میکند از این جهت آن چیزی که انسان را نجات می‌دهد این است که واعظ درونی او احیا بشود نه داشتن و نه نداشتن هیچکدام انسان را نجات نمی‌دهد داشتن، یک جور انسان را فاسد می‌کند کمااینکه بیماری اغنیاء غیر از بیماری فقر است اما هردو بیماری است.

فقرا به یک سبک به فساد اخلاق دچار می‌شوند در وقتی که واعظ درونی آنها فعال نیست. اغنیا به سبک دیگری، اما قدر مشترک فساد است چرا؟ چون مایه ضبط را ندارند پس اول بایستی آن مایه‌های واعظ درونی در انسان جابیفتد زنده بشود و بعد از آن فقر برای او فاسدکننده نیست. اکثر انبیاء فقیر بودند و گرفتار فقر عجیب بودند چون فقر دونوع دارد. فقری ناشی از تنبلی است. این فقر نیست. این فساد است فساد اخلاق است این تبهکاری است. و فقری ناشی از ایثار است هرچه داشتی دادی و پیش‌بینی نمی‌کردی آیجـــه ـــــــ



شماره ردیف: ....

شماره مسلسل: .... سازمان تبلیغات اسلامی

موضوع: علوم انسانی چیست؟ (آرشیو)

سوال:

ماخذ: کیهان ۱۱۵۳۸

تاریخ: ۶۱/۱/۲۸

غرب به سوی ما تخم علم را صادر نمی‌کند. بلکه علم را عقیم می‌کند و بعد صادر می‌کند اومیداند که چگونه اخته کند علم را. او می‌داند چگونه مقطوع النسل کند علم را وبعد به ما بدهد او پرتقالش را هم اینچنین میکند و میدهد. او میداند چگونه مرکباتی به تو بدهد که نتوانی ازش تولید کنی و نمونه‌اش را بدهی. حیاتی‌ترین مسئله برای غرب همین است که بین ریشه و شاخه جدایی بیندازد و وقتی ما آنچه را که بعنوان ریشه داشتیم و شاخه‌هایی از آن سبز میشد بریدیم و شاخه‌هایی را از آنها گرفتیم و بی‌ریشه در گلدان گذاشتیم. آن چیزی که او میخواست تامین می‌شد. اسلام می‌گوید به شجره علم خودت علوم دیگران را پیوند کن عیبی ندارد، صادر از تو پیوند از آنجا و تنوع را حفظ کن. ما بایستی ریشه‌هایی که از ما باقی مانده بگذاریم و اینها جوانه‌هایی زده و رشد کنند وعلم ما علوم آنها رادر سیستم حل کند و اینچنین ما رشد خواهیم کرد.

در روش تربیت اسلامی، انسان صاحب اختیار است

مسئله دیگر در روش اسلامی در تربیت، انسان صاحب اختیار است حتی در مقابل شرایط، انسان را چون اینچنین تعریف میکند لذا علوم انسانی که برغیر این مبتنی هستند با دانشگاه اسلامی ما نمیتوانند همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند چرا؟ چون قابل پیوند نیستند. ما تکنولوژی را میتوانیم پیوند بزنیم بر تکنیک خودمان. **ما میتوانیم طب جدید را بر طب قدیم خودمان اضافه کنیم. اما نمیتوانیم علوم انسانی غرب را به علوم انسانی خودمان پیوند کنیم.** همانطور که شما پرتقال را به خربزه نمیتوانید پیوند بزنید. چرا؟ چون از ریشه و بنیان با هم اختلاف دارند غرب چه غرب مادر و چه غرب فرزند، یعنی چه غرب قدیم و چه شرق و غرب امروز، چون شرق وغرب وقتی میگوئی همان تعبیر نه شرقی و نه غربی میکنی هر دو فرزندان غرب قدیمند هر دو انسان را با افکار او و عقاید او تابع شرایط او میدانند. کلاً دستگاه فکر و شناخت را روبنا می‌دانند نسبت به شرایط مادی امروز. این طرز تفکر لازمه‌اش این است که انسان همراه خودش چیزی ندارد هرچه دارد از محیطش میگیرد. این طرزتفکر چراغ سبز نشان میدهد برای تعلیم وتربیت قالبی. چرا؟ چون وقتی انسان ازخودش جهت ندارد و ازخودش منش ندارد و مایعی است که در هر ظرفی بریزی، به شکل همان ظرف در میاید وبعد که در یخچال جامعه گذاشته شد در همانجا منجمد میشود. نظر آنها نسبت به انسان این است وقتی دستگاه ذهنی انسان روبنا باشد و شرایط مادی زیربنا، که غرب و شرق عمدتا این چنین فکر میکنند، آنها هیچ انفجاری نمی‌بینند براینکه شرایطی را برای انسان فراهم کنند. **آنها معتقدند که شما میتوانی سفارش بدهی که چگونه انسانی میخواهی و وزارت آموزش و پرورش همانجوری که شما میخواهی برایت صادر میکند قالبها را از دوره تولد تا پیری مهیا کرده‌اند و نسل جدید را در آن میریزند و طبق شناختی که دارند معتقدند هیچ آبی از آب تکان نخواهد خورد.** همه در این قالبها جا خواهند گرفت. اما اسلام انسان را نوع دیگری تعریف میکند. میگوید: **ضرب‌الله مثلا للذین کفروا امراه نوح و امراه لوط کانتا تحت عبدین من عبادنا صالحین فخانتا هما فلم یغنیا عنهما من الله شیئا و قیل ادخلاالنار مع الداخلین (تحریم ۱۰)**

وقتی میخواهد کافر شدن انسان را نشان دهد و تعریف کند زن نوح و لوط را نشانه‌ای از نحوه کفر انسان بیان میکند. کسانی که محیط‌شان مملو از ایمان است اما خودشان می‌توانند کافر بشوند، یعنی انسان قالب شکن است نه قالب پذیر. زن نوح نشان میدهد که شوهرم با تمام اطلاعاتش، با تمام ظرافت اخلاقی‌اش، با تمام هنرش در تکلم و هنر در تربیت و هنر در جذب جامعه از جذب من عاجز بود چون انسان بودم و نخواستم اورا بپذیرم. خواستن نوح نتیجه نداشت وزن لوط هم همین را میگوید و زن فرعون هم همین را میگوید به‌این معنا که من زنی بودم که فرعون با تمام قدرتش که زر و زور و تزویر بود و با اینکه تمام قدرتها خدمتگزار او بودند و انواع قدرت را بکار برد تا من را جذب کند، اما چون من نخواستم، او نتوانست. خواستن فرعون به من شکل نداد وقتی نخواستن من سد راه او شد. این نظر نسبت به انسان که انسان موجودی قالب شکن است تمام تعلیم و تربیت‌های قالبی را به دور می‌ریزد. این نظریه درباره انسان به نظریه‌های شرقی و غربی که افکار انسان را نتیجه شرایط زیستی او می‌داند آشتی‌پذیر نیست و علوم انسانی باید به این سبک زیر و رو شود کسانی که کمترین پایه از پایه‌های علوم انسانی غرب را آشتی پذیر میدانند با علوم انسانی اسلام،اول باید خودشان تصفیه بشوند. آنها در هر موضعی و در هر سنگری و در هر موقعیتی که هستند بایستی کنار بروند تا سنگر علوم انسانی که حساس‌ترین سنگر در فرهنگ ماست تسخیر بشود. یعنی مکمل تسخیر پادگانها در ۲۲ بهمن انجام نمیگیرد مگر آنروزی که هیچ بقایایی از تفکرات آن علوم انسانی در کرسی‌های ما نمانده باشد و اگر ماند ۲۲ بهمن برای ما عقیم خواهد ماند پس تعلیم و تربیت اسلامی دقیقاً بر این مناسبت که به معلم میگوید تو به بچه شکل نخواهی داد، تو فقط باید قالبهای آنرا بشکنی تا آن انتخاب کند.

... می‌شود.

شماره ردیف: ....



شماره مسلسل: ....

سازمان تبلیغات اسلامی

سوژه: برای جشن انقلاب اسلامی ... اسلام ... شود

مأخذ: کیهان ۱۱۵۲۸

تاریخ: ۸/۱/۶۱

موضوع: علوم انسانی چیست؟ (آرشیو) (۱)

مهمترین وحساسترین بخش از علوم دانشگاهی که نیاز مند دگرگونی عمیق و بنیادی میباشد، علوم انسانی است، که قسمت عمده نیازهای جامعه نیز توسط فارغ التحصیلان این رشته، مرتفع میگردد.

در نظام آموزشی رژیم سابق، که مبین و مروج فرهنگ استعماری بود، بخش عمده سیاستهای فرهنگی امپریالیزم، توسط دانشگاهها، بخصوص از طریق رشتههای علوم انسانی القاء میگردید. بینش ماتریالیستی که اساس و پایه جهان بینی هر دو نظام امپریالیستی شرق وغرب را تشکیل میدهد از طریق رشتههایی مثل اقتصاد، جامعه شناسی، تاریخ و ... به افکار جوانان این مملکت شکل میداد و بر این اساس، تفکرات آنان را پایه ریزی میکرد.

لذا برای تحقق یک انقلاب فرهنگی اصیل و اسلامی ، ایجاد یک دگرگونی بنیادی و اساسی در نظام آموزشی، و پایه گذاری علوم (مخصوصا علوم انسانی) بر اساس جهان بینی اسلامی امری الزامی و اجتناب ناپذیر است.

با توجه به اهمیت این موضوع، اقدام به چاپ متن کامل سخنرانی یکی از اساتید حوزه علمیه قم که در رابطه با علوم انسانی وچگونگی اسلامی کردن این رشتهها ایراد شده مینمائیم.

این مطلب در دو شماره از نظر شما خوانندگان عزیز خواهد گذشت که بخش نخستین آن در زیر میآید.

اعوذ بالله من‌الشیطان الرجیم. بسم‌الله الرحمن الرحیم و ایاه نستعین انه خیرناصر ومعین»

وقتی مایخواهیم درباره انسان سخن بگوئیم باید انسان راشناخته باشیم و وقتی مامیخواهیم ببینیم مکتبی درباره تعلیم وتربیت انسان چه نظر دارد باید قبلاً ببینیم آن مکتب انسان راچگونه تعریف می کند، پس علوم انسانی که در دانشگاههای آینده ما می‌باید تدریس شود باید دقیقاً بعد ازتعریف انسانی ازنظر اسلام شروع شود. جامعه شناسی، اقتصاد وعلوم تربیتی که نه برمبنای تعریف انسان باشد ونه برمبنای تعریفی باشد که اسلام ازانسان می کند به هیچوجه نمی‌تواند درخدمت اسلام باشد و آنچنان دانشگاهی که نه برمبنای تعریف اسلام ازانسان علوم انسانی خودش راتدریس کند، دیریازود دوباره بسته خواهد شد واگر بسته نشد ازهمان مفاسد که درسابق صادرشدبه همه ارگانهای مملکتی دوباره صادر خواهد شد.

اهمیت علوم انسانی دراین است که فارغ‌التحصیل این رشته برنامه وبودجه و طراحی وهدایت جامعه رادرکل ارگانها به عهده می‌گیرد واگر اوجهتی غیرجهت اسلامی داشته باشد جامعه رابه سوی آن جهت می‌برد. از این جهت سنگر بزرگ استعمار درمملکت ماکرسی علوم انسانی بوده، ازآن سنگر برماتاختند وباید این سنگر راتسخیر کنیم اگر اسلام این سنگر راتسخیرنکرد آنچه راکه ما فتح کرده‌ایم دوباره ازدست خواهیم داد مانمی‌توانیم انقلاب سیاسی خودمان راحفظ کنیم مگر اینکه انقلاب فرهنگی خودمان رابه کمال برسانیم ومانمی‌توانیم انقلاب فرهنگی خودمان رابه کمال برسانیم مگر آنکه فرهنگ خودمان رابراساس تعریفی که از انسان دراسلام داریم پایه گذاری کنیم ازاین رومطالعه این قسمت که چگونه ازسنگر تعلیم وتربیت مارااستعمار کردند برای مالازم است امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «لاتسیرالهدی الامن حیث انتشرالضلال».

هدایت امکان ندارد انتشارپیداکند مگر دقیقاً ازهمان موضعی که ضلالت انتشار پیدا کرد- اگر ما پذیرفتیم که ازکرسی علوم انسانی ضلالت درجامعه ما انتشار پیدا کرده مابایستی با تمام قدرت برای انتشارهدایت ازکرسی علوم انسانی پافشاری کنیم.

روش تعلیم و تربیت اسلامی

علوم تربیتی ومجموعاً نحوه تعلیم وتربیت وآنچه درگذشته بود برروش تعلیم اسلامی نبود. اسلام می گوید: «اعلم‌الناس من جمع علم‌الناس الی علمه» داناترین مردم کسی است که علم ناس را، علم مردم رابرعلم خودش بیفزاید این عبارت درعین سادگی مبین دونکته اساسی درروش تعلیم وروش تعلم است.

روش تعلیم وتربیت اسلامی

حفظ استقلال فرهنگی در حین فراگیری علوم دیگران

یکی اینکه می‌گوید علم ناس رابرعلم خود بیفزاید، یعنی علم خودرااصل قراردهد، ریشه قراردهد، پایه وبنیان قراردهد وعلم ناس رابعنوان غذایی به این ریشه بخوراند بطوری که آنچه دارد مایه باشد ومادرباشد وآنچه می‌گیرد چیزی قابل مصرف و قابل جذب، بطوری که وقتی آنچه راکه ازعلوم دیگران می‌گیرد وصرف می کند دردرون خودش هضم کرده و شکل آن رابشکند، فرم آن رابهم بریزد وآنچه ازنظر علمی غذائیت دارد جذب کند و تفالعمایش رادوربریزد و این کاردقیقاً به این معناست که علم مشخص ، علمی راکه جامعه‌ای به عنوان میراث فرهنگی خودش، و بعنوان سند وحدت امتش، وبه عنوان مشخصه اودرمین امتها دردست دارد، حفظ کند واگر اینچنین کرد که ازعلم مادر، علم خود وآنچه خود داشت نگهداری کند و ازعلم دیگران براوافزود این اعلم میشود این رشد پیدا می‌کند این پیش می‌رود. دستور اسلام این است که «علمه» یعنی آنکه توداری درهررشته‌ای ودرهرفنی آنراحفظ کن وآنرا اساس قراربده و آنچه ازدیگران می‌بینی، می‌شنوی دراین سیستم خودت هضمش کن، مستهلکش کن. اگر توطب داری، طب خودت راحفظ کن نگهدار.

ریشه‌های اورا مستحکم کن و چنان کن که آنچه تو ازطب داشتی جذب کند ودرخود هضم کند آنچه ازطب دیگران می‌گیری. واگر درصنعت کاری کنی صنایع خودت راهرچند بدوی وابتدائی، آنرامادرقراربده ریشه قرار بده بطوریکه تودرنهایت امراستقلال خودت راحفظ کرده‌ای، استقلال فرهنگی خودت رانگهداشته‌ای درعین حال ازثمره علم دیگران هم محروم نشده‌ای.

حفظ فرهنگ اصیل خویش بعنوان ریشه علوم

مطلب دیگر دراین دستور اسلام این است: «اعلم الناس من جمع علم الناس الی علمه» یعنی علم ناس را متصل کند به علم خودش بطوری که از نظر این اتصال و این ریشه دار بودن، امکان رشد جدید و پیوستگی بین ریشه و این شاخه وجود داشته باشد.

در تذکر اول استقلال را تاکید می‌کند و در تذکر دوم ریشه دار بودن را، در حالی که در دوره طاغوت در تعلیم و تربیت استعماری اول کاری که کردند این بود که جامعه ما را نسبت به میراث فرهنگی خودش ظنین و بدگمان کنند و علل انحطاط را در آن فرهنگ معرفی کنند به طوری که جوان فکر کند شرط اینکه ما بتوانیم از این انحطاط خارج شویم این است که مواریث گذشته فرهنگی خودمان را «کان لم یکن» بگیریم آنرا ترک کنیم تا بتوانیم آنچه دیگران دارند جذب کنیم. تقی زاده می‌گفت ما زمانی می‌توانیم از این عقب ماندگی نجات پیدا کنیم که حتی راه رفتن اروپائی‌ها را هم تقلید کنیم نه تنها مثل آنها بپوشیم مثل آنها بنوشیم، بلکه فرم راه رفتن و سبک صحبت را از آنها بگیریم تا ابتذال انحطاط را ریشه کن کنیم. اساس کار اینها این بود که فرهنگ مادری را که ریشه رشد بود قطع کنند تا ما حل بشویم در فرهنگ دیگران و آنچنان بشویم که آنها می‌خواهند این هضم شدن استقلال بود.

فراگیری «لب علم» بجای فرآورده‌های علم

مسئله دیگر آنچه را که آنها به ما می‌دادند «لب» علم نبود، فرآورده‌های علم بود. محصولات بود. مثل اینکه شما از گلفروشی بجای اینکه گلدانرا بگیرید و گل را با ریشه بخانه بیاورید دسته گل را بگیرید که تا وقتی می‌آمدی در خانه تازه و شاداب بود، یکی دو روز که می‌ماند پلاسیده می‌شد و بعد بنا بود آنرا دور بیندازی و باز دسته گل تازه‌ای وارد کنی آنچه دانشگاه ما تدریس می کرد دسته گل با طراوتی بود که از خارج وارد شده بود نه ساقه‌ای نه ریشه‌ای، نه اساسی، از این جهت عقیم بود آنچه به ما می‌دادند مقطوع النسل بود آنچه برای ما می‌آوردند و به همین جهت ما فاقد مخترع بودیم، ما فاقد مکتشف بودیم. این دانشگاه ما نمی‌توانست غیر از تغذیه از آنچه از خارج می‌آورد کاری بکند یک کلاسی بود برای وارد کردن فرآورده‌های دیگران و برای وابسته‌تر شدن. چرا وابسته‌تر شدن؟ برای اینکه وقتی ما روش تعلیممان ریشه نداشت و بر نهاد انسانی خودمان استوار نبود و از جهت فطری و انسانی ما آنچه کسب می‌کردیم منحرف بود. به دلیل این کجی از فطرت ما، نیاز به بازوئی برای نگهداشتن بود شما وقتی چوبی را قائم بر زمین فرو می‌کنید این می‌ایستد اگر این را کج بر زمین گذاشتی باید تکیه گاهش بدهی. حالا این چوب هر چه طویلتر بوشد تکیه گاه بیشتری مورد ضرورت است اگر بچه کلاس اول دبستان یک پایه می‌خواست و یک تکیه میخواست تا بتواند بایستد در کلاس دوم بر این چوب کج، دوپایه و دو قیم لازم بود در سطح دانشگاه قیمهائی کثیر و پایه‌های متعدد و ریشه‌های گوناگون وابستگی مورد نیاز بود و اگر خدای ناکرده در علوم تاحدنهائی هم پیش می‌رفتیم چون خط، خط کجی بود و سیستم وابسته بود وابستگی ما شدیدتر می‌شد از این جهت وقتی تعلیم و تربیت در جهت وابستگی شد نتیجه‌اش رشد وابستگی است، تزاید وابستگی است پس داشتن دانشگاه به آن سبک که آنها میخواستند و می‌پسندیدند یعنی افتتاح باب وابستگی.

لزوم استوار کردن تعلیم و تربیت براساس نهاد و فطرت انسانی

می‌گویند اگر ما دانشگاه را ببندیم، بعلت نیاز، باید تکنولوژی وارد کنیم واین اشتباه محض است، در جواب باید گفت اگر ببندیم تا خودمان لااقل تعمیر کنیم آنچه را که داریم همان تحصیل ناکرده‌هائی که تعمیر کارهای خود ساخته‌ای هستند، امکان اختراع واکتشاف درآنها بیشتر ازتحصیل کرده‌های ماست که دراین روش آنها بکار بردند. چرا؟ چون برای ما ریشه را نیاوردند.

شماره عکس: ....

سازمان تبلیغات اسلامی

موضوع: بیانات رئیس مجلس (آرشیو)

تاریخ: ۲۸/۱/۶۰

اما اینکه انجمن اسلامی دانشجویان دفتر داشته باشد یا نه، بنام اسلام همه چیز می‌توانند داشته باشند اگر نیاز بود ولازم بود، چون مکتب، اسلام است و حاکم اسلام است وانقلاب اسلامی است بستگی به نیازتان است، اگر لازم بود، این کار را بکنید. دیگران خیلی راضی باشند که ما اجازه می‌دهیم در دانشگاه مسلمانها و زیرپرچم اسلام آزاد زندگی بکنند و ازمالیات مردم مسلمان و از کشور اسلامی استفاده بکنند و در محیط ما و جامعه ما حرف غیر اسلامی هم دارند می‌گویند، باید خیلی راضی هم باشند.

همانطورکه مطلعید ستاد انقلاب فرهنگی در مورد حل مسئله پزشکی کشور و جبران کمبودهای موجود و هم چنین ایجاد هماهنگی درکارهای خدماتی و آموزشی پیشنهاد تشکیل وزارت بهداشت و آموزش پزشکی را به مجلس ارائه داده است با در نظر گرفتن سفارش امام به مجلس در اینمورد چه اقداماتی انجام گرفته است؟

ج- بله، در جریان هستم و از اول هم در جریان بودم.این طرح خیلی وقت است تهیه شده است حتی من یادم هست آن زمانیکه دکتر باهنر کابینه تشکیل می‌داد، وزیر بهداری که معرفی شده بود بعضیها مخالفت می‌کردند و می گفتند ایشان با این طرح موافق نیست که آقای دکتر باهنر در سخنرانی معرفی وزراء گفتند که ایشان قول داده‌اند که مجری باشند و این برای آقای باهنر مهم بود بعد این طرح ماند دولت آقای باهنر باشهادتشان بهم خورد دولت آقای مهدوی هم نرسید و فرصت صحبت نشد اما ستاد انقلاب فرهنگی ما را دعوت کرد و اوائل ریاست جمهوری آقای خامنه‌ای بود که نخست وزیر هم انتخاب شده بود وزیر بهداری وعلوم

را هم دعوت کردند و درجلسه بودند اعضای ستاد انقلاب فرهنگی هم بودند و در مورد این طرح توضیح دادند و ما همه قانع شدیم که این کار باید بشود بعد بنا شد در هیات دولت تصویب شود وبه مجلس بیاید طرح درهیات دولت گیر کرد آنجا نتوانستند دفاع کنند و نمی‌دانم چطور شد که هیات دولت قانع نشده بود و دو باره مدتی متوقف ماند که طرح از طریق دیگر به مجلس آمد و به کمیسیون رفت برای این که خودمان مطالعه کنیم و اگر لازم است اعلام کنیم ما این طرح را مطالعه می کردیم که مجددا ملاقات ستاد با امام پیش آمد و بعد از آن ما جلسه‌ای گرفتیم و فکر می کنم به نقطه‌نهایی نزدیک می‌شویم ودولت هم می‌پذیرد دو وزیر مربوطه هم می‌پذیرند منتهی صحبتی بود که وزیر بهداری تصور می کرد که گام به گام باشد بهتر است خوب بحث شد که تا اجرای کاملش یک مقدار طول می کشد ما تدریج تحمیلی داریم ولی دراصل طرح نباید گام به گام باشد تا اینجا که من می‌دانم ما رای را نمی‌توانیم تحمیل بکنیم ولی طرفدار این طرح هستیم و حالا مجلس رسیدگی می کند. در مجلس جزئیات ، طرح و بررسی نمی‌شود و من فکر می کنم این طرح عملی شود.

شماره مسلسل: ....

سازمان تبلیغات اسلامی

موضوع: نظرات رئیس مجلس (آرشـــــیو)

تاریخ: [illegible]

دولت موقت آمد، بنی صدر آمد، لیبرالها آنجور کردند، اینها دیگر کنار رفت و ما الان در ظرف این سه سال شاید باندازه زیادی بطرف اسلام واقعی و حذف حشو و زوائدی که روز اول شاید کسی هم توجه نداشت، جلو رفته باشیم. در انقلاب فرهنگی هم خود بخود چنین چیزی خواهد بود. منتها با یک تفاوت که ما یکبار بیدار شدیم و دیگر در انقلاب فرهنگی نباید آنطور شود. همانطور که انقلاب را اول دادیم دست دولت موقت و دادیم دست نیروهایی که از اسلام خبری نداشتند در مورد انقلاب فرهنگی دیگر نباید آنطور کنیم (ستاد انقلاب فرهنگی در مجموع قدمهای موثری برداشته که در آینده چه می خواهیم بکنیم ولی من خیال میکنم هنوز خیلی فاصله داریم تا بفهمیم واقعاً چه میخواهیم.)

ما وقتی دانشگاهها را با یک مقدار برنامه که الان میتوانیم درک بکنیم، شروع کردیم، (خیلی چیزها را الان نمی توانیم درک کنیم) و کلاسها شروع شد و اساتید آمدند و برنامه ها شروع شد، تازه می فهمیم که اینها درست انجام نشده و در عمل باید اینکار بشود. برای مثال قبل از انقلاب هم همین بحثها برای ما مطرح بود. بعضی از دوستان بسیار سطح بالا می گفتند که این نمی شود. آنها می گفتند اول برنامه بریزیم ببینیم چه می خواهیم، اسلام چیست، سیستم اقتصادی و سیستمهای دیگر و مسائل دیگر اداریمان چیست بعد با طرح برویم مبارزه کنیم. ما می گفتیم نه، اینها را در ضمن عمل باید تنظیم کرد. البته آن موقع هم ما فکر نمی کردیم به این زودی پیروز شویم لذا می گفتیم در آن دوران طولانی کم کم سازماندهی و مسائل روشن میشود. حالا هم همین است. البته نه با آن دست خالی که بدون هیچ وارد عمل شویم. الحمدلله الان اینطور نیست. (بنظر من ستاد انقلاب فرهنگی با همکاری کمیته ها و خود بچه ها کار زیاد کرده و قدمهای موثری برداشته اما حتماً تمام نیست) و حتماً بسیاری از خواسته های مبهم انقلاب فرهنگی تا اینجا در برنامه ها تدوین نشده منتها من هم مصلحت نمی دانم که معطل بشویم. باید کار را شروع کرد. با این اعتقاد که کار تمام نشده و در عمل شاید انقلاب فرهنگی در طول یک دوره تحصیل دانشگاه به انجام برسد.

آیا راه بازگشت به فرهنگ اسلامی راهمان شناخت روزنه‌های نفوذ فرهنگ استعماری می‌دانید؟

ج- شناخت روزنه‌ها، فقط فهمیدن درد است. اینکه چه چیزی، جایگزین فرهنگ استعماری بکنیم. مهم است وآن این است که باید کار کرد و از اسلام ومنطق آزاد و مستقل مطلب گرفت و جایگزین فرهنگ استعماری کرد و این یک کار طولانی است یعنی وقتی که فهمیدیم درد چیست و آنرا شناختیم، باید ببینیم که چه چیزی می‌خواهیم ارائه کنیم که بایستی آنرا تنظیم‌کرد و عرضه نمود.

البته تعصبی هم نداریم مثلاً روی ملی‌گرایی و مسائل بومی. ما روی منطق صحیح برخورد می‌کنیم. باید از همین الان توجه بکنیم که هیچ چیز باطل یکنواخت نمی‌تواند رائج شود. باطل همیشه مخلوط میشود با مقداری حق و نباید تعصب خشک داشته باشیم که اگر چیز صحیحی هم بود، بریزیم بیرون باید منطقی و اسلامی فکر کرد و جای این محتویات فکری و احساسی که در مردم بوده و بطرق مختلف واردشده مطالب صحیح گذاشت که دوران طولانی دارد و باید در مدارس، روزنامه‌ها، رادیو تلویزیون و ادبیات و حتی در فکاهیات و خیلی چیزهای دیگر کار کرد.

درمورد «توده‌ایها» و«اکثریتی‌ها» وگروههای دیگر مانند «جنبش مسلمانان مبارز» و «میثمی‌ها» درمرحله بازگشائی چگونه باید برخورد شود.

ج- این سه، چهارتایی که شما اسم بردید یک جور نیستند توده‌ای ها بیشتر وبعد فدائیها بیشتر هوایشان بیرون مرزاست.

بالاحزه انسان می‌فهمد که اینها تقریباً روسی هستند. البته شاید درزبان، انقلاب را تأیید بکنند ولی عمق قضیه چنین نیست. دوگروه دیگر (امتی‌ها ومیثمی‌ها مسلمانند، بایک اختلاف که (در گذشته لااقل) مواضع جمهوری اسلامی را قبول نداشتند. آنها بامواضع سیاسی و اجتماعی مامخالف بودند وحالا یک مقدار تعدیل شده‌اند واین حرکت تعدیلی همان بود که درسئوال قبل گفتم. آنها وقتی باواقعیتها روبرو شوند وآشنا گردند. آن زاویه‌های انحرافی آنها اصلاح میشود) من با همین چهارگروهی که شما گفتید موافقم که دردانشگاهها باشند ودرس بخوانند ولی با همین توضیحی که دادم‌که مراقبت شدید لازم دارند اینها که غیر مسلمان هستند ازجهت منحرف کردن بچه‌ها وخط سیاسی، وآنها هم که مسلمان هستند ازجهت اینکه به لحاظ ضعفهای موجود، انگشت می گذارند روی آن نقاط ضعف که ممکن است بازدردانشگاهها کانون فساد درست کنند. باید مواظب بود کانون فساد درست نکنند ودرسشان را بخوانند خوب کار کنند وماهم عقده‌های فکری ومشکلات روحی آنهارا حل کرده وبتوانیم باآنها برخورد پدرانه کنیم. آنها همه بچه‌های ایران هستند همان چپی‌ها وکمونیست‌هارا می‌گویم.)

خانواده‌هایشان اکثراًمسلمان وایرانی هستند اگر خوب برخورد کنیم امید اینکه راه صحیحی انتخاب بکنند هست لذا مخصوصاً باید بیشتر مواظب جوانهایشان بود.

حتی درمورد رهبران وسردسته های آنها دردانشگاهها؟

ج- سردسته‌هایشان دیگر حاضر نیستند دست از روش طولانی عمرشان بردارند، ماهم فقط باید مواظب باشیم که مزاحمت ایجاد نکنند سردسته‌ها که دیگر درس نمی‌خوانند دردانشگاهها اگر شاگردانی هستند اما مزاحمتی ندارند، درس بخوانند چه مانعی دارد.

درمورد استادهایی که دارای خطرفکری هستند چه بایدکرد؟

ج- کلاس حتماً نباید محیط القاء خط فکریشان باشد. مثلاً یکی استاد فیزیک است. وقتی او فیزیک درس می‌دهد و نمی‌خواهد القاء ایدئولوژی کند، من مخالفتی ندارم که درسش را بگوید. ولی شرطش همین است که باید مراقبت شود و باید مواظبت شود. ما نمی‌توانیم با مصالح مردم شوخی کنیم. آنها بچه‌های خود را داده‌اند دست ما که درس بخوانند و ما نمی‌توانیم فکر آنها را دراختیارشان بگذاریم باید کاملاً مواظب بشود، درس فنی و عملی‌شان را بگویند و کارهای حزبی‌شان را بگذارند برای بیرون.

به نظر شما آیا فعالیتهای سیاسی اصولا دردانشگاهها محلی از اعراب دارد یانه؟ اگر دارد درچه محدوده‌ای؟

ج- من فکر می کنم درهیچ سنی و درهیچ مرحله‌ای نباید مردم را از کارسیاسی و فعالیت سیاسی محروم بکنیم و باید اجازه بدهیم که مردم بتوانند عنصرسیاسی باشند و درکارهایشان و سرنوشتشان دخالت کنند، ولی فقط این را باید بدانیم که درمحیط تحصیل تقدم و اولویت همه چیز با تحصیل است. ما هرحرکتی را که بخواهد روند تحصیل را کندکرده و جلوگیرآن شود، باید منع کنیم (اما دراینکه دانشجو یک عنصر سیاسی باشد، کتاب سیاسی مطالعه کند، بحث سیاسی کند واحیاناً بطورسالم ارتباطات سیاسی داشته باشد مخالفتی نداریم ومحدوده‌اش راهم باید قوانینی که درپرتو قانون اساسی نوشته میشوند، تعیین کند.)

بعضی‌ها معتقدند که مدیریت شورایی به این نحو (شورای مدیریت جهاد دانشگاهی که متشکل از استادان، دانشجویان و کارمندان است) اسلامی نیست نظر شما چیست؟

ج- اسلام خشک برخورد نمی کند که مدیریت شورایی هست یا نیست.

آنچه که اسلام در مورد مدیریت می گوید این است که کار نباید بد اداره شود. گاهی کار در شرایطی با شورا بهتر اداره می‌شود.

گاهی افراد نداریم شورا تشکیل بدهیم وگاه یک فرد شاخص قوی نداریم. از اینرو ما نمی‌توانیم دگم برخورد کنیم وبگوئیم اسلام می گوید شورا یا فرد «امرهم شوری بینهم» یکی از اصول مدیریت اجتماعی است. اما معنی این عبارت این نیست که حتماً هر مؤسسه‌ای باید با یک شورا اداره شود و مانع از این هم نیست که در رأس یک مؤسسه شورا باشد. باید در شرایط مختلف برخورد منطقی وواقع‌گرایانه کرد.

اینکه بعضی‌ها می‌گویند مدیریت شورائی اسلامی نیست این قضاوت درست نیست. مدیریت شورائی می‌تواند اسلامی باشد. اما اینکه اگر مدیریت فردی باشد آنرا هم نگوئیم اسلامی نیست، اینهم درست نیست. اسلام می‌گوید آن کیفیت مؤثرتر را انتخاب کنید. شما باآن تجربه‌ای که خودتان دارید و با آن واقعیاتی که وجود دارد، ببینید، چگونه می‌شود بهتر دانشگاه را اداره کرد. بنده نباید اظهارنظر کنم. وقتی اظهارنظر می‌کنم که بیایم تجربه شورا را ببینم و تجربه مدیریت فرد را ببینم و از محیط دانشگاه نظرخواهی بکنم و نظر بدهم.

در مورد دانشجویان متعهد و مسلمانی که فعلاً در ارگانهای مختلف مملکت مشغول به فعالیت هستند و تعداد آنها هم زیاداست پس از بازگشایی چه رهنمودی دارید. آیا به دانشگاهها برگردند یا به فعالیت‌های خود درارگانها ادامه دهند؟

ج- در این مورد کلی نمی‌توان پاسخ داد. آنها باید مواظب باشند و ازهمین حالا برای خودشان جایگزین درست کنند و کسانی را پیدا کنند که دانشجو نیستند و نیروهای اینطوری ما درگوشه و کنار و همه جا داریم، اینها را پیدا کنند و کار خودشان را کم‌کم محول کنند به آنها. اگر بخواهند بیایند و یکباره ارگانها را رها کنند و نهادها بخوابد نمی‌شود، اما را رها کنند و نهادها بخوابد نمی‌شود، اینهم که بگوئید بچه‌ها بمانند و محیط دانشگاهها راخالی بگذارند اینهم نمی‌شود. چون حضور اینها در دانشگاهها مخصوصاً با تجربه‌ای که در این دو سه سال پیدا کرده‌اند بسیار مفید است. بنظر می‌رسد باید نظمی به کار بدهند و خودشان وقت را تقسیم کنند و با مسئولان دانشگاهها هم یک طوری تفاهم کنند که بطور کلی از درسشان نمانند و بطور کلی اینطور نباشد که نظام ارگانها و نهادها بهم بخورد چرا که ممکن است با یک مقدار جایگزینی و یک مقدار هم با نوبه آمدن بدانشگاه و تفاهم با مسئولان دانشگاهها مسئله حل بشود. بهرحال بهم خوردن نهادها را نباید به هیچ قیمت بپذیریم وخالی شدن دانشگاهها را نیز نباید بپذیریم. باید یک روش بینابین پیدا کنیم.

آیا انجمن‌های اسلامی بصورت قبل می‌توانند در دانشگاهها دفتر داشته باشند گروههای دیگر چطور؟

ج- اینهم دیگر از آن حرفهای عجیب و غریب است که کشور اسلامی، مردم مسلمان، توده مردم مسلمان، مسلمانها دارند شهید می‌شوند، مسلمانها دارند فداکاری می کنند، آنوقت چهارتا توده‌ای بگویند چون انجمن اسلامی دفتر دارد، ما هم باید داشته باشیم. این تبعیض است! چه تبعیضی؟ تبعیض آن است که شما درخانه‌هایتان خوابیدید و آنها رفتند جنگیدند. تبعیض آنجایی میشود که شما در مدت تعطیلی دانشگاه دنبال کار خودتان بودید و آنها رفتند و در روستاها زحمت کشیدند برای مردم. هرخانه‌شان یک شهید داد. خوب کشور اسلامی است. مثل این می‌ماند که کسی بگوید چون مجلس شورای اسلامی وجود دارد پس یک مجلس شورای کمونیستی هم باید باشد.

شماره مسلسل: ....

سازمان تبلیغات اسلامی

موضوع: مدیریت دانشگاه، نقش روحانیت [illegible] (آرشیو)

تاریخ: ۲۵/۱۲/۶۰

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی ریاست مجلس شورای اسلامی پیرامون شورای مدیریت دانشگاهی، نقش روحانیت در اشاعه فرهنگ اسلامی، نحوه فعالیت‌های سیاسی در دانشگاه، نقش ستاد انقلاب فرهنگی، برخورد باگروههای سیاسی، رجعت نیروهای متعهد مسئول در ارگانهای انقلابی به دانشگاه و لایحه قانونی تشکیل وزارت بهداشت و درمان نظرات خود را بیان کرد.

حجت‌الاسلام رفسنجانی در یک مصاحبه با نشریه «دانشگاه انقلاب» ارگان جهاد دانشگاهی نقطه نظرات خود را درباره مسایل فوق بیان داشت که قسمتهایی از این مصاحبه را با هم می‌خوانیم.

نقش روحانیت در اشاعه فرهنگ اسلامی در دانشگاهها تا چه اندازه است و به نظر شما این نقش را از چه طریق و چگونه می‌توان ایفا نمود؟ در برنامه ریزی آموزشی و فرهنگی مدیریت و یا ابعاد دیگر؟

● من فکر می‌کنم در همه اینها اصلاً اینکه روحانیت را در کنار جامعه بگذاریم از بیرون هدایت بکند، یا حرفهایش را بزنند، من این را صحیح نمی‌دانم، یکی از بحثهایی که ما از روزهای اول انقلاب داشتیم همین موضوع بود. یعنی بعد از پیروزی انقلاب این بحث بطور داغ بین ما پیدا شده بود. تصور خیلی‌ها این بود که روحانیت کنار بماند و حالت طلبگی داشته و مواظب حرکتهای جامعه باشد. آنها بنا را براین می‌گذاشتند که بالاخره مدیریت جامعه آلوده است و این آلودگی به روحانیت سرایت می‌کند ولی ما مخالف بودیم. ما می‌گفتیم این اسلام نیست. اگر این حرف صحیح بود، خود پیغمبر باید همینطور عمل می‌کرد. پیغمبر کدامیک از شئون کلیدی جامعه را بدیگران داد و گفت دست شما باشد و اگر خواستید از من راهنمائی بگیرید! این که اسلام نیست. **روحانیت اگر در عمل توانست قداست خویش را حفظ کند، معلوم میشود شایسته است. اینکه آدم در مسجد بنشیند و انتقاد بکند و مردم بخاطر نصایحش او را تقدیس کنند، این به هیچ وجه دلیل شایستگی** نمی‌شود. البته خوب بهتر از دیگران است که انتقادی نمی‌کنند یا هدایت نمی‌کنند اما اسلام این را نخواسته، این یک نوع تقوای منفی است.

در این چیزهایی که شما می‌گوئید همین بحث اینجا هم هست. دانشگاه یک نهاد آموزشی و یکی از چیزهای مهم و از یک جهت زیربنایی‌ترین ارکان این کشور است. من نمی‌گویم که روحانیت باید اینجا همه چیز را قبضه کند. اصلاً این فکر غلط است. روحانیت هم مثل بقیه. یک چیزهایی هست که او بهتر می‌فهمد و یک چیزهایی هست که دیگران بهتر می‌فهمند. روحانیونی که تحصیلات علمی به معنای مصطلح علم امروز یعنی علوم تجربی و علم به معنای خاص غربی که معنای صحیحی هم نیست، ندارند طبعاً در آموزش دخالت نخواهند داشت. آنها دخالت فنی ندارند و اینجا جای آنها نیست. اما:

علوم انسانی از چیزهایی است که روحانیت بیشتر روی آن کار کرده واصولاً کارش همین بوده و تجربه عملی روحانیت هم در این زمینه است لذا در این بعد حضور روحانیت بسیار مفید خواهد بود.

در مدیریت هم حضور روحانیت از آن جهت که قابل اعتماد هستند، به نحوی خوب است.

در کارهای فوق برنامه که در دانشگاه خیلی فراوان خواهد بود و کارهای فرهنگی و تربیتی به معنای اعم باید از حوزه علمیه استفاده شده وارتباط برقرار شود که این برای طرفین سازنده است. یعنی این کار برای روحانیت هم سازنده است و بسیاری از چیزها را می‌توان از محیط دانشگاه به محیط روحانیت منتقل کرد ما که در محیط روحانیت بیشتر بوده‌ایم. می‌بینیم اینطور نیست که آنجا هم بی‌عیب باشد. در آنجا علیرغم همه زحمات و کمبودهایی که برای ما درست می‌کردند ولی بخاطر اینکه در متن جامعه بودیم، شناخت توده‌را بیشتر داشتیم اما از جهت اینکه در کارهای مدیریت جامعه نبودیم فاقد یک سری مسائل وتجربه‌ها بودیم. از این جهت شاید دانشگاهها چیز زیادی داشته باشند. لذا من فکر می‌کنم روحانیت هم می‌تواند از محیط دانشگاه برای خودش استفاده بکند البته چیزی که می‌تواند بدهد بیشتر است.

پس در هر بعدی که شما حساب کنید غیر از آن بعدهای تخصصی که علم خاصی می‌خواهد، روحانیت می‌تواند در دانشگاه حضور داشته باشد ولی در مواردی که آنها تحصیل نکرده‌اند و بلد نیستند، نباید باشند.

● **آیا روحانیون می‌توانند خط بدهند؟ آنها دخالت تخصصی نکنند ولی خط کلی می‌توانند بدهند؟**

● وقتی ما می‌گوئیم روحانیون در مدیریت و کارهای تربیتی هستند و وقتی ما می‌گوئیم که روحانیون مواظب هستند که باز خطوط ناسالم به دانشگاه نیاید و منحرف بشود، اینطور هم نیست که شخصیتهای دیگری در دانشگاهها نباشند. در دانشگاهها افرادی هستند که هم خط صحیح دارند و می‌فهمند و روحانی هم نیستند ما خیال می‌کنیم اگر این اختلاط باشد خود بخود به هم خط می‌دهند. اینطور نیست که خط دهندگی در آنجا منحصر به روحانیت باشد به نظر من روحانیت به کمک اساتید ومدیران و مشاوران دیگری که در دانشگاه هستند می‌توانند خط صحیح حرکت دانشگاهها را تامین کنند.

گفته می‌شود شما در ارتباط با شورای پذیرش دانشگاهها فرموده‌اید که ما نمی‌خواهیم معاند و ضد انقلاب درست کنیم آیا با توجه به کمبود امکانات آموزشی حتی برای مسلمانان، قرار دادن این امکانات برای دانشجویان گروههای سیاسی که از نظر ظاهر مقابله‌ای با انقلاب ندارند ولی از نظر ایدئولوژی ضدالهی هستند چگونه است؟

البته بهتر آن است که از امکانات تحصیلات عالیه کسانی برخوردار باشند که بعداً در خدمت این جامعه و مردم باشند. این خواست اولیه هر انسان علاقمند به اسلام و این مملکت است. اگر فرض کنیم یکی بیاید اینجا درس بخواند و بعد از اینکه درس خواند. بخواهد برای شوروی یا جای دیگر خدمت بکند بیش از اینکه برای کشور خودش بکند، یا بخواهد برای مکاتب غیر اسلامی خدمت بکند بیش از آنچه که برای اسلام خدمت بکند و یا حتی بخواهد از تحصیلاتش علیه اسلام هم استفاده بکند، طبعاً و منطقاً صحیح نیست که چنین آدمی از امکانات این مردم که مردمی مسلمان هستند برخوردار شود و البته این در شرائطی است که اگر ما از اول می‌خواستیم یک جامعه تشکیل بدهیم و برنامه‌ریزی و کار کنیم. اکنون ما وارث جامعه‌ای هستیم که عکس این است. یعنی حتی رژیم از آنجا که خطر اصلی را اسلام می‌دانست، به مارکسیستها میدان می‌داد. چون که آنها ضد اسلام بودند، هر چند که ضد خودش هم بودند، منتها از آنها نمی‌ترسید و به آنها میدان می‌داد که اسلام را از میدان دربکنند. کتابهای کمونیستی را به صورتهای مختلف ترویج می‌کردند. مادی‌گرائی و فساد را بهر شکل رواج دادند و ما اینک جامعه‌ای هستیم که بخشی از مردم و جوانهای ما را بدبار آورده‌اند و اینها بهرحال مردم این مملکتند. ما در این مرحله نمی‌خواهیم همه اینها را برانیم و بیرون بریزیم و طردشان کنیم و یا در داخل کشور آنچنان در بن‌بست قرارشان بدهیم که همه راهها برروی آنها بسته باشد. من فکر می‌کنم که در شرایط موجود ما باید با محافظت شدید و بیداری کامل و مراقبت همه جانبه به آنها فرصت بدهیم.

مخصوصاً به طبقه جوان که محیط و پرورش و عوامل فراوان دیگر اینها را عمداً منحرف کرده است. ما نباید آنها را روی دنده لجاجت و کینه کور بیندازیم. باید بگذاریم اگر میشود در یک محیط سالمی به فطرتشان برگردند.

البته در این میان همانطور که ما بارها در اول انقلاب تجربه کرده‌ایم دیده شده که عده زیادی از این فرصت استفاده کردند و موی دماغ انقلاب شدند. ممکن است در مورد اینهائی که شما می‌گوئید اگر میدان بدهیم، بیایند و در دانشگاه شروع کنند به کثافتکاری و توطئه و کارشکنی وکارهایی که بلدند و مزاحمت ایجاد کنند وبعد هم ما دو، سه سال دیگر با یک مزاحمت جدی مواجه شویم. من معتقدم ما باید جلوی این کار را به هر قیمت از الان بگیریم، در ضمن اینکه به آنهائی که اکنون عملاً معاند هستند و می‌خواهند درس بخوانند، گرچه ما را هم قبول ندارند. مهلت درس خواندن بدهیم و کاملاً مواظبشان هم باشیم و اینجا دیگر قاطعیت بخرج بدهیم و از جیب مردم وشهدا خرج نکنیم برای اینکه وجیه‌المله شویم. به خاطر اینکه یک راه تربیتی و یک راه ساخته شدنی پیش اینها بازباشد، یک مهلتی به‌آنها داده شودو بگذاریم حضور داشته باشند البته این حرف من هیچ شامل آنهایی که نشان داده‌اند که مقابل جمهوری اسلامی می‌ایستند ومعاندانه عمل می‌کنند، نمی‌شود. باید آنها را بطور کلی راه‌نداد و نسبت به کسانی که فقط از لحاظ فکری ما را قبول ندارندو ایدئولوژی آنها با ما سازگار نیست نباید از درس محرومشان کرد.

نقش ستاد انقلاب فرهنگی را دررابطه باانقلاب فرهنگی درجامعه و دانشگاه چگونه می‌بینید؟ به نظر شما آیا ستاد توانسته است تاکنون خودرابه نحو کامل ایفاکند یاخیر؟

ج- انقلاب فرهنگی هم به نظر من مثل خود انقلاب بود. درانقلاب ما، جامعه می‌فهمید که درفساد و انحراف گرفتار شده و می‌فهمید که صلاحیت تصمیم‌گیری وهدایت وسازندگی جامعه درتوان آنها که حکومت رابدست دارند وجود ندارد و لذا مردم ازاین رنجی که ازفساد جاری می‌بردند و ازطرفی دورنمای غیرمشخصی هم که ازاسلام داشتند یعنی ایمانی داشتند که اسلام بعنوان یک شریعت آسمانی که ازطرف خداست وحتماً حق است وبا ایمان آنهاپرباراست، می‌گفتند باید این دورنما، جایگزین وضع موجود شود. فساد وضع موجود راباهمه وجودشان درک می‌کردند ویک دورنمای مبهمی هم ازاسلام داشتند وبرای همان دورنمای مبهم با اطمینان به رهبری همچون امام، تسلیم آن دورنمای مبهم می‌شدند ومی‌گفتند آن بیاید وجای این رابگیرد. من خیال می‌کنم همان نیرویی که درهمه اقشار جامعه بود انقلاب رادرست کردولی درانقلاب فرهنگی گروه مخصوصی بودند که دست بکارشدند. یعنی آنهایی که دستشان درکاردانشگاهها بودوبیشتر ازدیگران احساس انحراف دردانشگاهها می‌کردند ودلسوزتر ازدیگران هم بودند که همان بچه‌های مسلمان بودند، آنها ازوضع موجود زده شدند وشورش کردند. اما چه چیزی رامی‌خواستند جایگزین کنند؟ آنروز اگر ازخودشان هم می‌پرسیدیم که چه می‌خواهید جایگزین وضع موجود کنید، نمی‌توانستند جزء جزء توضیح بدهند. ماباخیلی ازآنها که پیشتاز این مسئله بودند صحبت کردیم، چیز معین خاصی نداشتند وبطور کلی می‌گفتند این کشور اسلامی است، انقلاب اسلامی است، لذا فرهنگ اسلامی می‌خواهیم، فرهنگ مستقل می‌خواهیم، دانشگاه مستقل می‌خواهیم، محتوی دانشگاه باید چنین باشد، معلم و شاگرد آنچنان باشد، شیوه تدریس وتعلم وتحقیق چنین وچنان باشد. یک کلیاتی درذهنشان بود، همه‌اش می‌گفتند اسلامی باشد، انقلابی باشد، وابسته نباشد گو اینکه چیزی هم نداشتند که چه می‌خواهند اما خطوط روشن بود. همانطور که انقلاب خرده خرده شروع شد به ساختن و کم کم خطوط مشخص شد وزوائد حذف شد.



● «برای گذشتن از غرب باید غرب را شناخت»

بقیه از صفحهٔ ۳۷

ما هیچ گونه دشمنی با معلمان آموزش و پرورش نداریم همه آنها خواهران و برادران ما هستند اما این یك واقعیت است که درتغییر و تحولی که باید درآموزش و پرورش بدهیم آنقدر که درمورد معلمها مسئله داریم برای محصلین نداریم. باید معلمین آموزش و پرورش هرچه بیشتر منطبق بشوند با وضع مطلوب آموزشی برای این منظور سعی شده که آموزش ضمن خدمت بصورت فعال وارد عمل بشود و بتناسب تغییراتی که درکتابهای درسی ونظام آموزشی داده می‌شود معلمها باز آموزی بشوند و خودشان را منطبق بکنند. دراین زمینه سمینارهای سراسری و منطقه‌ای زیاد تشکیل شده و هم اکنون در دانشگاهها از نیروی استادهای دانشگاهی برای بالابردن کیفیت معلمین دبیرستانی و راهنمایی و دبستان استفاده شده، که من به عنوان نمونه می‌توانم از فعالیتی که دردانشگاه اصفهان خصوصاً درمورد درسهای ریاضی شده برای اینکه هرچه بیشتر به کارآیی معلمان اضافه کنند اشاره کنم، همچنین در دانشگاه ملی اشاره کنم که درانجا نیز استادهای مومن به انقلاب نیروی خودشان را دراختیار معلمین و دبیران دبیرستانها و راهنمایی‌ها و دبستان‌ها گذاشته‌اند، والبته این کافی نیست و مابايد درجهت بهتر شناساندن فرهنگ اسلامی و جهانبینی اسلامی به معلمان خودمان برنامه‌ریزی و تلاش زیادی بکنیم.

سؤال: نقش روحانیون درانقلاب فرهنگی به چه صورت بوده و هست؟

جواب: روحانیون دربرابر انقلاب فرهنگی دووظیفه دارند یکی همان وظیفه مهمی که دراصل انقلاب داشتند که چون دربارهٔ آن تاکنون به تفصیل صحبت شده احتیاج به توضیح بیشتر نیست. اما روحانیون ما نسبت به انقلاب فرهنگی یك وظیفه خاص نیز دارند. روحانیت دربرابر نظام اموزش و پرورش جدید وغربی که مخصوصاً بعداز مشروطیت و در دوره رضاخان دراین مملکت حاکم شد مقاومت کرد. یعنی تنها نهادی که دربرابر سیل بنیان کن روش‌های غربی مقاومت کرد و اصالت خودش را از دست نداد روحانی بود که نظام آموزشی خودش را با همه اشکالات و معایب آن حفظ کرد و فریب ظاهر نظام اموزش غربی را نخورد و تسلیم این نظام آموزشی دانشگاهی و دولتی نشد و اصولاً حفظ این نظام آموزشی برای روحانیت وسیله مبارزه و حفظ استقلال بود. درنتیجه ما امروز با یك نظام آموزشی غیرغربی که اصیل است و مال خودمان است درجامعه مواجه هستیم و آن هم نظام طلبگی است و ما می‌توانیم از نظام طلبگی استفاده کنیم برای انقلاب فرهنگی و آموزشی، روحانیت وظیفه دارد این نظام طلبگی را به ما بشناساند تا ما بتوانیم نکات مثبتش را تا آنجا که قابل تامین است بگیریم و استفاده کنیم. همین جا من این نکته را تذکر بدهم که ما باید درتعمیم نظام طلبگی شعار را برشعور غلبه ندهیم. ما باید درنظام طلبگی تحقیق کامل بکنیم و ببینیم که چه جنبه‌هایی از این نظام مثبت و قابل اقتباس است و چه جنبه‌هایی غیرقابل تعمیم و چه جنبه‌هایی منفی است. آنچه که منفی است باید از خود نظام طلبگی هم حذف شود و آنچه مثبت است باید اقتباس شود. آن که مثبت است باید به تناسب رشته‌های گوناگون مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرد و جز روحانیت هیچ قشر دیگری نمی‌تواند در این راه کمکی به ما بکند.

سؤال: نقش ارگانهای نوبنیاد را درانقلاب فرهنگی چه می‌دانید؟

جواب: منظور شما از ارگانهای نوبنیاد همان نهادهای انقلابی است که بعد از انقلاب درجامعه ما پاگرفت؟ از قبیل جهاد سازندگی و سپاه پاسداران و بنیادهایی از قبیل بنیاد مسکن و مستضعفان و نظایران و نهضت سوادآموزی. باید عرض کنم من درضمن یکی از سؤالات که قبلاً طرح شد توضیح دادم که انقلاب فرهنگی و آموزشی امری است که با سایر پدیده‌های اجتماعی پیوستگی دارد. اگر نظام اداری ما همینطور که هست بماند ما نمی‌توانیم انقلاب آموزشی را به نتیجه برسانیم باید هماهنگ با تغییری که درنظام آموزشی ایجاد می‌کنیم درنظام اداری هم باید تغییراتی پیداشود و حسن این نهادها همین است که توانسته‌اند نخستین قدم را در راه رهایی از دیوان سالاری بردارند. علاوه براین نهادهایی ازقبیل جهادسازندگی و سپاه پاسداران علاوه بروظایف اختصاصی خود، فعالیتهای فرهنگی گسترده‌ای در شهرها و روستاها دارند که قطعاً به گسترش فرهنگ اسلامی و نفی ارزشها و روشهای غیراسلامی کمك خواهد کرد. اما مهمترین تاثیر این است که افراد این نهادها، با عمل خود به مردم ما، شخصیتی از یك انسان که دراثر فرهنگ اسلامی متحول شده ارائه می‌کنند که خود بهترین معلم و بهترین عامل انقلاب فرهنگی است.

پایان

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ ، تاریخ ....



«آرشیو»

عنوان :

موضوع :

خود را به روستاها عوض کنیم باید روستاها قابل زیست بشود تا برای فرزند روستایی ماندن در روستا معنا داشته باشد. تاوقتی که روستاها راه نداشته باشد حمام نداشته باشد ودرمانگاه نداشته باشد آیا خودمان که درشهر نشسته‌ایم و نسخه صادرمی‌کنیم و توصیه می‌کنیم حاضر هستیم که در روستاها زندگی کنیم. ما تلویزیون را به روستاها می‌بریم، رادیو را به روستاها می‌بریم و از شهر تعریف می‌کنیم، امااگر هیچ گونه امکاناتی برای آنها تهیه نکنیم مسلماً روستایی به شهر سرازیر می‌شود. باید روستاهای ما از حداقل امکانات زندگی برخوردار باشند تا روستایی بتواند در روستا زندگی کند و ما بتوانیم آموزش کشاورزی و آموزش صنایع‌دستی متناسب بامحیط‌های مختلف به‌آنها بدهیم وبتوانیم آنان را در روستاها نگاه داریم وقتی می‌بینیم وزارت راه این اندازه به راههای روستایی می‌پردازد و هنگامی که بیلان جهاد سازندگی را می‌بینیم که دربسیاری از روستاها حمام ساخته و برق رسانیده و درمانگاه ساخته است، به آیندهٔ ایران امیدوار می‌شویم. تنها از این طریق است که ما می‌توانیم آموزش کشاورزی بدهیم و می‌توانیم به معلم بگوئیم که به روستا برود والا به چه امیدی به روستا برود؟ این است که باید به موازات این تحولاتی که درنظام آموزشی ایجاد می‌شود تحولات اجتماعی و اقتصادی و قانونی هم بوجود آید تا اینها باهم هماهنگ بشود.

سئوال: مشکلات ومسایل موجود برسرراه انقلاب آموزشی چیست؟

جواب: این انقلاب فرهنگی و آموزشی ما مسایل و مشکلات بسیار دارد این مشکلات عمدتاً ناشی از این است که ما می‌خواهیم استقلال خود را حفظ کنیم، یعنی نمی‌خواهیم از جایی تقلید کنیم اگر می‌خواستیم از شرق و غرب تقلید کنیم کار دشواری نبود کتابها را ترجمه می‌کردیم و نظام آموزشی آنها را اینجا تقلید می‌کردیم و کارشناس و مستشار از آنجا می‌آوردیم و کار را شروع می‌کردیم ولی ما می‌خواهیم با توجه به اسلام و براساس اسلام هم دانشگاهها و هم دوره‌های قبل از دانشگاه را اصلاح بکنیم و دراین راه تجربه کافی نداریم و نیروی انسانی کافی نداریم. این یك مسئله مهمی است که باید مورد توجه ما باشد، گذشته از این مسئله در سطح دانشگاهها باید رشته‌های فنی و پزشکی را متناسب با نیاز مملکت بسازیم. یعنی از اینکه در بالاترین سطح تحقیقات داشته باشیم و یا استادان ما از خارج بیایند ولی درسطوح پائین‌تر به اندازه کافی نیروی انسانی و کارگر ماهر تهیه نکرده باشیم دوری کنیم. شما می‌دانید که دانشگاههای ما تاکنون طوری بود، که در رشته‌های پزشکی دانشجو می‌گرفته و بعد آنها را فارغ التحصیل می‌کرده و تحویل آمریکا و اروپا می‌داده و بسیاری از آنها هم دیگر برنمی‌گشتند، یعنی ملت خون دل بخورد مالیات بدهد و محرومیت بکشد و عده‌ای از این مزایا استفاده کنند و خودشان را به زندگی مرفه و آسوده درآمریکا برسانند، این نظام باید عوض شود و باید طوری بشود که حق به حق دار برسد. در علوم انسانی کار ما از این هم مشکل‌تر است چنان که گفتم علوم انسانی باید براساس بینش اسلامی تدریس شود، یعنی باید بدانیم که دریك جامعه اسلامی روانشناسی چگونه روانشناسی است، جامعه شناسی چگونه جامعه‌شناسی است رسیدن به این منظور مستلزم دوچیز است یکی شناخت صحیح بینش اسلامی و دیگری شناختن بینشهای غربی یعنی ما باید بدانیم که این مکاتب غربی چیست تا آنها را به جای اسلام نگیریم. باید این افکار غربی را بشناسیم و مکاتب غربی را بشناسیم تا بتوانیم اسلام را از تفکر غربی جداکنیم بدانیم کدام اندیشه یك ریشه ضداسلامی دارد وبالنتیجه با ارزشهای ما نمی‌خواند، نمی‌خواهم بگویم که این اندیشه‌ها را ما مطالعه نکنیم. حداقل به نام اسلام مطالعه نکنیم بدانیم که حساب آنها جدا است اگر خواستیم به اسلام برسیم باید یك معرفت دیگری داشته باشیم این لازم است والبته کاری نیست که به این زودیها نتیجه بدهد راه درازی درپیش است. درحال حاضر مهمترین وظیفه ما این است که این مسئله را درجامعه طرح کنیم ماباید کوشش کنیم جامعه ما و جوانان ما، محققان ما که تعهد اسلامی دارند به این مسئله به عنوان یك مسئله مهم و یك سئوال مهم توجه کنند و سئوال بدرستی شناخته شود وآنوقت به تدریج به سوی جواب صحیح مسئله حرکت خواهیم کرد. برای رسیدن به درمان اولین قدم شناخت درد است. اولین قدم این است که ما بفهمیم آنچه تاکنون دردانشگاههای ما به عنوان روانشناسی و تاریخ و هنر و علوم سیاسی و علوم تربیتی آموزش داده می‌شده منطبق برارزشهای اسلامی نبوده و منطبق برارزشهای دیگری بوده است. باید به دنبال آن علوم انسانی برویم که منطبق برارزشهای اسلامی باشد. این نیاز و این مسئله اگر درجامعه مطرح بشود کاربزرگی انجام شده. آنوقت برای پاسخ دادن به خویشتن بازگردیم به اسلام و به قرآن بازگردیم و غرب راهم آنچنان که هست بشناسیم نه سطحی، نه ظاهری، برای گذشتن از غرب باید غرب را شناخت دانشمندان ما به همان اندازه که لازم است اسلام شناس باشند لازم است که به روشها و ارزشهای غربی آگاهی داشته باشند یعنی درجامعه ما همانطور که لازم است عامه مردم اسلام را بشناسند لازم است خواص و متفکران ما نیز غرب را بشناسند تا بدانند چیزی که تاکنون بوده غربی است و چه چیزهایی از آنچه غربی است با اسلام ناسازگار است. تنها دراین صورت است که می‌توان از انحراف جلوگیری کرد. و اما درسطح آموزش و پرورش کارعظیمی برعهده جامعه ماست یکی تغییر کتب درسی تغییر کتابهایی از قبیل کتابهای اجتماعی. تعلیمات دینی و تاریخ و نظایراینها درتغییربرنامه‌های درسی و دیگر تغییرنظام که به تفصیل درباره آن صحبت کردیم البته یکی از مسایل تغییر نظام اطلاع از برنامه‌های مملکت است تا وقتی که ما اطلاع درست از برنامه‌های آینده مملکت نداشته باشیم و از کیفیت توسعه‌های اقتصادی و کشاورزی نداشته باشیم میان آموزش و پرورش و سایر بخش‌های جامعه هماهنگی نخواهد بود.

مسئله دیگر ما درآموزش و پرورش تربیت معلم است چرا که ما می‌بینیم که هرتغییری درنظام ایجاد شود هرتغییری درکتابها ایجاد شود مستلزم یك تغییر در تربیت معلم است و این خودش مسئله مشکلی است معلمین ما مستقل و خالی از تاثیر ارزش‌های اجتماعی نیستند بسیاری از آنها به دلایل مختلف راضی نیستند که به روستاها بروند. و این امر از توزیع عادلانه آموزش جلوگیری می‌کند این از مسایل ما است ولی آنچه مهم است این است که این مردمی که برای ایجاد جمهوری اسلامی جان فدا می‌کنند ضرورت انقلاب فرهنگی را درك کرده‌اند.

این مشکلات متعددی است که برسرراه ماست یك حقیقت ما را دلگرم می‌کند بعداز توکل به خداوند و آن درك مردم از ضرورت انقلاب فرهنگی است که می‌بینیم مردم دربرابر این همه تبلیغاتی که دربرابر انقلاب فرهنگی می‌شود ایستادگی می‌کنند. درحال حاضر گروهکهای سیاسی و غیرسیاسی مسئله بسته شدن دانشگاهها را یك خوراکی برای روزنامه‌های خودشان و تبلیغات خودشان قرار داده‌اند چه خارج از ایران و چه داخل ایران و برسراین مسئله تبلیغ می‌کنند که نظام جمهوری اسلامی دشمن علم و فرهنگ است حال آنکه مردم ما خوب می‌دانند که برای رهایی از استعمار فرهنگی ما دست به انقلاب فرهنگی زده‌ایم و اسلام بزرگترین حامی علم و معرفت است. دریکی از روزنامه‌های همین گروهها می‌خواندم که به مناسبت هزاره ابن سینا نوشته بود هزاره پورسینا برگزار شد (به جای ابن سینا پورسینا گفته بود تا اینکه دشمنی خود را با کلمات عربی و قرآنی نشان دهد با اینکه پورسینا معمول نیست و همه ابن سینا می‌گویند ولی اینها روی همان روش خودشان پورسینا گفته‌اند که البته مانعی ندارد) بعد نوشته بود که کاش پورسینا زنده بود و می‌آمد و می‌دید که درچنین حکومتی دانشگاههای پزشکی را بسته‌اند و چگونه دراین حکومت بازار علم و دانش از رونق افتاده و آنوقت اشك ریخته بود و برای خودش تبلیغ کرده بود من درپاسخ می‌گویم ای کاش ابن سینا زنده بود می‌دید که چگونه مردم محروم این مملکت مالیات می‌دهند و بسیاری از فارغ التحصیلان پزشك ما بجای اینکه پزشکی را درخدمت مردم قرار دهند پا بر دوش این مردم می‌گذاشتند وبربام کشورهای غربی می‌رفتند و درآنجا زندگی مرفه پیش می‌گرفتند و ای کاش ابن سینا می‌آمد و درخیابانهای تهران این ... تمرکز پزشك را می‌دید ویك سری هم به روستا می‌زد که چشمان فرزندان روستائیان ما چگونه پزشك می‌طلبد یقین داریم که اگر ابن سینا زنده میشد اولین دستوری که می‌داد تعطیل موقت دانشکده پزشکی بود برای ایجاد یك تحول تا پزشك درخدمت مردم باشد، چون با پول مردم تربیت شده است. مردم ما باهوش تر از آنند که ندانند این گروهها در داخل و خارج دردشان چیست و سرمخالفت آنها با انقلاب فرهنگی چیست مردم باهوش‌تر از آن هستند که دراثر این تبلیغات قدر و ارزش انقلاب فرهنگی را ندانند.

سؤال: برای انطباق معلمین آموزش و پرورش با نظام جدید آموزشی چه باید کرد؟

جواب: سئوال مهمی است ویکی از مشکلات ما این است که با معلمین شاغل چه کنیم

قسمت سوم

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ، تاریخ ۲۴/ ۶/ ۶۰



«آرشیو»

عنوان : ....

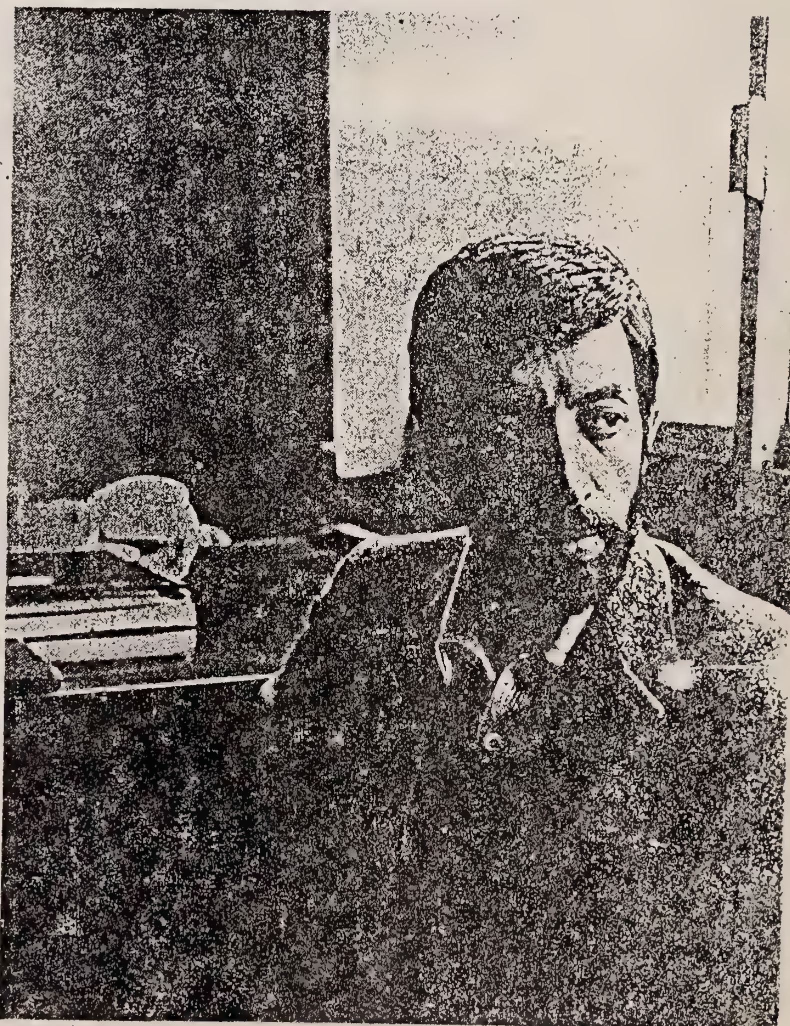
موضوع : ....

مردم دربرابر این همه تبلیغاتی که علیه انقلاب فرهنگی میشود ایستادگی می‌کنند

● «برای گذشتن از غرب باید غرب را شناخت»

گفتگو با دکتر غلامعلی حداد عادل

قسمت سوم



سئوال: رابطه انقلاب فرهنگی با کل انقلاب چیست؟

جواب: انقلاب فرهنگی البته درصورت موفقیت یا بگویم انقلاب آموزشی در صورت موفقیت انشاءالله ریشه بسیاری از دردها را خشك می‌کند ولی ما باید توجه داشته باشیم که اگر بخواهیم تنها درمیدان آموزش و پرورش تحول ایجادکنیم و درسایر شئون جامعه تحول ایجاد نشود انقلاب آموزشی به نتیجه نخواهد رسید چون آموزش و پرورش ما که نزدیك نه میلیون محصل و ۴۰۰ هزار معلم دارد چیزی نیست که از سایر مسایل جداباشد یعنی ما نمی‌توانیم به دوراز سایر تغییرات اجتماعی فقط برای رسیدن به اهداف انقلاب فرهنگی درآموزش و پرورش و دانشگاهها تغییر ایجاد کنیم. من به بعضی مسایل که باید موردتوجه قرار گیرد اشاره می‌کنم:

یکی از بیماریهای ما درنظام آموزشی مدرك‌گرایی است که باید مورد توجه قرار گیرد نفی مدرك گرایی با حذف مدرك از نظام آموزشی میسر نیست. درمان این بیماری درجای دیگر است والا اگر بخواهیم به دانش‌آموزان دیپلم ندهیم و به دانشگاهیان لیسانس ندهیم، بالاخره یك ورقه‌ای باید داد که نشان تحصیل در دانشگاه باشد. منظور من این است که نفی مدرك گرایی باید بیرون از آموزش و پرورش انجام بشود. این مشکل باید در کل نظام مملکت و نظام استخدامی کشور حل شود. تاوقتی که درنظام استخدام کشوری ما حقوق یك لیسانسه دوبرابر یك دیپلمه باشد و حقوق یك دکتر دوبرابر حقوق یك لیسانسه و چهاربرابر یك دیپلمه باشد، پیداست که اگر هردلیلی بیاوریم که مدرك گرایی بداست فشار زندگی آن دیپلمه را همیشه در آرزوی رسیدن به یك مدرك بالاتر و بالنتیجه تغییر گروه شغلی نگه می‌دارد. پس ما باید تفاوت فاحشی را که تاکنون از لحاظ درآمد میان دیپلمه و لیسانسه و دکتر بوده تعدیل بکنیم نه اینکه تفاوت مطلقا نباشد، باید تفاوت باشد ولی این تفاوت طوری نباشد که کسی تنها برای رسیدن به پول بیشتر چهارسال عمر خودش را واستاد و دیگران را دردانشگاه تلف کند که خود را از دیپلم به لیسانس برساند و بالنتیجه گروه ۴ اداری او گروه ۶ اداری بشود و حقوقش از آنچه هست بیشتر بشود. این را باید از بین ببریم. ما می‌بینیم که درجامعه یك عده بااین مدارکی که از دانشگاه گرفته‌اند نوعی فئودالیسم و خان خانی دانشگاهی ایجاد کرده‌اند. شما می‌بینید که یك پزشك روزی ده هزار تومان از عمل جراحی و حق ویزیت درآمد دارد بدلیل اینکه موفق شده وارد دانشگاه بشود و مدرك دانشگاهی بگیرد و حال آنکه یك کارگر حقوق یك روز و شاید پس انداز یك ماهش تکافوی یك نوبت حق ویزیت این دکتر را نمی‌کند واینجاست که آن کارگر وقتی درمطب این پزشك به انتظار نشسته تمام فکرش این است که فرزندش بتواند وارد دانشگاه بشود و دکتر بشود. حالا شما هرچه برای او استدلال کنی که فرزند توشاید برای کاری دیگری مناسب باشد همین تفاوت فاحش درآمد او را می‌کشد به جانب مدرك. این چه فرقی می‌کند با آن خان خانی و ارباب و رعیتی که قبلاً وجود داشت درآنجا هم یکی ارباب بود و صدبرابر رعیت درآمد داشت منتها او ازیك طریق به آن وضع رسیده بود و حالا دراین نظام آموزشی به لطف مدرك یك عده دیگری هم به همین نتیجه رسیده‌اند. پس می‌بینیم که این دردها باید درجامعه درمان شود و این اختلاف فاحشی که تاکنون بین حقوق و مزایا بوده براساس دوسال یا چهارسال بیشتر درس خواندن باید ازبین برود. غرض این نیست که بهرهٔ یك پزشك با استمداد که سالها زحمت کشیده با یك فرد عادی که زحمتی نکشیده یکسان باشد، اما تفاوت نباید این اندازه زیاد باشد.

بی مناسبت و بی جهت نبود که هرچه دوره فوق دیپلم دایر می‌کردند دانشجویان اعتصاب می‌کردند که ما دوسال خوانده‌ایم فوق‌دیپلم گرفته‌ایم چرا دوسال دیگر به ما آموزش نمی‌دهید تا لیسانسه بشویم. آنها دلشان برای لیسانس و فوق دیپلم تنگ نشده بود بلکه می‌دیدند که حقوقشان نصف حقوق لیسانسه است و راهها برویشان بسته است هرجا بخواهند بروند اگر چه لیاقت بیشتری هم داشته باشند تاآن مدرك را ارائه ندهند نمی‌توانند وارد بشوند این بود که اعتصاب می‌کردند ومدرك می‌خواستند.

کاردیگری که ازنظر اقتصادی و اجتماعی دربیرون نظام آموزشی باید بشود تا تغییر در نظام آموزشی ممکن گردد تولید کاراست، باید کارهای کوچك و صنایع کوچك تولیدی به اندازه‌ای توسعه یابد که جوانها از روی آوردن ، ادارات منصرف شوند باید کارباشد واین کار محصول داشته باشد و برای جوانها بازده مفید داشته باشد تابتواند عاملی برای استقبال جوانان از کارهای تولیدی و انصراف آنان از این دیپلم گرایی باشد و بلاخره ما باید نگرش

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

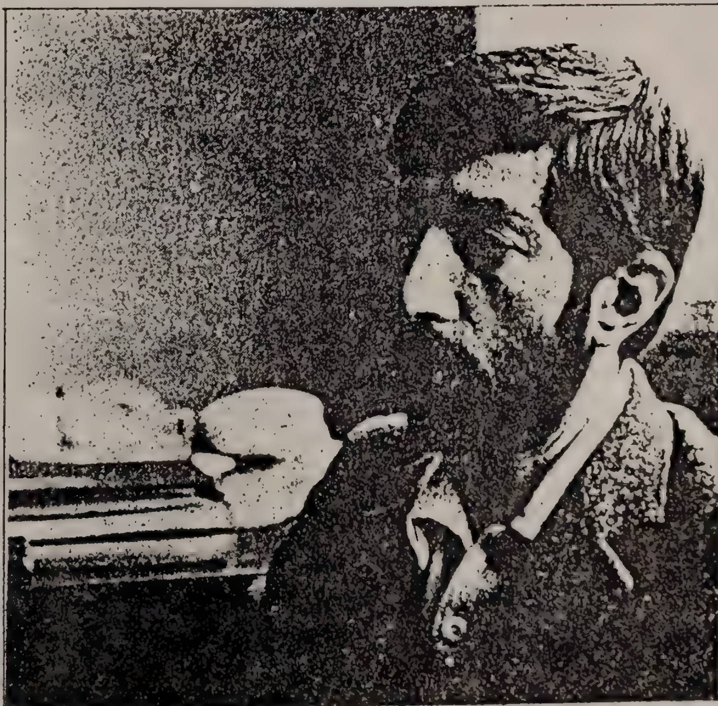


عنوان :

موضوع : گفتگو با دکتر غلامعلی حداد عادل

ماخذ ، تاریخ سروش ۱۰۸ ۱۲/۵/۶۰ «آرشیو»

پاسخ باید عرض کنم که اصولاً پیدایش نظام اموزشی جدید در مملکت ما طبیعی نبود یعنی این نظام اموزشی جدید مملکت ما اعم از انچه در دبیرستان است و یا آنچه در دانشگاه است چیزی نبود که از درون خود این ملت و به اقتضای نیازهای خود ملت روئیده و رشد کرده باشد. چیزی نبوده که ملت در سیر تحول اجتماعی خود نیاز آن را احساس بکند و به ان برسد بلکه امری بود تقلیدی که از خارج برداشتند و اوردند بر سر راه این ملت گذاشتند، این بزرگترین عیب نظام اموزشی ما است که مخصوصاً در دانشگاهها به نحو بارزی جلوه‌گر است دانشگاههای ما تقلید از غرب است و استاذهای دانشگاههای ما غالباً تربیت شده غرب هستند و معیارهای حاکم در دانشگاههای ما معیارهای غربی است. یعنی ما در عین حال که هیچ چیزمان به پای غرب نمی‌رسید و در ابتدایی‌ترین مسایل لنگ بودیم می‌خواستیم دانشگاههایی داشته باشیم که همان برنامه‌های غربی را در آن تدریس بکنیم و همان راه و رسم غربی را تقلید بکنیم و همان معیارها و ارزش‌های غربی را معیار و ارزش دانشگاهمان قرار دهیم بدون اینکه بدانیم جامعه ما چگونه جامعه‌ای است و نیازهای واقعی ما چه نیازهائی است، می‌بینید که در دانشگاههای ما شرط ارتقاء برای استادیاران و دانشیاران و استادان این است که مقاله‌ای بنوسیند که یکی از مجلات معتبر خارجی یا مثلاً امریکایی و یا المانی انرا هم‌عرض مقالات تحقیقی استاذان خارج از کشور تشخیص دهد و چاپ کند. البته این از یك جهت خوب است و نشان دهنده این است که استادهای ایرانی استعداد دارند و می‌توانند همپای غربی‌ها در بالاترین سطوح علمی تحقیق کنند اما عیب بزرگش این است که چنین استادهایی باید مسایل دنیای غرب را حل کنند تا در دنیای غرب کار جدیدی به حساب بیاید و اعتبار کسب کند و مسایل دنیای غرب مسایل جامعه ما نیست، در جامعه‌ای که شاید ۸۰٪ از روستائیان آن تا قبل از پیروزی انقلاب حمام نداشته‌اند و در



جامعه‌ای که با ۵۰۰۰۰ روستاها ۲۰ هزار کیلومتر راه روستایی نداریم روستایی ما محروم و بیچاره است، حتی فاضلاب شهرهای خودمان را هم هنوز درست نکرده‌ایم آیا ارزش استادان ما به این است که در مسایل فیزیك فضایی بتوانند مقاله‌ای بنویسند که همطراز مقاله استادان دانشگاههای خارج باشد یا در تحقیقات نظری در مسایل پیچیده‌ای که مسئله ما نیست نوآوری داشته باشند، و حال اینکه می‌بینیم که بسیار مسایل پیش‌پا افتاده‌تر در جامعه وجود دارد که ما اصلاً درباره انها تحقیق نمی‌کنیم بطور مثال ما هنوز نتوانسته‌ایم در تهران اسفالتی تهیه کنیم که برای پلهای فلزی مناسب باشد یعنی مسایل جامعه ما اینها است و حال انکه استادان ما باید بر معیار دانشگاههای غربی کار کنند و در دانشگاههای ما کتابهای غربی تدریس می‌شود، ازمایشگاههای ما از کشورهایی خریداری می‌شود که سالها پیش این مسائل را حل کرده‌اند. این یکی از عیوب ماست.

ما تاکنون در دانشگاهها در رشته‌های صنعتی مصرف کننده بوده‌ایم و در رشته‌های نظری ترجمه کننده. یعنی مهندسین ما هنرشان در این بوده است که ماشین‌الات خریده شده از غرب را سوار کنند و بکار بیندازند و البته غرب این مقدار تحصیل کرده و به این شکل تحصیل کرده را حتماً لازم دارد تا بتواند هرچه بیشتر محصولات صنعتی خود را بفروشد. بالاخره باید کسی باشد که از محصولات صنعتی غرب استفاده کند مصرف کند و به کار بیندازد، دانشگاهها از لحاظ صنعتی چنین منظوری را تامین می‌کردند و از لحاظ علوم انسانی و مسایل فکری آشفته بازاری بوده‌اند که از تصورش انسان به وحشت می‌افتد هیچ مکتب فکری اصیل حتی هیچ مکتب فکری غربی هم تاکنون بررشته‌های علوم انسانی ما حاکم نبوده است. نه تنها اسلام تاکنون به عنوان یك جهانبینی و فرهنگ بر رشته‌های علوم انسانی ما در دانشگاهها حاکم نبوده است بلکه هیچ مکتب مشخص دیگری هم حکومت نداشته است. استادان ما فارغ‌التحصیلان غربی بوده‌اند ما در دانشگاههای خودمان در علوم انسانی بجز یکی دو رشته دکترا نداشتیم، در نتیجه جامعه‌شناسان و اقتصاددانان و عالمان امورتربیتی و فیلسوفان و روانشناسان ما همه دکترای خود را از دانشگاههای غربی گرفته‌اند. کسی که از دانشگاههای فرانسه فارغ‌التحصیل بوده مکاتب فکری فرانسه را تدریس می‌کند و کسی که از امریکا امده مکاتب فکری امریکا را تدریس می‌کند و آنکه از آلمان می‌آید به همین ترتیب، و دانشجو از این کلاس به آن کلاس می‌رفته و از این مکتب به آن مکتب منتقل می‌شده و هیچ تصور واحدی در ذهن او نقش نمی‌بسته و فقط چیزهایی می‌خوانده و حفظ می‌کرده و امتحان می‌داده است. این وضع رشته‌های علوم انسانی ما بود البته این مکاتب با آنکه تشتت داشتند در یك چیز مشترك بودند و آن اینکه همه این مکاتب چه آلمانی، چه فرانسوی، چه امریکایی، چه روسی همه اینها همه اینها برخاسته از مادیگری و انسان مداری و خودبنیادی غربی بودند. یعنی در یك چیز همه اشتراك داشتند و آن نفی خداپرستی بوده است اما تشتت روش در ان‌ها وجود داشته ولی همه مبتنی بر نفی معنویت بوده است.

کار عظیمی که مخصوصاً در علوم انسانی در دانشگاهها بر عهده انقلاب فرهنگی است، حاکم کردن بینش اسلامی بر علوم انسانی است یعنی ما باید علوم انسانی اسلامی را کشف کنیم. ما بعد از آنکه انسان اسلامی را شناختیم باید روانشناسی و جامعه‌شناسی و اقتصاد و علوم تربیتی و تاریخ فلسفه و هنر و علوم سیاسی و سایر علوم انسانی را بر پایه این بینش اسلامی بنا کنیم. مگر ممکن است که ما در اسلام تصور دیگری از انسان داشته باشیم و انوقت علوم انسانی ما ترجمه‌ای از فرهنگهایی باشد که هیچ شباهتی به اسلام ندارند. در آن فرهنگها خودبنیادی و نفی خداپرستی اساس بوده است و حال اینکه در فرهنگ ما خدامداری و خدا محوری حاکم است. پس ما باید در دانشگاهها چنین کاری بکنیم مخصوصاً در علوم انسانی و اما علاوه بر آن معایبی که گفته شد در دانشگاههای ما حتی در مقایسه با دانشگاههای غربی سطح سواد و کیفیت دروس بسیار پائین بود، یکبار یکی از استادان ما که خود در خارج از ایران تحصیل کرده بود می‌گفت در ایران دانشجویان یك دهم دانشجویان غربی و استادان یك چهارم استادان غربی کار می‌کنند در این صورت محصول دانشگاههای ما چهل برابر پائینتر از دانشگاههای غربی است حتی اگر بخواهیم از لحاظ کمیت کار قطع نظر از معنا و جهت ان دانشگاههای خودمان را با دانشگاههای غربی ارزیابی کنیم می‌بینیم که بسیار از کیفیت نازل برخوردار بوده است. بعد از انقلاب هم متاسفانه در دانشگاههای ما درسی داده نمی‌شد همه می‌دانستیم و می‌دیدیم که دانشگاهها پایگاهی است برای عضوگیری گروهها و پایگاهی برای اجرای مقاصد سیاسی شومشان. این سخن به این معنی نیست که دانشجو نباید فعالیت سیاسی کند ولی بالاخره سؤال ما این است که درس خواندن و دانشگاه رفتن برای جامعه چه معنا دارد، ایا جایی هم برای درس خواندن وجود داشت. همانطور که امام فرمودند دانشگاه بعد از انقلاب اتاق جنگ بود، مرکز توطئه بود و ما دیدیم که جوانان مسلمان انقلابی ماکه می‌خواستند بعد از سرنگون کردن طاغوت این جامعه را بسازند همه نیرویشان دردانشگاه صرف پاسخگویی به اعلامیه‌ها، تهمت‌ها و شایعه‌های گروههای مختلف می‌شد.

ادامه دارد

شماره ردیف ....



عنوان :

شماره مسلسل ....

موضوع : گفتگو با مهندس جلال عادل

ماخذ ، تاریخ ۱۰۸ سروش «آرشیو»
۱۷/۵/۶۰

در جنوب، مدرسه فیزیك مدرسه شیمی، مدرسه ریاضیات بدون آنکه استادی برای این مدارس فراهم شده باشد بدون آنکه معلوم باشد اینها برای چه کاری تربیت می‌شوند، این بود که گاهی می‌دیدیم بعضی از این دانشکده‌ها و مدارس عالی که در شهرستانها تاسیس می‌شد به اندازه‌ای از نظر استاد در مضیقه بود که استادان دانشگاه تهران روزهای جمعه به آنجا سفر می‌کردند و دو ساعت درس می‌دادند و به تهران باز می‌گشتندو ما می‌خواستیم با این دانشگاه عالم و متخصص تربیت کنیم، نظام غلط دبیرستانی یك عیب بزرگ دیگرش این بود که مهاجرت آفرین بود. نظام آموزش و پرورش ما تاکنون در این مملکت به منزله یك ماشین مکنده عمل کرده است که نیروی انسانی فعال و جوان را از روستاها به تهران مکیده است از شهرها به مراکز استانها و از مراکز استانها به مرکز کشور مکیده است و بالاخره همین نظام گل سرسبد دانشگاههای ما را از مملکت به خارج پرتاب کرده است. یعنی ماشینی اختراع کرده بودیم که نیروی انسانی و جوان و فعال ما را از خاك و مرز و بوم خود ریشه‌کن می‌کرد. شما به روستاها بروید می‌بینید در روستائی که دبستان ندارد روستائیان فرزندان خود را به نزدیکترین روستای که دبستان دارد می‌فرستند، بعد چند ده فرزندان را به دهی که مدرسه راهنمایی دارد می‌فرستند وقتی که نوبت دبیرستان می‌رسد روستایی پیر و زحمت کشیده فرزند خود را به شهر می‌فرستد، برای او اتاق کرایه می‌کند تا او در آنجا اقامت کند و دبیرستان را در شهر بگذراند و بعد اگر او موفق بشود که به دانشگاه برود، یا باید به مرکز استان برود یا به «پایتخت»! و روستایی برای او پول ماهانه بفرستد در حالی که مطمئن است که فرزندش دیگر به ده باز نمی‌گردد، کسی که از ده به شهر و از شهر به تهران آمد و به خود بالید و نازید که من دیپلمه هستم دیگر کجا به آن روستای خرابه برمی‌گردد. می‌بینیم که این نظام آموزش و پرورش ما چقدر در ایجاد مهاجرت و در



بر هم زدن تعادل جمعیت مصرفی مؤثر بوده است،ما باید این نظام را دگرگون کنیم. از نظر معنوی باید ارزش‌های اصیل انسانی و اسلامی را در نظام آموزشی پیش از دانشگاهی اعمال کنیم یعنی ما باید به اطفال خود و نوجوانان خود، به نسل جوان خود اسلام را به همان پاکیزگی که هست معرفی نمائیم یعنی باید در طول این سالهایی که فرزندان ما در دبستان و دوره‌های دیگر هستند، در این سنین نوجوانی و کودکی باید از آنها انسانی نو بسازیم و البته همهٔ این نوسازی برعهدهٔ آموزش و پرورش نیست، بلکه وظیفه خانواده‌ها بسیار سنگین است اما از لحاظ نظام آموزشی ما باید این وضع موجود را دگرگون کنیم و دبیرستانهایی را که مقدمه ورود به دانشگاه هستند کنار بگذاریم، ما باید کاری بکنیم که آن ۹۰ درصد از فارغ‌التحصیلان که دانشگاه گنجایش پذیرش آنرا ندارد بتوانند در جامعه کار مفیدی انجام دهند و بتوانند خود را و جامعه را اداره بکنند نه اینکه بیکار و سرگردان و حیران بمانند و به امید اینکه کارمند مؤسسات یا ادارات بشوند یا از فرط ناچاری معلم دبستان بشوند اینها را رها کنیم، ما باید با شناخت دقیق نظام اقتصادی مطلوب خود این جوانها را در سنین ۱۷ سالگی و ۱۸ سالگی به صورت کارآمد تربیت کنیم، یعنی باید علاوه بر کلاس‌های درسهای نظری این نیروها را به فراگرفتن فنون و مهارت‌های لازم در جامعه دعوت کنیم و فنون را به مدرسه‌ها ببریم. ما باید کاری بکنیم که جوانان ما دلبستگی به محیط منطقهٔ خود داشته باشند باید کاری بکنیم که جوان اگر درس هم می‌خواند و تحصیل هم می‌کند رابطه‌ای میان این تحصیل و محیط زندگی خود حس کند نه اینکه همچنان جوانها به شهرها روی‌آور باشند و پیرمردان و پیرزنها درده بمانند و در نتیجه کشاورزی ما نابود شود. ما باید در ایجاد نظام جدید آموزش و پرورش به خصوصیات اقلیمی و مناطق ایران توجه کنیم و کاری کنیم که فرزندان کشاورزان غالباً کشاورز شوند منتهی که با علم و آگاهی به کشاورزی روی می‌آورند این آگاهی را باید نظام آموزش و پرورش ما به جوانان و فرزندان کشاورزان بدهد، البته تنها تغییر نظام آموزشی کافی نیست و لی به هر حال باید نظام آموزش و پرورش تحول پیدا کند. در این تغییر، درصد دبیرستانهای نظری نسبت به حرفه‌ای و کشاورزی باید عوض بشود ما در ایران نیروی آماده کشاورزی بسیار کم داریم و به عبارت دیگر با این نظام آموزشی فعلی، با دست خودمان جوانان را از ده می‌گیریم و در شهر به یك انسان مصرف کننده تبدیل می‌کنیم برای اینکه بدانیم وضع موجود چه اندازه وحشتناك است کافی است بدانیم که در حالی که بیش از نیمی از مردم کشور ما ساکن روستاها هستند، در مقابل یك میلیون و ششصدهزار دانش‌آموزی که ما در دبیرستانها داریم فقط هشت‌هزارنفر آنها در رشتهٔ کشاورزی تحصیل می‌کنند، یعنی در حالی که در کشور از هر ۲ نفر یك نفر ساکن روستاست در آموزش و پرورش ما از هر دو هزار نفر یك نفر درس کشاورزی می‌خواند. باید در آموزش و پرورش کار را هرچه بیشتر وارد کنیم و توجه به مشاغل را زیاد کنیم مخصوصاً نباید بگذاریم که مشاغل سنتی - که ریشه در تاریخ ما دارند از بین بروند باید جوانهای ما از این آخرین بازماندگان حرفه‌های قدیمی تجربه‌های آنها را فرا بگیرند و به کمك محققین و استادان دانشگاهی خودمان و به دست همین جوانان این روشهای سنتی را هرچه بیشتر غنی و کامل کنیم.

سؤال: انقلاب آموزشی را در خود دانشگاه توضیح دهید.

جواب: این سؤال از این جهت اهمیت دارد که ناظر به یك مسئله حاد اجتماعی روز است و سؤال شما در واقع این است که ما هم اکنون در دانشگاهها چگونه می‌خواهیم انقلاب فرهنگی را اجرا کنیم و یا انقلاب آموزشی را به چه صورت تحقق ببخشیم. در

قسمت دوم



شماره ردیف

شماره مسلسل

ماخذ، تاریخ سروش ۱۰۸ ۱۲/۵/۶۰

عنوان: اگر انقلاب فرهنگی آغاز نشده بود مردم تن به شهادت نمی‌دادند

موضوع: گفتگو با دکتر غلامعلی حداد عادل در رابطه با انقلاب فرهنگی

«آرشیو»

گفتگو با:
دکتر غلامعلی حداد عادل

«قسمت دوم»

● سؤال: انقلاب آموزشی در دوره قبل از دانشگاه باید چگونه باشد؟

جواب: در واقع این همان کار اساسی است که باید در جامعه ما صورت بگیرد تا بسیاری از مشکلات ما در دانشگاهها حل بشود، به عقیده بنده یکی از بزرگترین خطاهائی که هم عمداً و هم سهواً در جامعه ما رخ داده همین گسترش بی‌مطالعه و بدون حساب الگوی واحد دبیرستانی در سراسر ایران بوده است. در گذشته چنین وانمود می‌شد که پیشرفت عبارت از این است که ما در همه جای ایران به یك شكل واحد دبیرستان ایجاد كنیم. مردم یك بخش آرزویشان این بود که صاحب دبیرستان بشوند و دولت وقت نیز منت برسر آنها می‌گذاشت که یك دبیرستان ایجاد کرده است، یعنی ما می‌آمدیم در مرکز ایران، مثلاً مدرسه البرز ایجاد می‌کردیم و می‌خواستیم در بندر گناوه یا جاهای دیگر به همان سبك دبیرستان ایجاد بکنیم، و این دروغ بزرگ باورمان شده بود که خوشبختی و کمال این است

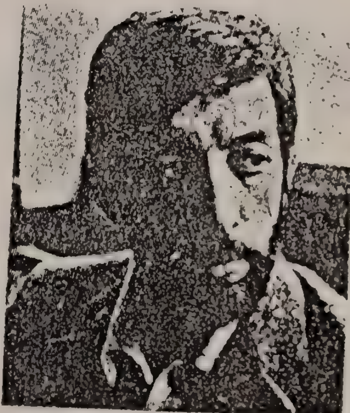
○ تورم کارمند یکی از دستاوردهای سیستم آموزشی گذشته است.

○ ما باید علوم انسانی اسلام را کشف کنیم.

● «اگر انقلاب فرهنگی آغاز نشده بود مردم تن بشهادت نمی‌دادند»

که همه به یك نوع دبیرستان وارد بشویم و به اصطلاح تحصیل بکنیم، این دبیرستانها فقط - اگر البته وظیفه خود را خوب انجام می‌دادند - این فایده را داشتند که جوان را برای رفتن بدانشگاه آماده می‌کردند یعنی دبیرستان به شکلی که تاکنون درجامعه ما وجود داشته مقدمه و وسیله برای ورود به دانشگاه بوده و ارزش ذاتی نداشته است. دبیرستان یك وسیله بوده‌مثل پیمودن پنج پله از نردبان که پله‌های دیگری هم دارد تا انسان را به بام رساند ولی بالا رفتن از پنج پله نردبان و در وسط راه ماندن نمی‌تواند برای کسی هدف باشد دبیرستان هم آنوقت چنین وضعی را داشته، در حالی که ما می‌خواستیم تمام جوانان کشور را به دبیرستان بکشانیم هیچ وقت دانشگاههای ما نتوانسته‌اند بیش از ده درصد از فارغ‌التحصیلان ما را جذب کنند. ما نود درصد از جوانان خودمان را به دبیرستانها کشاندیم و تمام مدت آنها را به امید دانشگاه دل‌خوش کردیم و کار و شغلی به آنها یاد نداده‌ایم و بعد از خروج از دبیرستان در دانشگاه را روی آنها بسته‌ایم. این نود درصد کسانی بودند که هیچ کاری بلد نبودند و تنها شغل آنها دیپلم داشتن بود ما یك ماشین اختراع کردیم به نام دبیرستان که از یکطرف به عنوان مواد خام جوانان ۱۲ ساله، ۱۳ ساله و ۱۴ ساله از ما تحویل می‌گیرد و از آنطرف دیگر جوانان ۱۸ ساله، ۱۹ ساله به ما تحویل می‌دهد که نه ریاضی می‌دانند، نه فیزیك و نه مهندس‌اند و نه طبیب و نه تکنیسین و نه لوله‌کش و نه نقاش و نه نجار و نه بقال و نه هیچ کارهٔ دیگر، بلکه فقط یك دیپلمه هستند. این ماشین یك اختراع وحشت‌انگیزی بود که توسط رژیم طاغوتی حاکم بر ایران برای جامعه ما تعبیه شده بوده است و محصول این ماشین و این اختراع جوانی بود که بهترین سالهای فراگیری حرفه و شغل را در کلاس درسهای نظری گذرانده بود، و هیچ شغلی نمی‌دانست و در عین حال چون دیپلمه بود و مدرك تحصیلی داشت حاضر نبود در مغازه‌ای شاگرد شود و یا نزد استاد کاری برود و کار یاد بگیرد، فقط و فقط در عین نا امیدی تنها آرزویی که داشت - بعد از آنکه موفق به ورود به دانشگاه نشده بود - اینکه بتواند در جایی استخدام شود.

اینجا بود که همه به ادارات هجوم می‌آوردند. پس این تورم کارمند در ادارات یکی از دستاوردهای همین مسئله است. بالاخره این همه دیپلمه بیکار باید در جایی ظاهراً مشغول می‌شدند و رژیم چون فشار روزافزون دیپلمه‌ها را در بیرون دانشگاه بر دوش خود احساس می‌کرد سعی داشت هرچه بیشتر کمیت دانشگاهها را زیادتر کند، بدون آنکه به کیفیت آن توجه داشته باشد، گرچه هراندازه تعداد دانشگاهها بیشتر می‌شد تکافوی تعداد دانش‌آموزان و فارغ‌التحصیلان را نمی‌کرد اما می‌دیدیم در آن سالهای آخر رژیم مرتباً در هر شهری مدرسه عالی تاسیس می‌شد در کاشان، در اراك، در قم، در گیلان، در شمال و



○ اسلام تاکنون به عنوان یك جهانبینی و فرهنگ بر رشته‌های علوم انسانی ما در دانشگاهها حاکم نبوده است.

○ ما بعد از آنکه انسان اسلامی را شناختیم باید روانشناسی و جامعه‌شناسی و اقتصاد و علوم تربیتی و... را بر پایه این بینش اسلامی بنا کنیم.

○ جوانان مسلمان انقلابی ما که می‌خواستند بعد از سرنگون کردن طاغوت این جامعه را بسازند همهٔ نیرویشان در دانشگاه صرف پاسخگویی به اعلامیه‌ها، تهمت‌ها و شایعه‌های گروههای مختلف می‌شد.

علاقه و اشتیاق بدنبال من می‌دوید. حالا دقیقاً این مثال منطبق است با موضوع مورد نظر ما وقتی یك جامعه به استعمار فرهنگی مبتلا شد، با اشتیاق بدنبال شیطان بزرگ می‌دود. و احتیاج به هیچ نوع زنجیر و بند و رسن و ریسمان ندارد این است که استعمار فرهنگی بدترین شکل و پنهان‌ترین شکل استعمار است چه بسا که دست استعمارگر در استعمار فرهنگی آشکار نیست وجامعه‌به‌ظاهرخودراآزادمی‌بیندومستقل‌ولی‌درواقع‌به‌خواست استعمارگر عمل می‌کند، و درست به همین دلیل رهایی از دست استعمار فرهنگی کار دشواری است چون در بسیاری از موارد رهایی از استعمار فرهنگی رهایی از خود کاذب است، رهایی از آن خودی که شایستگی خود ما بودن را ندارد، رهایی از خودی که ما می‌پنداریم خودماست ولی نیست. فرد و جامعه برای رهایی از استعمار فرهنگی باید هویت تازه‌ای کسب کند، با آنچه بود، وداع کند و به سوی خودی برود که زیر غبار بدآموزی‌ها پنهان شده یعنی برود و فطرت فراموش‌شده خود را بازیابد. این بازگشتی به خویشتن خویش و یافتن هویت اصیل خود کار ساده‌ای نیست و بسیار هم دشوار است، و استعمار نو یکی از کارهایش همین استعمار فرهنگی بوده است.

در استعمار نو دشمن ضرورتی نمی‌بیند که لشگرکشی کند و حضور نظامی و سیاسی آشکار داشته باشد بلکه می‌آید و کاری می‌کند که یك جامعه به دنبال ارزشهایی باشد که نهایتاً به تبعیت از استعمار منتهی می‌شود. **ما برای نجات از استعمار نو هیچ راهی جز پشت‌پا زدن به ارزشهای دشمن نداریم.** مادام که سعادت راهمان چیزی بدانیم که دشمنان ما می‌دانند، مادام که ما بخواهیم زندگی خود را در این جامعه به مهمان شکلی درآوریم که دشمنان ما می‌خواهند، روشهای ما همان روشهایی باشد که آنها دارند همیشه وابسته خواهیم بود، چون دشمنان ما در تامین آن ارزشها و در ایجاد آن روشها جلوتر هستند و بر ما تفوق دارند و ما هرگز به پای آنها نمی‌رسیم، و وقتی همان ارزشی را خواستیم باید از آنها تقلید کنیم و دست گدایی به سوی آنها دراز کنیم و ناچار وابسته خواهیم ماند. پس ما باید اصولاً به‌سوی افق دیگری نگاه کنیم ما باید قدم در راه دیگری بگذاریم و از استیلای فرهنگی غرب نجات یابیم والا اگر بخواهیم به عنوان جامعه اسلامی یك کشور غربی دیگری ایجاد کنیم یا یك کشور شرقی ایجاد کنیم - به آن معنایی که در شعار نه‌شرقی نه‌غربی مورد نظر ماست - ما اگر بخواهیم تکرار کنیم آنچه را در غرب و شرق بوجود آمده ناچاریم تقلید کنیم و اگر بخواهیم تقلید کنیم باید دنباله‌روی کنیم و دنباله‌روی مستلزم وابستگی است و وابستگی یعنی نفی استقلال و پذیرش استعمار.

سؤال: انقلاب فرهنگی را از کجا باید شروع کرد؟

جواب: انقلاب فرهنگی به آن معنایی که ذکر شد قبل از پیروزی انقلاب در جامعه ما آغاز شده بود و هم اکنون نیز در جریان است. آن روزی که این مردم به تمام نعمتهای دنیوی پشت‌پا زدند و برای رضای خداوند جان خود را فدا کردند، آنروز مردم به رساترین بیان اعلام کردند که در فرهنگ آنها و بینش آنها یك انقلابی به معنی واقعی کلمه رخ داده و تغییر ایجاد شده است، اگر انقلاب فرهنگی آغاز نشده بود مردم تن به شهادت نمی‌دادند. همانطور که امام فرمودند، احمقانه است کسی برای نان و آب و مسکن برود و جان خود را فدا کند چون باید انسانی باشد تا نان بخورد و کسی باشد که مسکن بیابد، چگونه ممکن است که کسی فقط برای نان و مسکن جان ببازد پس ما از چیزی سخن می‌گوئیم که آغاز شده و شتابی افزاینده دارد برادران و خواهرانی که برای اسلام جان خود را نثار می‌کنند، کتاب گویا و آموزگار توانا و حقیقی انقلاب فرهنگی در جامعه ما هستند، و می‌بینید که در جامعه همانطور که امام فرمودند یك تحول انسانی بوجود آمده است و مردم دیگری پیدا شده‌اند و همین مردمند که این انقلاب را با وجود اینهمه توطئه‌ها و کارشکنی‌ها و مخالفتهایی که ابرقدرتهای جهان در مقابل آن می‌کنند، حفظ کرده‌اند و روز به روز پایه‌های آنرا محکم‌تر می‌کنند.

اما موج مشخصی که در جامعه ما به نام انقلاب فرهنگی آغاز شده و با تعطیل دانشگاهها و تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی همراه بوده است، وجه شکل‌یافته و خاصی از یك انقلاب فرهنگی عام است در واقع این مردم پس از آنکه سد طاغوت را از سر راه خویش برداشتند، در انقلاب فرهنگی به معنای خاص آن سراغ نظام آموزش کشور خود رفتند چرا که در بین همه وزارت‌خانه‌ها و دستگاههای اجرایی، دستگاهی که مستقیماً مسئول تحقیق فرهنگ مطلوب جامعه است - یعنی باید باشد -، وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم یعنی دبستانها و دبیرستانها و دانشگاهها است. در واقع نظام آموزش مجرا و وسیله‌ای است که فرهنگ مطلوب یك جامعه را مستقر می‌کند این بود که مردم برای تامین انقلاب فرهنگی و برای آموزش فرهنگ اسلامی، به سوی انقلاب در نظام آموزشی رفتند و در واقع آموزش و پرورش و نظام آموزشی مسئولیت ساختن انسان را به‌عهده دارد انسانی که جامعه را می‌سازد، این بود که مردم خواستند آب را از سرچشمه زلال کنند. و برای انقلاب فرهنگی به حرکت آمدند و می‌بینید که دشمن هم خوب شناخته است که برای رسیدن به مقاصد خود از کجا آغاز کند، اینکه دشمن به سراغ دانش‌آموزان و دانشجویان می‌رود درست به دلیل اهمیت و حساسیت نظام آموزشی است، اتفاقاً آنچه مردم را به اصرار در انقلاب فرهنگی وامی‌دارد همین حرکتی است که دشمن می‌کند، وقتی که مردم می‌بینند که دشمن به سراغ دانشگاهها و مدارس رفته می‌فهمند که باید بیش از هر موضوع دیگر به نظام آموزشی اهمیت بدهند همان داستان لقمان که می‌گفت ادب را از که آموختی...

و اما در مسئله انقلاب فرهنگی و یا بهتر بگوییم انقلاب آموزشی اولویت ذاتی با نظام آموزشی پیش دانشگاهی است و اولویت زمانی با نظام دانشگاهی یعنی در واقع ریشه درد را باید از دبستانها و راهنمایی‌ها و دبیرستانها و خلاصه قبل از رسیدن به سن ورود به دانشگاهها یافت و درمان کرد. ایجاد تحول و انقلاب در نظام آموزشی پیش از دانشگاهی ذاتاً و به لحاظ مرتبه مقدم است بر انقلاب در سطح دانشگاه اما تحول در نظام دانشگاهی زماناً تقدم دارد چرا که دانشگاه فاصله کمتری دارد برای عرضه محصول خود به جامعه، یعنی ما اگر در دانشگاههای خود یك انقلاب فرهنگی شایسته ایجاد کنیم نزدیك به ۱۷۰ هزار نفر جوان را که همه تا ۵ سال و ٦ سال دیگر وارد جامعه شده و عهده‌دار مشاغل این جامعه خواهند شد، در خط الله قرار داده‌ایم و اگر نکنیم همین عده در حالی وارد جامعه می‌شوند که بینش آنها منطبق بر ارزش‌های اسلامی و معنوی نیست و تائید این دو حالت در سرنوشت انقلاب بر کسی پوشیده نیست این است که ما به لحاظ حساسیت وضعیتی که داریم زماناً تحول در دانشگاهها را مقدم می‌دانیم بر تحول بنیادی در مدارس ولی این به این معنا نیست که فراموش کرده‌ایم که اصلاحات اساسی و انقلاب در نظام آموزشی را باید واقعاً از کجا شروع کنیم به عقیده بنده بسیاری از اشکالات و مسایل انسانی و اجتماعی ما در دانشگاهها ریشه در دوره قبل از ورود به دانشگاه دارد و ما باید از مدارس شروع کنیم و نظام آموزشی مدارس را دگرگون کنیم.

شماره ردیف

شماره مسلسل

ماخذ ، تاریخ



«آرشیو»

عنوان :

موضوع :

که سرچشمه همه حرکتها و همه زیبائیهاست، و ابدی است و حق است و مطلق است و کامل است و هر حقی به لحاظ انتساب به او حق شده است. مخصوصاً این انسان باید از خودپرستی نجات پیدا کند که غالباً این خودپرستی است که منشاء پرستشهای دیگر می‌شود، چنین انسانی است که باید در این انقلاب فرهنگی ساخته شود. مخصوصاً این انقلاب فرهنگی باید آن بیماری را که تا کنون غالب تحصیل کرده‌ها و روشنفکران ما به آن مبتلا بوده‌اند درمان کند و آن ابتلاء به فرهنگ غربی است این فرهنگ غربی مخصوصاً از مشروطیت به بعد در جامعه ما به شکل حساب‌شده‌ای حاکم شد و رواج پیدا کرد. این همان فرهنگی است که بر نظام آموزشی ما حاکم بوده است. فرهنگ غربی در یك کلمه شکل نظام یافتهٔ همان پرستش‌های غیرالهی است، یعنی شکل انسجام‌یافته و نظام‌یافته دنیاپرستی و علم‌پرستی و طبیعت‌پرستی و تاریخ‌پرستی و نژادپرستی و مهمتر از همه شکل نظام‌یافته و توسعه‌یافته خودپرستی است و ما باید در انقلاب فرهنگی با این فرهنگ حاکم بر جامعه که همان فرهنگ غربی است مبارزه کنیم و آنرا منسوخ سازیم.

سؤال: ضرورت انقلاب فرهنگی در انقلاب اسلامی چیست؟

جواب: اسلام به عنوان یك دین چه نوع انقلابی را می‌تواند ایجاد کند؟ انقلاب اسلامی هدفش چه می‌تواند باشد؟ جز این است که می‌توانیم بگوئیم در درجه اول یك انقلاب است در بینش‌ها و نگرش‌ها و ارزش‌ها و روش‌های انسانی جز این است که انقلاب یك انقلاب ایدئولوژیك است، در این صورت آیا یك انقلاب ایدئولوژیك می‌تواند نسبت به فرهنگ جامعه‌ای که دستخوش این انقلاب شده بی‌اعتنا باشد؟ آیا می‌توانیم بگوئیم ما انقلاب اسلامی کرده‌ایم اما نمی‌خواهیم انقلاب فرهنگی کنیم؟ این تناقض نیست؟!

بدیهی است که انقلاب‌فرهنگی لازمه انقلاب اسلامی است و نتیجه انقلاب اسلامی است و به اعتقاد من عزیزترین دستاورد انقلاب اسلامی همان انقلاب‌فرهنگی است یعنی انقلابی در بینش، در تفکر، در رفتار، در معنای سعادت برای ساختن آدمی نو و عالمی نو. انقلاب فرهنگی شرط لازم پیروزی انقلاب ما است، و البته پیداست که این سخن برای کسانی معنا دارد که به اسلام معتقدند و آن را می‌شناسند و با قرآن آشنایی دارند و خود را از همه آن بدآموزیهای گذشته درباره اسلام رها کرده‌اند والاّ برای آن روشنفکران غرب‌زده که غرب کعبه آمال آنهاست و معتقدند که ایران وقتی خوشبخت خواهد شد که از ناخن پا تا فرق سر فرنگی شود، این انقلاب فرهنگی، انهدام فرهنگی است و اتفاقاً این سخن به یك معنی درست نیز هست چرا که این فرهنگ غربی است که باید منهدم شود تا بر ویرانه‌های آن فرهنگ اسلامی بنا گردد، و روشن است که وقتی صحبت از انقلاب فرهنگی می‌شود اینگونه غرب‌زده‌ها عزا می‌گیرند. گروه دیگری که انقلاب فرهنگی برایشان معنا ندارد مارکسیست‌ها هستند، چرا که برای آنها به اقتضای جهانبینی مادیشان فرهنگ روبناست، فرهنگ فرع است، وضع معنوی جامعه فرع روابط تولیدی است. آنها معتقدند که اگر نظام اقتصادی جامعه اشتراکی شود، فرهنگ نیز که تابع نظام اقتصادی است خودبخود تغییر می‌کند. این با عقیده ما فرق دارد، ما در عین حال که به جنبه‌های مادی و اقتصادی و روابط تولیدی جامعه اهمیت می‌دهیم ـ نشان اهمیت آن اقداماتی است که پس از پیروزی انقلاب در این جهت شده و همچنان ادامه خواهد داشت ـ معتقدیم که انسان شریف‌تر از آن است که تفکر و معنویت و اخلاق و عواطف و خلاصه انسانیت او صرفاً تابع روابط اقتصادی و مادی جامعه باشد، ما برای انسان به مفهوم معنوی کلمه اصالتی قائلیم که او را از اینکه «تابع روابط تولیدی» باشد بالاتر می‌برد و به او در برابر وضع مادی جامعه اصالت و فعالیت و اختیار می‌بخشد. ما اخلاق را دارای ارزش مستقل می‌دانیم اگر چه نقش واقعیات مادی جامعه را در رسیدن به سعادت اسلامی انکار نمی‌کنیم، و اتفاقاً یکی از نشانه‌های اسلامی شدن یك انسان را مبارزه با شرایط نامطلوب مادی و اقتصادی جامعه می‌دانیم. بهرحال برای کسانی که به فرهنگ و بینش انسانی اصالت ندهند انقلاب فرهنگی اهمیت پیدا نمی‌کند.

انچه ما را به حفظ انقلاب اسلامی امیدوار می‌کند، توجهی است که رهبری انقلاب به انقلاب فرهنگی دارند. حرکت امام با سرنگون کردن شاه معدوم و با تغییر رژیم پایان نمی‌پذیرد، امام از فردای بعد از سقوط شاه معدوم و حتی قبل از سقوط وی همچنان به انسان شدن و به آدم‌شدن توصیه می‌کند، اگر به خاطر داشته باشیم، پس از آنکه امام بعد از پانزده سال دوری به قم بازگشت در نخستین سخنرانی که در فیضیه ایراد کرد، انقلاب فرهنگی را بسیار مورد توجه قرار داد، این سخنرانی بسیار بااهمیت بود، مردی که پانزده سال از شهر محبوب خود دور بوده و روزی از آن شهر دستگیر و تبعید شده اکنون پیروزمندانه و توفیق‌یافته، در حالی که بزرگترین حادثه قرن را ایجاد کرده و رژیم طاغوتی زمان را سرنگون ساخته، در استقبالی بی‌نظیر به آغوش شهر خویش بازمی‌گردد، شهری که مرکز روحانیت است، و باید مظهر تمام اصالت‌های آن باشد؛ پیدا است که در نخستین خطابهٔ امام پس از بازگشت به قم، باید حقایق زیادی نهفته باشد. و اولین خطابهٔ او باید فشرده همه هدفها و برنامه‌های او باشد، این سخنرانی از این جهت بسیار اهمیت دارد و مهم اینست که امام در همین سخنرانی به انقلاب فرهنگی توجه می‌کنند و تذکر می‌دهند، و به صراحت اعلام می‌کنند که اکنون نوبت نتیجه‌گیری و بهره‌برداری از سرنگونی طاغوت است و آن همان انسان‌شدن است و یافتن فرهنگ دیگر و دوباره یافتن اسلام.

مطلب مهمی که باید مورد توجه باشد این است که، مردم ما از همان نخستین راهپیمائیهای میلیونی خود شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» می‌دادند، مردم در اعماق قلب خود خوب می‌دانستند که چه می‌گویند و چه می‌خواهند، هرچند که بسیاری از آنها نمی‌توانستند آنچه را که خوب می‌فهمند به همان خوبی بیان کنند. امام می‌دانستند که مردم چه می‌خواهند. این مردم استقلال می‌خواستند، استقلال تنها به این معنا نیست که مرزهای ما مورد تجاوز قرار نگیرد، استقلال تنها به معنای استقلال ارضی نیست، این یکی از معانی آن است، و بسیار مورد علاقه و توجه ما نیز هست، اما اشتباه است که تصور کنیم که استقلال به محفوظ ماندن مرزهای جغرافیایی منحصر می‌شود. مردم از استقلال هم این معنی را می‌خواستند و هم معانی دقیق‌تر و عمیق‌تری، مردم استقلال سیاسی می‌خواستند استقلال اقتصادی و استقلال نظامی و استقلال علمی و آموزشی می‌خواستند و بالاخره مهمتر از همه مردم استقلال فرهنگی می‌خواستند، این بود که همین مردم بعد از پیروزی انقلاب به دنبال تحصیل سایر معانی استقلال رفتند. و وقتی که از آنها دعوت شد از انقلاب فرهنگی حمایت کنند، با نثار جان خود آنرا پشتیبانی کردند.

برای اینکه ضرورت انقلاب فرهنگی را توضیح دهیم، لازم است که به رابطه میان استعمار و فرهنگ توجه کنیم، در واقع لازم است که معنای استعمار فرهنگی را توضیح دهیم. یك نیروی استعمارگر مادام که در یك جامعه استعمار فرهنگی نکرده باشد برای تحکیم پایه‌های قدرت خود در زحمت است. به عبارت دیگر اگر جامعه‌ای خود را از لحاظ فرهنگی تسلیم دشمن نکند دشمن برای تسلط کامل بر او در زحمت است ناچار است مزدورهایی استخدام کند، ناچار است شبکه جاسوسی ایجاد کند، ناگزیر است لشکرکشی کند، اما همین که خود آن مردم چنان فکر کردند که استعمار می‌خواهد و در اندیشه و در ارزشها و در آن معنای سعادت که همه در پی آن هستند، چنان شدند که استعمار می‌خواهد؛ دیگر همه بدون آنکه خود بخواهند و بدانند به همان راه می‌روند که دشمن پیش پایشان گذشته است و آب به آسیاب بیگانه می‌ریزند و گمان می‌کنند که به اختیار خود عمل کرده‌اند، چرا که دشمن در اندیشه آنان نفوذ کرده است، دشمن در نهانخانهٔ ذهن آنان رسوخ کرده است. یعنی دشمن موفق شده است که «خود آنها» را از میان بردارد و یك خود بیگانه با آنان را به جای «خود آنها» بنشاند. به عبارت دیگر دشمن توانسته است آن جامعه را از خود بیگانه کند، در چنین حالی جامعه دیگر خودش نیست ولی می‌پندارد که خودش است، پس خود را ظاهراً دربند استعمار سیاسی و اقتصادی و نظامی حس نمی‌کند ولی درواقع خود را به‌بهترین‌وجه دراختیار بیگانه‌قرار داده است و «آزادانه» از او فرمان می‌برد. برای اینکه این واقعیت واضح‌تر شود مثالی می‌زنم: داستانی نقل کرده‌اند که شخصی شیطان را در خواب دید در حالی که زیر بغل خود مجموعه‌ای از زنجیرها و رسن‌ها و طناب‌های گوناگون به همراه می‌برد، از شیطان پرسید این بندها چیست، شیطان گفت، اینها طناب‌هایی است که اسیران خودم را با آنها مهار می‌کنم و دنبال خود می‌کشم و با این بندهای محکم می‌بندم تا فرار نکنند، آن شخص پرسید این زنجیر آهنین و سنگین برای کیست؟ شیطان گفت این زنجیر مال فلان عابد و زاهد مشهوری است که بسادگی تسلیم من نمی‌شود، من برای اسیرکردن او این زنجیر را بکار می‌برم باز آن شخص پرسید این ریسمان برای کیست؟ آن طناب مال کیست و آن رسن مال کیست؟ شیطان یك به یك گفت این مال فلان کس است این مال فلان آدم متقی است و این مال فلان کس، مرد بیچاره گفت ریسمان من کدام است، شیطان پوزخندی زد و گفت، تو و امثال تو نیازی به ریسمان ندارید، شما خودتان به دنبال من می‌دوید شما را چه به این حرفها، این طناب‌ها مال کسانی است که در برابر من مقاومت می‌کنند، شما احتیاج به طناب ندارید، تـ

قسمت اول کامل



«آرشیو»

شماره ردیف

شماره مسلسل

ماخد، تاریخ سروش ۱۰۷ ۱۰/۵/۶۰

عنوان: انقلاب فرهنگی شریفترین دستاورد انقلاب اسلامی

موضوع: گفتگو با غلامعلی حداد عادل پیرامون انقلاب فرهنگی

گفتگو با:
دکتر غلامعلی حداد عادل

سؤال: از نظر شما انقلاب فرهنگی چیست؟

جواب: بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. برای اینکه انقلاب فرهنگی تا اندازه‌ای روشن شود بهتر است که اشاره‌ای به معنای فرهنگ داشته باشیم البته برای فرهنگ معانی متعددی بیان شده است. مابه «مجموعه جهان‌بینی و اعتقادات یك قوم، به مجموعه‌ای از ارزشها و روشها و سنت‌های یك دسته از مردم» فرهنگ می‌گوئیم.

در واقع فرهنگ طرز نگاه کردن مردم به هستی است، و معنایی که از هستی درك می‌کنند. البته فرهنگ به این معنا در ادبیات سنتی ما یا اصلاً بکار نرفته یا بسیار کم استعمال شده و به جای فرهنگ همان دین گفته می‌شده است، یعنی قبل از اینکه فرهنگ به این معنا در جامعه ما معمول بشود آن جهان‌بینی و نظام اعتقادی و آن نظام ارزشی که برای مردم ما وجود داشت همان بود که از آن به دین و یا به اسلام تعبیر می‌کردند. اما از

○ برای رهایی از استعمار فرهنگی ما دست به انقلاب فرهنگی زده‌ایم.

○ فرهنگ غربی مخصوصاً بعد از مشروطیت به شکل حساب‌شده‌ای بر ما حاکم شد و رواج پیدا کرد.

• انقلاب فرهنگی شریفترین دستاورد انقلاب اسلامی

قسمت اول



○ آیا می‌توانیم بگوئیم که ما انقلاب اسلامی کردیم اما نمی‌خواهیم انقلاب فرهنگی کنیم؟ این تناقض نیست؟

وقتی که ما با جهان‌بینی‌های دیگر تماس پیدا کردیم لفظ فرهنگ را هم در ترجمهٔ کولتور از آنها گرفتیم و در مقایسه با فرهنگ‌های دیگر از فرهنگ خودمان نام بردیم. به هر حال اگر فرهنگ را چنین معنا کنیم، آنوقت می‌توانیم بگوئیم انقلاب فرهنگی که به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی در جامعه ما آغاز شده، کوششی است در جهت دگرگون کردن جهانبینی و یا بهتربگوئیم کوششی است در جهت دگرگون کردن فرهنگ جامعه. یعنی در انقلاب فرهنگی کوشش می‌شود که جهانبینی جدیدی و نظام اعتقادی و نظام ارزش جدیدی، روش‌ها و سنت‌های تازه‌ای در جامعه ما بوجود آید، و اگر وجود داشته و منسوخ شده دوباره احیا بشود به این معنا می‌خواهیم فرهنگ را در جامعه متحول کنیم. که «عالمی از نو بباید ساخت و ز نو آدمی». ما می‌خواهیم در انقلاب‌فرهنگی آدمی‌دیگر بسازیم، سپس بدست آن آدم نو ساخته جدید عالمی دیگر بسازیم جز آنچه تا کنون داشتیم و هم اکنون داریم؛ ساختن آدم دیگری که نگرش این آدم به خودش، به دیگران به عنوان جامعه و به جهان به عنوان طبیعت نگرش تازه‌ای باشد.

خلاصه کنم، انقلاب فرهنگی تولد انسان تازه‌ای است با ارزشهای تازه، تولدی دیگر است برای جامعه ما، این انسان دیگر آن انسان گذشته نیست، سعادت برای او آن معنایی را که پیش ازاین داشت ندارد، خوشبختی برای او دیگر برنده‌شدن در قرعه‌کشی عصر چهارشنبه نیست، چون هدف نهایی او که همان سعادت در زندگی است فرق کرده است، راه او برای رسیدن به هدف نهایی نیز فرق کرده است. بنابراین انسان مسیر و جهت دیگری در جامعه دارد و امور پیرامون او در ارتباط با این معنای جدید که از سعادت در نظر دارد معنای تازه‌ای پیدا می‌کند. بسا اشیاء و اموری که تا دیروز برای او ارزشمند بود و امروز بی‌ارزش است و بر عکس، چرا که برای او هدف نهایی از زیستن که همان سعادت باشد معنای جدیدی پیدا کرده است. چنین انسانی که باید به دنبال انقلاب فرهنگی پدید بیاید هم و غمش چیز دیگری است غیر از آنچه تا کنون بوده است. طلبش، کوششش، فداکاریش باید تغییر کند، این انسان باید متادب به آداب اسلامی و متخلق به اخلاق اسلامی باشد. صاحب بینش اسلامی شود و ارزش‌های اسلامی را معیار بایدها و نبایدهای خودش قرار بدهد و سعادت را باید سعادتی بداند که در قرآن برای انسان توصیف شده که همانا کوششی برای خداگونه‌شدن و رسیدن به‌لقاءالله است. این انسان باید جهت تفاوت به طرف خداوند متوجه کند و از هر پرستش دیگری دست بردارد. در واقع تفاوت فرهنگهای مختلف با فرهنگ اسلامی و با اسلام تفاوت در معبود است. انسان اسلامی مورد آرزوی ما و جامعه اسلامی مورد آرزوی ما باید از دنیاپرستی و علم‌پرستی و نژادپرستی و تاریخ‌پرستی و بالاخره از انسان‌پرستی رها شود و برود به جانب خداپرستی

○ استعمار فرهنگی بدترین و پنهان‌ترین شکل استعمار است.

○ فرهنگ غربی در یك کلمه همان شکل نظام یافته غیر الهی است.

○ انقلاب فرهنگی تولد انسان تازه‌ای است با ارزش‌های تازه.

شماره ردیف: ۳

شماره مسلسل:

مأخذ: تاریخ اطلاعات ۱۰/۲/۶۰ ص ۱۶ و ۱۹



(آرشیو)

عنوان: از امکانات دانشگاهها در تربیت معلم استفاده می‌شود

موضوع:

آنان باستاد انقلاب فرهنگی همکاری نمی‌کنند ؟

ج- همه استادان را که نمی‌شود به ستاد دعوت کرد. ماازابتدا با دانشگاهها تماس داشتیم و ازدانشگاهها خواستیم که به‌اعضای هیات علمی توصیه کنند در زمینه های مختلف ، درزمینه برنامه ریزی ، در زمینه مقررات آموزشی طرح تهیه کنند و برای ستاد بفرستند.

ولی برخی ازاول بدبین بودند، حالااین بدبینی ممکن است نسبت به‌نهضت یابی علاقگی به آن و مخالفت با نهضت باشد .

برخی هم می‌خواستند وضع موجود دانشگاهها را حفظ بکنند الان هم اصرار دارند که کلاسها باز بشود و به سر کلاسها بیایند و به همان صورت گذشته درس بدهند وخوب اگر کسی بپرسد که فارغ‌التحصیلان شما چه کار خواهند کرد ؟ این درگیریهایی که در گذشته بین استاد و دانشجو سرامتحانات بود به‌چه علت بود ؟برای اینکه دانشجو رشته را روی علاقه انتخاب نکرده بود . آینده‌ای برای خودش پیش‌بینی نمی‌کرد بنابر این فقط می‌خواست رفع تکلیف بکند . استاد هم از دانشجو فقط می‌خواست که‌درس را خوب یادبگیرد و بعدهم امتحانات مکرر انجام می‌شد و اینهمه درگیری می‌شد بین استاد و دانشجو پس اگر همان برنامه ها باشد مشکل ما را حل نمی‌کند یکعده از استادان می‌خواهند وضع موجود را حفظ بکنند . عده‌ای هم آنطور که باید مساله را جدی نگرفتند و آنطور که باید باستاد انقلاب فرهنگی همکاری نکردند و گروهی نیز صمیمانه و باعلاقه دارند کارمی‌کنند . باز همین الان ما استقبال می‌کنیم‌ازهمکاری همه دانشگاهیان واقعا آنهایی که می‌توانند در برنامه‌ریزی‌ها کمك کنند و یاطرحهایی تهیه کنند و ما ازوجود آنها استفاده کنیم .

آمار وضع استادان

س - بهرحال برای بازگشایی دانشگاهها به‌نیروی انسانی متخصص احتیاج است آیا ستاد انقلاب فرهنگی آماری از اینکه اعضای هیات علمی دانشگاهها چه تعداد بودند ، پس از انقلاب فرهنگی چه تعداد باقیمانده‌اند ؟ چند نفر از آنها تصفیه شده‌اند ؟ چندنفر تصفیه عقیدتی شده‌اند ؟ چند نفر به خارج رفته‌اند ، یاچندنفر ممنوع‌الورود شده‌اند در اختیار دارد ؟

ج- ماهیاتهایی راچند ماه‌پیش‌به‌دانشگاهها فرستادیم تاتمام‌امکانات دانشگاهی‌رابرای‌ماروشن کنند. پرسشنامه‌ای تهیه شده بود و در اختیار این هیاتها قرار گرفته بود که در آن تعداد دانشجو - تعداد استاد - رشته هـای آموزشی -بودجه و مدیریت همه منعکس بود . ولی آن آمار استادان را ما در اختیار نداریم . چون یك عده هنوز وضعشان روشن نیست . قانون تصفیه هنوزبه‌تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده . یکعده معلقند ، یکعده قراردادی بوده‌اند و قراردادشان تمدیدشده و یکعده قراردادشان تمدید نشده بنابراین مشکل است که‌چنین آماری تهیه شود و ستاد چنین آماری در اختیارندارد .

طرح تربیت استادان جدید

س- برای گروه جدیدی که به‌عنوان اعضای هیات علمی به دانشگاهها قرار است واردشوند چه‌فکری شده است ، آیا همان طرحی که چندی قبل فقط بانام آقای فارسی به‌نام طرح تعلیم و تربیت استادان متعهد از طریق غیررسمی منتشر شد اجرا خواهد شد ؟

ج- در این زمینه چندراه را درنظر گرفته‌ایم . اول اینکه در وزارت فرهنگ و آموزش عالی دفتری درنظر گرفته شده و پرسشنامه‌ای تهیه شده که در اختیارافراد قرار می‌گیرد و همه می‌توانند آن پرسشنامه را پر کنند وسپس هیاتی به وضع این افرادرسیدگی می‌کندوآنهایی که صلاحیت داشته باشند از بین آنها انتخاب می شود .

همینطور با دانشجویان عضو انجمن اسلامی خارج‌از کشور تماس گرفته‌ایم از کارگردانان‌این‌انجمنهاخواهش کرده‌ایم به دانشگاهها بروند و به‌بینند ایرانیانی که در آن محلها تحصیل می‌کنند درچه وضعی هستند و عده‌ای را که علاقمند به کار دانشگاهی هستند دعوت بکنند مطالعاتی دراین زمینه آغاز شده است مافکرمی‌کنیم یك مقدار نیازمان را از این طریق تامین می کنیم .

پیشنهادهایی هم شده است که از لیسانسیه های خوب موجود در ایران استفاده شود دوره‌های فـوق لیسانس تحت نظر استادان مجرب تشکیل بشود و از فارغ‌التحصیلان این دوره تحت عنوان مربی‌استفاده‌بشود . من فکر نمی‌کنم با برنامه‌ریزی که مامی‌کنیم از هیچ جهت‌دچار اشکال بشویم .

البته از استادان موجود هم استفاده می شود .

انقـلاب فرهنگی در مدارس

س - در چند روز اخیر اعلامیه‌هایی ازسوی انجمن های اسلامی دانش آموزان مدارس مختلف منتشر شده که عموما در آنها خواستار گسترش انقلاب فرهنگی به مدارس شده‌اند . آیا امکان معطیلی مدارس هم وجود دارد ؟

ج- من‌فکرنمی‌کنم . چون مقطع متوسطه مستقل است و در دنیا هم همینطور است و یك گروهی‌دیپلم متوسطه می‌گیرند و در همین سطح هم تحصیلات خودرا پایان می دهند . حالاما البته همانطور که قبلا هم گفتیم می‌خواهیم در برنامه های آموزش متوسطه تجدیدنظر بکنیم و اصولا تاسیس سازمان تربیت معلم و استفاده از نیروهای متخصص دانشگاهی برای برنامه‌ریزی درابتدایی وراهنمایی و متوسطه و همچنین تربیت مدیر و تهیه کتاب های درسی برای این‌بوده که تحولی اساسی در آموزش و پرورش صورت بگیرد اما این امر مستلزم این نیست که مدارس تعطیل شود و حتی کاری نیست که دبیران و آموزگاران بتوانند انجام دهند . البته از دبیران و آموزگاران مجرب باید در کمیته‌ها استفاده شود ولی مساله برنامه‌ریزی و تهیه کتاب درسی احتیاج به متخصصان دارد .

بنابراین بگذارید دانش آموزان در دبستان و دبیرستان به کار خود ادامه دهند ما ضمن آنکه ازمعلمان در کمیته‌ها استفاده می‌کنیم توجه‌به این امر داریم که برنامه‌ریزی برای مدارس امری است تخصصی و باید توسط متخصصان امر صورت بگیردو اگر این کاربشود وآن تغییراتی که می‌خواهیم در تربیت‌معلم‌بدهیم‌صورت بگیرد تحولی اساسی در مدارس انجام خواهد گرفت.

★★★

شماره ردیف ۲ — عنوان: از امکانات دانشگاه‌ها در تربیت معلم استفاده میشود.

شماره مسلسل — موضوع:

مأخذ: تاریخ اطلاعات ۶۰/۲/۱۰ ش ۱۶۴۱۹



(آرشیو)

احتیاج به‌متخصص دارند که آنها میتوانند هم درجریان تحصیل و هم بعداز تحصیل در آن محلها خدمت کنند. می‌خواهیم افراد مستعدرا از گروههای مختلف انتخاب بکنیم و وارد دانشگاه کنیم. طی ضوابط این کارپیچیده است. البته طرحهایی تهیه شده اما هنوز به مرحله نهایی نرسیده‌اند امیدواریم که در این زمینه به‌سرعت اقدام کنیم‌وبه‌موقع ضوابط را به اطلاع عموم برسانیم و در رشته‌های اصلی و همینطور در تربیت معلم بتوانیم در سال آینده دانشجو بگیریم.

امکانات دانشگاهی

س- در ضمن صحبتهایتان، فرمودید که امکانات دانشگاهی در اختیار تربیت معلم قرارمی‌گیرد به‌ایـــن ترتیب باتوجه‌به دوره سه‌ساله‌ای که برای تربیت معلم در نظر گرفته‌اید حتی پس‌از ارائه طرحهای‌لازم در مورد رشته‌های دانشگاهی نیز بازگشایی دانشگاهها به‌دلیل اینکه امکانات در اختیار تربیت معلم است ممکن نخواهد بود.

ج- در مورد بازگشایی دانشگاهها ما باید ایـــن نکته را روشن کنیم که آیاما می‌خواهیم دانشگاهها با همان برنامه‌ها و نظام و مقررات باز بشوند؟نه. این مورد نظر ما نیست. ما می‌خواهیم در مدیریت دانشگاهی، در برنامه ریزی، در تحقیق و پژوهش در دانشگاهها و در اصولا هدفهای تعلیمات دانشگاهی تجدید نظر کنیم و در این مورد کارهایی نیز انجام شده است. اگر ما می‌خواستیم طبق روال گذشته دانشگاهها را باز کنیم وچند ماه دیگر کنکور به عمل می‌آمد مگر بیش از ۳۰هزار دانشجو می‌توانستیم بپذیریم؟ بنابراین اگر ما بتوانیم از امکانات دانشگاهی برای تربیت معلم استفاده کنیم و بیش از ۳۰ هزار دانشجو را برای تربیت معلم وچند هزار دانشجورابرای رشته‌های اصلی که‌در اولویت قرار دارند مثل پزشکی و فنی و کشاورزی انتخاب کنیم‌عملا کاری راکه دانشگاهها درگذشته انجام می‌دادند انجام داده‌ایم بااین تفاوت که دانشجویان از اول آینده‌اشان روشن است. آن کسی که می‌خواهد معلم بشود می‌داند که باید در حرفه معلمی وارد شود بنابراین ما این‌سی هزار نفر را به‌نحوی می‌گیریم که هم تحصیلات آنهادر دانشگاهها روشن است و هم کار آینده آنها مشخص است آن گروهی نیز که در رشته‌های فنی و پزشکی‌و کشاورزی وارد دانشگاه می‌شوند معلوم است که باید در خدمت مردم قرار بگیرند هم در جریان تحصیلات‌و هم پس‌از فراغ از تحصیل.

بنابراین می‌بینید که یك تفاوت اساسی در کارما نسبت به گذشته انجام خواهد شد. اما ما توجه داریم که علاوه برمعلم احتیاج به‌پاره‌ای متخصصان هست. البته می‌دانید که در شرایط کنونی استخدام هم ممنوع‌است. اما خواه ناخواه مملکت در مسیری خاص از لحاظ‌صنعتی و کشاورزی و از لحاظ بازرگانی قرار خواهد گرفت و همچنین موسسات آموزشی ما احتیاج به‌متخصص‌دارند پاره‌ای از سازمانهای دولتی احتیاج به متخصص دارند که این متخصصین در سطح عالی تربیت شده باشند بنابراین نظرما این است که باتوجه‌به‌پیشنهادات‌استادان دانشگاهها مراکز تحقیق ومراکز پرورشی نیروی‌انسانی به وجود بیاوریم امامثل گذشته نباشد که این مراکز به‌صورت پراکنده درگوشه و کنار مملکت به وجود بیایند و آخر سرهم تکلیف فارغ‌التحصیلان آنهاروشن نباشد. امکان دارد در هر رشته ما یکی دو مرکزتاسیس کنیم که این‌مرکز هم تحقیق در آن رشته‌را به عهده‌می‌گیرد و هم به‌تربیت نیروی انسانی برای کارهای‌تخصصی اقدام خواهد کرد.

تکلیف دانشجویان فعلی

س- به‌این ترتیب برابهام سرنوشت‌دانشجویان‌فعلی دانشگاهها افزوده خواهد شد.

ج- البته این هم مساله پیچیده‌ای است. همانطور که گفتم بیش از دوثلث دانشجویان کنونی آینده‌روشنی ندارند. یعنی اگر فرداهم دانشگاهها باز شود و اینها به‌تحصیلاتشان ادامه بدهند و به تدریج چهل هزار نفراز آنها فارغ‌التحصیل بشوند جز تعداد معدودی پزشك و مهندس کشاورزی و مهندس فنی بقیه آینده روشنی ندارند. ما مجبوریم برخی از آنها را طبق برنامه گذشته فارغ‌التحصیل کنیم. برخی از آنها را ممکن است طبق برنامه‌های تازه هماهنك کنیم در این باره هم کمیته‌ای مشغول مطالعه است و طرحهایی هم تهیه شده که به مرحله نهایی نرسیده و یکی از هدفهای ما روشن کردن وضع دانشجویان کنونی هست و اینکار را می‌خواهیم هرچه سریعتر انجام‌دهیم.

مسئولیت اجرایی ستاد انقلاب فرهنگی

س- یکی از مسائلی که از شروع کار ستاد‌مورد سئوال قرارمی‌گرفت‌ویك‌عضو‌مستعفی ستادانقلاب‌فرهنگی نیز به آن معترض بود این بود که باتوجه به‌قانون اساسی و متن فرمان‌امام برای تشکیل شورای انقلاب فرهنگی این شورا نمی‌تواند کار اجرایی داشته باشد در حالیکه در طول ماههای گذشته ستاد عملا بادراختیار گرفتن دانشگاهها به‌وسیله جهاد دانشگاهی و انجام کلیه کارها از این کانال کار اجرایی را عهده‌دار شده‌بود.

ج- اولا این کار اجرایی مخصوصا در موردجهاد دانشگاهی، تصویبنامه شورای انقلاب است. شورای انقلاب ضمن تصویب بودجه ستاد انقلاب فرهنگی امر ارجاع کار اعم از کارهای تحقیقاتی، کارهای آموزشی و پروژه‌های مورد نیاز سازمانهای دولتی را به عهده‌جهاد دانشگاهی گذاشت ومی‌دانید که در زمان بسته بودن دانشگاهها نیروهای دانشگاهی قهراعاطل و باطل‌می‌ماندند. یکی از کارهای اساسی ستاد تشکیل مرکز تالیف و ترجمه و تهیه پرسشنامه‌هایی از اعضای هیات‌های علمی دانشگاهها بود که در چه زمینه‌ای می‌خواهند به‌تالیف و ترجمه کتابهای اساسی اقدام کنند، در چه زمینه‌ای می‌خواهند کار کنند و آیا حاضر هستندبرای شرکت در برنامه‌های بازآموزی دبیران آموزش‌وپرورش وامر اجرایی در این رابطه مطرح شدند اینکه ستاد بخواهد کارهای اجرایی را به‌عهده بگیرد. یعنی ما خواستیم نیروهای آزاد شده دانشگاهی را در زمینه‌های تحقیقاتی، در زمینه های ارائه خدمات و در زمینه‌اجرای پروژه‌هایی راکه در سازمانهاووزارتخانه‌های دولتی‌مطرح بودند مورد استفاده قرار بدهیم و همینطور چون ما‌می‌دانستیم که از مسایل اساسی دانشگاهها تهیه کتابهای درسی است. همه می‌دانیم که دانشگاهیان در زمان باز بودن دانشگاهها نمی‌توانستند کتابهای اساسی‌را تهیه کنند. غالبا ازجزوه‌هایی که از سالها پیش تهیه شده بودند شکایت می‌شد و نیز دانشگاهیان با داشتن بار آموزشی وبه‌عهده داشتن هدایت دانشجویان وبادرگیری هایی که در زمان امتحانات پیش‌می‌آمد فرصت تالیف‌و ترجمه نداشتندودلیل‌مااین است که انتشارات‌دانشگاهی خیلی‌خیلی کم بوده است و کتابهای درسی خیلی خیلی محدود بوده است وستاد انقلاب فرهنگی از این فرصت تعطیلی دانشگاهها استفاده کرد و قریب دو هزاراستاد دانشگاه را به ترجمه و تالیف دعوت کرد و الان این‌عده روی کتابها کارمی‌کنند و کتابهایی هم که ترجمه‌می‌شود در هر رشته کتابهای اساسی است یعنی هر برنامه ریزی در دانشگاه ها بشود این کتاب ها قابل استفاده است. البته این کتابهادر کمیته‌های مختلف موردبررسی قرار گرفته‌اند و کتابهای ارزنده به‌چاپ خواهد رسید. بنابراین من فکر نمی‌کنم که ستاد از وظیفه خودش منحرف شده باشد در امور اجرایی دانشگاهها ما دخالت نداشتیم و بعد از اینکه جهاد دانشگاهی تشکیل شدو در برخی از دانشگاهها مشکلاتی در رابطه باکارهای‌جهاد پیش‌آمدباکمك شورایعالی جهاد ترکیب جهاد راپیشنهاد کردیم عوض شود و یك هیات هفت‌نفری درست شود که چهار نفر از این عده از استادان دانشگاهها باشند و دو نفر از دانشجویان و یکنفر از متخصصان امور مالی به طور کلی امور آموزشی واداری دانشگاهها را زیر نظر بگیرندو برنامه هایی راکه ستاد تهیه میکندبه معرض اجرا بگذارند

یك مقدار اوایل کار ستاد به خاطر روشن نبودن وضع وزارت فرهنگ و آموزش عالی که وزارتخانه نه‌وزیر داشت‌و دو معاون وزارتخانه هم به‌عنوان نماینده مجلس انتخاب شده بودند و قهرا اشخاصی که گرفتاری‌داشتند به‌ستاد می‌آمدند و الان هم یك عده‌ای می‌آیند و وقت ما را می‌گیرند ولی ما بارها اعلام کرده‌ایم که کارما برنامه‌ریزی است و امور اجرایی را بایدبه‌وزارت فرهنگ و آموزش عالی مراجعه کرد. خلاصه‌الان هم نظر ستاد این است‌که در امور اجرایی دخالت نکند ولی خوب بعضی از امور در برنامه ریزیها دخالت دارد و مامجبوریم که آنها را تحت نظر داشته باشیم.

نحوه انتخاب استادان عضو شورایعالی جهاد دانشگاهی

س- شما از چهار نفر استادکه در شورایعالی جهاد دانشگاهی هر دانشگاه شرکت می‌کنند اسم بردید. آیا این چهار نفر منتخب استادان هستند و یا از طرف ستاد منصوب می‌شوند؟

ج- البته شورایعالی جهادازخود استادان‌دانشجویان برای انتخاب شورایعالی جهاد دانشگاهی نظر خواهی می‌کند. منظور من به این استکه متاسفانه از بعد از انقلاب این امر برای ما در دانشگاهها روشن شد که از طریق انتخاب حتی مسئولین گروهها را نمی‌شودانتخاب کرد. چون اختلاف نظر زیاد بود. دریك دانشگاهی که ۲۰۰ عضو هیات علمی دارد ۷بار انتخابات به عمل می‌آمد تا آخر یکنفر با اکثریت بسیار ناچیز انتخاب می‌شدو تازه بعداز انتخاب اول دعوا و مرافعه بود برای اینکه گروههایی که رای نداده بودند و یا موافق نبودند به هیچوجه حاضر نبودند که از او اطاعت بکنند. در این‌شرایط که ما در مرحله انتقال هستیم ومی خواهیم دانشگاههای قبلی را مورد تجدید نظر و مورد بازسازی قرار دهیم و دانشگاههای اسلامی را تاسیس کنیم من فکر نمی‌کنم که انتخابی‌بودن مشکلی را حل بکند. اولا جمع کردن همه دانشگاهیان، توافق دانشگاهیان روی اشخاص معین مشکلاتی را بوجود می‌آورد و روی همین زمینه شورایعالی جهاد که تعداد زیادی استادان درآن شرکت دارند قرار است تحت نظر ستاد انقلاب فرهنگی عده‌ای را پیشنهاد بکند و ما باتوجه به سوابق علمی‌آن ها، تعهد آنها و باتوجه به‌وضع فکری و اخلاقی آنهاوبا توجه به اینکه تاچه‌اندازه مورد تائید همکاران خودشان هستند اینها راتائید کنیم.

نحوه خرج‌بودجه ٥ میلیارد ریالی

س- در مورد بودجه شما اشاره کردید. گویا یك بودجه‌ ٥ میلیارد ریالی به اضافه کل‌بودجه دانشگاهها و موسسات آموزش عالی در اختیار ستاد انقلاب فرهنگی قرار گرفته است. نحوه مصرف این بودجه چگونه‌بوده است وآیا ستاد کارنامه‌ای دراین مورد ارائه خواهد کرد؟

ج- پروژه‌های تحقیقی نسبتا زیادی از طریق شوراهای جهاد دانشگاهی به‌ستاد پیشنهاد شد و ستاد ازاین بودجه نیم میلیاردتومانی استفاده کرد و پول لازم رابرای اجرای پروژه ها در اختیار دانشگاهیان قرارداد. اما در مورد دانشگاهها، بودجه آنها تحت نظر ستاد نیستند. قرار است امکانات دانشگاهی تحت نظر ستاد باشند ولی آنها همچنان وضع خودشان را دارند.

ما راسا از بودجه دانشگاه‌هااستفاده نکرده‌ایم ولی از بودجه‌ای که توسط شورای انقلاب به‌ستادانقلاب فرهنگی اختصاص داده شده استفاده شده‌واینهم‌درزمینه اجرای پروژه‌ها بوده. یك مقداری پروژه‌ها در نشریـــه فرهنك انقلاب و نشر دانش منعکس شده. البته ما از شوراهای جهاد دانشگاهی خواسته‌ایم که صورت‌پروژه هارا بدهند. این پروژه‌ها بعضی در حال اجرا است‌البته وقتی تمام شد صورت آن‌به‌اطلاع مردم می‌رسد. و پولی که در هر موقع صرف شده اعلام خواهد شد.

همکاری باستاد

س- باتوجه به‌عده کثیر اعضای هیات های‌علمی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور چرا اکثریت



شماره ردیف: ۱

شماره مسلسل:

ماخذ: تاریخ اطلاعات ۱۰/۲/۶۰ شماره ۱۶۴۱۹



عنوان: از امکانات دانشگاهی در تربیت معلم استفاده میشود

موضوع: گفتگوی اطلاعات با دکتر شریعتمداری عضو ستاد انقلاب فرهنگی پیرامون مسائل دانشگاهها و چگونگی بازگشائی و عملکرد ستاد انقلاب فرهنگی

(آرشیو)

دکتر علی شریعتمداری عضو ستاد انقلاب فرهنگی در یک گفتگوی اختصاصی با اطلاعات به‌سئوالات خبرنگار ما پیرامون مسایل موجود دانشگاهها و چگونگی بازگشایی دانشگاهها و عملکرد ستاد انقلاب فرهنگی پاسخ گفت.

دکتر شریعتمداری در این گفتگو اظهار امیدواری کرد که در سال تحصیلی آینده با پذیرش ۳۰ هزار دانشجو برای رشته تربیت معلم و چند هزار دانشجوی دیگر برای رشته‌های فنی، پزشکی و کشاورزی امکانات دانشگاه به کار گرفته‌شوند.

وی گفت: امکانات دانشگاهها در اختیار تربیت معلم قرار می‌گیرد و ستاد انقلاب فرهنگی مایل است در هر رشته دیگر مانند تاریخ، فیزیک، ریاضی ومانند اینها نیز برای تربیت متخصص یک یادو مرکز راباز کشاید.

متن گفتگو به‌شرح‌زیر است:

بازگشائی دانشگاهها

س- چندی است که ستاد انقلاب فرهنگی ازطریق رسانه‌های گروهی به‌توجیه کارهایی که انجام شده‌ پرداخته است و گزارشاتی در مورد فعالیتهای ستاد ارائه می‌کند. باتوجه به علاقه مردم به آگاهی از این امور آیا می‌توان اکنون گفت که‌درآستانه بازگشایی‌دانشگاه ها قرار گرفته‌ایم؟

ج- بسم‌الله الرحمن الرحیم

کار ستاد انقلاب فرهنگی از ابتدا به نحوه‌ای نبود که جنبه خبری داشته باشد وبشود هر هفته یا هرروز تصمیماتی را که در زمینه برنامه ریزی گرفته می‌شوددر اختیار مردم قرارداد چون امر برنامه‌ریزی دائمی است و به‌تدریج پیش می‌رود و زمان‌لازم دارد تا به مرحله نهایی برسد در عین حال از ابتدا هم میل داشتیم که با مردم تماس داشته باشیم و علل بسته شدن دانشگاه را بامردم درمیان بگذاریم، شرایط بازگشایی دانشگاهها را مطرح کنیم. متاسفانه برنامه‌های منظم و مرتبی از طرف‌رسانه های گروهی تنظیم نمی‌شد. یکی دوتا برنامه هم بود که تعقیب نشد و باوجود آنکه اصرار داشتیم که بیشتراز رسانه‌ها استفاده کنیم و مطالب را با مردم در میان بگذاریم موفق نشدیم. اما در این مدت یک مقدار برنامه ها پیش رفته است. مثلا در رشته پزشکی طرحی تهیه شده که علی‌الاصول مورد موافقت ستاد انقلاب فرهنگی قرار گرفته و در اختیار صاحبنظران قرار گرفته با پاره‌ای مشکلات اجرایی روبرو است که ما از گروه پزشکی خواسته‌ایم مسائل اجرایی این طرح را مورد بررسی قرار دهند. گروه کشاورزی و فنی و مهندسی هم برنامه‌هاشان‌به‌مرحله‌اجرایی رسیده‌است‌وجنبه‌های‌آموزش فنی از دبیرستان تا دانشگاه ارائه شده است. بنابراین لازم بود این برنامه‌ها به نظر مردم برسد و اطلاع داده شود. ضمنا در بین مردم یک دلواپسی راجع به‌دانشگاهها است و علت این امر هم اینستکه تعداد زیادی دیپلمه‌در خانواده‌های ما وجود دارند. بارها شنیده می‌شودکه ۷۰۰ هزار یا ۸۰۰ هزار یا در حدود یک میلیون دیپلمه بیکار در این مملکت هست چرا فکری برای آنها نمی‌کنید. بعضی تصور می‌کنند که مشکل کار دیپلمه‌ها مربوط به دانشگاه است. در حالی‌که این مشکل ربطی به‌دانشگاه ها ندارد هر وقت دراین مملکت کنکور به‌عمل آمده ۷ یا ۸ درصد فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه توانسته‌اند در امتحانات ورودی دانشگاه موفق بشوند و به‌دانشگاه راه پیدا کنند بنابراین در سالهای قبل هم تکلیف آن ۹۰ یا ۹۲ درصد روشن نبوده است. حالا این مشکل از آموزش متوسطه ناشی می‌شود. فلسفه آموزشی متوسطه ما آماده کردن افرادی برای رفتن به دانشگاهها است در حالیکه عملا مسئولان آموزش و پرورش چه درگذشته و چه در حال می‌دانند که همه فارغ‌التحصیلان متوسطه نمی‌توانند به دانشگاه بروند معذالک اقدامی در تغییر برنامه‌های آموزشی دبیرستانها انجام نشده ویکی ازکار-هایی که ما در ستاد آغاز کردیم و البته به کندی‌پیش می‌رود تجدید نظر در برنامه‌های متوسطه است. خوب‌در این کار باید مسئولان آموزش و پرورش شرکت‌داشته باشند و با کمیته‌های برنامه‌ریزی ستاد در ارتباط‌مستقیم باشند و ما اینرا پیشنهاد کرده‌ایم امیدواریم بتوانیم با مشارکت مسئولان برنامه‌ریزی آموزش و پرورش وستاد انقلاب فرهنگی، هم برنامه متوسطه‌را با برنامه‌دانشگاهها هماهنگ کنیم و هم تغییرات اساسی در برنامه متوسطه ایجاد کنیم که بعد از این اینهمه معترض نداشته‌باشیم که‌بخواهند به دانشگاهها بروند و دانشگاهها گنجایش نداشته باشند بلکه اینها با استفاده از برنامه‌های فنی، حرفه‌ای کشاورزی و حتی برنامه‌های بهداشتی به‌نحوی آماده بشوند که بتوانند پس‌از فراغت‌ازتحصیلات‌متوسطه جذب بازار کار بشوند وحدود ۳۰ درصد از آنهافقط برای خدمت نظام و یا رفتن به دانشگاه و طی‌تحصیلات عالی آماده باشند. بنابراین مشکل دیپلمه‌های بیکار مشکل دانشگاهها نیست مشکل آموزش و پرورش‌است و از جهتی هم مشکل مملکت است در مملکت هم‌شکل فعالیتهای صنعتی و کشاورزی وبه‌طور کلی فعالیتهای اقتصادی باید روشن شود و آنچه‌راکه‌یک دیپلمه‌متوسطه می‌تواند انجام دهد روشن شود و بعد ما بیائیم دربرنامه های آموزشی متوسطه آنهارا جذب بازار کار کنیم و همانطور که گفته شد آن عده‌ای را هم که برای سطح عالیتر متخصص مورد نیاز است وارد دانشگاه بکنیم.

این مساله و مساله دیگری که در بعضی ازمحافل مطرح است و تصور می‌کنند که دانشگاه مرکز حل همه مشکلات است حتی اگر به‌صورت گذشته عمل کند. یعنی همان برنامه‌های گذشته جاری باشندو همان‌ضوابط و مقررات عمل کنند دانشگاه می‌تواند بسیاری ازمشکلات جامعه را حل کند در صورتی که چنین نیست. برنامه ریزی‌ها درگذشته نیز برروی اصول و مبانی علمی انجام نمی‌گرفته است. الان از این ۱۷۵ هزار دانشجویی که در دانشگاهها داریم اگر فردا دانشگاهها باز شود و نزدیک به چهل هزار نفر از آنها که در سالهای چهارم و آخر هستند فارغ‌التحصیل شوند بسیاری از آنها کاری در جامعه ندارند. یعنی لیسانسیه‌های علوم پایه ،لیسانسیه های ریاضی، فیزیک، شیمی و همچنین جامعه شناسی ، روانشناسی ، ادبیات و بسیاری از رشته ها شغلی‌نخواهند داشت. درگذشته آموزش و پرورش از اینها استفاده‌می کرده ولی اکنون می‌گوید که‌برای حرفه معلمی باید تربیت شده باشند تا ما بتوانیم از وجود آنها استفاده کنم و درست هم هست چون اینها برای معلمی آماده نشده‌اند و بسیاری از آنها ممکن است به کار معلمی علاقه‌نداشته‌باشند. بنابراین اگرما بخواهیم دانشگاهها را به‌صورت گذشته بازکنیم و همان رشته‌ها راداشته باشیم خوب یک عده‌ای می‌آیند و برای مدتی مشغول‌می-شوند ولی پس‌از فراغ از تحصیل ،جامعه چه پاسخی را می‌تواند به‌آنها بدهد، چه وضعی‌رابرای آنها روشن‌می-کند، چه‌حرفه‌ای دارد که در اختیار آنها قرار بدهد ، چطور می‌تواند از وجود اینها استفاده کند. آنوقت‌آنهمه نیروی انسانی به‌عنوان استاد، کارمند و دانشجو چهار سال مصرف شده است‌و بودجه‌های هنگفتی خرج شده برای اینکه شما در آخر سال مثلا میصد لیسانسیه ریاضیات یا تاریخ داشته باشید و مصرفی هم در جامعه نداشته باشید.

استفاده در تربیت معلم

دکتر شریعتمداری افزود: «بنابراین‌مافکر کردیم که بیائیم از امکانات دانشگاهی در تربیت معلم‌استفاده کنیم. پیشنهاد کردیم به مقامات آموزش و پرورش که سطح معلومات آموزگاران و معلمان مدارس راهنمایی و دبیران را تاسطح لیسانس بالا بیارند. چون یک‌معلم چه در ابتدایی و چه در راهنمایی یا متوسطه بخواهد تدریس کند اولا باید اطلاعات عمومی داشته باشد. ثانیا باید با فرهنگ و معارف اسلامی آشنا باشد، ثالثا باید با اصول تعلیم وتربیت وروانشناسی آشنا باشد و رابعا باید در رشته درسی نسبتا تبحر داشته باشد وبه تجربه ثابت شده که دیپلمه‌ها و فوق‌دیپلمه‌ها نمی‌توانند این ارکان اساسی برنامه را در دوره آموزشی در شخصیت خود وارد کنند و از هر جهت برای کار معلمی آماده باشند. مساله تغییر کتابهای درسی دبستانها ودبیرستانها و دوره‌های راهنمایی و نحوه تربیت آموزگار، تربیت مدیر همه باید به کمک آموزگاران و دبیران مجرب و مسئولان آموزش وپرورش انجام‌بگیرد .بنابر این ستاد تصمیم گرفت سازمانی به‌وجود بیاوردبه‌نام سازمان‌تربیت معلم که تمام مراکز تربیتی آموزش و پرورش‌و مراکز تربیت دبیر دبیرستانها در این سازمان متمرکز شوداز وجود دانشگاهیان و امکانات دانشگاهی برای تربیت معلمان و تحقیقات تربیتی و حل آن مشکلات تربیتی استفاده شود و ضمنا عده‌کثیری از دیپلمه‌ها را برای حرفه معلمی آماده کنند. این سازمان فعلادرحال‌تشکیل است. مسئولی برای این سازمان تعیین شده است وقرار است که اساسنامه آن تدوین شود. اگر این سازمان راه بیفتد . ما در سال تحصیلی آینده شاید بتوانیم ۳۰ هزار دیپلمه را در سطح مختلف برای معلمی انتخاب بکنیم و در یک دوره ۳ساله فشرده تحت تعلیم قراردهیم تا بعد هم وارد حرفه معلمی شوند . بنابراین با انجام این کار همان تعدادی راکه دانشگاهها درگذشته می-توانستند جذب کنند در دانشگاهها به‌منظور اینکه اینها را آماده کنند برای حرفه معلمی می‌پذیرند و تعداد زیادی از استادان و دانشجویان مشغول کار می شوند ، امکانات دانشگاهی به کار می‌افتد و از این جهت هم‌عده زیادی وارد دانشگاه شده‌اند،هم نیاز تربیت معلم برطرف شده و هم نیروی انسانی موجود در دانشگاه به‌کار افتاده و هم از آزمایشگاهها و دیگر امکانات آموزشی استفاده شده است. البته باید بگویم نظر ما این است که در هر رشته یکی دو مرکز تحقیق و پرورش متخصص در سطح عالی داشته باشیم مثلا فیزیکدان پرورش‌بدهیم، ادیب پرورش بدهیم و ریاضیدان پرورش بدهیم اما نه بدون برنامه بلکه بازهم براساس نیازهای اجتماعی . براساس اینکه خوب دانشگاههای ما در آینده احتیاج‌به استاد دارند پس عده‌ای را در سطح عالی تربیت کنیم و اگر لازم باشد آنهارا به خارج بفرستیم وبه این‌ترتیب نیاز جامعه را با متخصصین عالیمقام تامین کنیم وتوجه به اینکه تکلیف دانشجویان کنونی باید روشن شود و مشکلاتی که این کار دارد ایجاب کرد که‌تمام‌این مسایل راباا مردم درمیان بگذاریم و کارهای‌انجام‌شده را به نظر مردم بگذاریم. مشکلات کارمان را در رابطه با بازسازی دانشگاهها به اطلاع مردم برسانیم و ضمنا بحثهایی‌داشته باشیم با صاحبنظران تااگر واقعا راه حلی‌به‌نظر آنها میرسد ما استفاده کنیم.

راه‌حل ستاد برای سه مسئله اساسی

س- به‌این نحوبه‌نظر می‌رسد که‌ظاهرا درآستانه بازگشایی دانشگاهها قرار گرفته‌ایم . آیا ممکن است بفرمائید ستاد انقلاب فرهنگی برای سه مساله اساسی مدیریت دانشگاهها - نظام آموزشی و نحوه پذیرش دانشجو که‌ازابتداجزء لوازم اصلی بازگشایی دانشگاهها نیز اعلام شده بود چه طرح مشخصی تهیه نموده‌است؟

ج- ما در گروههای برنامه ریزی خود در علوم پایه - علوم انسانی و همینطور علوم پزشکی و فنی ، کشاورزی ،در بعضی از رشته‌ها مقاطع تحصیلی را هم روشن کرده‌ایم. مثلا در کشاورزی فرض کنید ازدوره دبیرستان آغاز می‌شود . دوره‌های عملی و نظری باهم تلفیق شده‌اند و بعد دوره آموزشکده و سپس دوره دانشکده و بعد مرکز عالی تحقیقات عالی آموزش کشاورزی مشخص شده‌اند همینطور گروه فنی ما در این زمینه‌اقدام کرده و برنامه‌ای تهیه کرده است که هم دبیرستان را در برمی‌گیرد و هم دوره مقدماتی دانشگاه را در برمی‌گیرد. در بعضی ازرشته‌ها هنوز قطع‌تحصیلی را معین نکرده‌اند الان گروه‌های ما در حال برنامه ریزی هستند و وقتی به مرحله نهایی رسید تعیین مقطع تحصیلی هم برای آن گروهها آسان می‌شود.

در مساله گزینش دانشجو کارهای مقدماتی انجام گرفته است. البته گزینش دانشجو همانطور که گفته‌ایم با گذشته تفاوت دارد . درگذشته آزمون ورودی از همه به عمل می‌آمد هرکه نمره بیشتر داشت می-توانست رشته مورد نظر را انتخاب بکند اما الان مامی-خواهیم به‌تناسب جمعیت مملکت در استانها ، تعداد دانشجویانی راکه‌در دانشگاهها می‌پذیریم توزیع کنیم . می‌خواهیم دانشجو از محلهایی بگیریم که آن محلها

شماره ردیف

شماره مسلسل

ماخذ ، تاریخ



عنوان :

موضوع :

«آرشیو»

پایتخت می‌شود. همچنین گزینش و آموزش منطقه‌ای باعث می‌شود که فارغ‌التحصیلانی که در نزدیکترین محل به موطنشان تحصیل کرده‌اند، رغبت بیشتری باشتغال و زندگی در آنجا داشته باشند. با توجه به دلائل فوق توزیع عادلانه نیز بطور طبیعی انجام خواهد گرفت. متاسفانه تحقیق و پژوهش در دانشکده‌های پزشکی در نظام گذشته بدون در نظر گرفتن نیاز جامعه آنهم بطور ناقص انجام می‌گرفت. باین معنی که درمراکز بعضی استانها بدون توجه به مسائل و مشکلات موجود در شهرهای کوچك و روستاها طرحهای پژوهشی برای این مناطق تنظیم می‌شد در حالیکه در طرح پیشنهادی بعلت وجود سیستم ارتباطی دانشجو و استاد که تا سطح روستا ادامه دارد، پژوهش‌وتحقیق حالت پویایی‌بخود گرفته و فقط درحد نظریه‌های غیرقابل عمل باقی نمی‌ماند. بدیهی است که تحقیق محدود به نیازها نمی‌شود و بودجه تحقیقاتی مستقل جهت پژوهشهای تخصصی و پایه‌ای منظور می‌شود.

همینطور از دوباره کاری در امر درمان و بهداشت و تحقیق جلوگیری شده و لذا در بودجه مصرفی صرفه‌جویی خواهد شد. و با همراه کردن آموزش، بهداشت و درمان سطح خدمات درمانی دولتی بالا خواهد رفت، لذا بیماران رغبت بیشتری بان نشان خواهند داد. این امر موجب بروز رقابت با طب خصوصی شده و از قیمتهای سرسام‌آور خدمات درمانی خواهد کاست.

یکی دیگر از بخشهای اصلی ستاد قسمت آموزش و پرورش «عمومی» یا «پیش دانشگاهی» است که در بیستم مرداد ۵۹ تشکیل و نخستین مسئولیتی که بر عهدهٔ آن گذاشته شد برقراری هماهنگی بین گروههای فعال و نتائج بدست آمده بود که با استفاده از منابع مطالعاتی خاصی از جمله قران، نهج‌البلاغه، قانون اساسی، پیامهای امام، رهنمودها و پیشنهادات صاحبنظران، منابع آموزشی سایر کشورها، تالیفات معتبر و غیره؛ صورت گرفت.

اهداف این نهاد را با توجه به برنامه‌ریزیها می‌توان در حیطهٔ مسائلی از قبیل تسهیل و عمومیت دادن آموزش‌های بعدی و تعلیم و تعلم و تربیت بدنی رایگان برای عموم، از بین بردن تفاوت‌گذاریهای طبقاتی و بوجود آوردن امکانات برابر، تامین خودکفائی در امور نظامی و سایر علوم و فنون و صنعت و کشت و زرع و غیره و استفاده از رسانه‌های گروهی و وسائل تعلیم برای ترفیع سطح بینش و آگاهی‌های علمی و اجتماعی مردم؛ دانست.

همینطور از سایر اهداف تعلیم و تربیت می‌توان ایجاد نظام اداری صحیح و محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی و مقابله با مظاهر کفر، شرك، استثمار، فقر و فساد و آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور اسلامی؛ را نام برد.

و باقی هدفهای بخش آموزش پیش دانشگاهی عبارتند از مشارکت دادن عموم مردم در تعیین سرنوشت فرهنگ و نظام آموزشی کشور خود، تاسیس مراکزی برای تشویق به پژوهش و ابتکار در همهٔ زمینه‌ها، توسعه و استوار ساختن انساندوستی اسلامی و همیاری بین مردم و غیره.

در حال حاضر متخصصین دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی مشغول پژوهش هستند و همچنین کمیسیون اهداف در شوراء عالی آموزش و پرورش مشغول گردآوری هدفهای تعلیم و تربیت می‌باشد.

دانشگاه‌ها از مرحله بازیابی هویت مکتبی مردمی تا بازگشایی

.... این مختصر شرحی بود اجمالی در مورد فعالیتهای ستاد انقلاب فرهنگی. ذکر این نکته نیز ضروریست که از هنگام تحریم انقلابی کلاسهای دانشگاه بوسیلهٔ انجمن اسلامی دانشجویان که مشت محکمی بود بر دهان یاوه‌گویی گروه‌های چپ آمریکایی، تبلیغات کاذبی از جانب این منحرفین و حامیانشان در داخل و خارج کشور، مبنی بر تعطیل بودن دانشگاهها و مسائل مربوط به کنکور صورت گرفته است.

دکتر علی شریعتمداری در رابطه با کنکور و بازگشایی دانشگاه طی مصاحبه‌ای این ابهامات را رفع کرده است که در اینجا ضمن توضیح این نکته که هر رشته بعد از آماده شدن برنامه لازم فعالیت خود را آغاز می‌کند، به نقل ممتد قسمتهایی از صحبتهای آقای شریعتمداری می‌پردازیم:

مساله بازگشایی دانشگاهها یك مساله‌ای اساسی و مورد توجه مردم است. بعضی به علت نیاز مملکت به متخصص، بعضی برای اینکه تکلیف دانشجویانی که به تحصیل اشتغال داشته‌اند روشن بشود و گروهی بخاطر روشن شدن تکلیف داوطلبان ورود به دانشگاه، میل دارند بدانند که دانشگاهها کی باز می‌شود.

ستاد انقلاب فرهنگی هم از ابتدا توجه به این مسائل داشت ولی وقتی ما تصمیم گرفتیم که سال تحصیلی جاری دانشگاهها را باز نکنیم تا تغییرات بنیادی در سازمان و مدیریت و برنامه‌های آموزشی دانشگاهها بعمل بیاید توجه به مشکلات باز کردن دانشگاهها داشتیم. صرف باز بودن دانشگاهها و اشتغال به تحصیل افراد در دانشگاه یا ورود فارغ‌التحصیلان متوسطه به دانشگاه برای حل مشکلات اجتماعی مفید نیست وقتی دانشگاه می‌تواند رسالتش را درخدمت به مردم انجام بدهد که برنامه‌های آموزشی آن منعکس کننده نیازهای جامعه باشد. وقتی که ما دانشجویی را انتخاب می‌کنیم و از باب مثال در رشته ریاضی به تحصیل وامی‌داریم و پس از فراغ از تحصیل او را با حرفه‌ای که با آن رشته تناسب دارد مشغول بکار می‌کنیم در اینصورت تحصیل این دانشجو و بازشدن این رشته معنی دارد اما اگر در سال فرض کنید ۳۰۰ نفر داوطلب ورود به رشتهٔ ریاضی از بین تمام داوطلبان انتخاب بکنیم و اینها را در پنج تا دانشکده جا بدهیم و این عده چهارسال زحمت تحصیل را تحمل بکنند و پس از فراغ از تحصیل تکلیف آنها از لحاظ کاری که می‌خواهند به آن کار اشتغال پیدا کنند روشن نباشد و اصولاً برنامه‌ای برای اینها تدوین نشده باشد و عدهٔ کثیری از اینها بدون شغل بمانند. بنا بر این باز کردن این رشته و تعلیم آن به یك عده داوطلب و بکار گماشتن استادان ریاضی در رشته تخصص خودشان معنایی ندارد. عین همین جریان در مورد رشته شیمی، فیزیك، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی و رشته‌های مربوط به علوم انسانی صادق است. یعنی همانطوریکه گفتم باز کردن دانشگاهها و ادامه برنامه‌های گذشته مشکلی راحل نمی‌کند. عده‌ای قسمتی از وقتشان در دانشگاه صرف می‌شود ولی پس از فراغ از تحصیل سرگردان هستند و نمی‌دانند چکار کنند و به کجا بروند. جامعه هم خرج سنگینی را متحمل می‌شود. اما بازده اینهمه فعالیت و برنامه‌ریزی چیزی نیست که برای جامعه سودمند باشد. بنابراین ما می‌خواهیم کاری بکنیم که دانشگاه در خط خدمت به مردم عملاً حرکت بکند اگر جامعه احتیاج به پزشك دارد. دانشکده‌های پزشکی ما در تربیت پزشکانی که برای درمان اکثریت مردم پس از فراغت از تحصیل مشغول بکار شوند اقدام بکند والاصرف داشتن دانشکده پزشکی یا دانشکده‌های پزشکی و یا اینکه در سال هزار فارغ‌التحصیل از آن خارج بشود و معلوم نباشد که این هزار نفر بکجا می‌روند آیا در مملکت می‌مانند؟ به کشورهای خارجی سفر می‌کنند؟ آیا رشته‌های تخصصی می‌بینند؟ آیا این رشته‌های تخصصی مورد نیاز جامعه ما هستند یا نیستند؟ اگر این چیزها را روشن نکنیم صرف باز شدن دانشکده‌های پزشکی با همه نیازی که جامعه به پزشك دارد در رفع نیازهای جامعه مفید نیست.

... در گذشته کنکوری بعمل می‌آمد و اشخاصی که نمره‌های عالی در کنکور می‌گرفتند می‌توانستند وارد دانشگاه بشوند و رشته‌های اولیه را مثل رشته پزشکی و رشته فنی و بعد کشاورزی را انتخاب کنند. اما اینها معمولاً از مدارسی خارج می‌شدند که یا بصورت خصوصی اداره می‌شدند و معلمان ورزیده داشتند و یا در شهرهایی وجود داشتند که امکانات آموزشی آنها خوب بود. غالباً افرادی که در شهرها و بخش‌ها زندگی می‌کردند واز استعدادهای فراوان هم برخوردار بودند بخاطر عدم حضور در دبیرستانهای مجهز نمی‌توانستند معلومات کافی را فرا بگیرند و در امتحانات ورودی دانشگاهها موفق بشوند....

آنهایی که در مصاحبه‌ها از بازگشایی دانشگاهها صحبت می‌کنند منظورشان این است که وقتی برنامه‌ای تدوین شد و به نظرخواهی گذاشته شد و نحوه اجراء آن مشخص شد و تغییراتی که جای این برنامه در سازمانها ایجاب می‌کند بصورت عمل درآمد و نحوه انتخاب دانشجو هم روشن شد و استادان هم برای تعلیم در این رشته آماده شدند آنوقت این رشته باز خواهد شد. بنابراین آنهایی که صحبت از بازگشایی می‌کنند می‌گویند پس از این مراحل نسبت به بازگشایی رشته‌ای اقدام خواهد شد....

به امید پیاده شدن نظام آموزشی اسلام و معیارهای فرهنگی آن در جمهوری اسلامی.

یدالله غلامی

شماره ردیف

شماره مسلسل

ماخذ ، تاریخ



عنوان :

موضوع :

«آرشیو»

این گروهها براساس اهداف عمومی دانشگاههای اسلامی اقدام به تدوین اهداف تخصصی رشته خود می‌نمایند که پس از تهیه، همراه با شرح آن بصورت طرحی مدون از طریق رسانه‌های گروهی به نظرخواهی عمومی گذاشته می‌شود. ضمناً نسخه‌ای از طرح هدفهای تخصصی گروه در اختیار هریك از دانشگاههای مربوط به آن رشته قرار می‌گیرد. پروژه مزبور بعد از جمع‌بندی نقطه نظرات ارسال شده و تبادل‌نظر با وزارتخانه‌ها و نهادهای اجتماعی مرتبط، در مجلس شورای اسلامی جهت تصویب مطرح می‌شود. پس‌از تصویب طرح‌برنامه‌ریزی آموزشی رشته تحصیلی در چهارچوب اهداف تخصصی انجام می‌گیرد.

اضافه می‌شود که تاکنون گروههای «کشاورزی»، «پزشکی» و «فنی و مهندسی» طرح خود را برای تهیه برنامه آموزشی به نظرخواهی عمومی گذاشته‌اند.

یکی از بخشهای واحد برنامه‌ریزی آموزش عالی، گروه علوم می‌باشد. هدف گروه علوم پایه بارور کردن و هدایت استعدادهای ناشکفته و راهنمایی اجتماع برای حاکم شدن معیارهای اسلام و ترقی سطح بینش الهی مردم برای استفاده شرعی از مواهب حیات و شناخت فرهنگ اسلام و غیره است.

«واحد ترجمه، تالیف و تصحیح کتب دانشگاهی» نیز یکی از واحدهای بخش آموزش عالی می‌باشد که ـ با توجه به امکانات و نیازهای فوری دانشگاهها و موقعیت خاص مملکت این واحد دو نوع هدف برای خود درنظر گرفته است:

۱ـ هدفهای عاجل (کوتاه‌مدت)

۲ـ هدفهای اجل (درازمدت)

۱) اهداف کوتاه‌مدت عبارت است از تشکیل گروههای تخصصی در رشته‌های مختلف دانشگاهی (۲۹ رشته) مرکب از اساتید مجرب و متعهد. این گروهها انتخاب کتابهای مناسب رشته خود را با رعایت طرحها و برنامه‌ریزیهای دانشگاههای آتی و نیازهای کشور و همچنین با توجه به پیشنهادهای اساتید دانشگاهها بعهده خواهند گرفت. در زمینه انتخاب کتابها، همکاری و ارتباط مستقیم با واحد برنامه‌ریزی آموزشی ستاد انقلاب فرهنگی برقرار است.

۲) اهداف درازمدت عبارت است از برآوردن کلیه نیازهای دانشگاهها در زمینه کتابهای آموزشی. تشکیل این قسمت آغازی است برای تاسیس یك «مراکز انتشارات دانشگاهی» که فعالیتهای کلیه مؤسسات انتشارات علمی دانشگاههای کشور را هماهنگ کرده، کار چاپ و انتشار کتابها را از مرحله انتخاب تا چاپ و نشر زیرنظر خواهد گرفت. در این رابطه ترجمه، تالیف و یا تصحیح بیش از یکهزار و پانصد اثر در زمینه‌های علوم، فنون، ادب و هنر بوسیلهٔ اساتید دانشگاه برعهده گرفته شده است.

در ضمن تذکر داده می‌شود که محتوای کتب باید در جهت گسترش بینش اسلامی و تمایل به هدفهای تحولات فرهنگی باشد. اما به این دلیل که ترجمه اکثراً از منابع غربی انجام می‌شود، برخلاف دقتی که در تعیین محتوای آنها به عمل می‌اید، قادر نیست که جهت اسلامی و انقلابی مورد نظر را بصورت جامعه در برگیرد. در این مورد قسمت اصلی مسئولیت به عهدهٔ حوزهٔ علمیه خواهد بود و باین طریق پیوند وثیقی بوجود خواهد آورد......

آموزش پزشکی: پیوند دانشجو با متن مردم

... با توجه به این نمونه‌ها بطور کلی بیش از یکصدو پنجاه بخش در سطوح مختلف ستاد وجود دارد که ذکر همهٔ آنها ضرورتی ندارد و شمارهٔ اول نشریهٔ ستاد برای صحه بر این گفتار نمودار گروه پزشکی را در صفحهٔ ۲۳ خود چاپ کرده که این گروه شامل ٥ کمیته است و کمیته پزشکی آن ٤ شاخه را شامل می‌شود که شاخهٔ پیراپزشکی خود شامل ۹ زیر شاخه است و بالاخره زیر شاخهٔ توانبخشی نیز مستقلاً مشتمل بر ٦ قسمت می‌باشند.

در صفحهٔ ۳٤ نیز طرح پیشنهادی گروه پزشکی شرح داده شده است که بد نیست نگاهی هم به آن انداخته و طی تشریح کیفیت رفع معایب آموزش پزشکی نگاهی هم به رابطهٔ امکانات با طرح‌ها بیندازیم و ببینیم به چه علت این نظام می‌تواند پاسخ دهندهٔ نیازهای جامعهٔ ما باشد.

ـ درجریان بررسی و برنامه‌ریزی‌های آموزشی، گروه‌به این نتیجه رسیده که آموزش پزشکی بدون در نظر گرفتن اصل بیست‌ونهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برخورداری از وجوه مختلف تامین اجتماعی و از آن جمله خدمات بهداشتی و درمانی را حق ملت می‌داند، میسر نیست و برای اجرای اصل فوق لازم بود که با در نظر گرفتن معایب هر دو نظام خدماتی و آموزشی طرحی در جهت از بین بردن این معایب ریخته شود. ـ

پس از بحثها و بررسی‌های دقیق، شاخه پزشکی به این نتیجه رسید که جهت رفع معایب آموزش پزشکی، انتظاراتی را که از یك دانشکده پزشکی می‌توان داشت این است که دانشجو را به کل جامعه و بویژه توابع کوچك و آبادی‌ها بسیج کرده و طبق این معیار که معلم و متعلم خود را بی‌نیاز از تتبع ندانند، برنامه‌ریزی کند که در خدمت احساس مسئولیت کرده و همهٔ وقت خود را به این امر بپردازند.

دانشکده‌های پزشکی آینده باید ـ در رابطه با بهداشت تغذیه و درمان، نیازهای موجود و رو به افزایش جامعه را بشناسد و همواره با استفاده از آخرین تحقیقات علمی و ارتباط بامجامع علمی در سطح بین‌المللی برنامه‌ریزیهای خود را بر اساس خودکفائی و برآورد نیازها متکامل سازد ـ و ـ قادر به تربیت پزشکانی بصیر و مورد اعتماد باشد که تامین بهداشت و درمان مردم را وسیله‌ای برای رضای خدا و تقرب باو بدانند و با حفظ سلامت انسانها به شکوفا شدن صفات خداگونه در مردم کمك کنند و لذا رسالتی روحانی برای خود قائل باشند. یعنی برنامه‌های پزشکی و تعالیم اسلامی باید بگونه‌ای باشد که انسانهای متعهد و متعالی و آشنا به مکتب (با حفظ حقوق اقلیتهای مذهبی) تربیت نماید.

در برنامه‌های این دانشکده تعلیم مطالب عمده و مرتبط با اصالتهای بومی و تعلیم تغذیهٔ مناسب و بهداشت صحیح مقدم بر سایر مسائل است و آموزش و پرورش علوم مورد احتیاج جامعه برای تعلیمات پزشکی باید تضمین شده و احساس مسئولیت نموده و [illegible]

.. با توجه باینکه بیش از ده‌ها هزار [illegible] وجود دارد، حضور طبیب در همهٔ آنها امکان‌پذیر نیست و از انجا که غالب مراجعات بهداشتی در مواردی سطحی و مشخص محاط می‌شود می‌توان یکی از اهالی باسواد را آموزش داد تا پیشگیری و معالجهٔ موارد مذکور را برعهده گیرد.

همچنین دانشجویان مقدماتی پزشکی در رابطه با موارد فوق در مدت زمان معینی برای آشنایی با نیازهای بهداشتی جامعه در روستاها و بخشهای شهرهای ایالت به خدمت مشغول می‌شوند.

نظام واحد آموزشی، بهداشتی و درمانی که بصورت ایالتی اداره خواهند شد بدلائلی که ذکر شده‌اند پاسخگوی نیازهای انقلاب اسلامی و جامعه است.

حضور دائم دانشجو در اقصی نقاط کشور و آموزش توام با خدمت او امکان ندارد مگر اینکه مدیریت بیمارستانها و درمانگاههای موجود از جهات آموزش و خدماتی تحت یك پوشش درآید تا از اصطکاك این دو جلوگیری شود.

نیروی جوان دانشجویان متعهد و مسئول در بالا بردن سطح آگاهی عمومی مردم در روستاها و بخشها و بیدار کردن نیازهای خفته انها، بخصوص از نظر بهداشتی و پزشکی بسیار موثر خواهد بود. حضور دائم دانشجوی کنجکاو و پیگیر در سطح روستاها و بخش‌ها و مشارکت آنها در امور بهداشتی مانند واکسیناسیون و غیره موجب تعالی کیفیت خدمات بهداشتی می‌شود.

حضور دائم دانشجویان پزشکی در مراکز درمانی و بحث و تبادل‌نظر آنها با پزشك مسئول باعث بالا رفتن کیفیت خدمات درمانی بیماران محروم می‌گردد. برای دانشگاههای فعلی امکان‌پذیر نیست که برای تامین نیروی انسانی و پزشکی مورد نیاز و ارائه آموزش همراه با خدمت، در اقصی نقاط کشور مجتمع آموزشی و بیمارستانی دانشگاهی ایجاد کند و برای این منظور می‌بایست از امکانات موجود که در خدمت وزارت بهداری است استفاده نماید و این کار تنها تحت یك پوشش امکان‌پذیر است. در حال حاضر وسائل بسیار گرانبها و مفیدی در دانشگاهها و مراکز درمانی وزارت بهداری موجودند که از آنها صرفاً یا در جهت آموزشی یا در جهت درمانی استفاده می‌گردد. در حالیکه در نظام واحد از هر وسیله در هر دو بخش درمان و آموزش استفاده خواهد شد و با توزیع عادلانه وسائل و تجهیزات در سطح کشور به خود کفائی استانهای محروم کمك می‌گردد.

در نظام جدید از پزشکان وزارت بهداری که اکثریت پزشکان مملکت را تشکیل می‌دهند، گروهی که قابلیت آموزش دادن را دارند، بکار گرفته می‌شوند و بقیه نیز که در حال رکود و تحلیل تدریجی هستند بعلت حضور دانشجو و شرکت در امر تعلیم و تعلم بحالت فعال درمی‌آیند. با توجه به تمام وقت شدن اساتید دانشگاهها و خدمت آنها در سیستم شبکه‌ای پیشنهادی از وجودشان در ارائه خدمات درمانی در سطح وسیع‌تر و برای عامه مردم بهره گرفته می‌شود. وجود آموزش و کیفیت درمان بهتر و در نتیجه ایجاد جاذبه در شهرستانها باعث جذب نیروی متمرکز در مراکز استانها و

شماره ردیف

شماره مسلسل

ماخذ ، تاریخ



عنوان :

موضوع :

«آرشیو»

اموزش؛ تهیه و تدوین نظام آموزشی کشور برای دوره قبل از ابتدائی تا سطح آموزش عالی در چهارچوب خط‌مشی تعیین شده؛ ادغام و انحلال بعضی از مؤسسات آموزش عالی موجود و تاسیس دانشگاههای جدید: بررسی و تعیین محتوای کتب و برنامه درسی دانشگاهها در جهت اهداف جمهوری اسلامی؛ بررسی کادر علمی و کمبودها و تکمیل کادر علمی و اداری؛ تغییر فرم و محتوای آموزش عالی و متوسطه؛ جذب نیرو در هنگام تعطیل دانشگاهها، اجراءِ پروژه‌های مختلف و ارائه خدمات به جامعه؛ و تنظیم رابطه بین پذیرش دانشجو و برنامه‌ها در مناطق روستایی بطوریکه دانشجو عملاً آماده شود تا بعد از فراغت از تحصیل در خدمت رفع نیازهای مبرم و حیاتی قرار گیرد.

تشکیلات ستاد انقلاب فرهنگی

بخش عمدهٔ تشکیلات ستاد انقلاب فرهنگی در رابطه با دفتر هماهنگی این ستاد بصورت فهرست‌وار بشرح زیر است که پس از این شرح به معرفی برخی از بخشهای عمده و غیر عمده این تقسیمات می‌پردازیم:

۱) جهاد دانشگاهی

الف ـ مدیریت داخلی

ب ـ روابط عمومی

ج ـ واحد هماهنگی امور دانشگاهها

I : شوراهای دانشگاههای استانها

II : شوراهای دانشگاههای تهران

د ـ واحد هماهنگی طرح و برنامه.

I : کمیته عمران) شامل هیدرولیك و ابرسانی، تحقیقات مصالح، معماری و شهرسازی، راه و پل

II : کمیته علوم) شامل فیزیك، بیولوژی، ریاضی و علوم کامپیوتر

III : کمیته صنایع و معادن) شامل برق و الکترونیك، مکانیك، زمین‌شناسی و معدن، متالوژی، صنایع، نساجی شیمی و مهندسی شیمی

IV : کمیته کشاورزی و منابع طبیعی، شامل چوب‌شناسی و صنایع چوب، آبخیزداری، جنگلداری و اقتصاد جنگل، دامپروری، صنایع غذائی، باغبانی، ماشین‌آلات، خاکشناسی، ابیاری و آبادانی، گیاهپزشکی، زراعت

V : کمیته پزشکی) شامل طب، دندانپزشکی، بهداشت، داروسازی، دامپزشکی، فیزیوترابی، علوم ازمایشگاهی، پرستاری

VI : کمیته علوم انسانی) شامل کتابداری، جغرافیا، علوم تربیتی و روانشناسی، زبانهای خارجی، تربیت بدنی، هنرها، ادبیات عرب، تاریخ، علوم اجتماعی، اقتصاد، علوم اداری، حقوق، علوم سیاسی، ادبیات فارسی.

۲) اموزش پیش دانشگاهی ـ شامل کمیته‌های آموزش دبستانی و پیش دبستانی، علوم ریاضی، فنی، پرورشی، علوم انسانی، تربیت معلم، هنری، اساسنامه و آیین‌نامه، ارزشیابی و آزمایش، تهیه منابع و نشریات، بررسی طرحها و پیشنهادات، هماهنگی گروههای پژوهشی، علوم تجربی.

۳) اموزش عالی

الف ـ مدیریت و سازماندهی

ب ـ تزکیه

ج ـ بافت اموزشی دانشگاهها

د ـ ترجمه، تالیف و تصحیح کتب دانشگاهی: شامل شیمی، ریاضی، مدیریت، معماری و هنر، کتابداری، علوم تربیتی و روانشناسی، علوم اجتماعی، ادبیات فارسی، ادبیات عرب، تاریخ، اقتصاد، جغرافیا، حقوق و فقه، فلسفه، زبانهای خارجی، دائرةالمعارف‌ها و فرهنگها، داروسازی، زمین‌شناسی و معدن، برق، مکانیك، متالوژی، تربیت بدنی، علوم سیاسی، پزشکی، کشاورزی، فیزیك، دندانپزشکی، بیولوژی، بیوشیمی.

ه ـ (بانك آمار و اطلاعات) برنامه‌ریزی آموزشی

I : گروه پزشکی) شامل دندانپزشکی، طب، داروسازی، بهداشت، دامپزشکی.

II : گروه علوم پایه) شامل ریاضی، فیزیك، شیمی، بیولوژی، زمین‌شناسی.

III : گروه کشاورزی) شامل مهندسی زراعی، امور و علوم زراعی، منابع طبیعی، آموزشهای تخصصی و تحقیقاتی، آموزش آزاد و کار عملی، بررسی امکانات و نیازها، حرف و صنایع روستایی و کشاورزی، دبیرستان کشاورزی، امور و علوم دامی.

IV : گروه فنی و مهندسی) شامل برق، مکانیك، مواد، شیمی، عمران.

V : گروه علوم انسانی) شامل انسانشناسی، علم سیاست، ارتباطات، علم اداره و مدیریت، اقتصاد و امور بازرگانی، هنر، فلسفه، زبان و ادبیات، حقوق، جامعه‌شناسی، جغرافیا، تاریخ، الهیات، علوم تربیتی، روانشناسی.

جهاد دانشگاهی: بسیج متخصصین و پژوهشگران

یکی از تقسیمات اصلی ستاد انقلاب فرهنگی بخش جهاد دانشگاهی است. درحالی که دانشگاهها تعطیل هستند و کلیه امکانات آنها از جمله نیروهای انسانی، بلااستفاده مانده است این بخش می‌تواند حوزه‌ای باشد که از هدر رفتن نیروها جلوگیری نموده و آنها را در جهات پیشرفت کشور اسلامی بکار گیرد.

شوراءِ مذکور طی مصوبه‌ای در تاریخ ۱۶ مرداد ۵۹ برای استفاده از نیروهای بلااستفاده برای سازندگی کشور تشکیل یافت که اعضاء آن عبارتند از برادران:

جلال‌الدین فارسی نماینده ستاد، مهندس رحیمزاده و مهندس تهرانی‌زاده استاد، مهدی آخوندی دانشجو، رضا بیگدلی کارمند و سعید کلانترنیا نمایندهٔ جهاد سازندگی.

اختیارات این بخش طبق مصوبهٔ تشکیل آن عبارتند از شناسایی و استفاده از نیروهای آزاد شده دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی اعم از استاد، کارمند، کارشناس آموزش و عوامل خدماتی؛ بررسی و شناسایی زمینه‌های جذب نیرو در نهادهای انقلابی و وزارتخانه‌ها؛ و تهیه طرحهای مستقل که بتواند نیروهای دانشگاهی را جذب کند؛ استفاده از امکانات اموزشی و تجهیزات وسائل کارگاهی و امثال ان؛ استفاده از بودجه‌ای که در بند ۳ لایحه قانونی مورخ ۵۹/۴/۲۵ مقرر گشته است؛ و تشکیل شوراهای سه‌نفره‌ای که مسئولیت ادارهٔ جهاد دانشگاهی را در هر دانشگاه و مؤسسهٔ عالی اموزش خواهد داشت و امکانات و تجهیزات و وسائل کارگاهی و امثال آنرا در اختیار خواهد گرفت.

اهداف جهاد دانشگاهی را می‌توان باین شرح بیان نمود که این شورا می‌خواهد متخصصین و پژوهشگران دانشگاهی را با معیارهای اسلام اصیل که تعالیم آن تضمین کنندهٔ آرمانهای مستضعفین است، آشنا و سعی نماید بوسیلهٔ این توانایی‌های فکری و عملی مشکلات مملکت را حل نموده و در انتها کشور را به استقلال حقیقی برساند.

هدف جهاد دانشگاهی این است که این نیروها را برای جلوگیری از ضایع شدن استعدادهای فراخور سرزمین اسلامی و جلوگیری از نابودی آنها بسیج کند و سعی نماید نیازهای وابسته به فعالیتهای نهادهای انقلابی از جمله جهاد سازندگی را تامین و حداکثر بهره‌گیری از امکانات دانشگاه را در این راه بنماید و همینطور حصارمیان دانشگاه و تودهٔ مردم را از بین ببرد تا اعضاءِ این دو اجتماع با همفکری و مساعدت و همکاری، یکدیگر را دریابند و بتوانند گام مؤثری در پیشبرد اهداف طرحهای ترمیم فرهنگ بردارند.

و دیگر برنامه‌ای که جهاد دانشگاهی دارد همکاری است بامراکز صلاحیت‌دار و ایجاد طرح نظام‌آموزشی دانشگاهی جدید برای یاری در طرح این نظام و پیگری در اجراءِ در دانشگاهها و جلوگیری از انحراف آن.

جهاد دانشگاهی از بدو تاسیس طبق گزارش یکماه آذر ۵۹ دست به استفاده از حدود سیصد طرح و فعالیت در زمینه رشته‌های تقسیم‌بندی شدهٔ واحد هماهنگی طرح و برنامه زده که میزان پیشرفت کار آن بین «آغاز مرحلهٔ برنامه‌ریزی» و «پایان مرحلهٔ بهره‌برداری» متغیر است و تاریخ شروع نخستین انها اول تیر ۵۹ می‌باشد. عین جدول نمودار این فعالیتها در آخر این مقاله خواهد آمد.

آموزش عالی براساس معیارهای مکتبی

یکی دیگر از تقسیمات اصلی ستاد انقلاب فرهنگی بخش اموزش عالی می‌باشد که مسئولیتش تجدید نظر کلی در نظام اموزشی کشور است. این بخش به پنج قسمت جداگانه تقسیم می‌شود که هر قسمت به برنامه‌ریزی نظامی بعنوان مقدمهٔ بازشدن دانشگاه می‌پردازد.

ـ چون اساس آموزش عالی کشور معیارهای اصیل و بویای اسلامی خواهد بود، ابتدا این معیارها مورد بحث و بررسی قرار گرفته و اهداف عام دانشگاههای اسلامی اینده مشخص شده است ـ که تهیه و تدوین طرح آموزشی در رشته‌های مختلف برای این دانشگاهها هدف کلیَ «واحد برنامه‌ریزی آموزشی» را که از بخشهای قسمت اموزش عالی می‌باشد، دربر می‌گیرد.

برای هر مجموعه از رشته‌های تحصیلی مرتبط، یك گروه تخصصی در ستاد انقلاب فرهنگی تشکیل شده است.

شماره ردیف

شماره مسلسل

ماخذ ، تاریخ



«آرشیو»

عنوان :

موضوع :

دانشجویی که پا به دانشگاه می‌گذارد تحت عنوان مارکسیسم و لنینیسم، و بعد جای تعجب اینکه چطور این سوسیالیست‌ها آمریکایی درمی‌آیند! لامذهبی را در قالب کمونیسم ترویج می‌کردند و در قالب کاپیتالیسم از بازده آن استفاده می‌نمودند!

حرّ انقلاب اسلامی ایران یعنی جلال آل‌احمد در کتاب خسی در میقات و در زمانی که هنوز گرایشهای راسخ و روشنگرانه‌ای به مذهب پیدا نکرده بود چه جالب کیفیت القاء الحاد را از جوانان این مرز و بوم بیان می‌کند: «.... مگر خود تو که بودی؟ و که هستی؟ یادم است صبح در آشیانهٔ حجاج فرودگاه تهران نماز خواندم. نمی‌دانم پس از چندین سال. لابد پس از ترك نماز در سال اول دانشگاه. روزگاری بودها! وضو می‌گرفتم و نماز می‌خواندم. و گاهی نماز شب! گرچه آن آخریها مهر زیر پیشانی نمی‌گذاشتم و همین شد مقدمهٔ تکفیر......»

حوزهٔ علمیه و طلاب رسول

همانطور که تنها روحانیت مترقی مانند یك سد در برابر هجوم فرهنگ غرب ایستاد، تنها مرکز تعلیم و تعلم نیز که تسلیم‌نظام‌آموزشی که‌بتدریج‌به‌مردم‌القاءمی‌شد‌نگردید، حوزهٔ علمیه بود و این طلاب بودند که می‌بایست رسالت خود را با وجود چنین دانشگاههایی بنحو احسن ایفا کنند و کردند.

شهید دکتر علی شریعتی دربارهٔ طلاب خطاب به دانشجویان می‌گوید: «- به طلاب بیشتر از شما امید بسته‌ام. - چه عمر روشنفکری شما کوتاه است و چهارتا هفت سال بیشتر نیست و فردا که تصدیق گرفتید و جذب زندگی شدید بی‌درنگ در طبقه بورژوا قرار می‌گیرید و خیالاتش از سرتان می‌پرد و اما این طلبه است که عمر مسئولیت اجتماعیش با عمر حیاتش یکی است و تا مرگ مسئول افکار مردم و سرنوشت مردم می‌ماند. اگر طلبه بیدار شود! که طلبه بیدار شده است.. این مجاهدان پاکباز راه علم و ایمان که با پولی که از مخارج یك مرغ آمریکایی کمتر است، جوانی را فدای آموزش علم دین می‌کنند و در زمانی که هر دانشجویی رشته تحصیلیش را بر اساس درآمد اینده‌اش انتخاب می‌کند، وی رشته‌ای را برگزیده است که دوران طلبگیش اینچنین به زهدی باور نکردنی می‌گذرد. و پس از فراغ از تحصیل کوچکترین تضمینی برای تامین زندگیش وجود ندارد و یکی از امتیازات معمولی دانشجویان نیز شامل حالش نیست. و با این همه می‌بینیم که چه وفا دارند و پرایمان و صبور در این راه گام برمی‌دارند.......»

حال که سخن از آل‌احمد و شریعتی شد ذکر این نکته نیز بد نیست که این دو و شهید مرتضی مطهری از افرادی بودند که مهمترین نقش را در «بازگشت به خویش» و دگرگونی نظام فرهنگی برعهده گرفتند و دراین راه حتی تا شهادت پیش رفتند. بگذریم.

نظام آموزشی باید تحول یابد

بطور کلی کسی نمی‌تواند منکر این شود که نظام آموزشی موجود باید تحول یابد. چون وابستگی فرهنگی منشاء سایر وابستگی‌هاست و ضرورت جامعه ما ایجاب می‌کند تحولات با در نظر گرفتن ایدئولوژی انقلاب، طبق موازین مکتبی انجام گیرند.

کلاً ما باید آن چیزی که بصورت استعماری و نابسامان به فرهنگ جامعه ما تحمیل و در آن عجین کرده‌اند را سروسامان داده و بهره‌جویی غیر انسانی بواسطهٔ آن را از بین ببریم.

مثلاً در رابطه با تعلیمات عمومی، رشته و دبیرستان کشاورزی فقط یك فرمالیته نباشد. و یا طوری نباشد که هرکس بدنبال بدست آوردن یك لقمه نان وقتی به هر دری زد و نتیجه‌ای ندید به آموزگاری روی آورد تا عده‌ای بدون هدف مهمترین دورهٔ فکری زندگی انسان را هدر دهند.

نقائص زیادی هم در دورهٔ آموزش عالی وجود دارد که چندتا از آنها بعنوان مشتی نمونهٔ خروار بدین قرارند:

یکی اینکه دانشجو پس از اتمام تحصیل، در پی زندگی و تامین ضرورتهای آن از محیط تعلم جدا می‌شود و این باعث ثابت ماندن و عدم پیشرفت می‌گردد.

و دیگر اینکه دانشجو بخاطر وجود شرائط مساعد دریك تماس درازمدت همانطور که گفته شد از خدمت به موطن خود سر باز می‌زند و دیگر رغبتی به بازگشت ندارد و در همین محیطی که با آن انس می‌گیرد نیز ناخودآگاه محبوس می‌شود. به همین خاطر پس از اتمام تحصیل با دشواریهای زیادی در اجتماعی که وارد آن شده روبرو می‌گردد و در همین دوره است که تمایل به تخصص پیدا می‌کند و اگر این ترقی دریك محیط غیرمکتبی و بدون تزکیه و تهذیب صورت بگیرد در آینده به ضرر جامعه تمام می‌شود.

و......



فرمان امام امت

بدنبال مطرح شدن این مسائل و درگیری‌های ناشی از آن که منجر به تعطیلی دانشگاه و خوراکی شد برای محافل امپریالیستی و بلندگوهای آنها، همانطور که همه واقفند در بهار سال جاری (۵۹) فرمانی مبنی بر تشکیل شوراء انقلاب فرهنگی از سوی رهبر انقلاب و بنیانگزار جمهوری اسلامی ایران بدین شرح صادر شد:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

- مدتی است ضرورت انقلاب فرهنگی که امری اسلامی است و خواست ملت مسلمان می‌باشد اعلام شده است و تاکنون اقدام مؤثر اساسی انجام نشده است و ملت اسلامی در خصوص دانشجویان با ایمان متعهد، نگران هستند و نیز نگران اخلال توطئه‌گران که هم‌اکنون گاه آثارش نمایان می‌شود و ملت مسلمان و پایبند به اسلام خوف آن دارند که خدای نخواسته فرصت از دست برود و کار مثبتی انجام نگیرد و فرهنگ همان باشد که در طول مدت سلطه رژیم فاسد کار فرمایان بی‌فرهنگ، این مرکز مهم اساسی را درخدمت استعمارگران قرار داده بودند که از دست‌آوردهای دانشگاهها بخوبی ظاهر می‌شود که جز معدودی متعهد و مؤمن که علیرغم خواست دانشگاهها در کشو راسلام بودند دیگران جز ضرر و زیان چیزی برای کشور ما بار نیاوردند و ادامه این فاجعه که مع‌الاسف خواست بعضی گروههای وابسته به اجانب است ضربه‌ای مهلك به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد و تسامح در این امر خیانتی خیانت عظیم بر اسلام و کشور اسلامی است. بر این اساس به‌حضرات آقایان محترم محمدجواد باهنر، مهدی ربانی املشی، حسن حبیبی، عبدالکریم سروش، شمس آل‌احمد، جلال‌الدین فارسی، علی شریعتمداری مسئولیت داده می‌شود تا ستادی تشکیل دهند و از افراد صاحب‌نظر متعهد از بین اساتید مسلمان و کارکنان متعهد و دانشجویان متعهد با ایمان و دیگر قشرهای تحصیل کرده متعهد و مؤمن به جمهوری اسلامی دعوت نمایند تا شورائی تشکیل دهند و برنامه‌ریزی رشته‌های مختلف و خط‌مشی فرهنگی آینده دانشگاهها براساس فرهنگ اسلامی و انتخاب و آماده اساتید شایسته متعهد و آگاه دیگر امور مربوط به انقلاب آموزشی اسلامی اقدام نمایند بدیهی است بر اساس مطالب فوق دبیرستانها و دیگر مراکز آموزشی که در رژیم سابق با آموزش و پرورش انحرافی و استعماری اداره می‌شد تحت رسیدگی دقیق قرار گیرد تا فرزندان عزیزم از آسیب و انحراف مصون گردند از خداوند متعال توفیق آقایان را در این امر مهم مسئلت می‌نمایم و عظمت اسلام و کشورهای اسلام را خواهانم.

السلام علیکم - روح‌الله‌الموسوی‌الخمینی

۲۹ رجب ۱٤۰۰ - ۲۲ خرداد ۱۳۵۹

بعد از این مقدمات غرض ما در اینجا بیان اهداف، عملکردها، تشکیلات و پیشرفتهایی است که تاکنون بوسیلهٔ ستاد انقلاب فرهنگی انجام شده. منابع ما در این مقال عبارتند از مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و گزارشهای این ستاد و علی‌الخصوص اولین شمارهٔ نشریه آن که در ۲۲ بهمن ۵۹ تحت عنوان «فرهنگ انقلاب» انتشار یافت. در ضمن ناگفته نماند که برخی مسائل و اطلاعات عیناً از این نشریه نقل می‌شوند.

در ابتداءِ امر لایحهٔ قانونی ستاد انقلاب فرهنگی بوسیلهٔ آقای بنی‌صدر رئیس جمهور و رئیس شوراءِ انقلاب صادر شد. مسئولیتها و اهداف ستاد بطور کلی عبارتند از:

تعیین خط‌مشی فرهنگی جامعه بطور کلی و بویژه خط‌مشی و نظام آموزشی کشور، و تعیین اهداف و جهت

شماره ردیف

شماره مسلسل

ماخذ ، تاریخ سروش ۹۴ ۶۰/۲/۵ «آرشیو»



عنوان : درباره عملکردهای انقلاب فرهنگی

موضوع :



ارائهٔ انقلاب فرهنگی همچنان به پیش می‌تازد

عملکرد ستاد انقلاب فرهنگی درحد شگفت ـ انگیزی قرار دارد

○ آل‌احمد، شریعتی و مطهری از افرادی بودند که مهمترین نقش را در «بازگشت به خویش» و دگرگونی نظام فرهنگی برعهده گرفتند و در این راه حتی تا شهادت پیش رفتند.

○ شهید شریعتی: «طلبه عمر مسئولیت اجتماعیش با عمر حیاتش یکی است وتا مرگ مسئول افکار مردم و سرنوشت مردم می‌ماند.»

بسما... الرحمن‌الرحیم

انقلاب شکوهمند و بی‌نظیر اسلامی ایران که معیار بالاترین ارزش‌ها را در خود محفوظ می‌دارد، اولین جنبش است که پس از عرضهٔ اسلام بوسیلهٔ رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله خواهد توانست با پرکردن خلاء فکری و سیاسی جهان امروز و از میان بردن انحراف، ابتذال و سایر ملاکهای شیطانی، مرحلهٔ اول پیروزی خود را به ثمرات بزرگی برساند. پس از پیروزی ایجاب می‌کرد که برخی کمبودها و نواقص بتدریج و طبق ضوابط اساسی حل شوند و قبل از هر چیز لازم بود که تودهٔ مردم انقلابی یك شناخت و آشنایی صحیح و دقیق از این نیازها بدست آورند. این کمبودها که یا از انحراف و استثمارزدگی و مصلحت‌طلبی و یا از طغیانهای علنی بر علیه خلق و خروش و انقلاب آن ناشی می‌شد، تنها با یك جهش زدوده می‌گشت که آن نیز بخواست خدا در قالب انقلابی اسلامی برخاسته از خط سرخ اسلام و تشیع و در ارادهٔ استوار و در مشتهای گره‌کردهٔ مستضعفین خلاصه شد.

یکی از این اماکن فارغ که استثمارگران دریافته بودند می‌توانند بخوبی بواسطه حکومت شاهنشاهی از طریق آن منافع خود را تثبیت کنند فرهنگ و نظام فرهنگی جامعه است که مشتمل بر نظام آموزشی نیز می‌شود. مبداء این حرکت به عقب باز می‌گردد و به زمانی که بریتانیا، شیر پیر استعمار و استثمار امروز، مقدمات اعمال نفوذ خود را در ایران تدارك می‌دید. به عبارت دیگر مدتی بعد از موقعی که روس و انگلیس بر سر جلب کشورهایی نظیر ایران و عثمانی، که قدرتی بحساب می‌آمدند، برای مقابله با یکدیگر، با هم به رقابت می‌پرداختند. که بعد این شگرد با ضعف ایران در دورهٔ قاجار و پیدایش نفت در چهارچوبی دیگر ادامه پیدا می‌کند و ایران که دیگر قدرتی ندارد بصورت هدفی درمی‌آید برای پیکانهای سلطه‌گران. ولی همهٔ این تیرها در نزدیکی هدف بر سینه‌ای که خود را سپر آماج کرده می‌نشینند، سینهٔ فرهنگ اسلام. و در همین جا استثمارگرها با موانعی که از وجوه مشترکی برخوردارند مواجه می‌شوند: سیدجمال‌الدین و میرزارضا کرمانی؛ شیخ‌محمد خیابانی؛ میرزا کوچك‌خان جنگلی در شمال؛ و درانقلاب مشروطیت ستارخان و باقرخان در آذربایجان و نقش عظیم شیخ‌فضل‌الله نوری و دیگران. و وجه‌مشترك غالبشان، روحانیت...

پس باید این عمامه که آیت فرهنگ صراط‌مستقیم و خط اصیل اسلام است از بین برود. و مردم از سنتهای بومی خود بری شوند و به غرب‌گرایش پیدا کنند و بدست خود یك نظام آموزشی پوچ را بر جامعه حاکم سازند و کراوات را مدینهٔ فاضلهٔ خود بدانند. بنابراین امپریالیسم پهلوی را می‌سازد و بجان مردم و تنها حامیان اسلام و این مردم، که منحرف نشده‌اند، می‌اندازد. مثل مدرس.

و این تنها راه است. اگر فرهنگ یك کشور مسخ شود بخوبی می‌توان بر آن اقلیم حاکم شد. و محمدرضا پهلوی وظیفه و دین خود را به اجنبی بخوبی ادا کرد. نظامی که او در راسش قرار داشت علاوه بر مسخ فرهنگ، نظام آموزشی‌ای را بر محیط تعلیم و تعلم ما حکمفرما کرد که بسهولت منافع غرب را تامین می‌نمود. از جمله اینکه همهٔ درها را بروی خلاقیتها بست و هرجا استعداد و ابتکاری بچشم می‌خورد با آن به مقابله پرداخت و حتی بجایی رسید که بی‌خبر از خروش خلق و انتقام خالق دست به شکنجه و قتل برخی مخترعین و مکتشفین زدا

فرهنگ و استقلال

ـ فرهنگ نه یك بنیاد است، که بنیادی‌ترین بنیادهاست. با استقلالش به استقلال خواهیم رسید، با خلاقیتش کارساز خواهیم بود و انگاه که در اعماق قلب و روح جامعه تاثیر پذیرد به اوج توانستن‌ها و دلپذیری‌ها راه خواهیم یافت. پس فرهنگ منحط را باید منقلب کرد تا بنیاد استقلال را پی‌ریزیم، مغزها را! باید پرورش داد تا دست نیاز به بیگانه را پس کشیم و هویت پربار را باید شناخت تا محکم و استوار بر پای ایستیم. ـ

در حکومت طاغوت دانشگاههایی ساخته شد که راهی بسوی زوال جامعهٔ مسلمان پیدا و جوی ساخته شود که جوانان دانشجو از خدمت به مردم مستضعف روستاها تبری جسته و حاضر به بازگشت و کار در زادگاه خود نباشند.

حکومت ضدخلقی بتحریك عمال خارجی خود می‌کوشید اعمال خویش را علمی توجیه کند و باینوسیله شیفتگان علم را بفریبد. اما این دانشگاه حتی محیط علم هم نبود و اگر خلاف این گفته صادق است بقول امام این چه دانشگاهی است که بعد از پنجاه سال یك بیمار باید برای عمل جراحی به انگلستان برود؟! و دانشگاهی که قرار است در خدمت امریکا باشد نبودش بهتر است.

بعد از انقلاب هم این دانشگاهی که قرار بود خود را دگرگون کند شد جولانگاه و مخفیگاه گروههایی که علناً دست به مبارزه با حکومت انقلابی زده بودند و همین گروهها بودند که سعی کردند غوغا راه بیندازند و بر علیه حرکت مذهبی برخاسته از مردم دست به تبلیغاتی بر این مبنا که اسلام با علم مخالف است، بزنند. لکن امت اسلام به آن دسته‌های منحرف نشان داد که تسلیم این اتهامات بی‌اساس نشده و همچنین با فریاد همیشگی خود به دنیا می‌گوید که ما نه با علم، بلکه با علم بدون تهذیب مخالفیم. و بی‌سبب در قرآن کریم «تزکیه» مقدم بر «تعلم» نیامده است.

علیرغم تبلیغات سوءِ دشمنان، ملت ما مخالفتی با وجود دانشگاه ندارد. اما دانشگاهی می‌خواهد که متعلق به خود وی باشد و در جهت منافع معنوی و مادی خود ملت مسلمان پیشرفت کند و نه منافع ابرقدرتها. و دانشگاهی که استعدادها را بارور سازد و در راه اسلام بکار گیرد. رهبر انقلاب می‌فرمایند: «آنکه می‌تواند ما را وابسته کند و در دامن آمریکا یا شوروی بکشاند دانشگاه است. همت کنید دانشگاه را اصلاح کنیم.»

و: «باید آنهایی که به این کشور علاقه دارند، آنهایی که به این ملت علاقه دارند، آنهایی که خودشان وابسته نیستند و خدمتگزار ابرقدرتها نیستند، همت کنند به اینکه از دانشگاه یك مرکزی درست کنند که مرکز علم و تهذیب باشد.»

استعمارگر و استثمارگر نمی‌خواست ما دانشگاهی از خود و برای خود داشته باشیم و نمی‌خواهد. نخست جذب کاذب

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ: تاریخ ....



عنوان : ....

موضوع: ....

(آرشیو)

دانشجویان نیایند. در دانشکده الهیات آنجا آقای فارسی در سرکلاس چند دقیقه‌ای در مورد انقلاب فرهنگی سخن گفتند.

من مطابق خبری که دارم از بعضی از دوستان ما که به‌الجزایر و آنجاها رفته بودند آنها هم همین را ذکر می‌کردند که در آنجا هم واقعا" یک انقلاب اساسی در زمینه دانشگاه و آموزش عالی رخ نداده و حتی یکیشان نقل می‌کرد که بعضی از مسئولین آنجا به آنها گفته بود که آنها منتظرند ببینند در ایران چه اتفاق می‌افتد تا آنها هم بلکه بتوانند نسخه‌برداری کنند و الهام بگیرند.

واقع مسئله این است که انقلاب فرهنگی که در چین اتفاق افتاد مطلقا" شباهتی با انقلاب فرهنگی که در اینجا اتفاق افتاد و در شرف تکوین است نداشت. صرفا" ابزار سیاسی بود در دست یک گروه حاکم برای کوبیدن یک گروه دیگر و بقراری که بعضی از اساتید ما که به چین رفته بودند گزارش می‌دادند الان هم بشدت دانشگاههای آنها رو به سیستم آموزش امریکایی می‌رود.

بنابراین ما می‌توانیم بگوییم که در مملکت ما انقلاب فرهنگی و دست‌کم بخشی از آن که انقلاب آموزشی است یک پدیده نادری است در آموزش عالی که در این قرن رخ داده است و بهیچ وجه نباید از این تجربه ترسی داشت. البته ممکن است یک جاهایی هم خطا بکنیم، منتها باید همیشه مسیر خودمان را تصحیح کنیم به کمک درسی که از اشتباهات خودمان می‌گیریم.

من گمان می‌کنم اگر این انقلاب فرهنگی در مملکت از طعن طاعنان و فتنه فتنه‌جویان در امان بماند و انشاالله با تدبیر مدبران و با تایید خداوند به نتیجه مطلوب و سودمند و راهگشایی برسد همانطور که انقلاب سیاسی ما برای خیلی از کشورها درسی بود امیدواریم که این هم برای بسیاری از کشورها درسی باشد و همانطور که امام گفتند دانشگاه در سراسر جهان در خدمت ابرقدرتهاست و ما می‌خواهیم نباشد و اگر انقلاب فرهنگی ما چنین چیزی را بیاموزد یکی از بزرگترین دروسی است که انقلاب ما به جهان آموخته است.

من در آن سخنرانی که در انستیتو شرق‌شناسی کردم گفتم که حتی شاید بهتر باشد که نام انقلاب فرهنگی را احیاء فرهنگی بگذاریم و این اصطلاحی است که ما از قرآن وام می‌گیریم. خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: فَذَكِّرْ اِنَّما اَنْتَ مُذَكِّر لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ به دعوت رسول پاسخ مثبت بدهید هنگامی که شما را میخواند تا شما را زنده کند. این دعوت برای احیاء مسئله قابل تاملی است. اولا" خداوند به پیغمبر می‌فرماید که یا اَيُّهَاالَّذينَ آمَنُوا اسْتَجيبُوالِلهِ وَ لِلرَّسُولِ اِذا دَعاكُم لِمايُحييكُم تو یادآوری‌کننده‌ای، تو تذکار کننده‌ای، تو فقط کارت همین تذکار دادن است، تو بر آنها سیطره نداری، تو نمی‌توانی به جبر و تحمیل، فرهنگی را عوض کنی. آنها را بخوان بسوی آن فطرت الهی، به آن که در آنها ودیعه نهاده شده است. آنها به طیب‌خاطر خواهند آمد و صدای تو را خواهند شنود.

بنابراین اولین ارزش انقلاب فرهنگی ما این است که نمی‌خواهیم با سلطه و تحمیل فرهنگ را عوض کنیم و انقلاب فرهنگی را ما به معنای سلطه و تحمیل بکار نمی‌بریم. ثانیا" بر اساس مفهوم دیگر احیاء ما باید ملت خودمان را اعم از دانش‌آموختگان و غیر دانش‌آموختگان از هویت تاریخی و ملی و مذهبی خودشان باخبر کنیم یعنی خویشتن‌شناسی و خود را بازیابی کردن اولین شرط زنده بودن است. ثالثا" انقلاب فرهنگی باید در بیرون از محیط خودش تاثیر بگذارد. بنابراین انقلاب فرهنگی از نظر ما عبارت است از بخود آمدن و خویشتن را شناختن و خویشتن را به دیگران شناساندن و اندیشه‌های غنی و راهگشا و سودمند خود را به دیگران عرضه کردن و آنها را هم بهره‌مند ساختن. والسلام



شماره ردیف ....
شماره مسلسل ....
ماخذ: تاریخ ....



عنوان : ....
موضوع: ....

(آرشیو)

کشور هم بیشتر در زمینه انقلاب فرهنگی. من آنجا خودم راسا" عنوان کردم که دانشگاههای ما الان بسته است و تا حدودی از فعالیتهایی که انجام گرفته است صحبت کردم. از دانشمندانی که حاضر بودند و بیشترشان هم ایران‌شناس بودند و زبان فارسی را می‌فهمیدند من ندیدم که کسی نسبت به این مسئله اساسا" زیاد اظهار حساسیتی بکند فقط پس از سخنرانی و وقتیکه جلسه تمام شده بود و صحبتها خصوصی بود آقایی بنام غضنفر علی‌اف که او هم از ایرانشناسان آنجا است فقط یک‌بار سئوال کرد که با این انقلاب فرهنگی الان استادان چه می‌کنند و قدری نگران بود که این تعطیلی را تطویل نکنید. من برای او توضیح دادم که ماجرا از چه قرار است و الان اساتید در چه حالی هستند. او یک مقداری هم نگران پرداخت حقوق استادان بود که به او گفتیم که استادانی که با ما همکاری می‌کنند و مثلا" به ترجمه و تالیف و کارهای جهاد مشغولند از نظر پرداخت حقوق به اینها هیچ جای نگرانی نیست.

در دانشگاه لنین هم در تاشکند صرفا" بحث‌های علمی میکردند ولی نسبت به انقلاب فرهنگی و ایده‌ای که در این انقلاب مطرح است و کیفیتی که در حال حاضر در کشور ما دارد هیچ سئوالی نمی‌کردند.

بطور کلی من می‌توانم این را بگویم که اجتماع شوروی از عالی تا دانی و از بالا تا پایین کلا" سیاست‌زدایی شده است و مردم، چه دانشمند و چه غیر دانشمند و عامی، هیچکدام سئوالی نمی‌کنند که گوشه‌ای از آن به سیاست مربوط باشد علی‌الخصوص وقتیکه با میهمانان رسمی روبرو هستند چنان رفتار می‌کنند که مبادا بعدا" مورد مواخذه قرار گیرند.

انقلاب فرهنگی در کشور ما کاملا"



رنگ سیاسی دارد بدین معنا که یکی از امور مهم مملکتی است که هم در سیاست فعلی تاثیر دارد و هم تعیین کننده خط مشی سیاسی آینده این کشور است. انقلاب فرهنگی یک چنین چیزی است و به این خاطر در این کشورها دور از انتظار نبود که از ما چیزی در این باره نپرسند و خودشان را وارد وادی‌هایی نکنند که به مصلحت آنها نباشد.

در لبنان که میدانیم یک کشور صد کلانتر است و هر کسی برای خودش دولتی تشکیل داده است و کاری می‌کند فقط فرصت یافتیم یک بار در دانشگاه امریکایی بیروت حضور پیدا کنیم و آنجا آقای دکتر شریعتمداری راجع به خصایص کلی انقلاب اسلامی سخن گفتند. ما همچنین در حسینیه یکی از محله‌ها بنام "محله شیاح" شرکت کردیم و یکی از برادرهای ما آنجا سخنرانی کرد. بعد از سخنرانی جزوه‌های کوچکی را بما دادند که از طرف "حزب الدعوه" منتشر شده بود و شامل پیشنهادهایی برای انقلاب فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران می‌شد. این جزوه با همین حجم کوچک نکات خوب و نسبتا" کلی در مورد انقلاب فرهنگی دارد ولی صرف‌نظر از محتوای این جزوه همت آنها در مورد نوشتن و تکثیر و پخش جزوه واقعا" قابل تقدیر است.

در سوریه، هم با وزیر علوم و هم با رئیس دانشگاه سخن گفتیم. سوریه دانشگاههایش یک وضع خاصی دارد گویا در آنجا بنا را بر این نهاده‌اند که تقریبا" هر کس که فارغ‌التحصیل می‌شود وارد دانشگاه بشود البته مدارس حرفه‌ای و غیره هم دارد که پس از دبیرستان وارد آنها هم میشوند به این ترتیب تنها دانشگاه دمشق در حدود ۷۰۰۰۰ دانشجو دارد و این هفتاد هزار دانشجو را حدود ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ استاد اداره می‌کنند و من این را مقایسه کردم با دانشگاه تهران که نزدیک به ۲۲۰۰۰ دانشجو دارد و حدود ۲۰۰۰ کادر علمی. بنابراین کلاسها بی‌اندازه شلوغ بود و اینها خودشان هم می‌گفتند که اگر واقعا" همه دانشجویانی که ثبت نام کرده‌اند حاضر بشوند هرگز گنجایش و ظرفیت لازم را ندارند. بنابراین خودشان هم میخواستند که همه

شماره ردیف ....

عنوان : ....



شماره مسلسل ....

موضوع: ....

ماخذ: تاریخ ....

(آرشیو)



موارد ضعیفتر و نازلتر از آمریکا، در حالیکه از جهت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی مدعی هستند که حداقل یک مرحله تاریخی از کشورهای سرمایه‌داری پیش‌ترند. این سخنی بود که ما هرگز پاسخ قانع‌کننده‌ای در برابرش نشنیدیم. فقط بخاطرم هست پروفسورآخ-میرزنف که رئیس موسسه زبانهای آسیایی بود ابراز کرد ما به این پیشرفتها ظرف ۶۰ الی ۷۰ سال نایل شده‌ایم در حالیکه در مغرب زمین این پیشرفتها خیلی طولانی‌تر صورت گرفته است. بنظر من نیاز به توضیح ندارد که این پاسخ به هیچ رو جواب قانع کننده‌ای نیست. اولا" صحبت در این نیست که آنها ظرف چند مدت به چیزی نایل شده‌اند صحبت در این است که موافق تئوریهایی که زیز بنای فکری و فرهنگی جامعه شوروی را تشکیل می‌دهد پیشرفت حاصل شده است یا خیر. بحث بر سر این است که عبور از یک مرحله تاریخی به مرحله دیگری همراه است با لوازم و توابعی که آن لوازم و توابع در آنجا الان حاضر نیست و دوم اینکه در حقیقت این پیشرفت صحیح به مدد دستاوردهای علمی و فنی و تکنیکی بوده که در مغرب‌زمین طی قرنهای متمادی صورت گرفته است. همه ما میدانیم که کتابها و مجلات علمی و فلسفی و غیره که در امریکا و انگلستان و جاهای دیگر منتشر میشود تماما" در کشور شوروی مورد استفاده قرار میگیرد.

سئوال دیگری که ما در آنجا مطرح کردیم این بود که چه رابطه و نسبتی بین آزادی و تحقیق وجود دارد. این سئوال بخاطر این بود که دانشمندانی که با آنها صحبت میکردیم و مخصوصا" یکی از فیلسوفان شوروی بنام "دوبرینکف" اصرار داشتند که ما جهان‌بینی علمی را به همه دانشجویان خودمان بیاموزیم و این هم مرد و حتی در مورد تئوری "سیبرنتیک" ، در مورد تئوری رزونانس شیمیایی، در مورد نسبیت اینشتین و نظایر آن عینا" ماجرای گالیله در آن دیار تکرار شد. اینها را صریحا" نگفتیم ولی مسئله را بطور کلی مطرح کردیم. در این مورد حتی دیده می‌شد که خود دانشجویان هم درگوشی چیزی به هم می‌گفتند که علامت این بود که در حقیقت شاید ما بنحوی آنچیزی را گفتیم که آنها هم در دل داشته‌اند ولی هرگز نتوانسته‌اند بگویند.

اینها نوع مسائلی بود که ما با آنها در میان گذاشتیم و این را از این نظر می‌گویم که کسانی که در اینجا مطرح می‌کنند که حکومت اندیشه اسلامی در این سرزمین چه نسبتی خواهد داشت با آزادی اندیشه و تحقیق. اولا" باید روشن باشد که در حکومتهایی که بسیاری از اینها آن را ایده‌آل خودشان می‌دانند مطلقا" از چنان آزادیها خبری نیست و ثانیا" آن تسامح و تحملی که ما نسبت به مخالفت با اندیشه اسلامی داریم اساسا" قابل مقایسه نیست با آن تسامح و تحملی که در دیارهای ایده‌آل آنها است دیده می‌شود.

ما در انستیتو شرق‌شناسان شوروی هم شرکت کردیم و خود من در آن جا یک سخنرانی کوتاه کردم هم در زمینه وضع جهان‌بینی علمی، البته همه ما وقوف داریم چیزی نیست جز ماتریالیسم تاریخی و ماتریالیسم دیالکتیک و این چیزی است که هر دانشجویی می‌آموزد و به او می‌آموزند و آموزشهای جهان‌بینیهای دیگر فرع بر آن است. گفتیم که شما بین آزادی در تحقیق و این تسلط و حکومت جهان‌بینی علمی که همه باید به آن گردن نهند و بر اساس آن تحقیقی نباید بکنند که مخالف جهان‌بینی علمی باشد چگونه رابطه برقرار می‌کنید؟ به تعبیر دیگر چگونه میتوان تضمین داد که ماجرای گالیله دوباره در کشور شما اتفاق نیافتد؟ و البته ما به آنها نگفتیم که حقیقت اینست که این اتفاق در آنجا چندین بار افتاده است. ماجرای "لیزنکو" را همه ما میدانیم که چه بود و چگونه اتفاق افتاد و سالیان متمادی چگونه یک کشاورز شیاد روسی بر یک آکادمی علوم زیستی کشور شوروی سلطه می‌راند و دانشمندان توارث‌شناس و تکامل‌شناش را بنام اینکه تئوریهای آنها ضد علمی و ضد جهان‌بینی علمی است طرد می‌کرد و استالین هم این لیزنکوی شیاد را تشویق می‌کرد و برایش کف می‌زد و به سخنرانی او می‌رفت و حتی یک نوبت یک دانشمند بنام "واویلوف" را به سیبریه فرستادند و به زندان انداختند و در آنجا

شماره ردیف ....

شماره مسلسل .... جلد ۲



عنوان : با فرهنگ در سفر - از دکتر عبدالکریم سروش

موضوع: درباره سفرهای فرهنگی به شوروی ... لبنان

ماخذ: تاریخ فرهنگ انقلاب (آرشیو) ۶۰/۱/۳۰



با فرهنگ در سفر

از دکتر عبدالکریم سروش
عضو ستاد انقلاب فرهنگی

ما راه پرپیچ وخم وخاری در پیش داریم وانشاءالله باتأیید خداوند به نتیجه خواهیم رسید .

بسم‌الله الرحمن الرحیم ـ ما در این مسافرتی که با دیگر برادران ستاد انقلاب فرهنگی و نهادهای انقلابی داشتیم مجموعا" از سه کشور شوروی، لبنان و سوریه دیدار کردیم و در هر سه کشور یکی از تلاشهایمان این بود که با مقامات دانشگاهی و خود دانشجویان هم تماس داشته باشیم . گویا در دومین روز ورود به مسکو بود که به دانشگاه مسکو رفتیم و تعدادی از دانشجویان و اساتید و دانشمندان آنجا را دیدیم . این نکته را باید قبلا" ذکر کنم که اتحاد جماهیر شوروی کشوری است که به هیچ وجه آن نوع آزادیهایی که در کشور خودمان داریم و شاهد آن هستیم و یا آزادیهایی که در کشورهای غربی افراد با آن مانوس هستند در آنجا وجود ندارد. چون خودمان تقریبا" تحت محاصره شدید بودیم و کاملا" این را حس میکردیم و حتی در جاهایی که با افرادی که ما تماس میگرفتیم آنها حساب شده بودند به عنوان مثال در همین دانشگاه مسکو کاملا" بنظر می‌آمد که دانشجویان و استادانی بودند که مخصوصا" دست‌چین شده بودند . دانشگاه مسکو دانشگاهی است که در زمان استالین ساخته شده از نظر ظاهر بسیار چشمگیر و مجلل و پرشکوه است و تعداد زیادی دانشجو دارد و ما در این دانشگاه یک قسمت از آزمایشگاه زمین‌شناسی آنجا را مورد بازدید قرار دادیم و آکادمیسین "سرگی‌یف" که یکی از زمین‌شناسان بنام و عضو آکادمی علوم شوروی هست در جلسه‌ای که ما بودیم حضور داشت و سخنرانی کرد.

در این جلسه بحث انقلاب فرهنگی بطور کلی مطرح شد و ما سعی کردیم که بعضی از مسائلی را که خودمان در اینجا در باره‌اش فکر می‌کنیم و یا بعضی از مردم کشور ما و تحصیلکرده‌ها و روشنفکرها در باره‌اش سخن میگویند و داوری می‌کنند و احیانا" نسبت به بعضی از کشورهای دیگر در حل آن مسائل ابراز خوشبینی می‌کنند مطرح کنیم .

یکی از این مسائل، پیشرفت علم بود در اتحاد جماهیر شوروی.این سئوال از طرف یکی از برادران ما مطرح شد که اگر مطابق تئوری مارکسیسم تمام نهادها و ارگانها و چهره‌های یک جامعه هماهنگ با هم پیش می‌روند و این جزء اصول اولیه اندیشه مارکسیستی است دراین صورت چرا باید ببینیم که در شوروی علم در همان پایه است که در امریکاست و یا حتی، در

شماره ردیف: ۶

شماره مسلسل:

مأخذ: تاریخ کیهان ۳/۱۲/۵۹ ش ۱۱۲۳۱



(آرشیو)

عنوان: انقلاب فرهنگی برای تنظیم آموزش دانشگاهی

موضوع:

*طرحها و نمودارها از «فرهنگ انقلاب» نشریه ستاد انقلاب فرهنگی استفاده شده است.



۲۲۰

شماره ردیف: ۳   عنوان: انقلاب فرهنگی برای ترمیم آموزش دانشگاهی

شماره مسلسل: موضوع:

مأخذ: تاریخ: کیهان ۱۳/۱۲/۵۹ ش ۱۱۲۳۱



(آرشیو)

فرمان امام جهت تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی

بسم الله الرحمن الرحیم

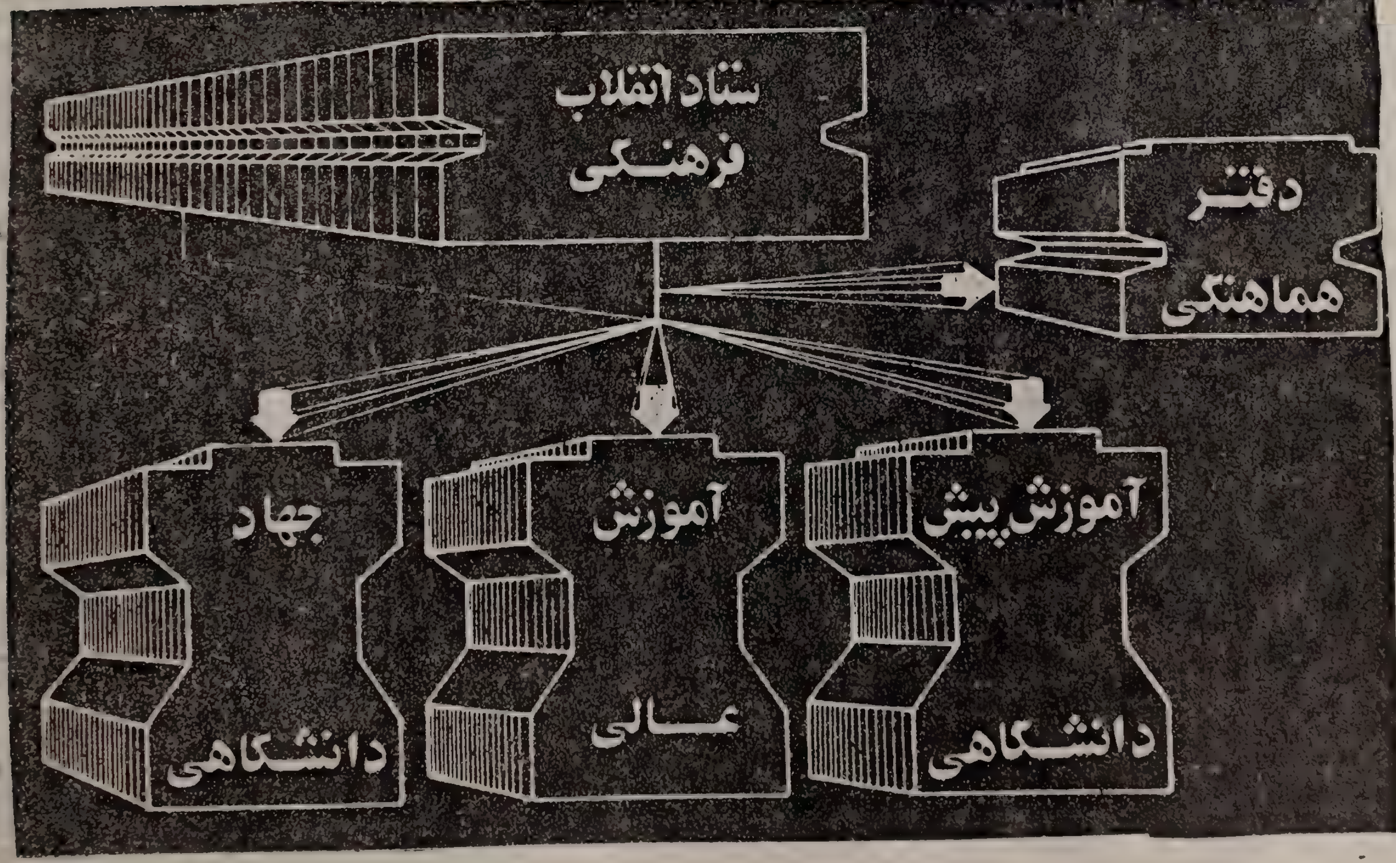
مدتی است ضرورت انقلاب فرهنگی که امری اسلامی است و خواست ملت مسلمان می‌باشد اعلام شده است و تاکنون اقدام موثر اساسی انجام نشده است و ملت اسلامی و خصوصاً دانشجویان با ایمان متعهد نگران آن هستند و نیز نگران اخلال توطئه‌گران که هم اکنون گاه به گاه آثارش نمایان می‌شود و ملت مسلمان و پایبند به اسلام خوف آن دارند که خدای نخواسته فرصت از دست برود و کار مثبتی انجام نگیرد و فرهنگ همان باشد که در طول مدت سلطه رژیم فاسد، کارفرمایان بی‌فرهنگ این مرکز مهم اساسی را در خدمت استعمارگران قرار داده بودند که از دست آوردهای دانشگاهها به خوبی ظاهر می‌شود که جز معدودی متعهد و مومن که علیرغم خواست دانشگاهها در خدمت کشور و اسلام بودند دیگران جز ضرر و زیان چیزی برای کشور ما بار نیاوردند و ادامه این فاجعه که مع‌الاسف خواست بعضی گروههای وابسته به اجانب است ضربه‌ای مهلک به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد و تسامح در این امر حیاتی خیانت عظیم بر اسلام و کشور اسلامی است.

بر این اساس به حضرات آقایان محترم محمد جواد باهنر- مهدی ربانی املشی- حسن حبیبی- عبدالکریم سروش- شمس آل احمد- جلال‌الدین فارسی و علی شریعتمداری مسئولیت داده می‌شود تا ستادی تشکیل دهند و از افراد صاحب نظر متعهد از بین اساتید مسلمان و کارکنان متعهد و دانشجویان متعهد با ایمان و دیگر قشرهای تحصیل کرده متعهد و مومن به جمهوری اسلامی دعوت نمایند تا شورائی تشکیل دهند و برای برنامه‌ریزی رشته‌های مختلف و خط مشی فرهنگی آینده دانشگاهها براساس فرهنگ اسلامی و انتخاب و آماده سازی اساتید شایسته متعهد و آگاه و دیگر امور مربوط به انقلاب آموزشی اسلامی اقدام نمایند. بدیهی است براساس مطالب فوق دبیرستانها و دیگر مراکز آموزشی که در رژیم سابق با آموزش و پرورش انحرافی و استعماری اداره می‌شد تحت رسیدگی دقیق قرار گیرد تا فرزندان عزیزم از آسیب و انحراف مصون گردند. از خداوند متعال توفیق آقایان را در این امر مهم مسئلت می‌نمایم و عظمت اسلام و کشورهای اسلامی را خواهانم.

والسلام علیکم- روح الله الموسوی الخمینی ۲۹ رجب ۱۴۰۰- ۲۳ خرداد ۱۳۵۹

فرازهایی از سخنان امام پیرامون انقلاب فرهنگی، دانشگاهها و علم

- باید انقلابی اساسی در تمام دانشگاههای سراسر کشور بوجود آید.
- تمام انبیاء معلم هستند و تمام بشر دانشجو.
- ما انزوایی را که این آقایان خیال میکنند با آغوش باز می‌پذیریم تا انزوا نباشد افکار شما به راه نمی‌افتد مغزهای شما از مغزهای آمریکایی کوچکتر نیست اگر مغزهای ما عمل میکرد حالا وضع کشور ما غیر از این بود لکن نگذاشتند مغزهای ما عمل بکنند.
- معلمها! جوانها را مستقل و آزاد بار بیاورید، معتمد به نفسشان کنید.
- باید کوشش در راه علم و بدست آوردن تخصص در رشته‌های مختلف اساس فعالیت جوانان و دانشجویان عزیز ما باشد که نیازمندیهای میهن به دست خود آنها برآورده و کشور ما با کوشش خودکفا شود.
- آن چیزی که ما را می‌ترساند وابستگی فرهنگی است ما از دانشگاههای استعماری میترسیم
- منطق اسلام رها شدن از یوغ فرهنگی استعماری است زیرا اگر ما رشد کنیم منافعشان به خطر می‌افتد.
- دو مرکز حوزه علمیه و دانشگاه باید علم عمل، علم و تهذیب را به منزله دوبالی بدانند که با یکی از آنها نمیشود پرید.
- آموزش عمومی است که ملت را بعد از چندی خود کفا میکند.
- دنیا را دانشگاه به فساد کشانده و دنیا را دانشگاه میتواند به اصلاح بکشاند.
- ما انقلاب دانشگاهها را از محصولش باید بفهمیم



ردیف: ۲
شماره مسلسل:
مأخذ: تاریخ کیهان - ۵۹/۱۲/۱۳ شماره ۱۱۲۳۱



عنوان: انقلاب فرهنگی برای ترمیم آموزش دانشگاهها
موضوع:

(آرشیو)

کمیته کشاورزی و منابع طبیعی

چوب شناسی و صنایع چوب، مرتع آبخیزداری، جنگلداری و اقتصاد جنگل، دامپروری، صنایع غذایی، ماشین‌آلات، خاکشناسی، باغبانی، زراعت، گیاه پزشکی، آبیاری و آبادانی.

کمیته علوم

فیزیک، زیست‌شناسی، ریاضی و علوم کامپیوتر.

کمیته صنایع و معادن

برق و الکترونیک، مکانیک، معدن و زمین‌شناسی، متالوژی، صنایع، نساجی، شیمی و مهندسی شیمی

کمیته عمران

هیدرولیک و آبرسانی، تحقیقات مصالح، معماری و شهرسازی، راه و پل.

کمیته علوم انسانی:

کتابداری، جغرافیا، هنرها، تربیت‌بدنی، زبانهای خارجی، علوم اداری، علوم تربیتی و روانشناسی، اقتصاد، علوم اجتماعی، تاریخ، ادبیات عرب، ادبیات فارسی، علوم سیاسی، حقوق.

کمیته پزشکی:

پزشکی، دندانپزشکی، بهداشت، داروسازی، دامپزشکی، فیزیوتراپی، علوم آزمایشگاهی، پرستاری.

جهاد دانشگاهی از تاریخ شروع به کار خود درجهت راماندازی صنایع و عمران و آبادانی کشور فعالیتی چشمگیر داشته است و بعد از بروز جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق با ایران قسمتی از کوششهای جهاد درراه خدمات پشت جبهه صرف شده است و دراین راه شهیدانی نیز تقدیم امت و امام کرده است.

از جمله فعالیتهای این جهاد که با همکاری و هماهنگی جهاد سازندگی و دفتر تحکیم وحدت دانشجویان انجام میشود و بدلیل کثرت تعداد و دردست نبودن آمار دقیق از میزان پیشرفت آنها فقط بذکر نام چند طرح و پروژه که درمراحل ابتدایی و یا احتمالاً دردست اقدام است می‌پردازیم که از آن جمله طرحهای آبرسانی و راهسازی، تعمیر وسایل برقی و پزشکی، تهیه وسایل و قطعات یدکی صنعتی، تهیه و توزیع کتابهای آموزشی، تشکیل کلاسهای مقدماتی، معرفی و اعزام استادان و دانشجویان به مراکز صنعتی، تهیه ملیحتاج و وسایل ضروری جامعه که درگذشته با قیمتی گزاف از خارج تهیه می‌شده است. گسترش دامداری و کشاورزی، طرحهای تحقیقاتی پیرامون مسائل شیمیایی، معادن و منابع، تشکیل کلاسهای بازآموزی دبیران آموزش و پرورش، راماندازی آزمایشگاههای بهداشتی و مدارس، تهیه و تدوین لغت نامه‌ها، ایجاد ساختمانهای آموزشی و بهداشتی و رفاهی درروستاها، بسیج و اعزام کادرهای درمانی به مناطق جنگی جهت مداوای مجروحین جنگ قابل ذکر است.

اهداف جهاد دانشگاهی

جهاد دانشگاهی زمینه اهداف خود رابرمبنای استفاده ازامکانات دانشگاهها درجهت بهبود جامعه بدین شرح تعیین کرده است.

۱- بردن دانشگاه بمیان مردم به خاطر ایجاد تماسهای رویا روی مردم ودانشگاهیان بامشکلات موجود و درنتیجه بوجود آمدن درک عینی وواقعی طرفین ازامکانات یکدیگر برای فراهم آوردن طرحها وبرنامههایی درتمام زمینه‌هایی که محتاج به کار این نیروی عظیم است.

۲- آشنا ساختن کادر متخصص ومحقق دانشگاهی باسمبارهای اسلامی وتصویر عینی این واقعیت که خاستگاه فکری این امت اسلام است وتعالیم انسان ساز آن است که ضامن تحقق آرمانهای متعالی بشریت است.

۳- کوشش برای تامین کادر تحقیقاتی واجرایی جهاد سازندگی وسایر نهادهای انقلابی که درجهت حل مسایل محرومترین اقشار جامعه فعالند بااستفاده ازامکانات دانشگاهها ومراکز تحقیقاتی وهرسازمان دیگری که دراین راه بتواند موثر باشد.

٤- کوشش درحل مسایل اجتماعی واقتصادی کشور بااستفاده ازنیروی فکری دانشگاهها بصورت طرحهای ضربتی ودرازمدت درجهت خودکفایی و بالنتیجه استقلال کشور.

۵- همکاری بامراکز ذیصلاح ایجاد طرح نظام آموزشی دانشگاهی جدید برای کمک درطرح این نظام وپیگیری دراجرای آن دردانشگاهها وجلوگیری ازانحراف آن.

٦- هماهنگی نیروهای دانشگاهی کشور برای تهیه واجرای مشی واحد درحرکت بسوی اهداف به منظور جلوگیری ازاتلاف وقت وانرژی درانجام رسالتهای دانشگاهها.

اهداف و مسئولیتهای ستاد انقلاب فرهنگی

۱- تعیین خطمشی فرهنگی جامعه بطور کلی و به ویژه خطمشی و نظام آموزشی کشور و تعیین اهداف و جهت آموزش.

۲- تهیه و تدوین نظام آموزشی کشور برای دوره قبل از ابتدایی تا سطح آموزش عالی در چهارچوب خطمشی تعیین شده.

۳- ادغام و انحلال بعضی از مؤسسات آموزش عالی موجود و تأسیس دانشگاههای جدید.

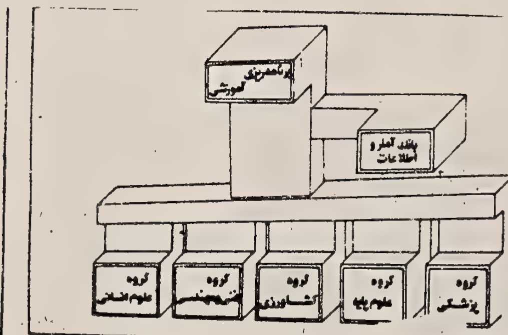
٤- بررسی و تعیین محتوای کتب و برنامه درسی دانشگاهها در جهت اهداف جمهوری اسلامی.

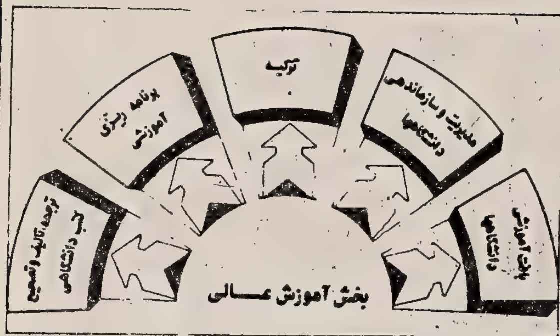
۵- بررسی کادر علمی و کمبودها و تکمیل کادر علمی و اداری.

٦- تغییر فرم و محتوای آموزشی عالی و متوسطه.

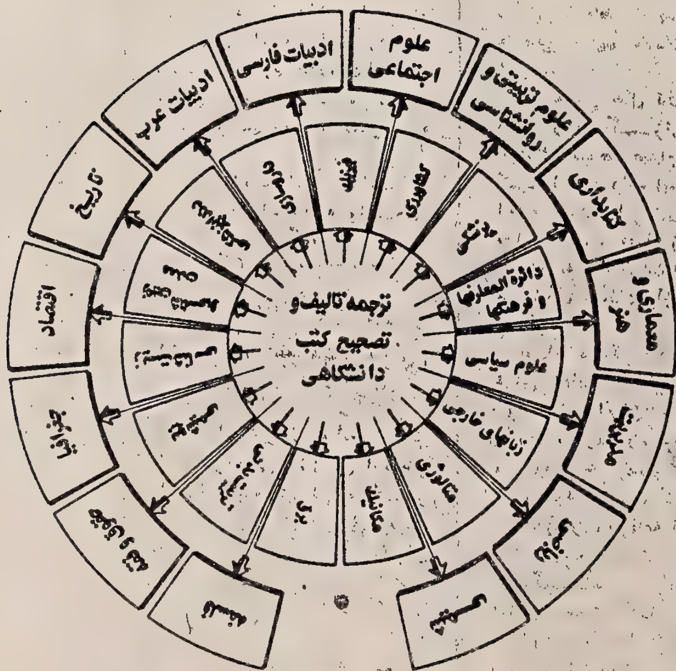
۷- جذب نیرو در هنگام تعطیل دانشگاهها، اجرای پروژه‌های مختلف و ارائه خدمات به جامعه.

۸- تنظیم رابطه بین پذیرش دانشجو و برنامه‌ها در مناطق روستائی بطوریکه دانشجو عملاً آماده شود تا بعد از فراغت از تحصیل در خدمت رفع نیازهای مبرم و حیاتی قرار گیرد.





اهداف واحد ترجمه، تالیف و تصحیح کتب دانشگاهی



شماره ردیف: ۱

شماره مسلسل:

مأخذ: تاریخ: کیهان ۵۹/۱۲/۱۳ ش ۱۱۲۳۱



عنوان: انقلاب فرهنگی برای تزکیه آموزش دانشگاهی

موضوع: ~~بحث درباره عملکرد ستاد انقلاب فرهنگی همراه با طرح~~ و نحوه دار... فرمان امام برای تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی

(آرشیو)

از قید استعمار باید رها شد، از قید فرهنگی که چون سرطان چنگال در جامعه دارد و هر روز معضلی بر معضلات جامعه می‌افزاید. باید از قید تحفه غرب که میراث «سیاست» عاری از مهری است گریخت و استقلال فرهنگی را چاشنی استقلال سیاسی و اقتصادی کرد. چرا که رهایی از قید فرهنگ صادراتی وابسته به غرب و دستیابی به فرهنگی غیر وابسته و اسلامی ضامن تداوم انقلابمان خواهد بود.

برهمین اصل بود که لزوم انقلاب فرهنگی احساس شد و فرمان تاریخی امام امت مبنی بر تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی به انجام این رسالت عینیت بخشید.

در آغاز سومین سال انقلاب اسلامی نگاهی سریع به عملکرد دانشگاهها و موسسات آموزش عالی بعنوان مرکز اجرای طرحها و «سیاستهای» آموزشی رژیم گذشته و همچنین عملکرد ستاد انقلاب فرهنگی می‌تواند نشانگر چگونگی فعالیت این ستاد باشد.

بررسی آموزش عالی ایران در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که فرهنگ حاکم براین جامعه القاء کننده فرهنگ صادراتی غرب بوده وهیچگاه اندیشه‌ای در جهت ساختن یک کشور آباد پر از «انسان» جریان نداشته است و هم چنین نگرش به سطح معلومات و بینش مردم در روزهای آخرین طاغوت زمان که چون اختاپوس پنجه در گلوی حیات کشور داشت نشان می‌دهد درکنار سایر مسایل دیگر که در سرنگونی استبداد وجود داشت نیاز به دانش و فرهنگی غیر وابسته و دگرگون شده‌ای نیز قابل لمس بود و از همین رو بود که بعد از روی کار آمدن جمهوری اسلامی تغییری بنیادی در فرهنگ در راس کارها قرار گرفت و از آنجا که دانشگاهها در این مسیر از اولویتی خاص برخوردارند بنا براین شد با انجام تغییر نظام موجود در دانشگاهها در جهت تغییر فرهنگ حاکم بر جامعه گامی برداشته شود.

بنابر همین موضوع طرح انجام انقلاب فرهنگی در سطح جامعه عنوان شد و در اول سخن از آن بود که این انقلاب هم زمان با کار دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور صورت پذیرد ولی گروهی دیگر براین اعتقاد بودند باید ابتدا دانشگاهها تعطیل شوند تا بتوان به تغییر اساسی آن یعنی انقلاب فرهنگی مبادرت ورزید و درپی همین استدلال بود که در اعتراض به حضور بعضی از گروههای سیاسی در دانشگاهها ووجود اطاقهای جنگ [redacted] دانشگاهها اشغال و دفتر گروهها تخلیه شد. بدنبال آن شورای انقلاب نیز دستور تعطیل دانشگاهها را از پانزدهم خرداد صادر کرد.

تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی

از روز پانزدهم خرداد عملاً کلیه دانشگاهها تعطیل و آموزش دانشگاهی متوقف شد تا اینکه در ۲۳ خرداد ۵۹ امام امت طی فرمانی مبسوط یک هیئت هفت نفری را مسئول تشکیل شورای برنامه ریزی و خط مشی فرهنگی کشور کرد.

امام در فرمان خود با اشاره به لزوم انقلاب فرهنگی که متاسفانه تا آن موقع کاری در جهت انجام آن صورت نگرفته بود و ضمن توجه به ضرر وزیان حاصل از دانشگاههایی که تنها ناقل فرهنگ استعماری بودند یاد آور شده است: «تسامح در این امر خیانتی عظیم بر اسلام و کشور اسلامی است» و به اعضای شورای هفت نفره ماموریت دادند تا با کمک افراد صاحب نظر متعهد از میان استادان، دانشجویان و دیگر قشرهای تحصیل کرده متعهد و مسلمان و مومن به جمهوری اسلامی نسبت به تشکیل شوراهایی جهت برنامه ریزی رشته‌های مختلف و خط مشی فرهنگی آینده دانشگاهها براساس فرهنگ اسلامی اقدام کنند.

اعضای هیئت که متشکل از حجت الاسلام دکتر محمد جواد باهنر، حجت‌الاسلام ربانی املشی، دکتر حسن حبیبی، استاد عبدالکریم سروش، دکتر علی شریعتمداری، شمس آل احمد و جلال الدین فارسی بود پس از تشکیل جلسات اولیه به تقسیم وظایف پرداخت و براساس این تقسیم بندی استاد عبدالکریم سروش، دکتر حبیبی و دکتر شریعتمداری به عنوان مسئولان دانشگاهی، جلال‌الدین فارسی مسئول جذب نیرو (جهاد دانشگاهی) حجت الاسلام ربانی املشی مسئول تصفیه، حجت الاسلام باهنر به عنوان دبیرستاد انتخاب شدند و شمس آل احمد نیز ماموریت یافت تا در مورد ارتباط مسایل دانشگاهی با وسایل ارتباط جمعی وسینماها و هنر کوشش کند.

این ستاد در آغاز کار فعالیت خود را در سه شاخه تقسیم کرد. که شامل آموزش پیش از دانشگاهی، آموزش عالی و جهاد دانشگاهی است وهر کدام از این سه رشته نیز خود به انشعاباتی کوچکتر تقسیم شدند بطوریکه تا کنون بیش از ۱۹۷ گروه و کمیته و شاخه و کمیسیون تخصصی برای رشته‌های مختلف تشکیل شده است و هر کمیته یاشاخه با حضور عده‌ای از افراد صاحب نظروذیصلاح به بررسی وضع گذشته و تعیین مشی آینده آن رشته پرداخته‌اند و تاکنون وضعیت تعدادی ازرشته هامانند کشاورزی، پزشکی و فنی و مهندسی تقریبا مشخص شده است.

کارهای برنامه ریزی آموزشی ستاد در شش گروه تربیت معلم، فنی و مهندسی، کشاورزی، پزشکی، علوم پایه و علوم انسانی انجام می‌یابد و هریک از این گروهها دارای کمیته‌ها و شاخه‌های پائین‌تری نیز هستند که به ترتیب گروه فنی و مهندسی از ۵ کمیته و ۱۳ شاخه، گروه کشاورزی با ۹ کمیته، پزشکی ۵ کمیته، ۹ شاخه و ۴۵ زیرشاخه و ٦ کمیسیون گروه علوم پایه با ۵ کمیته و علوم انسانی در ۳ موضوع با ١٦ کمیته فعالیت می کنند

لازم به یاد آوریست که این ستاد که با ۷ نفر کار خود را آغاز کرد و مسئولیت تعیین خط مشی کلی فرهنگی آینده کشور را برعهده داشت، آنطور که باید و شاید نتوانست وظیفه خطیر خود را که از سوی امام به آنان محول شده بود انجام دهد چرا که بدلیل مسئولیتهای سنگین برخی از اعضای ستاد در ارگانهای مختلف مملکتی می‌توان گفت که بار سنگین ستاد عملاً بر دوش سه نفر از اعضا دکتر روش، دکتر شریعتمداری وجلال الدین فارسی گذاشته شده‌است زیرا شمس آل احمد بعداز چند جلسه حضور در جلسات بدلیل کسالت جسمی دیگر حضور نیافت ودکتر حبیبی نیز که در زمان انتخاب وزیر علوم وقت بود بعدها چون به عنوان نماینده مردم بار سنگینی وکالت مجلس شورای ملی را بر دوش داشت و نیز بعلت کسالت با حضور در محضر امام، خواستار برکناری شد. همچنین حجت‌الاسلام املشی نیز به دلیل عضویت شورای عالی قضائی قادر به ایفای نقش اساسی بعنوان یک عضو ثابت ستاد نبود وحجت‌الاسلام باهنر نیز که بعداز وکالت مجلس به وزارت آموزش وپرورش رسید در نتیجه به دلیل کثرت حجم کار دراین پست نتوانست بدرستی به این کار مهم بپردازد ونتیجتاً همان سه نفر بارسنگین ستاد انقلاب فرهنگی راهم چنان متحمل هستند وچون خود اعضای ستاد باین موضوع واقف بودند در دیدار اخیر خود باامام مسئله را بازگو وترمیم ستاد را در میان گذاشتند که امام امت دستوراتی را صادر کردند که به احتمال قوی در آینده‌ای نزدیک این ترمیم صورت خواهد گرفت.

ترجمه وتالیف کتاب

کمیته ترجمه وتالیف وتصحیح کتب یکی ازشاخه‌های آموزش عالی است که در ستاد انقلاب فرهنگی به آن توجه شده وبه حق باید گفت با توجه به وسعت حوزه کار آن در این مدت عملکرد چشمگیری داشته است.

این کمیته با ارسال پرسشنامه‌ای به تمام اعضای علمی دانشگاههای کشور میزان مشارکت آنها را در سه موضوع ترجمه، تالیف وتصحیح کتاب جویا شدوبراساس اطلاعات بدست آمده برنامه ریزی کرده وباایجاد ۳٦ کمیته تخصصی نسبت به تامین کتابهای مورد نیاز اقدام کرد. ودراین راه با کمک ۲٤۰۰ تن از اساتید بیش از ۲۰۰۰ عنوان کتاب را جهت ترجمه وتالیف وتصحیح به این گروه واگذار کرده است.

یکی از کارهای خوب قابل ذکر این کمیته تشکیل یک مرکز واحد انتشاراتی بنام سازمان نشر دانشگاهی کشور جهت هماهنگ کردن مطالب درسی دانشگاههای کشور است واین مرکز ناظری خواهد بود تا در آینده هر دانشکده وموسسه آموزش عالی بنا بر روش وسلیقه خود به تدریس مواد نپردازد بلکه رشته‌های تحصیلی آموزش عالی با سطحی یکنواخت آموخته شود.

کمیته ترجمه وتالیف در کمیسیون ۳٦ گانه خود به انجام رسالت ووظایف محوله مشغول است برابر آخرین آمار موجود تعداد کتابهای هرگروه که به کمیته‌های تخصصی منشعب شده بشرح زیر است:

زبان وادبیات فارسی ۱۰۸ جلد- زبان وادبیات عرب ۳۲ جلد- زبانهای خارجی ۸۲ جلد- علوم اجتماعی ۸۱ جلد- علوم تربیتی ۱۲۹ جلد- کتابداری ۲۰ جلد- فلسفه ٤۱ جلد تربیت‌بدنی ۳۰ جلد- اقتصاد ۷۹ جلد- علوم سیاسی ۱۰۰ جلد- مدیریت ۱۰ جلد- حقوق ٤۵ جلد- جغرافی ۷۵ جلد- تاریخ ۵۵ جلد- دایرةالمعارف وفرهنگها ۱۱ جلد- ریاضی ۳۲۸ جلد- فیزیک ۱۳۹ جلد- شیمی ۱۹۹ جلد- زیست‌شناسی ۹۹ جلد- زمین شناسی ۲۲ جلد- کشاورزی ۱۵٦ جلد- دامپزشکی ۳۲ جلد- بیوشیمی ۵ جلد- پزشکی ۱۳ جلد-هنر ومعماری وشهرسازی ۷۹ جلد مکانیک ۸۷ جلد- عمران ۸۱ جلد- برق ۱۰٤ جلد- متالوژی ۳۳ جلد- صنایع ۲ جلد-

لازم به یادآوری است که در این میان برای یک کتاب گاهی چندین نفر تلاش و زحمت می کشند بعنوان مثال یک کتاب پزشکی را حدود ۲۰ نفر مشغول بررسی و ترجمه و تصحیح هستند و همچنین بعضی از اساتید در چندین رشته کار می کنند بطوریکه یکی از استادان به لحاظ تسلط وی در چندزبان در شش گروه به فعالیت مشغول است.

جهاد دانشگاهی

بعد از آنکه دانشگاهها تعطیل شد و ستاد انقلاب فرهنگی زمام امور تعیین خط مشی فرهنگی کشور را در دست گرفت. جهت تحقق بخشیدن به این هدف لزوم ایجاد یک بازی اجرایی احساس شد و بر این اساس در تاریخ ١٦ مرداد ماه ۵۹ یک هیأت ٦ نفری به سرپرستی جلال الدین فارسی (یکی از اعضای ستاد) بنام شورای عالی جهاد دانشگاهی تشکیل شد تا به عنوان بازوی اجرایی به طرح پروژه‌ها و انجام آن مبادرت ورزد. این شورا وظیفه یافت با استفاده از نیروهایی که در اثر تعطیل دانشگاهها آزاد شده‌اند و با بکار گیری تمام خدمات و امکانات موجود دانشگاهها نسبت به نوسازی و بازسازی کشور اقدام کند.

فعالیت‌های جهاد دانشگاهی

شورای عالی جهاد دانشگاهی پس از شروع کار در هر دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی هیأتی مرکب از یک استاد، یک دانشجو و یک کارمند را بنام شورای جهاد دانشگاهی مامور کرد تا نسبت به پیاده کردن اهداف ستاد اقدام کنند و بر این اساس ۱۳ شورای جهاد دانشگاهی در دانشگاههای تهران و ۱۳ شورا نیز در دانشگاههای دیگر استانهای کشور تشکیل شد که در ٦ کمیته و ٤۷ گروه تخصصی مشغول فعالیت شدند.

شوراهای ۲٦ گانه جهاد دانشگاهی که زیر نظر واحد هماهنگی امور دانشگاهها فعالیت می‌کنند. در تهران دانشگاههای تهران، تربیت معلم، پلی تکنیک، ملی، علم و صنعت، صنعتی شریف، متحدین و گروههای هنرهای زیبا، فنی و مهندسی، علوم، علوم اداری و بازرگانی، ادبیات و علوم انسانی و علوم پزشکی، همچنین در استانهای خوزستان، مازندران، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، فارس، اصفهان، خراسان، کرمان، همدان، کرمانشاهان، گیلان و سمنان نیز یک شورای جهاد دانشگاهی مشغول به کار است.

فعالیت کمیته‌های ششگانه جهاد نیز در گروههای تخصصی بشرح زیر است:

شماره ردیف ________ عنوان: اهداف عمومی و تخصصی ستاد انقلاب فرهنگی اطلاعیه

شماره مسلسل ________ موضوع: بیانیه و طرح گروه فنی و مهندسی (از شاخه‌های مهم ستاد انقلاب فرهنگی)

مأخذ: جمهوری اسلامی تاریخ ۵۹/۸/۳ ________ مربوطه: ________



(آرشیو)

همزمان با طرح مساله انقلاب فرهنگی در سطح دانشگاهها و تشکیل ستاد بفرمان امام بنام ستاد انقلاب فرهنگی، شاخه‌های متعددی در این ستاد بوجود آمد که هر کدام در زمینه‌های مختلف پزشکی، فنی، اجتماعی، و غیره مشغول انجام وظیفه و تدوین نظام جدید دانشگاهی مبتنی بر فرهنگ اصیل اسلام شدند. گروه فنی و مهندسی ستاد انقلاب فرهنگی نیز یکی از شاخه‌های مهم این ستاد میباشد که در یک طرح و توضیحی به روزنامه اهداف عمومی خود را بیان داشته است، متن بیانیه و طرح این شاخه بدین شرح است.

مقدمه:

انقلاب اسلامی ایران که سرچشمه‌اش رحمت و فیض الهی بوده است با توجه به نقش تعیین کننده رهبری و فرهنگ اسلامی دگرگونیهای اساسی در جامعه شرک‌آلود، را موجب شده است. در این میان دانشگاهها بعنوان تجلیگاه فرهنگ اسلامی و مظهر متبلور اندیشه و آرمان و ارزشهای تعالی نسل متحرک جامعه میبایستی هماهنگ با این انقلاب متحول میشدند: که متاسفانه پس از گذشت مدتی از انقلاب باین امر حیاتی توجه قابل ملاحظه نشده و حال آنکه امام کراراً ضمن یادآوری، ضرورت دگرگونی بنیادی در دانشگاهها میفرمودند:

«ما از حصر اقتصادی نمیترسیم، ما از محاصره نظامی نمیترسیم، ما از دانشگاه استعماری میترسیم» بنابراین ضرورت تغییر اساسی نظام منحط دانشگاه و تحول آن به یک مجموعه مبتنی بر اصول اسلامی کاملاً لازم بنظر میرسد. لذا با بسته شدن دانشگاهها و با فرمان امام ستاد انقلاب فرهنگی کار خود را آغاز نموده و با پیشنهاد ستاد انقلاب فرهنگی، کمیته فنی و مهندسی تشکیل گردید تا مانند سایر کمیته‌ها، اهداف عمومی و تخصصی و چهارچوب خط‌مشی و برنامه‌ریزی کمیته‌های تخصصی فنی و مهندسی را در نظام آموزش اسلامی پی‌ریزی نماید.

اهداف عمومی دانشگاه اسلامی

در جهان‌بینی اسلام انسان در رابطه با خدا تعریف میشود و مبدأ و مقصد او الله است. و ما خلقت الجن والانس الالیعبدون- و من جن و انس را نیافریدم، مگر برای عبادت کردن (و شناختن).

در این نظام، جهان آفرینش یک قطبی و تک‌محوری است و هیچگونه دوگانگی یا چندگانگی در آن راه ندارد.

انالله و انا الیه راجعون- ما از سوی خدائیم و بسوی او بازمیگردیم (۲-۱۵۶).

هدف انسان شناخت خالق و تلاش و کوشش مستمر و پی گیر در راه اوست و انسان در این راه و حرکت در این مسیر خود را مییابد و به خود آگاهی میرسد و هر حرکتی که از طرف انسان تحقیق پذیرد و در این جهت نباید عقیم و به بهره است.

در این نظام کل هستی آیه و قابل تدبر و تفکر ذکر شده است و لذا از این رهگذر است که علت تاکید و ترغیب اسلام به سیر نظاره و مطالعه در طبیعت و آثار آن روشن میگردد تا در پشت این صورتها عظمت حق تعالی و علم و حکمت بالغه اش برای اهل تفکر هویدا گردد.

اهمیتی که اسلام به علم و دانش وارزش فراوانی که برای قلم قائل شده تا آنجاست که خداوند به قلم سوگند یاد می کند و در حدیث قلم علماء از خون شهدا برتر یاد میشود و قرآن معجزه پیامبر اسلام معرفی میگردد و برای کسب علم محدودیت زمانی و مکانی قائل نمیشود و پیوند علم و دین را یک پیوند مقدس و ناگسستنی میداند.

بنابراین در اسلام علم جهت و هدف مشخصی دارد و وسیله ایست برای تعالی انسان و سیر او بطرف کمال مطلق یعنی الله. دانشگاه بعنوان یکمرکز علمی و تعلیم و تربیت نیز در این نظام میبایستی یک مجموعه پویا با جوهر اسلامی باشد تا بتواند در جهت بالا بردن شناخت انسان از نفس خویش و شناخت خالق و جهان و ارتباط انسان با طبیعت و جامعه و شناساندن ارزشهای اسلامی و دوری از ارزشهای منحط، نقش سازنده داشته باشد و مکان همبستگی علم و دین و توجیه کننده منطقی حرکت یگانه پدیده ها در جهت الله گردد. الی الله تصیر الامور (آگاه باشید که همه شدنها بسوی خداست).

تا در نهایت دانشگاه درخدمت جامعه اسلامی قرار گیرد و موجب رهائی مردم از بند جهالت ونادانی و تحجر و هدایت آنان در جهت کسب علم و تقوی بشود.

باتوجه به شمه ای از اهداف عمومی فوق مسئولیت خطیر مراکز علمی و تعلیم و تربیتی در یک جامعه اسلامی بطور عام آشکار میشود. و بطور خاص در زمینه های تخصصی نیز میبایستی روحیه فوق همراه با جهت گیری تخصصی حفظ گردد. به لحاظ مسئولیت گروه فنی و مهندسی و باتوجه به اصول یاد شده که میبایستی در کلیه رشته ها و تخصصها متناسب با هر رشته مورد توجه قرار گیرد و مبنای شروع باشد. بنابراین میتوان ذیلاً برخی از اهداف تخصصی رشته های فنی و مهندسی را علاوه بر برنامه های عمومی ذکر نمود:

۱- تربیت و تعلیم افراد متعهد و متخصص منطبق با موازین اسلامی جهت رفع نیازهای مشروع جامعه.

۲-فعالیت در زمینه های فنی و مهندسی برای نیل به استقلال علمی و صنعتی.

۳- فراهم آوردن امکانات و زمینه لازم جهت بالا بردن آگاهی فنی در جامعه.

٤- تقویت روحیه تحقیق و پژوهش جهت حل مشکلات فنی و مهندسی جامعه، ایجاد زمینه لازم برای بهره برداری معقول از منابع طبیعی و گسترش مرزهای دانش.

۵- کمک به احیای صنایع و فنون سنتی کشور و کوشش در انتقال تکنولوژی مورد نیاز و متناسب با شرایط فرهنگی جامعه.

اهداف تخصصی فوق از طرف گروه‌فنی و مهندسی بصورت ریزتر درآمده و خطوط کلی جهت رسیدن به این اهداف تحت عنوان خط مشی کلی اهداف تخصصی فنی و مهندسی بشرح زیر تدوین شده است.

اهداف تخصصی دانشگاههای فنی و مهندسی دو محور اصلی بشرح زیر را شامل میشود:

اول: تربیت و تعلیم افراد متعهد و متخصص منطبق با موازین اسلامی جهت رفع‌نیازهای مشروع جامعه.

دوم: فعالیت در زمینه های فنی و مهندسی برای نیل به استقلال علمی و صنعتی.

محور اصلی اول بصورت ریزتر خود شامل سه قسمت عمده زیر است:

الف- آموزش مکتب اسلام در زمینه‌های:

۱-تعلیم جهان بینی اسلام، فضائل اخلاقی، شناخت روابط انسان با خویشتن خویش، خالق جامعه و طبیعت.

۲-آموزش فرهنگ و تمدن اسلامی و کاوش در مکاتب دیگر.

۳-شناخت هدف و جهت گیری علم از دیدگاه اسلام و سایر مکاتب.

ب- برقراری حاکمیت اخلاق اسلامی در دانشگاهها از طریق:

۱-ایجاد محیط اسلامی در دانشگاه (ارتباط معنوی استاد و دانشجو، برقراری ظواهر اسلامی، حفظ شعائر اسلامی، حذف وسائل غیر ضروری و......)

۲-ارتباط دانشگاهیان با توده مردم و آگاهی از واقعیات اجتماعی و دوری از ذهن‌گرائی.

۳-پیوند با حوزه‌های علمیه و دیگر مراکز اسلامی.

٤-روش صحیح تدریس با توجه به فرهنگ اصیل اسلام (همزمانی تعلیم و تعلم و......)

ج- انطباق برنامه‌های آموزشی با نیازهای صنعتی مشروع جامعه:

۱-شناخت نیازهای صنعتی مشروع جامعه.

۱-۱: آگاهی از نیازها و امکانات عمومی صنعتی جامعه.

۲-۱: آگاهی از نیازها و امکانات صنعتی خاص هر منطقه.

۳-۱: آشنائی با سیاستهای توسعه صنعتی میان مدت و بلند مدت.

٤-۱: بررسی کمی و کیفی نیروی انسانی موردنیاز.

۲-ارتباط دانشگاه با مراکز صنعتی و ارگانهای ارجائی

۱-۲: استفاده از امکانات صنعتی کشور در آموزش و پرورش دانشگاهی.

۲-۲: برآوردن نیازهای آموزشی و پژوهشی صنایع و براساس همکاری متقابل و امکانات موجود.

محور اصلی دوم بصورت ریزتر خود شامل‌چهار قسمت عمده زیر است:

الف- استوار کردن برنامه‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه بر مبنای قطع وابستگیهای علمی و صنعتی.

۱-شناخت وابستگیهای علمی و صنعتی کشور.

۲-تاکید بر پژوهش در باره صنایع مادر.

۳-همکاری و هماهنگی با موسساتیکه در امر استقلال صنعتی کشور فعال میباشند.

٤-تربیت کادر آموزشی و پژوهشی برای دانشگاهها.

ب- تقویت روحیه تحقیق و پژوهش جهت حل مشکلات فنی و مهندسی جامعه و ایجاد زمینه لازم برای بهره‌برداری معقول از منابع طبیعی و گسترش مرزهای دانش.

۱-تحقیق و پژوهش:

۱-۱: تشویق به ابتکار و تقویت قدرت تجزیه و تحلیل برای نیل به استقلال فکر و اندیشه.

۲-۱: تحقیق در کاربردهای علوم پایه‌ای برای غنی‌تر کردن محتوی علمی رشته‌های صنعتی کشور.

۳-۱: توسعه فرهنگ لغات و ادبیات فنی بزبان فارسی.

٤-۱: آگاهی و استفاده از تجربیات کشورهای دیگر بخصوص کشورهائیکه در سالهای اخیر به مرحله خود کفائی صنعتی رسیده‌اند و یا دارای رشد قابل توجهی در این زمینه میباشند.

۵-۱: ایجاد امکانات تحقیقاتی و پژوهشی از طریق:

۱-۵-۱: ایجاد و توسعه مراکز تحقیقاتی با توجه به نیازها و ویژگیهای زمانی و مکانی.

۲-۵-۱: ارتباط با موسسات تحقیقاتی و علمی داخل و خارج کشور برای انجام پروژه‌های مشترک و مبادلات علمی و فنی.

۳-۵-۱: جذب افراد محقق به مراکزتحقیقاتی دانشگاهی و فراهم آوردن امکانات لازم برای آنها.

٤-۵-۱:

۲-منابع طبیعی :

۱-۲: آگاهی و کمک به شناسائی کمی و کیفی منابع طبیعی کشور.

۲-۲: تحقیق در روشهای شناسائی و بهره‌برداری صحیح از منابع طبیعی با توجه به حفظ محیط زیست.

۳-گسترش مرزهای دانش:

۱-۳: آگاهی از آخرین تحولات و کشفیات علمی و فنی جهان بمنظور رفع نیازهای مشروع جامعه.

۲-۳: تلاش و پژوهش برای گسترش مرزهای علوم و فنون و بهره‌برداری از آن متناسب با پیشرفت علمی و فنی کشور.

ج-کمک به احیای صنایع و فنون سنتی کشور و کوشش در انتقال تکنولوژی مورد‌نیاز و متناسب با شرایط فرهنگی جامعه:

۱-شناخت شرایط و ارزشهای اصیل فرهنگ جامعه در رابطه با صنایع و فنون.

۲-آگاهی از سوابق و کارآئی و کاربرد صنایع و فنون سنتی ایران و بررسی علمی آنها برای توسعه و هرچه بهتر کردن بهره برداری از آنها.

۳-بررسی و شناخت صنایع و تکنولوژی جدید و نحوه انتقال و بهره برداری از تکنولوژی موردنیاز براساس شرایط فرهنگی جامعه.

٤-آماده ساختن جامعه برای بهره‌برداری از تکنولوژی موردنیاز از طریق تربیت نیروی انسانی متخصص لازم و......)

د- فراهم آوردن امکانات وزمینه لازم برای بالا بردن آگاهی فنی درجامعه:

۱- ایجاد علاقه به مسائل فنی ومهندسی درمردم(فراهم آوردن امکانات و بالا بردن آگاهی فنی بوسیله تهیه کتب و مجلات ساده فنی و......)

۲- فراهم آوردن امکانات آموزشی بامحتوای مناسب ازطریق: (ایجاد کلاسهای آزاد غیررسمی همکاری بارسانه‌های گروهی و......)

عنوان: طرح کلی اهداف عمومی و تخصصی ستاد انقلاب فرهنگی

موضوع: اهداف تخصصی دانشگاههای فنی و مهندسی



(آرشیو)

شماره ردیف

شماره مسلسل

مأخذ: تاریخ جمهوری اسلامی ۵۹/۸/۳

بسم الله الرحمن الرحیم

اهداف تخصصی دانشگاههای فنی و مهندسی

۱- تربیت و تعلیم افراد متعهد و متخصص منطبق با موازین اسلامی جهت رفع نیازهای مشروع جامعه.

- الف- آموزش مکتب اسلام درزمینه‌های
  - ۱- تعلیم جهان بینی اسلام ، فضایل اخلاقی ، شناخت روابط انسان باخویشتن‌خویش ، خالق جامعه وطبیعت.
  - ۲- آموزش فرهنگ وتمدن اسلامی وکوشش درمکاتب دیگر.
  - ۳- شناخت هدف و جهت گیری علم ازدیدگاه اسلام وسایرمکاتب.
  - ۴-
- ب- برقراری حاکمیت اخلاق اسلامی در دانشگاهها از طریق
  - ۱- ایجاد محیط اسلامی در دانشگاه (ارتباط معنوی استاد ودانشجو ـ برقراری ظواهر اسلامی ـ حفظ شعائر اسلامی ـ حذف وسائل غیرضروری و . . .)
  - ۲- ارتباط دانشگاهیان با تودهٔ مردم و آگاهی از واقعیات اجتماعی و دوری از ذهن گرایی.
  - ۳- پیوند با حوزه های علمیه ودیگرمراکزاسلامی.
  - ۴- روش صحیح تدریس با توجه بفرهنگ اصیل اسلام (همزمانی تعلیم و تعلم و . . .)
- ج- انطباق برنامه‌های آموزشی با نیازهای صنعتی مشروع جامعه.
  - ۱- شناخت نیازهای صنعتی‌مشروع جامعه:
    - ۱- آگاهی از نیازها و امکانات عمومی صنعتی جامعه.
    - ۲- " " " " صنعتی خاص هرمنطقه.
    - ۳- آشنائی با سیاستهای توسعهٔ صنعتی میان مدت و بلند مدت.
    - ۴- بررسی کمی و کیفی نیروی انسانی مورد نیاز.
  - ۲- ارتباط دانشگاه با مراکزصنعتی‌وارگانهای اجرائی مربوطه.
    - ۱- استفاده از امکانات صنعتی کشور درآموزش و پرورش دانشگاهی.
    - ۲- برآوردن نیازهای‌آموزشی وپژوهشی صنایع براساس همکاری متقابل‌وامکانات موجود.

۲- فعالیت درزمینه های فنی ومهندسی برای نیل به‌استقلال علمی و صنعتی.

- الف- استوارکردن برنامه‌های‌آموزشی وپژوهشی دانشگاه برمبنای‌قطع وابستگی‌های علمی وصنعتی.
  - ۱- شناخت وابستگیهای علمی و صنعتی کشور.
  - ۲- تأکید بر پژوهش دربارهٔ صنایع مادر.
  - ۳- همکاری و هماهنگی باموسساتی که درامر استقلال صنعتی‌کشور فعال می‌باشند.
  - ۴- تربیت کادرآموزشی و پژوهشی برای دانشگاهها.
- ب- تقویت روحیهٔ تحقیق وپژوهش جهت حل مشکلات فنی ومهندسی جامعه و ایجاد زمینهٔ لازم برای بهره‌برداری معقول‌ازمنابع طبیعی وگسترش مرزهای دانش.
  - ۱- تحقیق و پژوهش:
    - ۱- تشویق به ابتکار وتقویت قدرت تجزیه وتحلیل‌برای نیل به استقلال فکر و اندیشه.
    - ۲- تحقیق‌درکاربردهای علوم پایه‌ای برای فنی‌تر کردن محتوی علمی رشته‌های صنعتی کشور.
    - ۳- توسعهٔ فرهنگ لغات وادبیات فنی به زبان فارسی.
    - ۴- آگاهی واستفاده از تجربیات کشورهای دیگر بخصوص کشورهایی که در سالهای اخیر بمرحلهٔ خودکفایی صنعتی رسیده‌اند ویا دارای رشد قابل توجهی دراین زمینه می‌باشند.
    - ۵- ایجاد امکانات تحقیقاتی و پژوهشی از طریق:
      - ۱- ایجاد وتوسعهٔ مراکز تحقیقاتی با توجه به نیازها و ویژگیهای زمانی ومکانی.
      - ۲- ارتباط با مؤسسات تحقیقاتی وعلمی داخل وخارج کشور برای انجام پروژه های مشترک و مبادلات علمی وفنی.
      - ۳- جذب افراد محقق بمراکز تحقیقاتی دانشگاهی وفراهم آوردن امکانات لازم برای آنها.
      - ۴-
  - ۲- منابع طبیعی:
    - ۱- آگاهی وکمک به شناسائی کمی و کیفی منابع طبیعی‌کشور.
    - ۲- تحقیق درروشهای شناسایی و بهره برداری صحیح از منابع طبیعی باتوجه به حفظ محیط زیست.
  - ۳- گسترش مرزهای دانش:
    - ۱- آگاهی ازآخرین تحولات وکشفیات علمی وفنی جهان بمنظور رفع نیازهای مشروع بشری.
    - ۲- تلاش وپژوهش برای‌گسترش مرزهای علوم وفنون و بهره برداری از آن متناسب با پیشرفت علمی وفنی کشور.
- ج- کمک به احیای صنایع و فنون سنتی‌کشور وکوشش در انتقال تکنولوژی مورد نیاز و متناسب با شرایط فرهنگی جامعه.
  - الف- شناخت شرایط وارزشهای اصیل فرهنگ جامعه در رابطه با صنایع وفنون.
  - ب- آگاهی از سوابق وکارآیی وکاربرد صنایع وفنون سنتی ایران وبررسی‌علمی آنها برای توسعه وهرچه بهتر کردن بهره برداری ازآنها.
  - ج- بررسی وشناخت صنایع و تکنولوژی جدید ونحوهٔ انتقال وبهره برداری ازتکنولوژی مورد نیاز براساس‌شرایط فرهنگی جامعه.
  - د- آماده ساختن جامعه برای بهره برداری ازتکنولوژی مورد نیاز از طریق تربیت نیروی انسانی متخصص لازم و . . .
- د- فراهم آوردن امکانات وزمینهٔ لازم برای بالا بردن آگاهی فنی در جامعه.
  - ۱- ایجاد علاقه به مسایل فنی ومهندسی درمردم (فراهم آوردن امکانات وبالابردن آگاهی فنی بوسیلهٔ تهیهٔ کتب ومجلات سادهٔ فنی و . . .)
  - ۲- فراهم آوردن امکانات آموزشی با محتوای مناسب ازطریق (ایجادکلاسهای آزاد (غیررسمی) وهمکاری بارسانه های گروهی و . . .)

شماره ردیف

شماره مسلسل

ماخذ، تاریخ



«آرشیو»

عنوان :

موضوع :

۵۸/۴/۱۶

● ما دشمن را نکشته‌ایم، بلکـه او را زخمی کرده‌ایم.

● موقعیت سیاسی ایران در حال حاضر خطرناک نیست، حساس است.

● حقیقت، همیشه از طـریق تبادل صحیح افکار و اندیشه‌های مختلف روشن میشود.

● روحانی اصیل و صادق بیان و زبان اسلام است.

اسلامی احترام می‌گذارم و سیستم تك‌حزبی را که نه با جامعه دموکراتیك اسلامی و نه با هر جامعه آزادمنش دیگر سازگار است رد می‌کنم، عضویت خودم را در حزب جمهوری خلق مسلمان و هر حزب و گروه دیگری تکذیب می‌کنم، هر چند احتمال دارد که در آینده به عضویت حـزبی در آیم و یا مسئولیتی را در گروه یا تشکیلاتی بپذیرم، اما در حال حاضر بصورت منفرد فعالیت میکنم و عضو هیچ حزب و یا گروهی نیستم.

* طبق خبرهای مندرج در روزنامه‌ها و مجلات گویا شما بعنوان مشـاور فـرهنگی و اسـلامی اسـتاندار خوزستان بزودی به این استان سفر خواهید کرد، اگر ممکن است در این مورد اطلاعات بیشتری به ما بدهید.

- با کمال میل. در مسیر فرمان امام و سـخنرانی‌های اخیر رهبر انقلاب اسلامی ایران در مسیر انقلاب فرهنگی و این خواست رهبر انقـلاب که هر چه زودتر باید نهادهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعهٔ ما از وضـع گذشـته بیرون آمده و صبغه الهی بگیرد. تیمسـار دکتر مدنی اولین کسی است که در جهت فرمان امام این ابتکـار را انجـام داده‌اند. و در همین مسیر بود که طـی حکمی در تاریخ ۵۸/۳/۱۲ بنده را به عنوان مشاور فرهنگی و اسلامی خـود در امور استانداری خوزستان منصوب کردند. و من امیدوارم با همکاری استاندار خوزستان که یکی از اعضـای شایسته، سخت‌کوش و لایق دولت موقت جمهوری اسلامی است و با سوابقی که از ایشان طـی نزدیك به بیسـت سـال دارم، و حتی اگر حمل بر اغراق ندانید اگر پنج نفـر در ایران صـاحب صلاحیت برای ریاست جمهوری باشند یکـی از این پنج نفـر تیمسـار مدنی است، امیدوارم با همکـاری و همفکـری و شایستگی که در ایشـان سـراغ دارم، بتوانم اندیشـه‌ها و فرهنگ انقلاب اسلامی ایرانی را دراین خطه‌ی مهـم ایران گسترش بدهم. و حتی امیدوارم که این ابتکار تیمسـار دکتر مدنی برای سایر استانداران و صاحب‌منصبان بتواند الگوئی باشد در جهت خواست رهبر انقلاب اسلامی ملت ایران. این نکته را هم اضافه کنم که با توجه به انقلاب اسلامی ایران و اینکه روحانیت اصیل و صادق بیان و زبان اسلام است، این موضوع را به هیچوجه قبول ندارم که روحـانیت نباید در امور اجـرائی مملکـت دخـالت بکند. من البته این گفته آیت‌اله طالقانی را می‌پذیرم که برای یك روحـانی اصـیل بزرگترین پایگاه مسجد اسـت، اما این حقیقـت را هم نباید از نظر دور داشت که در آینده همه نهادهای مملکت باید مسجد باشد. در گذشـته به دلائلی که می‌دانیم مسـجد هیچ رابطه‌ای با نهادهای دولتی و اداری نداشت، اما در حال حاضر ما باید به سمتی برویم که این نهادها را با مسجد مرتبط سازیم. البته ما هیچگونه مخالفتی با قـالب‌های نو و سـودمند نداریم، اما آنچه که مهم اسـت محتوا اسـت ما باید به محتوای اصـیل اســلامی زمان پیامبر باز گردیم. یعنی همانطور که در آن زمان مسجد پایگاه همه چیز در صـدر اسـلام بود، در سـایه انقلاب و جمهوری اسلامی هم همه جا باید مسجد بشـود. و در این مسیر وظیفه روحـانیت اصـیل مشخـص می‌شـود که بتواند فرهنگی راستین اسلامی را گسترش بدهد و جامعه را از فـرهنگ شـرك آلود غربی برهاند و مردم را با مسـجد و محتوای اسلامی و فـرهنگ اسـلامی آشـنا بکند و آشـتی بدهد. و من امیدوارم که با صـداقت، پاکی و آگاهی که در تیمسار دکتر مدنی سراغ دارم، بتوانم در این استان منشـاء اثر و خدماتی باشم.

* منظور شما از مسجد، مفهوم و محتوائی است که این مکان در زمان صدر اسلام داشت؟

- البته. و باید توجه کنیم که طی سالهای بسیار استثمار و استبداد آمد و مسجد را که در فرهنگ اسـلامی دارای ابعـاد بسیار و در متن زندگی است، از محتوای اصلی خودش جـدا ساخت و آنرا تبدیل کرد به محلی صرفاً برای عبادت. و آنهم عبادتی که مسلمان در آن حتی متوجـه مفهـوم و محتوای همین دو رکعـت نمازی هم که می‌خـواند، نباشـد. گمان نمی‌کنم لازم به توضیح باشـد که مسـاجد ما در گذشـته با جداشدن آنها از محتوای اصیل اسلامی، تا چـه اندازه مورد بهره‌برداری استثمار جهـانی و استبداد داخلی قـرار گرفتند. بنابراین منظور من از مسـجد آن مسـجد با محتوای اصـیل اسـلامی صـدراسلام اسـت که مرکز تصـمیم‌گیری در تمام زمینه‌ها و شئون اجتماعی بود.

* با توجـه به ارتباط مسـائل اقتصـادی و فـرهنگی که همیشه شما در سخنرانی‌ها و آثارتان مورد توجـه قـرار داده‌اید، می‌خواستم بپرسم که این موضوع در اقدامات شما در استان خوزستان تا چه اندازه مورد توجـه قـرار خواهد گرفت؟

- من امیدوارم که بتوانم این موضـوع را به اسـتاندار خوزستان عرض بکنم که یك مردم گرسنه را ما نمی‌توانیم با فـرهنگ اسـلامی تربیت بکنیم. من آنطور که شـنیده‌ام بسیاری از دهات خوزستان حمام که سهل است، حتی توالت هم ندارند. و من چگـونه می‌توانم بروم به دهاتی که این اندازه محروم‌اند و به آنهـا فـرهنگ اسـلامی را بیاموزم و به اقامهٔ مراسم مذهبی ترغیبشان کنم. من امیدوارم که با توجه به روحیه پاك و انقلابی استاندار خـوزستان پیش از آنکـه در روسـتاهائی اینچنین دسـت به اقـداماتی فـرهنگی بزنیم، بتوانیم امکانات رفاهی مردم این روسـتاها را فـراهم کنیم و آنهـا را از فقـر برهانیم. و این کلام پیامبر اسـلام اسـت که می‌فرماید «آللهم بارك لنافی النجز، لولاالنجز ما صـلینا و ما صُمنا». خدایانان را بر ما مبارك گردان. و اگر نان نبود ما نه نماز می‌خواندیم و نه روزه می‌گرفتیم. کدامیك از مکاتبی که دم از اقتصـاد و نان می‌زنند اینگـونه به این مسئله اهمیت داده‌اند که اسلام. با توجه به اینکه اسـلام یك مکتب الهـی اسـت می‌بینیم که تأکید بر این مسئله دارای چـه اهمیت ویژه‌ای اسـت. من امیدوارم که در این اسـتان که با اینکه مردمش بر چاه‌های نفت نشسـته‌اند، از فقیرترین مردم کشور هستند بتوانم آن فرهنگ اصیل اسـلامی که نمی‌تواند از مسئله نان و اقتصاد و رفاه اقتصادی جدا باشد، پیاده کنم. و امیدوارم که با توجه به اولویتی که روستاها از تمام جهـات و از نظر رهبر انقلاب و دولت موقت جمهوری اسلامی ایران دارند، به یاری خداوند و با همکـاری و همفکـری، مردم غیور خوزستان عمران و آبادی را که زمینه‌ی لازم برای گسـترش فرهنگ اسلامی است از روستاهای این اسـتان شـروع بکنیم. و این مسئولیت عظیم را به انجام برسانیم.

* با توجـه به سـفرهایی که اخیراً به خـوزستان داشته‌اید، علل وقایع خوزستان را در چه می‌دانید؟

در زمان شروع وقایع خوزستان من در این استان بودم. با توجه به سخنان روشن و مستدل تیمسار مدنی، من معتقـدم که علل وقایع خوزستان را می‌توان در دو موضوع خـلاصه و جستجو کرد. اول توطئه‌های برون‌مرزی امپریالیسم و دیگر توطئه‌های داخلی توسـط عناصر باقیماندهٔ رژیم سـابق و می‌دانیم هنوز هر دوی این عوامل به کلی ریشه کن نشده‌اند و می‌کوشند تا در مناطق مختلف آشوب بپا کنند. این را هم بگویم بر خلاف شایعات پراکنده شده توسط همین عناصر، در خوزستان اصلاً مسئله خلق عرب و یا عجم و عرب مطرح نبوده و نیست. آنچه که هست ناشی از توطئـه‌های عواملی است که به آنها اشاره شـد. و یك جمله عرض کنم آنچـه که در خوزستان می‌گذرد برخورد انقلاب اصـیل اسـلامی ایران است با عناصر ضدانقلابی امپریالیسـم و رژیم سـاقط شـده گذشته و نه مسئله عرب و عجم. و همه ما باید بدانیم که ما دشـمن را هنوز نکشـته‌ایم بلکـه او را زخمی کرده‌ایم و باید سعی کنیم که این دشـمن زخـم خورده برنخیزد و تا از پا در آوردن کامل آن نباید که از پای بنشینیم. •

شماره ردیف

شماره مسلسل

ماخذ، تاریخ



«آرشیو»

عنوان : تغییر نهادهای فرهنگی جامعه

موضوع :

گفتگو با «علی حجتی کرمانی» - ۲ -
خطیب، نویسنده و متفکر اسلامی



تغییر نهادهای فرهنگی جامعه

● با توجه به آنچه که گذشت موقعیت سیاسی کنونی ایران را چگونه می‌بینید؟

- بنظر من موقعیت سیاسی ایران در حال حاضر خطرناك نیست، بلکه حساس است. و اگر به این حساسیت توجه نشود ممکن است که ما به سمتی برویم که بسیار خطرناك و پر مخاطره است. میدانیم انقلاب ما در تضاد است با منافع امپریالیسم، بامنافع شرکت‌های نفتی و کارخانجات اسلحه‌سازی. و همینطور در تضاد است با صهیونیسم و ارتجاع، و انقلاب توانست امپریالیسم امریکا و صهیونیسم را بکوبد و به اصطلاح آنها را زخمی کند، اما بطور کلی هنوز از پای در نیامده‌اند و همین است که هر از چند گاه توطئه میکنند و اینسو و آنسو فعالیت و خرابکاری میکنند. بنابراین آنها در کمین انقلاب ما هستند و برآنند تا در هر لحظه به انقلاب ما لطمه بزنند. با اینهمه من آنقدر که از تفرقه و یجاد نفاق بین ملت نگرانی دارم از عمل توطئه‌گران امپریالیستی و عمال آنها ندارم. چرا که اگر نفاق و تفرقه نباشد، ملت در هر برهه از زمان قادر است که با امپریالیسم و عمال آن مبارزه کند و آنها را سرکوب سازد. اما نفاق و تفرقه از کجا ناشی می‌شود؟ به اعتقاد من از انحصارطلبی‌های سیاسی و از دشمنی کردن خودمان به خودمان و فرصت‌طلبی‌های فردی. از تضادها و نه تضادهای سازنده. از انتقادها و نه انتقادهای سازنده، که می‌دانیم همیشه حقیقت از طریق تبادل صحیح افکار و اندیشه‌های مختلف روشن می‌شود. من معتقدم که در مرحله انتقالی هستیم. یعنی انتقال [illegible] و مشترك به یك جامعهٔ آزاد و [illegible] و در طول تاریخ همیشه مراحل انتقالی مراحلی حساس بوده‌اند. همانطور که موقعیت کنونی جامعهٔ ما. و این حساسیت اگر از طرف رهبران و ملت ما نادیده گرفته شود، طبیعی است که به مراحل خطرناکی خواهیم رسید. در واقع [illegible] که ما از طریق مسائل درون مرزی تهدید می‌شویم. از مسائل برون مرزی تهدید نمی‌شویم. البته نمی‌خواهم بگویم که از برون مرزها مورد تهدید قرار نمی‌گیریم، خیر، چرا که اگر اژدهای امپریالیسم را ده سره فرض کنیم ما فقط پنج سر این اژدها را تاکنون قطع کرده‌ایم. اما با هوشیاری و قاطعیتی که در رهبری انقلاب وجود دارد و با آگاهی موجود در ملت، می‌توان در مبارزه‌ای مستمر پنج سر باقیماندهٔ این اژدها را قطع کرد. اما با همه این احوال خطری که از داخل ما را تهدید میکند به مراتب بیشتر از خطر توطئه‌های برون مرزی است، با توجه به اینکه امپریالیسم و عمال آن بیشترین امید خود را هم بهمین موضوع بسته است. با توجه به همین مسئله است که من بعنوان یك مسلمان دردمند و کسی که سالها در متن جامعه و مبارزات ضد استعمار و استبداد بوده است، اعلام خطر می‌کنم که اگر در این مرحله با منطق و درایت و نه با هوو جنجال، از بروز تفرقه و نفاق جلوگیری نشود، آیندهٔ انقلاب ما با خطرات بسیاری روبرو خواهد شد.

● در ارتباط با موضوعات مطرح شده در پیش می‌توانیم نتیجه بگیریم که طی نیم‌قرن اخیر به علت فقدان فرهنگی پویا و متکی بر ایدئولوژی اصیل اسلامی در سطح جامعه، امپریالیسم و دست نشاندگانش توانست در ایران نفوذ کند و حاکم بر شئون زندگی مردم گردد. در مسیر احیاء و گسترش چنین فرهنگی، آنچه را که صدور انقلاب می‌نامیم به چه شیوه‌ای می‌توانیم عملی کنیم؟

- بله، همانطور که اشاره کردید اصولاً امپریالیسم توانست از طریق استعمار فکری، جامعهٔ ما را تحت استعمار نظامی، سیاسی و اقتصادی قرار دهد. و این اساساً سبك شیوهٔ امپریالیسم است در آفریقا، آسیا و کشورهای امریکای لاتین. یعنی که ابتدا امپریالیسم می‌آید و یك ملت را از محتوای اصیل فرهنگی خودش جدا می‌سازد تا بتواند زمینه را برای تزریق مظاهر غیر سودمند فرهنگ خویش فراهم سازد. مسئلهٔ کشف حجاب در ایران و ترکیه در این مسیر قرار می‌گیرد. و یا مسئلهٔ تغییر خط، که خوشبختانه رضاخان در ایران موفق نشد ولی آتاتورك در ترکیه موفق گردید، نیز در همین مسیر قرار می‌گیرد و هزاران مسئله دیگر. بنابراین استعمار فرهنگی مقدمهٔ استعمار اقتصادی، سیاسی و نظامی است. و درست به همان طریق که‌آنها عمل کردند ما هم باید عمل بکنیم. یعنی ما باید به فرهنگ غربی که طی نزدیك به شصت سال به ما تحمیل شده است و انسان را تا مرحله خوردن و خوابیدن و شهوترانی سقوط داده است «نه» بگوئیم، و بعد در گفتن «آری» فرهنگ اصیل اسلامی را عرضه بکنیم و در تمام شئون زندگی خود به آن عمل بنمائیم. و در همین مسیر مشخص کردن و عمل کردن به فرهنگ اصیل اسلامی است که ما قادر خواهیم بود انقلاب و ایدئولوژی خود را صادر بکنیم. البته باید بگوییم که با این پراکندگی و تضادهائی که در برداشت از جهان‌بینی اسلام وجود دارد ما قادر به انجام چنین کاری نیستیم. وتنها راه اینستکه ما ابتدا جامعه خود را بر اساس جهان‌بینی توحیدی اسلام و فرهنگ اصیل و راستین آن دوباره‌سازی کنیم، آنگاه خواهیم توانست که انقلاب خود را به خارج از مرزها صادر کنیم. و برای اینکار ما باید در ابتدا با تمرکز بخشیدن به کارهائی که در زمینهٔ پژوهش‌های اسلامی که بخصوص در این شانزده ساله اخیر توسط محققین و متفکرین ما انجام شده، زمینه را برای ادامهٔ اینکار فراهم بکنیم. و با مرزبندی ایدئولوژی اصیل اسلامی و انقلاب اسلامی ایران که به اعتقاد من پس از بعثت پیامبر بزرگترین انقلاب در جهت احیاء جهان‌بینی اسلامی بوده، قادر خواهیم بود که انقلاب اسلامی ایران و شیوه‌ها و جهان‌بینی آنرا به سایر کشورها صادر نمائیم.

● انقلاب اسلامی ایران چه تاثیری بر کشورهای غیر مسلمان زیر سلطهٔ امپریالیسم و نهضت‌های این ملل خواهد داشت؟

- بی‌تردید غیر از ملل اسلامی، ملل غیر مسلمان زیر سلطه امپریالیسم نیز می‌توانند برای رهائی خود از زیر نفوذ امپریالیسم، از انقلاب اسلامی ایران الهام بگیرند. چرا که قبل از اینکه ما به ایدئولوژی اسلامی برسیم، این ماهیت انسانی و خودجوش انقلاب اسلامی ایران است که می‌تواند مورد توجه عالم قرار بگیرد. چرا که توده‌ها براساس اخلاقیات درونی انسانی توانستند با دست خالی یکی از بزرگترین قدرتهای منطقه و پیچیده‌ترین دستگاه جاسوسی جهان (ساواك) را به زانو دربیاورند. مگر نه اینستکه این فضائل اخلاقی، قاطعیت، شهامت و شجاعت ملت بود که ما را به پیروزی رساند؟ و این صفاتی هستند که در همهٔ ملت‌ها مشترك است. و انقلاب اسلامی ایران نیز با بهره‌مندی از این خصوصیات و قدر مشترك‌ها است که می‌تواند حتی برای ملل غیر مسلمان هم الگو باشد. الگو و نمونه‌ای در جهت رهانیدن این ملت‌ها از زیر ستم استعمار و استبداد و امپریالیسم جهانی.

● طبق شایعاتی که اخیراً وجود داشته موضوع عضویت و فعالیت شما در حزب جمهوری خلق مسلمان مورد شایعه بوده، می‌خواستیم نظر شما را در این باره و برای روشن شدن موضوع جویا شویم.

- خیر این شایعه که بگوش خود من هم رسیده بود صحت ندارد. علت این شایعه هم تصور می‌کنم اینستکه روزنامه «خلق مسلمان» که ارگان رسمی این حزب اسلامی است سلسله مصاحبه‌های مرا با امام موی صدر(که شش‌ماه قبل در نشریه‌ای در لندن چاپ شده بود) طی چندین شماره نقل کرد و فکر می‌کنم همین موضوع باعث شد تا شایع گردد که من احیاناً عضو یا از مؤسسین حزب جمهوری خلق مسلمان هستم. در عین اینکه من به آزادی تمام احزاب

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ ، تاریخ سروش ۹ ۵۸/۴/۷



«آرشیو»

عنوان : آموزش فرهنگ

موضوع : ....

می‌گوید. امامی که در شورای شش نفری با اینکه سه مرتبه عبدالرحمن‌بن عوف می‌گوید بیا و قول بده به سنت پیامبر و کتاب و طریقهٔ شیخین عمل بنمائی با صراحت و قاطعیت تمام جواب می‌گوید، نه و می‌گوید من قول میدهم که به سنت پیامبر و کتاب و اجتهاد خودم رفتار بکنم. و ریاست و خلافت را رها میکند و حتی راه را برای خلافت عثمان با همهٔ جنایاتش باز می‌کند، فقط برای اینکه این اخلاق و فرهنگ اصیل، این طرز تفکر و این جهان‌بینی محفوظ بماند. یعنی ریاست و حکومت فدای ایدئولوژی. یا اینکه در حوزهٔ فرهنگی علی (ع) باز می‌بینیم که می‌فرماید حتی یکدقیقه اجازه نمی‌دهم که معاویه بر مردم حکومت بکند. مصلحت اندیشان سیاسی که حتی عده‌ای‌شان هم شاید حسن‌نیت داشته‌اند به علی (ع) سفارش می‌کنند که معاویه در شام صاحب قدرت است و برای چنین صراحت و قاطعیتی الان زود است و بهتر است شما مصالح سیاسی را در نظر بگیرید که علی (ع) دوباره همان پاسخ را می‌دهند. که یعنی حکومت اسلامی، حکومت توحیدی، فرهنگ و اخلاق اصیل اسلامی به هیچوجه اجازه نمی‌دهد آدمی مثل معاویه حتی یکدقیقه هم بر مقدرات مردم حاکم باشد. و خوشبختانه در قرنی که شیوهٔ ماکیاولیسم بر تمام شرق و غرب سایه افکنده و سیاست مفهومی جز ریاکاری، دروغ و حقه‌بازی ندارد و بزرگترین سیاستمداران کسانی هستند که به معاویه نزدیکترند، می‌بینیم که امام با قاطعیت و صراحت تمام فرهنگ اصیل اسلامی و فرهنگ علی (ع) را ارائه می‌دهد. و به راستی که در قرن بیستم این نوع از دیپلماسی بی‌نظیر و بی‌سابقه است و ما در حقیقت باید به چنین فرهنگی افتخار بکنیم و بخود ببالیم - و ما باید افتخار بکنیم که انقلاب ما از چنین رهبری قاطعانه و بدون تاثیر از سیاست‌های ماکیاولیستی قرن بیستم، برخوردار است.

*** سئوال دیگر در این زمینه اینستکه از نظر اسلام فرهنگ پدیده‌ای است در روبنای جامعه یا پدیده‌ای است زیربنائی؟**

- طبیعی است که فرهنگی که متشکل از مجموعهٔ معارف اسلامی است و به اندازهٔ تمام ابعاد وجود انسانی و تمام ابعاد هستی بُعد دارد، جنبهٔ زیربنائی خواهد داشت. و تمام بنیادها و نهادهای دیگر اجتماعی باید دارای چنین صبغهٔ فرهنگی باشند، یعنی صبغهٔ فرهنگ الهی و جهان‌بینی توحیدی. بنابراین و به استناد به فرمایشات امام اگر ما دست به انقلابی فرهنگی نزنیم، انقلاب ما ناقص خواهد بود. در مجموع می‌توان گفت که فرهنگ اسلامی جنبهٔ زیربنائی دارد و سایر نهادها و بنیادهای دیگر اجتماعی از قبیل سیاسی و اقتصادی می‌بایست بر اساس فرهنگ اسلامی نوسازی بشوند. و توجه دارید که وقتی انقلاب فرهنگی ما می‌تواند به نتیجه برسد که بتوانیم تمام نهادهای فرهنگ ویرانگر و تخمیلی و محمدرضاخانی را از اساس ویران و نابود سازیم. و می‌دانیم که این البته کار یکی دو روز نیست، چرا که طی شصت‌ساله اخیر فرهنگ غربی به گونه‌ای به جامعهٔ ما تحمیل شد که حالا تقریباً طبیعت ثانوی این جامعه شده است. و طبیعی است که در مبارزه برای از بین‌بردن چنین فرهنگی و مظاهر آن و نیز جایگزین ساختن فرهنگ اسلامی در جامعه، ما به زمان احتیاج داریم و انقلابی که اصطلاحاً می‌توان آنرا انقلاب تدریجی نامید.

*** برای چنین انقلابی و دست‌یافتن به هدف‌های آن، ما بر اساس چه برنامه‌هائی می‌توانیم عمل کنیم؟**

- البته نمی‌توان فرمول بخصوصی را از الآن ارائه داد، اما آنچه که مسلم است اینستکه این موضوع و انجام آن کار یکی دو نفر و یا یك گروه و دو گروه نخواهد بود. باید تمام متفکرین، اندیشمندان، حقوقدانان و عرفای ما بنشینند و طرح عملی این فرهنگ را که گفتم به اندازهٔ تمام ابعاد آفرینش دارای بعد است، پیاده بکنند. و شاید هم با اینکه محتوای فرهنگ اسلامی واحد است و توحیدی، اما به علت اختلاف در آداب و رسوم مردم ایران، ما به تعداد استانهای مملکت نیازمند به سبك‌ها و شیوه‌های مختلف برای پیاده کردن این انقلاب فرهنگی باشیم.

*** با توجه به اینکه پاره‌ای از وسائل ارتباط‌جمعی را ما از غرب گرفته‌ایم، مثل تلویزیون، و با توجه به ابعاد انقلاب فرهنگی موردنظر، نقش وسائل ارتباط‌جمعی در گسترش این فرهنگ چگونه می‌تواند باشد؟**

- البته توجه دارید که ما با قالب‌ها مخالفت نداریم و مثلاً نمی‌گوئیم که چون تلویزیون، سینما و حتی مطبوعات را که با سبك امروزی خود همگی غربی هم هستند، باید رها کرد. خیر چنین نیست و اساساً جهان‌بینی اسلام بیش از هر جهان‌بینی دیگری برای علم ارزش قائل است و بر اساس این جهان‌بینی است که ما معتقدیم علم مرزی نمی‌شناسد و اصولاً وطن مشخصی ندارد. بنابراین ما از این پدیده‌های غربی در راه تداوم انقلاب و گسترش انقلاب فرهنگی موردنظر نهایت استفاده را خواهیم کرد. اما آنچه که در این مسیر باید موردتوجه قرار گیرد طبیعتاً محتوا است. در یك رژیم طاغوتی مسلماً محتوای سینما و رسانه‌های گروهی محتوائی شرك‌آلود بود، اما در یك جامعهٔ توحیدی محتوای این رسانه‌های گروهی توحیدی خواهد بود و عملاً نه نقشی حاشیه‌ای که در متن خواهند داشت.

(ادامه دارد)

انقلاب فرهنگی و جهان‌بینی اسلام

بقیه از صفحه ۷

زمان حاضر انقلاب اسلامی ما در ادامهٔ مسیر خود با چه مشکلاتی روبرو است در جهت اجتناب از اینکه مفاهیم اصیل اسلامی با ضوابط و معیارات فرهنگ غربی سنجیده و ارزیابی شوند؟

ـ در سالهای اخیر که اختناق و استبداد به اوج خود رسیدهٔ بود، مبارزان اصیل ما در چند جبهه می‌جنگیدند. یك جبهه مبارزه با رزیم و نهادهای آن و یك جبهه هم مبارزه با افرادی که آگاه یا ناآگاه در خدمت رزیم بودند و احیاناً ملبس به لباس روحانیت و تلاششان نیز در محرف جلوه‌دادن اسلام به جامعه. نباید بیاد داشته باشید که رزیم چگونه تلاش می‌کرد تا ذهن جامعه را متوجه مسائل فرعی نگهدارد، چیزی که قرون گذشته را بیاد می‌آورد و اینکه مسلمانان در برهه‌ای از تاریخ اسلام راجع به قدمت و یا حدوث کلام‌الله بحث می‌کردند. و چه خونها بر سر این مسئله ریخته شد، مسئله‌ای که حل آن در آن‌زمان دردی را دوا نمی‌کرد. و می‌بینیم که طرح چنین مسائلی در زمانهائی معمولاً پیش کشیده می‌شود که جرقه‌ای در جهت شناخت اسلام اصیل در سطح جامعه متجلی شده است. و مثلاً در زمان ما که جامعه در جهت شناخت اسلام اصیل بسیج شده بود و بخصوص نسل جوان و دانشگاهی ما، دیدیم که یکمرتبه مسئله ولایت تکوینی و ولایت تشریعی پیش کشیده شد. مسائل صرفاً مشغول‌کننده‌ای که به راستی در زمان خود عده‌ای را هم مشغول کرد. اما دست‌اندرکاران چنین نقشه‌هائی که هدف انحراف ذهن جامعه و توجه‌دادن آن به مسائل فرعی بود، عملاً در حال حاضر شکست خورده‌اند. با اینهمه باید توجه داشت که هنوز هستند بقایائی از این افراد که در گوشه و کنار توطئه می‌کنند، نق می‌زنند و تحریك می‌کنند که البته اینهم از بین‌رفتنی است. آنچه که در حال حاضر بسیار مهم است تداوم انقلاب و به موازات تداوم پژوهش در زمینه‌ی اسلام اصیل است. مسئله دیگر برداشت و استنباط های غلطی است که بر مبنای معیارها و جهان‌بینی‌های غربی از اسلام شده است، چیزی که هم در گذشته و طی سالهای مبارزه با رزیم وجود داشت و هم در زمان حاضر وجود دارد. تردیدی نیست که با این مسئله باید شدیداً مبارزه کرد. آنچه که ما را برحذر می‌دارد از در غلطیدن به استنباط‌ها و برداشت‌های سهمگین التقاطی از اسلام، که بعقیده من خطرش بیشتر از اندیشه‌ها و افکار شناخته‌شده ضداسلامی است، رجوع به منابع اصیل اسلامی است که در راس آنها کتاب و سنت قرار دارد. و در اینراه کوشش کنیم تا اسلام راستین و اصیل را فارغ از هر معیار و مکتب دیگری عرضه بنمائیم. آنچه که بطور کلی باعث بروز افکار التقاطی می‌شود این است که مثلاً ما از قبل هدف خود را معین کرده‌ایم، راه را شناخته‌ایم و افکارمان را شکل داده‌ایم و پس از این مراحل است که به منابع اسلامی مراجعه می‌کنیم. یعنی در حقیقت ما خودمانرا در اختیار اسلام قرار نمی‌دهیم بلکه منابع اسلامی را در استخدام افکاری از قبل شکل‌گرفته می‌گیریم. و اینستکه یکمرتبه چشم باز می‌کنیم و می‌بینیم که در اطرافمان عده‌ای گرفتار افکاری التقاطی هستند و احیاناً هم ناخودآگاه. من باید با کمال تاسف عرض کنم که هم در داخل کشور و هم در خارج از کشور به این نوع از طرز تفکر بسیار برخورده‌ام. همانطور که گفتم بروز این نوع تفکر بیشتر ناشی است از افکاری از پیش شکل‌گرفته که باعث برداشت‌هائی التقاطی از مفاهیم اسلامی می‌شود و برای اجتناب از این موضوع و اینکه بتوانیم اسلام راستین و اصیل را به مردم ارائه بدهیم، باید قبل از برخورد و مطالعه منابع اسلامی خود را از هر نوع طرز تفکر شکل گرفته و از پیش معین رها بکنیم تا بتوانیم برداشتی درست و اصیل از اسلام واقعی بدست بیاوریم.

*** ممکن است در مورد علت سفر به خارج از کشور و فعالیت‌هائی که در آنجا داشتید مطالبی بفرمائید؟**

ـ علت سفر من بیماری بود. و علت این بیماری من برمی‌گردد به آخرین گرفتاری که تبعیدشدن به ایلام بود. بیاد دارم وقتی که در سال ٤٣ بخاطر خواندن قطع‌نامه‌ای در حضور امام و در حوزهٔ فیضیه قم، برای اولین بار توسط ساواك دستگیر شدم و مورد شکنجه بسیار قرار گرفتم، پس از تحمل این شکنجه و شکنجه‌های بعدی دچار عارضه‌ای نشدم. اما هنگام تبعید در ایلام یکروز بدون مقدمه رئیس شهربانی وقت ایلام و رئیس ساواك ایلام همراه چند مامور به محل اقامت من که واقع در مسجدی بود آمدند و بدون هیچ مکالمه‌ای مرا مورد ضرب و شتم قرار دادند. این بی مقدمه‌بودن حمله و شکنجه‌ی آنان باعث بروز عوارضی عصبی در من شد و من به اصطلاح شوکه شدم. پس از مدتی موفق شدم که برای معالجه به خارج از کشور سفر کنم و این موضوع در حقیقت علت اصلی سفر من به خارج از کشور بود. در خلال معالجه خود در خارج از کشور گاهی نیز به سخنرانی در شهرهای مختلف آلمان، فرانسه و انگلیس می‌پرداختم و نیز انتشار مقالات مختلف مثلاً دو جزوه در لندن منتشر کردم و هر دو مربوط به جریان انقلاب اسلامی ایرانی. علاوه بر این در بعضی از نشریات لندن مطالبی داشتم و همینطور مصاحبه‌هائی که بطور نمونه می‌توانم به مصاحبه با روزنامه گاردین اشاره کنم که در زمان خود مصاحبهٔ مشهوری شد و در رابطه با مبارزات ملت ایران و چهارماه قبل از پیروزی آن. و همینطور مصاحبه‌ای داشته‌ام با مجله معروف «الحوادث» که در لندن منتشر می‌شد و نیز مصاحبه‌ای با نماینده «عفو بین‌المللی» در فرانسه که متن این مصاحبه به زبانهای فرانسه، انگلیسی و بعد فارسی و بصورت جزوه‌ای منتشر شد. موضوع این مصاحبه شرح شکنجه‌ها و ظلم‌هائی بود که توسط رژیم بر نیروهای مبارز و ملت ایران رفته بود. از جمله کارهای دیگر انجام شده طی اقامتم در خارج از کشور، پایه‌گذاری انتشار نشریه‌ای است بنام «قسط» که تا کنون چهار شمارهٔ آن منتشر شده و امیدوارم که بتوانیم بمنظور گسترش هرچه بیشتر جهان‌بینی اصیل اسلامی در سراسر دنیا، انتشار آنرا ادامه دهیم.

*** در حال حاضر این نشریه به چه شکلی اداره می‌شود؟**

ـ من سردبیری نشریه را بعهده دارم و مقالات را از ایران تهیه می‌کنم و برای همکارانم که در لندن هستند می‌فرستم.

*** با توجه به تالیفاتی که شما در زمینه‌های فرهنگی داشته‌اید، مثلاً ترجمه کتابی از «امام‌موسی صدر» بنام «اسلام و فرهنگ قرن بیستم» می‌خواستم سئوال کنم که در قرن حاضر ما می‌توانیم به چه تعریفی از فرهنگ و در ابعادی اسلامی دست پیدا کنیم؟**

ـ در مجموع تعریف فرهنگ در ابعادی اسلامی عبارتست از مجموعهٔ معارف. یعنی در اسلام فرهنگ عبارتست از جهان‌بینی اسلام گرفته تا آداب و رسوم و رفتار زندگی، اعمال فردی و اجتماعی. مجموعهٔ جهان‌بینی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی اسلامی را می‌توان فرهنگ اسلامی نام نهاد. لزوم پیاده‌کردن چنین فرهنگی از مسائلی است که مورد توجه امام قرار گرفته و به راستی باز در اینجا با یکی دیگر از ویژگی‌های این رهبری ارزنده و قاطع روبرو می‌شویم که می‌بینیم مسائل لازم را به موقع و در لحظات حساس با ملت در میان می‌گذارد. من معتقدم معنای پیام امام در مورد فرهنگ اینستکه اولاً به ملت هشدار داده شود که جنبش مشروطه تکرار نشود. و وارثان این انقلاب فرزندان راستین انقلاب باشند و نه اینکه مثل مشروط ملت ایران یکمرتبه چشم باز کند و بیندوارث انقلاب او به رهبری روحانیت، تقی‌زاده‌ها و رضاخان‌ها شده‌اند. و دوم اینکه ضمن قاطعیت لازم در رهبری انقلاب، می‌بینیم که با هوشیاری کامل این نکته نیز مورد اشاره قرار می‌گیرد که تا زمانی که وزارتخانه‌های ما و دستگاههای دولتی ما صاحب صبغه‌ای اسلامی نگردند انقلاب ما در خطر است. بنابراین و با توجه به فرمان امام فرهنگ اسلامی می‌بایست با تمام ابعاد خود و در تمام شئون اداری و اجتماعی زندگی مردم ما مورد توجه قرار بگیرد تا به تعبیر خود امام وارثانی دروغین بر سفره‌ای که توسط مسلمانان و با خون آنان مهیا شده است ننشینند.

*** با توجه به این موضوع ما به مفهوم تازه‌ای از فرهنگ در این قرن برمی‌خوریم که نه تنها تحت‌الشعاع سیاست نیست بلکه حاکم بر آن است و در این مسیر مفاهیم تازه‌ای نیز برای مفاهیم تابعهٔ سیاسی از قبیل صراحت و قاطعیت سیاسی حتی در سطح برخوردهای بین‌المللی بوجود می‌آورد.**

ـ بطور مسلم. چرا که آنچه که در طول قرن بیستم تا این زمان از مفهوم سیاست استنباط می‌شد عبارت از ریاکاری، دروغ و خلاصه تعقیب مسیرهائی بود که نهایتاً منجر به تامین منافع خاص کشورها و یا قشرهائی بخصوص می‌گردید. اما بطور مثال می‌بینید آن صراحت و قاطعیتی که امام در برخورد با سفیر شوروی بخرج دادند و شاید در تاریخ بی‌سابقه باشد در حوزهٔ فرهنگ علی (ع) است. درست که دقت بکنید می‌بینید که این زبان علی (ع) است که سخن

شماره ردیف ....

شماره مسلسل ....

ماخذ، تاریخ [illegible] ۹ ۵۸/۴/۷



۲

«آرشیو»

عنوان : انقلاب فرهنگی و جهانی شدن اسلام

موضوع : ....

رزیم کثیف پهلوی گردید و نیز شیوهٔ مبارزه با این عوامل. بیاد دارم طی آن سالها، بخاطر جو حاکم بر جامعه، نه روحانیت می‌توانست تفکرات ما را بپذیرد و نه جامعه. قبل از قیام پانزده خرداد، مسئله انجمن‌های ایالتی و ولایتی پیش آمد و مبارزات امام‌خمینی و سایر مراجع تقلید در این خصوص - و من جزو اولین کسانی بودم که به ندای امام و مراجع تقلید پاسخ دادیم. بطور کلی مبارزات من بدو شکل تقسیم می‌شد. اول مبارزاتی علنی شامل نوشتن و سخنرانی که منجر به زندان، شکنجه و تبعید می‌گردید و دوم مبارزات مخفی و زیرزمینی. در خصوص شکل دوم که بیشتر بر نشر موضوعات ایدئولوژیکی متکی بود، اولین اقدام انتشار نشریه‌ای بود با نام «بعثت» و با همکاری آقای «ربانی شیرازی»، آقای «هاشمی‌رفسنجانی» آقای «سیدمحمود دعائی» (سفیر فعلی ایران در عراق) و آقای «سیدهادی خسروشاهی». با حدود پانزده شماره‌ای که از این نشریه منتشر شد، عملاً ما به این نتیجه رسیدیم که انتشار نشریهٔ «بعثت» در سطح جامعه توانست به کاری بنیادی و روشنگر تبدیل شود. و هنوز هم برای ما جای تاسف است که نتوانستیم انتشار انرا ادامه بدهیم، چرا که این نشریه نه تنها در زمان خود، که در زمان حاضر هم می‌توانست در زمینهٔ آگاهی دهندگی و سازندگی نقش مؤثری داشته باشد.

می‌توانم به جرات بگویم که بخصوص پس از پانزده خرداد حتی یکروز را هم بیاد ندارم که فارغ از سرنوشت ملت مظلوم و ستمدیدهٔ ایران زندگی کرده باشم. چه آنزمان که با برخورداری از آزادی نسبی در زندان بزرگ ایران بودم، چه در زمانی که در زندانهای شهربانی، قزل‌قلعه بودم و چه در زمانی که در ایلام و قهرمانشهر (کرمانشاه) تبعید بودم سعی می‌کردم کاری بکنم، حرفی بزنم و چیزی بنویسم در جهت دفاع از حقوق ملت ایران و در جهت مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی. اما آنچه که فعالیت‌های مرا در شانزده سالهٔ اخیر مشخص می‌کند تاکیدی بود که من همواره بر تکیه بر قدر مشترك ها داشتم و نیز مبارزه‌ای که بر علیه ایجاد تفرقه انجام می‌دادم. چرا که معتقد بوده و هستم که تفرقه بزرگترین عامل امپریالیسم جهانی بوده و هست که می‌تواند براساس آن از کاربرد نیروهای انقلابی بکاهد. من در اینراه به مراتبی بیشتر از مبارزه مستقیم با خود رژیم تلاش کرده‌ام و در حال حاضر هم معتقد هستم که ایجاد تفرقه و نفاق برای ما کاری خطرناکتر از حتی پیاده‌کردن نیروهای نظامی امپریالیسم در ایران است. من معتقد بوده و هستم که باید مفهوم ایه شریفه (محمد رسول‌الله والذین معه اشداء علی‌الکفار رحماء بینهم...» را به معنای وسیع آن پیاده کرد. یعنی در عین مبارزه با دشمن می‌بایست با گروههای مبارز و انقلابی دیگر هرچند که از نقطه‌نظر تاکتیکی و استنباط از مسائل اجتماعی با ما اختلاف دارند، مهربان و متحد بود. که متاسفانه در گذشته از طرف بعضی از گروههائی که فاقد پختگی و عمق بینش انقلابی بودند این موضوع مورد توجه قرار نمی‌گرفت و در حال حاضر هم متاسفانه مورد توجه قرار نمی‌گیرد. بهرحال من بر این عقیده هستم که در حال حاضر هم یکی از عوامل مؤثری که امپریالیسم جهانی و عوامل رژیم سابق در اختیار دارند همین مسئله تفرقه و نفاق‌افکنی بین گروههای مختلف انقلابی است. لذا من هشدار می‌دهم که تمام گروههای مذهبی و سیاسی ضمن حفظ اتحاد خود نگذارند که امپریالیسم جهانی از طریق نفاق‌افکنی در مسیر و جریان پیش‌روندهٔ انقلاب اثر بگذارد.

*** در ارتباط با سئوال قبل، طی سال‌های گذشته شما به چه شیوه‌ای با نسل جوان و محافل سیاسی جوان در ارتباط بودید؟**

- اتفاقاً به آن میزانی که با نسل جوان ارتباط داشتم با سایر قشرهای جامعه در ارتباط نبودم. به دلیل اینکه معتقد بودم مبارزه با استعمار فکری و اندیشه مقدم بر مبارزه با استعمار نظامی، سیاسی و اقتصادی است. و در این مسیر کوشش می‌کردیم تا به نسل جوان یادآوری کنیم که استعمار و استبداد تلاشی بی‌وقفه دارد. در تهی ساختن و جدا کردن این نسل از فرهنگ اصیل، مستقل و ملی خود. بیشترین نیروی من بخصوص در این شانزده‌ساله اخیر چه در خطابه‌ها و سخنرانی‌ها و چه در نوشته و کتابها متوجه همین مسئله و نیازهای نسل جوان بوده است، نسلی که در تمام لحظات زندگی زیر نفوذ و بمباردمان دائمی فرهنگ غرب و مظاهر سطحی آن قرار گرفته بود. من معتقد بودم که توجه دادن نسل جوان به هویت اصیل فرهنگی خویش می‌تواند باعث شدت و قدرت بیشتر مبارزه او در برابر استعمار و استبداد گردد. و دیدیم که سرانجام نیز چنین شد و جوانان ما با بهره‌مندی از آگاهی نسبت به فرهنگ اسلامی یکی از نیروهای عمدهٔ انقلاب بوده‌اند. همانطور هم که در مصاحبه‌ای که با روزنامهٔ ایتالیائی «لاس‌تامپا» در آوریل ۷۹ داشته‌ام به این نکته اشاره کرده‌ام که خمینی نشانهٔ زنده انقلاب فرهنگی خاص خود ما است. و انقلاب ایران در حقیقت واکنشی بود برای رد طرز فکر و رفتار تقلید شدهٔ از غرب و همچنین رد نحوهٔ تفکری که رژیم محمدرضا تحمیل کرد بود. و در آنجا اضافه کرده بودم که امروز ایران در صدد یافتن هویت از دسترفته خود و ارزش‌های سنتی تمدن اصیل خویش است. اعتقاد ملت ما به امام خمینی از آنجا ناشی می‌شود که او را مظهر احیاء سنتها و امید برای آینده بهتر ایران و زندگی ملت ایران می‌دانند. بخصوص نسل جوان احیاء هویت از دسترفته‌ی فرهنگ جامعه خویش در وجود امام متجلی می‌بیند. و برای این علتی دیگر نیست مگر کوشش و تلاش روحانیت طی سالهای متمادی و بخصوص این شانزده‌ساله اخیر و برای توجه نسل جوان به خویشتن خویش، و فرهنگ مستقل، ملی و اسلامی خویش.

● امام‌خمینی نشانهٔ زنده انقلاب فرهنگی خاص خود ما است.

● پس از پانزده خرداد، یکروز را هم بیاد ندارم که فارغ از سرنوشت ملت مظلوم و ستمدیدهٔ ایران زندگی کرده باشم.

● تفرقه و نفاق خطرناکتر از پیاده شدن نیروهای نظامی امپریالیسم در ایران است.

● علم مرزی نمی‌شناسد و اساساً وطن مشخصی ندارد.

*** با توجه به موضوع پیش، می‌توانیم دریابیم که انقلاب اسلامی ایرانی در کنار سایر دستاوردها، توانسته است به کشف دوبارهٔ ضمیر پنهان ملت ایران موفق گردد و دربرانگیختن و هدایت آن در مسیر انقلابی، به نتایجی که امروز شاهدیم دست بیابد. ممنون خواهیم شد اگر تلاش‌های پنهان طی این سالها و در این مسیر را با توجه به موانعی که رژیم و دستگاههایش بخصوص «ساواك» بر سر راه جریانات انقلابی قرار می‌داد، مورد تشریح قرار بدهید.**

- بله، در رابطه با مسائل مورد اشارهٔ پیش می‌بینیم که حتی در سالهای اخیر ساواك یك جوان را به جرم داشتن یك کتاب و یا خواندن آن به زندانهائی بیش از پنج‌سال محکوم می‌کرد. و گاهی هم ده‌سال زندان برای داشتن کتابهائی که در مسیر احیاء دوباره آن ضمیر مردهٔ ملی ما بودند، بخصوص درباره کتابهای شهید «دکتر شریعتی»، که در اینجا باید یادی و ذکر خیری از او بشود، به اندازه‌ای بسیار حساسیت نشان داده می‌شد. و منشاء این حساسیت این بود که این کتابها و آثار در مسیر کشف وجدان فراموش‌شده و مردهٔ ملی ملت بود. در این میان نباید نقشی را که متفکران و محققین ما داشته‌اند فراموش کرد و بخصوص در این زمان این پژوهش‌ها و تحقیقات می‌باید بر اساس برنامه‌ریزی و شیوه‌ای سیستماتیك ادامه پیدا کند. و من معتقدم اگر این موضوع، یعنی پژوهش در ایدئولوژی اسلام، ایدئولوژی مرزبندی شدهٔ خالص، اصیل و غیر التقاطی اسلامی انجام نشود، مطمئن باشید که انقلاب ما پیروز نخواهد شد و شکست خواهد خورد. چرا که هیچ انقلابی بدون پشتوانه فکری قوی نمی‌تواند ادامه پیدا کند. ممکن است چنین انقلابی بر اساس احساسات و روحیهٔ انقلابی حتی چند سالی دوام بیاورد، اما یك انقلاب در صورتی به هدف نهایی و پیروزی کامل خود دست می‌یابد که بر پشتوانهٔ قوی ایدئولوژیکی و فرهنگی اصیل و غیر التقاطی تکیه داشته باشد.

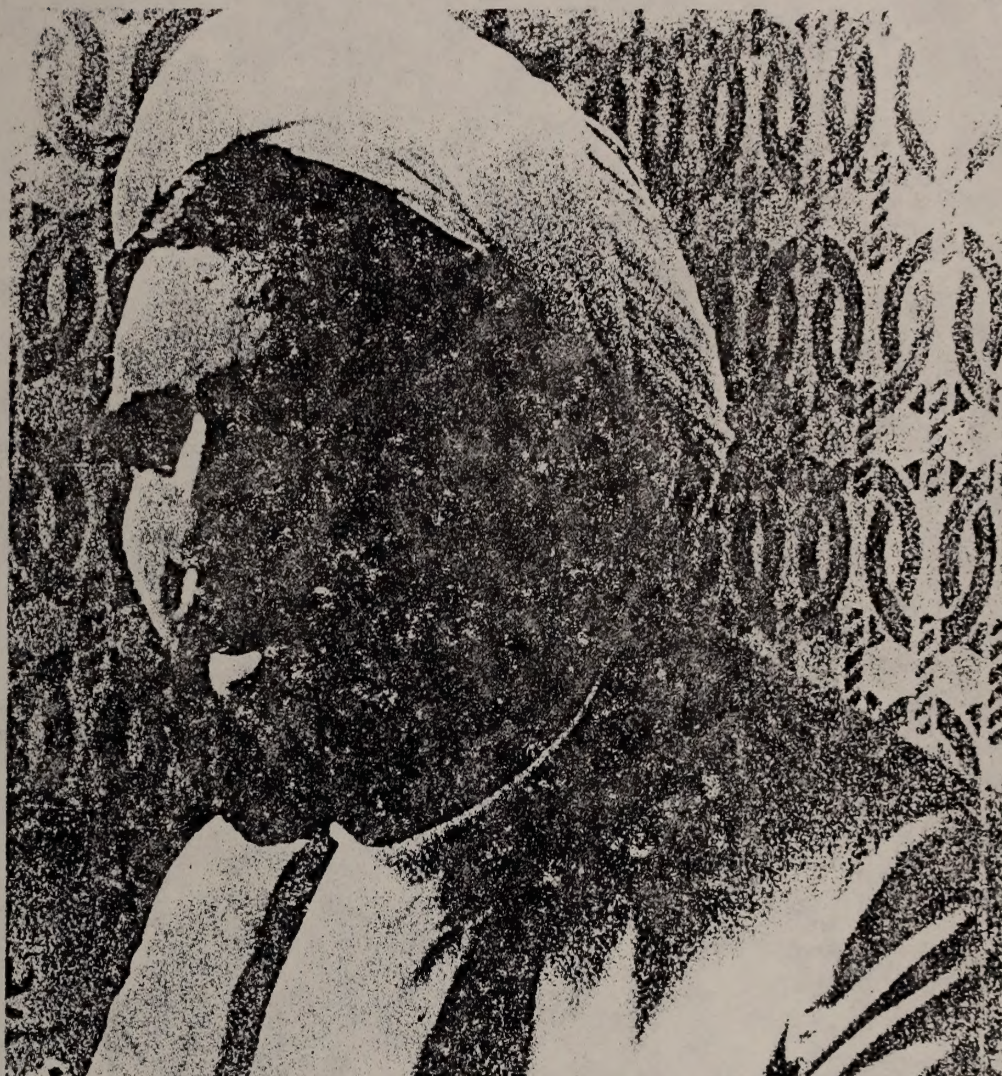
*** تردیدی نیست که سوی دیگر مبارزات متکی بر ایدئولوژی اصیل اسلامی در گذشته متوجه جریانی بود که رژیم از طریق آن می‌خواست تا چهره‌ای مخدوش از اسلام را ارائه دهد. با توجه به این موضوع و در**

بقیه در صفحه ٥٤

قسمت اول

گفتگو با «علی حجتی کرمانی»
خطیب، نویسنده و متفکر اسلامی

انقلاب فرهنگی و جهان‌بینی اسلام



اشاره:

حجة‌الاسلام والمسلمین علی حجتی کرمانی از چهره‌های انقلابی، مبارز و متفکر روحانیت ما است. مبارزات پی‌گیر او علیه رژیم گذشته باعث شد تا بارها به زندان افتد و یا تبعید شود اما آنانکه بطور مستقیم در جریان این مبارزات بودند، هیچگاه از یاد نمی‌برند که رژیم در برابر استقامت و شهامت ایشان که متکی بر جهان‌بینی اصیل اسلامی بود، به زانو درمی‌آمد و برای آنکه زبونی خویش را در برابر این سرباز اسلام، که یکی از بسیار بود، پنهان دارد چگونه به آزار و شکنجه وی می‌پرداخت.

کنون از حجة‌الاسلام حجتی کرمانی کتابها و مقالات بسیاری را در زمینه‌های مختلف اسلامی مطالعه کرده‌ایم که از میان آثار ایشان و بطور نمونه می‌توان به «اسلام و تبعیضات نژادی»، «عصر امتیاز ماشین»، «ضد دیالکتیك مارکسیستی»، «اسلام و فرهنگ قرن بیستم»، «تشیع مولود طبیعی اسلام»، «اقتصاد در مکتب اسلام»، «تاریخ و علوم قرآن» و بسیاری آثار نوشته شده و یا ترجمهٔ دیگر اشاره کرد. مجموع این آثار چه در زمینه تالیف و چه در زمینهٔ ترجمه نشان‌دهندهٔ تسلط ایشان است بر معارف و جهان‌بینی اسلامی از یکسو و شناخت نسبت به مسائل روز و جهان امروز از سوئی دیگر.

با توجه به فرمایشات اخیر امام در زمینهٔ لزوم انقلاب فرهنگی در سطح کشور، تیمسار دکتر مدنی، فرمانده نیروی دریائی جمهوری اسلامی و استاندار خوزستان اولین کسی بود که به اقدامی عملی در جهت فرمان امام دست زد و حجة‌الاسلام و المسلمین علی حجتی کرمانی را به سمت مشاور فرهنگی و اسلامی در امور استانداری خوزستان برگزید. به همین بهانه با حجت‌الاسلام حجتی کرمانی به گفتگوئی همه‌جانبه در زمینه‌های مختلف پرداختیم که قسمت اول این گفتگو را در این شماره می‌خوانید.

* با توجه به اختناق حاکم بر مملکت طی سالهای پیش و بخصوص پانزده‌سال گذشته، جز برای آنانکه مستقیماً در جریان مبارزات ضد رژیم بودند، امکان آن وجود نداشت که با چهره‌های مبارز، آنگونه که شایسته است آشنا بشوند. اما خوشبختانه در حال حاضر این امکان پیش‌آمده و خوانندگان ما بسیار خوشحال خواهند شد که در این‌باره و از زبان خود شما مطالبی را دریابند.

- سرآغاز مبارزات من و اساساً آشنائی من با مسائل سیاسی و اجتماعی برمی‌گردد به فعالیت‌ها و مبارزات فدائیان اسلام و بخصوص شهید عالیقدر «سیدمجتبی نواب صفوی». و این موضوع همزمان است با نخستین سال ورود من به حوزهٔ علمیه قم و شروع تحصیل در زمینه علوم اسلامی. من چقدر باید خدای را سپاس بگذارم که در سال اول طلبگی، مرا با شخصیت ارزنده و مبارزی مانند «سیدمجتبی نواب صفوی» آشنا کرد، که این آشنائی باعث شناخت امپریالیسم جهانی، استبداد داخلی و جنایت‌های